فرهنگ نامه موضوعی

صحیفه سجادیه

جلد سوم

ل-ی

سید احمد سجادی

مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگنامه موضوعی صحیفه سجادیه

نویسنده:

سید احمد سجادی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : سجادی، سیداحمد، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه/ سیداحمد سجادی، با همکاری جمعی از محققان ؛ پژوهش مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

مشخصات نشر : اصفهان: حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

شابک : ۶۰۰۰۰۰ ریال: دوره:۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۷-۹ ؛ ج. ۱:۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۴-۸ ؛ ج. ۲:۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۵-۵ ؛ ج. ۳:۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۶-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (س) ، ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : فروست پشت جلد: مجموعه منشورات؛ ۱۲،۱۱

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.۱.آ-خ.-ج.۲.د-گ.-

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق . صحیفه سجادیه -- فهرست مطالب

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق . صحیفه سجادیه

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه ای

رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۱/ع ۸ص ۳۰۷۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۳۰۹۲۸

ص: ۱

اشاره

ص :٣٠٨

ل

لباس

علّت جامه گرداندن شب، برای بندگان

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِیَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند.

۵/۶

رعد و برق، و لباس بلا

وَ لَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ

و به سبب آن دو، جامه بلا بر ما نپوشان.

۱/۳۶

روز قیامت و جامه های امان

وَ اکْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فِی نُشُورِنَا

و با آن (قرآن)، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.۱۱/۴۲

پوشاندن لباس عافیت، به بنده

وَ سَرْبِلْنِی بِسِرْبَالِ عَافِیَتِکَ

و لباس عافیت خود را به من بپوشان.

۱۱۲/۴۷

لبّیک

لبّیک گفتن به فرمان خدا

وَ أَنَا یَا إِلَهِی عَبْدُکَ الَّذِی أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ

و من – ای خدای من – بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم.

۱۳/۱۶

لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ، تَسْمَعُ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ

در فرمانبری ات پابرجایم. کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی.۱۲/۵۱

لحد

عامل گشاد گشتن تنگی لحدهای بندگان

وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِکَ فِی ضِیقِ مَلَاحِدِنَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان.۱۴/۴۲

ص: ۱۰۶۱

لذّت

شب و دست یابی به لذّت و خوشی

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ... لِیَنَالُوا بِهِ لَذَّهً وَ شَهْوَهً

پس شب را برای آنان آفرید تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.۵/۶

لذّت سلامتی

وَ أَذِقْنِی بَرْدَ السَّلَامَهِ

و گوارایی سلامتی را به من بچشان.۶/۱۵

سبب دریافتن لذّت آنچه خدا برای آن خوانده می شود

وَ ارْزُقْنِی خَوْفَ غَمِّ الْوَعِیدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّی أَجِدَ لَذَّهَ مَا أَدْعُوکَ لَهُ

و ترسِ انـدوهِ وعـده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم، دریابم.

۹/۲۲

سپری گشتن لذّات گناهان و به جا ماندن گرفتاری های آن

وَ اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِکَ وَ قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار

شـده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسـته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.۹/۳۱

سبب دریافتن لذّت درخواست از خدا

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّی نَجِدَ لَذَّهَ مَا نَدْعُوکَ بِهِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می خواهیم، دریابیم.۵۳/۴۵

لذّت عفو الهی

وَ أَوْجِدْنِی بَرْدَ عَفْوِکَ

و مرا از لذّت بخشایشت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

لرزش

لرزش پاهای بنده، از ترس خدا

قَدْ أَرْعَشَتْ خَشْیَتُهُ رِجْلَیْهِ

ترس پاهایش را به لرزه انداخته.۹/۱۲

لرزش اندام از شکوه الهی

قَدْ تَرَی یَا إِلَهِی... انْتِقَاضَ جَوَارِحِی مِنْ هَیْبَتِکَ

ای خدای من، لرزش اندامم را از هیبت خود

می بینی.۱۹/۱۶

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... اضْطِرَابَ أَرْكَانِی مِنْ هَيْبَتِكَ

خداوندا، پس به لرزش اندامم از شکوهت، رحم فرما.۲۳/۳۱

لرزش پل دوزخ، در روز قیامت

وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَيْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

و هنگـام لرزیـدن پـل دوزخ، در آن روز کـه بر آن عبـور می کنیـم، لغزش گـام هـای مـا را بـه وسـیله آن (قرآن)، پـابرجا گردان.۱۵/۴۲

لشکر

لشکر شیطان

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده.۱۳/۱۷

لشکری از فرشتگان

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ...

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را بفرست.

۱۱/۲۷

سلطنت خدا و بدون لشکر بودنش

اللَّهُمَّ يَا ذَا... السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعْوَانٍ

خداوندا ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان

و یاران.۲و۱/۳۲

ولیّ خدا و سپاه الهی

وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ

و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.

۶۱/۴۷

فرار دشمن و خلف وعده سپاهیانش با او

وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیًا قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَایَاهُ

و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.

۶/۴۹

لطف تفضّل

لطف خدا و اسباب کارها

وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِکَ الْأَسْبَابُ

و به لطف تو وسیله ها فراهم گردید.۲/۷

لطف خدا، در ترغیب نمودن (به پاداش)

وَ تَلَطَّفْتَ فِی التَّرْغِیبِ

و با لطف خود، ترغیب نموده ای.۲۱/۴۶

لطیفی بسیار لطف کننده

سُبْحَانَکَ مِنْ لَطِیفٍ مَا أَلْطَفَکَ

پاک و منزّهی! ای لطیفی که چه بسیار لطیفی!

۲۳/۴۷

ص: ۱۰۶۳

آنچه بنده از لطف پروردگار، برای خود می خواهد:

أ. کامل گرداندن نیّت

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِکَ نِیَّتِی

خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان.۲/۲۰

ب. دور گرداندن هر پیشامد بد

وَ ادْرَأْ عَنِّی بِلُطْفِکَ

و به لطفت، (هر شرّی را) از من دور کن.

۲۱/۲۰

ج. بازداشتن از بیجا خرج کردن

وَ اقْبِضْنِی بِلُطْفِکَ عَنِ التَّبْذِیرِ

و مرا - به لطف خود - از ولخرجی باز دار.۳/۳۰

لعنت

لعنت خدا، بر دشمنان برگزیدگان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ... وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.۱۰/۴۸

لعنت خدا، بر خوشنود گردیده به اعمال

دشمنانِ جانشینان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ... وَ مَنْ رَضِیَ بِفِعَالِهِمْ

خداوندا، دشمنان ایشان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود، لعنت کن.۱۰/۴۸

لغزش

نفْس و جلوه گری لغزش های خطاکاران

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ... وَ هِیَ زَلَّهٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِینَ، وَ عَثْرَهٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِینَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران و افتادنی از افتادن های گناهکاران است.۱۵/۱۳

توفیق الهی و برخاستن از لغزش

وَ نَهَضْتُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ زَلَّتِی

و با توفیق تو از لغزیدنم برخاستم.۱۶/۱۳

راهنمایی خداوند و برگشتن از لغزش

وَ رَجَعْتُ وَ نَکَصْتُ بِتَسْدِیدِکَ عَنْ عَثْرَتِی

و با راهنمایی تو برگشته و از لغزشم دست برداشتم.۱۶/۱۳

ص: ۱۰۶۴

پاسداری از لغزش ها

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ...

و خویشتن داری از لغزش ها را روزی ام کن.

۱۳/۲۲

تبهکاری شیطان و لغزاندن بنده

وَ إِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ یَسْتَزِلَّنَا

و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.۷/۲۵

ترس از خدا و نگه داشته شدن از لغزش

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِینَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

لغزش های گذشته و تازه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ... سَوَالِفِ زَلَّاتِی وَ حَوَادِثِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاهت توبه می کنم.

۱۴/۳۱

لغزش های بنده و نیکویی گذشت الهی

وَ أَقِلْنِی عَثَرَاتِی بِحُسْنِ إِقَالَتِکَ

و به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر.

۳۲/۳۲

پشیمانی بنده، از لغزش های گرفتار شده به آنها

وَ اجْعَلْ نَدَامَتِی عَلَی مَا وَقَعْتُ فِیهِ مِنَ الزَّلَّاتِ... تَوْبَةً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

لغزش گام های بندگان، هنگام گذشتن از پل دوزخ

وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَـجازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا

و هنگـام لرزیـدن پـل دوزخ، در آن روز کـه بر آن عبـور می کنیـم، لغزش گـام هـای مـا را بـه وسـیله آن (قرآن)، پـابرجا گردان.۱۵/۴۲

عفو لغزش کاران، از روی احسان الهی

وَ یَا مَنْ یَمُنُّ بِإِقَالَهِ الْعَاثِرِینَ

و ای آنکه با احسان خود لغزشکاران را می بخشایی.۷۵/۴۷

اعتراف به لغزش کاری

أَنَا الْمُسِیءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ

ص: ۱۰۶۵

منم بدکارِ اعتراف کننده خطاکار لغزشکار.

۷۶/۴۷

درخواست درگذشتن خدا، از لغزش بنده

وَ أَقِلْنِی عَثْرَتِی

و از لغزشم درگذر.۱۶/۴۸

وَ أَسْتَقِیلُکَ عَثَرَاتِی

و از تو می خواهم که از لغزش هایم درگذری.

۸/۵۱

لغزش بنده و افتادن (در گناه)

أَنْتَ الَّذِی... أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِی

تویی که هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگذشتی.۴/۵۱

درگذشتن خدا، از لغزش بنده

یَا مُقِیلِی عَثْرَتِی

ای درگذرنده از لغزشم.۷/۵۱

رحم نمودن خدا، بر لغزیدن پای بنده

مَوْلَایَ ارْحَمْ... زَلَّهَ قَدَمِی

مولای من! بر لغزش گام هایم رحم کن.۴/۵۳

لمس

عدم شناخت خدا، با لمس کردن

سُبْحَانَکَ لَا تُحَسُّ... وَ لَا تُمَسُّ

پاک و منزّهی! نه حس می شوی و نه لمس می گردی.۲۷/۴۷

لوازم خانه

همسایگان و لوازم خانه

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در همیاری نیکو در مایحتاج زندگی یشان، توفیق ده.۲/۲۶

لهو

چشم ها و نشتافتن به سوی لهو

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَی لَهْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با چشم هایمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.۶/۴۴

راهنمایی خداوند و اشتغال بنده، به لهو

إِلَهِی هَدَیْتَنِی فَلَهَوْتُ

خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم.۱/۴۹

علّت اشتغال به لهو و بیهوده کاری

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست

می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش، به بیهوده کاری مشغول شده.

۸/۵۲

لیاقت شایستگی

م

مار

نیشِ مارهای آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... حَیَّاتِهَا الصَّالِقَهِ بِأَنْیَابِهَا

و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند، به تو پناه می برم.

۳۱/۳۲

مال ثروت و نیز دارایی

مالک

درود خدا بر فرشته ای به نام «مالک»

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مَالِکٍ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و مالک.

۱۸و۱۱و۱۰/۳

ماندگاری بقا

ماندن

اقامت مجاهد مسلمان، در راه خدا و برای او

وَ اجْعَلْ... ظَعْنَهُ وَ إِقَامَتَهُ، فِیکَ وَ لَکَ

و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده.۱۴/۲۷

به جا ماندن تبعات گناهان

وَ اسْتَغَاثَ بِکَ مِنْ عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِکَ وَ قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکْمِکَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا

فَلَزِمَتْ

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت، و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.**۹/۳۱**

بسیار ماندن در بین طبقات خاک در قبر

وَ بَارِكْ لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ الْبِلَی، وَ طُولِ الْمُقَامَهِ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان.**۱۴/۴۲**

ص: ۱۰۶۹

اقامت پسندیده ماه رمضان، بین مسلمانان

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد.۲۲/۴۵

مانع سدّ

ماهِ نو

ویژگی های ماه

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ

ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده، که در منزل های قرارداده شده، آمد و شد می کنی و در فلک تدبیر تصرّف می کنی.۱/۴۳

روشن شدن تاریکی ها، با ماه

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت.۲/۴۳

آشکار ساختن امور مبهم، با ماه

آمَنْتُ بِمَنْ... أَوْضَحَ بِكَ الْبُهَمَ

ایمان آوردم به کسی که با تو مبهمات را واضح نمود.۲/۴۳

ماه، نشانه پادشاهی خدا

وَ جَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَ عَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ

و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد.۲/۴۳

به خدمت گماشتن ماه، و فرمانبری و شتابش

وَ امْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ، وَ الْإِنَارَةِ وَ الْكُسُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَ إِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، و نورفشانی و گرفتگی، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش، شتابنده ای.**۲/۴۳**

تدبیر خدا، در امر (آفرینش) ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِی أَمْرِکَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود!**۳/۴۳**

دقیق بودن انجام داده خدا، درباره ماه

سُبْحَانَهُ مَا... أَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِی شَأْنِکَ!

پاک و منزّه است او. چقدر لطیف است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد!**۳/۴۳**

هلال ماه نو، کلید ماهی نو برای کاری نو

جَعَلَکَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ

ص: ۱۰۷۰

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

درخواست از آفریننده و تقدیرکننده ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبَّکَ، وَ خَالِقِی وَ خَالِقَکَ، وَ مُقَدِّرِی وَ مُقَدِّرَکَ، وَ مُصَوِّرِی وَ مُصَوِّرَکَ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...

پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو، و آفریننده من و آفریننده تو، و تقدیرکننده من و تقدیرکننده تو، و صورتگر من و صورتگر تو است، درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

ماه نو، ماه برکت و پاکی (از گناهان)

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَهٍ لَا تَمْحَقُهَا الْأَیَّامُ، وَ طَهَارَهٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد و طهارتی که گناهان آن را آلوده نکند.۴/۴۳

ماه نو، ماه ایمنی از آفت ها و سلامتی از بدی ها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ، وَ سَلَامَهٍ مِنَ السَّیِّئَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی از آفت ها و سلامتی از بدی ها قرار دهد.

۴/۴۳و۵

ماه نو؛ ماه سعادتمندیِ بدون تیره بختی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِیهِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سعادتمندی بی تیره بختی قرار دهد.۴/۴۳و۵

ماه نو؛ ماه برکتِ بدون سختی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... یُمْنٍ لَا نَکَدَ مَعَهُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه برکتی بی گرفتاری با آن، قرار دهد.۴/۴۳و۵

ماه نو؛ ماه آسانی بدون دشواری

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ... يُسْرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه آسانی نیامیخته با دشواری قرار دهد.۵و۴/۴۳

ماه نو؛ ماه خیر و نیکیِ بدون بدی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ... خَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه خیر ناآلوده با شرّ، قرار دهد.۵و۴/۴۳

ماه نو؛ ماه ایمنی، ایمان، نعمت، احسان، سلامت و اسلام

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ أَمْنٍ وَ إِيمَانٍ، وَ نِعْمَةٍ وَ إِحْسَانٍ وَ سَلَامَةٍ وَ إِسْلَامٍ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه

ص: ۱۰۷۱

ایمنی و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام قرار دهد.۵و۴/۴۳

درخواست اموری از خدا، با طلوع ماه نو

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَزْکَی مَنْ نَظَرَ إِلَیْهِ، وَ أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ، وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِلتَّوْبَهِ، وَ اعْصِمْنَا فِیهِ مِنَ الْحَوْبَهِ، وَ احْفَظْنَا فِیهِ مِنْ مُبَاشَرَهِ مَعْصِیَتِکَ

و ما را از پاک ترین کسانی که به سوی آن (ماه) نگریسته(اند) و نیک بخت ترین کسانی که تو را در آن بندگی نموده(اند)، قرار ده و ما را در آن برای توبه توفیق ده و ما را در آن از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.

۶/۴۳

وَ أَوْزِعْنَا فِیهِ شُکْرَ نِعْمَتِکَ، وَ أَلْبِسْنَا فِیهِ جُنَنَ الْعَافِیَهِ، وَ أَتْمِمْ عَلَیْنَا بِاسْتِکْمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ الْمِنَّهَ

و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن و در آن پوشش های عافیت را به ما بپوشان و با کامل کردن طاعتت در آن، نعمت را بر ما تمام گردان.

۷/۴۳

مباح

مباح بودن بخشش خداوند، برای درخواست کنندگان

وَ جُودُکَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِینَ

و بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است.۱۴/۴۶

مباهات فخرفروشی

مبادرت شتاب

مبالغه اغراق

مبهم

ماه و آشکار شدن امور مبهم

آمَنْتُ بِمَنْ... أَوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ

ایمان آوردم به کسی که با تو مبهمات را واضح نمود.۲/۴۳

متابعت پیروی

متاع کالا

متراکم

درخواست ابری متراکم، از خدا

وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ بِغَیْثِکَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تُوَسِّعُ بِهِ فِی الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتَرَاکِمًا...

و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده.۳و۱/۱۹

ص: ۱۰۷۲

متشابه

اقرار به متشابهات قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه اش قرار می دهند.۴/۴۲

متشابهات، و پناهگاه محکم قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَأْوِى مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ

و ما را از کسانی قرار ده از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می برند.۷/۴۲

مَثَل

فهم مَثَل های منع کننده قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِى ظُلَمِ اللَّيَالِى مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا... زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا مَثل های بازدارنده اش را، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

کوه های استوار و مَثَل های قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِى ظُلَمِ اللَّيَالِى مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِى ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِى عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار

ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.۱۰/۴۲

مَثَل انفاق کنندگان در راه خدا

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

مَثَل های زده شده، (در قرآن)

وَ ضَرَبْتَ الْأَمْثالَ

و مَثَل ها زده ای.۲۱/۴۶

مِثل همانند

مجازات کیفر

مجاهد

روبرو نمودن مجاهد، با آسانی

اللَّهُمَّ وَ أَيُّما غازٍ غَزاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجاهِدٍ جاهَدَهُمْ... فَلَقِّهِ الْيُسْرَ

خداونـدا و هر رزمنـده ای از اهـل دینت که با آنها بجنگـد و هر مجاهـدی که با ایشان جهاد نمایـد، پس او را با آسانی روبرو کن.۱۳/۲۷

وجوب پاداش مجاهدان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُـجَاهِدِينَ

خداونـدا و هر مسـلمانی که امر اسـلام او را نگران سـاخت، از این رو قصـد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان.۱۷/۲۷

مجلس

آراستن مجلس والدین

وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي

و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما.

۴/۲۵

آباد گرداندن مجالس شایستگان

وَ اعْمُرْ بِي مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ

و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

۴/۴۱

مجیز چاپلوسی

محبّت دوستی

محرومیّت

محروم شدن از پاداش خداوند

نَعُوذُ بِكَ مِنَ... حِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَ حُلُولِ الْعِقَابِ

و پناه می بریم به تو از بی بهره گی از پاداش و فرود آمدن کیفر.۹/۸

سبب محرومیّت بخشش خواه، از احسان الهی

وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِکَ، فَتَکُونَ قَدْ... حَرَمْتَ مَنِ اسْتَرْفَدَ فَضْلَکَ

و به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده ای.

۳/۱۰

علّت گراییدن به محرومیّت

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.۱۴/۱۳

بنده و سزاواری محرومیّت

ص: ۱۰۷۴

فَمَا أَنَا... بِأَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلَکَ فَأَفْضَلْتَ عَلَیْهِ وَ هُوَ یَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ

پس من نخستین سؤال کننده نیستم که از تو درخواست کرده و به او تفضّل نمودی، با اینکه سزاوار بی بهرگی است.۲۰/۱۳

محروم نساختن بنده روآورنده به خدا

إِلَهِی... لَا تَحْرِمْنِی وَ قَدْ رَغِبْتُ إِلَیْکَ

خدای من، مرا که از تو درخواست کرده ام محروم نساز.۱۷/۱۶

آنکه بنده را محروم و بی بهره نموده

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُثِیبَ مَنْ حَرَمَنِی بِالْبَذْلِ

و مرا توفیق ده تا به آنکه محرومم نموده، با بخشش پاداش بخشم.۹/۲۰

محروم شدن از جانب خویشان

وَ إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی

و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند.۳/۲۲

ناامیدی از (رحمت) خدا، و محرومیّت

وَ لَا تَحْرِمْنِی بِالْخَیْبَةِ مِنْکَ

و مرا به ناامیدی از خود، محروم نکن.

۱/۴۱

محروم شدن از فضل ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی فَضْلِکَ الَّذِی حُرِمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم.۴۲/۴۵

وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.۴۳/۴۵

محروم نساختن بنده درخواست کننده

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْکَ رَبِّ... سَائِلًا فَلَا تَحْرِمْنِی

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که خواهانم به سوی تو گریخته ام، پس مرا ناامید برنگردان.۸/۵۱

محروم نساختن بنده، با وجود ناسپاسی او

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَيْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی لِقِلَّهِ شُکْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان.۱۳/۵۱

شهوات و محرومیّت بنده

وَ شَهَوَاتِی حَرَمَتْنِی

و خواهش های نفسانی ام مرا محروم گردانده.

۷/۵۲

محکمی استواری

محل جایگاه

ص: ۱۰۷۵

محمّد صلی الله علیه و آله

محمّد صلی الله علیه و آله ، سبب منّت خدا، بر مسلمانان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد بر ما منّت نهاد.۱/۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیامبر و نبیّ خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد.

۱/۲

وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِکَ وَ مِلَّهِ نَبِیِّکَ: مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّیْتَنِی

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

درود خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ

عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد.

۱/۲

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ

خداوندا بر محمّد - امین وحیت - درود فرست.۳/۲

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - .۲/۴

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۲۴/۱۳، ۳/۱۸، ۱/۱۱، ۱/۵-۶ ۲۸/۴۸، ۳۴/۳۲، ۳۰/۳۱، ۴/۲۴

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵ ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۱، ۶/۱۰، ۸/۷، ۱۳ و ۱۱ و ۸/۵ ۴/۲۱، ۱۵/۲۰، ۲۹و۱۸/۱۶، ۱۴و۱۱/۱۴ ۲۸/۳۲، ۲۹/۳۱، ۲/۳۰، ۲/۲۹، ۱۱/۲۴

ص: ۱۰۷۶

۳/۳۸، ۱۶/۳۷، ۵/۳۵، ۳۳ ۱/ ۴۶ ۲۵/۴۶، ۴۷/۴۵، ۸/۴۲، ۱۰و۹و ۴/۳۹ ۲۷-۱۷/۴۸

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۰/۸ ، ۱۷-۱۹و۱۳/۶ ، ۱۵و۱۴و۱۰و۹/۵ ۱۳و۹و۸/۱۴ ، ۲۱/۱۳ ، ۱۵/۱۲ ، ۱/۹ و۱۱-۸و۴و۳و۱/۲۰ ، ۱۰و۹و۵و۴/۱۷ ، ۳۳/۱۶ ۱۰- ۸/۲۱ ، ۳۰و۲۹و۲۷و۲۶و۲۴-۲۱و۱۸و۱۴/۲۰ ۷و۲و۱/۲۳ ، ۱۳و۱۲و۹و۸و۶و۵/۲۲ ، ۱۳/۲۱ ۳و۱/۳۰ ، ۴-۱/۲۷ ، ۴و۱/۲۶، ۱۴و۴و۳/۲۴ ۲/۳۶، ۳و۲/۳۵، ۳۴و۳۲/۳۲، ۳۰و۲۴/۳۱ ۶/۴۳، ۱۴-۹و۱/۴۰،۱/۴۱،۷/۴۲، ۱/۳۹ ۵۱و۴۸/۴۵، ۱۹و۱۶-۱۳و۸و۶/۴۴

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ...

پس بر محمّد و خاندانش که پاک اند، درود فرست.۲۴/۶

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۶/۱۲

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ، أَن لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی.۲۵/۱۳

اللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

إِلَهِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۱۷/۱۶

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۹/۴۲، ۱۱/۲۲، ۷و ۵/۲۰، ۱۹ ۷/۱۹ ۴/۵۴، ۱۶و۱۱/۴۸

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِيَارَهِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِكَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

خداونـدا و بر مـن منّـت گـذار بـه حـجّ و عمره و زیـارت قـبر پیـامبرت - کـه درودهـایت بر او و رحمتت و برکـاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - .

۴/۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندان او و نسل او درود فرست.۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست.۱۸/۲۷

ص: ۱۰۷۷

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَى

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست.۳۵/۳۲

وَ جَعَلْتَهُ... وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَنْزِيلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَ عَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست.۶/۴۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَكَ

خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۲۱/۴۲

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.۲۲/۴۲

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدا درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد.۴/۴۳

صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۷/۴۳

وَ أَنْزِلْنَا فِیهَا مَنْزِلَهَ... الْمُوءَدِّینَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد[قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ

ص: ۱۰۷۸

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست.۵۶/۴۵

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی.۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... أَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد، برترین درودهایت را بفرست.۵۰/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست.۵۷و۵۴-۵۱/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست.

۵۵/۴۷

وَ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ

و بر او و بر خاندانش درود فرست.۵۵/۴۷

وَ أَقِمْ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِکَ، صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد - به وسیله او به پا دار.

۶۲/۴۷

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِینَ... وَ إِلَیْکَ وَ إِلَی رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِذَلِکَ مُتَقَرِّبِینَ

و ما را برای او شنوندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست - قرار ده.۶۳/۴۷

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.۱۳۳/۴۷

فَأَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱/۴۸

أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ

از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده خود و بر خاندان محمّد درود فرستی.۳/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۴/۴۸

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.۶/۴۸

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۸/۴۸

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱۳/۴۸

وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.

۲۸/۴۸

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

۱/۵۴

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.۹/۵۴

محمّد صلی الله علیه و آله ، امین وحی خدا

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ، وَ نَجِیبِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ صَفِیِّکَ مِنْ عِبَادِکَ

خداوندا بر محمّد – امین وحیت و برگزیده از آفریدگانت و دوست تو از بندگانت – درود فرست.

۳/۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیشاهنگ خیر و کلید برکت

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ... قَائِدِ الْخَیْرِ، وَ مِفْتَاحِ الْبَرَکَهِ

خداوندا بر محمّد – رهبر خیر و کلید برکت – درود فرست.۳/۲

آنچه محمّد صلی الله علیه و آله ، در راه خدا انجام داده

...کَمَا نَصَبَ لِأَمْرِکَ نَفْسَهُ

...همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.۴/۲

وَ عَرَّضَ فِيکَ لِلْمَکْرُوهِ بَدَنَهُ

و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.۵/۲

وَ کَاشَفَ فِی الدُّعَاءِ إِلَيْکَ حَامَّتَهُ

و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.۶/۲

وَ حَارَبَ فِی رِضَاکَ أُسْرَتَهُ

و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

وَ قَطَعَ فِی إِحْيَاءِ دِينِکَ رَحِمَهُ

و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

وَ أَقْصَی الْأَدْنَيْنَ عَلَی جُحُودِهِمْ

و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

۹/۲

وَ قَرَّبَ الْأَقْصَيْنَ عَلَی اسْتِجَابَتِهِمْ لَکَ

و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان – برای تو – نزدیک نمود.۱۰/۲

وَ وَالَی فِيکَ الْأَبْعَدِينَ

و به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

۱۱/۲

وَ عَادَی فِیکَ الْأَقْرَبِینَ

و به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.۱۲/۲

و أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِی تَبْلِیغِ رِسَالَتِکَ

و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

وَ أَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَی مِلَّتِکَ

و با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

وَ شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِکَ

و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.۱۵/۲

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَ مَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِینِکَ، وَ اسْتِنْصَارًا عَلَی أَهْلِ الْکُفْرِ بِکَ

و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.۱۶/۲

نتیجه کارهای محمّد صلی الله علیه و آله

...حَتَّی اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِی أَعْدَائِکَ

سرانجام آنچه (محمّد) درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد.۱۷/۲

وَ اسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِی أَوْلِیَائِکَ

و آنچه او درباره دوستانت می اندیشید، برایش کامل گردید.۱۸/۲

یاری خواستن محمّد صلی الله علیه و آله ، به مدد الهی

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِکَ، وَ مُتَقَوِّیًا عَلَی ضَعْفِهِ بِنَصْرِکَ

پس با امید به پیروزی به یاری تو، و با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

قیام نمودن محمّد صلی الله علیه و آله ، به جنگ با دشمن

فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ...

پس (محمّد) به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

جنگیدن محمّد صلی الله علیه و آله با دشمنان، در میان قرارگاه و دیارشان

فَغَزَاهُمْ فِی عُقْرِ دِيَارِهِمْ

پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

۲۰/۲

وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

۲۱/۲

سبب درآوردن محمّد صلی الله علیه و آله ، به بالاترین درجه بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَهِ الْعُلْيَا مِنْ

ص: ۱۰۸۱

جَنَّتِکَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.۲۳/۲

نتیجه درآوردن محمّد صلی الله علیه و آله به بالاترین درجه بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَی الدَّرَجَهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی... لَا یُوَازِیَهُ لَدَیْکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ...

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ فرشته مقرّبی با او برابری نکند.۲۴و۲۳/۲

عطا نمودن شفاعت نیکو، به محمّد صلی الله علیه و آله

وَ عَرِّفْهُ... مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

شفاعت محمّد صلی الله علیه و آله ، درباره خویشانش و مؤمنان

وَ عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ أُمَّتِهِ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

گماشتن راهنما، از دوران آدم علیه السلام تا زمان محمّد صلی الله علیه و آله

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – .۲/۴

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و همراهی نمودن وی

وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِینَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَهَ...

و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند...۳/۴

گواهی دادن به فرستاده و برگزیده بودن محمّد صلی الله علیه و آله

أَنِّی أَشْهَدُ... أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ و خِیَرَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ

همانا من شهادت می دهم که محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است.

۲۲و۲۱/۶

محمّد صلی الله علیه و آله و رساندن پیام خدا

حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدَّاهَا

رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد.۲۲/۶

ص: ۱۰۸۲

پند دادن محمّد صلی الله علیه و آله ، به امّتش

وَ أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا

و او را به نصیحت کردن امّتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد.۲۲/۶

درخواست امّت مسلمان از خدا ، برای محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ آتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و از جانب ما برترین چیزی را که به یکی از بندگانت عطا نمودی، به او عطا کن و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.۲۳/۶

درخواست از خدا، به حقّ محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ، أَن لَا تَرُدَّنِی خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا نااميد برنگردانی.۲۵/۱۳

سلام خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله

وَ تَوَفَّنِی عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّهِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِذَا تَوَفَّيْتَنِی

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

درود خدا بر برگزیده خلق، محمّد صلی الله علیه و آله

وَ صَلِّ عَلَى خِيَرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الصِّفْوَهِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست.۵/۳۴

با قرآن خطبه خواندن محمّد صلی الله علیه و آله

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست.۶/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، نشانه ای برای راهنمایی به خدا

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَهِ عَلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَهِ

خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های

ص: ۱۰۸۳

کرامت قرار ده.۸/۴۲

آشکار ساختن راه های خوشنودی خدا، به وسیله آل محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ کَمَا... أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْکَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست.

۸/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، بنده، فرستاده، دوست، اختیار شده و برگزیده خدا

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ حَبِيبِکَ وَ صِفْوَتِکَ وَ خِيَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرستاده و دوست و برگزیده و انتخاب شده خود از آفریدگانت، درود فرستی.۳/۴۸

امید به شفاعت محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

فَإِنِّي لَمْ آتِکَ ثِقَةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ سَلَامُکَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو

نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او – که درود تو بر او و بر ایشان باد –.۶/۴۸

منزلت بلندپایه محمّدی

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ بِالْمُـحَمَّدِيَّهِ الرَّفِيعَهِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی، به سوی تو نزدیکی می جویم.۱۶/۴۹

روآوردن به درگاه خدا، به سبب منزلت محمّد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ بِالْمُـحَمَّدِيَّهِ الرَّفِيعَهِ، وَ الْعَلَوِيَّهِ الْبَيْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْکَ بِهِمَا أَنْ تُعِيذَنِي مِنْ شَرِّ کَذَا وَ کَذَا

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسیله آنان به درگاهت

رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی.۱۶/۴۹

محمّد صلی الله علیه و آله ، سیّد و آقای مسلمانان

وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَی...

و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است باد.۹/۵۴

محو

بیماری و محو نمودن گناه

ص: ۱۰۸۴

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَذْکِیرًا لِمحْوِ الْحَوْبَهِ بِقَدِیمِ النِّعْمَهِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا برای از بین بردن گناه به وسیله نعمت پیشین یادآوری باشد.۴/۱۵

محو نمودن اعمال بد پیشین بنده

وَ امْحُ عَنِّی شَرَّ مَا قَدَّمْتُ

و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای.

۶/۱۵

عدم سزاواری بنده، به محو بدی هایش

یَا إِلَهِی لَوْ بَکَیْتُ إِلَیْکَ حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَیْنَیَّ، وَ انْتَحَبْتُ حَتَّی یَنْقَطِعَ صَوْتِی، وَ قُمْتُ لَکَ حَتَّی تَتَنَشَّرَ قَدَمَایَ، وَ رَکَعْتُ لَکَ حَتَّی یَنْخَلِعَ صُلْبِی، وَ سَجَدْتُ لَکَ حَتَّی تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَایَ، وَ أَکَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِی، وَ شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِی، وَ ذَکَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّی یَکِلَّ لِسَانِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، و چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، و آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند و برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کَنده شود و برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، و همه عمرم خاک زمین خورم، و در مدّت زندگی ام آب خاکسترآلود

بنوشم، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

محو نمودن اندیشه مال گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن.۴/۲۷

توبه و محو شدن آنچه (گناهان) گذشته

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ... تَوْبَهً مُوجِبَهً لِمحْوِ مَا سَلَفَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته است، گردان.۲۰/۳۱

سبب تلاش برای توبه محوکننده (بدی)

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْيًا إِلَی التَّوْبَهِ الْمَاحِيَهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده.۳/۳۴

رمضان، محوکننده گناهان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مَا کَانَ أَمْحَاکَ لِلذُّنُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را!.

۳۱/۴۵

عید فطر، محوکننده ترین روز برای گناه

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا... أَمْحَاهُ لِذَنْبٍ

ص: ۱۰۸۵

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که محوکننده ترین آن، برای گناه باشد.۴۸/۴۵

درگذشتن خداوند از بدی و محو آن

وَ یَا مَنْ... یَتَجَاوَزُ عَنِ السَّیِّئَهِ حَتَّی یُعَفِّیَهَا

و ای کسی که از بدی درمی گذرد، تا آن را محو کند.۱۱/۴۶

ستمگران، و محو نمودن کتاب خدا

وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلظَّالِمِینَ ظَهِیرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَی مَحْوِ کِتَابِکَ یَدًا وَ نَصِیرًا

و مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده.۱۳۲/۴۷

محو شدن یاد بنده، از میان خلق

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا... امَّحَی مِنَ الْمَـخْلُوقِینَ ذِکْرِی

مولای من! هنگامی که یادم از میان آفریدگان محو گردد، به من رحم کن.۵/۵۳

مخالفت

پا بیرون گذاشتن از راه فرمان خدا

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِیقِ أَمْرِهِ

پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم.۲۱/۱

مخالفت نمودن با هدایت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُخَالَفَهِ الْهُدَی

خداوندا به تو پناه می برم از مخالفت رستگاری.۲و۱/۸

کوری چشم دل، از امر خلاف دوستی خدا

وَ أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَکَ

و چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان.۶/۹

گرفتار نشدن به کاری خلاف دوستی خدا

وَ لَا تَبْتَلِيَنِّی... بِالتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِکَ

و مرا به پرداختن به کاری خلاف دوستی ات، گرفتار نساز.۱۱/۲۰

فرزندان و مخالف نبودن با والدین

وَ اجْعَلْهُمْ لِی... غَیْرَ عَاصِینَ... وَ لَا مُخَالِفِینَ...

و آنان را نسبت به من سرکش و مخالف قرار نده.۴/۲۵

مخالفت با دشمنان ائمه علیهم السلام

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ... الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.

۱/۲۶

سبب اندیشیدن در آنچه موجب مخالفت

با پروردگار است

...حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی... فَكَّرَ فِيما خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید.۷/۳۱

سبب عظیم دیدن مخالفت خود، با خدا

وَ فَكَّرَ فِيما خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ، فَرَأَی كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا

و در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید. پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.۷/۳۱

توبه از آنچه مخالف خواست خداست

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته توست، به درگاهت توبه می کنم.

۲۲/۳۱

مخالفت بنده، با فرمان خدا

فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَی نَهْيِكَ

پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت.۶۸/۴۷

مختلف گوناگون

مخصوص اختصاص

مخفی پنهان

مخلوط شدن آمیختن

مخلوقات آفریدگان

مدارا

دوستی مداراکنندگان و دوستی واقعی

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ حُبِّ الْمُدَارِینَ تَصْحِیحَ الْمِقَهِ

و درباره من دوستی (ظاهری) مداراکنندگان را به دوستی واقعی مبدّل فرما.۷/۲۰

از روی مدارا نبودن مهلت الهی

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاهً

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است.

۲۲/۴۶

مداوا

عامل مداوا نمودن بنده

وَ دَاوِنِی بِصُنْعِکَ

و به احسان خود، مرا درمان کن.۲۱/۲۰

مدّت زمان

مدح سپاس

ص: ۱۰۸۷

مدد یاری

مذمّت سرزنش

مذهب دین

مراجعت بازگشت

مراقبت نگهداری

مرتبه

سبب درآوردن محمّد صلی الله علیه و آله ، به بالاترین درجه بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.

۲۳/۲

عدم برابری منزلت کسی، با محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی لَا یُسَاوَی فِی مَنْزِلَهٍ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه کسی در منزلت با او یکسان نباشد.

۲۳/۲و۲۴

مرتبه محمّد صلی الله علیه و آله و عدم همانندی کسی با وی

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَی الدَّرَجِهِ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّی...

لَا یُکَافَأَ فِی مَرْتَبَهٍ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه کسی در مقام با او همتا نباشد.

۲۳/۲و۲۴

مقام بلند میکائیل

مِيکَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَکَ، وَ الْمَکَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِکَ

ميکائيل نزد تو داراى مقام والا است، و از اطاعتت جايگاهى بلند دارد.۳/۳

منزلت بلند جبرئيل

جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِکَ... الْمَکِينُ لَدَيْکَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَکَ

جبرئيل امين وحى تو، ارجمند در پيشگاهت و مقرّب نزد توست.۴/۳

بنده و عدم علم به منزلت فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِکْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَکَانَهُ مِنْکَ

...پس درود فرست بر ايشان و بر روحانيّان از فرشتگانت و بر گروه هاى فرشتگان و هر (فرشته اى) که نامش را نبرديم و جايگاهش را در پيشگاه تو نمى دانيم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

کوچک بودن منزلت ها، در برابر منزلت الهى

وَ يَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ

و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می شود.۵/۵

قرار دادن بنده، در درجات نیکوکاران و مؤمنان

...وَ صَیِّرْنَا بِذَلِکَ فِی دَرَجَاتِ الصَّالِحِینَ وَ مَرَاتِبِ الْمُوءْمِنِینَ

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران و جایگاه های اهل ایمان قرار ده.۱۶/۱۷

شرط داشتن مقام، نزد مردم

وَ لَا تَرْفَعْنِی فِی النَّاسِ دَرَجَهً إِلَّا حَطَطْتَنِی عِنْدَ نَفْسِی مِثْلَهَا

و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری.۴/۲۰

تنگ دستی و خواری منزلت بنده

وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز.۲۶/۲۰

درخواست فرزند از خدا، درباره بلندی مقام والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی... فَاجْعَلْهُ... عُلُوًّا فِی دَرَجَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده،

پس آن را سبب بلندی درجات ایشان قرار ده.

۸/۲۴

کوچک گرداندن مقام دشمنان ، در دل مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِی عَیْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِی قَلْبِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان.۱۵/۲۷

خدا، دارای درجه والایی و رفعت

لَکَ یَا إِلَهِی... دَرَجَهُ الْعُلُوِّ وَ الرِّفْعَهِ

خداوندا درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.

۱۰/۲۸

وصف وصف کنندگان و مرتبه رفعت الهی

وَ لَا یَبْلُغُ أَدْنَی مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِکَ أَقْصَی نَعْتِ النَّاعِتِینَ

و آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای (از رفعت) که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.۶/۳۲

سبک شمردن منزلت الهی

لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار

نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

شرافت بخشیدن به درجه بنده

شَرِّفْ دَرَجَتِی بِرِضْوَانِکَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

سبب رحم نمودن خدا، بر خواری مقام بندگان

وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

نزدیک ترین پیامبران به خدا، از نظر مرتبه

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

بزرگ ترین پیامبران از نظر منزلت، در قیامت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ یَوْمَ

الْقِیَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِسًا... وَ أَجَلَّهُمْ عِنْدَکَ قَدْرًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بزرگوارترین آنها نزد خود، قرار ده.۱۸/۴۲

مرتبه حضرت رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و درجه اش را رفیع گردان.۱۹/۴۲

دریافتن مراتب شایسته نماز

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که مراتبش را درک کرده اند.۹/۴۴

بلندی منزلت خداوند، در (همه) مکان ها

سُبْحَانَکَ! مَا... أَسْنَی فِی الْأَمَاکِنِ مَکَانَکَ

پاک و منزّهی! چه بلند است در مکان ها، مکان (منزلت) تو!۲۲/۴۷

بسیار بلندمرتبه بودن خدا

سُبْحَانَکَ مِنْ... رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَکَ

پاک و منزّهی! ای بلند مرتبه که بسیار بلند مرتبه ای!۲۴/۴۷

اعتراف به مقام و مرتبه ائمه علیهم السلام

ص: ۱۰۹۰

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست.۶۴/۴۷

سرپرستی خدا، از اهل مقام

وَ تَوَلَّنِی بِمَا تَتَوَلَّی بِهِ أَهْلَ طَاعَتِکَ وَ الزُّلْفَی لَدَیْکَ وَ الْمَکَانَهِ مِنْکَ

و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می کنی.

۸۷/۴۷

عیوب، سبب مجهول ماندن منزلت بنده

وَ لَا تَسُمْنِی... نَقِیصَهً یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَکَانِی

و عیبی را که به خاطر آنْ منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.۱۲۱/۴۷

خوار گشتن منزلت بنده

وَ لَا تَسُمْنِی خَسِیسَهً یَصْغُرُ لَهَا قَدْرِی

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز.۱۲۱/۴۷

ترساندن بنده، از مقام الهی

وَ أَخِفْنِی مَقَامَکَ

و مرا از مقامت بترسان.۱۲۶/۴۷

سبب بلند گرداندن درجه مؤمنان

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ... أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَکَ دَرَجَهً... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی را قسمت می نمایی یا درجه ای را که از ایشان نزد خود بالا می بری، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

درجه بلند درست کاران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِکَ وَ أَصْفِيَائِکَ وَ مَوَاضِعَ أَمَنَائِکَ فِی الدَّرَجِهِ الرَّفِيعَهِ الَّتِی اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگانت و جایگاه امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی.۹/۴۸

اندک بودن منزلت بنده

فَارْحَمْنِی اللَّهُمَّ فَإِنِّی امْرُؤٌ حَقِيرٌ، وَ خَطَرِی يَسِيرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است.۶/۵۰

بزرگی مرتبه خدا

سُبْحَانَکَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَکَ

پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو!

۴/۵۲

ص: ۱۰۹۱

مرد

خشک گرداندن صلب های مردان دشمن

وَ يَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ

و صلب مردانشان را خشک نما.۶/۲۷

مردم

سبب عطا طلبیدن، از مردم پست

وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ أَسْتَعْطِيَ شِرَارَ خَلْقِكَ

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. و از آفریدگان بدت، عطا طلبم.۲۶/۲۰

نور بنده و راه رفتن با آن، در بین مردم

وَ هَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم.۸/۲۲

نتیجه عزّت طلبیدن مردم، از غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند.۶/۲۸

نتیجه دارایی طلبیدن مردم، از غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند.۶/۲۸

نتیجه بلندی خواستن مردم، از غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الِارْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.۶/۲۸

قرآن، راهنمای مردم

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر است.۳/۴۴

مردن مرگ

مرز

از حدود انسانیّت، به مرز بهیمیّت روی آوردن

...وَ لَوْ کَانُوا کَذَلِکَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِیَّهِ إِلَی

حَدِّ الْبَهِیمِیَّهِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رومی آوردند.۹/۱

بی انتهایی حدِّ سپاس از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا مُنْتَهَی لِحَدِّهِ

پس سپاس او را، سپاسی که حدّش بدون انتها می باشد.۲۸و۲۷/۱

استوار ساختن مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ بِعِزَّتِکَ

خداوندا به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما.۱/۲۷

یاری نمودنِ نگهبانان مرزها

اللَّهُمَّ... أَیِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِکَ

خداوندا به قدرت خویش، نگهبانان آن (مرزها) را یاری ده.۱/۲۷

حدّ و مرز نداشتن سلطنت خدا

عَزَّ سُلْطَانُکَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِیَّهٍ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش نیست.۴/۳۲

حدّ و مرز نداشتن حقیقت خدا

مَجْدُکَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ یُحَدَّ بِکُنْهِهِ

بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به

حدّی درآید.۲۳/۴۶

درودی بی حدّ و مرز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آلش

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ صَلَاهً لَا أَمَدَ فِی أَوَّلِهَا

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که مرزی در اوّلش نباشد.۵۸/۴۷

مرض بیماری

مرفّه نازپرورده

مرگ

میراندن بنده و فراخواندن او به پاداش یا کیفر

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَی مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.۶/۱

درود خدا، بر فرشته مرگ

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرشته مرگ و یارانش.۱۸و۱۱و۱۰/۳

ص: ۱۰۹۳

آمادگی برای پس از مرگ

وَ تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ... الِاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی.۱۶/۴

مردن بی ساز و سامان

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... مِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از مرگ ناگهانی.۸/۸

باران و زنده ساختن آنچه مرده

تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ

به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی.۳/۱۹

میراندن بنده، پیش از روآوردن دشمنی خدا، به او

فَإِذَا كَانَ عُمْرِی مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَيْکَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُکَ إِلَيَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد - مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

میراندن بنده، پیش از استواری خشم خدا بر او

فَإِذَا كَانَ عُمْرِی مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَيْکَ قَبْلَ أَنْ... يَسْتَحْكِمَ غَضَبُکَ عَلَيَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه خشمت بر من استوار گردد - مرا به سوی خود بازگردان.۵/۲۰

بر دین خدا و آیین محمّد صلی الله علیه و آله مردن

وَ اجْعَلْنِی عَلَى مِلَّتِکَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا

و چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.۱۷/۲۰

وَ تَوَفَّنِی عَلَى مِلَّتِکَ وَ مِلَّهِ نَبِيِّکَ: مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّيْتَنِی

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد - بمیران.

گرفتاری وام، پس از مرگ

وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبِّ... مِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ

و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از پیامد آن (وام) پس از مرگ.۲/۳۰

طلب آمرزش برای مرده مدیون

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ... انْتَهَكَ مِنِّی مَا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، فَمَضَى بِظُلَامَتِی مَيِّتًا... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداوندا و هر بنده ای که آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی و او با همان وزر و وبال از دنیا رفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.۲/۳۹

برپا داشتن مرگ، پیشاروی بندگان

وَ انْصِبِ الْمَوْتَ بَیْنَ أَیْدِینَا نَصْبًا

و مرگ را پیش روی ما مجسم بدار.۲/۴۰

یاد مرگ

وَ لَا تَجْعَلْ ذِکْرَنَا لَهُ غِبًّا

و گهگاه یاد کردنش را برای ما قرار نده.

۲/۴۰

سبب محل انس و الفت بودن مرگ

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْکِ اللَّحَاقِ بِکَ حَتَّى یَکُونَ الْمَوْتُ مَأْنَسَنَا الَّذِی نَأْنَسُ بِهِ، وَ مَأْلَفَنَا الَّذِی نَشْتَاقُ إِلَیْهِ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل انسی باشد که به آن انس گیریم و محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم.

۳/۴۰

مرگ، خویشاوندی نزدیک

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِیرَ إِلَیْکَ... حَتَّى یَکُونَ الْمَوْتُ... حَامَّتَنَا الَّتِی نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم. تا جایی که مرگ برای ما (همانند) خویشاوند نزدیک ما

باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.

۳/۴۰

درخواست از خدا، با حاضر شدن مرگ

فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَیْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا، وَ آنِسْنَا بِهِ قَادِمًا، وَ لَا تُشْقِنَا بِضِیَافَتِهِ، وَ لَا تُخْزِنَا بِزِیَارَتِهِ، وَ اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ

مَغْفِرَتِکَ، وَ مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِیحِ رَحْمَتِکَ

پس هنگـامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سـعادتمند گردان. و ما را به آن تازه وارد انس ده. و در پـذیرایی از او مـا را به شـقاوت میفکن. و از دیـدارش مـا را خوار نساز و آن را دری از درهای آمرزشت و کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

۴/۴۰

درخواست نوع مرگ

أَمِتْنَا مُهْتَدِینَ غَیْرَ ضَالِّینَ، طَائِعِینَ غَیْرَ مُسْتَکْرِهِینَ، تَائِبِینَ غَیْرَ عَاصِینَ وَ لَا مُصِرِّینَ

ما را ره یافتگانِ ناگمراه، و فرمانبردارانِ بی اجبار، توبه کنندگانِ غیر گنهکار و اصرارنکننده، بمیران.۵/۴۰

درخواست جان دادن آسان، هنگام مرگ

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا کَرْبَ السِّیَاقِ...

ص: ۱۰۹۵

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن را بر ما آسان گردان.۱۳/۴۲

فرشته مرگ و پرده پنهانی ها

وَ تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد.۱۳/۴۲

کمان مرگ و تیرهای ترس از فراق

وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَایَا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِرَاقِ

و آن (جان ها) را با تیرهای وحشت جدایی، از کمان مرگ ها نشانه گیرد.۱۳/۴۲

جامی از زهر مرگ

وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ کَأْسًا مَسْمُومَهَ الْمَذَاقِ

و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد.

۱۳/۴۲

میراندن مسلمانان، بر دین محمّد صلی الله علیه و آله

وَ تَوَفَّنَا عَلَی مِلَّتِهِ

و بر آئین او بمیرانمان.۲۰/۴۲

هم کیشان مرده مسلمان

اللَّهُمَّ تَجاوَزْ عَنْ... أَهْلِ دِینِنَا جَمِیعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَنْ غَبَرَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

خداوندا از همه هم کیشان ما، هر که از ایشان

درگذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر.۵۵/۴۵

میراندن نشانه های دین، توسّط ستمگران

وَ أَحْیِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِینِکَ

و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

سبب نیک بخت میراندن بنده

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِیتَ بِهِ... وَ رَضِیتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِیدًا، وَ تَوَفَّیْتَهُ سَعِیدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و از او خوشنود گشته ای، پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته و نیک بخت میرانده ای.

۱۰۵/۴۷

مردن و رفتن نوری در پیشاروی بنده

وَ أَمِتْنِی مَیتَهَ مَنْ یَسْعَی نُورُهُ بَیْنَ یَدَیْهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ

و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.۱۱۷/۴۷

زنده گشتن مردگان

وَ هَبْ لَنَا یَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی بِهَا تُحْیِی أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی،

ص: ۱۰۹۶

گشایش ده.۱۳/۴۸

زندگی بخشیدن به شهرهای مرده

وَ هَبْ لَنَا يَا إِلَهِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجًا بِالْقُدْرَهِ الَّتِی... بِهَا تَنْشُرُ مَيْتَ الْبِلَادِ

و ما را – ای خدای من – از جانب خود به توانایی ای که با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.۱۳/۴۸

اندوهگین نمیراندن بنده

لَا تُهْلِكْنِی يَا إِلَهِی غَمًّا

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران.

۱۴/۴۸

تقدیر مرگ، برای همه آفریدگان

سُبْحَانَکَ قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِکَ الْمَوْتَ مَنْ وَحَّدَکَ وَ مَنْ كَفَرَ بِکَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت – آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید – رقم زده ای.۵/۵۲

چشندگان مرگ

وَ كُلٌّ ذَائِقُ الْمَوْتَ

و همه چشنده مرگ هستند.۵/۵۲

سایه افکندن مرگ، بر بنده

فَأَسْأَلُکَ يَا مَوْلَایَ... سُوءَالَ مَنْ قَدْ... أَظَلَّهُ الْأَجَلُ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که مرگ بر او سایه افکنده است.۹و۸/۵۲

نزدیک گشتن مرگ بنده

ارْحَمْ... اقْتِرَابَ أَجَلِی

بر نزدیک شدن مرگم رحم کن.۴/۵۳

میراندن بنده، بر راستی

اقْبِضْ عَلَی الصِّدْقِ نَفْسِی

مرا بر راستی بمیران.۴/۵۴

مزد پاداش

مزّه

چشاندن مزه فراغت، به بنده

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ...

و طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

چشاندن مزه کوشش، به بنده

أَذِقْنِی طَعْمَ... الِاجْتِهَادِ فِیما یُزْلِفُ لَدَیْکَ وَ عِنْدَکَ

طعم کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان.۱۲۵/۴۷

ص: ۱۰۹۷

چشاندن مزه عافیت و تندرستی، به بنده

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ الْعَافِیَهِ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِی

و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان.۱۴/۴۸

مژده

مژده دادن ایمنی از خشم خدا، به بنده

وَ اکْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِکَ، وَ بَشِّرْنِی بِذَلِکَ...

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و مرا به آن مژده ده.۳۳/۱۶

شناختن مژده الهی

وَ بَشِّرْنِی بِذَلِکَ فِی الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَی أَعْرِفُهَا

و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن (ایمنی از خشمت) مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم.۳۳/۱۶

مژده به بندگان خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

مسرّت شادی

مسؤول

فرشتگان مسؤول دوزخ

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْخَزَنَه

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و خزانه دار دوزخ.۱۸و۱۱و۱۰/۳

فرشتگان مسؤول خزانه های باد

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْقُوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَاحِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و زمامداران بر گنجینه بادها.۱۵و۱۱و۱۰/۳

خدا درخواستگاه بنده، نه هر مسؤولی

فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْؤُولٍ مَوْضِعُ مَسْأَلَتِي

پس – ای سرور من – جایگاه درخواستم تویی، نه هر (مسؤولی) که از او درخواست شود.

۸/۲۸

مستحب

بازنداشتن بنده، از به کار بستن مستحبّات

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ... اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ

ص: ۱۰۹۸

و مرا به سبب غم و اندوه از انجام سنّت خود بازمدار.۹/۷

ثناگوی بنده نبودن امور مستحبّی

وَ لَا تُثْنِی عَلَیَّ بِإِحْیَائِهَا سُنَّةٌ...

و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید.۱۷/۳۲

شرافت و برتری مستحب

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَضْلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِکَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

مستقیم

بر راه و صراط مستقیم بودن خدا

إِنَّکَ عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ

به درستی که تو بر راه راستی.۶/۲۳

مسخره

مسخره آفریدگان خدا و خدا نشدن

وَ لَا تَتَّخِذْنِی هُزُوًا لِخَلْقِکَ، وَ لَا سُخْرِیًّا لَکَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت و مسخره خود

قرار نده.۱۲۴/۴۷

مسلمانان

درخواست از خدا برای خود و فرزندان، و شمول آن درباره همه مسلمانان

وَ أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ... مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان مسلمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

استوار ساختن مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ بِعِزَّتِکَ

خداوندا به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما.۱/۲۷

نیرومند ساختن تدبیر مسلمانان

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش.۷/۲۷

درخواست اموری، برای مسلمانان

وَ حَصِّنْ بِهِ دِیَارَهُمْ، وَ ثَمِّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ، وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِکَ

و به وسیله آن، شهرهایشان را استوار ساز و

ثروت هایشان را بیفزا و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز.۷/۲۷

جنگ مسلمانان با مشرکان

اللَّهُمَّ اغْزُ بِكُلِّ نَاحِيَهٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ بِإِزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار.۸/۲۷

یاری نمودن مسلمانان، به وسیله فرشتگان (در جنگ)

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَهٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ...

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما.۸/۲۷

یاری مسلمانان توسّط فرشتگان، و شکست مشرکان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَهٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِى أَرْضِكَ وَ أَسْرًا

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.۸/۲۷

عدم چیرگی مشرکان، به نواحی مسلمانان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار.

۱۰/۲۷

جلوگیری خداوند، از کاسته شدن (شمار) مسلمانان

وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنَقُّصِهِمْ

و با کاستن عدد آنها (مشرکان)، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش.۱۰/۲۷

بازداشتن مشرکان، از تجمع نمودن علیه مسلمانان

وَ ثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَهِ عَنِ الِاحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ

و با تفرقه افکنی میان آنان (مشرکان)، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.۱۰/۲۷

تقدیر شهادت برای مجاهد، بعد از ایمنی در مرزهای مسلمانان

فَإِنْ... قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَهِ فَبَعْدَ... أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که مرزهای مسلمانان ایمن شده است.

۱۵/۲۷

ص: ۱۱۰۰

پاداش مسلمانِ جانشین جنگجو، در امور خانه اش

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ...

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

پاداش مسلمان در نگهداری از خانواده جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِی غَيْبَتِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عِوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند.

۱۶/۲۷

پاداش مسلمان در کمک به جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ

أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

پاداش مسلمانِ مشوّقِ جنگجو، به جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ شَحَذَهُ عَلَی جِهَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را بر جهاد تشویق کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

پاداش مسلمان در همراهی کردن جنگجو با دعا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَتْبَعَهُ فِی وَجْهِهِ دَعْوَةً... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداونـدا و هر مسـلمانی که جنگجویی یـا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشـین شـد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او،

ص: ۱۱۰۱

پاداش ده.۱۶/۲۷

پاداش مسلمانِ حافظِ آبروی جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

مسلمان و نگرانی به سبب امر اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

در زمره شهدا قرار گرفتنِ مسلمانی با ویژگی های خاص

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَ أَحْزَنَهُ تَحَزُّبُ أَهْلِ الشِّرْكِ عَلَيْهِمْ، فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُـجَاهِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را

نگران ساخت و اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان.۱۷/۲۷

آزار نرساندن، به هر مرد و زن مسلمان

وَ امْنَعْنِي عَنْ أَذَى كُلِّ... مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن مسلمان بازدار.۱/۳۹

اجتماع مسلمانان، در روز قربان و جمعه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ

خداوندا این روزیست مبارک و خجسته و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند.

1/48

مسلمانان طالب، راغب و ترسان

وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ، یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند.1/48

بینایی خدا، به خواسته های مسلمانان

ص: 1102

وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ، یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ... وَ أَنْتَ النَّاظِرُ فِی حَوَائِجِهِمْ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی.

۱/۴۸

مشت

صبح کردن بندگان، در پنجه (قدرت) خدا

أَصْبَحْنَا فِی قَبْضَتِکَ

ما در پنجه (تحت قدرت) تو صبح کردیم.

۱۰/۶

در مشت (قدرت) خدا بودن بنده

فَإِنِّی عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ

چون من بنده تو و در مشت توام.۵/۲۱

مشرکان

آشکار شدن امر خدا وناخرسندی مشرکان

وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ حَتَّی ظَهَرَ أَمْرُکَ، وَ عَلَتْ کَلِمَتُکَ، وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد. تا اینکه فرمان تو آشکار شد و سخن تو، بلند گردید. اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.۲۲و۲۱/۲

جنگ با مشرکان

اللَّهُمَّ اغْزُ بِکُلِّ نَاحِيَهٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَی مَنْ بِإِزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِکِينَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار.۸/۲۷

مردمان مشرک، با نام و نشانی پنهان

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ أَعْدَاءَکَ فِی أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أَمَمِ الشِّرْکِ، الَّذِینَ تَخْفَی أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشـمنانت را بدین سـرنوشت دچار کن، در هر شـهری که باشـند از هند و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است.۹/۲۷

به خود واداشتن مشرکان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِکِینَ بِالْمُشْرِکِینَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِینَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار.۱۰/۲۷

درخواست بنده، درباره مشرکان

وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنَقُّصِهِمْ، وَ ثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَهِ عَنِ الِاحْتِشَادِ عَلَیْهِمْ

و با کاستن عددشان، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش. و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد

آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.۱۰/۲۷

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَهِ، وَ أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّهِ، وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الِاحْتِيَالِ، وَ أَوْهِنْ أَرْكَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَهِ الرِّجَالِ، وَ جَبِّنْهُمْ عَنْ مُقَارَعَهِ الْأَبْطَالِ، وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِبَأْسٍ مِنْ بَأْسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ وَ تَحْصُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ، وَ تُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش و تن هایشان را از قوّت تهی دار و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز و اندامشان را از جنگیدن با مردان سست گردان و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر. تا بدین سبب، ایشان را ریشه کن سازی و سختی و صلابتشان را براندازی و تعدادشان را از هم بپاشی.۱۱/۲۷

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ أَطْعِمَتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ، وَ ارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ، وَ أَلِحَّ عَلَيْهَا بِالْقُذُوفِ، وَ افْرَعْهَا بِالْمُحُولِ، وَ اجْعَلْ مِيَرَهُمْ فِي أَحَصِّ أَرْضِكَ وَ أَبْعَدِهَا عَنْهُمْ، وَ امْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ، أَصِبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَ السُّقْمِ الْأَلِيمِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا و خوردنی هایشان را به امراضْ درآمیز و شهرهایشان را در زمین فروبر و پیوسته آن را سنگباران فرما و آن را به قحطی و خشکسالی دچار ساز و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و

دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده و پناهگاه های آن را از آنها بازدار، آنان را دچار گرسنگی دائم و بیماری دردناک گردان.۱۲/۲۷

پاداش اندوهگین شدن مسلمان، از تجمّع مشرکان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ... أَحْزَنَهُ تَحَزُّبُ أَهْلِ الشِّرْكِ عَلَيْهِمْ، فَنَوَى غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

خشم خدا، به سوی مشرکان

فَمِلْ بِالْغَضَبِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ

پس خشم را به سوی مشرکان بگردان.۳/۳۶

مشغولیّت

مشغول گشتن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به نصیحت دعوت شدگان (به راه حقّ)

وَ شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِکَ

و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.۱۵/۲

تسبیح الهی، و عدم مشغولیّت فرشتگان از

ص: ۱۱۰۴

آن

وَ الَّذِینَ... لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِیحِکَ الشَّهَوَاتُ...

و همانها که خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو مشغول نمی سازد (بازنمی دارد)...۷/۳

مشغول نساختن بنده، به اندوه

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالاِهْتِـمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِکَ

و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات خود بازمدار.۹/۷

مشغول گرداندن قلوب بندگان، به یاد خدا

وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِکْرِکَ عَنْ کُلِّ ذِکْرٍ

و دل های ما را به یاد خود از هر یادی مشغول ساز.۱/۱۱

...وَ اشْغَلْهُ بِذِکْرِکَ

و آن را به یادت مشغول دار.۱۰/۲۱

مشغول ساختن شیطان، به دشمنان خدا

وَ اشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ أَعْدَائِکَ

و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما.۴/۱۷

مشغولیّت و بازداشته شدن از عبادت خدا

وَ اکْفِنِی مَا یَشْغَلُنِی الاِهْتِـمَامُ بِهِ

و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد

کفایت کن.۳/۲۰

مشغول نشدن به کسب روزی و بازماندن از خدا

وَ ارْزُقْنِی مِنْ غَیْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِکَ بِالطَّلَبِ

و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سر گرمِ روزی جستن نشوم.۲۴/۲۰

مشغول ساختن نفس بنده، به اطاعت از خدا

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِکَ نَفْسِی عَنْ کُلِّ مَا یَرِدُ عَلَیَّ...

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار.۹/۲۱

مشغول ساختن مشرکان، به خودشان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِکِینَ بِالْمُشْرِکِینَ...

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان.

۱۰/۲۷

سبب قطع اشتغال بنده، به (رزقِ) ضمانت شده الهی

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِکَ فِی کِتَابِکَ... حَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْکِفَایَهَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان

نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.

۳/۲۹

مشغول نساختن بندگان، به غیر خدا

وَ لَا تَشْغَلْنَا عَنْکَ بِغَیْرِکَ

و ما را از خودت به دیگری مشغول نکن.

۴/۳۶

سرگرم شدن به آرزوها

وَ تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ... لَمْ یُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَیَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ

و ما را در پی کسانی گردانی که آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.۹/۴۲

مشغول نساختن بنده، (به طلب دنیا)

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِمَا لَا أُدْرِکُهُ إِلَّا بِکَ عَمَّا لَا یُرْضِیکَ عَنِّی غَیْرُهُ

و مرا به چیزی که آن را درنمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند، باز مانم.

۱۰۸/۴۷

مشقّت رنج و نیز سختی

مشورت

مشورت همسایگان، با بنده

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... مُنَاصَحَهِ مُسْتَشِیرِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در پند دادن مشورت کننده شان، توفیق ده.۲/۲۶

مشهود آشکار

مشیّت اراده

مصاحب همراه

مصلحت

سبب انجام ندادن آنچه مصلحت بنده در آن است

وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی، فَإِنَّکَ إِنْ وَکَلْتَنِی إِلَی نَفْسِی عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أُقِمْ مَا فِیهِ مَصْلَحَتُهَا

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم.

۳/۲۲

ص: ۱۱۰۶

مصيبت

پناه بردن به خدا از مصيبت روزگار

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ... يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ

و پناه می بريم به تو از اينكه زمانه ما را دچار سختی نمايد.۶/۸

بزرگ ترين مصيبت

وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ... الْمُصِيبَهِ الْكُبْرَى

و پناه می بريم به تو از بزرگ ترين مصيبت.

۹/۸

هموار گشتن مصيبت

وَ كُلُّ مَرْزِئَهٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوْجِدَتِکَ

و هر گرفتاری ای با غضب تو هموارشدنی است.۹/۱۴

نگه داشتن بنده، از مصيبت

اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَقِی الْكَرِيهَهَ

خداوندا همانا تو از ناخوشايندی ها نگهداری می كنی.۳۳/۳۲

مصيبت (روزه داران)، به رفتن (رمضان)

اجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا

مصيبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران كن.

۴۸/۴۵

منكوب نساختن بنده، به مصيبت

وَ لَا تَقْرَعْنِی قَارِعَهً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِی

و بر من مصیبت بزرگی که با آن، آبرویم از بین برود، وارد نکن.۱۲۱/۴۷

خدا، کورگرداننده چشم مصائب

وَ کَمْ مِنْ... أَعْیُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا

و چه بسیار چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی.۱۱/۴۹

مطابق

سپاس و مطابقت آشکار آن با نهانش

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّیَّهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.۴۳و۳۶/۴۷

مطیع رام

مظالم تبعات

معاد قیامت

معاشرت

تغییر اهانت معاشران، به خوش رفتاری

أَبْدِلْنِی... مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِینَ کَرَمَ الْعِشْرَهِ

ص: ۱۱۰۷

درباره من اهانت معاشران را به خوش رفتاری مبدّل فرما.۷/۲۰

نکوهیده نبودن معاشرت رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحَبِهِ، وَ لَا ذَمِيمِ الْمُلَابَسَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست.۳۵/۴۵

معالجه مداوا

معامله تجارت

معدن

نابود نشدن معادن احسان الهی

إِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَفْنَى

به درستی که معادن احسانت فنا نمی شود.

۵۰/۴۵

معرفت شناخت

معروف

توفیق امر به معروف

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ

و ما را برای انجام نیکی و امر به معروف، توفیق ده.۱۸/۶

معصیت نافرمانی

معنا

سپاسی با معنایی باقی

فَلَكَ الْحَمْدُ... مَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ... مَعْنًى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایشْ معنایی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.۱۷/۴۵

معیّن

روزی معلوم، برای جانداران

وَ جَعَلَ لِکُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ

و برای هر جانداری از ایشان، معلومِ قسمت شده ای از رزقش قرار داد.۵/۱

مدّت معلوم و پایان معیّنی در زندگی، برای جانداران

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، و برایش زمانی محدود قرار داد.۶/۱

مدّت معلوم و پایان معیّن، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِكَلٍّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.۳/۶

معیّن گرداندن حدود و اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی، آگاه فرما.۸/۴۴

مفاخرت فخرفروشی

مَفْصل

پاره شدن مفصل های بنده

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِي... حَالِي إِذَا... تَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي

مولای من! بر حال من، هنگامی که مفاصلم پاره پاره شود، رحم کن.۶/۵۳

مفقود شدن فوت

مفهوم معنا

مقام مرتبه

مقایسه سنجش

مقرّبان نزدیکان

مکافات پاداش

مکر فریب

مکروه ناپسند

ملامت سرزنش

ملائکه فرشته

مناجات دعا

سبب کند گشتن زبان مناجات بنده

کُلُّ ذَلِکَ حَیَاءٌ مِنْکَ لِسُوءِ عَمَلِی، وَ لِذَاکَ... کَلَّ لِسَانِی عَنْ مُنَاجَاتِکَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که زبانم از مناجات با تو بند آمده.۲۰/۱۶

تنها مناجات کردن، با خدا

وَ زَیِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.۱۱۰/۴۷

مناقشه خرده گیری و سخت گیری

منّت

منّت گذاردن بر امّت مسلمان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ

عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد.

۱/۲

منّان بودن خدا

إِنَّکَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِیمِ

به درستی که تو بسیار بخشنده نعمتِ بزرگ هستی.۲۴/۶

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ...

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده ستوده ای.

۱۸/۲۷

إِنَّکَ الْمَنَّانُ بِجَسِیمِ الْمِنَنِ

همانا تو بهره دهنده بهره های بزرگی.۷/۳۶

إِنَّکَ مَنَّانٌ کَرِیمٌ

همانا تو بسیار نعمت دهنده کریم هستی.

۱۶/۳۷

إِنَّکَ الْمَنَّانُ الْحَمِیدُ

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای.

۷/۴۳

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِیمُ... الْمَنَّانُ

معبودی جز تو نیست، بردبارِ بسیار نعمت دهنده.۲/۴۸

یَا رَبِّ یَا رَبِّ، یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای بسیار

مهربان، ای بسیار نعمت دهنده.۲۸/۴۸

تیره نساختن بخشش الهی، با منّت

وَ یَا مَنْ لَا یُکَدِّرُ عَطَایَاهُ بِالِامْتِنَانِ

و ای آنکه با منّت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد.۴/۱۳

باطل نساختن خیر، به منّت

وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَی یَدِیَ الْخَیْرَ، وَ لَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را با منّت گذاردن باطل نفرما.

۳/۲۰

قرار ندادن منّت گنهکار و کافر، بر بنده

وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا کَافِرٍ عَلَیَّ مِنَّهً

و برای بدکار و کافر، بر من منّت قرار نده.

۱۲/۲۱

منّت نهادن خویشان، بر بنده

وَ إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِیلًا نَکِدًا، وَ مَنُّوا عَلَیَّ طَوِیلًا

و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و بر من منّت بسیار نهند.۳/۲۲

نیامیختن عطای الهی، با منّت

إِنْ أَعْطَیْتَ لَمْ تَشُبْ عَطَاءَکَ بِمَنٍّ

اگر عطا کنی، عطایت را با منّت نیامیخته ای.

۵/۴۵

اسباب منّت الهی

أ. اشتیاق به خدا

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِشَوْقٍ إِلَیْکَ

و شوق به خودت را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

ب. سلامتی در دین و جسم

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالصِّحَّهِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَهِ فِی دِینِی وَ بَدَنِی

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منّت گذار.۳/۲۳

ج. حجّ و عمره

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ...

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره.۴/۲۳

د. تقسیم خیر

أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَیْنَ عِبَادِکَ الْمُوءْمِنِینَ مِنْ خَیْرٍ أَوْ عَافِیهٍ... أَوْ خَیْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَیْهِمْ تَهْدِیهِمْ بِهِ إِلَیْکَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی وَ نَصِیبِی مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت را قسمت می نمایی یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

منتظر انتظار

منزلت جایگاه و نیز مرتبه

منع بازداشتن

منفعت سود

منکر

درود خدا بر «منکَر و نکیر»

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مُنْکَرٍ وَ نَکِیرٍ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و منکر و نکیر.

۱۸و۱۱و۱۰/۳

توفیق نهی از منکر

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ النَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ

و ما را برای انجام نیکی و نهی از منکر، توفیق ده.۱۸/۶

مَنی

گرداندن جنین از حالت منی، به خونِ

ص: ۱۱۱۱

بسته شده

تُصَرِّفُنِی حَالًا عَنْ حَالٍ... کَمَا نَعَتَّ فِی کِتَابِکَ: نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ کَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا...

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی.۲۳/۳۲

مو

موی جلویِ سر (و اختیار) بنده، در دست خدا

فَإِنِّی عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ، نَاصِیَتِی بِیَدِکَ

چون من بنده تو و در مشت توام و موی پیشانی (و اختیار)م به دست توست.۵/۲۱

وَ هَذِهِ یَدِی وَ نَاصِیَتِی

و این دست من و موی جلوی سرم است.

۴/۵۳

گرفتن زلف جنبندگان (تسلّط بر آنها)، توسّط خداوند

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنبنده ای که

زلفش در اختیار توست، پناه ده.۶/۲۳

موافقت

موافقت تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، با صحابه

...یَتَّفِقُونَ عَلَیْهِمْ

با ایشان موافقت دارند.۱۲/۴

موجودات آفریدگان

مورد

چگونگی بندگان در موارد احکام الهی

وَ یَنْظُرُ کَیْفَ هُمْ فِی... مَوَاقِعِ أَحْکَامِهِ

و می نگرد آنها در موارد احکامش چگونه اند.

۷/۶

موضع جایگاه

موعظه پند

موَلّد

تندرستی ای مولّد تندرستی دنیا و آخرت

وَ عَافِنِی... عَافِیَهً تُوَلِّدُ فِی بَدَنِی الْعَافِیَهَ، عَافِیَهَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ

و به من عافیت ده. عافیتی که در جسمم عافیت زایَد، عافیت دنیا و آخرت.

۲/۲۳

مؤمنان ایمان آورندگان

مهار

جایگاه بنده و مهار خطاها

هَذَا مَقَامُ مَنْ... قَادَتْهُ أَزِمَّهُ الْخَطَایَا

این مقام کسی است که مهارهای خطاها او را از پیِ خود کشیده.۶/۳۱

عنان حیله و فریب شیطان

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِیَتَکَ... فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

شیطان و به دست گرفتن افسار بنده

قَدْ مَلَکَ الشَّیْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْیَقِینِ

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت.۲۷/۳۲

مهتر سیّد

مهربانی تفضّل و نیز رحمت

مهلت

مهلت ندادن فرشتگان پاسبان، به ساکنان دوزخ

الزَّبَانِیَهِ الَّذِینَ إِذَا قِیلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ یُنْظِرُوهُ

پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند.۲۱/۳

درنگ نمودن خداوند، از زود به کیفر رساندن بنده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنِّی، وَ إِبْطَاوءُکَ عَنْ مُعَاجَلَتِی

و شگفت تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است.۲۶/۱۶

طاعت و بندگی خدا، در روزگار مهلت

وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.۲۹/۲۰

وادار شدن به درنگ نمودن از جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَهٌ... فَاکْتُبِ

اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداونـدا و هر مسـلمانی که امر اسـلام او را نگران سـاخت، از این رو قصـد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

درنگ نمودن خدا، در انتقام کشی از بنده

وَ اسْتُرْنِی بِسِتْرِکَ کَمَا تَأَنَّیْتَنِی عَنِ الِانْتِقَامِ مِنِّی

و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی.۱۲/۳۱

سبب مهلت خواستن شیطان، از خدا

وَ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَیَّ عَدُوُّکَ الَّذِی اسْتَنْظَرَکَ لِغَوَایَتِی فَأَنْظَرْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، بر من چیره شده است.۱۲/۳۲

مهلت خواهی شیطان و مهلت دهی خدا به او

وَ اسْتَمْهَلَکَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ لِإِضْلَالِی فَأَمْهَلْتَهُ

و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی.۱۲/۳۲

مهلت دادن خدا، به گنهکار

وَ تُمْلِی لِلْعَاصِی فِیما تَمْلِکُ مُعَاجَلَتَهُ فِیهِ

و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.۱۰/۳۷

مهلت دادن خدا، به ستم کننده به خود

وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای.۹/۴۵

مهلت دادن به بنده و مغرور گشتنش، از بازگشت

وَ سُنَّتُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ حَتَّی لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاتُکَ عَنِ الرُّجُوعِ، وَ صَدَّهُمْ إِمْهَالُکَ عَنِ النُّزُوعِ

و روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد و فرصت دادن تو، آنها را از دست برداشتن بازداشت.۱۶/۴۶

توانایی خدا بر شتاب، و درنگ نمودن او

أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلمُعَاجَلَهِ، وَ تَأَنَّيْتَ وَ أَنْتَ مَلِيءٌ بِالْمُبَادَرَهِ

با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای و با آنکه به پیش دستی کردن قادری، درنگ نموده ای.۲۱/۴۶

از روی ناتوانی نبودن مهلت دادن خدا

ص: ۱۱۱۴

لَمْ تَكَنْ أَنَاتُكَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُكَ وَهْنًا، وَ لَا إِمْسَاكُكَ غَفْلَةً، وَ لَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاةً

درنـگ نمودن تو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تـأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است.۲۲/۴۶

مهلت دادن خطاکاران

وَ يَا مَنْ... يَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ

و ای آنکه با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می دهی.۷۵/۴۷

مهلت و عقاب تدریجی

لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ

مرا با مهلت دادنت، به تدریج عقاب نکن.

۹۰/۴۷

مؤاخذه مهلت دادن

وَ أَجِرْنِي مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ

و از مؤاخذه مهلت دادن پناهم ده.۹۸/۴۷

توانایی بر کیفر، و درنگ کردن

تَغَمَّدْنِي فِيما اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَ الْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَهِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سـختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد) و

(مانند) کیفرکننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می داد).۱۱۹/۴۷

مهلت دادن به بنده و سخت دل شدن او

وَ لَا تَمْدُدْ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي

و مرا مهلت و عمر طولانی که با آن سنگدل شوم، نده.۱۲۱/۴۷

بیم داشتن از مهلت دادن خدا

اجْعَلْ... حَذَرِی مِنْ إِعْذَارِکَ وَ إِنْذَارِکَ

بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنهایت، قرار ده.۱۲۲/۴۷

مهلت دادن به بنده

وَ مَهِّلْنِی

و به من مهلت ده.۱۶/۴۸

مهلت دهنده بودن خدا

فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی مِنْ... ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ

پس خدای من، سپاس برای توست. مهلت دهنده ای که شتاب نمی کند.۱۴/۴۹

سبب مهلت دادن خدا:

أ. از روی کرم و بزرگواری با بندگان

فَلَمْ یَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ... بَلْ تَأَنَّانَا بِرَحْمَتِهِ تَکَرُّمًا

پس او در کیفرِ ما، شتاب نکرد. بلکه به

رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد.

۲۱/۱

تَأَنَّيْتَنِی بِکَرَمِکَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِی

با بخششت با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی.۳۲/۱۶

ب. بازگشت به فرمانش

إِنَّمَا تَأَنَّيْتَ بِهِمْ لِيَفِيؤُوا إِلَی أَمْرِکَ

همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند.۱۷/۴۶

ج. اعتماد او به دوام ملک خود

وَ أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْکِکَ

و از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری.۱۷/۴۶

د. رساتر شدن حجّتش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا... وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُکَ أَبْلَغَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی، و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر باشد.

۲۲/۴۶

هـ. کامل تر شدن کرمش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا، وَ لَا إِمْسَاكُكَ غَفْلَةً، وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَكُونَ... كَرَمُکَ أَكْمَلَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که کرم تو کامل تر باشد.۲۲/۴۶

و. فراوان تر شدن نیکی اش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُکَ وَهْنًا... وَ لَا انْتِظَارُکَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَكُونَ... إِحْسَانُکَ أَوْفَی

درنـگ نمـودن تو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و به تـأخیر انـداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که احسان تو فراوان تر باشد.

۲۲/۴۶

ز. تمام تر شدن نعمتش

لَمْ تَكُنْ أَنَاتُكَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُكَ وَهْنًا... وَ لَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَكُونَ... نِعْمَتُكَ أَتَمَّ

درنـگ نمـودن تو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و به تـأخیر انـداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که نعمت تو تمام تر باشد.

۲۲/۴۶

میان

جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله با دشمنان خدا، در میان شهرهایشان

فَغَزَاهُمْ فِی عُقْرِ دِیَارِهِمْ

پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

۲۰/۲

تاختن پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنان خدا ، در وسط قرارگاهشان

وَ هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

۲۱/۲

جای دادن بنده، در میان بهشت

وَ أَحْلِلْنِی بُحْبُوحَهَ جَنَّتِکَ

و مرا در میان بهشتت جای ده.۱/۴۱

میانجیگری شفاعت

میانه روی

بهره مندی بنده، به (صفت) میانه روی

وَ مَتِّعْنِی بِالِاقْتِصَادِ

و مرا به میانه روی، بهره مند گردان.۱۸/۲۰

پرهیزکاریِ از روی میانه روی

وَ ارْزُقْنِی... وَرَعًا فِی إِجْمَالٍ

و مرا پرهیزکاریِ از روی میانه روی، روزی فرما.۲۷/۲۰

مستقیم ساختن بنده، به میانه روی

وَ قَوِّمْنِی بِالْبَذْلِ وَ الِاقْتِصَادِ

و به بخشش و میانه روی، استوارم گردان.

۳/۳۰

میثاق پیمان

میراث

آل محمّد صلی الله علیه و آله ، میراث بران تفسیر قرآن

وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا

و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی.

۵/۴۲

میراث بران بهشت

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ

و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند، و در آن جاودانند.

۱۸/۴۴

خدا، میراث برنده هر چیز

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ... وَارِثَ کُلِّ شَیْ‌ءٍ

خداوندا سپاس برای توست، وارث هر چیز.

۲/۴۷

میزان ترازو

میغ ابر

میکائیل

میکائیل، صاحب منزلت نزد خدا

مِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ...

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است.۳/۳

میکائیل، صاحب مقام بلند، از طاعت خدا

مِيكَائِيلُ ذُو... الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ

میکائیل از اطاعتت جایگاهی بلند دارد.

۳/۳

درود خدا، بر میکائیل

وَ مِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، پس بر آنها درود فرست.۶و۳/۳

میل

ناتوانی بنده از متمایل ساختن دوستی خدا، به سوی خود

وَ لَا أَسْتَمِيلُ هَوَاكَ

و نمی توانم محبّت تو را جلب نمایم.۶/۲۱

متمایل ساختن دل بنده، به طاعت الهی

وَ فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِکَ... وَ أَمِلْهُ إِلَی طَاعَتِکَ

و دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به طاعتت متوجّه ساز.۱۰/۲۱

دوست بنده، و میل و هوای نفسش

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی... یَأْیَسَ وَلِیِّی مِنْ مَیْلِی وَ انْحِطَاطِ هَوَایَ

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دوستم از میل نفسم و هواداری نادرستم، نااميد شود.۱۳/۲۲

تمایل به راهی دورتر از حسن عاقبت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَهِ، وَ أَقْرَبُ إِلَی ضِدِّ الْعَافِیَهِ

ص: ۱۱۱۸

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر و به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.۳/۳۳

میوه

احسان خدا به بنده، با رسیده شدن میوه

وَ امْنُنْ عَلَی عِبَادِکَ بِإِینَاعِ الَّثمَرَهِ

و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما.

۲/۱۹

خم شدن درختان بهشتی، به انواع میوه ها

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ... الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّیهِ بِصُنُوفِ الَّثمَرِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

ص: ۱۱۱۹

ن

نابودی فنا

نابودی عمل خیر، با منّت گذاردن بر مردم

وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِيَ الْخَيْرَ، وَ لَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را با منّت گذاردن نابود نفرما.

۳/۲۰

نابودی گناهان بنده ، با سپری شدن ماه رمضان

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلَالِهِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن.

۱۵/۴۴

نابود گرداندن کج طلبان راه راست خدا

وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا

و به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.۶۲/۴۷

سبک شمردن تهدید الهی، و نابود شدن

وَ لَا تَمْحَقْنِي فِيمَن تَمْحَقُ مِنَ الْمُسْتَخِفِّينَ بِمَا أَوْعَدْتَ

و مرا در شمار نابودشوندگانی که تهدید تو را سبک می شمارند، نابود نکن.۹۵/۴۷

ناپسند

پیامبر صلی الله علیه و آله و آماج (هر امر) ناپسند

وَ عَرَّضَ فِيكَ لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ

و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.۵/۲

بلند گردیدن توحید، و کراهت مشرکان از آن

وَ هَجَمَ عَلَیْهِمْ فِی بُحْبُوحَهِ قَرَارِهِمْ حَتَّی ظَهَرَ أَمْرُکَ، وَ عَلَتْ کَلِمَتُکَ، وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد. تا اینکه فرمان تو آشکار شد و سخن تو، بلند گردید. اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.۲۲و۲۱/۲

فرشتگان آورنده ناپسندی و سختی

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ رُسُلِکَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَکْرُوهِ مَا یَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند به سوی اهل

ص: ۱۱۲۱

زمین می فرستی.۱۷و۱۱و۱۰/۳

باز شدن گره های ناخوشایندی ها

یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ

ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود.۱/۷

اصرار بر گناه، ناپسند و مکروه خداوند

أَزِلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ

ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار.۱/۹

اندک بودن هر ناپسندی، در برابر خشم خدا

فَكُلُّ مَكْرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ

پس هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک است.۹/۱۴

ناپسند بنده گشتنِ ستم کشی

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

۱۰/۱۴

نینداختن طوق ناپسندی (گناه)، به گردن بنده

وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ... تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهَ شَنَارِهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی.

۲۱/۱۶

شیطان و ناپسند گرداندن اموری، در نظر بنده

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرَّهَ إِلَيْنَا

خداوندا ما از اینکه چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

خوشبخت شدن دیگری، به ناپسند بنده

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّی مِنْ رَحْمَتِکَ مَا عَجَّلْتَ لِی مِنْ عَافِیَتِکَ، فَأَکُونَ قَدْ شَقِیتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَ سَعِدَ غَیْرِی بِمَا کَرِهْتُ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه دوست ندارم، خوشبخت شود.

۱/۱۸

رسیدن امر ناپسندی از جانب فرزند، به والدین

ص: ۱۱۲۲

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی، أَوْ خَلَصَ إِلَیْهِمَا عَنِّی مِنْ مَکْرُوهٍ... فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِمَا...

خداونـدا و هر آزاری که از من به آنان رسـیده یا ناخوشایندی که از من به ایشان رخ داده، پس آن را سـبب ریزش گناهانشان قرار ده.۸/۲۴

کراهت نداشتن فرزند، از کرده والدین

فَإِنِّی... لَا أَکْرَهُ مَا تَوَلَّیَاهُ مِنْ أَمْرِی یَا رَبِّ

زیرا از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.۹/۲۴

بازنگشتن به ناپسند خداوند

وَ لَکَ یَا رَبِّ شَرْطِی أَلَّا أَعُودَ فِی مَکْرُوهِکَ

و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم.۱۶/۳۱

ناپسندیده دانستن جای رضای الهی

وَ لَا تَسُمْنَا عَجزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ، وَ نَکْرَهَ مَوْضِعَ رِضَاکَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم.۳/۳۳

نپسندیدن تقدیر الهی

حَبِّبْ إِلَیْنَا مَا نَکْرَهُ مِنْ قَضَائِکَ

آنچه از مقدّراتت که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما.۴/۳۳

ناپسند نشمردن آنچه خدا دوست دارد

وَ أَلْهِمْنَا الِانْقِیَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَیْنَا مِنْ مَشِیَّتِکَ حَتَّی... لَا نَکْرَهَ مَا أَحْبَبْتَ

و گردن نِهی بر خواسته ات را – که بر ما وارد ساختی – به ما الهام فرما، تا آنچه را دوست داشتی، ناپسند نشماریم.۵/۳۳

مردن بدون کراهت

أَمِتْنَا... طَائِعِینَ غَیْرَ مُسْتَکْرِهِینَ

ما را فرمانبردارانِ بی اجبار، بمیران.۵/۴۰

ناپسند نبودن همنشینی با ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ کَرِیهِ الْمُصَاحَبَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

عدم انجامِ ناپسند الهی

فَأَحْیِنِی حَیَاهً طَیِّبَهً... تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَیْثُ لَا آتِی مَا تَکْرَهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه دوست دارم پایان یابد. در صورتی که آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم.۱۱۷/۴۷

برنگشتن به ناپسند الهی، به خواست خدا

فَإِنِّی لَنْ أَعُودَ لِشَیْءٍ کَرِهْتَهُ مِنِّی إِنْ شِئْتَ ذَلِکَ

پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به

چیزی که آن را از من نپسندیده ای، برنمی گردم.

۲۷/۴۸

دشمن و رساندن ناپسندی، بر بنده

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... أَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ

پس چه بسیار دشمنی که در دل قصدِ رساندن ناپسندی (آسیب) به من داشت.۴/۴۹

برطرف نمودن ابرهای ناپسند، از بنده

وَ كَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا عَنِّي

و چه بسیار ابرهای ناپسندی (مصیبت باری) که از من برطرف نمودی.۱۱/۴۹

نپسندیدن حکم الهی

لَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ

کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند.۳/۵۲

ناتوانی

عجز اندیشه ها، از وصف خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي... عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ

سپاس خدای را، همان که پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است.۲و۱/۱

ناتوانی دیده ها، از دیدن خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ أَبْصَارُ النَّاظِرِينَ

سپاس خدای را، همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر است.۲و۱/۱

ناتوانی جانداران از تأخیرِ آنچه خدا جلو انداخته

لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ

آنها تواناییِ عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، ندارند.۴/۱

ناتوانی جانداران از پیش انداختن آنچه خدا عقب انداخته

وَ لَا یَسْتَطِیعُونَ تَقَدُّمًا إِلَی مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ

و (آفریدگان) نمی توانند آنچه را که (خدا) آنها را از آن عقب انداخته، جلو اندازند.۴/۱

ناتوانی از سپاس الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَهِ إِلَّا إِلَیْهِ، فَکَیْفَ نُطِیقُ حَمْدَهُ؟

و سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. پس چگونه سپاس او را به جا آوریم؟۱۹/۱

عدم وجود ناتوانی در قدرت الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ

عَلَيْهِ وَ آلِهِ... بِقُدْرَتِهِ الَّتِی لَا تَعْجِزُ عَنْ شَیْءٍ وَ إِنْ عَظُمَ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد – که درود خدا بر او و خاندانش باد – بر ما منّت نهاد، به قدرتش که از چیزی – اگر چه بزرگ باشد – ناتوان نیست.۱/۲

ناتوانی پیامبر صلی الله علیه و آله و نیرو یافتنش به یاری خدا

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ... مُتَقَوِّیًا عَلَی ضَعْفِهِ بِنَصْرِکَ

پس با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

کمک به ناتوان

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ مُعَاوَنَهِ الضَّعِیفِ

و ما را برای انجام نیکی و کمک کردن ناتوان، توفیق ده.۱۸/۶

ناتوانی بنده، از آنچه به او رسیده

فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا نَزَلَ بِی یَا رَبِّ ذَرْعًا

ای پروردگار من، طاقت آنچه بر من رسیده را ندارم.۱۰/۷

آفرینش بنده، از ضعف و ناتوانی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّکَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا

خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای.

۵/۹

ناتوانی بندگان از دادگری خدا

وَ أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِکَ بِتَجَاوُزِکَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَهَ لَنَا بِعَدْلِکَ

و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز. زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم.۲/۱۰

یاری طلبیدن از خدا، در ناتوانی

وَ أَسْتَعِينُ بِکَ عَلَى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ

و برای هر آنچه از انجامش ناتوانم، از تو یاری می طلبم.۱۴/۱۲

ناتوان ساختن ستم کننده و دشمن بنده

وَ اجْعَلْ لَهُ... عَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ

و او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز.۶/۱۴

خدا، بی نیازکننده ناتوان

اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ

خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان.۱/۲۱

ناتوان شدن بنده از خشم خدا و نداشتن یاور

ضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِکَ فَلَا مُوءَيِّدَ لِی

در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم.۱/۲۱

ص: ۱۱۲۵

خدا و ناتوان ساختن بنده

وَ مَنْ يُقَوِّينِی وَ أَنْتَ أَضْعَفْتَنِی؟

و چه کسی مرا نیرومند سازد، در حالی که تو ناتوانم نموده ای؟۲/۲۱

ناتوانی بنده، از بیرون رفتن از سلطنت خدا

وَ لَا قُوَّهَ لِی عَلَی الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِکَ

و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست.

۶/۲۱

ناتوانی بنده، از گریز از قدرت الهی

وَ لَا أَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَهَ قُدْرَتِکَ

و نمی توانم از قدرت تو بگریزم.۶/۲۱

ناتوان بودن بنده

فَإِنِّی عَبْدُکَ... الضَّعِيفُ

پس به درستی که من بنده ضعیف توام.

۷/۲۱

اقرار بنده، به ناتوانی

وَ أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِی وَ قِلَّهِ حِيلَتِی

و به ضعف قوّتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم.۷/۲۱

ناتوانی بنده، نسبت به سود و زیان خود

لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِکَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

به خود واگذاردن بنده، و ناتوانی او از انجام امور

وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی، فَإِنَّکَ إِنْ وَکَلْتَنِی إِلَی نَفْسِی عَجَزْتُ عَنْهَا...

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم.

۳/۲۲

انجام واجبات و ناتوانی بدن

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ... وَ إِنْ ضَعُفَ عَنْ ذَلِکَ بَدَنِی

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان باشد.۶/۲۲

پناه بردن به خدا، از شرّ ناتوان و توانا

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ ضَعِیفٍ وَ شَدِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر ناتوان و توانا پناه ده.۶/۲۳

نیرومند ساختن فرزندان ناتوان، برای والدین

إِلَهِی... قَوِّ لِی ضَعِیفَهُمْ

خداوندا ناتوانشان را برایم نیرومند نما.

۲/۲۵

مهربانی کردن به همسایگان ناتوان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

ناتوانی و قصد جنگ و جهاد داشتن

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

ضعف بنده، در عمل

وَ أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِیفُ عَمَلًا

و من بنده ای هستم که عملش ضعیف است.

۹/۳۲

ناتوانی معرفت از آنچه خدا اختیار کرده

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ...

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار

نموده ای نساز.۳/۳۳

ناتوانی بنده و استحقاق الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر سزاواری تو بر اثر فضلت، ناتوان است.۲و۱/۳۷

ناتوانی سپاس گزارترین بندگان، از سپاس خدا

فَأَشْكَرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ

پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز است.۳/۳۷

ناتوانی عابدترین بندگان، از طاعت الهی

وَ أَعْبَدُهُمْ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِكَ

و عابدترین آنان از اطاعتت، ناتوان است.

۳/۳۷

اقرار همگان به ناتوانیشان، نسبت به ادای استحقاق خداوند

وَ كُلٌّ مُقِرٌّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

و همگی به ناتوانی خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.۸/۳۷

ناتوانی کوه های استوار، از تحمّل فهم

عجایب قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِسًا... حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِی ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی عَلَی صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مَثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

درنگ خداوند و عدم عجز او

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است.

۲۲/۴۶

درماندگی از سپاس خدا، به علّت ناتوانی

وَ قُصَارَایَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ، لَا رَغْبَةً - یَا إِلَهِی - بَلْ عَجْزًا

و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی - ای خدای من - بلکه از روی ناتوانی است.۲۴/۴۶

سکوت و ناتوانی از سپاس الهی

وَ قَدْ قَصَّرَ بِیَ السُّکُوتُ عَنْ تَحْمِیدِکَ

و سکوت، مرا از سپاس تو ناتوان ساخته.

۲۴/۴۶

ناتوان نبودن خدا، از درخواست شده از او

إِنَّکَ غَیْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِیدُ، وَ لَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْأَلُ

به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست و از آنچه از تو درخواست شود، ناتوان نیستی.۲۵/۴۶

اقامه برهان و عدم عجز خداوند

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یُعْیِکَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَیَانٌ

تویی آنکه دلیل روشن و سخن آشکاری، تو را عاجز نکرده است.۱۶/۴۷

ناتوانی فهم ها، از (ادراک) چگونگی خدا

أَنْتَ الَّذِی... عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ کَیْفِیَّتِکَ

تویی آنکه فهم ها از کیفیّت تو عاجزند.

۱۸/۴۷

ناتوانی فرشتگان، از شمارش سپاس

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند.۴۰و۳۶/۴۷

ناتوان، و ستم نمودنش

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَیْسَ فِی حُکْمِکَ ظُلْمٌ... وَ إِنَّمَا یَحْتَاجُ إِلَی الظُّلْمِ الضَّعِیفُ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست. و همانا

ضعیف، نیازمند به ستم کردن است.۱۵/۴۸

خدا، بینا به ناتوانی بنده

فَقَدْ تَرَى ضَعْفِی... إِلَیْکَ

زیرا ناتوانی ام را به درگاه خود می بینی.

۱۶/۴۸

خدا، بینا به ناتوانی بنده

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَى ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ

ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمّل مصیبت های سخت، مشاهده کردی.۵/۴۹

ناتوانی از (تحمّل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد.۵/۵۰

ناتوانی از (تحمّل) گرمی آتش الهی

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ، الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ حَرَّ شَمْسِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ حَرَّ نَارِکَ؟

پس خداونـدا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتابت را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟۵/۵۰

ناتوانی بنده، از (شنیدن) صدای رعد

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ

پس خداونـدا، به نـام های پنهان شـده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانـده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب

رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد.۵/۵۰

ناتوانی بنده، از (شنیدن) بانگ خشم خدا

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ... الَّتِی لَا تَسْتَطِیعُ صَوْتَ رَعْدِکَ، فَکَیْفَ تَسْتَطِیعُ صَوْتَ غَضَبِکَ؟

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشمت را

ص: ۱۱۲۹

توانایی دارد؟ ۵/۵۰

احسان الهی و ناتوانی بنده، از سپاس

فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِی مَا یَعْجِزُ عَنْهُ شُکْرِی

پس تو آنچنان به من نیکی کردی که شکر من از ادای آن عاجز است.۱/۵۱

ناتوانی بنده، از غالب و پیروز گشتن

أَسْأَلُکَ أَنْ... تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئًا فَأَعْتَذِرَ، وَ لَا بِذِی قُوَّهٍ فَأَنْتَصِرَ

از تو می خواهم که بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم.۷/۵۱

ناتوانی بنده از شتاب به سوی وعده خدا، به دوستانش

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِیما وَعَدْتَهُ أَوْلِیاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

نزدیک شدن مرگ و ناتوانی بنده

ارْحَمْ... اقْتِرَابَ أَجَلِی وَ ضَعْفِی وَ مَسْکَنَتِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی

بر نزدیک شدن مرگم و ناتوانی ام و نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن.۴/۵۳

نبودِ توانایی دهنده ای، برای ناتوانی بنده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... سُوءَالَ مَنْ لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثًا، وَ لَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّیًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش، و نیرودهنده ای برای ضعفش جز تو نمی یابد.

۳/۵۴

ناحق باطل

ناخن

جدا ساختن ناخن های دشمنان مرزداران اسلام

وَ اقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ

و چنگالشان را از آنان جدا کن.۵/۲۷

ناخوشی

امید به اجابت الهی ، در حال خوشی و ناخوشی

وَ لَا تَجْعَلْنِی... آیِسًا مِنْ إِجَابَتِکَ لِی وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّی، فِی سَرَّاءَ کُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود -

ص: ۱۱۳۰

قرار نده، در خوشی باشم یا سختی.۸/۲۱

نادانی

نادانی بنده، به حالت و زمان شکر گزاری

فَمَا أَدْرِی، یَا إِلَهِی، أَیُّ الْحَالَیْنِ أَحَقُّ بِالشُّکْرِ لَکَ؟ وَ أَیُّ الْوَقْتَیْنِ أَوْلَی بِالْحَمْدِ لَکَ؟

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟۲/۱۵

نافرمانی خدا، از روی نادانی

وَ أَنَا الَّذِی بِجَهْلِهِ عَصَاکَ

و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده.۱۴/۱۶

نادانی بنده، نسبت به رستگاری خود

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّی، یَا إِلَهِی، بِرُشْدِهِ؟

پس ای خدای من چه کسی به رستگاری خود نادان تر از من است؟۲۳/۱۶

به مرزداران شناساندن آنچه جاهل به آنند

عَرِّفْهُمْ مَا یَجْهَلُونَ

آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان.۳/۲۷

همانندی مرتکب نواهی، با فرد جاهل به قدرت الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِیطًا، وَ تَعَاطَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ تَغْرِیرًا کَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهِ

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند نادان به قدرت تو بر خودش.

۶/۳۱و۷

عذرخواهی بنده، از جهل خود

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ مِنْ جَهْلِی

خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم.۲۱/۳۱

نادان نبودن بنده، به بدی کردار خود

فَمَا کُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّی بِسُوءِ أَثَرِی

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست.۲۶/۳۱

برتری آل محمّد صلی الله علیه و آله بر جاهلان به علم قرآن

وَ فَضَّلْتَنَا عَلَی مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ

و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی.۵/۴۲

نادانی بدبختان، به زمان ماه رمضان

ص: ۱۱۳۱

وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ حِینَ جَهِلَ الْأَشْقِیَاءُ وَقْتَهُ

و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند.

۴۳/۴۵

جاهلان، و فراموشی نعمت های الهی

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

مجهول ماندن مقام و منزلت بنده

وَ لَا تَسِمْنِی... نَقِیصَةً یُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَکَانِی

و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.۱۲۱/۴۷

بردباری خداوند، و بخشش نادانی بنده

وَ عُدْ بِحِلْمِکَ عَلَی جَهْلِی

و با بردباری ات بر نادانی ام، ببخش.۴/۵۳

نادرست باطل

نازایی

درخواست نازا گرداندن زنان دشمنان

مرزداران اسلام، از خدا

اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

نازپرورده

پناه بردن به خدا، از شر مرفّهِ نازپرورده

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ مُتْرَفٍ حَفِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر مُرفّه نازپرورده پناه ده.۶/۲۳

رانده نشدن نازپروردگان، (از درگاه الهی)

فَیَا مَنْ... لَا یَنْدَهُ الْمُتْرَفِینَ

پس ای آنکه نازپروردگان را نمی رانی.

۷۵/۴۷

نازک

دشمن، و نازک گرداندن طرف تیزِ تیغش

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدْیَتِهِ، وَ أَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد.

۴/۴۹

ناسپاسی

ناسپاسی ننمودن از خدا

فَقُلْتَ: اذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ، وَ اشْكُرُوا لِی وَ لَا تَكْفُرُونِ

پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.» ۱۴/۴۵

ناسپاسی بنده و عذاب الهی

وَ قُلْتَ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِيدٌ

و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.» ۱۴/۴۵

ناسپاسی و عدم محرومیّت از خیر

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَيْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَى لِقِلَّهِ شُكْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان. ۱۳/۵۱

نافرمانی سرکشی

سپاسی مانع از نافرمانی خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... حَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که مانعی از معصیتش باشد. ۲۹و ۲۷/۱

گفتار فرشتگان، هنگام دیدن چگونگی

دوزخ بر معصیت کار

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم. ۹/۳

نافرمانی نکردن فرشتگان، از فرمان الهی

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند.

۱۹و۱۱و۱۰/۳

تابعین و نگه داشته شدن از نافرمانی خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاهً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری.

۱۴و۱۳/۴

نگه داشتن بنده، از نافرمانی خدا

وَ احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از

نافرمانی تو بازدارد.۱۷/۶

کوچک شمردن معصیت

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِیَه

خداوندا به تو پناه می برم از کوچک شمردن نافرمانی.۲و۱/۸

فرونبردن اندام بنده، در معصیت الهی

وَ لَا تَجْعَلْ لِشَیْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوذًا فِی مَعْصِیَتِکَ

و اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

۶/۹

شماتت شیطان و نافرمانی بنده از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّیْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَایَعْنَاهُ عَلَی مَعْصِیَتِکَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد.۶/۱۰

توبه پذیرفته شده معصیت

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کَتَبَهُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَهً مَقْبُولَهً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَی ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَ لَا مَعْصِیَهٍ اقْتَرَفْنَاهَا

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناه و نافرمانی انجام شده توبیخ نکنی.

۳/۱۱

خودداری از معصیت، هنگام احسان الهی

مُقِرٌّ لَکَ بِأَنِّی لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتَ إِحْسَانِکَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْیَانِکَ

اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام.۵/۱۲

آمرزیدن معصیت کار

مَا أَنَا بِأَعْصَى مَنْ عَصَاکَ فَغَفَرْتَ لَهُ

من گناهکارتر از آنکه نافرمانی تو کرده و تو او را آمرزیده ای، نبوده ام.۱۱/۱۲

افراط نکردن خدا، در کیفر معصیت کاران

وَ أَنْتَ الَّذِی لَا یُفْرِطُ فِی عِقَابِ مَنْ عَصَاهُ

و تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کند.۱۲/۱۶

نادانی و نافرمانی

أَنَا الَّذِی بِجَهْلِهِ عَصَاکَ

منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده.۱۴/۱۶

صرف نمودن روزی خدا، در نافرمانی او

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِینَ أُنْفِقُ مَا أَجْرَیْتَ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ فِیما نَهَیْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِیَتِکَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای،

در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

۲۳/۱۶

خوش رفتاری خدا با بنده ، جهت دست برداشتنش از معصیت

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَاتُكَ عَنِّی... وَ لَیْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِی عَلَیْكَ، بَلْ تَأَنِّیا مِنْكَ لِی، وَ تَفَضُّلًا مِنْكَ عَلَیَّ لِأَنْ أَرْتَدِعَ عَنْ مَعْصِیَتِكَ الْمُسْخِطَهِ

و شگفت تر از آن بردباری تو بـا من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضّل تو بر من است. برای اینکه از نافرمانی - برانگیزنده خشم تو - دست بردارم.

۲۶/۱۶

جزای نخستین معصیت

وَ إِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِینَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ... فَإِنَّ ذَلِكَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ... إِذْ كَانَ جَزَائِی مِنْكَ فِی أَوَّلِ مَا عَصَیْتُكَ النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بـدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود.۳۱/۱۶

نگهداشتن بنده، از معاصی

وَ قِنِی مِنَ الْمَعَاصِی

و مرا از گناهان حفظ کن.۳۳/۱۶

شیطان و خوار ساختن بندگان، با معصیت

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی... امْتِهَانِنَا بِمَعْصِیَتِكَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.۲و۱/۱۷

دلیر نساختن بنده، بر نافرمانی خدا

وَ لَا تُجَرِّئْنِی عَلَى الْمَعَاصِی

و بر نافرمانی ها جرأتم مده.۵/۲۲

منّت بر بنده و دوری از نافرمانی خدا

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الِاجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و با تندرستی و دوری جستن از نافرمانی ات - که مرا از آن بازداشته ای - بر من منّت گذار.

۳/۲۳

رها کردن معصیت خداوند

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ... التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) همه نافرمانی هایت را ترک کرده اند، قرار ده.

۱۱و۱۰/۲۵

بزرگ دیدن نافرمانی خدا

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى... فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ

ص: ۱۱۳۵

كَبِيرًا

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، پس گناه بزرگش را بزرگ دانست.۷/۳۱

توبه نمودن و خیال معصیت نداشتن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَيْکَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَهٍ

خداوندا من به درگاهت توبه می کنم، توبه کسی که نافرمانی از ذهنش نمی گذرد.۱۴/۳۱

دوری نمودن از همه معاصی

وَ لَکَ يَا رَبِّ... عَهْدِی أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيکَ

و ای پروردگار من، با تو عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم.۱۶/۳۱

احتمال توبه بودنِ ترک معصیت

وَ إِنْ يَکُنِ التَّرْکُ لِمَعْصِيَتِکَ إِنَابَهً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنِيبِينَ

و اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخستین بازگشت کننده ام.۲۸/۳۱

بسیاری نافرمانی بنده، از خدا

و كَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِکَ

و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است.

۱۰/۳۲

پرداختن به معصیت، و سزاوار خشم خدا شدن

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتَکَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِی سَخْطَتَکَ، فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

سخت گرفتن خدا بر معصیت کار، با آتش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَی مَنْ عَصَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

فریب خوردن از شیطان و نافرمانی خدا

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّیْطَانَ یَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِکَ مَا عَصَاکَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

مهلت دادن خدا به معصیت کار

وَ تُمْلِی لِلْعَاصِی فِیما تَمْلِکُ مُعَاجَلَتَهُ فِیهِ

و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.۱۰/۳۷

آشکار بودن کرم خدا، با معصیت کار

فَسُبْحَانَکَ مَا أَبْیَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَنْ أَطَاعَکَ أَوْ

عَصَاکَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است.۱۰/۳۷

شتاب نکردن خدا، در کیفر عصیانگر

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی.۱۴/۳۷

کیفر بنده، در نخستین قصد نافرمانی خدا

وَ لَقَدْ کَانَ یَسْتَحِقُّ فِی أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْیَانِکَ کُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِیعِ خَلْقِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ

و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.۱۴/۳۷

معصیت کار و ستم الهی

لَا یُخْشَی جَوْرُکَ عَلَی مَنْ عَصَاکَ

بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی.۱۶/۳۷

توبه کنندگانِ بدون معصیت

أَمِتْنَا... تَائِبِینَ غَیْرَ عَاصِینَ...

ما را توبه کنندگانِ غیر گنهکار، بمیران.۵/۴۰

عامل بازدارنده از رفتن به سوی معاصی

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِسًا

و قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان قرار ده.۱۰/۴۲

ماه نو و نگه داشته شدن بنده، از معصیت

وَ احْفَظْنَا فِیهِ مِنْ مُبَاشَرَهِ مَعْصِیَتِکَ

و ما را در آن (ماه) از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.۶/۴۳

روزه و بازداشته شدن اندام، از معاصی

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما.۶/۴۴

بردباری خدا، با معصیت کار

وَ تَلَقَّیْتَ مَنْ عَصَاکَ بِالْحِلْمِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی.۹/۴۵

گستردگی روزی خدا، بر معصیت کار

رِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاکَ

روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است.۱۶/۴۶

برحذر بودن از نافرمانی امام علیه السلام

وَ حَذَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ

و از نافرمانی اش برحذر داشتی.۶۰/۴۷

نهی خدا، از نافرمانی

وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِکَ

و او را از نافرمانی نهی کردی.۶۸/۴۷

نافرمانی خدا، از روی عمد

أَنَا الَّذِی عَصَاکَ مُتَعَمِّدًا

منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.

۷۸/۴۷

همانند نافرمانی از خدا

بِحَقِّ... مَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ کَمَعْصِيَتِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی يَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که نافرمانی از او را مانند نافرمانی از خود قرار داده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

پاکی از چرکی عصیان و نافرمانی

وَ هَبْ لِیَ التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ

و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش.

۱۱۲/۴۷

عدم تباهی کارهای نیک، در اثر آمیختگی با معصیت

لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِی بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِکَ

کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

عطای الهی، و نافرمانی بنده

وَ أَبْلَیْتَ الْجَمِیلَ فَعَصَیْتُ

و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم.

۱/۴۹

سرگرم شدن به نافرمانی خدا

کُلُّ ذَلِکَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلًا مِنْکَ، وَ فِی جَمِیعِهِ انْهِمَاکًا مِنِّی عَلَی مَعَاصِیکَ

همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم.۱۳/۴۹

عدم کاهش ملک خدا، با نافرمانی گنهکار

لَکِنْ... مُلْکُکَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ... تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِیَهُ الْمُذْنِبِینَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.۶/۵۰

نافله مستحب

ناگوار

کمی و ناگوارِ بخشش خویشان، به بنده

إِنْ أَلْجَأْتَنِی إِلَی قَرَابَتِی حَرَمُونِی، وَ إِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا

ص: ۱۱۳۸

قَلِيلًا نَكِدًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند.

۳/۲۲

نالیدن

عامل آسان شدن سختی نالیدن بندگان، هنگام مرگ

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... جَهْدَ الْأَنِينِ

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، سختی ناله کردن را بر ما آسان گردان.۱۳/۴۲

نام

منزّه بودن نام های خداوند

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاوءُهُ

نام هایش مقدّس است.۷/۱

وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاوءُكَ عَنِ الْمَنْسُوبِينَ

و نام هایت از نسب داران مقدّس تر است.

۱۴/۳۹

بخشاینده نامیده شدن خدا، از جانب خودش

وَ أَنْتَ الَّذِى سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّى

و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.۱۸/۱۶

مشرکانی با نام و نشانی پنهان از بنده

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِى أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاوءُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و

نشانه هایشان پنهان است.۹/۲۷

نوشتن نام مسلمانی با ویژگی های خاص، در زمره عبادت کنندگان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداونـدا و هر مسـلمانی که امر اسـلام او را نگران سـاخت، از این رو قصـد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

«لیله القدر»، نام شبی از شب های رمضان

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّـاهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ

ص: ۱۱۳۹

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید.

۵/۴۴

«توبه»، نام دری به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَابًا إِلَی عَفْوِکَ، وَ سَمَّیْتَهُ التَّوْبَهَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای و آن را توبه نامیده ای.

۱۰/۴۵

مبارک بودن نام خداوند

...تَبَارَکَ اسْمُکَ

...نامت مبارک است.۱۲/۴۵

نامگذاری دعا، به «عبادت»

فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَهً

پس دعا کردن را عبادت نامیدی.

۱۵/۴۵

نامگذاری ترک دعا، به «استکبار»

فَسَمَّیْتَ... تَرْکَهُ اسْتِکْبَارًا

پس ترک آن را استکبار نامیدی.۱۵/۴۵

تغییر ندادن نام بنده

وَ لَا تُغَیِّرْ لِی اسْمًا

و نامم را تغییر نده.۱۲۴/۴۷

نام های پنهان شده خداوند

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ

پس خداونـدا، به نـام های پنهان شـده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانـده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب رحم نمایی.

۵/۵۰

نیکوترین نام ها

یَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی

ای کسی که نیکوترین نام ها برای اوست.

۷/۵۱

نام بزرگ خداوند

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به نام بزرگت از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و تسبیح نمودن خدا، به نام بزرگش

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی أَمَرْتَ رَسُولَکَ أَنْ یُسَبِّحَکَ بِهِ... أَنْ تُغْنِیَنِی عَنْ کُلِّ شَیْءٍ بِعِبَادَتِکَ

خدای من، به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که مرا به وسـیله بندگی ات از هر چیزی

بی نیاز گردانی.۱۰/۵۲

نامبارک شوم

نامه

پر ساختن نامه اعمال بندگان، از نیکی ها

وَ امْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا

و نامه های اعمال ما را از نیکی هایمان پر کن.

۱۵/۶

فرشتگان و نامه ای خالی از یاد گناهان بندگان

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ... حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند.۲/۱۱

نبرد جنگ

نبوّت پیامبری

نجات رهایی

نجاست پلیدی

نحس شوم

ندا صدا

نرخ بها

نردبان

نردبانی برای رسیدن به جایگاه سلامت (بهشت)

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سُلَّمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَی مَحَلِّ السَّلَامَهِ

و قرآن را نردبانی برای عروجمان به محل سلامت قرار ده.۸/۴۲

بالا رفتن از نردبان رحمت همیشگی خدا

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.

۱۷/۴۹

نرم خویی

توفیق نرم خویی

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... لِینِ الْعَرِیکَهِ

و زیور پرهیزکاران را در نرم خویی، به من بپوشان.۱۰/۲۰

ص: ۱۱۴۱

نرم خو نمودن فرزند، با والدین

وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي

و خویم را برایشان نرم نما.۶/۲۴

نرم بودن با همسایگان، از روی فروتنی

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أُلِينُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضُعًا

و خداوندا مرا بر آن دار که فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم.۳/۲۶

نرم گرداندن خوی ولیّ خدا علیه السلام ، برای دوستان خداوند

وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ

و خوی او را برای دوستانت نرم فرما.

۶۳/۴۷

نرینه

بخشیدن فرزندان نرینه، به والدین

وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش.۵/۲۵

نزدیکان

پیامبر صلی الله علیه و آله و دور گرداندن نزدیکان

وَ أَقْصَى الْأَدْنَيْنَ عَلَى جُحُودِهِمْ

و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

۹/۲

دشمنی پیامبر صلی الله علیه و آله با نزدیک ترین (افراد)

وَ عَادَی فِیکَ الْأَقْرَبِینَ

و به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.۱۲/۲

نزدیکان بنده و پناهگاهی بازدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ... قَرَابَاتِنَا... مِنْهُ فِی حِرْزٍ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ کَهْفٍ مَانِعٍ

و نزدیکان ما را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

تغییر خواری بنده توسّط نزدیکان، به یاری

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِینَ النُّصْرَةَ

و درباره من خوار گرداندن نزدیکان را به یاری نمودن مبدّل فرما.۷/۲۰

رعایت اموری، برای نزدیکان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَرْعَی لَهُمْ مَا أَرْعَی لِخَاصَّتِی

و خداوندا مرا بر آن دار که آنچه را برای

خاصّان خود رعایت می کنم، برای آنان (همسایگان) رعایت نمایم.۳/۲۶

بالاترین عطایای تقرّب جویان

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ... أَعْلَی صِلَاتِ الْمُتَقَرِّبِینَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار ده.۲/۳۹

سرپرستی کردن خدا، از مقرّبان

وَ تَوَلَّنِی بِمَا تَتَوَلَّی بِهِ أَهْلَ طَاعَتِکَ وَ الزُّلْفَی لَدَیْکَ وَ الْمَکَانَهِ مِنْکَ

و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت داراندگانت را سرپرستی می کنی.

۸۷/۴۷

نزدیکی

نزدیک شدن به سوی سرآمدی خاص، با سال های روزگار

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِی الْحَیَاهِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... یَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، که با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود.۶/۱

مقرّبان (درگاه خدا) و نگهداری از کتاب مرقوم

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا یَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَی أَعْلَی عِلِّیِّینَ فِی کِتَابٍ مَرْقُومٍ یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و۱۰/۱

سپاسی تنگ کننده جا، بر فرشتگان مقرّب

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِکَتَهُ الْمُقَرَّبِینَ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم.۱۶و۱۰/۱

نزدیک ترین فرشتگان و ستودن خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِکُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلَائِکَتِهِ إِلَیْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند.۲۵/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیک گرداندن افراد دور

وَ قَرَّبَ الْأَقْصَیْنَ عَلَی اسْتِجَابَتِهِمْ لَکَ

و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان – برای تو – نزدیک نمود.۱۰/۲

برابری نکردن هیچ فرشته مقرّبی ، با پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۱۱۴۳

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ... إِلَى الدَّرَجِهِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِکَ حَتَّى... لَا يُوَازِيَهُ لَدَيْکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ فرشته مقرّبی با او برابری نکند.۲۴و۲۳/۲

جبرئیل، فرشته مقرّب درگاه خدا

جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِکَ... الْمُقَرَّبُ عِنْدَکَ

جبرئیل امین وحی تو، مقرّب نزد توست.

۴/۳

درود خدا، بر مقرّبان درگاهش

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِکَ... وَ أَهْلِ الزُّلْفَهِ عِنْدَکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که نزدت مقرّبند.۱۰/۳

نزدیک نمودن بندگان، به قرب الهی

وَ أَدْنِنَا إِلَى قُرْبِکَ

و ما را به قرب خود نزدیک فرما.۴/۵

سودبریِ آنکه خدا او را به خود نزدیک گرداند

وَ مَنْ تُقَرِّبْهُ إِلَيْکَ يَغْنَمْ

و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می برد. ۹/۵

در زمره نزدیکان (به رحمت) خدا بودن

وَ اجْعَلْنَا... مِنْ خَاصَّتِکَ الْخَاصِّينَ لَدَيْکَ

و ما را از برگزیدگان مخصوص خود قرار ده.

۱۵/۵

نزدیک بودن خدا، به ندا و آواز بنده

وَ کُنْ... مِنْ نِدَائِی قَرِیبًا

و به آوازم نزدیک شو.۲۱/۱۳

نزدیک بودن یاری خدا، به مظلومین

وَ یَا مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِینَ

و ای کسی که یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.۳/۱۴

نزدیک شدن به ترس دیدار خدا

وَ أَشْرَفْتُ عَلَی خَوْفِ لِقَائِکَ. فَلَا مُسَکِّنَ لِرَوْعَتِی

و به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.۱/۲۱

پناه بردن به خدا، از شرّ هر نزدیک و دوری

وَ أَعِذْنِی وَ ذُرِّیَّتِی... مِنْ شَرِّ کُلِّ قَرِیبٍ وَ بَعِیدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر نزدیک و دوری پناه ده.۶/۲۳

نزدیک بودن خدا

إِنَّکَ قَرِیبٌ مُجِیبٌ

ص: ۱۱۴۴

همانا تو نزدیکِ اجابت کننده ای.۱۲/۲۵

وسیله رسیدن به قرب خدا

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا... وُصْلَهً إِلَی قُرْبِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله پیوستن به قربت قرار ده.۶/۳۰

نزدیک شدن به گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا... وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أُقَارِفَ مِثْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و مرا از نزدیک شدن به مانند آن، نگهدار.۱۸/۳۱

نزدیکی گنهکار، به معصیت

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِیَتَکَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْیِی سَخْطَتَکَ، فَتَلَ عَنِّی عِذَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات نزدیکی نمودم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند.۱۳/۳۲

فرشتگان مقرّب، در جایگاه گواهان

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ الرُّسُلِ الْمُکَرَّمِینَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد

جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

نزدیک بودنِ دُورِ آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... بَعِیدُهَا قَرِیبٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که دورش نزدیک است.۲۹/۳۲

راهی نزدیک تر به خلاف عافیت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ... أَقْرَبُ إِلَی ضِدِّ الْعَافِیَهِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

نزدیک گرداندن وقت تلاش جهت توبه

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَهِ... وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعْيًا إِلَى التَّوْبَهِ الْمَاحِيَهِ... وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِيهِ

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده و زمان آن را نزدیک گردان.۴و**۳/۳۴**

پاداشی جاوید، به کرداری با پایان نزدیک و زایل شدنی

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ... عَلَى الْغَايَهِ الْقَرِيبَهِ الزَّائِلَهِ بِالْغَايَهِ الْمَدِيدَهِ الْبَاقِيَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.۱۲/۳۷

مرگ، خویشاوندی نزدیک

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْکَ... حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ... حَامَّتَنَا الَّتِی نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم. تا جایی که مرگ برای ما (همانند) خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.

۳/۴۰

نزدیک شدن زمان کوچ کردن به آخرت

وَ دَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَهِ رَحِيلٌ وَ انْطِلَاقٌ

و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود.۱۳/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله ، نزدیک ترین پیامبران به خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْکَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.۱۸/۴۲

نزدیک ساختن دستاویز محمّد صلی الله علیه و آله ، به

خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ قَرِّبْ وَسِيلَتَهُ

خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دستاویزش را نزدیک نما.۱۹/۴۲

برترین پاداش یکی از فرشتگان مقرّب، برای محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالَاتِکَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِکَ الْمُقَرَّبِينَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی.۲۲/۴۲

نزدیکی به پاداش الهی

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ... حَتَّی... لَا نَتَکَلَّفَ إِلَّا مَا یُدْنِی مِنْ ثَوَابِکَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم.۷و۶/۴۴

تقرّب به خدا، در ماه رمضان

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیَهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.۱۱و۱۰/۴۴

ص: ۱۱۴۶

انواع تقرّب بندگان

وَ وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَهِ... حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَهِ لَكَ، وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَهِ إِلَيْكَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم.۱۱و۱۰/۴۴

فرشتگان مقرّب، و عبادت در ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِيهِ مِنِ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلَكٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن (ماه)، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.۱۲/۴۴

بینایی به تقرّب نزد خدا

بَصَّرْتَنَا الزُّلْفَهَ لَدَيْكَ

ما را به (راه) نزدیکی نزد خودت، بینا نمودی.

۱۹/۴۵

نزدیکی خدا، به تقرّب جوینده اش

وَ أَنْتَ... الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ

و تو نزدیک به هر آن کسی هستی که برای قرب به تو کوشد.۲۱/۴۵

نزدیک بودن آرزوها، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْآمَالُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد.

۲۵/۴۵

نزدیک شدن به گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِی شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداونـدا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شـدیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

درود خدا، بر فرشتگان مقرّب

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّنَا وَ آلِهِ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

خداوندا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرّبت درود فرستادی.۵۶/۴۵

نزدیک شدن خدا، به نزدیک شونده به او

وَ یَا مَنْ یَدْنُو إِلَی مَنْ دَنَا مِنْهُ

ص: ۱۱۴۷

و ای کسی که به هر که به او نزدیک شود، نزدیک می شود.۸/۴۶

نزدیکی فریاد رسی خدا ، به فریاد رس خواهان

إِغَاثَتُکَ قَرِیبَهٌ مِنَ الْمُسْتَغِیثِینَ

فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است.۱۴/۴۶

بلندمرتبه و نزدیک بودن خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِی فِی عُلُوِّهِ، وَ الْعَالِی فِی دُنُوِّهِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. با وجود بلندی خودْ نزدیک، و با وجود نزدیکی خودْ بلندی.۱۰/۴۷

سپاسی وسیله تقرّب به خداوند

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا یُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَیْکَ

سپاس برای توست. سپاسی که به وسیله آن جز به سوی تو، تقرّب نتوان جست.۳۷و۳۶/۴۷

سپاسی نزدیک به سخن خداوند

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَی قَوْلِکَ مِنْهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد.۴۷و۳۶/۴۷

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیامبر مقرّب درگاه خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَی الْمُکَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را بفرست.۵۰/۴۷

درودی رساننده محمّد صلی الله علیه و آله و آل او، به قرب الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ... صَلَاهً تُقَرِّبُهُمْ مِنْکَ زُلْفَی

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که ایشان را هر چه بیشتر به تو نزدیک گرداند.

۵۹/۴۷

در پی طلب قرب خدا بودن

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام.۷۲/۴۷

خدا، و مقرون نمودن دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به دوستی خود

بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَیْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ کسی که دوستی اش را با دوستی خود قرین کرده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

دوستی دنیا و غفلت از تقرّب به خدا

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِی حُبَّ دُنْیا دَنِیَّةٍ... تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْکَ

و دوستی دنیای پست را که از نزدیکی جستن به تو، غافل می نمایدْ از دلم بَر کن.۱۰۹/۴۷

نزدیک شدن به خشیت الهی

وَ هَبْ لِی عِصْمَةً تُدْنِینِی مِنْ خَشْیَتِکَ

و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند.۱۱۱/۴۷

نزدیک بودن خدا، به پوشاندن (گناه)

أَعْلَمُ... أَنَّکَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْکَ إِلَی أَنْ تَشْهَرَ

می دانم به درستی که تو به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه آشکار سازی.۱۱۶/۴۷

کوشش در امور نزدیک گرداننده به خدا

وَ أَذِقْنِی طَعْمَ... الِاجْتِهَادِ فِیما یُزْلِفُ لَدَیْکَ وَ عِنْدَکَ

و طعم کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان.

۱۲۵/۴۷

رحم نمودن خدا، به نزدیک شدن مرگ بنده

ارْحَمْ... اقْتِرَابَ أَجَلِی

بر نزدیک شدن مرگم رحم کن.۴/۵۳

آنچه بندگان با آن، به خدا تقرّب جویند:

أ. عمل تقرّب آور، در ماه رمضان

اللّٰهُمَّ وَ مَنْ... تَقَرَّبَ إِلَيْکَ بِقُرْبَهٍ أَوْجَبَتْ رِضَاکَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ...

خداونـدا و هر کس به وسـیله عمـل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسـته، که خوشـنودی تو را برای او لازم گردانـده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

ب. دعا کردن به ولیّ خدا

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِینَ... وَ إِلَیْکَ وَ إِلَی رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ اللَّهُمَّ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِذَلِکَ مُتَقَرِّبِینَ

و ما را برای او شـنوندگان، و بدین وسـیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست - قرار ده.۶۳/۴۷

ج. آنچه کسی جز با تقرّب به آن، به خدا نزدیک نشود

ص: ۱۱۴۹

إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أَقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام.

۷۲/۴۷

د. منزلت محمّد صلی الله علیه و آله و مقام علی علیه السلام

اللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُـحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ، وَ الْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم.۱۶/۴۹

نزول

فرشتگان و نزول فرمان الهی

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَلَی أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

نزول چیزی (بلایی) که سنگینی اش بر بنده دشوار است

وَ قَدْ نَزَلَ بِی یَا رَبِّ مَا قَدْ تَکَأَّدَنِی ثِقْلُهُ

و ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است.۵/۷

گواه گرداندن قرآن، بر هر کتاب مُنْزل

وَ جَعَلْتَهُ مُهَیْمِنًا عَلَی کُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ

و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی.۱/۴۲

نزول قرآن، به صورت نور

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی.۱/۴۲

نزول وحی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ جَعَلْتَهُ... وَحْیًا أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تَنْزِیلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

نزول اجمالی قرآن، بر پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ

ص: ۱۱۵۰

آلِهِ مُجْمَلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی.۵/۴۲

نزول قرآن، در ماه رمضان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد.۳/۴۴

نزول آیاتی درباره افزایش حسنات

وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.۱۳/۴۵

نزول قرآن در رمضان، سبب برگزیدگی این ماه

وَ آثَرْتَهُ عَلَی کُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَهِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

نزول کتاب الهی

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

نَسَب حسب و نسب

نسبت دادن

خدا و نسبت دادن آفریدگان به فقر

وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ

و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.۱۲/۱۳

نسل

بی بهرگی نسل پیش از اسلام ، از وجود محمّد صلی الله علیه و آله

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَهِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منّت نهاد،

نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین.۱/۲

مقطوع نمودن نسل چهارپایان دشمنان مرزداران اسلام

وَ اقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ

و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن.۶/۲۷

نسیان فراموشی

نشانه

پیروی تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از نشانه های صحابه

وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها آشفته نساخت.۱۱/۴

نشانه های بنده (کارهایش) و زشتی آن

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَقْبَحُ آثَارًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي

بلکه من – ای خدای من – نشانه هایم زشت تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

نمایاندن نشانه ای در مژده الهی، به بنده

وَ اكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي

الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَ عَرِّفْنِي فِيهِ عَلَامَةً أَتَبَيَّنُهَا

و ایمنی از خشـمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.۳۳/۱۶

بنده و نشانه پای شیطان

وَ اقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ

و اثرش را از ما قطع کن.۴/۱۷

دو نشانه از نشانه های خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَیْنِ آیَتَانِ مِنْ آیَاتِکَ

خداوندا همانا این دو (ابر و آذرخش)، دو نشانه از نشانه های تو هستند.۱/۳۶

قرآن، نشانه نجات و رهایی

وَ جَعَلْتَهُ... عَلَمَ نَجَاهٍ لَا یَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود.۳/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله ، نشانه ای جهت دلالت بر خدا

اللَّهُمَّ وَ کَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَهِ عَلَیْکَ... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَهِ

خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی،

پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت قرار ده.۸/۴۲

ماه، نشانه ای از نشانه های پادشاهی و قدرت خدا

وَ جَعَلَکَ آیَهً مِنْ آیَاتِ مُلْکِهِ، وَ عَلَامَهً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ

و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد.۲/۴۳

نشانه های آشکار در قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ مِنْ تِلْکَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِیَامِ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ، وَ بَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَی وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.۳/۴۴

غلبه داشتن نشانه های خدا

سُبْحَانَکَ بَاهِرَ الْآیَاتِ

پاک و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است.

۳۱/۴۷

امام علیه السلام ، نشانه ای برای بندگان خدا

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

عامل زنده گرداندن نشانه های دین خدا

أَحْیِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِینِکَ

با او (ولیّ خود)، آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان.۶۲/۴۷

بنده را نشانه انتقام الهی قرار ندادن

وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلْبَلَاءِ غَرَضًا، وَ لَا لِنَقِمَتِکَ نَصَبًا

و مرا هدف بلا و نشانه انتقام خود نگردان.

۱۶/۴۸

برگرداندن نشانه گیری دشمن، بر خودش

وَ جَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُودًا عَلَيْهِ

و آنچه آن را نشانه گرفته بود، بر خودش برگرداندی.۶/۴۹

بريده شدن نشان و اثر بنده، از دنيا

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثَرِي

مولاى من! هنگامى كه اثرم از دنيا قطع شود، به من رحم كن.۵/۵۳

نصر يارى

ص: ۱۱۵۳

نصوح

فرمان خدا، به توبه نصوح

فَقُلْتَ تَبَارَکَ اسْمُکَ: تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا...

پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص.۱۰/۴۵

توبه نصوح، در عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَیْکَ فِی یَوْمِ فِطْرِنَا... تَوْبَهً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِیَابِ

خداوندا ما در روزِ فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد.۵۲/۴۵

نتیجه توبه نصوح

وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَهً وَ لَا کَبِیرَهً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.۱۲۶/۴۷

نصیحت پند

نظر نگاه

نظیر همانند

نعمت

پی درپی بودن نعمت های الهی

وَ تَظَاهَرَتْ آلَاوءُهُ

و نعمت هایش آشکار و پی درپی است.۷/۱

نیکو بودن نعمت خدا، در حقّ بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بَلَاوءُهُ عِنْدَنَا

و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. پس اگر از فضل او، جز همان توبه

را به شمار نیاوریم، مسلّماً نعمتش بر ما نیکو است.۲۲/۱

وَ أَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ

و نعمت نیکو عطا نمودی، پس نافرمانی کردم.

۱/۴۹

کوتاهی نمودن در سپاس گزاری از نعمت

...يَحْجُبُنِي... نِعْمَهٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ. فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.۲/۱۲

خدا، بخشنده نعمت بزرگ

إِنَّکَ... الْمُتَطَوِّلُ بِالِامْتِنَانِ

همانا تویی که بدون استحقاق نعمت بزرگ می بخشی.۷/۱۵

ص: ۱۱۵۴

انعام الهی و سبکی پشت بنده، از گناه

وَ هَذَا ظَهْرِی قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَایَا، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّکَ

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به بخششت آن را سبک گردان.۲۹/۱۶

برکت دادن به انعام شده، به بنده

وَ بَارِکْ لِی... فِیما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ

و برایم در آنچه به من نعمت داده ای، برکت ده. ۵/۲۲

عطای نعمت بقای فرزندان، به والدین

اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَیَّ بِبَقَاءِ وُلْدِی

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منّت گذار.

۱/۲۵

انعام و اصلاح حال بنده

وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکُلِّ مَا یُصْلِحُنِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی...

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

سبب از دست دادن نعمت الهی

وَ لَوْ کَافَأْتَ الْمُطِیعَ عَلَی مَا أَنْتَ تَوَلَّیْتَهُ لَأَوْشَکَ... أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُکَ

و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن

گماشته ای، جزا دهی، چه بسا نعمت تو از دستش می رفت.۱۲/۳۷

نجات بندگان، به سبب نعمت الهی

وَ عَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ... حَتَّی... یَنْجُوَ کُلٌّ مِنَّا بِمَنِّکَ

و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را به من عوض ده. تا هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات یابد.۳/۳۹

پراکندگی نعمت خدا، در بین آفریدگان

وَ فَشَتْ نِعْمَتُکَ فِی جَمِیعِ الْمَـخْلُوقِینَ

و نعمتت در همه آفریدگان پراکنده است.

۱۴/۳۹

وسیله ورود به نعمت فراوان سرای اقامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... ذَرِیعَهً نَقْدَمُ بِهَا عَلَی نَعِیمِ دَارِ الْمُقَامَهِ

و قرآن را وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.۸/۴۲

ماه نو، ماه نعمت

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ یَجْعَلَکَ... هِلَالَ... نِعْمَهٍ...

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه نعمت قرار دهد.۵و۴/۴۳

سپاس گزاری از نعمت خدا، در هر ماه

وَ أَوْزِعْنَا فِیهِ شُکْرَ نِعْمَتِکَ

و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن.

۷/۴۳

کامل ساختن نعمت، با کامل شدن طاعت

وَ أَتْمِمْ عَلَیْنَا بِاسْتِکْمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ الْمِنَّهَ

و با کامل کردن طاعتت در آن (ماه)، نعمت را بر ما تمام گردان.۷/۴۳

نیکی خدا و نعمت های او

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... سَبَّلَنَا فِی سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُکَهَا بِمَنِّهِ إِلَی رِضْوَانِهِ

و سپاس خدای را که ما را در راه های احسانش، راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش رویم.۲/۴۴

ابتدایی (بدون مقدّمه) بودن نعمت خدا

مِنَّتُکَ ابْتِدَاءٌ

نعمت تو ابتدا(یی و بدون مقدّمه) است.

۴/۴۵

نعمت های الهی و عدم بدبختی اشقیا

تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا... یَشْقَی بِنِعْمَتِکَ شَقِیُّهُمْ إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او.۹/۴۵

نعمت الهی، عاملی برای یاد خدا

فَذَکَرُوکَ بِمَنِّکَ

پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند.

۱۶/۴۵

شرط متصف شدن مخلوق، به انعام

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِى دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ... مَنْعُوتًا بِالِامْتِنَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان و نعمت دادنْ توصیف می شد.۱۷/۴۵

پوشاندن بندگان، به نعمت

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ، وَ غَمَرَهُمْ بِالْمَنِّ وَ الطَّوْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را پوشانده ای.۱۸/۴۵

آشکار بودن نعمت خدا، در مورد بندگان

مَا أَفْشَى فِينَا نِعْمَتَکَ

چه آشکار است در (جمع) ما نعمت تو!

۱۸/۴۵

فراوانی نعمت های خدا

مَا... أَسْبَغَ عَلَيْنَا مِنَّتَکَ

چه فراخ است بر ما نعمتت!۱۸/۴۵

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی... سُبُوغِ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر فراخی نعمت هایت بر من.۱/۵۱

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَیَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی

و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.

۲/۵۱

وَ وَجَدْتُ نُعْمَاکَ عَلَیَّ سَابِغَةً فِی کُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِی وَ کُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِی

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم.۵/۵۱

تغییر ندادن نعمت، توسّط خداوند

وَ یَا مَنْ لَا یُغَیِّرُ النِّعْمَةَ

و ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد.

۱۰/۴۶

علّت درنگ خدا، تمام تر گشتن نعمتش

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... بَلْ لِتَکُونَ... نِعْمَتُکَ أَتَمَّ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که نعمت تو تمام تر باشد.

۲۲/۴۶

بی شماری نعمت الهی

وَ نِعْمَتُکَ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَی بِأَسْرِهَا

و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید.۲۳/۴۶

سپاسی به جاویدی نعمت خدا

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.۳۳/۴۷

الهام شکر نعمت، به ولیّ خدا

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما.۶۱/۴۷

انعام عفو الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمُ عَرَفَهَ یَوْمٌ... مَنَنْتَ فِیهِ بِعَفْوِکَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای.۶۶/۴۷

نعمت دادن به بنده، قبل و بعد از آفرینش

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُکَ الَّذِی أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ قَبْلَ خَلْقِکَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِکَ إِیَّاهُ

خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینشت و پس از آفرینشت، او را نعمت داده ای.

۶۷/۴۷

عطای نعمت به بنده و نافرمانی نمودن او

ص: ۱۱۵۷

نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِکَ، فَخَالَفَ أَمْرَکَ إِلَى نَهْيِکَ... وَ کَانَ أَحَقَّ عِبَادِکَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. و حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.۶۸/۴۷

انعام آمرزش الهی، به بنده

وَ امْنُنْ عَلَيَّ - بِمَا لَا يَتَعَاظَمُکَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَمَّلَکَ - مِنْ غُفْرَانِکَ

و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

۷۰/۴۷

انعام الهی، و عفو لغزشکاران

وَ يَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالَهِ الْعَاثِرِينَ

و ای آنکه با انعام و احسان خود، لغزشکاران را می بخشایی.۷۵/۴۷

ثروتمند و رسیدن نعمتش به دیگری

وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلَائِکَ لِی اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِی خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرَکْکَ فِی حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِی

و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است.۹۰/۴۷

رسیدن به منتها درجات منعمین

وَ بَلِّغْنِی مَبَالِغَ مَنْ عُنِيتَ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ

و مرا به منتها درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و به او نعمت داده ای.۱۰۵/۴۷

نعمت های پهناور الهی

وَ جَلِّلْنِی سَوَابِغَ نَعْمَائِکَ

و مرا به نعمت های گسترده خود فراپوش.

۱۱۲/۴۷

فراموشی نادانان ، نسبت به نعمت های الهی

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

توأم ساختن اوایل نعمت های الهی، با اواخر آنها

وَ اشْفَعْ لِی أَوَائِلَ مِنَنِکَ بِأَوَاخِرِهَا

و برای من اولین نعمت هایت را، با آخِرین آن توأم ساز.۱۲۱/۴۷

کامیابی بنده، به بهشت پر نعمت الهی

ص: ۱۱۵۸

وَ أَوْجِدْنِی... جَنَّهِ نَعِیمِکَ

و مرا از بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

تمام گشتن فراخی نعمت خدا، بر بنده

وَ تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ

و فراخی نعمتت را بر من تمام کن.۱۲۸/۴۷

کامل نمودن انعام خدا، بر بنده

وَ أَتْمِمْ لِی إِنْعَامَکَ

و نعمت دادنت را برایم کامل کن.۱۳۲/۴۷

نعمت فراوان آن سرای

وَ صِلْ ذَلِکَ بِخَیْرِ الْآخِرَهِ وَ نَعِیمِهَا

و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان.۲۸/۴۸

باراندن ابرهای نعمت، بر بندگان

وَ کَمْ مِنْ... سَحَائِبِ نِعَمٍ أَمْطَرْتَهَا عَلَیَّ

و چه بسیار ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی.۱۱/۴۹

انعامی از جانب خداوند

کُلُّ ذَلِکَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلًا مِنْکَ

همه آنها نعمت و احسان از جانب توست.

۱۳/۴۹

خدا و نعمت بخشیدن

أَبَيْتَ يَا مَوْلَایَ إِلَّا إِحْسَانًا وَ امْتِنَانًا وَ تَطَوُّلًا وَ إِنْعَامًا

تو ای مولای من، جز احسان و بخشش و لطف و انعام کاری نکرده ای.۱۴/۴۹

اقرار بنده، به فراوانی نعمت های الهی

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده است.۱۵/۴۹

فراخ گرداندن نعمت، بر بنده

إِلَهِی أَحْمَدُکَ... عَلَی مَا... أَسْبَغْتَ عَلَیَّ مِنْ نِعْمَتِکَ

خدای من، تو را سپاس گزارم بر نعمتت که بر من روا داشتی.۱/۵۱

فراخی نعمت، و روشنی چشم بنده

وَ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ سَابِغَهٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَیْنِی

و چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی!۳/۵۱

فراوانی نعمت، علّت شیفتگی دل ها

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِکَثْرَهِ النِّعَم عَلَیْهِ

پس – ای مولای من – از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی

نعمت ها بر او، فریفته شده.۸/۵۲

نفاق

نگه داشتن بندگان، از نفاق

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ...

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار.۱۲/۴۲

نفرت کینه

نفرین لعنت

نفَس

سبب آرزو نکردن پیوستگی نفَسی به نفَس دیگر

وَ اکْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ... حَتَّی لَا نُوءَمِّلَ... اتِّصَالَ نَفَسٍ بِنَفَسٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار، تا بدانجا که پیوستگی نفسی را به نفسی، آرزو نکنیم.۱/۴۰

نفْس

خدا و شناساندن نفس خویش، به بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ

و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند.

۱۰/۱

روز به سزا رسیدن نفس ها

یَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند.۱۱/۲۴، ۱۲/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و به تلاش انداختن جان خویش، برای انجام فرمان الهی

...کَمَا نَصَبَ لِأَمْرِکَ نَفْسَهُ

...همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.۴/۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و خسته کردن جان خود، در رساندن پیام الهی

و أَدْأَبَ نَفْسَهُ فِی تَبْلِیغِ رِسَالَتِکَ

و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، از محلّ انس گرفتن جانش، به جایی دور

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ... مَأْنَسِ نَفْسِهِ

و از جای انس گرفتنش، به محل دور هجرت نمود.۱۶/۲

خدا ، و به نفس خویش اختصاص دادن اصناف گوناگون فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ

ص: ۱۱۶۰

قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ الَّذِینَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای.۱۱و۱۰/۳

بودن گواه و راننده ای، با نفس هر کس

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ یَوْمَ یَأْتِی کُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِیدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

روز بیرون شدن جان ها، از تن ها

وَ تُهَوِّنَ عَلَیْهِمْ کُلَّ کَرْبٍ یَحُلُّ بِهِمْ یَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.۱۷/۴

نفس خود را در اختیار خدا افکندن

أَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَیْنَ یَدَیْکَ

چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم، بی نیازمان گردان.۵/۱۰

به نفس خویش ستم نمودن

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ...

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده سخن می گویم.۷/۱۲

نفس الهی و فضل و بخشش او

وَ یَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَی نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.۱۰/۱۲

ایمن گرداندن بنده، از خوف نفس خود

وَ آمِنْ خَوْفَ نَفْسِی

و ترسم را ایمنی ده.۱۶/۱۲

نترسیدن بنده بر نفس خود، مگر از خدا

وَ لَا أَخَافُ عَلَی نَفْسِی إِلَّا إِیَّاکَ

و من بر خود جز از تو نمی ترسم.۱۶/۱۲

برطرف کردن احتیاج نفس

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِکَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.۱۳/۱۳

نفس، و جلوه دادن حاجت خواهی از غیر خدا

اللَّهُمَّ وَ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ قَدْ... سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی رَفْعَهَا إِلَی مَنْ یَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَیْکَ... وَ هِیَ زَلَّهٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِینَ...

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو

طلب کرده برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران است.۱۵/۱۳

خدا و بخشاینده نامیدن نفس خویش

وَ أَنْتَ الَّذِی سَمَّیْتَ نَفْسَکَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّی

و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.۱۸/۱۶

خدا ، و وصف نمودن نفس خویش ، به رحمت

أَنْتَ الَّذِی وَصَفْتَ نَفْسَکَ بِالرَّحْمَهِ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْحَمْنِی

تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.۱۸/۱۶

دور بودن بنده، از اصلاح نفس خود

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِینَ أُنْفِقُ مَا أَجْرَیْتَ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ فِیما نَهَیْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِیَتِکَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

۲۳/۱۶

گواهی دادن بنده، درباره نفس خویش

سُبْحَانَکَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَی نَفْسِی

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر

خود می دهم.۲۵/۱۶

علّت سرزنش نمودن نفس خود

وَ إِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهَذَا نَفْسِی طَمَعًا فِی رَأْفَتِکَ الَّتِی بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِینَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست -.۲۸/۱۶

طمع نفس شیطان، در گمراه کردن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یُطْمِعَ نَفْسَهُ فِی إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِکَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت طمع کند، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

پست نمودن بنده، پیش نفسش

وَ لَا تَرْفَعْنِی فِی النَّاسِ دَرَجَهً إِلَّا حَطَطْتَنِی عِنْدَ نَفْسِی مِثْلَهَا

و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری.

۴/۲۰

خواری پنهانی برای بنده، نزد نفسش

وَ لَا تُحْدِثْ لِی عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِی ذِلَّهً بَاطِنَهً عِنْدَ نَفْسِی بِقَدَرِهَا

و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به

ص: ۱۱۶۲

همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

۴/۲۰

حکم کردن به زیان (نفس) خود

مَا لِی بَعْدَ أَنْ حَکَمْتُ عَلَی نَفْسِی إِلَّا فَضْلُکَ

پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم.۱۵/۲۰

گرفتن بهره ای از نفس بنده، برای رهاندن او

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِکَ مِنْ نَفْسِی مَا یُخَلِّصُهَا

خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر.۱۹/۲۰

به صلاح آوردن نفس بنده

اللَّهُمَّ... أَبْقِ لِنَفْسِی مِنْ نَفْسِی مَا یُصْلِحُهَا

خداوندا از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار.۱۹/۲۰

تباه شوندگی نفس بنده

فَإِنَّ نَفْسِی هَالِکَةٌ أَوْ تَعْصِمَهَا

زیرا نفس من هلاک شونده است، مگر آنکه تو حفظش نمایی.۱۹/۲۰

عدم توانایی بنده، بر سود و زیان نفسش

لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِکَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

گواهی دادن، درباره (نفس) خود

...أَشْهَدُ بِذَلِکَ عَلَی نَفْسِی

...بر خود، به این مطلب گواهی می دهم.

۷/۲۱

واداشتن نفس بنده، به طاعت خدا

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِکَ نَفْسِی عَنْ کُلِّ مَا یَرِدُ عَلَیَّ...

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار.۹/۲۱

خدا و نیکان خلق، الفت نفس بنده

...بَلِ اجْعَلْ سُکُونَ قَلْبِی وَ أُنْسَ نَفْسِی وَ اسْتِغْنَائِی وَ کِفَایَتِی بِکَ وَ بِخِیَارِ خَلْقِکَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

امر نمودن بنده، درباره اصلاح نفسش

اللَّهُمَّ إِنَّکَ کَلَّفْتَنِی مِنْ نَفْسِی مَا أَنْتَ أَمْلَکُ بِهِ مِنِّی

خداوندا مرا – درباره (اصلاح) نفسم – به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری.

۱/۲۲

عطا نمودن چیزی از نفس بنده، به او و خوشنود ساختن خدا

فَأَعْطِنِی مِنْ نَفْسِی مَا یُرْضِیکَ عَنِّی

پس آنچه تو را از من راضی می گرداند، به من

عطا فرما.۱/۲۲

رضای نفسِ خدا، از نفسِ بنده

وَ خُذْ لِنَفْسِکَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِی فِی عَافِیَةٍ

و رضای نفْسِ خود را از نفْسِ من در حال عافیت دریافت نما.۱/۲۲

نتیجه واگذاشتن بنده، به نفس خود

وَ انْظُرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی، فَإِنَّکَ إِنْ وَکَلْتَنِی إِلَی نَفْسِی عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أُقِمْ مَا فِیهِ مَصْلَحَتُهَا

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم.۳/۲۲

سهل انگاری نفس

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم.۷/۲۲

آرامش نفس

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَةَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ فِیما یَحْدُثُ فِی حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

آرزو نمودن چیزی بهتر از نعمت دیگران، برای نفس خویش

وَ ارْزُقْنِی سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّی لَا أَرَی نِعْمَةً مِنْ نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.۱۲/۲۲

فرزندان، و متّهم ندانستن والدین، درباره نفس خود

فَإِنِّی لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَی نَفْسِی

زیرا آنان را نسبت به خودم، متّهم نمی دانم.

۹/۲۴

علّت تنگ گرفتن والدین، بر نفس خود

أَیْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَی أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَهِ عَلَیَّ؟!

تنگی هایی که آن دو (پدر و مادرم) برای

ص: ۱۱۶۴

گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

۱۰/۲۴

طلب عافیت، برای جان فرزندان

وَ عَافِهِمْ فِی أَنْفُسِهِمْ وَ فِی جَوَارِحِهِمْ...

و آنان را در جان و اعضایشان تندرستی ده.

۲/۲۵

درخواست برای نفس خود و فرزندان، و شمول آن برای مؤمنان

وَ أَعْطِ جَمِیعَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِی سَأَلْتُکَ لِنَفْسِی وَ لِوَلَدِی...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانندِ آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.۱۲/۲۵

مرزداران و بازگو نکردن فرار، با نفس خویش

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ مَسَاکِنِ الْخُلْدِ... حَتَّی لَا یَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ، وَ لَا یُحَدِّثَ نَفْسَهُ عَنْ قِرْنِهِ بِفِرَارٍ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از خانه های همیشگی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.۴/۲۷

برشمردن ستم به نفس خود

...حَتَّی إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَی... أَحْصَی مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ

...امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد.

۷/۳۱

فروافکندن نفسِ خود، برای خداوند

وَ ارْفَعْنِی عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ کَمَا وَضَعْتُ لَکَ نَفْسِی

و مرا از افتادنگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه نفس خود را برای تو فروافکنده ام.

۱۲/۳۱

با نفس خویش بازگو نکردن گناه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ... تَوْبَهَ مَنْ لَا یُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِیَهٍ

خداوندا من به درگاهت توبه می کنم، توبه کسی که با نفسِ خود، نافرمانی ای را بازگو نمی کند.۱۴/۳۱

درباره نفس خویش ، از خدا شرمنده بودن

وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْیَا لِنَفْسِهِ مِنْکَ، وَ سَخِطَ عَلَیْهَا

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین است.

۱۹/۳۲

ص: ۱۱۶۵

پیش خدا آمدن، با نفسی فروتن

هَذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ... فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ

این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. پس با وجودی فروتنْ پیش روی توست.۱۹/۳۲

پیروی نمودن نفس، از شیطان

فَأَنَا أَشْكُو... طَاعَةَ نَفْسِي لَهُ

پس از اطاعت نفسم از او، به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

خوشنود شدن نفس بنده، به قضای الهی

وَ طَيِّبْ بِقَضَائِكَ نَفْسِي

و نفسِ مرا به قضای خود، خوشنود گردان.

۳/۳۵

تقصیر نفس و سزاواری خداوند

وَ كُلٌّ مُقِرٌّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.۸/۳۷

درخواست بخشش نفس، از خدا

أَسْتَوْهِبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِيَ الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم

که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. ۷/۳۹

هدف از خلقت نفس

أَسْتَوْهِبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِيَ الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ... وَ لَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا...

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. بلکه آن را آفریدی،

تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود.۷/۳۹

به نفس خود ستم نمودن

وَ هَبْ لِنَفْسِی عَلَی ظُلْمِهَا نَفْسِی

و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. ۹/۳۹

منزّه ندانستن نفس خود ، از سزاواری عقاب الهی

إِنَّکَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی تَفْعَلْهُ بِمَنْ... لَا یُبَرِّئُ نَفْسَهُ مِنِ اسْتِیجَابِ نَقِمَتِکَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی داند.

۱۱/۳۹

آسان نمودن جان کندن، بر نفْس بنده

ص: ۱۱۶۶

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَ جَهْدَ الْأَنِينِ، وَ تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِيَ

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله و خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر نفْسِ ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد.۱۳/۴۲

مهلت الهی و ستم بنده، بر نفس خود

وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. ۹/۴۵

خداوند و افزونی بر نفس خویش

وَ أَنْتَ الَّذِی زِدْتَ فِی السَّوْمِ عَلَى نَفْسِکَ لِعِبَادِکَ

و تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای.۱۲/۴۵

توسّط نفسِ مخلوقی دیگر، راهنمایی شدن

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ...

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.۱۷/۴۵

رمضان و ستم نمودن بنده به نفس خود

اللَّهُمَّ وَ مَا... اکْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِکَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.۴۷/۴۵

خواندن خدا، به سوی نفس خویش

وَ يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ

و ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گرداند.۹/۴۶

خدا، آفریننده جان ها

سُبْحَانَکَ... بَارِئَ النَّسَمَاتِ

پاک و منزّهی! پدیدآورنده جان ها.۳۱/۴۷

جانی بودن بنده، درباره نفس خود

أَنَا الْجَانِی عَلَی نَفْسِهِ

منم جنایتکار بر خود.۸۲/۴۷

سوگند به حقّ (نفس) آنکه خدا او را برای خود پسندیده

بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ بِمَنِ اصْطَفَیْتَهُ لِنَفْسِکَ... تَغَمَّدْنِی فِی یَوْمِی هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ

ص: ۱۱۶۷

إِلَيْکَ مُتَنَصِّلًا

به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای و آنکه برای خودت پسندیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.۸۶/۴۷

به رنج انداختن نفس خود، برای (طاعت) خدا

وَ تَوَحَّدْنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ... أَتْعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِکَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که برای تو خود را به سختی انداخته.۸۸/۴۷

بد کردن به نفس خود

أَتَيْتُکَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم.۷/۴۸

گریختن بنده با جان خود، به سوی خدا

وَ قَدْ فَرَرْتُ إِلَيْکَ بِنَفْسِي

و با جانم به سوی تو گریخته ام.۳/۴۹

پناهگاه تباه کننده بهره نفس خویش

وَ إِلَيْکَ... مَفْزَعُ الْمُضَيِّعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِئِ

و پناهگاه آنکه بهره نفْسش را تباه کرده و

پناهنده گشته، به سوی توست.۳/۴۹

تباه ساختن نفس خویش

هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ... وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است.۱۵/۴۹

خطاب خدا درباره اسراف بنده، بر نفسش

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیما أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَکَ أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

رحم نمودن خدا، به جان بی تاب بنده

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب رحم نمایی.

۵/۵۰

ص: ۱۱۶۸

سبب اصلاح نیافتن نفس

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَیَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِی

و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم و اصلاح خویش را نمی یافتم.۲/۵۱

سپاس گزاری نفس بنده، از خدا

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی

نفْسم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند.۶/۵۱

وسوسه و ضعف نفس

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِیما وَعَدْتَهُ أَوْلِیاءَکَ... وَ وَسْوَسَهَ نَفْسِی

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، و از وسوسه های دلم، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

سهل انگاری بنده ، نسبت به بهره نفس خود

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا... الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی

اگر کیفر کنی، این من هستم که واگذارنده بهره خویشم.۱۴/۵۱

افراط و تجاوز از حدّ، بر نفس خود

أَنَا بِإِسْرَافِی عَلَی نَفْسِی ذَلِیلٌ

من به خاطر زیاده روی بر خود، خوار گشته ام.

۷/۵۲

سبب به کار بیهوده مشغول داشتن نفس

فَأَسْأَلُکَ یَا مَوْلَایَ سُوءَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِیَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش، به بیهوده کاری مشغول شده.

۸/۵۲

عامل تسلّی نفسِ بنده، در دوری از دنیا

إِلَهِی أَسْأَلُکَ... أَنْ تُسَلِّیَ نَفْسِی عَنِ الدُّنْیَا بِمَخَافَتِکَ

خدای من، از تو می خواهم که نفْس مرا با ترس از خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی.

۱۰/۵۲

واداشتن نفس، در جایگاه خواران گنهکار

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی مَوْقِفَ الْأَذِلَّاءِ الْمُذْنِبِینَ

نفْسِ خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار واداشته ام.۲/۵۳

تباه ساختن نفس خود

سُبْحَانَکَ... أَیَّ تَغْرِیرٍ غَرَّرْتُ بِنَفْسِی!

پاک و منزّهی! به کدام هلاک، خود را به هلاکت افکندم؟۳/۵۳

خشوع بنده، جهت قصاص نفس خویش

أَسْتَكِينُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِي

برای قصاص خویش، فروتن می شوم.

۴/۵۳

میراندن نفس بنده، بر صدق و راستی

اقْبِضْ عَلَى الصِّدْقِ نَفْسِي

نفسِ مرا بر راستی بمیران.۴/۵۴

نفع سود

نقص کاستی

نکوهش سرزنش

نکیر

درود خدا، بر «منکَر و نکیر»

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و منکر و نکیر.

۱۸و۱۱و۱۰/۳

نگاشتن [نقش و نگار کردن]

در دل بنده نگاشتن نمونه پاداش آماده شده، برای او

وَ صَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

در دل بنده نگاشتن نمونه کیفر آماده شده، برای دشمنش

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِی مِنْ جَزَائِکَ وَ عِقَابِکَ

و نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

نگاشتن صورت ها و پیکرها، بدون نمونه و مانند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی... صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَیْرِ مِثَالٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که صورت ها را بدون نمونه نگاشتی.

۱۲/۴۷

نگاه

ناتوانی دیدگان بینندگان، از دیدن خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِی قَصُرَتْ عَنْ رُوءْیَتِهِ أَبْصَارُ النَّاظِرِینَ

سپاس خدای را، همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر است.۲و۱/۱

ص: ۱۱۷۰

فرشتگان و عدم قصد نگریستن، به سوی خدا

الْخُشَّعُ الْأَبْصَارِ فَلَا یَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَیْکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

(آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند، پس بر ایشان درود فرست.۱۰و۸/۳

فرشتگان و دیدن گنهکاران، در دوزخ

وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَی جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَی أَهْلِ مَعْصِیَتِکَ: سُبْحَانَکَ مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.۹/۳

بازماندن چشم ها، از دیدن خدا

وَ یَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُوءْیَتِهِ الْأَبْصَارُ

و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است.

۴/۵

خدا، ناظر بر چگونگی بندگان

وَ یَنْظُرُ کَیْفَ هُمْ فِی أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَحْکَامِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجبات و موارد احکامش چگونه اند.۷/۶

نگاه های پنهانی چشم ها و پاداش الهی

وَ اجْعَلْ... لَمحَاتِ أَعْیُنِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ

و نگاه های زیرچشمی دیدگانمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده.۷/۹

گرفتار نکردن بنده، به نگاه کردن

وَ لَا تَفْتِنِّی بِالنَّظَرِ

و مرا به نگاه کردن (چشم به راه بودن) گرفتار نکن.۳/۲۰

به دید (رحمت) نگریستن خدا، به بنده

وَ انْظُرْ إِلَيَّ، وَ انْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

و (به دید رحمت) به من بنگر و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما.۳/۲۲

به دید (رحمت)، به بنده نگریستن

وَ انْظُرْ إِلَيَّ

و (به دید رحمت) به من بنگر.۳/۲۲

نظر داشتن به بنده، در همه کارهایش

وَ انْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما.

۳/۲۲

ندیدن نعمت های خدا، بر خلق

وَ ارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي

ص: ۱۱۷۱

أَفْضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنْکَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.۱۲/۲۲

بنده و دیدن عزّت طلبان از غیر خدا

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَیْرِکَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند.۶/۲۸

نتیجه نگاه دوراندیش، به عزّت خواهان از غیر خدا

فَکَمْ قَدْ رَأَیْتُ یَا إِلَهِی مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَیْرِکَ فَذَلُّوا، وَ رَامُوا الثَّرْوَهَ مِنْ سِوَاکَ فَافْتَقَرُوا... فَصَحَّ بِمُعَایَنَهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ...

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند و از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند. پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد.۷و۶/۲۸

نگاه های زیرچشمیِ مخالف خواست خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ مِنْ کُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَکَ... مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِی، وَ لَحَظَاتِ عَیْنِی

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته توست؛ از اندیشه های دلم و نگاه های چشمم، به درگاهت توبه می کنم.۲۲/۳۱

ناآگاهی ناظران، از خطایای بندگان

کَمْ... سَیِّئَهٍ اکْتَسَبْنَاهَا، وَ خَطِیئَهٍ ارْتَکَبْنَاهَا کُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَیْهَا دُونَ النَّاظِرِینَ

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم و خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان.۲/۳۴

پاکیزه ترین ناظران هلال ماه

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَزْکَی مَنْ نَظَرَ إِلَیْهِ

و ما را از پاک ترین کسانی که به سوی آن (ماه) نگریسته(اند)، قرار ده.۶/۴۳

نبودن بیننده ای، برای خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یَکُنْ لَکَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِیرٌ

تویی آنکه برای تو بیننده و مانندی نبوده است.۱۴/۴۷

موجب گمراهی بینندگان قرار نگرفتن

وَ لَا تَجْعَلْنِی... فِتْنَهً لِمَنْ نَظَرَ

و مرا موجب گمراهیِ بینندگان، قرار نده.

۱۲۴/۴۷

خدا، ناظر بر حوائج مسلمین

ص: ۱۱۷۲

وَ الْمُسْلِمُونَ فِیهِ مُجْتَمِعُونَ فِی أَقْطَارِ أَرْضِکَ، یَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ وَ أَنْتَ النَّاظِرُ فِی حَوَائِجِهِمْ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آینـد، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی.۱/۴۸

خدا، بیننده و ناظر بر ناتوانی بنده

فَقَدْ تَرَی ضَعْفِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی وَ تَضَرُّعِی إِلَیْکَ

زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به درگاه خود می بینی.۱۶/۴۸

خدا، ناظر بر ضعف و تنهایی بنده

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ، وَ عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی

ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمّل مصیبت های سخت و عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده و تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی.۵/۴۹

نگاه خشمگینانه ستمگر، به بنده

وَ یَنْظُرُنِی عَلَی شِدَّهِ الْحَنَقِ

و با خشم سخت به من می نگریست.۷/۴۹

ستمگر و اندیشه دیدن دیگری در دامش

وَ رَدَدْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی کَانَ یُقَدِّرُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا

و او را در پرتگـاه گودالش بازگردانـدی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بنـد دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد.۸/۴۹

نگرانی

نگرانی دل بنده، از بیم عظمت خدا

قَدْ تَرَی یَا إِلَهِی... وَجِیبَ قَلْبِی مِنْ خَشْیَتِکَ

ای خدای من، نگرانی دلم را از بیم خود می بینی.۱۹/۱۶

نگرانی مسلمان، از کار اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

نگهداری

درود خدا، بر نگهداران عرش الهی

ص: ۱۱۷۳

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِکَ الَّذِینَ لَا یَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِیحِکَ... فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، پس بر آنها درود فرست.

۶و۱/۳

درود خدا، بر نگهبانان بزرگوار نویسنده

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ الْحَفَظَهِ الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّـان از فرشتگانت و بر گروه هـای فرشتگان و حافظـان گرامی نویسنده (اعمال).۱۸و۱۱و۱۰/۳

نگهداشتن تابعین، از نافرمانی خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاهً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِیَتِکَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری.

۱۴و۱۳/۴

حفظ تابعین، از غیر پیشامدهای نیکو

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاهً... تَقِیهِمْ طَوَارِقَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا یَطْرُقُ بِخَیْرٍ

خداونـدا و بر تـابعین درود فرسـت، درودی کـه آنهـا را از حـوادث شـب و روز - مگر خیری کـه پیش آیـد - حفظ نمایی.۱۴و۱۳/۴

حفظ فرمودن بنده، به (لطف) خدا

وَ احْفَظْنَا بِکَ

و به وسیله خود نگهدارمان باش.۹/۵

سالم ماندن بنده، با نگهداری خدا از او

إِنَّ مَنْ تَقِهِ یَسْلَمْ...

همانا هر کس را که حفظ کنی، سالم می ماند.

۹/۵

إِنَّ السَّالِمَ مَنْ وَقَيْتَ

همانا سالم کسی است که تو نگهداری نمودی.

۴/۳۶

حفظ نمودن بندگان، از همه جوانب

وَ احْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا، وَ مِنْ خَلْفِنَا وَ عَنْ أَيْمَانِنَا وَ عَنْ شَمَائِلِنَا وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا...

و ما را از پیش رویمان و از پشت سرمان و از طرف راستمان و از سمت چپمان و از همه اطرافمان نگهداری کن.۱۷/۶

بازنداشتن بنده، از رعایت واجبات

وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِکَ

و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات خود بازمدار.۹/۷

کمیِ مراقبت بنده، نسبت به تهدید الهی

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی... أَقَلُّ لِوَعِیدِکَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا مِنْ أَنْ

أَحْصِيَ لَکَ عُیُوبِی، أَوْ أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – نسبت به تهدیدهایت کم هوشیارتر و نامراقب تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.۲۷/۱۶

کمکٔ به بنده، با نگهداری اش (از گناه)

وَ أَیِّدْنِی بِالْعِصْمَهِ

و با نگهداری از گناه تأییدم کن.۳۳/۱۶

وَ تَوَلَّنِی بِعِصْمَهٍ مَانِعَهٍ

و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

۱۹/۳۱

به نگهداری نیکو، بندگان را از شیطان نگهداشتن

وَ اعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَایَتِکَ

و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار.

۴/۱۷

مؤمنان و قلعه نگهدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهَالِیَنَا وَ ذَوِی أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِیرَانَنَا مِنَ الْمُوْمِنِینَ وَ الْمُوْمِنَاتِ مِنْهُ فِی... حِصْنٍ حَافِظٍ

و پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان باایمان را، از (شرّ) او در دژی نگهدارنده قرار ده.۱۰/۱۷

زره های حفظ کننده از شرّ شیطان

وَ أَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا وَاقِیَهً

و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان.۱۰/۱۷

حفظ آنچه (درخواست هایی که) بندگان فراموش کرده اند، برای آنها

وَ احْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَاهُ

و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار.

۱۶/۱۷

تباهی نفس و نگهداری خدا

اللَّهُمَّ... أَبْقِ لِنَفْسِی مِنْ نَفْسِی مَا یُصْلِحُهَا

خداوندا از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار.۱۹/۲۰

حفظ نمودن آبروی بنده

وَ صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ

و آبرویم را با توانگری حفظ کن.۲۶/۲۰

خدا، نگهدار (بندگان) از چیز ترسناک

اللَّهُمَّ یَا... وَاقِیَ الْأَمْرِ الْمَـخُوفِ

خداوندا ای نگهدارنده از هر چیز ترسناک.

۱/۲۱

نگاهداشته و محفوظ قرار دادن بنده، در هر حالی

وَ اجْعَلْنِی فِی کُلِّ حَالَاتِی مَحْفُوظًا

و مرا در همه حالت هایم، محفوظ قرار ده.

۵/۲۲

نگاهداشتن بنده، به تندرستی

حَصِّنِّی بِعَافِیَتِکَ

به عافیت حفظم کن.۱/۲۳

محافظت از فرزندان، در کودکی

وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّی فِی صِغَرِی

و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار.۷/۲۴

رنج والدین، در نگهداری از فرزند

وَ أَیْنَ شِدَّهُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتِی؟!

و سختی هایی که آن دو (پدر و مادرم) در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟۱۰/۲۴

نگهداشتن بنده، از تبهکاری شیطان

وَ إِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ یَسْتَزِلَّنَا

و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد.۷/۲۵

درآمدن در زمره نگهداشته شدگان از گناه

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِکَ حَتَّی تَحْبِسَهُ عَنَّا بِکَثْرَهِ الدُّعَاءِ لَکَ فَنُصْبِحَ مِنْ کَیْدِهِ فِی الْمَعْصُومِینَ بِکَ

خداوندا با سلطه خود، تسلّط او (شیطان) را

از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری. پس به وسیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) درآییم.۸/۲۵

نگهداشته شدگان از گناهان

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمَعْصُومِینَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاءِ بِتَقْوَاکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

نگهداشته شدن از بلا، به رحمت الهی

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُعَافَیْنَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به رحمت تو از بلا رهیده اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

رعایت اموری، برای همسایگان

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَرْعَی لَهُمْ مَا أَرْعَی لِخَاصَّتِی

و خداوندا مرا بر آن دار که آنچه را برای خاصان خود رعایت می کنم، برای آنان رعایت نمایم.۳/۲۶

یاری دادن به نگهبانان مرزها

اللَّهُمَّ... أَیِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِکَ

خداوندا به قدرت خویش، نگهبانان آن (مرزها) را یاری ده.۱/۲۷

دعا به نگهبانان مرزهای مسلمین

اللَّهُمَّ... أَسْبِغْ عَطَایَاهُمْ مِنْ جِدَتِکَ

خداوندا از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز.۱/۲۷

وَ کَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَ احْرُسْ حَوْزَتَهُمْ، وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ، وَ أَلِّفْ جَمْعَهُمْ، وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَ وَاتِرْ بَیْنَ مِیَرِهِمْ، وَ تَوَحَّدْ بِکِفَایَةِ مُؤَنِهِمْ، وَ اعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَ أَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ، وَ الْطُفْ لَهُمْ فِی الْمَکْرِ

و بر تعدادشان بیفزا و سلاح (جنگی)شان را تیز کن و قلمروِ آنان را نگهدار و حومه آنان را نفوذناپذیر کن و جمعشان را الفت ده و امرشان را تدبیر فرما و آذوقه یشان را پیاپی برسان و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما و با پیروزی نیرومندشان کن و با شکیبایی یاریشان ده و چاره اندیشی را به آنها بیاموز.۲/۲۷

وَ عَرِّفْهُمْ مَا یَجْهَلُونَ، وَ عَلِّمْهُمْ مَا لَا یَعْلَمُونَ، وَ بَصِّرْهُمْ مَا لَا یُبْصِرُونَ

و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان و آنچه نمی دانند، به ایشان بیاموز و به آنچه بینایی ندارند، بینایشان ساز.۳/۲۷

وَ أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِکْرَ دُنْیَاهُمُ الْخَدَّاعَةِ الْغَرُورِ، وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ، وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ نَصْبَ أَعْیُنِهِمْ، وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ مَسَاکِنِ الْخُلْدِ...

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده

گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده و آنچه را در آن آماده ساخته ای از خانه های همیشگی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

نگهداری از قلمروِ مرزداران اسلام

وَ احْرُسْ حَوْزَتَهُمْ

و قلمروِ آنان را نگهدار.۲/۲۷

پاداش حفظ آبروی جنگجو یا مرزدار

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِیًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ رَعَی لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

نگهداری از خانواده جنگجو یا مرزدار

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِی غَيْبَتِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداونـدا و هر مسـلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشـین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری کرد، پس وی

ص: ۱۱۷۷

را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

نگهداری خدا و وفا به توبه

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِی بِالتَّوْبَهِ إِلَّا بِعِصْمَتِکَ

خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست.۱۹/۳۱

خدا، نگهدار بندگان از سختی و مصیبت

اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَقِی الْکَرِیهَهَ

خداوندا همانا تو از ناخوشایندی ها نگهداری می کنی.۳۳/۳۲

نگهداشتن بندگان، از بلا و آسیب

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا وَقَیْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی.۶/۳۶

نگهداری قرآن، به طور شایسته

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

قلوب آل محمّد صلی الله علیه و آله ، نگهدارنده قرآن

اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَهً... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ...

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل

آن قرار دادی، پس بر محمّد که با آن سخن راند، درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.۶/۴۲

عامل نگهدارنده بنده ، از تبهکاری های شیطان

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد قرار ده.۱۰/۴۲

نگهدارنده از کیفر الهی

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى... لَا نَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِى يَقِى مِنْ عِقَابِكَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم.۷و۶/۴۴

مرتبه نگاهدارندگان ارکان و جوانب نماز

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ... الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که ارکانش را محافظت نموده اند.۹/۴۴

پیمانی محفوظ و نگهداشتنی، با رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... لَزِمَنَا لَهُ الذِّمَامُ الْمَـحْفُوظُ، وَ الْحُرْمَهُ الْمَرْعِيَّهُ

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم و حرمت رعایت کنیم.۲۳/۴۵

حفظ حرمت ماه رمضان

مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَکَ بِکَ!

چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.۳۰/۴۵

نگهداشتن احترام ماه مبارک رمضان، به طور شایسته

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

رعایت ماه رمضان به گونه ای سزاوار

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

نگهبان بودن خدا، بر هر چیز

وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ

و او بر هر چیز نگهبان است.۲/۴۷

سپاسی درمانده کننده (فرشتگانِ) نگهبان، از شمارش آن

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَةُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند.۴۰و۳۶/۴۷

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، نگهداران دین الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِکَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... حَفَظَةَ دِينِکَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را نگهبانان دینت قرار

دادی.۵۶/۴۷

امام علیه السلام ، نگهدار پناهندگان

فَهُوَ عِصْمَهُ اللَّائِذِینَ

پس او نگهدارنده پناهندگان است.۶۰/۴۷

حفظ ولیّ خدا، به دیده (مراقبت) الهی

وَ رَاعِهِ بِعَیْنِکَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِکَ

و به دیده (مراقبت) خود، از او نگهداری کن و با حفظ خویش، او را پشتیبانی کن.۶۱/۴۷

نگاهداشتن بنده، به ریسمان الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... عَصَمْتَهُ بِحَبْلِکَ

ص: ۱۱۷۹

پس او را از کسانی قرار دادی، که به ریسمان خویش، وی را نگه داشتی.۶۷/۴۷

از چشم نگهداری خدا افتادن

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده.۱۰۴/۴۷

نگهداری نمودن بنده، از جای بی گمان

وَ حُطْنِی مِنْ حَیْثُ لَا أَعْلَمُ حِیَاطَةً تَقِینِی بِهَا

و مرا از جایی که نمی دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری نمایی.۱۳۲/۴۷

نخفتن چشم حراست دشمنان، از بنده

فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ... لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که چشم نگهبانی اش از من نخفت.۴/۴۹

ستمگر و گماشتن مراقبت خود، بر بنده

کَمْ مِنْ بَاغٍ... وَکَّلَ بِی تَفَقُّدَ رِعَایَتِهِ

چه بسیار ستمگری که مراقبت و جستجویش را بر من گماشت.۷/۴۹

قسم به نام های محفوظ خداوند

فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالْمَـخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِکَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّهَ الْهَلُوعَهَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی.۵/۵۰

نگاهداشتن بنده

اعْصِمْنِی وَ طَهِّرْنِی

مرا حفظ کن و پاک گردان.۲/۵۴

درخواست بنده به حفظ شدن از:

أ. (عذاب) خداوند

وَ قِنَا مِنْکَ

و ما را از (عذاب) خود حفظ کن.۹/۵

ب. (شرّ) بندگان

وَ امْنَعْنَا بِعِزِّکَ مِنْ عِبَادِکَ

و به عزّت خود ما را از بندگانت حفظ کن.

۱۳/۵

ج. پیشامدها و بلاها در هر روز

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ... وَ وَقَیْتَنَا فِیهِ مِنْ طَوَارِقِ الْآفَاتِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی، و در آن ما را از پیشامدها و بلاها نگهداشتی.۸/۶

د. بدی مفارقت از هر روز

ص: ۱۱۸۰

وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ

و از بدیِ جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی حفظمان کن.۱۳/۶

ه_. نافرمانی خدا

وَ احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد.۱۷/۶

و. انجام کارهای همانند ستمگر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ

و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار.

۷/۱۴

ز. ستم کردن

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِی مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.۱۰/۱۴

ح. گناهان

وَ قِنِی مِنَ الْمَعَاصِی

و مرا از گناهان حفظ کن.۳۳/۱۶

ط. شیطان

وَ اعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ

و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار.

۴/۱۷

ی. باطل آرایی شیطان

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ، وَ إِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فَقِنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار.۷/۱۷

ک. عذاب آتش

وَ قِنِی (بِرَحْمَتِکَ) عَذَابَ النَّارِ

و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.۳۰/۲۰

وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

و از شکنجه آتش نگاهمان دار.۱۳/۲۵

ل. نزدیک شدن به مانند گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا... وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أُقَارِفَ مِثْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و مرا از نزدیک شدن به مانند آن، نگهدار.

۱۸/۳۱

م. تسلّط و چیرگی شیطان

وَ أَسْتَعْصِمُکَ مِنْ مَلَکَتِهِ

و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری.

۲۷/۳۲

ن. گمان پستی بردن، به فقیر

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَهً

و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم، حفظ فرما.۴/۳۵

س. گمان برتری بردن، به ثروتمند

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَهٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما.۴/۳۵

ع. آنچه (کیفر) فرمان خدا را واجب گرداند

ثُمَّ قِنِی مَا یُوجِبُ لَهُ حُکْمُکَ

سپس مرا از آنچه حکم تو را واجب می گرداند، نگهدار.۵/۳۹

ف. درّه گود کفر و انگیزه های نفاق

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّهِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ...

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار.

۱۲/۴۲

ص. گناه و معصیت خدا، در هر ماه نو

وَ اعْصِمْنَا فِیهِ مِنَ الْحَوْبَهِ

و ما را در آن از گناه حفظ کن.۶/۴۳

ق. عیوب تازه، در ماه رمضان

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاکِیهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ تَعْصِمُنَا فِیهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُیُوبِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی.۱۱و۱۰/۴۴

ر. درخواست از جهانیان

وَ صُنْ وَجْهِی عَنِ الطَّلَبِ إِلَی أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِینَ

و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن.۱۳۱/۴۷

نماز

یاد والدین، در پیِ نمازها

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا فِی أَدْبَارِ صَلَوَاتِی

خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم، از یادم نبر.

۱۳/۲۴

اوقات، احکام، واجبات و شروط نمازهای پنجگانه

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتِی فَرَضْتَ، وَ وَظَائِفِهَا الَّتِی وَظَّفْتَ، وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِی وَقَّتَّ

ص: ۱۱۸۲

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی و شرایط آن که معین نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.۸/۴۴

درخواست بنده، در مورد نمازش

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَهَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُوءَدِّينَ لَهَا فِی أَوْقَاتِهَا عَلَی مَا سَنَّهُ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِی رُکُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ جَمِيعِ فَوَاضِلِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که مراتبش را درک کرده اند، ارکانش را محافظت نموده اند، و آن را در اوقات خود - به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن و همه فضیلت هایش قرار داد - به جا آورده اند.۹/۴۴

نماز گزاردن، در شب های ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِی لَيْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْکَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما.۱۷/۴۴

نمایان آشکار

ننگ

ننگ داشتن از انتشار اموری، (در قیامت)

أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَشْرُهُ عَلَيَّ عَارًا

آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن.۳/۴۱

نو تازه

نوآوری در دین بدعت

نور روشنی

نورانیّت درخشش

نوشتن

گواهی مقرّبان و کتاب مرقوم و نوشته شده

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

۱۳و ۱۰/۱

نوشتن نیکی های بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ... حَتَّى... يَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان خوبی ها – به سبب آنچه از

نیکی های ما نوشته اند – شادمان برگردند.۲/۱۱

نوشتن کردارهای پاکیزه برای بیمار، در حال بیماری

وَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ مَا کَتَبَ لِیَ الْکَاتِبَانِ مِنْ زَکِیِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَکَّرَ فِیهِ...

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده.۵/۱۵

نوشتن ایمنی از خشم خدا، برای بنده

وَ اکْتُبْ لِی أَمَانًا مِنْ سُخْطِکَ

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس.۳۳/۱۶

نوشتن نام مسلمانی با ویژگی های خاص، در زمره عابدان

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.۱۷/۲۷

نوشتن پاداشی همانند عبادت کننده تا روز قیامت، برای بنده

اکْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ إِلَی

یَوْمِ الْقِیَامَهِ

برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.۵۱/۴۵

درخواست نیکی آنچه نوشته شده

أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم.۵/۵۴

پناه بردن به خدا، از بدی آنچه نوشته شده

أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم.۵/۵۴

نوشیدن آشامیدن

نوید مژده

نویسندگان

درود خدا، بر نگهبانان بزرگوار نویسنده

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ الْحَفَظَهِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و حافظان

ص: ۱۱۸۴

گرامی نویسنده (اعمال).۱۸و۱۱و۱۰/۳

نویسندگان گرامی اعمال

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَؤُونَتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز.۱۵/۶

سبب برگشتن نویسندگان بدی ها، با نامه خالی از ذکر گناه

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ... حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند.۲/۱۱

سبب شادمان برگشتن نویسندگان نیکی ها

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ... حَتَّى... يَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان خوبی ها – به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند – شادمان برگردند.۲/۱۱

نویسندگان (در قیامت) و شمارش کارها

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كَتَبَةُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَةً مَقْبُولَةً...

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده.۳/۱۱

دو نویسنده اعمال، و نوشتن اعمال پاکیزه برای بیمار، در حال بیماری

وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِيَ الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ...

و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده.۵/۱۵

نویسندگان و ضبط اموری در کتاب خدا

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند.۴۰و۳۶/۴۷

نهادن

یوغ ذلّت به گردن نهادن پادشاهان، برای خدا

یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او

ص: ۱۱۸۵

ترسانند.۷/۵۱

نهان پنهان

نهایت پایان

نهی

نهی الهی، جهت آزمایش شکرگزاری بنده

وَ نَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا

و نهیمان نمود تا شکرگزاریمان را آزمایش کند.۲۱/۱

نهیی که خدا از آن ترسانده

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَّرْتَ مِنْ نَهْيِكَ

و ما را از خوددارترین ایشان از حرام هایی که از آن بیم داده ای قرار ده.۲۰/۶

بازداشته شدن اشیا، به اراده خدا و بدون نهی او

فَهِيَ... بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ

پس آن اشیا به اراده تو بدون نهیت بازداشته شده اند.۳/۷

شتافتن به سوی نهی الهی

...يَحْجُبُنِي... نَهْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ...

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، کاری که

مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم.

۲/۱۲

خدا، دانا به آنچه نهی نموده

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای.۵/۱۴

بازداشته نشدن بنده از بدی ، علی رغم مهربانی خدا

یَا إِلَهِی... فَکَمْ مِنْ عَائِبَهٍ سَتَرْتَهَا عَلَیَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِی... ثُمَّ لَمْ یَنْهَنِی ذَلِکَ عَنْ أَنْ جَرَیْتُ إِلَی سُوءِ مَا عَهِدْتَ مِنِّی!!

ای خدای من، چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی. آن همه (عنایت) مرا از شتافتن به سوی بدی – که تو از من می دانی – بازنداشت!۲۲و۲۱/۱۶

صرف روزی، در نافرمانی نهی شده الهی

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّی مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِینَ أُنْفِقُ مَا أَجْرَیْتَ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ فِیما نَهَیْتَنِی عَنْهُ مِنْ مَعْصِیَتِکَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

۲۳/۱۶

ص: ۱۱۸۶

پذیرفتن نهی، و دوری از پیروی شیطان

نَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتَّبَعَ زَجْرَنَا

هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او بازداریم.۱۴/۱۷

نهی خدا از نافرمانی اش

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّهِ... وَ الِاجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِکَ

و با تندرستی و دوری جستن از نافرمانی ات - که مرا از آن بازداشته ای - بر من منّت گذار.

۳/۲۳

وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِکَ

و او را از نافرمانی نهی کردی.۶۸/۴۷

خدا، آمر و ناهی بندگان

فَإِنَّکَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا

همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نموده ای.

۶/۲۵

بی باکی، و انجام نواهی الهی

هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ... فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا، وَ تَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا

این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده. پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده.۶/۳۱

به جا آوردن نهی الهی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... نَهَيْتَنِي فَرَکِبْتُ

خداوندا همانا تو مرا نهی نمودی، پس مرتکب شدم.۱۶/۳۲

كَمْ نَهْيٍ لَکَ قَدْ أَتَیْنَاهُ

چه بسیار نهی نمودنی که آن را انجام دادیم.

۲/۳۴

انجام نهی الهی و عدم شتاب خدا در کیفر

فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی.۱۴/۳۷

نهی الهی و طلب آمرزش برای مرتکب آن

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّی مَا حَظَرْتَ عَلَیْهِ... فَاغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّی

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که او را بر آن نهی کرده بودی، پس از آنچه بر من روا داشت، او را بیامرز.

۲/۳۹

بازایستادن از نهی امام علیه السلام

أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الِانْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْیِهِ

فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و از

نهی های او بازایستند.۶۰/۴۷

مخالفت با فرمان خدا و ارتکاب نهیش

ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتَمِرْ... وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِکَ، فَخَالَفَ أَمْرَکَ إِلَى نَهْيِکَ

سپس او را فرمان دادی، پس فرمان نبرد و او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت.۶۸/۴۷

علل ارتکاب نواهی

فَخَالَفَ أَمْرَکَ إِلَى نَهْيِکَ، لَا مُعَانَدَةً لَکَ... بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَذَّرْتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَى ذَلِکَ عَدُوُّکَ وَ عَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِکَ...

پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو. بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش و دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد. پس با علم به تهدیدت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد.۶۸/۴۷

عدم ارتکاب نواهی، در پرتو حیات طیّبه

فَأَحْيِنِی حَيَاةً طَيِّبَةً... تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ... لَا أَرْتَکِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه دوست دارم پایان یابد. در صورتی که آنچه را نهی نموده ای، مرتکب نشوم.۱۱۷/۴۷

نیاز

پناه بردن به خدا، از نیازمندی به مانند خود

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنَ الْفَقْرِ إِلَى الْأَکْفَاءِ

و پناه می بریم به تو از نیازمندی به هم نوعان.

۸/۸

برطرف نمودن نیاز بندگان، با توانگری خدا

فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوُسْعِکَ

پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن.

۳/۱۰

درخواست از خدا، مانند نیازمند عیالوار

فَهَا أَنَا ذَا یَا إِلَهِی... سَائِلُکَ عَلَی الْحَیَاءِ مِنِّی سُوءَالَ الْبَائِسِ الْمُعِیلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

قطع نگردیدن حاجت های نیازمندان، از خدا

وَ یَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمحْتَاجِینَ

و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد.۹/۱۳

ص: ۱۱۸۸

طلب نیازمندی خود، در جایگاه بایسته

فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِکَ... فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانِّهَا

پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.

۱۳/۱۳

شگفت از رو آوردن نیازمند، به نیازمند

وَ قُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّی... أَنَّی یَرْغَبُ مُعْدِمٌ إِلَی مُعْدِمٍ؟

و گفتم: منزّه است پروردگارم کجا تهی دست به تهی دست روآورد؟۱۷/۱۳

درخواست نیازمند از نیازمند

وَ قُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّی کَیْفَ یَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟

و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟۱۷/۱۳

وَ رَأَیْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُحْتَاجِ إِلَی الْمُحْتَاجِ سَفَهٌ مِنْ رَأْیِهِ وَ ضَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه و گمراهی خِرد است.۵/۲۸

بی نیازی خدا، به گواهی گواهان

وَ یَا مَنْ لَا یَحْتَاجُ فِی قَصَصِهِمْ إِلَی شَهَادَاتِ الشَّاهِدِینَ

و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.۲/۱۴

خدا، مددکار هر نیازمندِ رانده شده

وَ یَا عَضُدَ کُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِیدٍ

و ای یاور هر نیازمند رانده شده.۴/۱۶

درنگ از جهاد، به سبب نیازمندی

اللَّهُمَّ وَ أَیُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَی غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ... فَاکْتُبِ اسْمَهُ فِی الْعَابِدِینَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.

۱۷/۲۷

رو گرداندن بنده، از نیازمند به بخشش خدا

وَ صَرَفْتُ وَجْهِی عَمَّنْ یَحْتَاجُ إِلَی رِفْدِکَ

و از آنکه نیازمند عطای توست، رو گرداندم.

۳/۲۸

توبه ای بی نیازکننده از توبه ای دیگر

فَاجْعَلْ تَوْبَتِی هَذِهِ تَوْبَهً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَی تَوْبَهٍ...

پس این توبه ام را توبه ای گردان که پس از آن، به توبه ای نیازمند نشوم.۲۰/۳۱

(رستاخیز)، روز نیازمندی به درگاه خدا

ص: ۱۱۸۹

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ يَوْمَ الْفَاقَهِ إِلَيْکَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.۳۰/۳۱

نیاز جنین، به روزی خدا

...حَتَّى إِذَا احْتَجْتُ إِلَى رِزْقِکَ... جَعَلْتَ لِی قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَيْتَهُ لِأَمَتِکَ الَّتِی أَسْكَنْتَنِی جَوْفَهَا

...تا هنگامی که به روزی تو محتاج شدم. از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی.۲۴/۳۲

پست پنداشتن نیازمند

وَ اعْصِمْنِی مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَةً

و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم، حفظ فرما.۴/۳۵

عطا ننمودن بنده، به نیازمند

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَيْکَ... مِنْ ذِی فَاقَهٍ سَأَلَنِی فَلَمْ أُوثِرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم.۱/۳۸

قرآن و اصلاح نیازمندی بندگان

وَ اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ

و به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن.۱۲/۴۲

درخواست از خدا، همچون بنده نیازمند

وَ سَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ... الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ

و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ بدحال، نیازمند، ترسان.۷۴/۴۷

خوار نساختن بنده، هنگام نیازمندی به درگاه خدا

وَ لَا تَخْذُلْنِی عِنْدَ فَاقَتِی إِلَيْکَ

و هنگام نیازمندی ام به سویت خوارم نساز.

۱۱۶/۴۷

افزودن نیازمندی بنده، به درگاه خدا

وَ زِدْنِی إِلَیْکَ فَاقَةً وَ فَقْرًا

و بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.۱۱۸/۴۷

فرود آوردن نیاز خود، به درگاه خدا

اللَّهُمَّ... بِکَ أَنْزَلْتُ الْیَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ مَسْکَنَتِی

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم.۴/۴۸

ناتوان، و نیازمندی اش به ستم نمودن

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَیْسَ فِی حُکْمِکَ ظُلْمٌ... وَ إِنَّمَا یَحْتَاجُ إِلَی الظُّلْمِ الضَّعِیفُ

ص: ۱۱۹۰

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست. و همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است.۱۵/۴۸

جبرانِ نیازها و کمبودهای بنده

وَ کَمْ مِنْ... عَدَمٍ جَبَرْتَ

و چه بسیار نیازها (و کمبودها)یی که جبران نمودی.۱۲/۴۹

درخواست از خدا و نیازمندی سخت

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُوءَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ... سُوءَالَ مَنْ لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است. درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش جز تو نمی یابد.۳/۵۴

نیایش دعا و نیز مناجات

نیّت

تأیید نمودن بنده، به نیّت صادق

وَ أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ...

و مرا به نیّت صادقانه تأیید نما.۱۴/۱۴

نیکوترین نیّت ها

وَ انْتَهِ بِنِیَّتِی إِلَی أَحْسَنِ النِّیَّاتِ

و نیّت مرا به نیک ترین نیّت ها منتهی ساز.

۱/۲۰

کامل گرداندن نیّت بنده

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِکَ نِیَّتِی

خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان.

۲/۲۰

پابرجا گرداندن نیّت بنده، در طاعت خدا

اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِی طَاعَتِکَ نِیَّتِی

خداوندا و نیّت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار. ۱۳/۳۱

یکسان بودن باطن سپاس الهی، با صدق نیّت

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّیَّهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.۴۳و۳۶/۴۷

یاری کردن بنده، بر نیّت شایسته

وَ أَعِنِّی عَلَی صَالِحِ النِّیَّهِ

و بر (داشتن) نیّت صالح یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

نیرنگ فریب

نیرو توانایی

نیستی نابودی و نیز فنا

ص: ۱۱۹۱

نیش

نیش های مارهای آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... حَیَّاتِهَا الصَّالِقَهِ بِأَنْیَابِهَا

و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند، به تو پناه می برم.۳۱/۳۲

نیک بختی خوش بختی

نیکوکاری

سُفرای گرامی نیکوکار

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ السَّفَرَهِ الْکِرَامِ الْبَرَرَهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوارِ نیکوکار.۱۸و۱۱و۱۰/۳

نیکوکار بودن تابعین اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَی التَّابِعِینَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَیْرَ جَزَائِکَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان.۹/۴

نیکوکار بودن محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ الْأَنْجَبِینَ

پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.۲۴/۶

أَسْأَلُکَ... أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ... وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ

از تو درخواست می کنم که بر محمّد و بر خاندان محمّد که نیکوکارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی.۳/۴۸

تغییر بدگمانی نیکان (درباره بنده)، به اطمینان

وَ أَبْدِلْنِی... مِنْ ظِنَّهِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثِّقَهَ

و درباره من بدگمانی نیکان را به اعتماد مبدّل فرما.۷/۲۰

نیکان خلق و آرامش دل بنده

...بَلِ اجْعَلْ سُکُونَ قَلْبِی وَ أُنْسَ نَفْسِی وَ اسْتِغْنَائِی وَ کِفَایَتِی بِکَ وَ بِخِیَارِ خَلْقِکَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

نیکوکار گرداندن فرزندان بنده

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِیَاءَ...

و آنان (فرزندانم) را نیکوکارانی پرهیزکار قرار ده.۳/۲۵

عدم تباهی پاداش نیکوکاران

ص: ۱۱۹۲

يَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُـحْسِنِينَ

ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود.۳/۳۱

غذا دادن خدا به بنده، مانند نیکوکاری مهربان

فَغَذَوْتَنِی بِفَضْلِکَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِیفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی.۲۶/۳۲

یاد شدن نیکوکاران

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، إِذَا ذُکِرَ الْأَبْرَارُ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند.۳۴/۳۲

نیکوکار بودن خدا

إِنَّکَ... الْمُـحْسِنُ الْمُـجْمِلُ

همانا تو نیکوکارِ عطاکننده ای.۷/۳۶

خدا، ضامن پاداش نیکوکاران

یَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُـحْسِنِینَ

ای ضامن پاداش نیکوکاران.۵/۴۰

عامل بخشیدن خوی های نیکوی نیکان، به بندگان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش.۹/۴۲

پاداش نیکوکاران و سپاس گزاری از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَکُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاکِرِینَ، وَ لِیَجْزِیَنَا عَلَی ذَلِکَ جَزَاءَ الْمُـحْسِنِینَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم و ما را بر آن، پاداش نیکوکاران

دهد.۱/۴۴

نیکی تفضّل

برگزیدن نیکویی های آفرینش ، برای بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که نیکویی های آفرینش را برای ما برگزید.۱۷/۱

محمّد صلی الله علیه و آله ، پیشوای خیر و نیکی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... قَائِدِ الْخَيْرِ

خداوندا بر محمّد - رهبر خیر - درود فرست.

۳/۲

تبدیل بدی ها، به خوبی هایی چندین برابر

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

ص: ۱۱۹۳

ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها.۸/۲۴، ۲۶/۲

گفتار نیکوی بنده، در مورد فرشتگان و پیامبران

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست.۲۶/۳

اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و نیکو به پایان بردن همراهی او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ... فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند، پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز.

۷و۳/۴

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و خوب بیرون آمدن از آزمایش

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً... الَّذِينَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند، پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز.۷و۳/۴

تابعین و کمک خواستن از خدا، در کار نیک

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بِرٍّ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن بر خواسته های نیک آنانْ کمک رسانی.

۱۴و۱۳/۴

تابعین و امید نیکو به خدا داشتن

صَلَاةً... تَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ...

درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به خود برانگیزی.۱۵و۱۴/۴

نیکویی نمودن با رفتاری شایسته

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاوءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد

ص: ۱۱۹۴

و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.۷/۶

پُر کردن دو طرف (اوّل تا آخر) روز، به نیکی

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَیْنَ طَرَفَیْهِ... فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن را برای ما از فزونی و نیکی پر ساز.۱۴/۶

حسن نظر داشتن خدا، به بنده

وَ أَنِلْنِی حُسْنَ النَّظَرِ فِیما شَکَوْتُ

و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش.۸/۷

کار نیک و سزاواری پاداش الهی

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ، حَتَّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَکَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود.۷/۹

از روی تفضّل بودنِ احسان الهی

وَ یَحْدُونِی عَلَی مَسْأَلَتِکَ تَفَضُّلُکَ عَلَی مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَیْکَ... إِذْ جَمِیعُ إِحْسَانِکَ تَفَضُّلٌ

و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد. چون همه نیکی های تو از روی تفضّل است.۳/۱۲

گذشت نیکوی الهی و به سپاس واداشتن بنده

وَ یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَی خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است.۱۰/۱۲

تفضّل الهی و وعده پاداش نیک

وَ یَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَی نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.۱۰/۱۲

احسان خدا به ستمکار توبه کننده

وَ مَا أَنَا بِأَظْلَمِ مَنْ تَابَ إِلَيْکَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ

و من ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده ای، نمی باشم.۱۱/۱۲

نیکو یاری کردن بنده، در تسلّط بر ستمگر

وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِی

و مرا در مخالفت با او به خوبی یاری فرما.

۷/۱۴

خیر بنده در تأخیر اخذ حقّ

اللَّهُمَّ وَ إِنْ کَانَتِ الْخِيَرَهُ لِی عِنْدَکَ فِی تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِی... فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِی مِنْکَ بِنِيَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن

ص: ۱۱۹۵

حقّم می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

به نیکی رفتار کردن خدا، بدون سبب

إِنَّکَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ

همانا تویی که بدون سبب به نیکی رفتار می کنی.۷/۱۵

نیکو دانستن آنچه شیطان نیکو می نمایاند

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ یَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ لَنَا

خداوندا ما از اینکه او آنچه برای ما می آراید را برایمان زیبا جلوه دهد، به تو پناه می بریم.

۲و۱/۱۷

نیکو یاری نمودن بندگان، بر مخالفت با شیطان

اللَّهُمَّ... أَحْسِنْ بِتَوْفِیقِکَ عَوْنَنَا عَلَیْهِ

خداوندا به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.۷/۱۷

سپاس از نیکویی مقدّرات الهی

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ قَضَائِکَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی، تو را سپاس.۱/۱۸

نیکوترین نیّات و کردارها

وَ انْتَهِ بِنِیَّتِی إِلَی أَحْسَنِ النِّیَّاتِ، وَ بِعَمَلِی إِلَی أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ

و نیّت مرا به نیک ترین نیّت ها و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.۱/۲۰

روان ساختن نیکی برای مردم، به دست بنده

وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَی یَدِیَ الْخَیْرَ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز.۳/۲۰

تغییر اهانت معاشران، به معاشرتی نیک

أَبْدِلْنِی... مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِینَ کَرَمَ الْعِشْرَهِ

درباره من اهانت معاشران را به معاشرتِ نیک مبدّل فرما.

۷/۲۰

به نیکی یاد کردن بنده، از غیبت کننده اش

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِی إِلَی حُسْنِ الذِّکْرِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.۹/۲۰

تبدیل گفتار زشت بنده، به اعتراف نمودن به احسان الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ... اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِکَ

ص: ۱۱۹۶

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، اعتراف به نیکی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

سرپرستی ای نیکو

وَ سُمْنِی حُسْنَ الْوِلَایَهِ

و نیک سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده.۲۲/۲۰

عطای زندگی نیکو، به بنده

وَ امْنَحْنِی حُسْنَ الدَّعَهِ

و زندگیِ آسوده نیکو به من عطا فرما.

۲۲/۲۰

راه رستگاری و نیکویی انفاق شده

وَ أَصِبْ بِی سَبِیلَ الْهِدَایَهِ لِلْبِرِّ فِیما أُنْفِقُ مِنْهُ

و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.۲۳/۲۰

نیکو گرداندن کردار بنده، در هر حال

وَ حَسِّنْ فِی جَمِیعِ أَحْوَالِی عَمَلِی

و عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.

۲۸/۲۰

سبب کامل گشتن خیر دنیا و آخرت، برای بنده

نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ

فِی أَیَّامِ الْمُهْلَهِ... أَکْمِلْ لِی بِهَا خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.

عطای نیکی به بندگان، در دنیا و آخرت

وَ آتِنَا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً

و در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن.۱۳/۲۵، ۳۰/۲۰

عامل کاستن نیکی های بنده، در قیامت

هُوَ، یَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَیتَهُ عَلَیَّ وَ أَغْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِی، فَأَدِّهِ عَنِّی مِنْ جَزِیلِ عَطِیَّتِکَ وَ کَثِیرِ مَا عِنْدَکَ... حَتَّی لَا یَبْقَی عَلَیَّ شَیْءٌ مِنْهُ تُرِیدُ أَنْ تُقَاصَّنِی بِهِ مِنْ حَسَنَاتِی

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی.۷/۲۲

سبب به جا آوردن نیکی ها، با رغبت

وَ ارْزُقْنِی الرَّغْبَهَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی... حَتَّی أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را،

روزی ام گردان. تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک بپردازم.۸/۲۲

گویا کردن زبان بنده، به ستایش نیکو

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ... وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَیْکَ لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و ستایش نیکویت، گویا فرما.۵/۲۳

بسیار شمردن نیکی اندک والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَسْتَکْثِرَ بِرَّهُمَا بِی وَ إِنْ قَلَّ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی ایشان را درباره خود - اگرچه اندک باشد - بسیار شمارم.۵/۲۴

کم شمردن نیکی خود، به والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی... أَسْتَقِلَّ بِرِّی بِهِمَا وَ إِنْ کَثُرَ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی خود را درباره ایشان - اگرچه بسیار باشد - اندک بدانم.۵/۲۴

نیکی فرزند، به والدین

وَ اجْعَلْ... بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ

و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ

خواب آلوده، خوش تر قرار ده.۵/۲۴

وسیله ای برای افزایش نیکی های والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًی... فَاجْعَلْهُ... زِیَادَهً فِی حَسَنَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب افزایش نیکی هایشان قرار ده.

۸/۲۴

سهل انگار ندانستن والدین، در نیکی به فرزند

فَإِنِّی... لَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِی بِرِّی

زیرا آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم.۹/۲۴

وسیله نیکی به والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ... جُدْتُ بِهِ عَلَیْهِمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند، پس آن را وسیله نیکی به آنها گرداندم.

۹/۲۴

دیرینگی احسان والدین، بر فرزند

فَهُمَا... أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَیَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس احسانشان به من دیرینه تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

آمرزش والدین، به سبب نیکی به فرزند

ص: ۱۱۹۸

وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِی مَغْفِرَةً حَتْـمًا

و ایشان را به خاطر نیکی یشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن.۱۴/۲۴

یاری والدین، بر نیکی به فرزندان

وَ أَعِنِّی عَلَی... بِرِّهِمْ

و مرا بر نیکی به ایشان یاری نما.۵/۲۵

توفیق نیکی، با اطاعت از خدا

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

همسایگان و فراگرفتن اخلاق نیک الهی

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ...

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

خوب کمک کردن به همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّتت و فراگیری آداب نیکویت در همیاری نیکو در مایحتاج

زندگی یشان، توفیق ده.۲/۲۶

با احسان پاداش دادن بنده، به همسایگان بدکردار

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ أَجْزِی بِالْإِحْسَانِ مُسِیئَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم.۳/۲۶

یاری نمودن همسایگان، با نیکی

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أَتَوَلَّی بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که با نیکی، همه آنان را یاری نمایم.۳/۲۶

آموختن روش نیکو در زندگی، به بنده

وَ عَلِّمْنِی حُسْنَ التَّقْدِیرِ

و روش نیکو را به من بیاموز.۳/۳۰

شکیبایی نیکو، در همنشینی با فقرا

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ، وَ أَعِنِّی عَلَی صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان و مرا بر همنشینی ایشان، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.۴/۳۰

منکرانِ بسیاری احسان خدا

هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَیْدِی الذُّنُوبِ... فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِیطًا... کَالْمُنْکِرِ فَضْلَ إِحْسَانِکَ إِلَیْهِ...

ص: ۱۱۹۹

این مقـام کسـی است که بـازیچه دست های گناهان گردیـده. پس با سـهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش.۷و۶/۳۱

احسان و پناه رحمت الهی

فَاضْمُمْنِی إِلَی کَنَفِ رَحْمَتِکَ تَطَوُّلًا

پس به لطف خویش، مرا در پناه رحمت خود گیر.۲۱/۳۱

احسان سود رحمت الهی، به بنده

وَ عُدْ عَلَیَّ بِعَائِدَهِ رَحْمَتِکَ

و سود رحمت خود را به من ارزانی دار.

۲۰/۳۲

کُندی نکردن نیکی احسان خدا، بر بنده

وَ لَا یُبْطِئُ بِی حُسْنُ صَنِیعِکَ

و خوبی احسانت درباره ام عقب نمی افتد.

۲۶/۳۲

الهام شکرگزاری از احسان الهی، به بنده

فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی... إِلْهَامِکَ الشُّکْرَ عَلَی الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ

پس سپاس تو را که شکرگزاری بر احسان کردن و نعمت دادنت را به من الهام کردی.

۲۸/۳۲

لغزش بنده و نیکویی گذشت الهی

وَ أَقِلْنِی عَثَرَاتِی بِحُسْنِ إِقَالَتِکَ

و به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر.

۳۲/۳۲

خدا، عطاکننده حسنه و نیکی

اللَّهُمَّ إِنَّکَ... تُعْطِی الْحَسَنَهَ

خداوندا همانا تو نیکی عطا می کنی.۳۳/۳۲

علم خدا و درخواست نیکی از خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَخِیرُکَ بِعِلْمِکَ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم.۱/۳۳

مقدّر نمودن نیکی، برای بنده

اقْضِ لِی بِالْخِیَرَهِ

برایم به خیر حکم فرما.۱/۳۳

عامل برگشتن به راهی دورتر از حسن عاقبت

وَ لَا تَسُمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَهِ عَمَّا تَخَیَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَکَ... وَ نَجْنَحَ إِلَی الَّتِی هِیَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَهِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

خدا، عطاکننده چیز نیکو

ص: ۱۲۰۰

إِنَّکَ تُفِیدُ الْکَرِیمَهَ

به درستی که تو عطای گرانمایه می دهی.

۶/۳۳

روان نگشتن قضای الهی، جز به نیکی

وَ هَبْ لِیَ الثِّقَهَ لِأُقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَکَ لَمْ یَجْرِ إِلَّا بِالْخِیَرَهِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم.۳/۳۵

جدا نساختن منبع احسان خدا، از بندگان

وَ لَا تَقْطَعْ عَنْ کَافَّتِنَا مَادَّهَ بِرِّکَ

و اصل احسانت را از جمع ما قطع نساز.

۴/۳۶

نیکوکار بودن خدا

إِنَّکَ... الْمُـحْسِنُ الْمُـجْمِلُ

همانا تو نیکوکارِ عطاکننده ای.۷/۳۶

احسان الهی و ملزم شدن به شکرگزاری

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا یَبْلُغُ مِنْ شُکْرِکَ غَایَهً إِلَّا حَصَلَ عَلَیْهِ مِنْ إِحْسَانِکَ مَا یُلْزِمُهُ شُکْرًا

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.۱/۳۷

احسان، روش خدا

ذَلِکَ أَنَّ... عَادَتَکَ الْإِحْسَانُ

زیرا عادت تو احسان است.۷/۳۷

عَادَتُکَ الْإِحْسَانُ إِلَی الْمُسِیئِینَ

عادت تو احسان به بدکاران است.۱۶/۴۶

کوشش بنده و کوچک ترین احسان الهی

...لَوْ فَعَلْتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِیعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهِ مَا سَعَی فِیهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَی مِنْ أَیَادِیکَ وَ مِنَنِکَ

...اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود.۱۳/۳۷

جز به احسان توصیف نشدنِ خدا

فَتَبَارَکْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ

پس والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی. ۱۶/۳۷

به جا نیاوردن سپاس احسان الهی

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ مَعْرُوفٍ أُسْدِیَ إِلَیَّ فَلَمْ أَشْکُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیکی ای که به من شد، پس شکر آن را به جا نیاوردم.

۱/۳۸

رها شدن از بند عدل خدا، با احسان او

وَ اجْعَلْنِی أَسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجاوُزِکَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِینَ... فَأَصْبَحَ... عَتِیقَ صُنْعِکَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِکَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

۱۰/۳۹

اندکِ نیکی های بنده، در بین بدی هایش

تَفْعَلُ ذَلِکَ یَا إِلَهِی بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْکَ أَکْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِیکَ... لَا أَنْ یَکُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقِلَّهِ حَسَنَاتِهِ بَیْنَ سَیِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

نیکویی عبارت قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِیَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

عامل بخشیدن خوی نیکوی نیکوکاران،

به بندگان

وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش.۹/۴۲

عامل پایداری نیکیِ ظاهر بندگان

وَ أَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا

و با قرآن، ظاهرِ نیک ما را آشکار ساز.

۱۱/۴۲

محمّد صلی الله علیه و آله و بهترین نیکی و خیر الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست. درودی که بـا آن او را بـه برتریـن خیر و فضـل و کرامـتی کـه آرزو دارد، برسانی.۲۱/۴۲

ماه نو، ماه احسان

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ... نِعْمَةٍ وَ إِحْسَانٍ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه نعمت و احسان قرار دهد.۵و۴/۴۳

ماه نو، ماه نیکیِ نیامیخته به بدی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ... خَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ

ص: ۱۲۰۲

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه خیر ناآلوده با شرّ قرار دهد.۵و۴/۴۳

سپاس گزاری از احسان و نیکی خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَکُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاکِرِینَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم.

۱/۴۴

راه های احسان خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی... سَبَّلَنَا فِی سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُکَهَا بِمَنِّهِ إِلَی رِضْوَانِهِ

و سپاس خدای را که ما را در راه های احسانش، راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش رویم.۲/۴۴

نیکی و بخشش، به خویشان

وَ وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصِّلَهِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم.۱۰/۴۴

شتابان و پیشی گیرنده در نیکی ها

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ... مِنَ الَّذِینَ یُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند.

۱۸/۴۴

نیکویی فرمان الهی

وَ قَضَاؤُکَ خِیَرَهٌ

و فرمانت خیر است.۴/۴۵

ده برابر بودن مزد انجام دهنده کار نیک

فَقُلْتَ تَبَارَکَ اسْمُکَ وَ تَعَالَیْتَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَا یُجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا

پس تو که نامت مبارک و بلندمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.»۱۲/۴۵

چندین برابر گرداندن وام نیکو، از جانب خدا

وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَهً

و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.»۱۳/۴۵

نزول آیاتی (بیانگر) افزایش حسنات، در قرآن

وَ قُلْتَ: مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ... وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

و فرمودی: «داسـتان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشـند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صـد دانه باشـد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.

۱۳/۴۵

سبب وصف شدن آفریده ای، به احسان

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِی دَلَلْتَ عَلَیْهِ عِبَادَکَ مِنْکَ کَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ

و اگر آفریـده ای از جـانب خـودش آفریـده ای را، بهماننـد آنچه تـو بـا آن بنـدگانت را از جـانب خود راهنمـایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.۱۷/۴۵

احسان الهی و ستایش خداوند

یَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای.۱۸/۴۵

نیکی سرشار الهی

مَا... أَخَصَّنَا بِبِرِّکَ!

چه مخصوص گشته است نیکیِ فراخت، به ما!.۱۸/۴۵ رمضان، مصاحب و یار نیکو

وَ قَدْ أَقَامَ فِینَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحْبَةَ مَبْرُورٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد.۲۲/۴۵

رمضان و آسان گرداندن راه های نیکی

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ... صَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ

درود بر تو همراهی که راه های احسان را آسان نمود.۲۹/۴۵

خیر و نیکی ماه رمضان

کَمْ مِنْ خَیْرٍ أُفِیضَ بِکَ عَلَیْنَا

چه بسیار نیکی ای که به وسیله تو، بر ما فزونی یافت!.۳۹/۴۵

ماه رمضان و احسان الهی

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِی... وَفَّقْتَنَا بِمَنِّکَ لَهُ حِینَ جَهِلَ الْأَشْقِیَاءُ وَقْتَهُ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را برای آن به وسیله احسان و نیکی ات، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند.

۴۳/۴۵

نابود نشدن معادن احسان الهی

إِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِکَ لَا تَفْنَی

به درستی که معادن احسانت فنا نمی شود.

۵۰/۴۵

ص: ۱۲۰۴

خدا، به بارآورنده نیکی

وَ یَا مَنْ یُثْمِرُ الْحَسَنَهَ حَتَّی یُنْمِیَهَا

و ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید.۱۱/۴۶

خشکسالی و طلب احسان از غیر خدا

وَ أَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ

و جویندگان که غیر از فضل تو جویا شدند، دچار خشکسالی گردیدند.۱۳/۴۶

عامل فراوان تر شدن احسان الهی

لَمْ تَکُنْ أَنَاتُکَ عَجْزًا... بَلْ لِتَکُونَ حُجَّتُکَ أَبْلَغَ... وَ إِحْسَانُکَ أَوْفَی

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و احسان تو فراوان تر باشد.۲۲/۴۶

احسان الهی و سپاس گزاری از آن

وَ إِحْسَانُکَ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْکَرَ عَلَی أَقَلِّهِ

و احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.۲۳/۴۶

درخواست عطای نیکو، از خدا

فَهَا أَنَا ذَا... أَسْأَلُکَ حُسْنَ الرِّفَادَهِ

پس اینک منم که پذیرایی نیکو از تو می خواهم.۲۵/۴۶

نیکو گرداندن آفرینش

أَنْتَ الَّذِی... أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ

تویی آنکه آفرینش آنچه را که آفرید، نیک گرداند.۲۱/۴۷

گشوده بودن دست خدا، به نیکی ها

سُبْحَانَکَ بَسَطْتَ بِالْخَیْرَاتِ یَدَکَ

پاک و منزّهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای.

۲۵/۴۷

سپاسی برابر با احسان و نیکی خداوند

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یُوَازِی صُنْعَکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.۳۴/۴۷

طلب قرب خداوند و گمان نیک به او

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَیْکَ بِمَا لَا یَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْکَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِکَ بِالْإِنَابَهِ إِلَیْکَ... وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و خوش گمانی به تو را، در پی آن روانه ساخته ام.۷۳و۷۲/۴۷

ص: ۱۲۰۵

بی بهره ماندن از خیر و نیکی

وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلَائِکَ لِی اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِی خَیْرَ مَا عِنْدَهُ

و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده.۹۰/۴۷

آسان گرداندن راه خیرات، برای بنده

وَ سَهِّلْ لِی مَسْلَکَ الْخَیْرَاتِ إِلَیْکَ

و راه خیرات به سوی خود را برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

آسان گرداندن پیشی گرفتن به خیرات ، برای بنده

وَ سَهِّلْ لِی مَسْلَکَ الْخَیْرَاتِ إِلَیْکَ، وَ الْمُسَابَقَهَ إِلَیْهَا مِنْ حَیْثُ أَمَرْتَ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای، برای من آسان گردان.۹۴/۴۷

نبودن خیری در بنده

وَ لَا تُرْسِلْنِی مِنْ یَدِکَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَیْرَ فِیهِ

و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست.۱۰۳/۴۷

باطل کننده حسنات و افعال پسندیده

وَ طَوِّقْنِی طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا یُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ

و طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده، به گردنم انداز.۱۰۶/۴۷

یاری نمودن بنده، به کردار نیکو

وَ أَعِنِّی عَلَی... مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ

و بر (داشتن) کردار نیکو یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

اعتراف بنده، به نیکی های خدا

وَ أَوْزِعْنِی أَنْ... أَعْتَرِفَ بِمَا أَسْدَیْتَهُ إِلَیَّ

و به من الهام کن که به آنچه به من عنایت نموده ای، اعتراف نمایم.۱۱۴/۴۷

سوددهنده بودن خدا، به نیکی

أَعْلَمُ... أَنَّکَ... أَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ

می دانم که تو به احسانْ سوددهنده تر هستی.

۱۱۶/۴۷

هلاك نشدن به وسیله اعمال نیکو

وَ لَا تُهْلِکْنِی بِمَا أَسْدَیْتُهُ إِلَیْکَ

و به وسیله آنچه که نیکویی نموده ام، مرا هلاك نکن.۱۱۶/۴۷

داشتن ذکر و آوازه نیک، در بین آیندگان

وَ اجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْغَابِرِینَ، وَ ذِکْرًا نَامِیًا فِی الْآخِرِینَ

و برای من یاد نیکو در بازماندگان و آوازه نیک در آیندگان قرار ده.۱۲۷/۴۷

فراوان ساختن نصیب بنده، از احسان

وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ

و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.۱۲۹/۴۷

آمیختگی کارهای نیک بنده، با معصیت

لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، باطل نکن.۱۳۱/۴۷

تقسیم نیکی، در بین مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

منّت گذاردن بر مؤمنان، با خیر

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ... أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ... أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا

عافیت را قسمت می نمایی یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

عطای خیری از دنیا و آخرت، به مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوءْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تُعْطِيهِمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.۲/۴۸

نرسیدن به نیکی، جز از جانب خدا

فَإِنِّی لَمْ أُصِبْ خَیْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْکَ

پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده ام.۴/۴۸

طلب نیکی و احسان مخلوق

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ وَ تَعَبَّأَ... لِوَفَادَةٍ إِلَی مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَیْلِهِ وَ جَائِزَتِهِ

خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود.

۵/۴۸

ص: ۱۲۰۷

مهیّا شدن برای درخواست احسان الهی

فَإِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ کَانَتِ الْیَوْمَ تَهْیِئَتِی وَ تَعْبِئَتِی... رَجَاءَ عَفْوِکَ وَ رِفْدِکَ وَ طَلَبَ نَیْلِکَ وَ جَائِزَتِکَ

پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده گشته تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.۵/۴۸

اصرار بر گناه، و احسان رحمت الهی

ثُمَّ لَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی عَظِیمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالرَّحْمَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ

سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش احسان نمایی، بازنداشت.۷/۴۸

احسان نمودن به بنده، با رحمت الهی

عُدْ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ

به رحمتتْ بر من نیکی کن.۸/۴۸

فضل خدا، و خیر و نیکی آخرت

وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِنْدَکَ... وَ صِلْ ذَلِکَ بِخَیْرِ الْآخِرَهِ وَ نَعِیمِهَا

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان.۲۸/۴۸

خیر قرار دادن حکم الهی، برای بنده

وَ خِرْ لِی فِیما تَقْضِی مِنْهُ

و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده.۲۸/۴۸

عطای نیک، به بنده

وَ أَبْلَیْتَ الْجَمِیلَ فَعَصَیْتُ

و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم.

خدا، پذیرنده گمان های نیکو

وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی.

۱۲/۴۹

احسانی، از جانب خدا

وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ... کُلُّ ذَلِکَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلًا مِنْکَ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی. همه آنها نعمت و احسان از جانب توست.

۱۲/۴۹و۱۳

بدکرداری بنده و بازداشته نشدن خدا، از احسانش

لَمْ تَمْنَعْکَ إِسَاءَتِی عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِکَ

بدکرداری من، تو را از تمام نمودن احسانت بازنداشت.۱۳/۴۹

ص: ۱۲۰۸

کار خدا؛ احسان و بخشش

أَبَيْتَ يَا مَوْلَایَ إِلَّا إِحْسَانًا وَ امْتِنَانًا...

تو ای مولای من، جز احسان و بخشش کاری نکرده ای.۱۴/۴۹

احسان نیکوی الهی به بنده و سزاواری خدا به سپاس

إِلَهِی أَحْمَدُکَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَی حُسْنِ صَنِیعِکَ إِلَیَّ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی ات به من.۱/۵۱

احسان به بنده، و ناتوانی او از سپاس

فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِی مَا یَعْجِزُ عَنْهُ شُکْرِی

پس تو آنچنان به من نیکی کردی که شکر من از ادای آن عاجز است.۱/۵۱

نتیجه عدم وجود احسان الهی

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَیَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی

اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.۲/۵۱

خدا و آغاز نیکی به بنده

وَ لَکِنَّکَ ابْتَدَأْتَنِی بِالْإِحْسَانِ

ولی تو احسانت را در حقّ من آغاز نمودی.

۲/۵۱

احسان های بزرگ خدا، بر بنده

وَ کَمْ مِنْ صَنِیعَهٍ کَرِیمَهٍ لَکَ عِنْدِی

و چه بسیار نیکیِ بزرگ، که برای تو نزد من است!۳/۵۱

نیکو بودن احسان الهی، نزد بنده

وَ صَنِيعُكَ لَدَيَّ مَبْرُورٌ

و نیکی ات پیش من پسندیده است.۵/۵۱

نیکوترین نام ها

یَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی

ای کسی که نیکوترین نام ها برای اوست.

۷/۵۱

محروم نساختن بنده، از خیر دنیا و آخرت

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی لِقِلَّهِ شُکْرِی

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان.۱۳/۵۱

احسان الهی، و بدکرداری بنده

عُدْ... بِإِحْسَانِکَ عَلَی إِسَاءَتِی

با احسانت بر بدکرداری ام تلافی کن.۴/۵۳

نیکی آنچه (درباره بنده) نوشته شده

أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ کِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم.۵/۵۴

ص: ۱۲۰۹

و

واجب قطعی

چگونگی بندگان، در جاهای واجبات

وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي... مَنَازِلِ فُرُوضِهِ

و می نگرد آنها در جاهای واجباتش چگونه اند.

۷/۶

اندوه بنده و رعایت واجبات الهی

وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالِاهْتِـمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ

و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات خود بازمدار.۹/۷

واجب گرداندن اجابت دعای بیچارگان

سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ

پاك و منزّهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای.۴/۱۰

واجب گرداندن خشم خدا، برای بنده

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟... أَمْ أَوْجَبْتَ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطَكَ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ یا در جایگاهم خشم خود را بر من قرار داده ای؟ ۶/۱۲

بخشیدن آنچه واجب شده

وَ هَبْ لِي مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ

و آنچه از تو بر من واجب است، به من ببخش.

۱۵/۱۲

شایستگی بنده و وجوب آمرزش

وَ إِنْ کُنْتَ تَغْفِرُ لِی حِینَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَکَ... فَإِنَّ ذَلِکَ غَیْرُ وَاجِبٍ لِی بِاسْتِحْقَاقٍ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست.۳۱/۱۶

توفیق انجام واجبات

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ لَکَ...

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.۶/۲۲

سبب دریافتن آرامش دل، به آنچه برای خدا واجب است

وَ ارْزُقْنِی الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِیرِی فِی الشُّکْرِ لَکَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَ الْعُسْرِ... حَتَّی أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِینَهَ النَّفْسِ مِنِّی بِمَا یَجِبُ لَکَ...

ص: ۱۲۱۱

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه (شکر آن) برای تو واجب است، دریابم.۱۱/۲۲

الهام واجبات درباره والدین، به فرزند

وَ أَلْهِمْنِی عِلْمَ مَا یَجِبُ لَهُمَا عَلَیَّ إِلْهَامًا

و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن.۳/۲۴

واجب گرداندن حقّی برای مؤمنان، بر خلق

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، کَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَی الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.

۴/۲۴

کوتاهی والدین، از آنچه درباره فرزند واجب بوده

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّیَا عَلَیَّ فِیهِ مِنْ قَوْلٍ... أَوْ قَصَّرَا بِی عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی کرده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم.۹/۲۴

وجوب حقّ والدین، بر فرزند

فَهُمَا أَوْجَبُ حَقًّا عَلَیَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ

پس حقّ ایشان بر من واجب تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم.۱۰/۲۴

عدم درک آنچه درباره والدین بر فرزند واجب است

هَیْهَاتَ... لَا أُدْرِکُ مَا یَجِبُ عَلَیَّ لَهُمَا

هیهات! آنچه برای ایشان بر من واجب است را درنمی یابم.۱۱/۲۴

اعطای آنچه برای همسایگان لازم است، پیش از درخواستشان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی... إِعْطَاءِ مَا یَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّوءَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

۲/۲۶

برای همسایگان، لازم دانستن آنچه بنده، برای خویشان خود واجب می داند

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ... أُوجِبُ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَّتِی

و خداوندا مرا بر آن دار که آنچه را برای خویشانم لازم می دانم، برای آنها لازم بدانم.

۳/۲۶

ص: ۱۲۱۲

واجب گشتن محبّت خدا، برای تائب

فَاقْبَلْ تَوْبَتِی كَمَا وَعَدْتَ... وَ أَوْجِبْ لِی مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ

پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.۱۵/۳۱

وَ اجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ

و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای.۵۴/۴۵

هلاک شدن ضایع کننده واجبات الهی

وَ لَا تُثْنِی عَلَيَّ بِإِحْيَائِهَا سُنَّةٌ حَاشَا فُرُوضِكَ الَّتِی مَنْ ضَيَّعَهَا هَلَكَ

و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید، مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.۱۷/۳۲

غفلت بنده، از شرایط واجبات الهی

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِكَ

و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم.۱۸/۳۲

واجب شدن شکری دیگر، بر بنده

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.۱/۳۷

واجب گشتن پاداش شکرگزاری بندگان

وَ تُثِيبُ عَلَى قَلِيلِ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَكُوا اسْتِطَاعَةَ الِامْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ

و بر اندکْ طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گردانـدی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای.۶/۳۷

ادا نکردن حقّ لازمِ صاحب حقّ مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ حَقِّ ذِی حَقٍّ لَزِمَنِی لِمُوءْمِنٍ فَلَمْ أُوَفِّرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از حقّ حقدار مؤمنی که بر من لازم گردانده بودی، پس آن را به تمامی ادا نکردم.۱/۳۸

توبه واجب کننده محبّت الهی

وَ اجْعَلْ نَدَامَتِی عَلَی مَا وَقَعْتُ فِیهِ مِنَ الزَّلَّاتِ... تَوْبَةً تُوجِبُ لِی مَحَبَّتَکَ

ص: ۱۲۱۳

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد.۳/۳۸

واجب شدن حکم و فرمان الهی

ثُمَّ قِنِی مَا یُوجِبُ لَهُ حُکْمُکَ

سپس مرا از آنچه حکم تو را واجب می گرداند، نگهدار.۵/۳۹

آگاه فرمودن بندگان، بر واجبات نماز

وَ قِفْنَا فِیهِ عَلَی مَوَاقِیتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِی حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتِی فَرَضْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی، آگاه فرما.۸/۴۴

وجوبی همانند آنچه برای کوشندگان در طاعت الهی، واجب گشته

وَ أَوْجِبْ لَنَا فِیهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَهِ فِی طَاعَتِکَ

و برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان.

۱۲/۴۴

ماه رمضان، از جمله واجبات خاص

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ... خَصَائِصِ تِلْکَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ...

خداوندا و تو از واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی.۲۰/۴۵

واجب نمودن روزه، در ماه رمضان

وَ فَرَضْتَ فِیهِ مِنَ الصِّیَامِ

و روزه را در آن واجب کردی.۲۰/۴۵

لزوم حفظ پیمان، با رمضان

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ... لَزِمَنَا لَهُ الذِّمَامُ الْمَ_حْفُوظُ

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم.۲۳/۴۵

تقرّبِ واجب گرداننده خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... تَقَرَّبَ إِلَيْکَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاکَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِکَ

خداوندا و هر کس به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.۵۰/۴۵

سپاسی واجب گرداننده فراوانی (نعمت)

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوجِبُ بِکَرَمِکَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۳۶/۴۷و۴۸

وجوب اطاعت امام علیه السلام

ص: ۱۲۱۴

وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ

و فرمانبری او را واجب گرداندی.۶۰/۴۷

تغییر واجبات، از مقاصدِ تشریع شده

...حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاوءُكَ مَغْلُوبِينَ... يَرَوْنَ... فَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند واجباتت از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده است.۹/۴۸

وجوب اطاعت پیشوایان، از جانب خدا

وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَ الْأَئِمَّهِ الَّذِينَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ

و مرا از باورداران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده.۱۲/۴۸

واجب بودن حقّ خدا، بر همه آفریدگان

إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.۱۰/۵۲

واداشتن گماشتن

وادی درّه

وارفتگی سستی

واقعه پیشامد

واگذاشتن

وانگذاشتن نفوس، به اختیار خود

وَ لَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نُفُوسِنَا وَ اخْتِيَارِهَا

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وامگذار.۴/۹

وانگذاشتن خوی زشتی، در بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّی إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی.۶/۲۰

وانگذاشتن عیبِ موجب سرزنش، در بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... عَائِبَةً أُوَنَّبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا

خداوندا مرا در عیبی که بدان سرزنش شوم وامگذار، مگر آنکه نیکویش گردانی.۶/۲۰

وانگذاشتن خوی پسندیده ناتمام، در بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أُكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتْمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

ص: ۱۲۱۵

واگذاشتن بدعت گذاران

وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَهِ... وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدَعِ

و این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و فروگذاردن اهل بدعت، کامل گردان.

۱۰/۲۰

وانگذاشتن بنده، به خلق خدا

وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ

و مرا به خلقت وانگذار.۲/۲۲

به خود واگذاردن بنده و ناتوانی او

وَ انْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أُقِمْ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا

و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم.

۳/۲۲

به خلق واگذاردن بنده

وَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي

و اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند.۳/۲۲

واگذاری بنده به توانش و برکناری قدرت از او

وَ لَوْ تَكِلْنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي... لَكَانَ

الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَزِلًا

و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وامی گذاردی؛ همانا توان از من کناره می گرفت.۲۵/۳۲

به خود وانگذاشتن بنده

وَ لَا تُرْسِلْنِی مِنْ یَدِکَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَیْرَ فِیهِ

و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست.۱۰۳/۴۷

وانگذاشتن بنده، به توانایی خود

لَا تَکِلْنِی إِلَی حَوْلِی وَ قُوَّتِی دُونَ حَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ

مرا به توانایی و نیروی خودم بدون توانایی و نیروی خودت وامگذار.۱۱۳/۴۷

توبه نصوح و وانگذاشتن گناهان بنده

وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِیرَهً وَ لَا کَبِیرَهً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِیَهً وَ لَا سَرِیرَهً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاشته و با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.۱۲۶/۴۷

والا بلند

والدین پدر و مادر

برتری بخشیدن به والدین و احسان خدا

ص: ۱۲۱۶

به آنها

وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَیَّ بِالْکَرَامَهِ لَدَیْکَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود اختصاص ده.۲/۲۴

درخواست پاداش های ویژه از خدا، برای والدین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلْهِمْنِی عِلْمَ مَا یَجِبُ لَهُمَا عَلَیَّ إِلْهَامًا، وَ اجْمَعْ لِی عِلْمَ ذَلِکَ کُلِّهِ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تُلْهِمُنِی مِنْهُ، وَ وَفِّقْنِی لِلنُّفُوذِ فِیما تُبَصِّرُنِی مِنْ عِلْمِهِ حَتَّی لَا یَفُوتَنِی اسْتِعْمَالُ شَیْءٍ عَلَّمْتَنِیهِ، وَ لَا تَثْقُلَ أَرْکَانِی عَنِ الْحَفُوفِ فِیما أَلْهَمْتَنِیهِ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما. آنگاه مرا به آنچه به من الهام می کنی، وادار. و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود و اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین نشود. ۳/۲۴

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَهَابُهُمَا هَیْبَهَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ، وَ أَبَرُّهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ، وَ أَثْلَجَ لِصَدْرِی مِنْ شَرْبَهِ الظَّمْآنِ حَتَّی أُوثِرَ عَلَی هَوَایَ هَوَاهُمَا، وَ أُقَدِّمَ عَلَی

رِضَایَ رِضَاهُمَا وَ أَسْتَکْثِرَ بِرَّهُمَا بِی وَ إِنْ قَلَّ، وَ أَسْتَقِلَّ بِرِّی بِهِمَا وَ إِنْ کَثُرَ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. و با آن دو همانند نیکیِ مادری مهربان، نیکی کنم. و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر و برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم و خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدّم اندازم و نیکی ایشان را درباره خود - اگرچه اندک باشد - بسیار شمارم و نیکی خود را درباره ایشان - اگرچه بسیار باشد - اندک بدانم.۵/۲۴

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِی، وَ أَطِبْ لَهُمَا کَلَامِی، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِیکَتِی، وَ اعْطِفْ عَلَیْهِمَا قَلْبِی، وَ صَیِّرْنِی بِهِمَا رَفِیقًا، وَ عَلَیْهِمَا شَفِیقًا

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز. و سخنم را با آنها خوشایند فرما و خویم را برایشان نرم نما و دلم را بر آن دو مهربان گردان و مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.۶/۲۴

اللَّهُمَّ اشْکُرْ لَهُمَا تَرْبِیَتِی، وَ أَثِبْهُمَا عَلَی تَکْرِمَتِی، وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّی فِی صِغَرِی

خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن و آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای

ایشان نگهدار.۷/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّی مِنْ أَذًى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّی مِنْ مَكْرُوهٍ، أَوْ ضَاعَ قِبَلِی لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِمَا، وَ عُلُوًّا فِی دَرَجَاتِهِمَا، وَ زِيَادَةً فِی حَسَنَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده یا ناخوشایندی که از من به ایشان رخ داده یا حقّی از آنها نزد من ضایع شده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان و بلندی درجات ایشان و افزایش نیکی هایشان قرار ده.۸/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ ضَيَّعَاهُ لِی مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصَّرَا بِی عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا، وَ جُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا، وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِی وَضْعِ تَبِعَتِهِ عَنْهُمَا، فَإِنِّی لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَى نَفْسِی، وَ لَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِی بِرِّی، وَ لَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِی يَا رَبِّ

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا بر من در کردار، زیاده روی کرده اند یا حقّی را از من ضایع ساخته اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم و به آنان ارزانی داشتم و از تو می خواهم، گرفتاری را از آنها برداری. زیرا آنان را نسبت به خودم، متّهم نمی دانم. آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم و از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.

۹/۲۴

فَهُمَا أَوْجَبُ حَقًّا عَلَيَّ، وَ أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ، وَ أَعْظَمُ

مِنَّةً لَدَيَّ مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ، أَوْ أُجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلٍ، أَيْنَ إِذًا يَا إِلَهِی طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَتِی؟! وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتِی؟! وَ أَيْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَةِ عَلَيَّ؟!

پس حقّ ایشان بر من واجب تر، و احسانشان به من دیرینه تر، و نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم یا بر آنان مثل خودشان، کیفر دهم. ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟ و سختی هایی که در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟ و تنگی هایی که برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟۱۰/۲۴

وَ أَعِنِّی يَا خَيْرَ مَنِ اسْتُعِينَ بِهِ، وَ وَفِّقْنِی يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ

و مرا یاری ده، ای بهترین کسی که به وسیله او یاری خواسته شده. و مرا توفیق ده، ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده. و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده.

۱۱/۲۴

وام

ویژگی های وام

وَ هَبْ لِیَ الْعَافِیَهَ مِنْ دَیْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِی، وَ یَحَارُ فِیهِ ذِهْنِی، وَ یَتَشَعَّبُ لَهُ فِکْرِی، وَ یَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِی

و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را

ص: ۱۲۱۸

ببری و ذهنم در آن سرگردان شود و فکرم برای آن پریشان گردد و کارم در چاره آن طول کشد.

۱/۳۰

بیان تبعات وام

وَ أَعُوذُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّیْنِ وَ فِکْرِهِ، وَ شُغْلِ الدَّیْنِ وَ سَهَرِهِ... وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ، یَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِی الْحَیَاهِ، وَ مِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاهِ

و به تو پناه می برم - ای پروردگارم - از اندوه و اندیشه وام و از کار قرض و بی خوابی اش. و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از خواری آن در زندگی و از پیامد آن پس از مرگ. ۲/۳۰

وام دادن به خدا و چندین برابر برگشتن آن، به بنده

مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَهً

کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟ ۱۳/۴۵

واماندگی

رو نیاوردن واماندگی به فرشتگان

وَ الَّذِینَ لَا تَدْخُلُهُمْ... إِعْیَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ...

و همانها که از خستگیِ زیاد، وامانده و سست

نمی گردند... ۷/۳

وبا

آمیخته ساختن آب های مشرکان، به وبا

اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِیَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا درآمیز.

۱۲/۲۷

وبال تبعات

وثوق اعتماد

وحی

محمّد صلی الله علیه و آله ، امانت دار وحی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ

خداوندا بر محمّد - امین وحیت - درود فرست.۳/۲

جبرئیل، امانت دار وحی

جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحْیِکَ

جبرئیل امین وحی توست.۴/۳

امانت داران وحی الهی

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ الْمُوءْتَمَنِینَ عَلَی وَحْیِکَ

ص: ۱۲۱۹

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که بر وحی تو امانت دارند.

۱۰/۳

وعده و نوید الهی، در وحی

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِکَ فِی وَحْیِکَ... قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَکَفَّلْتَ بِهِ...

و وعـده هـای آشـکاری را که در وحی خود بیـان نموده ای، موجب قطع اهتمـام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

قرآن، وحی خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ جَعَلْتَهُ... وَحْیًا أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تَنْزِیلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی.۲و۱/۴۲

وحی الهی و راهنمایی بر توبه

وَ جَعَلْتَ عَلَی ذَلِکَ الْبَابِ دَلِیلًا مِنْ وَحْیِکَ لِئَلَّا یَضِلُّوا عَنْهُ

و بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای تا از آن گمراه نشوند.۱۰/۴۵

وداع

چگونگی وداعِ روز، با نیکان

وَ هَذَا یَوْمٌ حَادِثٌ جَدِیدٌ... إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ

و این روزی نو و تازه است. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید.۱۲/۶

وداع با ماه رمضان، و فراقی دشوار

فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِدَاعَ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَیْنَا

پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است.۲۳/۴۵

وداع با رمضان، نه از روی به ستوه آمدن

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ مُوَدَّعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوکٍ صِیَامُهُ سَأَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

ورع پرهیزکاری

ورم

ایستادن در برابر خدا، تا ورم نمودن پاها

یَا إِلَهِی لَوْ... قُمْتُ لَکَ حَتَّی تَتَنَشَّرَ قَدَمَایَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

ص: ۱۲۲۰

ورود

درآمدن در زمره شهدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرُ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰و۲۷/۱

آسان گرداندن آنچه خدا بر بنده وارد نموده

وَ يَسِّرْ لِی مَا أَحْلَلْتَ بِی

و آنچه بر من وارد نموده ای، برایم آسان کن.

۶/۱۵

راه ورودی برای شیطان

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِی قُلُوبِنَا مَدْخَلًا

خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده.۶/۱۷

ورود بنده، در خوشنودی خدا

وَ اجْعَلْ... فِی مَرْضَاتِکَ مَدْخَلِی

و ورود مرا در خوشنودی ات قرار ده.

۱۱/۲۱

پاداش بندگان، پیش از ورود به فرمانبری خدا

وَ أَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِی طَاعَتِکَ

و پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند.۷/۳۷

ورود بنده، در رحمت الهی

وَ أَوْرِدْنِی مَشَارِعَ رَحْمَتِکَ

و مرا در آبشخورهای رحمتت درآور.

۱/۴۱

ورود به حوض پیامبر صلی الله علیه و آله (در بهشت)

وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ

و به حوض او واردمان کن.۲۰/۴۲

وارد ساختن تائبین، به بهشت ها

تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحًا عَسَی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَ یُدْخِلَکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.۱۰/۴۵

غفلت از ورود به جایگاه (بهشت)

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَهِ الدَّلِیلِ

پس - بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!۱۱/۴۵

ص: ۱۲۲۱

با ذلّت به جهنّم وارد شدن مستکبران

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهند شد.

۱۵/۴۵

ورود ماه رمضان با برکاتش، بر مسلمانان

السَّلَامُ عَلَيْکَ کَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَکَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی.۳۶/۴۵

درآوردن بنده، در حزب خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَدْخَلْتَهُ فِي حِزْبِکَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که در حزب خود واردش کردی.۶۷/۴۷

درآمدن در جایگاه پیشینیان

وَ وَافِ بِي عَرْصَةَ الْأَوَّلِينَ

و مرا در میان جایگاه (رستاخیز) پیشینیان درآور.۱۲۷/۴۷

ورود در محرّمات

وَ أَبَيْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِکَ

و من جز وارد شدن در حرام های تو کاری نداشته ام.۱۴/۴۹

وزیر

یاری نشدن خدا، توسّط وزیری

أَنْتَ الَّذِي... لَمْ يُوَازِرْکَ فِي أَمْرِکَ وَزِيرٌ

تویی آنکه در کارت، وزیری تو را کمک نکرده است.۱۴/۴۷

وسط میان

وسعت فراخی

وسیله سبب

وسوسه

نگهبان بندگان، از وسوسه های شیطان

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

و قرآن را نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد قرار ده.۱۰/۴۲

قرآن؛ بازدارنده درونْ از خطور وسوسه

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار.۱۱/۴۲

شکایت به خداوند، از وسوسه نفس

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِی... وَسْوَسَهَ نَفْسِی

ص: ۱۲۲۲

ای خدای من، از وسوسه های نفسم، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

وصول رسیدن

وطن

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به جای دور از وطنش

وَ هَاجَرَ إِلَی... مَحَلِّ النَّأْیِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ

و از جایگاه اقامتش، به محل دور هجرت نمود.۱۶/۲

فراهم نساختن وطن، برای شیطان

اللَّهُمَّ... لَا تُوطِنَنَّ لَهُ فِیما لَدَیْنَا مَنْزِلًا

خداوندا او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

۶/۱۷

وعده

خدا، انجام دهنده وعده

یَا نَافِذَ الْعِدَهِ

ای به انجام رساننده وعده.۲۶/۲

تمام گشتن وعده الهی

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... الَّذِینَ عَلَی أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَـمَامِ وَعْدِکَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود.۱۲و۱۱و۱۰/۳

وعده خداوند، به ستمگران

وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قَلِیلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِینَ

و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما.۱۲/۱۴

پناه بردن به خدا، از وعده های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ... مِنَ الثِّقَهِ بِأَمَانِيِّهِ وَ مَوَاعِيدِهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او و وعده هایش به تو پناه می بریم.۱/۱۷

وفا کردن خدا، به وعده اش

فَأَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی

پس آنچه به من وعده دادی، انجام ده.

۷/۲۱

دروغ بودن وعده شیطان

إِنْ وَعَدَنَا كَذَبَنَا

اگر ما را وعده دهد، به ما دروغ گوید.

۷/۲۵

تصریح خدا به وعده اش، در وحی الهی

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَتِكَ فِی وَحْيِكَ... قَاطِعًا لِاهْتِـمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِی تَكَفَّلْتَ بِهِ...

ص: ۱۲۲۳

و وعـده هـای آشـکاری را که در وحی خود بیـان نموده ای، موجب قطع اهتمـام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.۳/۲۹

در آسمان بودن آنچه به بندگان، وعده داده شده

وَ فِی السَّمَاءِ رِزْقُکُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ

و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.۴/۲۹

اجابت وعده داده شده الهی

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ... مُتَنَجِّزًا وَعْدَکَ فِیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَهِ

خداونـدا، اکنـون ایـن مـن هسـتم کـه بـه نزد تـو آمـده ام، در حـالی کـه وفـا بـه وعـده ای را کـه پیرامـون اجابت داده ای، خواستارم.۱۱/۳۱

ناتوانی بنده از شتاب به وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَشْکُو إِلَیْکَ یَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِیما وَعَدْتَهُ أَوْلِیَاءَکَ

ای خدای من، از ناتوانی نفْسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم.۱۰/۵۱

نفس بنده و سبک شمردن وعده الهی

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِی... مَوْقِفَ... الْمُسْتَخِفِّینَ بِوَعْدِکَ

خود را در جایگاه سبک شمارندگان وعده تو، واداشته ام.۲/۵۳

وعده خدا به:

أ. شفاعت نیکوی محمّد صلی الله علیه و آله

وَ عَرِّفْهُ فِی أَهْلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِینَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَهِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.۲۵/۲

ب. رفع گرفتاری رنج دیدگان

سُبْحَانَکَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِینَ وَعَدْتَ الْکَشْفَ عَنْهُمْ

پاک و منزّهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.۴/۱۰

ج. پاداش

وَ یَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَی نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.۱۰/۱۲

وَ ارْزُقْنِی... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را

ص: ۱۲۲۴

روزی ام فرما.۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان.۵۳/۴۵

د. پذیرفتن توبه بنده

فَاقْبَلْ تَوْبَتِی کَمَا وَعَدْتَ

پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر.۱۵/۳۱

هـ. اجابت دعا

وَ حَثَثْتَ عَلَی الدُّعَاءِ، وَ وَعَدْتَ الْإِجَابَهَ

و بر دعا ترغیب نمودی و اجابت را نوید دادی.۲۹/۳۱

و. اجابت بیچارگان

وَ عَرِّفْنِی مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَهِ الْمُضْطَرِّینَ

و اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من بشناسان.۱۲/۱۴

ز. عذاب دوری گزیننده از رضایش

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاکَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو دوری گزید، وعده عذاب داده ای.۲۹/۳۲

ح. ارجمندی دوستانش

وَ أَهِّلْنَا فِیهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ مِنْ کَرَامَتِکَ

و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما.۱۲/۴۴

وعظ پند

وفا

خدا، وفاکننده به گفتار

یَا وَافِیَ الْقَوْلِ

ای وفاکننده گفتار.۲۶/۲

وفای خداوند به آنچه وعده داده

فَأَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی

پس آنچه به من وعده دادی، انجام ده.

۷/۲۱

قسم خدا، وفاشده ترین (قسم ها)

وَ أَقْسَمْتَ وَ قَسَمُکَ الْأَبَرُّ الْأَوْفَی

و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقّق ترین و وفاشده ترین است.۴/۲۹

وفای خدا، به وعده اش درباره اجابت

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُکَ... مُتَنَجِّزًا وَعْدَکَ فِیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجابَهِ

ص: ۱۲۲۵

خداونـدا، اکنـون ایـن مـن هسـتم کـه بـه نزد تـو آمـده ام، در حـالی کـه وفـا بـه وعـده ای را کـه پیرامـون اجـابت داده ای، خواستارم.۱۱/۳۱

وفای به توبه

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِی بِالتَّوْبَهِ إِلَّا بِعِصْمَتِکَ

خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست.۱۹/۳۱

وفاکننده به عهد الهی

وَ تَوَحَّدْنِی بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَی بِعَهْدِکَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده.

۸۸/۴۷

وفور فراوانی

وقار

(توفیق داشتن) وقار و سنگینی

وَ أَلْبِسْنِی زِینَهَ الْمُتَّقِینَ، فِی... سُکُونِ الرِّیحِ

و زیور پرهیزکاران را در وقار، به من بپوشان.

۱۰/۲۰

وقت زمان

ولخرجی

بازداشتن بنده از ولخرجی

وَ اقْبِضْنِی بِلُطْفِکَ عَنِ التَّبْذِیرِ

و مرا - به لطف خود - از ولخرجی باز دار.

ولد فرزند

ولیّ [امام علیه السلام]

دعا برای ولیّ خدا

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِیهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِیرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا یَسِیرًا، وَ أَعِنْهُ بِرُکْنِکَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَزْرَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَیْنِکَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِکَ وَ انْصُرْهُ بِمَلَائِکَتِکَ، وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما و او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما و برای او پیروزی به آسانی بگشای و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری فرما و پشتش را محکم ساز و بازویش را قوّت ده و تحت نظر خود، از او نگهداری کن و با حفظ خویش، او را پشتیبانی کن و با فرشتگانت

ص: ۱۲۲۶

یاری اش نما و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.۶۱/۴۷

وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ أَبِنْ بِهِ الضَّرَّاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجاً

و کتاب خود و احکامت و قوانینت و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد - به وسیله او به پا دار و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان و با او زنگار ستم را از راهت بزدای و به سبب او سختی را از راهت دور کن و به وسیله او منحرفان را از راهت بیرون کن و به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.۶۲/۴۷

وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ

و خوی او را برای دوستانت نرم فرما و دستش را بر دشمنانت بگستر.۶۳/۴۷

ولیّ خدا و درخواست بنده از خدا

وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ

و محبّت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار.۶۳/۴۷

وهم اندیشه

وهن سستی

ویرانی

ویران ساختن پناهگاه شیطان

اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده.۱۳/۱۷

ویژگی ها صفات

ص: ۱۲۲۷

۵

هجرت

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به شهرهای غربت

وَ هَاجَرَ إِلَی بِلَادِ الْغُرْبَهِ

و به شهرهای غربت هجرت نمود.۱۶/۲

هجرت اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از قبایل خود

الَّذِینَ هَجَرَتْهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند.۶/۴

هجرت اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، از شهرهای خویشان خود

وَ اشْکُرْهُمْ عَلَی هَجْرِهِمْ فِیکَ دِیَارَ قَوْمِهِمْ

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشانشان هجرت کردند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

توفیق دوری از شرّ و بدعت

وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ، وَ هِجْرَانِ الشَّرِّ... وَ مُجَانَبَهِ الْبِدَعِ

ما را برای انجام نیکی و ترک بدی و ترک بدعت ها، توفیق ده.۱۸/۶

پاداش بنده، به دوری گزیننده از او

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أَجْزِیَ مَنْ هَجَرَنِی بِالْبِرِّ

و مرا توفیق ده تا آنکه از من دوری کرده را به نیکی جزا دهم.۹/۲۰

دوری از همه گناهان، پیمان بنده با خدا

لَکَ یَا رَبِّ... عَهْدِی أَنْ أَهْجُرَ جَمِیعَ مَعَاصِیکَ

ای پروردگار من، با تو عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم.۱۶/۳۱

عذرخواهی از دوری نکردن از گناه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ... مِنْ کُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِی فَلَمْ أَهْجُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.

۱/۳۸

بازگشت بنده، به دوری گزیننده از او

وَفِّقْنَا فِیهِ لِأَنْ... نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا

ما را در آن ماه توفیق ده، که به کسی که از ما دوری نموده، بازگردیم.۱۰/۴۴

هجوم حمله

ص: ۱۲۲۹

هدایت راهنمایی

هدف

هدف بلا نگرداندن بنده

وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلْبَلَاءِ غَرَضًا

و مرا هدف بلا نگردان.۱۶/۴۸

آبروی بنده، هدف تیرهای حسود

وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... جَعَلَ عِرْضِی غَرَضًا لِمَرَامِیهِ

و چه بسیار حسودی که آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد.۹/۴۹

هدیه ارمغان

هراس ترس

هزار

برتری شبی از رمضان، بر شب های هزار ماه

ثُمَّ فَضَّلَ لَیْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَیَالِیهِ عَلَی لَیَالِی أَلْفِ شَهْرٍ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد.۵/۴۴

شب قدر، بهتر از هزار ماه

وَ أَجْلَلْتَ فِیهِ مِنْ لَیْلَهِ الْقَدْرِ (الَّتِی هِیَ) خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.۲۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی لَیْلَهِ الْقَدْرِ الَّتِی هِیَ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.۴۰/۴۵

هزار درود، بر محمد صلی الله علیه و آله و آلش

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّهٍ

سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمّد و خاندانش هزار بار درود فرست.

۲۸/۴۸

هفت

روییدن هفت خوشه، از یک دانه

مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

هلاکت تباهی

نافرمانی خدا، و هلاکت

ص: ۱۲۳۰

فَالْهَالِکَ مِنَّا مَنْ هَلَکَ عَلَیْهِ

پس هلاک شونده از ما کسی است که به خاطر نافرمانی او هلاک شود.۲۴/۱

وَ مَنْ أَشْقَی مِمَّنْ هَلَکَ عَلَیْکَ؟

و شقی تر از کسی که بر اثر نافرمانی ات به هلاکت افتاده، کیست؟۱۶/۳۷

هلاک شدن نفس بنده

فَإِنَّ نَفْسِی هَالِکَهٌ أَوْ تَعْصِمَهَا

زیرا نفس من هلاک شونده است، مگر آنکه تو حفظش نمایی.۱۹/۲۰

رهایی از مهلکه های گنهکاران

وَ اجْعَلْنِی أُسْوَهَ مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِیقِکَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُـجْرِمِینَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از مهلکه های مجرمان، رهاندی.۱۰/۳۹

دست نیافتن مهالک، به دستاویزنده به عصمت قرآن

وَ لا تَنَالُ أَیْدِی الْهَلَکَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِهِ

و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.۳/۴۲

سبب هلاک نشدن هلاک شونده ای از معصیت کاران

وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ... وَ تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَهِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ... إِلَّا عَنْ طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَیْهِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او.

۹/۴۵

هلاک نساختن بنده، با هلاک شدگان

وَ لَا تُهْلِکْنِی مَعَ مَنْ تُهْلِکُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِینَ لِمَقْتِکَ

و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان.۹۶/۴۷

وَ لَا تُتَبِّرْنِی فِیمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِینَ عَنْ سُبُلِکَ

و مرا در شمار هلاک شدگانی که از راه های تو منحرف شده اند، هلاک مکن.۹۷/۴۷

گردابِ هلاک شوندگان

وَ لَا تَرْمِ بِی رَمْیَ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِکَ... بَلْ خُذْ بِیَدِی مِنْ... وَرْطَهِ الْهَالِکِینَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از گرداب هلاک شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).

۱۰۴/۴۷

هلاک نشدن به وسیله اعمال نیکو

ص: ۱۲۳۱

وَ لَا تُهْلِكْنِی بِمَا أَسْدَیْتُهُ إِلَیْکَ

و به وسیله آنچه که نیکویی نموده ام، مرا هلاک نکن.۱۱۶/۴۷

سؤال نشدن از خدا، درباره هلاکت بنده

إِنْ أَهْلَكْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرِضُ لَکَ فِی عَبْدِکَ، أَوْ یَسْأَلُکَ عَنْ أَمْرِهِ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟۱۵/۴۸

خود را در درّه های هلاکت افکندن

تَقَحَّمْتُ أَوْدِیَهَ الْهَلَاكِ... تَعَرَّضْتُ فِیهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِکَ

در وادی های هلاکت رفتم. در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.۲/۴۹

هلاک نساختن خویش، به خاطر امید به عفو الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِی أُوءَمِّلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِی شَمِلَ كُلَّ شَیْءٍ لَأَلْقَیْتُ بِیَدِی

پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرامی گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم.۳/۵۰

هلاک نساختن بنده، با گناهانش

وَ لَمْ تُهْلِكْنِی بِجَرِیرَتِی

و به گناهمْ مرا هلاک ننمودی.۱۱/۵۱

بنده و هلاک ساختن خود

سُبْحَانَکَ... أَیَّ تَغْرِیرٍ غَرَّرْتُ بِنَفْسِی!

پاک و منزّهی! به کدام هلاک، خود را به هلاکت افکندم؟۳/۵۳

موجبات هلاکت بنده:

أ. تباه کردن واجبات

وَ لَا تُثْنِی عَلَیَّ بِإِحْیَائِهَا سُنَّهٌ حَاشَا فُرُوضِکَ الَّتِی مَنْ ضَیَّعَهَا هَلَکَ

و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید، مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.

۱۷/۳۲

ب. به حق جزا داده شدن بنده

فَإِنَّکَ إِنْ تُکَافِنِی بِالْحَقِّ تُهْلِکْنِی

زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم.۵/۳۹

ج. خواهش نفس

وَ حُلْ بَيْنِی وَ بَيْنَ... هَوًى يُوبِقُنِی

و میان من و خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، جدایی انداز.۹۹/۴۷

ص: ۱۲۳۲

د. گناه

وَ أَتَنَصَّلُ إِلَيْکَ مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی قَدْ أَوْبَقَتْنِی

و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم.۸/۵۱

هـ. کردار خود

عَمَلِی أَهْلَکَنِی

عملم مرا به هلاکت افکنده.۷/۵۲

همانند

نیازمندی بنده، به همتایانش

وَ نَعُوذُ بِکَ... مِنَ الْفَقْرِ إِلَی الْأَکْفَاءِ

و پناه می بریم به تو از نیازمندی به هم نوعان.

۸/۸

شبیه ترین چیزها به اراده خدا

وَ أَشْبَهُ الْأَشْیَاءِ بِمَشِیَّتِکَ... رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَکَ، وَ غَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ بِکَ

و شبیه ترین چیزها به اراده ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده.۵/۱۰

در دل بنده نگاشتنِ نمونه پاداش ذخیره شده برای او

وَ صَوِّرْ فِی قَلْبِی مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِی مِنْ ثَوَابِکَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی، در دلم بگذار.۱۵/۱۴

انجام پاکیزه ترین اعمال، هنگام شباهت آنها

وَفِّقْنِی... إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْکَاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده.۲۱/۲۰

نخواندن همانندی، با خدا

فَإِنِّی لَا أَجْعَلُ لَکَ ضِدًّا، وَ لَا أَدْعُو مَعَکَ نِدًّا

زیرا من برای تو ضدّی قرار نمی دهم و با تو همانندی را نمی خوانم.۲۲/۲۰

بزرگ و برتر بودن خداوند، از همانند داشتن

فَتَعَالَیْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَ الْأَضْدَادِ، وَ تَکَبَّرْتَ عَنِ الْأَمْثَالِ وَ الْأَنْدَادِ

پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر و از داشتن همسان و همگون بزرگ تر بودی.۱۲/۲۸

نبودِ همتا و همانندی، برای خدا

إِنَّکَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِی لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَکَ کُفُوًا أَحَدٌ

به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی که فرزند نیاوردی و زاییده نشدی و هیچ کس مانند تو نبوده

ص: ۱۲۳۳

است.۵/۳۵

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یَکُنْ لَکَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِیرٌ

تویی آنکه برای تو بیننده و مانندی نبوده است.۱۴/۴۷

یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ

ای که نزائیده و زائیده نشده ای و برای او همتایی نبوده است.۲/۵۴

قدرت خدا، بر آفرینشی همانند

أَسْتَوْهِبُکَ -یَا إِلَهِی -نَفْسِیَ الَّتِی لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ... وَ لَکِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِکَ عَلَی مِثْلِهَا، وَ احْتِجَاجًا بِهَا عَلَی شَکْلِهَا

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی.۷/۳۹

مزد کار نیک، ده برابر مانند آن

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا

هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است.۱۲/۴۵

همانندی کار بد با کیفرش

مَنْ جَاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَا یُجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا

هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده

نمی شود.۱۲/۴۵

وجود آیاتی نظیر آیات افزایش حسنات ، در قرآن

وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَهً. وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِی الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِیفِ الْحَسَنَاتِ

و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.» و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فروفرستادی.

۱۳/۴۵

داستانی مانند داستان دانه ای که هفت خوشه رویانده

وَ قُلْتَ: مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ، وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ

و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.»۱۳/۴۵

چیزی همانند خدا نیست

لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ

ص: ۱۲۳۴

چیزی مانند او نیست.۲/۴۷

نگاشتن صورت ها، بدون نمونه و مانند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی... صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَیْرِ مِثَالٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که صورت ها را بدون نمونه نگاشتی.

۱۲/۴۷

شبیه و مانند نشدن خدا، به چیزی

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ تُمَثَّلْ فَتَکُونَ مَوْجُودًا

تویی آنکه به چیزی مانند نشده ای، تا آفریده شده باشی.۱۹/۴۷

نبودِ همانندی برای غلبه یا برابری، با خدا

أَنْتَ الَّذِی... لَا عِدْلَ لَکَ فَیُکَاثِرَکَ، وَ لَا نِدَّ لَکَ فَیُعَارِضَکَ

تویی آنکه همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند و مانندی نداری تا با تو معارضه کند.۲۰/۴۷

سپاسی که مانند آن، گذارده نشده

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَمْ یَحْمَدْکَ خَلْقٌ مِثْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد.۴۴و۳۶/۴۷

درودی پیوسته، به مانند درودهای ویژه

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ... صَلَاةً... مُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که تا ابد به ماننده‌ای آن (درودها) متّصل باشد.

۵۹/۴۷

الهام شکر به بنده، همانند الهام به امام علیه السلام

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِوَلِیِّکَ شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِیهِ

خداوندا، پس به ولیّ خود، شکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما.۶۱/۴۷

یگانگی خدا و نبودن همتایانی برای او

وَ إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِیدَکَ وَ نَفْیَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْکَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده ام.۷۲/۴۷

همتا همانند

همراه

فرشتگانِ همراه برف و تگرگ

ص: ۱۲۳۵

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مُشَيِّعِى الثَّلْجِ وَ الْبَرَدِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و تگرگ.۱۵و۱۱و۱۰/۳

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و نیکو به پایان بردن همراهیِ پیامبر

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَهَ... فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَکَ وَ فِيکَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِکَ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند، پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز.

۷و۳/۴

نیکیِ همراه بودن (با هر روز) را، روزی بندگان نمودن

وَ ارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ

و نیکیِ همدم بودن با آن روز را نصیب ما گردان. ۱۳/۶

روز و برترین همراه بندگان بودن

وَ اجْعَلْهُ... أَفْضَلَ صَاحِبٍ صَحِبْنَاهُ

و آن (روز) را برترین همراهی که با آن همراه

شده ایم قرار ده.۱۹/۶

همراهی کردن شیطان، در معصیت الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَايَعْنَاهُ عَلَى مَعْصِيَتِکَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد.۶/۱۰

پرسش از همراه بودن دشمنی خدا، با بنده

...أَمْ لَزِمَنِى فِى وَقْتِ دُعَاىَ مَقْتُکَ؟

...آیا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟۶/۱۲

همراه ساختن شکایت بنده، با تغییر

وَ اقْرِنْ شِكَايَتِی بِالتَّغْيِيرِ

و دادخواهیم را با دگرگونی پیوند ده.۱۱/۱۴

عامل تنهایی و بی همرهی

أَفْرَدَتْنِی الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِی

خطاها مرا تنها گردانده و همراهی ندارم.

۱/۲۱

همراهی رهایی از آفت ها، با مجاهد

وَ أَصْحِبْهُ السَّلَامَةَ

و رهایی از آفت ها را، همراهش فرما.۱۴/۲۷

ص: ۱۲۳۶

رمضان، همراهی نیک

وَ قَدْ أَقَامَ فِینَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحْبَةَ مَبْرُورٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد.۲۲/۴۵

ماه رمضان ، بهترین وقت های همراه با مسلمانان

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَکْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی.۲۴/۴۵

ماه رمضان ، همراهیْ آسان کننده راه های احسان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ... صَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ

درود بر تو همراهی که راه های احسان را آسان نمود. ۲۹/۴۵

ناپسند نبودن مصاحبت رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ غَیْرَ کَرِیهِ الْمُصَاحَبَهِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

ملازم و همراه بنده ساختنِ سپاس از خدا

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّی شُکْرَکَ، بَلْ أَلْزِمْنِیهِ فِی أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِینَ لِآلَائِکَ

و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

همسایه

از آتش خدا، به جوار (رحمت) او رهسپار شدن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.۱۵و۱۰/۱

همسایگان و جستجوی عیب های بنده

...وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِبِى مِنْ جِيرَتِى

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

همسایگان باایمان و شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ... جِيرَانَنَا مِنَ الْمُوءْمِنِينَ وَ الْمُوءْمِنَاتِ مِنْهُ فِى حِرْزٍ حَارِزٍ...

و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده.۱۰/۱۷

ص: ۱۲۳۷

در زمره آرمیدگان در جوار خداوند

وَ اجْعَلْنِی فِی جَمِیعِ ذَلِکَ مِنَ... السَّاکِنِینَ فِی جِوَارِکَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در همسایگی تو جای گرفته اند، قرار ده.۱۱و۱۰/۲۵

همسایگان آشنا به حقّ امام علیه السلام

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.۱/۲۶

درخواست بنده برای همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِیَادَهِ مَرِیضِهِمْ، وَ هِدَایَهِ مُسْتَرْشِدِهِمْ، وَ مُنَاصَحَهِ مُسْتَشِیرِهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَ کِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَهِ مَظْلُومِهِمْ، وَ حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَ الْعَوْدِ عَلَیْهِمْ بِالْجِدَهِ وَ الْإِفْضَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا یَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و پر کردن کم و کاست آنان و به عیادت بیمارشان و راهنماییِ راه جویشان و پند دادن مشورت کننده شان و دیدار با از سفر بازگشته شان و کتمان اسرارشان و پوشاندن عیب هایشان و یاریِ ستم دیده شان و همیاری نیکو در مایحتاج زندگی یشان و رسیدگی

با ثروت و بخشش فراوان به آنان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.۲/۲۶

درخواست بنده در ارتباط با همسایگان، برای خود

وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ أَجْزِی بِالْإِحْسَانِ مُسِیئَهُمْ، وَ أُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ، وَ أَسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِی کَافَّتِهِمْ، وَ أَتَوَلَّی بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ، وَ أَغُضُّ بَصَرِی عَنْهُمْ عِفَّهً، وَ أُلِینُ جَانِبِی لَهُمْ تَوَاضُعاً، وَ أَرِقُّ عَلَی أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَهً، وَ أُسِرُّ لَهُمْ بِالْغَیْبِ مَوَدَّهً، وَ أُحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَهِ عِنْدَهُمْ نُصْحاً، وَ أُوجِبُ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَّتِی، وَ أَرْعَی لَهُمْ مَا أَرْعَی لِخَاصَّتِی

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم و از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم و درباره همه آنان، به خوش گمانی رفتار کنم و با نیکی، همه آنان را یاری نمایم و با پاکدامنی، دیده از ایشان فروبندم و فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم و با مهربانی بر بلادیدگان آنها، دلسوزی نمایم و در نبودشان دوستی را، آشکار سازم و خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم و آنچه را برای خویشانم لازم می دانم، برای آنها لازم بدانم و آنچه را برای خاصان خود رعایت می کنم، برای آنان رعایت نمایم.۳/۲۶

مانند آنچه برای همسایگان خواسته شد، برای خود خواستن

وَ ارْزُقْنِی مِثْلَ ذَلِکَ مِنْهُمْ

و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما. ۴/۲۶

کامل ترین بهره های نزد همسایگان را برای بنده قرار دادن

وَ اجْعَلْ لِی أَوْفَی الْحُظُوظِ فِیما عِنْدَهُمْ

و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده.۴/۲۶

افزودن بینایی همسایگان امام علیه السلام ، به حقّ ایشان

وَ زِدْهُمْ بَصِیرَهً فِی حَقِّی

و بر حق بینی آنان نسبت به من بیفزا.۴/۲۶

افزودن معرفت همسایگان امام علیه السلام ، به برتری ایشان

وَ زِدْهُمْ... مَعْرِفَهً بِفَضْلِی حَتَّی یَسْعَدُوا بِی وَ أَسْعَدَ بِهِمْ

و بر فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت گردم.۴/۲۶

وسیله رسیدن به جوار (رحمت) خدا

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ

مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِلَی جِوَارِکَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار ده. ۶/۳۰

همسایگان و رسوایی های بنده

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِی بِعَفْوِکَ... فَأَجِرْنِی مِنْ فَضِیحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ، وَ... مِنْ جَارٍ کُنْتُ أُکَاتِمُهُ سَیِّئَاتِی

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان

ارجمند و از همسایه ای که بدی هایم را از او نهان می داشتم، مرا ایمن ساز.۲۱/۳۲

اعتماد ننمودن، به رازپوشی همسایگان

لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِی السِّتْرِ عَلَیَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم.۲۲/۳۲

گِله از بدْهمسایگی شیطان

فَأَنَا أَشْکُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِی

پس از بدهمسایگی او با من، به تو شکایت می کنم.۲۷/۳۲

جویا شدن از همسایگان، با احسان و عطا

ص: ۱۲۳۹

وَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِيَّهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم.۱۰/۴۴

همسایگی با پاکیزه ترین دوستان خدا

وَ جَاوِرْ بِیَ الْأَطْیَبِینَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ فِی الْجِنَانِ الَّتِی زَیَّنْتَهَا لِأَصْفِیَائِکَ

و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان.۱۲۸/۴۷

منزل بنده و همسایگی (رحمت) خدا

وَ اجْعَلْ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ... فِی جِوَارِکَ مَسْکَنِی

و در آن روز، خانه ام را در جوار خود قرار ده.

۷/۵۳

همسران

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و دوری از همسران خود

وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِی إِظْهَارِ کَلِمَتِهِ

و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند.۴/۴

همسرانِ تابعین و اطاعت از خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ مِنْ یَوْمِنَا هَذَا إِلَی یَوْمِ

الدِّینِ، وَ عَلَی أَزْوَاجِهِمْ، وَ عَلَی ذُرِّیَّاتِهِمْ، وَ عَلَی مَنْ أَطَاعَکَ مِنْهُمْ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.۱۳/۴

همنشینی

همنشینی با نیکان خلق

وَ اجْعَلْنِی لَهُمْ قَرِینًا

و مرا همنشین آنان قرار ده.۱۳/۲۱

محبوبیّت همنشینی با فقرا، نزد بنده

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ صُحْبَهَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان.۴/۳۰

شکیبایی نیکو و همنشینی با فقرا

وَ أَعِنِّی عَلَی صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

و مرا بر همنشینی ایشان (نیازمندان)، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.۴/۳۰

رمضان، همنشینی گرامی

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ قَرِینٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود.۲۶/۴۵

ص: ۱۲۴۰

هم وزن

سپاسی هم وزن عرش بزرگ خداوند

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُوازِنُ عَرْشَکَ الْمَـجِیدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد.۴۱و۳۶/۴۷

درودی هم وزن عرش الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ زِنَهَ عَرْشِکَ وَ مَا دُونَهُ

پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است، درود فرست.۵۹/۴۷

همیشگی

سپاس همیشگی از خدا، تا روز قیامت

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... مَکَانَ کُلِّ وَاحِدَهٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَهً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

پس سپاس او را، به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز قیامت.۲۷/۱

رهایی تابعین، از همیشه ماندن در آتش

وَ تُعَافِیَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَهُ مِنْ... کَبَهِ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ فِیهَا

و ایشان را از آنچه که به وجودآورنده آزمایش هایی از سختی آتش و همیشه ماندن در

آتش است، عافیت بخشی.۱۸/۴

همواره آمرزش خواستن از خدا

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَهَ... عَالِمٍ بِأَنَّ... أَحَبَّ عِبَادِکَ إِلَیْکَ مَنْ... جَانَبَ الْإِصْرَارَ، وَ لَزِمَ الِاسْتِغْفَارَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش خواهد.۱۳و۱۲/۱۲

درود همیشگی خدا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاهً دَائِمَهً نَامِیَهً...

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده.۲۴/۱۳

تأیید نمودن بنده، به صبر همیشگی

وَ أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

همیشه در تندرستی به سر بردن

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِیهِ مِنْ سَلَامَهِ بَدَنِی

خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که

ص: ۱۲۴۱

همواره از آن برخوردار هستم.۱/۱۵

آبی سودمند با فراوانیِ همیشگی و دائم

وَ أَشْهِدْ مَلَائِکَتَکَ الْکِرَامَ السَّفَرَهَ. بِسَقْیٍ مِنْکَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی باشد - آماده ساز.۲/۱۹

مساکن همیشگی، در بهشت

وَ لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنْ مَسَاکِنِ الْخُلْدِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از خانه های همیشگی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.۴/۲۷

دشمنان اسلام و گرسنگی همیشگی

أَصِبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِیمِ...

آنان را دچار گرسنگی دائم گردان.۱۲/۲۷

پادشاهی و سلطنت جاوید الهی

اللَّهُمَّ یَا ذَا الْمُلْکِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

۱/۳۲

جاودانگی خداوند

کَذَلِکَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِی أَوَّلِیَّتِکَ، وَ عَلَی ذَلِکَ أَنْتَ

دَائِمٌ لَا تَزُولُ

چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیتِ خود اوّل و در این (صفت) دائم و جاویدی.

۸/۳۲

روانه ساختن بنده، به سوی ملک جاودان (بهشت)

وَ اسْرَحْنَا فِی مُلْکِ الْأَبَدِ

و ما را در سلطنت ابدی، رها کن.۵/۳۵

پاداش همیشگی خدا، بر عمل کوتاه مدّت بنده

...لَکِنَّکَ بِکَرَمِکَ جَازَیْتَهُ عَلَی الْمُدَّهِ الْقَصِیرَهِ الْفَانِیَهِ بِالْمُدَّهِ الطَّوِیلَهِ الْخَالِدَهِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش درازمدّتِ همیشگی دادی.۱۲/۳۷

دوام برکت سلام (فرشتگان)، در شب قدر

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَکَهِ إِلَی طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.۵/۴۴

ص: ۱۲۴۲

همیشگی بودن بندگان صالح، در بهشت

وَ اجْعَلْنَا فِی سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَیَّامِ کَذَلِکَ مَا عَمَّرْتَنَا، وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الَّذِینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ

و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند، و در آن جاودانند.۱۸/۴۴

اعتماد خدا، به همیشگی بودن ملک خود

وَ أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْکِکَ

و از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری.۱۷/۴۶

عذاب همیشگیِ بنده برگشته از خدا

فَالْوَیْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْکَ

پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته.۱۹/۴۶

خدا، در نهایت ابدیّت

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. ابدی پایدار.۸/۴۷

سپاسی که به جاودانگی خدا، همیشگی باشد

لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَدُومُ بِدَوَامِکَ

سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.۳۲/۴۷

جاوید بودن نعمت خداوند

وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِکَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.۳۳/۴۷

دوام اوّل و آخِر

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ یُسْتَدْعَی بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.

۳۸و۳۶/۴۷

پیوستگی ابدی درود، به سایر درودها

رَبِّ صَلِّ عَلَیْهِمْ... صَلَاهً... مُتَّصِلَهً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که تا ابد به مانندهای آن (درودها) متّصل باشد.

۵۹/۴۷

دوام توفیق الهی

فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوْفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَی رِضْوَانِکَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق

ص: ۱۲۴۳

همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.

۱۷/۴۹

فرمانبری فرمانبران و جاودانگی ملک خدا

لَكِنْ... مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.۶/۵۰

هند

دشمنان خدا، در هند

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَمِ الشِّرْكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امّت های مشرک.۹/۲۷

هنگام زمان

هوا

درود خدا، بر فرشتگانی که در هوا جای دارند

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَهِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا.

۲۳و۱۱و۱۰/۳

بالارفته در هوا

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاؤُهَا وَ أَرْضُهَا... وَ مَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و آنچه در هوا بالا رفته و همه از آنِ تو هستیم.۹/۶

درودی فراگیرنده هوا، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آلش

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ

و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که هوا را آکنده سازد.۳۴/۳۲

هوا و هوس

پیروی از هوا و هوس

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... مُتَابَعَهِ الْهَوَی

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوا و هوس.۲و۱/۸

ص: ۱۲۴۴

بر گرداندن خواهش بنده ، به سوی خدا

وَ اجْعَلْ هَوَایَ عِنْدَکَ

و خواهش مرا، نزد خود قرار ده.۵/۲۲

هوای نفس بنده و ناامیدی دوست او

وَ ارْزُقْنِی... الِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فِی حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ... مُوءْثِرًا لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّی... یَأْیَسَ وَلِیِّی مِنْ مَیْلِی وَ انْحِطَاطِ هَوَایَ

و مرا در حال خوشنودی وخشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دوستم از میل نفسم و هواداری نادرستم، ناامید شود.۱۳/۲۲

بر گزیدن هوا و خواهش والدین، بر هوای خود

اجْعَلْ طَاعَتِی لِوَالِدَیَّ وَ بِرِّی بِهِمَا أَقَرَّ لِعَیْنِی مِنْ رَقْدَهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّی أُوثِرَ عَلَی هَوَایَ هَوَاهُمَا

اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم.۵/۲۴

هوا و هوس، و دعوت بنده به محذورات

...بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَی مَا زَیَّلْتَهُ وَ إِلَی مَا حَذَّرْتَهُ

...بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش.۶۸/۴۷

تباه شدن بنده، به هوا و هوس

وَ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ... هَوًی یُوبِقُنِی

و میان من و خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، جدایی انداز.۹۹/۴۷

وَ هَوَایَ أَرْدَانِی

و هوای نفسم مرا تباه ساخته.۷/۵۲

هویدا آشکار

ص: ۱۲۴۵

ی

یاد

فرشتگان و یاد نعمت های الهی

الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِکْرِ آلَائِکَ

به ذکر نعمت های تو حریص می باشند.۸/۳

درود خدا بر فرشته یاد نشده توسّط بنده

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِکْرَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّ_ان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم.۲۲و۱۱و۱۰/۳

یاد نمودن خدا، از پیشوایان هدایت

فِی کُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِیهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِیلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی، وَ قَادَهِ أَهْلِ التُّقَی عَلَی جَمِیعِهِمُ السَّلَامُ، فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوَانٍ

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا

محمّد - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، از امامانِ رستگاری و پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.۲/۴

یاد بزرگی خدا و سلامتی دل ها

وَ اجْعَلْ سَلَامَهَ قُلُوبِنَا فِی ذِکْرِ عَظَمَتِکَ

و سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده.۱۴/۵

شرافتْ بودنِ یاد خدا، برای یادکنندگان

یَا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاکِرِینَ

ای که یاد او برای یادکنندگان بزرگی است.

مشغول ساختن دل بنده، به یاد خدا

وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ

و دل های ما را به یاد خود از هر یادی مشغول ساز. ۱/۱۱

وَ فَرِّغْ قَلْبِی لِمَحَبَّتِكَ، وَ اشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ

و دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به یادت مشغول دار.۱۰/۲۱

سبب خالی بودن نامه اعمال، از یاد گناه

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ... حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَهٍ خَالِيَهٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

ص: ۱۲۴۷

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند.۲/۱۱

ذکر نمودن حاجت خود

وَ مِنْ حَاجَتِی یَا رَبِّ کَذَا وَ کَذَا. وَ تَذْکُرُ حَاجَتَکَ...

ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است. و حاجت خود را نام می بری.

۲۵/۱۳

یادآوریِ از بین بردن گناه، با بیماری

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّهِ الَّتِی مَحَّصْتَنِی بِهَا... تَذْکِیرًا لِمحْوِ الْحَوْبَهِ بِقَدِیمِ النِّعْمَهِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا برای از بین بردن گناه به وسیله نعمت پیشین یادآوری باشد.۴/۱۵

یاد احسان الهی

وَ یَا مَنْ إِلَی ذِکْرِ إِحْسَانِهِ یَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ

و ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه می برند. ۲/۱۶

سبب ناتوان گشتن بنده، از یادآوری گناه

بَلْ أَنَا یَا إِلَهِی، أَکْثَرُ ذُنُوبًا... مِنْ أَنْ... أَقْدِرَ عَلَی ذِکْرِ ذُنُوبِی

بلکه من – ای خدای من – گناهانم بیشتر از آن

است که بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

گویا شدن به ذکر خدا، تا کُند شدن زبان

یَا إِلَهِی لَوْ بَکَیْتُ إِلَیْکَ حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَیْنَیَّ... وَ ذَکَرْتُکَ فِی خِلَالِ ذَلِکَ حَتَّی یَکِلَّ لِسَانِی... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِنْ سَیِّئَاتِی

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از

کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.۳۰/۱۶

به نیکی یاد کردن بنده، از غیبت کننده اش

وَ سَدِّدْنِی لِأَنْ... أُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِی إِلَی حُسْنِ الذِّکْرِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.۹/۲۰

القائات شیطانی و یاد بزرگی خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی مِنَ الَّتمَنِّی وَ التَّظَنِّی وَ الْحَسَدِ ذِکْرًا لِعَظَمَتِکَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده.۱۳/۲۰

اوقات غفلت و یاد خداوند

وَ نَبِّهْنِی لِذِکْرِکَ فِی أَوْقَاتِ الْغَفْلَهِ

ص: ۱۲۴۸

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن.

۲۹/۲۰

فراموشکار نساختن بنده، نسبت به یاد خدا

وَ لَا تَجْعَلْنِی نَاسِیًا لِذِکْرِکَ فِیما أَوْلَیْتَنِی

و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، قرار نده.۸/۲۱

به یاد داشتن واجبات الهی

وَ اقْضِ عَنِّی کُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِیهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَیَّ... ذَکَرْتُهُ أَوْ نَسِیتُهُ

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم.۶/۲۲

در نظر داشتن اعمال بندگان، نزد خدا

اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبْرِ رَسُولِکَ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ... مَذْکُورًا لَدَیْکَ

خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت. و آن را درنظرداشته نزد خود قرار ده.۴/۲۳

گویا کردن زبان بنده، به یاد خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِکَ... وَ ذِکْرِکَ... لِسَانِی

و زبانم را به حمد خود و یادت، گویا فرما.

۵/۲۳

به یاد آوردن بنده، توسّط قصدبددارنده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِی قَلْبَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا دلش را هنگام یاد من، قفل زنی.۸و۷/۲۳

(شنیدن) ذکر بنده، توسّط قصدبددارنده درباره وی

وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّی... وَ اجْعَلْ بَیْنَ یَدَیْهِ سُدًّا حَتَّی... تُصِمَّ عَنْ ذِکْرِی سَمْعَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی.

۷/۲۳و۸

نبردن یاد والدین، از یاد فرزند

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَهُمَا فِی أَدْبَارِ صَلَوَاتِی، وَ فِی إِنًی مِنْ آنَاءِ لَیْلِی، وَ فِی کُلِّ سَاعَهٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِی

خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم و در هیچ وقتی از اوقات شبم و در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر.۱۳/۲۴

به یاد آوردن آنچه باعث اصلاح حال بنده شود

ص: ۱۲۴۹

وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِكَلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيتُ

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، چه آن را به یاد آوردم یا آنچه فراموش کردم، بر من ارزانی دار.۹/۲۵

مرزداران اسلام و یاد دنیای فریبنده

وَ أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمُ الْخَدَّاعَهِ الْغَرُورِ

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر.۴/۲۷

بردن یاد زن و فرزند، از خاطر مجاهد

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

۱۳/۲۷

به یاد داشتن گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. پس صاحبانش را عوض ده.

۱۸/۳۱

یاد شدن نیکوکاران

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند.۳۴/۳۲

برتری یاد خدا، نسبت به یادشدگان

تَعَالَى ذِكْرُكَ عَنِ الْمَذْكُورِينَ

یاد تو از یادشدگان برتر است.۱۴/۳۹

همیشه به یاد مرگ بودن

وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًّا

و گهگاه یاد کردنش را برای ما قرار نده.

۲/۴۰

یاد نمودن خدا، از بنده

فَقُلْتَ: اذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ

پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.»

۱۴/۴۵

نعمت الهی، عاملی برای یاد خدا

فَذَكَرُوكَ بِمَنِّكَ

پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند.

۱۶/۴۵

نبردن یاد خدا، از یاد بنده

وَ لَا تُنْسِنِی ذِكْرَكَ

و یاد خود را از خاطرم نبر.۱۱۴/۴۷

ذکر نیکوی بنده، در بین آیندگان

وَ اجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْغَابِرِینَ، وَ ذِکْرًا نَامِیًا فِی الْآخِرِینَ

و برای من یاد نیکو در بازماندگان و آوازه نیک در آیندگان قرار ده.۱۲۷/۴۷

محو شدن یاد بنده، در میان آفریدگان

مَوْلَایَ وَ ارْحَمْنِی إِذَا... امَّحَی مِنَ الْمَـخْلُوقِینَ ذِکْرِی

مولای من! هنگامی که یادم از میان آفریدگان محو گردد، به من رحم کن.۵/۵۳

یاری

سپاسی مددکننده، بر انجام حقّ خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا یَکُونُ... عَوْنًا عَلَی تَأْدِیَهِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که یاوری بر ادای حقّ و وظائفش باشد.۲۹و۲۷/۱

یاری دهنده بودن خداوند

إِنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیدٌ

به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

۳۰و۲۷/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری طلبیدن از مدد الهی

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِکَ

پس با امید به پیروزی به یاری تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

نیرو یافتن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به یاری خدا

فَنَهَدَ إِلَیْهِمْ... مُتَقَوِّیًا عَلَی ضَعْفِهِ بِنَصْرِکَ

پس با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.۱۹/۲

درود خدا، بر ملک الموت و یارانش

...فَصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی الرَّوْحَانِیِّینَ مِنْ مَلَائِکَتِکَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِکَهِ... وَ مَلَکِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و بر گروه های فرشتگان و فرشته مرگ و یارانش.۱۸و۱۱و۱۰/۳

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و یاری او در جنگ

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً الَّذِینَ... أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِی نَصْرِهِ، وَ کَانَفُوهُ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند و به وی کمک رساندند...۳/۴

یاری دادن تابعین، به اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله

...مُکَانِفِینَ وَ مُوَازِرِینَ لَهُمْ

...بر ایشان یاری کننده و کمک دهنده می باشند.

۱۲/۴

ص: ۱۲۵۱

سبب یاری تابعین، بر هر کار نیک

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی التَّابِعِینَ... صَلَاهً... تُعِینُهُمْ بِهَا عَلَی مَا اسْتَعَانُوکَ عَلَیْهِ مِنْ بِرٍّ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن بر خواسته های نیک آنانْ کمک رسانی.

۱۴و۱۳/۴

توفیق یاری حق

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ نُصْرَهِ الْحَقِّ وَ إِعْزَازِهِ

و ما را برای انجام نیکی و یاری دادن و تقویت حق، توفیق ده.۱۸/۶

توفیق کمک به ناتوان

وَ وَفِّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَیْرِ... وَ مُعَاوَنَهِ الضَّعِیفِ

و ما را برای انجام نیکی و کمک کردن ناتوان، توفیق ده.۱۸/۶

نبودِ یاری دهنده ای ، برای خوار شده توسّط خدا

وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ

و برای آنکه خوار نمودی، یاری دهنده ای نیست.۷/۷

کمک کردن به ستمگر

اللَّهُمَّ إِنیِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ... أَنْ نَعْضُدَ ظَالِمًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستمگری

را کمک کنیم.۴و۱/۸

درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او؛ کمکی برای بنده

وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْ ذَلِکَ عَوْنًا لِی...

و بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن را کمکی برای من قرار ده.۲۴/۱۳

یاری شدن بنده، در مخالفت با ستمگر

وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِی

و مرا در مخالفت با او به خوبی یاری فرما.

۷/۱۴

از حاکمی جز خدا، یاری نطلبیدن

اللَّهُمَّ... لَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ

خداوندا از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم. ۱۱/۱۴

خدا، مددکار هر نیازمند رانده شده

وَ يَا عَضُدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ

و ای یاور هر نیازمند رانده شده.۴/۱۶

کمک نمودن به بنده، با عصمت

وَ أَيِّدْنِی بِالْعِصْمَهِ

و با نگهداری از گناه تأییدم کن.۳۳/۱۶

یاری نشدن بنده، در صورت تنها گذاردن

او توسّط خدا

وَ مَنْ يُسَاعِدُنِی وَ أَنْتَ أَفْرَدْتَنِی؟

و چه کسی مرا یاری دهد، در حالی که تو مرا تنها گذاشته ای؟۲/۲۱

یاری نشدن مطلوب، جز توسّط طالب

وَ لَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَی مَطْلُوبٍ

و طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.۳/۲۱

کمک گرفتن از غیر خدا و عدم دسترسی به آنچه نزد خداست

...وَ لَمْ أَقْدِرْ عَلَی مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ

...و به آنچه نزد توست، با کمک غیر تو دسترسی ندارم.۵/۲۱

کمک نمودن به نیکان خلق

وَ اجْعَلْنِی لَهُمْ نَصِيرًا

و مرا یاور آنها قرار ده.۱۳/۲۱

بهترین کس، جهت طلب یاری

يَا خَيْرَ مَنِ اسْتُعِينَ بِهِ

ای بهترین کسی که به وسیله او یاری خواسته شده.۱۱/۲۴

یاری نمودن بنده، توسّط بهترین یاری گر

وَ أَعِنِّی يَا خَيْرَ مَنِ اسْتُعِينَ بِهِ

و مرا یاری ده، ای بهترین کسی که به وسیله او یاری خواسته شده.۱۱/۲۴

وَ أَسْتَنْصِرُكَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْصُرْنِی

و از تو یاری می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.۲۱/۴۸

وَ أَسْتَعِينُکَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنِّی

و از تو کمک می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کمک کن.۲۵/۴۸

فرزندان و یاری والدین، بر حاجتشان

وَ أَعِنِّی بِهِمْ عَلَى حَاجَتِی

و در برآمدن حاجتم به وسیله آنان یاری ام ده.

۴/۲۵

یاری نمودن والدین، در تربیت فرزندان

وَ أَعِنِّی عَلَى تَرْبِیَتِهِمْ وَ تَأْدِیبِهِمْ، وَ بِرِّهِمْ

و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما.۵/۲۵

فرزندان نرینه؛ یاور والدین

وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُکُورًا... وَ اجْعَلْهُمْ لِی عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُکَ

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.۵/۲۵

امام علیه السلام و یاری شدنش توسّط خداوند

وَ تَوَلَّنِی فِی جِیرَانِی وَ مَوَالِیَّ الْعَارِفِینَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِینَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَایَتِکَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.۱/۲۶

توفیق خوب کمک کردن، به همسایگان

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ... وَ حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ

و آنـان را برای به پا داشـتن سـنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و همیاری نیکو در مایحتاج زنـدگی یشان، توفیق ده.۲/۲۶

یاری کردن همسایگان ستم دیده

وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَهِ سُنَّتِکَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِکَ فِی إِرْفَاقِ ضَعِیفِهِمْ... وَ نُصْرَهِ مَظْلُومِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و یاریِ ستم دیده شان، توفیق ده.۲/۲۶

یاری مرزداران اسلام، با پیروزی

وَ اعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ

و با پیروزی یاریشان ده.۲/۲۷

کمک کردن به مرزداران اسلام، با صبر

وَ أَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ

و با شکیبایی یاریشان ده.۲/۲۷

بریدن کمک، از دشمنان مرزداران اسلام

وَ اقْطَعْ عَنْهُمُ الْمَدَدَ

و کمک رسانی را از ایشان قطع کن.۵/۲۷

یاری دادن مرزداران اسلام، با فرشتگان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَهٍ مِنْ عِنْدِکَ مُرْدِفِينَ...

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما.۸/۲۷

یاری خدا به مجاهد مسلمان

وَ أَيِّدْهُ بِالنُّصْرَهِ

و با یاری خود توانایش گردان.۱۴/۲۷

پاداش کمک کردن به جنگجو یا مرزدار اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَهٍ مِنْ مَالِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

ص: ۱۲۵۴

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ... أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.۱۶/۲۷

توانایی خدا و بدون یاور بودنش

اللَّهُمَّ یَا ذَا... السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَیْرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعْوَانٍ

خداوندا ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان و یاران.۲و۱/۳۲

بنده و یاری نکردن ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ مِنْ مَظْلُومٍ ظُلِمَ بِحَضْرَتِی فَلَمْ أَنْصُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم.۱/۳۸

یاری بنده، بر ختم کتاب خدا

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی.۱/۴۲

کمک کردن به بندگان، برای تلاوت قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَی تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند.۴/۴۲

یاری خواستن از خدا، بر روزه گرفتن

وَ أَعِنَّا عَلَی صِیَامِهِ بِکَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِیکَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما.۶/۴۴

برخاستن در شب های رمضان، به یاری خدا

وَ قُمْنَا بِعَوْنِکَ لَیْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم.۲۱/۴۵

رمضان و یاری بندگان در غلبه بر شیطان

السَّلَامُ عَلَيْکَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد.۲۹/۴۵

یاری نشدن خدا، در آفرینش

أَنْتَ الَّذِی لَمْ يُعِنْکَ عَلَى خَلْقِکَ شَرِيکٌ

تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد.

۱۴/۴۷

یاری نشدن خدا، توسّط وزیری

ص: ۱۲۵۵

أَنْتَ الَّذِی... لَمْ یُوَازِرْکَ فِی أَمْرِکَ وَزِیرٌ

تویی آنکه در کارت، وزیری تو را کمک نکرده است.۱۴/۴۷

یاری گردیدن کوشنده در سپاس الهی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا یُعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِی تَعْدِیدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد.۴۵و۳۶/۴۷

تأیید و کمک شدن سپاس گزار، در سپاس الهی

لَکَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... یُؤَیَّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِی تَوْفِیَتِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که زیاده روی نمود در کامل به جا آوردن آن، تأیید شود.۴۵و۳۶/۴۷

عامل کمک نمودن خدا، به دین خود

اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَیَّدْتَ دِینَکَ فِی کُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِکَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی.۶۰/۴۷

وسایل یاری نمودن ولیّ خدا

وَ انْصُرْهُ بِمَلَائِکَتِکَ، وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِکَ الْأَغْلَبِ

و با فرشتگانت یاری اش نما و با چیره ترین

لشکرت، به او کمک رسان.۶۱/۴۷

یاری دادن ولیّ خدا، به تواناترین تکیه گاه الهی

وَ أَعِنْهُ بِرُکْنِکَ الْأَعَزِّ

و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری فرما.۶۱/۴۷

عطای سلطنتی یاری دهنده، به ولیّ خدا

وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِیرًا

و او را از جانب خود، سلطنتی یاری گر عطا فرما.۶۱/۴۷

از یاری کنندگان ولیّ خدا بودن

وَ اجْعَلْنَا... إِلَی نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَهِ عَنْهُ مُکْنِفِینَ

و ما را در مدد نمودنش و دفاع از او، یاری کنندگان قرار ده.۶۳/۴۷

(شیطان) و یاری دادن بنده، در نافرمانی خدا

وَ أَعَانَهُ عَلَی ذَلِکَ عَدُوُّکَ وَ عَدُوُّهُ

و دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد.۶۸/۴۷

یار ستمگران نبودن

وَ لَا تَجْعَلْنِی لِلظَّالِمِینَ ظَهِیرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَی مَحْوِ کِتَابِکَ یَدًا وَ نَصِیرًا

و مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده.۱۳۲/۴۷

شتاب در یاری به جانشینان خداوند

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ... وَ النُّصْرَهَ... وَ التَّأْیِیدَ لَهُمْ

و در فرج و نصرت و تأیید آنان، شتاب فرما.

۱۱/۴۸

یاری خواستن از خدا

وَ أَسْتَنْصِرُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْصُرْنِی

و از تو یاری می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.۲۱/۴۸

وَ أَسْتَعِینُکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنِّی

و از تو کمک می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کمک کن.۲۵/۴۸

خدا، و آغازِ یاری بنده

فَابْتَدَأْتَنِی بِنَصْرِکَ

پس به یاری کردنم آغاز نمودی.۶/۴۹

پناهنده شدن به پناهگاه یاری الهی

فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی... عَالِمًا أَنَّهُ... لَا یَفْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَی مَعْقِلِ انْتِصَارِکَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به پناهگاه یاری تو پناهنده شود، هراسی ندارد.۱۰/۴۹

توانایی بخشیدن خدا، با یاری نمودنش

یَا مُوءَیِّدِی بِالنَّصْرِ

ای نیرودهنده با یاری نمودن.۷/۵۱

عدم یاری بنده و شکست خوردن او

فَلَوْ لَا نَصْرُکَ إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ

پس اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم.۷/۵۱

فقط از خدا یاری خواستن

وَ إِیَّاکَ أَسْتَعِینُ

و فقط از تو یاری می جویم.۱۱/۵۲

آنچه بنده از خدا می خواهد او را به آن یاری دهد:

أ. توفیق الهی و راهنمایی به راه حق

فَأَیِّدْنَا بِتَوْفِیقِکَ، وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِیدِکَ

پس ما را به توفیق خود توانایی ده و به راه راست خود ثابت قدم گردان.۶/۹

وَ أَیِّدْنِی بِتَوْفِیقِکَ وَ تَسْدِیدِکَ

و مرا به توفیق و راهنمایی ات به راه راست، نیرو ده.۱۱۳/۴۷

ب. نیّت صادقانه و شکیبایی همیشگی

وَ أَیِّدْنِی مِنْکَ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.۱۴/۱۴

ص: ۱۲۵۷

ج. آموختن علم های خدایی

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِذَلِکَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِکَ عَلَیْهِ فِی مَعْرِفَهِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِیَّهِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند، اجابت فرما.۱۱/۱۷

د. صبر نیکو، در همنشینی با فقرا

وَ أَعِنِّی عَلَی صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

و مرا بر همنشینی ایشان (نیازمندان)، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.۴/۳۰

هـ. یقین اخلاص دارندگان

وَ أَیِّدْنَا بِیَقِینِ الْمُـخْلِصِینَ

و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.

۲/۳۳

و. عزّتی پایدار

وَ أَیِّدْنَا بِعِزٍّ لَا یُفْقَدُ

و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما.۵/۳۵

ز. سنگینی آنچه بنده را گرانبار نموده

وَ أَسْتَعِینُ بِکَ عَلَی مَا قَدْ فَدَحَنِی ثِقْلُهُ

و از تو یاری می جویم بر آنچه سنگینی اش مرا گرانبار نموده.۸/۳۹

ح. روزه داشتن

وَ أَعِنَّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِیَامِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.۱۷/۴۴

ط. نماز و زاری به درگاه خدا

وَ أَعِنَّا... فِی لَیْلِهِ عَلَی الصَّلَاهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما.۱۷/۴۴

ی. انجام عبادت و بندگی شایسته خدا

فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَی تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَهِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما.

۴۶/۴۵

ک. نیّت، گفتار و کردار نیک

وَ أَعِنِّی عَلَی صَالِحِ النِّیَّهِ، وَ مَرْضِیِّ الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ

و بر (داشتن) نیّت صالح و گفتار پسندیده و کردار نیکو یاری ام فرما.۱۱۳/۴۷

ص: ۱۲۵۸

یافتن

فضل الهی، و دست یافتن به توبه

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی دَلَّنَا عَلَی التَّوْبَهِ الَّتِی لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را نیافتیم.۲۲/۱

سبب نیافتن راهی جز خدا، به آرزوها

اللَّهُمَّ إِنَّکَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّی وَجْهَکَ الْکَرِیمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِیلَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ أَمَلِی غَیْرَکَ...

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

یافت شدن راهی، در سپاس الهی

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود.۱۷/۴۵

برخی یافته های بنده، در کتاب خدا

اللَّهُمَّ إِنِّی وَجَدْتُ فِیمَا أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ... أَنْ قُلْتَ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که

خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

بخیل نیافتن خدا، هنگام درخواست

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ بَخِیلًا حِینَ سَأَلْتُکَ

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم.۵/۵۱

جز خدا، فریادرسی برای نیاز خود نیافتن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ... سُوءَالَ مَنْ لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثًا... غَیْرَکَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش جز تو نمی یابد.۳/۵۴

یاوه گویی

تبدیل یاوه گویی، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَی عَلَی لِسَانِی مِنْ لَفْظَهِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَکَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا دشنام، سپاس برای خودت را قرار ده.۱۳/۲۰

یقین

یقین به نبودِ گریزگاهی از خدا

ص: ۱۲۵۹

...حَتَّی إِذَا رَأَی مُدَّهَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ وَ غَایَهَ الْعُمُرِ قَدِ انْتَهَتْ، وَ أَیْقَنَ أَنَّهُ لَا مَحِیصَ لَهُ مِنْکَ، وَ لَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْکَ...

...تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته و مدّت عمر به پایان رسیده و باور کرده که پناهگاه و گریزگاهی از تو برایش نیست.۸/۱۲

باور داشتن سرانجام دعوت خدا و دعوت شیطان

وَ أَنَا حِینَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَی دَعْوَتِکَ إِلَی الْجَنَّهِ، وَ مُنْتَهَی دَعْوَتِهِ إِلَی النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت او به سوی آتش است.۲۴/۱۶

بهترین یقین

وَ اجْعَلْ یَقِینِی أَفْضَلَ الْیَقِینِ

و یقینم را برترین یقین قرار ده.۱/۲۰

پابرجایی یقین بنده

اللَّهُمَّ... صَحِّحْ بِمَا عِنْدَکَ یَقِینِی

خداوندا یقینم را به آنچه نزد توست درست گردان.۲/۲۰

بخشیدن یقین صادق، به بندگان

وَ هَبْ لَنَا یَقِینًا صَادِقًا

و ما را یقینی راستین ببخش.۲/۲۹

یقین صادق و رهاندن بندگان از دشواری درخواست

وَ هَبْ لَنَا یَقِینًا صَادِقًا تَکْفِینَا بِهِ مِنْ مَؤُونَهِ الطَّلَبِ

و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی.۲/۲۹

خدا را از روی یقین قصد نمودن

فَأَمَّکَ بِطَمَعِهِ یَقِینًا

پس از روی یقینْ با حرص، تو را قصد کرد.

۸/۳۱

سستی یقین و به دست گرفتن مهار بنده، توسّط شیطان

قَدْ مَلَکَ الشَّیْطَانُ عِنَانِی فِی سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْیَقِینِ

شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت.۲۷/۳۲

یقین و باور اخلاص دارندگان

وَ أَیِّدْنَا بِیَقِینِ الْمُـخْلِصِینَ

و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.

۲/۳۳

باور بنده به امان داده نشدنش از خدا، توسّط امان دهنده ای

ص: ۱۲۶۰

وَ هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُوقِنًا أَنَّهُ لَا یُجِیرُنِی مِنْکَ مُجِیرٌ

و اینک منم در پیشگاه تو، باوردارنده به اینکه هیچ امان دهنده ای مرا از تو امان نمی دهد.۶۹/۴۷

باور بنده به باز داشته نشدنش از خدا، توسّط بازدارنده ای

وَ هَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ... مُوقِنًا أَنَّهُ... لَا یَمْنَعُنِی مِنْکَ مَانِعٌ

و اینک منم در پیشگاه تو، باوردارنده به اینکه هیچ بازدارنده ای مرا از (بلای) تو بازنمی دارد.

۶۹/۴۷

دست یافتن به حقیقت یقین

یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَسْأَلُکَ... یَقِینًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَیْقَنَ بِهِ حَقَّ الْیَقِینِ فِی نَفَاذِ أَمْرِکَ

ای صاحب عظمت و کرامت! از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.

۳/۵۴

یقین متوکّلان به خدا

أَسْأَلُکَ... یَقِینَ الْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ

یقین توکّل کنندگان بر تو را، از تو درخواست می نمایم.۵/۵۴

یکتایی توحید

یک رنگی اخلاص

یکسان برابر

یگانگی توحید

یمین سوگند

یورش حمله

یوغ

یوغ ذلّت به گردن نهادنِ پادشاهان

یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّهِ عَلَى أَعْنَاقِهَا

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند.

۷/۵۱

ص: ۱۲۶۱

صحیفه سجّادیّه با ترجمه فارسی

اشاره

ص: ۱۲۶۳

اسناد الصحيفه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسناد الصحيفه

(١) حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الأَجَلّ،نَجمُ الدّين،بَهَاءُ الشَّرَفِ، أَبُو الحَسَنِ مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ أَحمَدَ بن عَلِيّ بنِ مُحَمّدِ بنِ عُمَرَ بنِ يَحيَی العلَوِيِ ّالحسَيَنِی ّرَحِمَهُ اللّهُ.(٢) قَالَ أَخبَرَنَا الشّیخُ السّعِيدُ، أَبُو عَبدِ اللّهِ مُحَمّدُ بنُ أَحمَدَ بن شَهرَيَارَ،الخَازِنُ لِخِزَانَهِ مَولَانَا أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيّ بنِ أَبِی طَالِبٍ عَلَيهِ السّلَامُ فِی شَهرِ رَبِيعٍ الأَوّلِ مِن سَنَهِ سِتّ عَشرَهَ وَ خَمسِمِائَهٍ قِرَاءَهً عَلَيهِ وَ أَنَا أَسمَعُ.(٣) قَالَ سَمِعتُهَا عَنِ الشّيخِ الصّدُوقِ، أَبِی مَنصُورٍ مُحَمّدِ بنِ مُحَمّدِ بنِ أَحمَدَ بنِ عَبدِ العَزِيزِ العكُبرَیِ ّالمُعَدّلِ رَحِمَهُ اللّهُ عَن أَبِی المُفَضّلِ مُحَمّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ بنِ المُطّلِبِ الشّيبَانِیِ،(۴) قَالَ حَدّثَنَا الشّرِيفُ، أَبُو عَبدِ اللّهِ جَعفَرُ بنُ مُحَمّدِ بنِ جَعفَرِ بنِ الحَسَنِ بنِ جَعفَرِ بنِ الحَسَنِ بنِ الحَسَنِ بنِ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيّ بنِ أَبِی طَالِبٍ عَلَيهِمُ السّلَامُ(۵) قَالَ حَدّثَنَا عَبدُ اللّهِ بنُ عُمَرَ بنِ خَطّابٍ الزّيّاتُ سَنَهَ خَمسٍ وَ سِتّينَ وَ مِائَتَينِ(۶) قَالَ حَدّثَنِی خَالِی عَلِيّ بنُ النّعمَانِ الأَعلَمُ(٧) قَالَ حَدّثَنِی عُمَيرُ بنُ مُتَوَكّلٍ الثقّفَیِ ّالبلَخیِ ّعَن أَبِيهِ مُتَوَكّلِ بنِ هَارُونَ.(٨) قَالَ لَقِيتُ يَحيَی بنَ زَيدِ بنِ عَلِيّ عَلَيهِ السّلَامُ وَ هُوَ مُتَوَجّهٌ إِلَی خُرَاسَانَ بَعدَ قَتلِ أَبِيهِ فَسَلّمتُ عَلَيهِ(٩) فَقَالَ لِی مِن أَينَ أَقبَلتَ قُلتُ مِنَ الحَجّ(١٠)فسَأَلَنِی عَن أَهلِهِ وَ بنَیِ عَمّهِ بِالمَدِينَهِ وَ أَحفَی السّؤَالَ عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمّدٍ عَلَيهِ السّلَامُ فَأَخبَرتُهُ بِخَبَرِهِ وَ خَبَرِهِم وَ حُزنِهِم عَلَی أَبِيهِ زَيدِ بنِ عَلِيّ عَلَيهِ السّلَامُ

ص: ١٢۶۴

اسنادِ صحیفه

۱ سیّد اجل، نجم الدین، بهاءالشرف، ابوالحسن محمّد بن حسن بن احمد بن علی بن محمّد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی - که رحمت خداوند بر او باد - ما را حدیث نمود ۲ (و) فرمود: خبر داد ما را شیخ سعید، ابو عبداللّه محمّد بن احمد بن شهریار، خزانه دارِ (حرم) پیشوای ما امیرالمومنین علی بن ابیطالب - که سلام بر او باد - در ماه ربیع الاول از سال پانصد و شانزده (به صحیفه سجادیه) به صورتی که صحیفه را بر او می خواندند و من می شنیدم. ۳ گفت شنیدم صحیفه را پیش از این بر شیخ صدوق ابومنصور: محمّد بن محمّد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری معدّل - که رحمت خداوند بر او باد - می خواندند، از ابوالمفضّل محمّد بن عبداللّه مطلب شیبانی. ۴ او گفت: حدیث کرد ما را شریف ابو عبداللّه جعفر بن محمّد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب - که سلام بر آنان باد - . ۵ او گفت: حدیث کرد ما را عبداللّه بن عمر بن خطاب زیات، به سال دویست و شصت و پنج. ۶ او گفت: حدیث کرد مرا دایی ام: علی بن نعمان اعلم. ۷ او گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکّل ثقفی بلخی از پدرش متوکّل بن هارون. ۸ او گفت: یحیی بن زید بن علی - که سلام بر او باد - را هنگامی که پس از شهادت پدرش (زید)، به سوی خراسان می رفت ملاقات نمودم. بر او سلام کردم. ۹ گفت: از کجا می آیی؟ گفتم: از حجّ. ۱۰ پس، احوال کسان و عموزادگان خود را در مدینه جویا شد. به ویژه حال جعفر بن محمّد - که سلام بر او باد - را بسیار پرسش کرد. من هم او را از آن حضرت و پسر عموهایش و اندوهشان بر (شهادت) پدرش زید بن علی - که سلام بر او باد - مطّلع نمودم.

ص: ۱۲۶۵

(١١) فَقَالَ لِی قَد کَانَ عمَیّ مُحَمّدُ بنُ عَلِیّ عَلَیهِ السّلَامُ أَشَارَ عَلَی أَبِی بِتَرکِ الخُرُوجِ وَ عَرّفَهُ إِن هُوَ خَرَجَ وَ فَارَقَ المَدِینَه مَا یَکُونُ إِلَیهِ مَصِیرُ أَمرِهِ فَهَل لَقِیتَ ابنَ عمَیّ جَعفَرَ بنَ مُحَمّدٍ عَلَیهِ السّلَامُ قُلتُ نَعَم.(١٢) قَالَ فَهَل سَمِعتَهُ یَذکُرُ شَیئاً مِن أَمرِی قُلتُ نَعَم.(١٣) قَالَ بِمَ ذکَرَنِی خبَرّنیِ، قُلتُ جُعِلتُ فِدَاکَ مَا أُحِبّ أَن أَستَقبِلَکَ بِمَا سَمِعتُهُ مِنهُ.(١۴) فَقَالَ أَ بِالمَوتِ تخُوَفّنُیِ هَاتِ مَا سَمِعتَهُ،فَقُلتُ سَمِعتُهُ یَقُولُ إِنّکَ تُقتَلُ وَ تُصلَبُ کَمَا قُتِلَ أَبُوکَ وَ صُلِبَ(١۵)فَتَغَیّرَ وَجهُهُ وَ قَالَیَمحُوا اللّهُ ما یَشاءُ وَ یُثبِتُ وَ عِندَهُ أُمّ الکِتابِ، یَا مُتَوَکّلُ إِنّ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ أَیّدَ هَذَا الأَمرَ بِنَا وَ جَعَلَ لَنَا العِلمَ وَ السّیفَ فَجُمِعَا لَنَا وَ خُصّ بَنُو عَمّنَا بِالعِلمِ وَحدَهُ.(١۶)فَقُلتُ جُعِلتُ فِدَاءَکَ إِنیّ رَأَیتُ النّاسَ إِلَی ابنِ عَمّکَ جَعفَرٍ عَلَیهِ السّلَامُ أَمیَلَ مِنهُم إِلَیکَ وَ إِلَی أَبِیکَ(١٧) فَقَالَ إِنّ عمَیّ مُحَمّدَ بنَ عَلِیّ وَ ابنَهُ جَعفَراً عَلَیهِمَا السّلَامُ دَعَوَا النّاسَ إِلَی الحَیَاهِ وَ نَحنُ دَعَونَاهُم إِلَی المَوتِ(١٨)فَقُلتُ یَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ أَ هُم أَعلَمُ أَم أَنتُم فَأَطرَقَ إِلَی الأَرضِ مَلِیّاً ثُمّ رَفَعَ رَأسَهُ وَ قَالَ کُلّنَا لَهُ عِلمٌ غَیرَ أَنّهُم یَعلَمُونَ کُلّ مَا نَعلَمُ، وَ لانَعلَمُ کُلّ مَا یَعلَمُونَ(١٩) ثُمّ قَالَ لِی أَ کَتَبتَ مِن ابنِ عمَیّ شَیئاً قُلتُ نَعَم(٢٠) قَالَ أَرِنِیهِ فَأَخرَجتُ إِلَیهِ وُجُوهاً مِنَ العِلمِ وَ أَخرَجتُ لَهُ دُعَاءً أَملَاهُ عَلَیّ أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَیهِ السّلَامُ وَ حَدّثَنِی أَنّ أَبَاهُ مُحَمّدَ بنَ عَلِیّ عَلَیهِمَا السّلَامُ أَملَاهُ عَلَیهِ وَ أَخبَرَهُ أَنّهُ مِن دُعَاءِ أَبِیهِ عَلِیّ بنِ الحُسَینِ عَلَیهِمَا السّلَامُ مِن دُعَاءِ الصّحِیفَهِ الکَامِلَهِ

۱۱ پس گفت: عمویم محمّد بن علی (امام باقر) - که سلام بر او باد - پدرم را به قیام نکردن سفارش کرده بود و پند داد و آگاه نمود که اگر قیام کند و از مدینه بیرون رود پایان کارش به کجا می انجامد. آیا تو پسر عمویم جعفر بن محمّد - که سلام بر او باد - را دیدار نمودی؟ گفتم: آری. ۱۲ گفت: آیا از او مطلبی که از کار من بگوید شنیدی؟ گفتم: آری. ۱۳ گفت: درباره من چه فرمود؟ مرا آگاه کن. گفتم: فدایت گردم. دوست ندارم آنچه از او شنیده ام روبرویت بگویم. ۱۴ گفت: مرا از مرگ می ترسانی؟! آنچه شنیده ای بیان کن. گفتم: از آن حضرت شنیدم که فرمود: شما کشته و به دار آویخته می شوی، چنانکه پدرتان کشته و به دار آویخته گردید. ۱۵ پس رنگ رویش دگرگون شد و گفت: خدا هر چه خواهد محو و هر چه را خواهد ثابت می دارد و اصل کتاب نزد او است. ای متوکّل همانا خداوند بزرگ این کار (دین) را به وسیله ما تأیید نموده و دانش و شمشیر را برای ما قرار داده و این دو در اختیار ماست، و به عموزادگان ما تنها علم عطا کرده. ۱۶ گفتم: فدایت شوم می بینم مردم میلشان به پسر عمویت جعفر - که سلام بر او باد - از تو و پدرت بیشتر است. ۱۷ گفت: عمویم محمّد بن علی و پسرش جعفر - که سلام بر آنان باد - مردم را به زندگی دعوت می کنند و ما آنان را به مرگ فرامی خوانیم. ۱۸ گفتم: ای پسر رسول خدا، ایشان داناترند یا شما؟ پس مدّتی دراز، چشم به زمین افکند. سپس سر بلند کرده گفت: همه ما دارای دانش هستیم جز آنکه ایشان آنچه را که ما می دانیم، می دانند و ما آنچه را که آنان می دانند، نمی دانیم. ۱۹ سپس به من گفت: چیزی از پسر عمویم نوشته ای؟ گفتم: آری. ۲۰ گفت: به من نشان بده. پس انواعی از مسائل علمی را به او نشان دادم، و دعایی را که امام صادق - که سلام بر او باد - بر من املا فرموده و به من گفته بود که پدرش محمّد بن علی (امام باقر) - که سلام بر آنان باد - بر او املا کرده و او را خبر داده بود که آن دعا از دعای پدرش علی ابن الحسین - که سلام بر آنان باد - (و) از جمله دعاهای صحیفه کامله است را به او ارائه نمودم.

(۲۱)فَنَظَرَ فِيهِ يَحيَى حَتّى أَتَى عَلَى آخِرِهِ، وَ قَالَ لِي أَ تَأذَنُ فِي نَسخِهِ فَقُلتُ يَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ أَ تَستَأذِنُ فِيمَا هُوَ عَنكَم(۲۲) فَقَالَ أَمَا لَأُخرِجَنّ إِلَيکَ صَحِيفَةً مِنَ الدّعَاءِ الكَامِلِ مِمّا حَفِظَهُ أَبِي عَن أَبِيهِ وَ إِنّ أَبِي أَوصَانِي بِصَونِهَا وَ مَنعِهَا غَيرَ أَهلِهَا.(۲۳) قَالَ عُمَيرٌ قَالَ أَبِي فَقُمتُ إِلَيهِ فَقَبّلتُ رَأسَهُ، وَ قُلتُ لَهُ وَ اللّهِ يَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ إِنِيّ لَأَدِينُ اللّهَ بِحُبّكُم وَ طَاعَتِكُم، وَ إِنِيّ لَأَرجُو أَن يُسعِدَنِي فِي حَيَاتِي وَ مَمَاتِي بِوَلَايَتِكُم(۲۴)فَرَمَى صَحِيفَتِيَ الّتِي دَفَعتُهَا إِلَيهِ إِلَى غُلَامٍ كَانَ مَعَهُ وَ قَالَ اكتُب هَذَا الدّعَاءَ بِخَطّ بَيّنٍ حَسَنٍ وَ اعرِضهُ عَلَيّ لعَلَيّ أَحفَظُهُ فَإِنِيّ كُنتُ أَطلُبُهُ مِن جعفَرٍ حَفِظَهُ اللّهُ فَيَمنَعُنِيهِ.(۲۵) قَالَ مُتَوَكّلٌ فَنَدِمتُ عَلَى مَا فَعَلتُ وَ لَم أَدرِ مَا أَصنَعُ، وَ لَم يَكُن أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ تَقَدّمَ إِلَيّ أَلّا أَدفَعَهُ إِلَى أَحَدٍ.(۲۶) ثُمّ دَعَا بِعَيبَةٍ فَاستَخرَجَ مِنهَا صَحِيفَةً مُقفَلَةً مَختُومَةً فَنَظَرَ إِلَى الخَاتَمِ وَ قَبّلَهُ وَ بَكَى، ثُمّ فَضّهُ وَ فَتَحَ القُفلَ، ثُمّ نَشَرَ الصّحِيفَةَ وَ وَضَعَهَا عَلَى عَينِهِ وَ أَمَرّهَا عَلَى وَجهِهِ.(۲۷) وَ قَالَ وَ اللّهِ يَا مُتَوَكّلُ لَو لَا مَا ذَكَرتَ مِن قَولِ ابنِ عَمّيَ إِنّنِي أُقتَلُ وَ أُصلَبُ لَمَا دَفَعتُهَا إِلَيکَ وَ لَكُنتُ بِهَا ضَنِيناً.(۲۸) وَ لَكِنّيِ أَعلَمُ أَنّ قَولَهُ حَقّ أَخَذَهُ عَن آبَائِهِ وَ أَنّهُ سَيَصِحّ فَخِفتُ أَن يَقَعَ مِثلُ هَذَا العِلمِ إِلَى بَنِي أُمَيّةَ فَيَكتُمُوهُ وَ يَدّخِرُوهُ فِي خَزَائِنِهِم لِأَنفُسِهِم.(۲۹)فَاقبِضهَا وَ اكفِنِيهَا وَ تَرَبّص بِهَا فَإِذَا قَضَى اللّهُ مِن أَمرِي وَ أَمرِ هَؤُلَاءِ القَومِ مَا هُوَ قَاضٍ فَهِيَ أَمَانَةٌ لِي عِندَکَ حَتّى تُوصِلَهَا إِلَى ابنَيَ عَمّيَ مُحَمّدٍ وَ إِبرَاهِيمَ ابنَيَ عَبدِ اللّهِ بنِ الحَسَنِ بنِ الحَسَنِ بنِ عَلِيّ عَلَيهِمَا السّلَامُ فَإِنّهُمَا القَائِمَانِ فِي هَذَا الأَمرِ بَعدِي.

ص: ۱۲۶۸

۲۱ پس یحیی تـا آخِرِ آن را نگـاه کرد و گفت: اجازه می دهی از آن نسـخه برداری کنم؟ گفتم: ای پسـر رسول خـدا، آیا در آنچه از خودتـان است (از من) اجازه می خواهی؟ ۲۲ پس گفت: اکنون به تو نشـان می دهم صـحیفه ای از دعای کامل را که پـدرم از پـدرش نقـل نموده و مرا به محـافظت آن و جلوگیری اش از کسـی که اهل آن نیست، سـفارش کرده است. ۲۳ عمیر گفت: پدرم گفت: پس برخاسـتم نزدش رفتم و سـرش را بوسـیدم و گفتم: به خدا سوگند ای پسر رسول خدا، من با دوستی و پیروی از شما، خدا را پرستش می کنم و امیدوارم که مرا در زندگی و مرگ به وسیله ولایت شما سعادتمند گرداند. ۲۴ آنگاه صحیفه من را به نوجوانی که با او بود داد و گفت: این دعا را با خطِّ خوانا و زیبا بنویس و برای من بیاور. شاید که آن را از بَر نمایم. زیرا من آن را از پسر عمویم جعفر - که خداوند او را نگهدارد - طلب می کردم و او نمی داد. ۲۵ متوکّل گفت: من از کرده ام پشـیمان شدم و نمی دانستم چه کنم، و امام صادق - که سلام بر او باد - هم نفرموده بود که آن را به کسی ندهم. ۲۶ سپس یحیی صـندوقچه ای خواست و صـحیفه قفـل زده مُهر کرده ای از آن بیرون آورد و مهرش را نگاه کرده، بوسـید و گریه کرد. سـپس مهر را شکست و قفل را گشود. صحیفه را باز کرده، بر چشم خود نهاد و بر رویش مالید. ۲۷ و گفت: ای متوکّل، به خدا سوگند اگر آنچه از پسـر عمویم بیان کردی که کشته و به دار آویخته می شوم نبود، این صحیفه را به تو نمی دادم و از دادن آن بخـل می ورزیـدم. ۲۸ ولی چـون می دانـم کـه گفتـار او حقّ اسـت که از پـدرانش فراگرفته و به زودی درسـتی آن آشکار می گردد، از این رو ترسیدم که چنین علمی به دست بنی امیّه بیفتد و آن را پنهان دارند و در گنجینه ها برای خودشان نگهداری کنند. ۲۹ پس این را بگیر و به جـای من از آن نگهـداری کن و چشم به راه بـاش هرگـاه خـدا کـار من و این گروه (بنی امیّه) را گذرانـد - که او است گذراننـده -، این امانت نزد تو باشـد تا آن را به دو پسـر عمویم: محمّد و ابراهیم، فرزندان عبداللّه بن حسن بن حسن بن علی - که سلام بر آنان باد - برسانی. زیرا هر دو در این کار جانشینان من هستند.

ص: ۱۲۶۹

(۳۰) قالَ المُتَوَكّلُ فَقَبَضتُ الصّحِيفَهَ فَلَمّا قُتِلَ يَحيَى بنُ زَيدٍ صِرتُ إِلَى المَدِينَهِ فَلَقِيتُ أَبَا عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ فَحَدّثتُهُ الحَدِيثَ عَن يَحيَى،فَبَكَى وَ اشتَدّ وَجدُهُ بِهِ.(۳۱) وَ قَالَ رَحِمَ اللّهُ ابنَ عمَيّ وَ أَلحَقَهُ بِآبَائِهِ وَ أَجدَادِهِ.(۳۲) وَ اللّهِ يَا مُتَوَكّلُ مَا مَنَعَنِي مِن دَفعِ الدّعَاءِ إِلَيهِ إِلّا أَلّذِي خَافَهُ عَلَى صَحِيفَهِ أَبِيهِ، وَ أَينَ الصّحِيفَهُ فَقُلتُ هَا هِيَ،فَفَتَحَهَا وَ قَالَ هَذَا وَ اللّهِ خَطّ عمَيّ زَيدٍ وَ دُعَاءُ جدَيّ عَلِيّ بنِ الحُسَينِ عَلَيهِمَا السّلَامُ(۳۳) ثُمّ قَالَ لِابنِهِ قُم يَا إِسمَاعِيلُ فأَتنِي بِالدّعَاءِ أَلّذِي أَمَرتُكَ بِحِفظِهِ وَ صَونِهِ،فَقَامَ إِسمَاعِيلُ فَأَخرَجَ صَحِيفَهً كَأَنّهَا الصّحِيفَهُ التّي دَفَعَهَا إِلَيّ يَحيَى بنُ زَيدٍ(۳۴)فَقَبّلَهَا أَبُو عَبدِ اللّهِ وَ وَضَعَهَا عَلَى عَينِهِ وَ قَالَ هَذَا خَطّ أَبِي وَ إِملَاءُ جدَيّ عَلَيهِمَا السّلَامُ بِمَشهَدٍ منِيّ.(۳۵)فَقُلتُ يَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ إِن رَأَيتَ أَن أَعرِضَهَا مَعَ صَحِيفَهِ زَيدٍ وَ يَحيَى فَأَذِنَ لِي فِي ذَلِكَ وَ قَالَ قَد رَأَيتُكَ لِذَلِكَ أَهلًا(۳۶)فَنَظَرتُ وَ إِذَا هُمَا أَمرٌ وَاحِدٌ وَ لَم أَجِد حَرفاً مِنها يُخَالِفُ مَا فِي الصّحِيفَهِ الأُخرَى(۳۷) ثُمّ استَأذَنتُ أَبَا عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِي دَفعِ الصّحِيفَهِ إِلَى ابنيَ عَبدِ اللّهِ بنِ الحَسَنِ، فَقَالَإِنّ اللّهَ يَأمُرُكُم أَن تُؤَدّوا الأَمانَاتِ إِلى أَهلِها،نَعَم فَادفَعهَا إِلَيهِمَا.(۳۸) فَلَمّا نَهَضتُ لِلِقَائِهِمَا قَالَ لِي مَكَانَكَ.(۳۹) ثُمّ وَجّهَ إِلَى مُحَمّدٍ وَ اِبرَاهِيمَ فَجَاءَا فَقَالَ هَذَا مِيرَاثُ ابنِ عَمّكُمَا يَحيَى مِن أَبِيهِ قَد خَصّكُم بِهِ دُونَ إِخوَتِهِ وَ نَحنُ مُشتَرِطُونَ عَلَيكُمَا فِيهِ شَرطاً.(۴۰)فَقَالَا رَحِمَكَ اللّهُ قُل فَقَولُكَ المَقبُولُ(۴۱) فَقَالَ لاتَخرُجَا بِهَذِهِ الصّحِيفَهِ مِنَ المَدِينَهِ

۳۰ متوکّل گفت: صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید کشته شد به مدینه رفتم و به ملاقات حضرت صادق – که سلام بر او باد – رفته، سرگذشت یحیی را برای آن بزرگوار گفتم، امام گریست و بر او سخت اندوهناک شد ۳۱ و فرمود: خداوند پسر عمویم را رحمت کند و به پدران و اجدادش ملحق فرماید. ۳۲ ای متوکّل، به خدا سوگند، مرا از دادن دعا به یحیی چیزی جز آنچه او بر صحیفه پدرش از آن می ترسید، بازنداشت. اکنون آن صحیفه کجاست ؟ گفتم: آن صحیفه اینست. پس آن را گشود و فرمود: به خدا قسم این خط عمویم زید و دعای جدّم علی ابن الحسین – که سلام بر آنان باد – است. ۳۳ سپس به فرزندش اسماعیل فرمود: ای اسماعیل برخیز و دعایی که تو را به حفظ و نگهداریش امر نمودم بیاور. اسماعیل برخاست و صحیفه ای را بیرون آورد که گویا همان صحیفه ای بود که یحیی بن زید به من داده بود. ۳۴ پس حضرت صادق آن را بوسید و بر روی چشم خود نهاد و فرمود: این نوشته پدرم و گفته جدّم – که سلام بر آنان باد – در حضور من است. ۳۵ گفتم: ای فرزند رسول خدا، آیا اجازه می دهی آن را با صحیفه زید و یحیی مقابله نمایم؟ حضرت به من اجازه داده و فرمود: تو را سزاوار این کار دیدم. ۳۶ پس دیدم هر دو برابر است و در آن، یک حرف که برخلاف آنچه در صحیفه دیگر است باشد، نیافتم. ۳۷ سپس از امام صادق – که سلام بر او باد – اجازه خواستم که صحیفه یحیی را به فرزندان عبداللّه بن حسن بدهم. امام فرمود: خداوند امر می کند که امانت ها را به صاحبانش بازدهید. آری آن را رد کن. ۳۸ پس چون برای دیدار آن دو برادر برخاستم، فرمود: بنشین. ۳۹ سپس کسی را به سراغ محمّد و ابراهیم فرستاد. چون آنان آمدند، فرمود: این میراث پسر عموی شما یحیی است از پدرش که اختصاص به شما داده نه برادرانش. و ما درباره آن با شما شرطی داریم. ۴۰ گفتند: خداوند تو را رحمت کند. بفرمایید که گفتارتان پذیرفته است. ۴۱ فرمود: این صحیفه را از مدینه بیرون نبرید.

(۴۲)قَالَا وَ لِمَ ذَاكَ(۴۳) قَالَ إِنّ ابنَ عَمّكَمَا خَافَ عَلَيهَا أَمراً أَخَافُهُ أَنَا عَلَيكَمَا.(۴۴)قَالَا إِنّمَا خَافَ عَلَيهَا حِينَ عَلِمَ أَنّهُ يُقتَلُ.(۴۵) فَقَالَ أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ وَ أَنتُمَا فَلَا تَأمَنّا فَوَاللّهِ إِنِيّ لَأَعلَمُ أَنّكُمَا سَتَخرُجَانِ كَمَا خَرَجَ، وَ سَتُقتَلَانِ كَمَا قُتِلَ.(۴۶)فَقَامَا وَ هُمَا يَقُولَانِ لَا حَولَ وَ لَا قُوّةَ إِلّا بِاللّهِ العلَيِ ّالعَظِيم.(۴۷) فَلَمّا خَرَجَا قَالَ لِي أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَيهِ السّلَامُ يَا مُتَوَكّلُ كَيفَ قَالَ لَكَ يَحيَى إِنّ عمَيّ مُحَمّدَ بنَ عَلِيّ وَ ابنَهُ جعفراً دَعَوَا النّاسَ إِلَى الحَيَاةِ وَ دَعَونَاهُم إِلَى المَوتِ(۴۸) قُلتُ نَعَم أَصلَحَكَ اللّهُ قَد قَالَ لِيَ ابنُ عَمّكَ يَحيَى ذَلِكَ(۴۹) فَقَالَ يَرحَمُ اللّهُ يَحيَى، إِنّ أَبِي حدَثّنَيِ عَن أَبِيهِ عَن جَدّهِ عَن عَلِيّ عَلَيهِ السّلَامُ أَنّ رَسُولَ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ أَخَذَتهُ نَعسَةٌ وَ هُوَ عَلَى مِنبَرِهِ.(۵۰)فَرَأَى فِي مَنَامِهِ رِجَالًا يَنزُونَ عَلَى مِنبَرِهِ نَزوَ القِرَدَةِ يَرُدّونَ النّاسَ عَلَى أَعقَابِهِمُ القَهقَرَى(۵۱)فَاستَوَى رَسُولُ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ جَالِساً وَ الحُزنُ يُعرَفُ فِي وَجهِهِ.(۵۲)فَأَتَاهُ جِبرِيلُ عَلَيهِ السّلَامُ بِهَذِهِ الآيَهِ« وَ ما جَعَلنَا الرّؤيَا التّيِ أَرَيناكَ إِلّا فِتنَةً لِلنّاسِ وَ الشّجَرَةَ المَلعُونَةَ فِي القُرآنِ وَ نُخَوّفُهُم فَما يَزِيدُهُم إِلّا طُغياناً كَبِيراً»يَعنِي بنَيِ أُمَيّهَ. (۵۳) قَالَ يَا جِبرِيلُ أَ عَلَى عهَدِي يَكُونُونَ وَ فِي زمَنَيِ(۵۴) قَالَ لَا، وَ لَكِن تَدُورُ رَحَى الإِسلَامِ مِن مُهَاجَرِكَ فَتَلبَثُ بِذَلِكَ عَشراً، ثُمّ تَدُورُ رَحَى الإِسلامِ عَلَى رَأسِ خَمسَةٍ وَ ثَلَاثِينَ مِن مُهَاجَرِكَ فَتَلبَثُ بِذَلِكَ خَمساً، ثُمّ لَا بُدّ مِن رَحَى ضَلَالَةٍ هيِ َ قَائِمَةٌ عَلَى قُطبِهَا، ثُمّ مُلكُ الفَرَاعِنَهِ

۴۲ گفتند: چرا؟ ۴۳ فرمود: پسر عموی شما درباره این صحیفه از چیزی بیم داشت که من درباره شما هم آن بیم را دارم. ۴۴ گفتند: او هنگامی درباره آن ترسید که می دانست کشته می شود. ۴۵ حضرت صادق - که سلام بر او باد - فرمود: شما هم آسوده نباشید که به خدا قسم می دانم به زودی خروج خواهید نمود، چنانکه او خروج کرد و به زودی کشته خواهید شد، چنانکه او کشته گردید. ۴۶ پس برخاستند و گفتند: جنبش و نیرویی نیست، جز به یاری خدای برتر و بزرگ. ۴۷ چون بیرون رفتند، حضرت صادق - که سلام بر او باد - فرمود: ای متوکّل، آیا یحیی به تو گفت که عمویم محمّد بن علی و پسرش جعفر مردم را به زندگی خواندند و ما ایشان را به مرگ خواندیم؟ ۴۸ گفتم: آری، خدا کار تو را راست گرداَند، پسر عمویت یحیی همین را به من گفت. ۴۹ فرمود: خداوند یحیی را رحمت کند. پدرم از پدرش از جدّش از علی - که سلام بر او باد - مرا خبر داد: رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - را بالای منبر، خواب سبُکی روی داد. ۵۰ و در خواب دید مردمی چند مانند بوزینگان به منبرش می جهند و مردم را به عقب) برمی گردانند. ۵۱ پس رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - بیدار شد و نشست و اندوه در چهره اش نمایان بود. ۵۲ آنگاه جبرئیل این آیه را برای او آورد: «و ما رویایی که به تو ارائه دادیم، نبود جز برای آزمایش و امتحان مردم و درختی که به لعن در قرآن یاد شد و ما به ذکر این آیات عظیم آنها را از خدا می ترسانیم ولیکن بر آنها جز طغیان و کفر و انکارِ شدید چیزی نیفزاید.» و مراد (از درخت لعنت شده) بنی امیّه اند. ۵۳ پیغمبر فرمود: ای جبرئیل ایشان در عهد و روزگار من خواهند بود؟ ۵۴ عرضه داشت: خیر، ولی آسیای اسلام از آغاز هجرت می گردد و گردش آن ده سال است. سپس در پایان سال سی و پنج از هجرت تو به گردش می افتد و پنج سال به آن حال می ماند. آنگاه به ناچار آسیای گمراهی به گردش خواهد آمد که بر محور خود پا برجا است و پس از آن پادشاهی فرعونیان خواهد بود.

ص: ۱۲۷۳

(۵۵) قالَ وَ أنزَلَ اللّهُ تَعالَی فِی ذَلِکَ«إنّا أنزَلناهُ فِی لَیلَهِ القَدرِ، وَ ما أدراکَ ما لَیلَهُ القَدرِ،لَیلَهُ القَدرِ خَیرٌ مِن ألفِ شَهرٍ»تَملِکُهَا بَنُو أُمَیّهَ لَیسَ فِیهَا لَیلَهُ القَدرِ.(۵۶) قالَ فَأَطلَعَ اللّهُ عَزّ وَ جَلّ نَبِیّهُ عَلَیهِ السّلَامُ أَنّ بَنِی أُمَیّهَ تَملِکُ سُلطَانَ هَذِهِ الأُمّهِ وَ مُلکَهَا طُولَ هَذِهِ المُدّهِ(۵۷)فَلَو طَاوَلَتهُمُ الجِبَالُ لَطَالُوا عَلَیهَا حَتّی یَأذَنَ اللّهُ تَعَالَی بِزَوَالِ مُلکِهِم، وَ هُم فِی ذَلِکَ یَستَشعِرُونَ عَدَاوَتَنَا أَهلَ البَیتِ وَ بُغضَنَا.(۵۸)أَخبَرَ اللّهُ نَبِیّهُ بِمَا یَلقَی أَهلُ بَیتِ مُحَمّدٍ وَ أَهلُ مَوَدّتِهِم وَ شِیعَتُهُم مِنهُم فِی أَیّامِهِم وَ مُلکِهِم.(۵۹) قَالَ وَ أَنزَلَ اللّهُ تَعَالَی فِیهِم« أَ لَم تَرَ إِلَی الّذِینَ بَدّلُوا نِعمَتَ اللّهِ کُفراً وَ أَحَلّوا قَومَهُم دارَ البَوارِ جَهَنّمَ یَصلَونَها وَ بِئسَ القَرارُ».(۶۰) وَ نِعمَهُ اللّهِ مُحَمّدٌ وَ أَهلُ بَیتِهِ،حُبّهُم إِیمَانٌ یُدخِلُ الجَنّهَ، وَ بُغضُهُم کُفرٌ وَ نِفَاقٌ یُدخِلُ النّارَ(۶۱)فَأَسَرّ رَسُولُ اللّهِ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ ذَلِکَ إِلَی عَلِیّ وَ أَهلِ بَیتِهِ.(۶۲) قَالَ ثُمّ قَالَ أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَیهِ السّلَامُ مَا خَرَجَ وَ لَا یَخرُجُ مِنّا أَهلَ البَیتِ إِلَی قِیَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِیَدفَعَ ظُلماً أَو یَنعَشَ حَقّاً إِلّا اصطَلَمَتهُ البَلِیّهُ، وَ کَانَ قِیَامُهُ زِیَادَهً فِی مَکرُوهِنَا وَ شِیعَتِنَا.(۶۳) قَالَ المُتَوَکّلُ بنُ هَارُونَ ثُمّ أَملَی عَلَیّ أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَیهِ السّلَامُ الأَدعِیَهَ وَ هِیَ خَمسَهٌ وَ سَبعُونَ بَاباً،سَقَطَ عَنّی مِنهَا أَحَدَ عَشَرَ بَاباً، وَ حَفِظتُ مِنهَا نَیّفاً وَ سِتّینَ بَاباًوَ حَدّثَنَا أَبُو المُفَضّلِ قَالَ وَ حَدّثَنِی مُحَمّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ رُوزبِهَ أَبُو بَکرٍ المَدَائِنِیّ الکَاتِبُ نَزِیلُ الرّحبَهِ فِی دَارِهِ(۶۵) قَالَ حَدّثَنِی مُحَمّدُ بنُ أَحمَدَ بنِ مُسلِمٍ المُطَهّرِیّ

۵۵ (امام صادق) فرمود: و خدای تعالی در این باره، سوره قدر را نازل کرد: «ما قرآن را در شب قدر فرستادیم و چه می دانی که شب قدر چیست، شب قدر بهتر از هزار ماه است.» هزار ماهی که بنی امیّه پادشاهی کنند و شب قدر در آن نباشد. ۵۶ فرمود: پس خداوند بزرگ، پیغمبرش – که درود خداوند بر او و خاندانش باد – را آگاه نمود که بنی امیّه پادشاهی بر این امّت را در این مدّت (هزار ماه) به دست می گیرند. ۵۷ پس اگر کوه ها با ایشان سرکشی کنند بر آن کوه ها غلبه جویند. تا اینکه خدای تعالی زوال پادشاهی آنها را بخواهد، و آنان در این مدّت کینه ما اهل بیت را شعار خویش قرار می دهند. ۵۸ خداوند پیامبرش را به آنچه در ایّام پادشاهی آنان از جانبشان به اهل بیت محمّد و به دوستان و پیروان آنها می رسد، خبر داد. ۵۹ فرمود: این آیه را خدای تعالی درباره بنی امیّه نازل کرد: «آیا ندیدی کسانی که نعمت خدا را به کفر و ناسپاسی تبدیل نموده و قوم و پیروانشان را به دیار هلاک و تباهی رهسپار کردند، و به دوزخ که بد جایگاهی است درآیند.» ۶۰ و نعمت خداوند، محمّد و اهل بیت او هستند، دوست داشتن ایشان، ایمان است که به بهشت داخل می گرداند و دشمنی با آنها، کفر و نفاق است که به دوزخ درمی آورد. ۶۱ پس رسول خدا – که درود خداوند بر او و خاندانش باد – این راز را در پنهان به علی و اهل بیت او فرمود. ۶۲ متوکّل گوید: سپس حضرت صادق – که سلام بر او باد – فرمود: هیچ یک از ما اهل بیت، تا روز قیام قائممان برای جلوگیری از ستمی یا برای به پا داشتن حقّی خروج نخواهد کرد، مگر آنکه بلا و آفتی او را ریشه کن سازد و قیام او بر اندوه ما و شیعیانمان بیفزاید. ۶۳ متوکّل بن هارون گفت: سپس امام صادق – که سلام بر او باد – دعاهای صحیفه را به من املاء نمود و آنها هفتاد و پنج باب بود که یازده باب آن از دستم رفت، و شصت و چند باب آن را حفظ کردم. ۶۴ و ابوالمفضّل (شیبانی با سند دیگری) برای ما حدیث نموده، گفت: حدیث کرد مرا محمّد بن حسن بن روزبه ابوبکر مدائنی کاتب، ساکن رحبه(ی کوفه) در خانه خودش. ۶۵ گفت: حدیث کرد مرا محمّد بن احمد بن مسلم مطهّری.

(۶۶) قَالَ حدَثَّنِی أَبِی عَن عُمَیرِ بنِ مُتَوَکِّلِ البَلَخیِ ّعَن أَبِیهِ المُتَوَکِّلِ بنِ هَارُونَ(۶۷) قَالَلَقِیتُ یَحیَی بنَ زَیدِ بن عَلِیّ عَلَیهِمَا السَّلَامُ فَذَکَرَ الحَدِیثَ بِتَمَامِهِ إِلَی رُؤیَا النَّبِیّ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ الّتِی ذَکَرَهَا جَعفَرُ بنُ مُحَمّدٍ عَن آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَیهِم(۶۸) وَ فِی رِوَایَه المطُهَرّیِ ّذِکرُ الأَبوَابِ وَ هیِ َ

۱-التّحمِیدُ لِلّهِ عَزّ وَ جَلّ ۲-الصّلَاهُ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ

۳-الصّلَاهُ عَلَی حَمَلَهِ العَرشِ ۴-الصّلَاهُ عَلَی مصُدَقّیِ الرّسُلِ

۵-دُعَاؤُهُ لِنَفسِهِ وَ خَاصّتِهِ ۶-دُعَاؤُهُ

عِندَ الصّبَاحِ وَ المَسَاءِ

۷-دُعَاؤُهُ فِی المُهِمّاتِ ۸-دُعَاؤُهُ فِی الِاستِعَاذَهِ

۹-دُعَاؤُهُ فِی الِاشتِیَاقِ ۱۰-دُعَاؤُهُ فِی اللّجَإِ إِلَی اللّهِ تَعَالَی

۱۱-دُعَاؤُهُ بِخَوَاتِمِ الخَیرِ ۱۲-دُعَاؤُهُ فِی الِاعتِرَافِ

۱۳-دُعَاؤُهُ فِی طَلَبِ الحَوَائِجِ ۱۴-دُعَاؤُهُ فِی الظّلَامَاتِ

۱۵-دُعَاؤُهُ

عِندَ المَرَضِ ۱۶-دُعَاؤُهُ فِی الِاستِقَالَهِ

۱۷-دُعَاؤُهُ عَلَی الشّیطَانِ ۱۸-دُعَاؤُهُ فِی المَحذُورَاتِ

۱۹-دُعَاؤُهُ فِی الِاستِسقَاءِ ۲۰-دُعَاؤُهُ فِی مَکَارِمِ الأَخلَاقِ

۲۱-دُعَاؤُهُ إِذَا حَزَنَهُ أَمرٌ ۲۲-دُعَاؤُهُ

عِندَ الشّدّهِ

۲۳-دُعَاؤُهُ بِالعَافِیَهِ ۲۴-دُعَاؤُهُ لِأَبَوَیهِ

۲۵-دُعَاؤُهُ لِوُلدِهِ ۲۶-دُعَاؤُهُ لِجِیرَانِهِ وَ أَولِیَائِهِ

۲۷-دُعَاؤُهُ لِأَهلِ الثّغُورِ ۲۸-دُعَاؤُهُ فِی التّفَزّعِ

۲۹-دُعَاؤُهُ إِذَا قُتّرَ عَلَیهِ الرّزقُ ۳۰-دُعَاؤُهُ فِی المَعُونَهِ عَلَی قَضَاءِ الدّینِ

۳۱-دُعَاؤُهُ بِالتّوبَهِ ۳۲-دُعَاؤُهُ فِی صَلَاهِ اللّیلِ

۳۳-دُعَاؤُهُ فِی الِاستِخَارَهِ ۳۴-دُعَاؤُهُ إِذَا ابتلِیَ أَو رَأَی مُبتَلًی بِفَضِیحَهٍ بِذَنبٍ

۳۵-دُعَاؤُهُ فِی الرّضَا بِالقَضَاءِ ۳۶-دُعَاؤُهُ

عِندَ سَمَاعِ الرّعدِ

ص: ۱۲۷۶

۶۶ گفت: حدیث کرد مرا پدرم از عمیر بن متوکّل بلخی از پدرش متوکّل بن هارون. ۶۷ گفت: یحیی بن زید بن علی – که سلام بر آنان باد – را ملاقات کردم. سپس تمام حدیث را تا خواب دیدن پیامبر – که درود خداوند بر او و خاندانش باد – که جعفر بن محمّد از پدرانش – که درودهای خداوند بر آنان باد – نقل فرموده، بیان کرد. ۶۸ و در روایت مطهّری، ابواب ذکر شده و آن اینست:

۱_ ستایش نمودن خدای عزوجل ۲_ درود بر محمد و خاندانش

۳_ درود بر حاملان عرش ۴_ درود بر تصدیق کنندگان رسولان

۵_ دعای آن حضرت برای خود و نزدیکانش ۶_ دعای آن حضرت هنگام بامداد و شامگاه

۷_ دعای آن حضرت در مهمات ۸_ دعای آن حضرت در پناه جستن به خدا

۹_ دعای آن حضرت در شوق داشتن به آمرزش ۱۰_ دعای آن حضرت در پناه بردن به خداوند بلندمرتبه

۱۱_ دعای آن حضرت در عاقبت به خیری ۱۲_ دعای آن حضرت در اعتراف به گناه

۱۳_ دعای آن حضرت در طلب حاجت ها ۱۴_ دعای آن حضرت در دادخواهی از ستمگران

۱۵_ دعای آن حضرت هنگام بیماری ۱۶_ دعای آن حضرت در طلب بخشش گناهان

۱۷_ دعای آن حضرت درباره شیطان ۱۸_ دعای آن حضرت در دفع بلاها و سختی ها

۱۹_ دعای آن حضرت در درخواست باران ۲۰_ دعای آن حضرت در اخلاق پسندیده

۲۱_ دعای آن حضرت آنگاه که چیزی او را اندوهگین می نمود ۲۲_ دعای آن حضرت هنگام سختی و گرفتاری

۲۳_ دعای آن حضرت برای عافیت ۲۴_ دعای آن حضرت برای پدر و مادرش

۲۵_ دعای آن حضرت برای فرزندانش ۲۶_ دعای آن حضرت درباره همسایگان و دوستانش

۲۷_ دعای آن حضرت برای مرزداران ۲۸_ دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا

۲۹_ دعای آن حضرت آنگاه که روزی بر او تنگ می شد ۳۰_ دعای آن حضرت در یاری خواستن بر پرداخت وام

۳۱_ دعای آن حضرت در توبه ۳۲_ دعای آن حضرت در نماز شب

۳۳_ دعای آن حضرت در استخاره ۳۴_ دعای آن حضرت آنگاه که گرفتار آزمایش می شد یا گرفتار شده به رسوایی

گناهی را می دید

۳۵_ دعای آن حضرت در مقام رضا به قضای خدا ۳۶_ دعای آن حضرت هنگام شنیدن صدای رعد

ص: ۱۲۷۷

۳۷-دُعَاؤُهُ فِی الشّکرِ ۳۸-دُعَاؤُهُ فِی الِاعتِذَارِ

۳۹-دُعَاؤُهُ فِی طَلَبِ العَفوِ ۴۰-دُعَاؤُهُ

عِندَ ذِکرِ المَوتِ

۴۱-دُعَاؤُهُ فِی طَلَبِ السّترِ وَ الوِقَایَهِ ۴۲-دُعَاؤُهُ

عِندَ خَتمِهِ القُرآنَ

۴۳-دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَی الهِلَالِ ۴۴-دُعَاؤُهُ لِدُخُولِ شَهرِ رَمَضَانَ

۴۵-دُعَاؤُهُ لِوَدَاعِ شَهرِ رَمَضَانَ ۴۶-دُعَاؤُهُ فِی عِیدِ الفِطرِ وَ الجُمُعَهِ

۴۷-دُعَاؤُهُ فِی یَومِ عَرَفَهَ ۴۸-دُعَاؤُهُ فِی یَومِ الأَضحَی وَ الجُمُعَهِ

۴۹-دُعَاؤُهُ فِی دَفعِ کَیدِ الأَعدَاءِ ۵۰-دُعَاؤُهُ فِی الرّهبَهِ

۵۱-دُعَاؤُهُ فِی التّضَرّعِ وَ الِاستِکَانَهِ ۵۲-دُعَاؤُهُ فِی الإِلحَاحِ

۵۳-دُعَاؤُهُ فِی التّذَلّلِ ۵۴-دُعَاؤُهُ فِی استِکشَافِ الهُمُومِ

(۶۹) وَ بَاقِی الأَبوَابِ بِلَفظِ أَبِی عَبدِ اللّهِ الحَسَنِیّ رَحِمَهُ اللّهُ(۷۰) حَدّثَنَا أَبُو عَبدِ اللّهِ جَعفَرُ بنُ مُحَمّدٍ الحَسَنِیّ(۷۱) قَالَ حَدّثَنَا عَبدُ اللّهِ بنُ عُمَرَ بنِ خَطّابٍ الزّیّاتُ(۷۲) قَالَ حَدّثَنِی خَالِی عَلِیّ بنُ النّعمَانِ الأَعلَمُ(۷۳) قَالَ حَدّثَنِی عُمَیرُ بنُ مُتَوَکّلٍ الثّقَفِیّ البَلخِیّ عَن أَبِیهِ مُتَوَکّلِ بنِ هَارُونَ(۷۴) قَالَ أَملَی عَلَیّ سَیّدِی الصّادِقُ، أَبُو عَبدِ اللّهِ جَعفَرُ بنُ مُحَمّدٍ(۷۵) قَالَ أَملَی جَدّیَ عَلِیّ بنُ الحُسَینِ عَلَی أَبِی مُحَمّدِ بنِ عَلِیّ عَلَیهِم أَجمَعِینَ السّلَامُ بِمَشهَدٍ مِنّی.

ص: ۱۲۷۸

۳۷_ دعای آن حضرت در شکر گذاری ۳۸_ دعای آن حضرت در عذر خواهی

۳۹_ دعای آن حضرت در طلب بخشایش ۴۰_ دعای آن حضرت هنگام یادآوری از مرگ

۴۱_ دعای آن حضرت در طلب پرده پوشی ۴۲_ دعای آن حضرت هنگام ختم قرآن

۴۳_ دعای آن حضرت آنگاه که به ماه نو نگاه می کرد ۴۴_ دعای آن حضرت هنگام فرارسیدن ماه رمضان

۴۵_ دعای آن حضرت در وداع ماه رمضان ۴۶_ دعای آن حضرت برای عید فطر و جمعه

۴۷_ دعای آن حضرت در روز عرفه ۴۸_ دعای آن حضرت در روز عید قربان و روز جمعه

۴۹_ دعای آن حضرت در دفع حیله دشمنان ۵۰_ دعای آن حضرت در ترس

۵۱_ دعای آن حضرت در زاری نمودن ۵۲_ دعای آن حضرت در اصرار به خداوند بلندمرتبه

۵۳_ دعای آن حضرت در فروتنی ۵۴_ دعای آن حضرت در برطرف نمودن اندوه ها

۶۹ و باقی ابواب به لفظ ابو عبداللّه حسنی - که رحمت خداوند بر او باد - است. ۷۰ (همان گونه که در ابتدای سند گفته شد، ابوالفضل شیبانی گوید) حدیث کرد ما را ابو عبداللّه جعفر بن محمّد الحسنی ۷۱ او گفت: حدیث کرد ما را عبداللّه بن عمر بن خطاب زیات. ۷۲ او گفت: حدیث کرد مرا دایی ام علی بن نعمان اعلم. ۷۳ او گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکّل ثقفی بلخی از پدرش متوکّل بن هارون. ۷۴ او گفت: آقایم حضرت صادق ابو عبداللّه جعفر بن محمّد - که سلام بر او باد - بر من املا نمود. ۷۵ آن حضرت فرمود: جدّم علی ابن الحسین در حضور من بر پدرم محمّد بن علی - که سلام بر تمامی آنها باد - املا نمود.

(۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِه عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا ابتَدَأَ بِالدّعَاءِ بَدَأَ بِالتّحمِيدِ لِلّهِ عَزّ وَ جَلّ وَ الثّنَاءِ عَلَيهِ، فَقَالَ:

(۱)الحَمدُ لِلّهِ الأَوّلِ بِلَا أَوّلٍ كَانَ قَبلَهُ، وَ الآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعدَهُ(۲) أَلّذِى قَصُرَت عَن رُؤيَتِهِ أَبصَارُ النّاظِرِينَ، وَ عَجَزَت عَن نَعتِهِ أَوهَامُ الوَاصِفِينَ.(۳)ابتَدَعَ بِقُدرَتِهِ الخَلقَ ابتِدَاعاً، وَ اختَرَعَهُم عَلَى مَشِيّتِهِ اختِرَاعاً.(۴) ثُمّ سَلَكَ بِهِم طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُم فِى سَبِيلِ مَحَبّتِهِ، لَا يَملِكُونَ تَأخِيراً عَمّا قَدّمَهُم إِلَيهِ، وَ لَا يَستَطِيعُونَ تَقَدّماً إِلَى مَا أَخّرَهُم عَنهُ.(۵) وَ جَعَلَ لِكُلّ رُوحٍ مِنهُم قُوتاً مَعلُوماً مَقسُوماً مِن رِزقِهِ، لَا يَنقُصُ مَن زَادَهُ نَاقِصٌ، وَ لَا يَزِيدُ مَن نَقَصَ مِنهُم زَائِدٌ.(۶) ثُمّ ضَرَبَ لَهُ فِى الحَيَاةِ أَجَلًا مَوقُوتاً، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَداً مَحدُوداً،يَتَخَطّى إِلَيهِ بِأَيّامِ عُمُرِهِ، وَ يَرهَقُهُ بِأَعوَامِ دَهرِهِ، حَتّى إِذَا بَلَغَ أَقصَى أَثَرِهِ، وَ استَوعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ،قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيهِ مِن مَوفُورِ ثَوَابِهِ، أَو مَحذُورِ عِقَابِهِ،لِيَجزِيَ الّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجزِيَ الّذِينَ أَحسَنُوا بِالحُسنَى.(۷)عَدلًا مِنهُ،تَقَدّسَت أَسمَاؤُهُ، وَ تَظَاهَرَت آلَاؤُهُ، لَا يُسأَلُ عَمّا يَفعَلُ وَ هُم يُسأَلُونَ.

ص: ۱۲۸۰

(۱)و از دعای امام علیه السلام بود، موقعی که شروع به نیایش کرد و با سپاس خداوندِ ارجمند و بزرگ، و ستایش بر او، (دعا را) آغاز نمود:

(۱) سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده و آخِری که پس از او آخری نباشد.

(۲) همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر، و پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است.

(۳) به قدرت خویش آفریدگان را بی هیچ نمونه ای آفرید و ایشان را به خواست خود از هیچ به وجود آورد.

(۴) سپس آنها را در راهی که می خواست روان ساخت و در راه دوستی به خود، برانگیخت. آنها توانایی عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، نداشته و نمی توانند آنچه را که آنها را از آن عقب انداخته، جلو اندازند.

(۵) و برای هر جانداری از ایشان، معلومِ قسمت شده ای از رزقش قرار داد. از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده ای نمی کاهد و از کسانی که کاسته، افزاینده ای نمی افزاید.

(۶) سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معیّن نمود، و برایش زمانی محدود قرار داد که با روزهای زندگی اش، به سوی آن گام بردارد، و با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود. زمانی که به پایان عمرش رسد و حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد. تا کسانی را که بد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سزا دهد و آنان را که به سبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.

(۷) و این از عدل اوست. نام هایش مقدّس و نعمت هایش آشکار و پی درپی است. از آنچه او انجام می دهد، بازخواست نشود و ایشان (آفریدگان) بازخواست شوند.

ص: ۱۲۸۱

(۸) وَ الحَمـدُ لِلّهِ ألّـذِی لَـو حَبَسَ عَـن عِبَـادِهِ مَعرِفَـهَ حَمـدِهِ عَلَی مَـا أبلَـاهُم مِـن مِنَنِـهِ المُتَتَـابِعَهِ، وَ أَسـبَغَ عَلَيهِـم مِـن نِعَمِهِ المُتَظَاهِرَهِ،لَتَصَـرّفُوا فِی مِنَنِهِ فَلَم يَحمَدُوهُ، وَ تَوَسّعُوا فِی رِزقِهِ فَلَم يَشكُرُوهُ.(۹) وَ لَو كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِن حُدُودِ الإِنسَانِيّهِ إِلَی حَدّ البَهِيمِيّهِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِی مُحكَمِ كِتَابِهِ« إِن هُم إِلّا كَالأَنعامِ بَل هُم أَضَلّ سَبِيلًا.»(۱۰) وَ الحَمدُ لِلّهِ عَلَی مَا عَرّفَنَا مِن نَفسِهِ، وَ أَلهَمَنَا مِن شُـكرِهِ، وَ فَتَحَ لَنَا مِن أَبوَابِ العِلمِ بِرُبُوبِيّتِهِ، وَ دَلّنَا عَلَيهِ مِنَ الإِخلَاصِ لَهُ فِی تَوحِيـدِهِ، وَ جَنّبَنَا مِنَ الإِلحَادِ وَ الشّكّ فِی أَمرِهِ.(۱۱)حَمداً نُعَمّرُ بِهِ فِيمَن حَمِدَهُ مِن خَلقِهِ، وَ نَسبِقُ بِهِ مَن سَبَقَ إِلَی رِضَاهُ وَ عَفوِهِ.(۱۲)حَمداً يضُـِی ءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ البَرزَخِ، وَ يُسَهّلُ عَلَينَا بِهِ سَبِيلَ المَبعَثِ، وَ يُشَرّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا

عِنـدَ مَوَاقِفِ الأَشـهَادِ، يَومَ تُجزَی كُـلّ نَفسٍ بِمَـا كَسَـبَت وَ هُم لَـا يُظلَمُونَ، يَومَ لَـا يغُنی مَولًی عَن مَولًی شَـيئاً وَ لَـا هُم يُنصَـرُونَ.(۱۳)حَمـداً يَرتَفِعُ مِنّـا إِلَی أَعلَی عِلّيّينَ فِی كِتَابٍ مَرقُومٍ يَشـهَدُهُ المُقَرّبُونَ.(۱۴)حَمـداً تَقَرّ بِهِ عُيُونُنَـا إِذَا بَرِقَتِ الأَبصَارُ، وَ تَبيَضّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسوَدّتِ الأَبشَارُ.(۱۵)حَمداً نُعتَقُ بِهِ مِن أَلِيمِ نَارِ اللّهِ إِلَی كَرِيمِ جِوَارِ اللّهِ.(۱۶)حَمداً نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ المُقَرّبِينَ، وَ نُضَامّ بِهِ أَنبِيَاءَهُ المُرسَـلِينَ فِی دَارِ المُقَامَهِ التّی لَا تَزُولُ، وَ مَحَلّ كَرَامَتِهِ التّی لَا تَحُولُ.(۱۷) وَ الحَمدُ لِلّهِ ألّذِی اختَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الخَلقِ، وَ أَجرَی عَلَينَا طَيّبَاتِ الرّزقِ.

(۸) و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به ایشان داده و نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، فراوان استفاده می برند و شکرش به جا نمی آوردند.

(۹) و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیّت خارج شده، به مرز حیوانیّت رو می آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.»

(۱۰) و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام نمود و درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود و ما را به اخلاص در یگانگی اش راهنمایی نمود و از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت.

(۱۱) سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم و با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم.

(۱۲) سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید و با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و با آن سپاس، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد، «روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند». «روزی که هیچ دوست، به کار دوست نیاید و یاری نمی شوند».

(۱۳) سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقرّبان الهی گواه آنند».

(۱۴) سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. و چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

(۱۵) سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم.

(۱۶) سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرّب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل کرامتی که همیشگی است.

(۱۷) و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید و روزی های پاکیزه را برایمان جاری ساخت.

ص: ۱۲۸۳

(١٨) وَ جَعَلَ لَنَا الفَضِيلَهَ بِالمَلَكَهِ عَلَى جَمِيعِ الخَلقِ،فَكَلّ خَلِيقَتِهِ مُنقَادَهٌ لَنَا بِقُدرَتِهِ، وَ صَائِرَهٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزّتِهِ.(١٩) وَ الحَمدُ لِلّهِ أَلّذِى أَغلَقَ عَنّا بَابَ الحَاجَهِ إِلّا إِلَيهِ،فَكَيفَ نُطِيقُ حَمدَهُ أَم مَتَى نُؤَدّى شُكرَهُ لَا،مَتَى.(٢٠) وَ الحَمدُ لِلّهِ أَلّذِى رَكّبَ فِينَا آلَاتِ البَسطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ القَبضِ، وَ مَتّعَنَا بِأَروَاحِ الحَيَاهِ، وَ أَثبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الأَعمَالِ، وَ غَذّانَا بِطَيّبَاتِ الرّزقِ، وَ أَغنَانَا بِفَضلِهِ، وَ أَقنَانَا بِمَنّهِ.(٢١) ثُمّ أَمَرَنَا لِيَختَبِرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِيَبتَلِيَ شُكرَنَا،فَخَالَفنَا عَن طَرِيقِ أَمرِهِ، وَ رَكِبنَا مُتُونَ زَجرِهِ،فَلَم يَبتَدِرنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَ لَم يُعَاجِلنَا بِنِقمَتِهِ،بَل تَأَنّانَا بِرَحمَتِهِ تَكَرّماً، وَ انتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأفَتِهِ حِلماً.(٢٢) وَ الحَمدُ لِلّهِ أَلّذِى دَلّنَا عَلَى التّوبَهِ التّي لَم نُفِدهَا إِلّا مِن فَضلِهِ،فَلَو لَم نَعتَدِد مِن فَضلِهِ إِلّا بِهَا لَقَد حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِندَنَا، وَ جَلّ إِحسَانُهُ إِلَينَا وَ جَسُمَ فَضلُهُ عَلَينَا(٢٣)فَمَا هَكَذَا كَانَت سُنّتُهُ فِي التّوبَهِ لِمَن كَانَ قَبلَنَا،لَقَد وَضَعَ عَنّا مَا لَا طَاقَهَ لَنَا بِهِ، وَ لَم يُكَلّفنَا إِلّا وُسعاً، وَ لَم يُجَشّمنَا إِلّا يُسراً، وَ لَم يَدَع لِأَحَدٍ مِنّا حُجّهً وَ لَا عُذراً.(٢٤)فَالهَالِكُ مِنّا مَن هَلَكَ عَلَيهِ، وَ السّعِيدُ مِنّا مَن رَغِبَ إِلَيهِ(٢٥) وَ الحَمدُ لِلّهِ بِكُلّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيهِ وَ أَكرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيهِ وَ أَرضَى حَامِدِيهِ لَدَيهِ(٢٦)حَمداً يَفضُلُ سَائِرَ الحَمدِ كَفَضلِ رَبّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلقِهِ.

(۱۸) و با دادن قـدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد. پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما فرمانبردار بوده و به عزّت او، به اطاعت از ما درمی آیند.

(۱۹) و سپاس خـدایی را که درِ نیازمنـدی را جز به سوی خود، بر مـا بست. پس چگونه سپاس او را به جـا آوریم یا چه زمان توانیم شکرش گزاریم؟ نه! چه زمان (هیچ گاه)؟

(۲۰) و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست و افزارهای قبض و در هم کشیـدن را برای ما قرار داد و مـا را به نسیم هـای زنـدگی بهره منـد سـاخت و اعضـای (کـار و) کردارهـا را در مـا ثـابت سـاخت و بـا روزی های پاکیزه، پرورشمان داد و ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند و به نعمت خویش، سرمایه مان داد.

(۲۱) سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پـذیریمان را بیازمایـد، و نهیب مان نمود تا شـکر گزاریمان را آزمایش کنـد. پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب) های نهیش سوار شـدیم. پس او در کیفرِ ما، شـتاب نکرد و در سـرکوب ما عجله ننمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد و به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید.

(۲۲) و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. پس اگر از فضل او، جز همان توبه را به شمار نیاوریم، مسلّماً نعمتش بر ما نیکو و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام است.

(۲۳) البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودنـد، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشـته و جز به انـدازه توان، بر ما تکلیف ننموده و ما را جز به کار آسان نگماشـته و برای احـدی از ما، برهان و عذری به جا ننهاده.

(۲۴) پس هلاـک شونـده از مـا کسـی است که به خاطر نافرمانی او هلاک شود و نیک بخت از ما کسـی است که به سوی او رغبت ورزد.

(۲۵) و سـپاس خـدای را، بـه هر سپاسـی کـه نزدیـک تریـن فرشـتگانش و گرامی تریـن آفریـدگانش و پسـندیده ترین سـپاس گویانش، او را ستوده اند.

(۲۶) سپاسی که بر سایر سپاس ها، برتری یابد، همانند برتری پروردگارمان، بر همه آفریدگانش.

ص: ۱۲۸۵

(۲۷) ثُمّ لَهُ الحَمدُ مَكَانَ كُلّ نِعمَةٍ لَهُ عَلَينَا وَ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ المَاضِينَ وَ البَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلمُهُ مِن جَمِيعِ الأَشيَاءِ، وَ مَكَانَ كُلّ وَاحِدَةٍ مِنهَا عَدَدُهَا أَضعَافاً مُضَاعَفَةً أَبَداً سَرمَداً إِلَى يَومِ القِيَامَةِ.(۲۸)حَمداً لَا مُنتَهَى لِحَدّهِ، وَ لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَ لَا مَبلَغَ لِغَايَتِهِ، وَ لَا انقِطَاعَ لِأَمَدِهِ(۲۹)حَمداً يَكُونُ وُصلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَ عَفوِهِ، وَ سَبَباً إِلَى رِضوَانِهِ، وَ ذَرِيعَةً إِلَى مَغفِرَتِهِ، وَ طَرِيقاً إِلَى جَنّتِهِ، وَ خَفِيراً مِن نَقِمَتِهِ، وَ أَمناً مِن غَضَبِهِ، وَ ظَهِيراً عَلَى طَاعَتِهِ، وَ حَاجِزاً عَن مَعصِيَتِهِ، وَ عَوناً عَلَى تَأدِيَةِ حَقّهِ وَ وَظَائِفِهِ.(۳۰)حَمداً نَسعَدُ بِهِ فِي السّعَدَاءِ مِن أَولِيَائِهِ، وَ نَصِيرُ بِهِ فِي نَظمِ الشّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعدَائِهِ،إِنّهُ ولَيِ‌ّ حَمِيدٌ

(۲۷) پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر همه بندگانش -گذشتگان و باقی ماندگان- دارد. به شماره آنچه علمش -از همه چیزها- به آن احاطه دارد و به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز قیامت.

(۲۸) سپاسی که حدّش بدون انتها و عددش بی حساب و آخِرش بدون نهایت و مدّتش نامقطوع می باشد.

(۲۹) سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم و سببی به سوی خوشنودی اش و وسیله ای به سوی آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و پناه دهنده ای از عذابش و ایمنی از خشمش و پشتیبانی بر طاعتش و مانعی از معصیتش و یاوری بر ادای حقّ و وظائفش باشد.

(۳۰) سپاسی که با آن در بین سعادتمندان از دوستانش به سعادت برسیم و با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم. به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

ص: ۱۲۸۷

(٢) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ بَعدَ هَذَا التّحمِيدِ فِی الصّلَاهِ عَلَی رَسُولِ اللّهِ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ

(١) وَ الحَمـدُ لِلّهِ ألّـذِی مَنّ عَلینَا بِمُحَمّـدٍ نَبِیّهِ صَـلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ دُونَ الأُمَم المَاضِـیَهِ وَ القُرُونِ السّالِفَهِ،بِقُدرَتِهِ التّی لَا تَعجِزُ عَن شَیءٍ وَ إِن عَظُمَ، وَ لَا یَفُوتُهَا شَـیءٌ وَ إِن لَطُفَ.(٢)فَخَتَمَ بِنَا عَلَی جَمِیعِ مَن ذَرَأَ، وَ جَعَلَنَا شُـهَدَاءَ عَلَی مَن جَحَدَ، وَ کَثّرَنَا بِمَنّهِ عَلَی مَن قَلّ.(٣) أللّهُمّ فَصَـلّ عَلَی مُحَمّـدٍ أَمِینِـکَ عَلَی وَحیِـکَ، وَ نَجِیبِـکَ مِن خَلقِـکَ، وَ صَـفِیّکَ مِن عِبَـادِکَ،إِمَام الرّحمَهِ، وَ قَائِدِ الخَیرِ، وَ مِفتَاحِ البَرَکَهِ.(٤) کَمَـا نَصَبَ لِأَمرِکَ نَفسَهُ(٥) وَ عَرّضَ فِیکَ لِلمَکرُوهِ بَـدَنَهُ(٦) وَ کَاشَفَ فِی الـدّعَاءِ إِلَیکَ حَامّتَهُ(٧) وَ حَارَبَ فِی رِضَاکَ أُسـرَتَهُ(٨) وَ قَطَعَ فِی إِحیَـاءِ دِینِـکَ رَحِمَهُ.(٩) وَ أَقصَـی الأَدنَینَ عَلَی جُحُودِهِم(١٠) وَ قَرّبَ الأَقصَـینَ عَلَی استِجَابَتِهِم لَکَ.(١١) وَ وَالَی فِیـکَ الأَبعَـدِینَ(١٢) وَ عَـادَی فِیـکَ الأَقرَبِینَ(١٣) وأَدأَبَ نَفسَـهُ فِی تَبلِیـغِ رِسَالَتِـکَ(١۴) وَ أَتعَبَهَا بِالدّعَاءِ إِلَی مِلّتِکَ.(١۵) وَ شَـغَلَهَا بِالنّصحِ لِأَهلِ دَعوَتِکَ(١۶) وَ هَـاجَرَ إِلَی بِلَـادِ الغُربَهِ، وَ مَحَلّ النّأیِ عَن مَوطِنِ رَحلِهِ، وَ مَوضِـعِ رِجلِهِ، وَ مَسقَطِ رَأسِهِ، وَ مَأنَسِ نَفسِهِ،إِرَادَهً مِنهُ لِإِعزَازِ دِینِکَ، وَ استِنصَاراً عَلَی أَهلِ الکُفرِ بِکَ.

(۲)و از دعای امام علیه السلام بود، پس از این سپاس، در درود بر رسول خدا «صلی اللّه علیه و آله»

(۱) و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد- بر ما منّت نهاد، نه بر امّت های گذشته و مردمان پیشین، به قدرتش که از چیزی -اگر چه بزرگ باشد- ناتوان نیست و چیزی -اگر چه خرد باشد- از او رهایی نمی یابد.

(۲) پس به وسیله ما به همه آفریدگانش پایان داد، و ما را بر کسانی که انکار کرده اند، شاهد گرداند. و ما را با احسان خود، بر کسانی که اندک بودند، فزونی بخشید.

(۳) خداوندا بر محمّد -امین وحیت و برگزیده از آفریدگانت و دوست تو از بندگانت، آن پیشوای رحمت و رهبر خیر و کلید برکت- درود فرست.

(۴) همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت.

(۵) و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد.

(۶) و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت.

(۷) و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

(۸) و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

(۹) و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

(۱۰) و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان -برای تو- نزدیک نمود.

(۱۱) و به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

(۱۲) و به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود.

(۱۳) و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

(۱۴) و با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

(۱۵) و خود را به نصیحت کردن به پذیرندگانِ دعوتت مشغول ساخت.

(۱۶) و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزّت دهد و بر (ضد) کافرانِ به تو یاری طلبد.

(١٧) حَتّی استَتَبّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِی أَعدَائِکَ(١٨) وَ استَتَمّ لَهُ مَا دَبّرَ فِی أَولِیَائِکَ.(١٩)فَنَهَدَ إِلَیهِم مُستَفتِحاً بِعَونِکَ، وَ مُتَقَوّیاً عَلَی ضَعفِهِ بِنَصرِکَ(٢٠)فَغَزَاهُم فِی عُقرِ دِیَارِهِم.(٢١) وَ هَجَمَ عَلَیهِم فِی بُحبُوحَهِ قَرَارِهِم(٢٢) حَتّی ظَهَرَ أَمرُکَ، وَ عَلَت کَلِمَتُکَ، وَ لَو کَرِهَ المُشرِکُونَ.(٢٣) أَللّهُمّ فَارفَعهُ بِمَا کَدَحَ فِیکَ إِلَی الدّرَجَهِ العُلیَا مِن جَنّتِکَ(٢٤) حَتّی لَا یُسَاوَی فِی مَنزِلَهٍ، وَ لَا یُکَافَأَ فِی مَرتَبَهٍ، وَ لَا یُوَازِیَهُ لَدَیکَ مَلَکٌ مُقَرّبٌ، وَ لَا نَبِیّ مُرسَلٌ.(٢٥) وَ عَرّفهُ فِی أَهلِهِ الطّاهِرِینَ وَ أُمّتِهِ المُؤمِنِینَ مِن حُسنِ الشّفَاعَهِ أَجَلّ مَا وَعَدتَهُ(٢٦) یَا نَافِذَ العِدَهِ، یَا وَافِیَ القَولِ، یَا مُبَدّلَ السّیّئَاتِ بِأَضعَافِهَا مِنَ الحَسَنَاتِ إِنّکَ ذُو الفَضلِ العَظِیمِ.

ص: ١٢٩٠

(۱۷) سرانجام آنچه درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد.

(۱۸) و آنچه او درباره دوستانت می اندیشید، برایش کامل گردید.

(۱۹) پس با امید به پیروزی به یاری تو، و با قوّت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت.

(۲۰) پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

(۲۱) و در میان قرارگاه شان، بر آنان هجوم برد.

(۲۲) تا اینکه فرمان تو آشکار شد و سخن تو، بلند گردید. اگر چه مشرکان نمی پسندیدند.

(۲۳) خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر.

(۲۴) تا آنکه کسی در منزلت با او یکسان و در مقام همتا نباشد و نزد تو هیچ فرشته مقرّبی و پیامبر فرستاده شده ای با او برابری نکند.

(۲۵) و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امّتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن.

(۲۶) ای به انجام رساننده وعده، ای وفا کننده گفتار، ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها. به درستی که تو دارای فضل بزرگی.

ص: ۱۲۹۱

(٣) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی الصّلَاهِ عَلَی حَمَلَهِ العَرشِ وَ کُلّ مَلَکٍ مُقَرّبٍ

(١) أللّهُمّ وَ حَمَلَهُ عَرشِکَ الّذِینَ لَا یَفتُرُونَ مِن تَسبِیحِکَ، وَ لَا یَسأَمُونَ مِن تَقدِیسِکَ، وَ لَا یَستَحسِرُونَ مِن عِبَادَتِکَ، وَ لَا یُؤثِرُونَ التّقصِیرَ عَلَی الجِدّ فِی أَمرِکَ، وَ لَا یَغفُلُونَ عَنِ الوَلَهِ إِلَیکَ(٢) وَ إِسرَافِیلُ صَاحِبُ الصّورِ،الشّاخِصُ ألّذِی یَنتَظِرُ مِنکَ الإِذنَ، وَ حُلُولَ الأَمرِ،فَیُنَبّهُ بِالنّفخَهِ صَرعَی رَهَائِنِ القُبُورِ.(٣) وَ مِیکَائِیلُ ذُو الجَاهِ عِندَکَ، وَ المَکَانِ الرّفِیعِ مِن طَاعَتِکَ.(٤) وَ جِبرِیلُ الأَمِینُ عَلَی وَحیِکَ،المُطَاعُ فِی أَهلِ سَمَاوَاتِکَ،المَکِینُ لَدَیکَ،المُقَرّبُ عِندَکَ(٥) وَ الرّوحُ ألّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِکَهِ الحُجُبِ.(٦) وَ الرّوحُ ألّذِی هُوَ مِن أَمرِکَ،فَصَلّ عَلَیهِم، وَ عَلَی المَلَائِکَهِ الّذِینَ مِن دُونِهِم مِن سُکّانِ سَمَاوَاتِکَ، وَ أَهلِ الأَمَانَهِ عَلَی رِسَالَاتِکَ(٧) وَ الّذِینَ لَا تَدخُلُهُم سَأمَهٌ مِن دُءُوبٍ، وَ لَا إِعیَاءٌ مِن لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ، وَ لَا تَشغَلُهُم عَن تَسبِیحِکَ الشّهَوَاتُ، وَ لَا یَقطَعُهُم عَن تَعظِیمِکَ سَهوُ الغَفَلَاتِ.(٨)الخُشّعُ الأَبصَارِ فَلَا یَرُومُونَ النّظَرَ إِلَیکَ،النّوَاکِسُ الأَذقَانِ،الّذِینَ قَد طَالَت رَغبَتُهُم فِیمَا لَدَیکَ،المُستَهتَرُونَ بِذِکرِ آلَائِکَ، وَ المُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِکَ وَ جَلَالِ کِبرِیَائِکَ

ص: ١٢٩٢

(۳)و از دعای امام علیه السلام بود، در درود بر نگهداران عرش الهی و هر فرشته مقرّب

(۱) خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، و از تقدیس تو دلتنگ نمی شوند و از پرستشت درمانده نمی گردند، و در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند و از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند،

(۲) و اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست، تا با دمیدنْ مردگانِ گروِ گورها را بیدار کند،

(۳) و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد،

(۴) و جبرئیل که امین وحی توست، فرمانروا در میان اهل آسمان هایت، ارجمند در پیشگاه تو و مقرّب نزد توست،

(۵) و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده،

(۶) و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.

(۷) و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، و از خستگیِ زیاد، وامانده و سست نمی گردند، و خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد، و فراموشیِ غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی سازد،

(۸) (آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند و چانه ها را به زیر انداخته اند. آنهایی که به آنچه در نزد توست مشتاق بودنشان بسیار است و به ذکر نعمت های تو حریص می باشند، و در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند تو فروتنند،

ص: ۱۲۹۳

(۹) وَ الّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنّمَ تَزفِرُ عَلَى أَهلِ مَعصِيَتِکَ سُبحَانَکَ مَا عَبَدنَاکَ حَقّ عِبَادَتِکَ.(۱۰)فَصَلّ عَلَيهِم وَ عَلَى الرّوحَانِيّينَ مِن مَلَائِکَتِکَ، وَ أَهلِ الزّلفَهِ عِندَکَ، وَ حُمّالِ الغَيبِ إِلَى رُسُلِکَ، وَ المُؤتَمَنِينَ عَلَى وَحيِکَ(۱۱) وَ قَبَائِلِ المَلَائِکَهِ الّذِينَ اختَصَصتَهُم لِنَفسِکَ، وَ أَغنَيتَهُم عَنِ الطّعَامِ وَ الشّرَابِ بِتَقدِيسِکَ، وَ أَسکَنتَهُم بُطُونَ أَطبَاقِ سَمَاوَاتِکَ.(۱۲) وَ الّذِينَ عَلَى أَرجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الأَمرُ بِتَمَامِ وَعدِکَ(۱۳) وَ خُزّانِ المَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السّحَابِ(۱۴) وَ الّذِى بِصَوتِ زَجرِهِ يُسمَعُ زَجَلُ الرّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَت بِهِ حَفِيفَهُ السّحَابِ التَمَعَت صَوَاعِقُ البُرُوقِ.(۱۵) وَ مُشَيّعِى الثّلجِ وَ البَرَدِ، وَ الهَابِطِينَ مَعَ قَطرِ المَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ القُوّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرّيَاحِ، وَ المُوَکّلِينَ بِالجِبَالِ فَلَا تَزُولُ(۱۶) وَ الّذِينَ عَرّفتَهُم مَثَاقِيلَ المِيَاهِ، وَ کَيلَ مَا تَحوِيهِ لَوَاعِجُ الأَمطَارِ وَ عَوَالِجُهَا(۱۷) وَ رُسُلِکَ مِنَ المَلَائِکَهِ إِلَى أَهلِ الأَرضِ بِمَکرُوهِ مَا يَنزِلُ مِنَ البَلَاءِ وَ مَحبُوبِ الرّخَاءِ(۱۸) وَ السّفَرَهِ الکِرَامِ البَرَرَهِ، وَ الحَفَظَهِ الکِرَامِ الکَاتِبِينَ، وَ مَلَکِ المَوتِ وَ أَعوَانِهِ، وَ مُنکَرٍ وَ نَکِيرٍ، وَ رُومَانَ فَتّانِ القُبُورِ، وَ الطّائِفِينَ بِالبَيتِ المَعمُورِ، وَ مَالِکٍ، وَ الخَزَنَهِ، وَ رِضوَانَ، وَ سَدَنَهِ الجِنَانِ.(۱۹) وَ الّذِينَ لَا يَعصُونَ اللّهَ مَا أَمَرَهُم، وَ يَفعَلُونَ مَا يُؤمَرُونَ(۲۰) وَ الّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيکُم بِمَا صَبَرتُم فَنِعمَ عُقبَى الدّارِ(۲۱) وَ الزّبَانِيَهِ الّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُم خُذُوهُ فَغُلّوهُ ثُمّ الجَحِيمَ صَلّوهُ ابتَدَرُوهُ سِرَاعاً، وَ لَم يُنظِرُوهُ.

(۹) و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزّهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم.

(۱۰) پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیّان از فرشتگانت و آنها که نزدت مقرّبند، و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند و بر وحی تو امانت دارند.

(۱۱) و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای و آنان را به ذکر تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای، و در دل طبقه های آسمان هایت، سکونتشان داده ای.

(۱۲) و آنها که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود،

(۱۳) و خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابر،

(۱۴) و آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد،

(۱۵) و بر همراهی کنندگان برف و تگرگ، و فرود آمدگان به همراه قطره های نازل شده باران، و زمامداران بر گنجینه بادها، و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد،

(۱۶) و آنها که وزن آب ها و پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای،

(۱۷) و بر فرستادگانت از فرشتگان، که بلای ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی،

(۱۸) و سفیران بزرگوارِ نیکوکار و حافظان گرامی نویسنده (اعمال)، و فرشته مرگ و یارانش و بر منکر و نکیر و رومانْ آزمایش کننده (مردگان) قبرها و طواف کنندگان بیت المعمور و مالک و خزانه دار دوزخ و رضوان و کلیددار بهشت ها،

(۱۹) و آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند،

(۲۰) و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای،

(۲۱) و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند،

ص: ۱۲۹۵

(٢٢) وَ مَـِن أَوهَمنَـا ذِكرَهُ، وَ لَـم نَعلَم مَكَـانَهُ مِنـكَ، وبِأَيَ ـ أَمرٍ وَكّلتَهُ.(٢٣) وَ سُـكّانِ الهَـوَاءِ وَ الأَـرضِ وَ المَـاءِ وَ مَـن مِنهُم عَلَى الخَلقِ(٢٤)فَصَلّ عَلَيهِم يَومَ يأَتِي كُلّ نَفسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ(٢٥) وَ صَلّ عَلَيهِم صَلَاةً تَزِيدُهُم كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِم وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِم(٢٦) أَللّهُـمّ وَ إِذَا صَـلّيتَ عَلَى مَلَائِكَتِـكَ وَ رُسُـلِكَ وَ بَلّغتَهُم صَـلَاتَنَا عَلَيهِم فَصَـلّ عَلَينَا بِمَـا فَتَحتَ لَنَـا مِن حُسنِ القَـولِ فِيهِم،إِنّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

۲۲) و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریّتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم،

(۲۳) و ساکنان هوا و زمین و آب و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند،

(۲۴) پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

(۲۵) و بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید.

(۲۶) خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. به درستی که تو بسیار بخشنده و بزرگواری.

ص: ۱۲۹۷

(۴) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی الصّلَاهِ عَلَی أَتبَاعِ الرّسُلِ وَ مُصَدّقِیهِم

(۱) أللّهُمّ وَ أَتبَاعُ الرّسُلِ وَ مُصَدّقُوهُم مِن أَهلِ الأَرضِ بِالغَیبِ

عِندَ مُعَارَضَهِ المُعَانِدِینَ لَهُم بِالتّکذِیبِ وَ الِاشتِیَاقِ إِلَی المُرسَلِینَ بِحَقَائِقِ الإِیمَانِ(۲) فِی کُلّ دَهرٍ وَ زَمَانٍ أَرسَلتَ فِیهِ رَسُولًا وَ أَقَمتَ لِأَهلِهِ دَلِیلًا مِن لَدُن آدَمَ إِلَی مُحَمّدٍ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ مِن أَئِمّهِ الهُدَی، وَ قَادَهِ أَهلِ التّقَی، عَلَی جَمِیعِهِمُ السّلَامُ،فَاذکُرهُم مِنکَ بِمَغفِرَهٍ وَ رِضوَانٍ.(۳) أللّهُمّ وَ أَصحَابُ مُحَمّدٍ خَاصّهً الّذِینَ أَحسَنُوا الصّحَابَهَ وَ الّذِینَ أَبلَوُا البَلَاءَ الحَسَنَ فِی نَصرِهِ، وَ کَانَفُوهُ، وَ أَسرَعُوا إِلَی وِفَادَتِهِ، وَ سَابَقُوا إِلَی دَعوَتِهِ، وَ استَجَابُوا لَهُ حَیثُ أَسمَعَهُم حُجّهَ رِسَالَاتِهِ.(۴) وَ فَارَقُوا الأَزوَاجَ وَ الأَولَادَ فِی إِظهَارِ کَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الآبَاءَ وَ الأَبنَاءَ فِی تَثبِیتِ نُبُوّتِهِ، وَ انتَصَرُوا بِهِ.(۵) وَ مَن کَانُوا مُنطَوِینَ عَلَی مَحَبّتِهِ یَرجُونَ تِجَارَهً لَن تَبُورَ فِی مَوَدّتِهِ.(۶) وَ الّذِینَ هَجَرَتهُم العَشَائِرُ إِذ تَعَلّقُوا بِعُروَتِهِ، وَ انتَفَت مِنهُمُ القَرَابَاتُ إِذ سَکَنُوا فِی ظِلّ قَرَابَتِهِ.(۷) فَلَا تَنسَ لَهُمُ أللّهُمّ مَا تَرَکُوا لَکَ وَ فِیکَ، وَ أَرضِهِم مِن رِضوَانِکَ، وَ بِمَا حَاشُوا الخَلقَ عَلَیکَ، وَ کَانُوا مَعَ رَسُولِکَ دُعَاهً لَکَ إِلَیکَ.

ص: ۱۲۹۸

(۴) از دعاهای امام علیه السلام است در درود بر پیروان پیامبران و تصدیق کنندگان ایشان

(۱) خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانیِ پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند و هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند،

(۲) در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد-، از امامانِ رستگاری و پیشوایان اهل پرهیزکار -که بر همه آنها درود باد- پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن.

(۳) خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند و به وی کمک رساندند و به سوی پیامش شتافتند و به سوی دعوتش پیشی گرفتند و هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند اجابت کردند،

(۴) و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند و در پایدار ساختن نبوّت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند، و به همراه او پیروز شدند،

(۵) و آنها که محبّت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند،

(۶) و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله ها یشان از آنها دوری نمودند و آنگاه که در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند،

(۷) پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز که مردمان را بر تو گرد آوردند و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند.

ص: ۱۲۹۹

(۸) وَ اشکَرهُم عَلَی هَجرِهِم فِیکَ دِیَارَ قَومِهِم، وَ خُرُوجِهِم مِن سَعَهِ المَعَاشِ إِلَی ضِیقِهِ، وَ مَن کَثَّرتَ فِی إِعزَازِ دِینِکَ مِن مَظلُومِهِم.(۹) أَللّهُمّ وَ أَوصِل إِلَی التّابِعِینَ لَهُم بِإِحسَانٍ،الّذِینَ یَقُولُونَ رَبّنَا اغفِر لَنَا وَ لِإِخوَانِنَا الّذِینَ سَبَقُونَا بِالإِیمَانِ خَیرَ جَزَائِکَ.(۱۰)الّذِینَ قَصَدُوا سَمتَهُم، وَ تَحَرّوا وِجهَتَهُم، وَ مَضَوا عَلَی شَاکِلَتِهِم.(۱۱) لَم یَثنِهِم رَیبٌ فِی بَصِیرَتِهِم، وَ لَم یَختَلِجهُم شَکٌّ فِی قَفوِ آثَارِهِم، وَ الِائتِمَامِ بِهِدَایَهِ مَنَارِهِم.(۱۲)مُکَانِفِینَ وَ مُوَازِرِینَ لَهُم،یَدِینُونَ بِدِینِهِم، وَ یَهتَدُونَ بِهَدیِهِم،یَتّفِقُونَ عَلَیهِم، وَ لَا یَتّهِمُونَهُم فِیمَا أَدّوا إِلَیهِم.(۱۳) أَللّهُمّ وَ صَلّ عَلَی التّابِعِینَ مِن یَومِنَا هَذَا إِلَی یَومِ الدّینِ وَ عَلَی أَزوَاجِهِم وَ عَلَی ذُرّیّاتِهِم وَ عَلَی مَن أَطَاعَکَ مِنهُم.(۱۴)صَلَاهً تَعصِمُهُم بِهَا مِن مَعصِیَتِکَ، وَ تَفسَحُ لَهُم فِی رِیَاضِ جَنّتِکَ، وَ تَمنَعُهُم بِهَا مِن کَیدِ الشّیطَانِ، وَ تُعِینُهُم بِهَا عَلَی مَا استَعَانُوکَ عَلَیهِ مِن بِرّ، وَ تَقِیهِم طَوَارِقَ اللّیلِ وَ النّهَارِ إِلّا طَارِقاً یَطرُقُ بِخَیرٍ.(۱۵) وَ تَبعَثُهُم بِهَا عَلَی اعتِقَادِ حُسنِ الرّجَاءِ لَکَ، وَ الطّمَعِ فِیمَا عِندَکَ وَ تَرکِ التّهَمَهِ فِیمَا تَحوِیهِ أَیدِی العِبَادِ(۱۶)لِتَرُدّهُم إِلَی الرّغبَهِ إِلَیکَ وَ الرّهبَهِ مِنکَ، وَ تُزَهّدَهُم فِی سَعَهِ العَاجِلِ، وَ تُحَبّبَ إِلَیهِمُ العَمَلَ لِلآجِلِ، وَ الِاستِعدَادَ لِمَا بَعدَ المَوتِ(۱۷) وَ تُهَوّنَ عَلَیهِم کُلّ کَربٍ یَحِلّ بِهِم یَومَ خُرُوجِ الأَنفُسِ مِن أَبدَانِهَا(۱۸) وَ تُعَافِیَهُم مِمّا تَقَعُ بِهِ الفِتنَهُ مِن مَحذُورَاتِهَا، وَ کَبّهِ النّارِ وَ طُولِ الخُلُودِ فِیهَا(۱۹) وَ تُصَیّرَهُم إِلَی أَمنٍ مِن مَقِیلِ المُتّقِینَ.

(۸) و ایشـان را به خاطر آنکه در راه تو از شـهرهای خویشان هجرت کردنـد و از زنـدگی راحت به سـختی افتادنـد و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند پاداش عنایت کن.

(۹) خداونـدا بهترین پـاداش خود را به تابعینِ نیکو کارِ ایشان برسان. همانها که می گوینـد: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیشقدم شدند بیامرز.

(۱۰) آنان که راه ایشان را قصد نمودند و به سوی جهت آنها رو آوردند و به روش آنها رفتار نمودند.

(۱۱) آنـان که عقیـده یشـان را شـکّی بر نگردانـد و تردیـدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها و اقتـدا به چراغ هـدایت ایشان آشفته نساخت.

(۱۲) در حالی که بر ایشان یاری کننده و کمک دهنده می باشند، دین آنان را پیروی می کنند، به راهنمایی آنها راه می یابند، با ایشان موافقت دارند و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.

(۱۳) خداوندا از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.

(۱۴) درودی که به سـبب آن ایشـان را از معصـیت نگه داری و در بـاغ هـای بهشـتت بر ایشان وسـعت دهی، و آنان را از حیله شیطان بازداری، و بر خواسـته های نیک آنان، کمک رسانی و آنها را از حوادث شب و روز -مگر خیری که پیش آید- حفظ نمایی.

(۱۵) درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.

(۱۶) بـدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی، و عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی

(۱۷) و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی.

(۱۸) و ایشان را از آنچه که به وجود آورنـده آزمایش هایی از امور ترسـناک و سـختی آتش و همیشه مانـدن در آتش است، عافیت بخشی.

(۱۹) و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی.

ص: ۱۳۰۱

(۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ لِنَفسِهِ ولِأَهلِ وَلَايَتِهِ

(۱) يَا مَن لَا تَنقَضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احجُبنَا عَنِ الإِلحَادِ فِى عَظَمَتِكَ(۲) وَ يَا مَن لَا تَنتَهِى مُدّةُ مُلكِهِ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعتِق رِقَابَنَا مِن نَقِمَتِكَ.(۳) وَ يَا مَن لَا تَفنَى خَزَائِنُ رَحمَتِهِ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ وَ اجعَل لَنَا نَصِيباً فِى رَحمَتِكَ. (۴) وَ يَا مَن تَنقَطِعُ دُونَ رُؤيَتِهِ الأَبصَارُ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَدنِنَا إِلَى قُربِكَ(۵) وَ يَا مَن تَصغُرُ

عِندَ خَطَرِهِ الأَخطَارُ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ كَرّمنَا عَلَيكَ.(۶) وَ يَا مَن تَظهَرُ عِندَهُ بَوَاطِنُ الأَخبَارِ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَفضَحنَا لَدَيكَ.(۷) أَللّهُمّ أَغنِنَا عَن هِبَةِ الوَهّابِينَ بِهِبَتِكَ، وَ اكفِنَا وَحشَةَ القَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ حَتّى لَا نَرغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذلِكَ، وَ لَا نَستَوحِشَ مِن أَحَدٍ مَعَ فَضلِكَ.(۸) أَللّهُمّ فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ كِد لَنَا وَ لَا تَكِد عَلَينَا، وَ امكُر لَنَا وَ لَا تَمكُر بِنَا، وَ أَدِل لَنَا وَ لَا تُدِل مِنّا.(۹) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ قِنَا مِنكَ، وَ احفَظنَا بِكَ، وَ اهدِنَا إِلَيكَ، وَ لَا تُبَاعِدنَا عَنكَ إِنّ مَن تَقِهِ يَسلَم وَ مَن تَهدِهِ يَعلَم، وَ مَن تُقَرّبهُ إِلَيكَ يَغنَم.

ص: ۱۳۰۲

(۵)از دعاهای امام علیه السلام است برای خود و دوستانش

(۱) ای کسی که شگفتی های بزرگی او پایانی ندارد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کج روی در عظمت خود بازدار.

(۲) و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و گردن های ما را از عذابت آزاد کن.

(۳) و ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود بر محمّد و خاندانش درود فرست و از رحمت خود برای ما بهره ای قرار ده.

(۴) و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما.

(۵) و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می شود بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را نزد خود گرامی دار.

(۶) و ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را پیش خود رسوا نکن.

(۷) خداوندا ما را با عطای خود، از بخشش بخشندگان بی نیاز کن و با پیوستن به خود، ما را از وحشتِ دوری کنندگان، نگهدار. تا با بخشش تو از دیگران درخواست نکنیم و با احسانت از کسی نهراسیم.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به سود ما نه به زیان ما تدبیر کن و برای (نفع) ما مکر فرما و بر (ضرر) ما مکر نکن و چیرگی را برای (نفع) ما قرار ده و بر ضرر ما قرار نده.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از (عذاب) خود حفظ کن و به وسیله خود نگهدارمان باش و ما را به سوی خود هدایت فرما و ما را از خود دور نکن. زیرا هر کس را که حفظ کنی، سالم می ماند و هر کس را که هدایت کنی، دانا می شود و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می برد.

ص: ۱۳۰۳

(۱۰) أللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنَا حَدّ نَوَائِبِ الزّمَانِ، وَ شَرّ مَصَايِدِ الشّيطَانِ، وَ مَرَارَةَ صَولَةِ السّلطَانِ.(۱۱) أللّهُمّ إِنّمَا يكتفِي المُكتَفُونَ بِفَضلِ قُوّتِكَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنَا، وَ إِنّمَا يعُطِي المُعطُونَ مِن فَضلِ جِدَتِكَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعطِنَا، وَ إِنّمَا يهَتدَيِ المُهتَدُونَ بِنُورِ وَجهِكَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهدِنَا.(۱۲) أللّهُمّ إِنّكَ مَن وَالَيتَ لَم يَضرُرهُ خِذلَانُ الخَاذِلِينَ، وَ مَن أَعطَيتَ لَم يَنقُصهُ مَنعُ المَانِعِينَ، وَ مَن هَدَيتَ لَم يُغوِهِ إِضلَالُ المُضِلّينَ(۱۳)فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ امنَعنَا بِعِزّكَ مِن عِبَادِكَ، وَ أَغنِنَا عَن غَيرِكَ بِإِرفَادِكَ، وَ اسلُك بِنَا سَبِيلَ الحَقّ بِإِرشَادِكَ.(۱۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكرِ عَظَمَتِكَ، وَ فَرَاغَ أَبدَانِنَا فِي شُكرِ نِعمَتِكَ، وَ انطِلَاقَ أَلسِنَتِنَا فِي وَصفِ مِنّتِكَ.(۱۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلنَا مِن دُعَاتِكَ الدّاعِينَ إِلَيكَ، وَ هُدَاتِكَ الدّالّينَ عَلَيكَ، وَ مِن خَاصّتِكَ الخَاصّينَ لَدَيكَ، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.

(۱۰) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و ما را از سـختی حوادث روزگار و شـرّ دام های شـیطان و تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

(۱۱) خداونـدا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شونـد پس بر محمّـد و خاندانش درود فرست و ما را بی نیاز گردان. و به درستی که بخشـندگان از زیادی عطای تو می بخشند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به ما عطا فرما. و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را هدایت فرما.

(۱۲) خداونـدا هر کس را که تو یاری نمودی خواری خوار کننـدگان به او زیان نرسانـد و هر که را تو عطا فرمودی جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست و هر که را تو راهنمایی نمودی گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد.

(۱۳) پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و به عزّت خود مـا را از بنـدگانت حفظ کن و به یاری خود ما را از غیر خود بی نیاز گردان و به راهنمایی خود ما را به راه حق رهسپار ساز.

(۱۴) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و سـلامتی دل هـای مـا را در یـاد بزرگی خود و آسـایش تن ها یمان را در سپاس گزاری نعمت خود و خوش سخنی ها یمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده.

(۱۵) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و ما را از داعیان دعوت کننـده به سوی خود و از هادیان راهنمایی کننده به راه خود و از برگزیدگان مخصوص خود قرار ده. ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۱۳۰۵

(۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ عِندَ الصّبَاحِ وَ المَسَاءِ

(۱)الحَمدُ لِلّهِ ألّذِی خَلَقَ اللّیلَ وَ النّهَارَ بِقُوّتِهِ(۲) وَ مَیّزَ بَینَهُمَا بِقُدرَتِهِ(۳) وَ جَعَلَ لِکُلّ وَاحِدٍ مِنهُمَا حَدّاً مَحدُوداً، وَ أَمَداً مَمدُوداً(۴)یُولِجُ کُلّ وَاحِدٍ مِنهُمَا فِی صَاحِبِهِ، وَ یُولِجُ صَاحِبَهُ فِیهِ بِتَقدِیرٍ مِنهُ لِلعِبَادِ فِیمَا یَغذُوهُم بِهِ، وَ یُنشِئُهُم عَلَیهِ(۵)فَخَلَقَ لَهُمُ اللّیلَ لِیَسکُنُوا فِیهِ مِن حَرَکَاتِ التّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النّصَبِ، وَ جَعَلَهُ لِبَاساً لِیَلبَسُوا مِن رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ،فَیَکُونَ ذَلِکَ لَهُم جَمَاماً وَ قُوّةً، وَ لِیَنَالُوا بِهِ لَذّةً وَ شَهوَةً(۶) وَ خَلَقَ لَهُمُ النّهَارَ مُبصِراً لِیَبتَغُوا فِیهِ مِن فَضلِهِ، وَ لِیَتَسَبّبُوا إِلَی رِزقِهِ، وَ یَسرَحُوا فِی أَرضِهِ،طَلَباً لِمَا فِیهِ نَیلُ العَاجِلِ مِن دُنیَاهُم، وَ دَرَکُ الآجِلِ فِی أُخرَاهُم(۷)بِکُلّ ذَلِکَ یُصلِحُ شَأنَهُم، وَ یَبلُو أَخبَارَهُم، وَ یَنظُرُ کَیفَ هُم فِی أَوقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَحکَامِهِ،لِیَجزِیَ الّذِینَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ یَجزِیَ الّذِینَ أَحسَنُوا بِالحُسنَی.(۸) أللّهُمّ فَلَکَ الحَمدُ عَلَی مَا فَلَقتَ لَنَا مِنَ الإِصبَاحِ، وَ مَتّعتَنَا بِهِ مِن ضَوءِ النّهَارِ، وَ بَصّرتَنَا مِن مَطَالِبِ الأَقوَاتِ، وَ وَقَیتَنَا فِیهِ مِن طَوَارِقِ الآفَاتِ.

ص: ۱۳۰۶

(۶)از دعاهای امام علیه السلام است هنگام بامداد و شامگاه

(۱) سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید.

(۲) و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.

(۳) و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود.

(۴) بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی داده، آنها را پرورش دهد.

(۵) و شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیاسایند و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند، که خواب برای آنان نشاط و نیروآور است، تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.

(۶) و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند و جهت دست یابی به روزی، وسیله جویی کنند و در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا و یافتن سود آینده در آخرت.

(۷) بدین گونه حالِ ایشان را اصلاح می نماید، و اخبار آنها را می آزماید، و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجبات و موارد احکامش چگونه اند. تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.

(۸) خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز بهره مند گرداندی، و ما را از جایی که بتوان روزی به دست آورد بینا نمودی، و در آن ما را از پیشامدها و بلاها نگهداشتی.

ص: ۱۳۰۷

(۹)أَصبَحنَا وَ أَصبَحَتِ الأَشيَاءُ كُلّهَا بِجُملَتِهَا لَکَ سَمَاؤُهَا وَ أَرضُهَا، وَ مَا بَثَثتَ فِی کُلّ وَاحِدٍ مِنهُمَا،سَاکِنُهُ وَ مُتَحَرّکُهُ، وَ مُقِیمُهُ وَ شَاخِصُهُ وَ مَا عَلَا فِی الهَوَاءِ، وَ مَا کَنّ تَحتَ الثّرَی(۱۰)أَصبَحنَا فِی قَبضَتِکَ یَحوِینَا مُلکُکَ وَ سُلطَانُکَ، وَ تَضُمّنَا مَشِیّتُکَ، وَ نَتَصَرّفُ عَن أَمرِکَ، وَ نَتَقَلّبُ فِی تَدبِیرِکَ.(۱۱) لَیسَ لَنَا مِنَ الأَمرِ إِلّا مَا قَضَیتَ، وَ لَا مِنَ الخَیرِ إِلّا مَا أَعطَیتَ.(۱۲) وَ هَذَا یَومٌ حَادِثٌ جَدِیدٌ، وَ هُوَ عَلَینَا شَاهِدٌ عَتِیدٌ، إِن أَحسَنّا وَدّعَنَا بِحَمدٍ، وَ إِن أَسَأنَا فَارَقَنَا بِذَمّ.(۱۳) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقنَا حُسنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَ اعصِمنَا مِن سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارتِکَابِ جَرِیرَةٍ، أَوِ اقتِرَافِ صَغِیرَةٍ أَو کَبِیرَةٍ(۱۴) وَ أَجزِل لَنَا فِیهِ مِنَ الحَسَنَاتِ، وَ أَخلِنَا فِیهِ مِنَ السّیّئَاتِ، وَ املَأ لَنَا مَا بَینَ طَرَفَیهِ حَمداً وَ شُکراً وَ أَجراً وَ ذُخراً وَ فَضلًا وَ إِحسَاناً.(۱۵) أَللّهُمّ یَسّر عَلَی الکِرَامِ الکَاتِبِینَ مَئُونَتَنَا، وَ املَأ لَنَا مِن حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا، وَ لَا تُخزِنَا عِندَهُم بِسُوءِ أَعمَالِنَا.(۱۶) أَللّهُمّ اجعَل لَنَا فِی کُلّ سَاعَةٍ مِن سَاعَاتِهِ حَظّاً مِن عِبَادِکَ، وَ نَصِیباً مِن شُکرِکَ وَ شَاهِدَ صِدقٍ مِن مَلَائِکَتِکَ.(۱۷) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احفَظنَا مِن بَینِ أَیدِینَا وَ مِن خَلفِنَا وَ عَن أَیمَانِنَا وَ عَن شَمَائِلِنَا وَ مِن جَمِیعِ نَوَاحِینَا،حِفظاً عَاصِماً مِن مَعصِیَتِکَ،هَادِیاً إِلَی طَاعَتِکَ،مُستَعمِلًا لِمَحَبّتِکَ.(۱۸) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ وَفّقنَا فِی یَومِنَا هَذَا وَ لَیلَتِنَا هَذِهِ وَ فِی جَمِیعِ أَیّامِنَا لِاستِعمَالِ الخَیرِ، وَ هِجرَانِ الشّرّ، وَ شُکرِ النّعَمِ، وَ اتّبَاعِ السّنَنِ، وَ مُجَانَبَةِ البِدَعِ، وَ الأَمرِ بِالمَعرُوفِ، وَ النّهیِ عَنِ المُنکَرِ، وَ حِیَاطَةِ الإِسلَامِ، وَ انتِقَاصِ البَاطِلِ وَ إِذلَالِهِ، وَ نُصرَةِ الحَقّ وَ إِعزَازِهِ، وَ إِرشَادِ الضّالّ، وَ مُعَاوَنَةِ الضّعِیفِ، وَ إِدرَاکِ اللّهِیفِ

(۹) صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی، از آرام و جنبنده، ثابت و رونده و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه در زیر زمین پنهان است و همه از آنِ تو هستیم.

(۱۰) ما در تحت قدرت تو صبح کردیم. سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرامی گیرد و اراده توست که ما را جمع می کند، و از روی فرمان توست که دست به کاری می زنیم و به تدبیر توست که در کارها تصرّف می کنیم.

(۱۱) برای ما از اراده و خواسته، چیزی جز آنچه تو حکم کردی و از خیر، چیزی جز آنچه تو بخشیدی نیست.

(۱۲) و این روزی نو و تازه و گواهی حاضر بر ماست. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید و اگر بدی کردیم، با نکوهش از ما جدا شود.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و نیکیِ همدم بودن با آن روز را نصیب ما گردان و از بدیِ جدایی از آن بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن.

(۱۴) و در آن روز خوبی ها را برای ما بسیار گردان و ما را در آن از بدی ها تهی ساز و دو طرف آن را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

(۱۵) خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز، و نامه های اعمال ما را از نیکی هایمان پر کن، و ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان.

(۱۶) خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت و سهمی از سپاس گزاری ات و گواه صادقی از فرشتگانت قرار ده.

(۱۷) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از پیش رویمان و از پشت سرمان و از طرف راستمان و از سمت چپمان و از همه اطرافمان نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و به فرمانبرداریت راهنمایی کند و در جهت دوستی تو به کار برد.

(۱۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و ترک بدی و سپاس نعمت ها و پیروی از سنّت ها و ترک بدعت ها و امر به معروف و نهی از منکر و حفظ اسلام و نکوهش کردن و خوار نمودن نادرستی ها و یاری دادن و تقویت حق و راهنمایی گمراهان و کمک کردن ناتوان و یاری دادن ستم دیده، توفیق ده.

ص: ۱۳۰۹

(۱۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلهُ أَيمَنَ يوم عَهِدنَاهُ، وَ أَفضَلَ صَاحِبٍ صَحِبنَاهُ، وَ خَيرَ وَقتٍ ظَلِلنَا فِيهِ(۲۰) وَ اجعَلنَا مِن أَرضَى مَن مَرّ عَلَيهِ اللّيلُ وَ النّهَارُ مِن جُملَهِ خَلقِکَ،أَشکَرَهُم لِمَا أَولَيتَ مِن نِعَمِکَ، وَ أَقوَمَهُم بِمَا شَرَعتَ مِن شَرَائِعِکَ، وَ أَوقَفَهُم عَمّا حَذّرتَ مِن نَهيِکَ.(۲۱) أللّهُمّ إِنّيّ أُشهِدُکَ وَ کَفَى بِکَ شَهِيداً، وَ أُشهِدُ سَمَاءَکَ وَ أَرضَکَ وَ مَن أَسکَنتَهُمَا مِن مَلائِکَتِکَ وَ سَائِرِ خَلقِکَ فِي يومِي هَذَا وَ سَاعَتِي هَذِهِ وَ لَيلَتِي هَذِهِ وَ مُستَقَرّيَ هَذَا،أَنّيّ أَشهَدُ أَنّکَ أَنتَ اللّهُ ألّذِي لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،قَائِمٌ بِالقِسطِ،عَدلٌ فِي الحُکمِ،رَءُوفٌ بِالعِبَادِ،مَالِکُ المُلکِ،رَحِيمٌ بِالخَلقِ.(۲۲) وَ أَنّ مُحَمّداً عَبدُکَ وَ رَسُولُکَ وخِيَرَتُکَ مِن خَلقِکَ،حَمّلتَهُ رِسَالَتَکَ فَأَدّاهَا، وَ أَمَرتَهُ بِالنّصحِ لِأُمّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا(۲۳) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،أَکثَرَ مَا صَلّيتَ عَلَى أَحَدٍ مِن خَلقِکَ، وَ آتِهِ عَنّا أَفضَلَ مَا آتَيتَ أَحَداً مِن عِبَادِکَ، وَ اجزِهِ عَنّا أَفضَلَ وَ أَکرَمَ مَا جَزَيتَ أَحَداً مِن أَنبِيَائِکَ عَن أُمّتِهِ(۲۴)إِنّکَ أَنتَ المَنّانُ بِالجَسِيمِ،الغَافِرُ لِلعَظِيمِ، وَ أَنتَ أَرحَمُ مِن کُلّ رَحِيمٍ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ الطّيّبِينَ الطّاهِرِينَ الأَخيَارِ الأَنجَبِينَ.

(۱۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. و آن را مبارک ترین روزی که با آن برخورد کرده ایم و برترین همراهی که با آن همراه شده ایم و بهترین زمانی که در آن به سر برده ایم قرار ده.

(۲۰) و ما را از خوشنود ترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته، و شکرگزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته ای و پایدار ترین آنها به آئینی که مقدر نموده ای و خوددار ترین ایشان از حرام هایی که از آن بیم داده ای قرار ده.

(۲۱) خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را در این روز و این ساعت و این شب و این جایگاه شاهد می گیرم که من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، برپا دارنده عدلی، دادگر در حکمی، با بندگان بسیار مهربانی، صاحب هر ملکی و رحم کننده بر آفریدگانی.

(۲۲) و گواهی می دهم همانا محمّد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است، رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد. و او را به نصیحت کردن امّتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد.

(۲۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی، و از جانب ما برترین چیزی را که به یکی از بندگانت عطا نمودی، به او عطا کن و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امّتش دادی، به او پاداش ده.

(۲۴) به درستی که تو بسیار بخشنده نعمتِ بزرگ و آمرزنده برای (گناه) بزرگ هستی و تویی مهربان تر از هر مهربان. پس بر محمّد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست.

ص: ۱۳۱۱

(۷) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَت لَهُ مُهِمَّهٌ أَو نَزَلَت بِهِ،مُلِمَّهٌ وَ عِندَ الكَربِ

(۱) يَا مَن تُحَلّ بِهِ عُقَدُ المَكَارِهِ، وَ يَا مَن يَفثَأُ بِهِ حَدّ الشّدَائِدِ، وَ يَا مَن يُلتَمَسُ مِنهُ المَخرَجُ إِلَى رَوحِ الفَرَجِ.(۲)ذَلّت لِقُدرَتِكَ الصّعَابُ، وَ تَسَبّبَت بِلُطفِكَ الأَسبَابُ، وَ جَرَى بِقُدرَتِكَ القَضَاءُ، وَ مَضَت عَلَى إِرَادَتِكَ الأَشيَاءُ.(۳)فَهِيَ بِمَشِيّتِكَ دُونَ قَولِكَ مُؤتَمِرَهٌ، وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهيِكَ مُنزَجِرَهٌ.(۴) أَنتَ المَدعُوّ لِلمُهِمّاتِ، وَ أَنتَ المَفزَعُ فِي المُلِمّاتِ، لَا يَندَفِعُ مِنهَا إِلّا مَا دَفَعتَ، وَ لَا يَنكَشِفُ مِنهَا إِلّا مَا كَشَفتَ(۵) وَ قَد نَزَلَ بِي يَا رَبّ مَا قَد تَكَأّدَنِي ثِقلُهُ، وَ أَلَمّ بِي مَا قَد بَهَظَنِي حَملُهُ.(۶) وَ بِقُدرَتِكَ أَورَدتَهُ عَلَيّ وَ بِسُلطَانِكَ وَجّهتَهُ إِلَيّ.(۷) فَلَا مُصدِرَ لِمَا أَورَدتَ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجّهتَ، وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغلَقتَ، وَ لَا مُغلِقَ لِمَا فَتَحتَ، وَ لَا مُيَسّرَ لِمَا عَسّرتَ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَن خَذَلتَ.(۸)فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ افتَح لِي يَا رَبّ بَابَ الفَرَجِ بِطَولِكَ، وَ اكسِر عَنّي سُلطَانَ الهَمّ بِحَولِكَ، وَ أَنِلنِي حُسنَ النّظَرِ فِيمَا شَكَوتُ، وَ أَذِقنِي حَلَاوَهَ الصّنعِ فِيمَا سَأَلتُ، وَ هَب لِي مِن لَدُنكَ رَحمَهً وَ فَرَجاً هَنِيئاً، وَ اجعَل لِي مِن عِندِكَ مَخرَجاً وَحِيّاً.

ص: ۱۳۱۲

(۷)از دعاهای امام علیه السلام است آنگاه که کارِ دشواری به او روآوژد یا مصیبتی برایش رخ داد و هنگام اندوه

(۱) ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود، و ای کسی که شدّت دشواری ها با او آرام می گردد و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود.

(۲) سختی ها به توانایی تو آسان شد و به لطف تو وسیله ها فراهم گردید و تقدیر به قدرت تو اجرا شد و اشیاء بر وفق اراده تو تحقق یافته اند.

(۳) پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند و به اراده تو بدون نهیت بازداشته شده اند.

(۴) تویی خوانده شده برای دشواری ها و تویی فریادرس در سختی ها، از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی شود.

(۵) ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است و به من امری وارد شده که تحمّل آن مرا به مشقّت انداخته.

(۶) و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی و به سلطه خویش آن را بر من فرستادی.

(۷) پس برای آنچه به من رساندی، باز گرداننده ای و برای آنچه بر من فرستادی، دور کننده ای و برای آنچه بستی، گشاینده ای و برای آنچه گشودی، بستنده ای و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده ای و برای آنکه خوار نمودی، یاری دهنده ای نیست.

(۸) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ای پروردگار من به فضل خود درِ آسایش را به رویم بگشای و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان و از جانب خویش رحمت و گشایشِ گوارا به من ببخش، و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

ص: ۱۳۱۳

(۹) وَ لَا تشْغلَنی بِالِاهتِمَام عَن تَعَاهُدِ فُرُوضِکَ، وَ استِعمَالِ سُنّتِکَ.(۱۰)فَقَد ضِقتُ لِمَا نَزَلَ بی یَا رَبّ ذَرعاً، وَ امتَلَأتُ بِحَملِ مَا حَدَثَ عَلَیّ هَمّاً، وَ أَنتَ القَادِرُ عَلَی کَشفِ مَا مُنِیتُ بِهِ، وَ دَفعِ مَا وَقَعتُ فِیهِ،فَافعَل بی ذَلِکَ وَ إِن لَم أَستَوجِبهُ مِنکَ، یَا ذَا العَرشِ العَظِیم.

ص: ۱۳۱۴

(۹) و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات و انجام سنّت خود باز مدار.

(۱۰) ای پروردگار من، طاقت آنچه بر من رسیده را ندارم و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام و برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم، ای صاحب عرش و تخت بزرگ.

ص: ۱۳۱۵

(٨) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِى الِاستِعَاذَهِ مِنَ المَكَارِهِ وَ سَيّئِ الأَخلَاقِ وَ مَذَامّ الأَفعَالِ

(١) أللّهُمّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِن هَيَجَانِ الحِرصِ، وَ سَورَهِ الغَضَبِ، وَ غَلَبَهِ الحَسَدِ، وَ ضَعفِ الصّبرِ، وَ قِلّهِ القَنَاعَهِ، وَ شَكَاسَهِ الخُلُقِ، وَ إِلحَاحِ الشّهوَهِ، وَ مَلَكَهِ الحَمِيّهِ(٢) وَ مُتَابَعَهِ الهَوَى، وَ مُخَالَفَهِ الهُدَى، وَ سِنَهِ الغَفلَهِ، وَ تعَاطِي الكُلفَهِ، وَ إِيثَارِ البَاطِلِ عَلَى الحَقّ، وَ الإِصرَارِ عَلَى المَأثَمِ، وَ استِصغَارِ المَعصِيَهِ، وَ استِكبَارِ الطّاعَهِ.(٣) وَ مُبَاهَاهِ المُكثِرِينَ، وَ الإِزرَاءِ بِالمُقِلّينَ، وَ سُوءِ الوِلَايَهِ لِمَن تَحتَ أَيدِينَا، وَ تَركِ الشّكرِ لِمَنِ اصطَنَعَ العَارِفَهَ عِندَنَا(٤) أَو أَن نَعضُدَ ظَالِماً، أَو نَخذُلَ مَلهُوفاً، أَو نَرُومَ مَا لَيسَ لَنَا بِحَقّ، أَو نَقُولَ فِى العِلمِ بِغَيرِ عِلمٍ(٥) وَ نَعُوذُ بِکَ أَن نَنطَوِيَ عَلَى غِشّ أَحَدٍ، وَ أَن نُعجِبَ بِأَعمَالِنَا، وَ نَمُدّ فِى آمَالِنَا(٦) وَ نَعُوذُ بِکَ مِن سُوءِ السّرِيرَهِ، وَ احتِقَارِ الصّغِيرَهِ، وَ أَن يَستَحوِذَ عَلَينَا الشّيطَانُ، أَو يَنكُبَنَا الزّمَانُ، أَو يَتَهَضّمَنَا السّلطَانُ(٧) وَ نَعُوذُ بِکَ مِن تَنَاوُلِ الإِسرَافِ، وَ مِن فِقدَانِ الكَفَافِ(٨) وَ نَعُوذُ بِکَ مِن شَمَاتَهِ الأَعدَاءِ، وَ مِنَ الفَقرِ إِلَى الأَكفَاءِ، وَ مِن مَعِيشَهٍ فِى شِدّهٍ، وَ مِيتَهٍ عَلَى غَيرِ عُدّهٍ. (٩) وَ نَعُوذُ بِکَ مِنَ الحَسرَهِ العُظمَى، وَ المُصِيبَهِ الكُبرَى، وَ أَشقَى الشّقَاءِ، وَ سُوءِ المَآبِ، وَ حِرمَانِ الثّوَابِ، وَ حُلُولِ العِقَابِ(١٠) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِذنِي مِن كُلّ ذَلِکَ بِرَحمَتِکَ وَ جَمِيعَ المُؤمِنِينَ وَ المُؤمِنَاتِ، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.

ص: ١٣١٦

(۸)از دعاهای امام علیه السلام است در پناه بردن (به خدا) از سختی ها و اخلاق بد و کردارهای ناپسند

(۱) خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص و شدّت خشم و چیرگی حسد و سستی شکیبایی و کاستی قناعت و بد خلقی و زیاده روی شهوت و غلبه عصبیّت

(۲) و پیروی هوا و هوس و مخالفت رستگاری و خواب غفلت و انجام دادن کارِ با مشقّت و برتری دادن باطل بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن نافرمانی و بزرگ شمردن طاعت و بندگی

(۳) و فخرفروشی ثروتمندان و تحقیر کردن تهی دستان و بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی از کسی که به ما نیکی کرده

(۴) یا اینکه ستمگری را کمک کنیم یا آنکه ستم دیده ای را خوار گردانیم یا آنچه حقّ ما نیست بخواهیم یا بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم.

(۵) و پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم و در کارهایمان خودپسند باشیم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

(۶) و پناه می بریم به تو از نیّت بد و ناچیز شمردن گناه کوچک و اینکه شیطان بر ما دست یابد یا زمانه ما را دچار سختی نماید یا پادشاه به ما ستم کند.

(۷) و پناه می بریم به تو از انجام اسراف و از نیافتن روزی کافی.

(۸) و پناه می بریم به تو از سرزنش دشمنان و از نیازمندی به هم نوعان و از زندگی در سختی و از مرگ ناگهانی.

(۹) و پناه می بریم به تو از حسرت بزرگ و بزرگ ترین مصیبت و بدترین تیره بختی و بدی سرنوشت و بی بهرگی از پاداش و فرود آمدن کیفر.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده. ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۱۳۱۷

(۹) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی الِاشتِیَاقِ إِلَی طَلَبِ المَغفِرَهِ مِنَ اللّهِ جَلّ جَلَالُهُ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ صَیّرنَا إِلَی مَحبُوبِکَ مِنَ التّوبَهِ، وأَزِلنَا عَن مَکرُوهِکَ مِنَ الإِصرَارِ(۲) أللّهُمّ وَ مَتَی وَقَفنَا بَینَ نَقصَینِ فِی دِینٍ أَو دُنیا،فَأَوقِعِ النّقصَ بِأَسرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجعَلِ التّوبَهَ فِی أَطوَلِهِمَا بَقَاءً(۳) وَ إِذَا هَمَمنَا بِهَمّینِ یُرضِیکَ أَحَدُهُمَا عَنّا، وَ یُسخِطُکَ الآخَرُ عَلَینَا،فَمِل بِنَا إِلَی مَا یُرضِیکَ عَنّا، وَ أَوهِن قُوّتَنَا عَمّا یُسخِطُکَ عَلَینَا(۴) وَ لَا تُخَلّ فِی ذَلِکَ بَینَ نُفُوسِنَا وَ اختِیَارِهَا،فَإِنّهَا مُختَارَهٌ لِلبَاطِلِ إِلّا مَا وَفّقتَ،أَمّارَهٌ بِالسّوءِ إِلّا مَا رَحِمتَ(۵) أللّهُمّ وَ إِنّکَ مِنَ الضّعفِ خَلَقتَنَا، وَ عَلَی الوَهنِ بَنَیتَنَا، وَ مِن مَاءٍ مَهِینٍ ابتَدَأتَنَا، فَلَا حَولَ لَنَا إِلّا بِقُوّتِکَ، وَ لَا قُوّهَ لَنَا إِلّا بِعَونِکَ(۶)فَأَیّدنَا بِتَوفِیقِکَ، وَ سَدّدنَا بِتَسدِیدِکَ، وَ أَعمِ أَبصَارَ قُلُوبِنَا عَمّا خَالَفَ مَحَبّتَکَ، وَ لَا تَجعَل لِشَیءٍ مِن جَوَارِحِنَا نُفُوذاً فِی مَعصِیَتِکَ (۷) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَ حَرَکَاتِ أَعضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعیُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلسِنَتِنَا فِی مُوجِبَاتِ ثَوَابِکَ حَتّی لَا تَفُوتَنَا حَسَنَهٌ نَستَحِقّ بِهَا جَزَاءَکَ، وَ لَا تَبقَی لَنَا سَیّئَهٌ نَستَوجِبُ بِهَا عِقَابَکَ.

(۹)از دعاهای امام علیه السلام است در اشتیاق به طلب آمرزش از خدای بزرگِ با عزّت

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به سوی توبه پسندیده خود ببر و ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار.

(۲) خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا. پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

(۳) و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان و توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن.

(۴) و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وا مگذار، چون آن باطل را برمی گزیند مگر تو توفیق دهی، و به بدی امر می کند مگر تو رحم کنی.

(۵) خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای و بر سستی بنا نهاده ای و از آب ناچیز آغازمان نموده ای. پس جنبشی برای ما جز به قدرت تو و نیرویی برای ما جز به یاری تو نیست.

(۶) پس ما را به توفیق خود توانایی ده و به راه راست خود ثابت قدم گردان و چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان و اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

(۷) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و رازهای دل هایمان و جنبش های اعضای مان و نگاه های زیرچشمی دیدگان مان و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود، و کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما نماند.

ص: ۱۳۱۹

(۱۰) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی اللّجَإِ إِلَی اللّهِ تَعَالَی

(۱) أَللّهُمّ إِن تَشَأ تَعفُ عَنّا فَبِفَضلِکَ، وَ إِن تَشَأ تُعَذّبنَا فَبِعَدلِکَ(۲)فَسَهّل لَنَا عَفوَکَ بِمَنّکَ، وَ أَجِرنَا مِن عَذَابِکَ بِتَجَاوُزِکَ،فَإِنّهُ لَا طَاقَهَ لَنَا بِعَدلِکَ، وَ لَا نَجَاهَ لِأَحَدٍ مِنّا دُونَ عَفوِکَ(۳) یَا غَنِیّ الأَغنِیَاءِ،هَا،نَحنُ عِبَادُکَ بَینَ یَدَیکَ، وَ أَنَا أَفقَرُ الفُقَرَاءِ إِلَیکَ،فَاجبُر فَاقَتَنَا بِوُسعِکَ، وَ لَا تَقطَع رَجَاءَنَا بِمَنعِکَ،فَتَکُونَ قَد أَشقَیتَ مَنِ استَسعَدَ بِکَ، وَ حَرَمتَ مَنِ استَرفَدَ فَضلَکَ(۴)فَإِلَی مَن حِینَئِذٍ مُنقَلَبُنَا عَنکَ، وَ إِلَی أَینَ مَذهَبُنَا عَن بَابِکَ،سُبحَانَکَ نَحنُ المُضطَرّونَ الّذِینَ أَوجَبتَ إِجَابَتَهُم، وَ أَهلُ السّوءِ الّذِینَ وَعَدتَ الکَشفَ عَنهُم(۵) وَ أَشبَهُ الأَشیَاءِ بِمَشِیّتِکَ، وَ أَولَی الأُمُورِ بِکَ فِی عَظَمَتِکَ رَحمَهُ مَنِ استَرحَمَکَ، وَ غَوثُ مَنِ استَغَاثَ بِکَ،فَارحَم تَضَرّعَنَا إِلَیکَ، وَ أَغنِنَا إِذ طَرَحنَا أَنفُسَنَا بَینَ یَدَیکَ (۶) أَللّهُمّ إِنّ الشّیطَانَ قَد شَمِتَ بِنَا إِذ شَایَعنَاهُ عَلَی مَعصِیَتِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُشمِتهُ بِنَا بَعدَ تَرکِنَا إِیّاهُ لَکَ، وَ رَغبَتِنَا عَنهُ إِلَیکَ.

ص: ۱۳۲۰

(۱۰) از دعاهای امام علیه السلام است در پناه بردن به خداوند متعال

(۱) خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست.

(۲) پس به منّت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز. زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات نمی یابیم.

(۳) ای بی نیازترین بی نیازان، اینک ما بندگانت در پیشگاه توایم و من نیازمندترین نیازمندان به توام، پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن و به منع خویش، ما را ناامید مکن. وگرنه کسی که از تو نیکبختی خواسته، بدبخت کرده ای و آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده ای.

(۴) پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از درِ خانه تو به کجا رویم؟ پاک و منزّهی تو! ما در ماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای و ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای.

(۵) و شبیه ترین چیزها به اراده ات و سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده. پس به زاری ما به درگاهت رحم کن و چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم، بی نیازمان گردان.

(۶) خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پس از آنکه به خاطر تو از او دوری کردیم و به درگاه تو روی آوردیم، اندوهی به ما نرسان که او را شاد گرداند.

ص: ۱۳۲۱

(۱۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ بِخَوَاتِمِ الخَيرِ

(۱) يَا مَن ذِكرُهُ شَرَفٌ لِلذّاكِرِينَ، وَ يَا مَن شُكرُهُ فَوزٌ لِلشّاكِرِينَ، وَ يَا مَن طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلمُطِيعِينَ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اشغَل قُلُوبَنَا بِذِكرِكَ عَن كُلّ ذِكرٍ، وَ أَلسِنَتَنَا بِشُكرِكَ عَن كُلّ شُكرٍ، وَ جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَن كُلّ طَاعَةٍ.(۲) فَإِن قَدّرتَ لَنَا فَرَاغاً مِن شُغلٍ فَاجعَلهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُدرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ، وَ لَا تلحَقُنَا فِيهِ سَأمَةٌ، حَتّى يَنصَرِفَ عَنّا كُتّابُ السّيّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِن ذِكرِ سَيّئَاتِنَا، وَ يَتَوَلّى كُتّابُ الحَسَنَاتِ عَنّا مَسرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِن حَسَنَاتِنَا(۳) وَ إِذَا انقَضَت أَيّامُ حَيَاتِنَا، وَ تَصَرّمَت مُدَدُ أَعمَارِنَا، وَ استَحضَرَتنَا دَعوَتُكَ التّي لَا بُدّ مِنهَا وَ مِن إِجَابَتِهَا،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل خِتَامَ مَا تُحصِي عَلَينَا كَتَبَةُ أَعمَالِنَا تَوبَةً مَقبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعدَهَا عَلَى ذَنبٍ اجتَرَحنَاهُ، وَ لَا مَعصِيَةٍ اقتَرَفنَاهَا.(۴) وَ لَا تَكشِف عَنّا سِتراً سَتَرتَهُ عَلَى رُءُوسِ الأَشهَادِ، يَومَ تَبلُو أَخبَارَ عِبَادِكَ. (۵)إِنّكَ رَحِيمٌ بِمَن دَعَاكَ، وَ مُستَجِيبٌ لِمَن نَادَاكَ.

ص: ۱۳۲۲

(۱۱)از دعاهای امام علیه السلام است در عاقبت به خیری

(۱) ای که یاد او برای یاد کنندگان بزرگی است و ای که سپاس او برای سپاس گزاران پیروزی است و ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است، بر محمّد و خاندانش درود فرست و دل های ما را به یاد خود از هر یادی و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز.

(۲) و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی ای به ما نرسد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند و نویسندگان خوبی ها -به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند- شادمان برگردند.

(۳) و آن هنگام که روزهای زندگانی ما به سر رسید و اوقات عمرمان سپری شد و ما را دعوت تو -که چاره ای جز پذیرفتن آن نیست- فراخواند، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناه و نافرمانی انجام شده توبیخ نکنی.

(۴) و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار نزن، روزی که اخبار بندگانت را آشکار می کنی.

(۵) به درستی که تو مهربانی به هر که تو را خوانَد و اجابت کننده ای برای هر که تو را صدا زند.

ص: ۱۳۲۳

(۱۲) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی الِاعتِرَافِ وَ طَلَبِ التّوبَهِ إِلَی اللّهِ تَعَالَی

(۱) أللّهُمّ إِنّهُ یحَجبُنِی عَن مَسأَلَتِکَ خِلَالٌ ثَلَاثٌ، وَ تحَدُونِی عَلَیهَا خَلّهٌ وَاحِدَهٌ(۲)یحَجبُنِی أَمرٌ أَمَرتَ بِهِ فَأَبطَأتُ عَنهُ، وَ نهَیٌ نهَیَتنَی عَنهُ فَأَسرَعتُ إِلَیهِ، وَ نِعمَهٌ أَنعَمتَ بِهَا عَلَیّ فَقَصّرتُ فِی شُکرِهَا.(۳) وَ یحَدُونِی عَلَی مَسأَلَتِکَ تَفَضّلُکَ عَلَی مَن أَقبَلَ بِوَجهِهِ إِلَیکَ، وَ وَفَدَ بِحُسنِ ظَنّهِ إِلَیکَ،إِذ جَمِیعُ إِحسَانِکَ تَفَضّلٌ، وَ إِذ کُلّ نِعَمِکَ ابتِدَاءٌ(۴)فَهَا أَنَا ذَا، یَا إِلَهِی،وَاقِفٌ بِبَابِ عِزّکَ وُقُوفَ المُستَسلِمِ الذّلِیلِ، وَ سَائِلُکَ عَلَی الحَیَاءِ منِیّ سُؤَالَ البَائِسِ المُعِیلِ(۵)مُقِرّ لَکَ بِأَنّی لَم أَستَسلِم وَقتَ إِحسَانِکَ إِلّا بِالإِقلَاعِ عَن عِصیَانِکَ، وَ لَم أَخلُ فِی الحَالَاتِ کُلّهَا مِنِ امتِنَانِکَ.(۶)فَهَل ینَفعَنُیِ، یَا إِلَهِی،إِقرَارِی عِندَکَ بِسُوءِ مَا اکتَسَبتُ وَ هَل ینُجِینیِ مِنکَ اعتِرَافِی لَکَ بِقَبِیحِ مَا ارتَکَبتُ أَم أَوجَبتَ لِی فِی مقَاَمیِ هَذَا سُخطَکَ أَم لَزِمَنِی فِی وَقتِ دعُاَیَ مَقتُکَ.(۷)سُبحَانَکَ، لَا أَیأَسُ مِنکَ وَ قَد فَتَحتَ لِی بَابَ التّوبَهِ إِلَیکَ،بَل أَقُولُ مَقَالَ العَبدِ الذّلِیلِ الظّالِمِ لِنَفسِهِ المُستَخِفّ بِحُرمَهِ رَبّهِ.

(۱۲) از دعاهای امام علیه السلام است در اقرار به گناه و درخواست بازگشت به سوی خدای تعالی

(۱) خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد و یک خصلت مرا بر آن می راند.

(۲) بازمی دارد مرا، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم، و کاری که مرا از آن باز داشتی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم.

(۳) و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضّل تو به آنکه رو به تو آورَد و با گمان نیک به سوی تو آید. چون همه نیکی های تو از روی تفضّل است و همه نعمت های تو ابتدا است.

(۴) پس ای خدای من، به درگاه عزّت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام. و با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

(۵) اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام و در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام.

(۶) ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ و آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ یا در جایگاهم خشم خود را بر من قرار داده ای؟ یا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟

(۷) پاک و منزّهی تو، از تو که درِ توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم. بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم.

(۸) أَلّذِی عَظُمَت ذُنُوبُهُ فَجَلّت، وَ أَدبَرَت أَیّامُهُ فَوَلّت حَتّی إِذَا رَأَی مُدّهَ العَمَلِ قَدِ انقَضَت وَ غَایَهَ العُمُرِ قَدِ انتَهَت، وَ أَیقَنَ أَنّهُ لَا مَحِیصَ لَهُ مِنکَ، وَ لَا مَهرَبَ لَهُ عَنکَ،تَلَقّاکَ بِالإِنَابَهِ، وَ أَخلَصَ لَکَ التّوبَهَ،فَقَامَ إِلَیکَ بِقَلبٍ طَاهِرٍ نَقِیٍ، ثُمّ دَعَاکَ بِصَوتٍ حَائِلٍ خفَیٍ.(۹) قَد تَطَأطَأَ لَکَ فَانحَنَی، وَ نَکّسَ رَأسَهُ فَانثَنَی، قَد أَرعَشَت خَشیَتُهُ رِجلَیهِ، وَ غَرّقَت دُمُوعُهُ خَدّیهِ،یَدعُوکَ بِیَا أَرحَمَ الرّاحِمِینَ، وَ یَا أَرحَمَ مَنِ انتَابَهُ المُستَرحِمُونَ، وَ یَا أَعطَفَ مَن أَطَافَ بِهِ المُستَغفِرُونَ، وَ یَا مَن عَفوُهُ أَکثَرُ مِن نَقِمَتِهِ، وَ یَا مَن رِضَاهُ أَوفَرُ مِن سَخَطِهِ.(۱۰) وَ یَا مَن تَحَمّدَ إِلَی خَلقِهِ بِحُسنِ التّجَاوُزِ، وَ یَا مَن عَوّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الإِنَابَهِ، وَ یَا مَنِ استَصلَحَ فَاسِدَهُم بِالتّوبَهِ وَ یَا مَن رَضِیَ مِن فِعلِهِم بِالیَسِیرِ، وَ مَن کَافَی قَلِیلَهُم بِالکَثِیرِ، وَ یَا مَن ضَمِنَ لَهُم إِجَابَهَ الدّعَاءِ، وَ یَا مَن وَعَدَهُم عَلَی نَفسِهِ بِتَفَضّلِهِ حُسنَ الجَزَاءِ.(۱۱) مَا أَنَا بِأَعصَی مَن عَصَاکَ فَغَفَرتَ لَهُ، وَ مَا أَنَا بِأَلوَمِ مَنِ اعتَذَرَ إِلَیکَ فَقَبِلتَ مِنهُ، وَ مَا أَنَا بِأَظلَمِ مَن تَابَ إِلَیکَ فَعُدتَ عَلَیهِ.(۱۲)أَتُوبُ إِلَیکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوبَهَ نَادِمٍ عَلَی مَا فَرَطَ مِنهُ،مُشفِقٍ مِمّا اجتَمَعَ عَلَیهِ،خَالِصِ الحَیَاءِ مِمّا وَقَعَ فِیهِ.(۱۳)عَالِمٍ بِأَنّ العَفوَ عَنِ الذّنبِ العَظِیمِ لَا یَتَعَاظَمُکَ، وَ أَنّ التّجَاوُزَ عَنِ الإِثمِ الجَلِیلِ لَا یَستَصعِبُکَ، وَ أَنّ احتِمَالَ الجِنَایَاتِ الفَاحِشَهِ لَا یَتَکَأّدُکَ، وَ أَنّ أَحَبّ عِبَادِکَ إِلَیکَ مَن تَرَکَ الِاستِکبَارَ عَلَیکَ، وَ جَانَبَ الإِصرَارَ، وَ لَزِمَ الِاستِغفَارَ.(۱۴) وَ أَنَا أَبرَأُ إِلَیکَ مِن أَن أَستَکبِرَ، وَ أَعُوذُ بِکَ مِن أَن أُصِرّ، وَ أَستَغفِرُکَ لِمَا قَصّرتُ فِیهِ، وَ أَستَعِینُ بِکَ عَلَی مَا عَجَزتُ عَنهُ.

(۸) آن که گناهـانش بزرگ و رو به فزونی است و روزگـارش (به او) پشت کرده و سپری شـده، تـا اینکه می بینـد زمان عمل گذشـته و مـدّت عمر به پایـان رسـیده و بـاور کرده که پناهگـاه و گریزگـاهی از تـو برایش نیست. بـا توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند. پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخاسته و با صدای آهسته پنهانی تو را می خواند.

(۹) با حال فروتنی برای تو خم شـده و سـرش را کـج و به زیر افکنـده، و ترس پاهایش را به لرزه انـداخته و دو گونه اش غرق اشک شـده، تو را صـدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان و ای بخشـنده ای که رحمت خواهان پی درپی نزد او می آیند و ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردنـد و ای آنکه بخشایش او از کیفرش بیشتر است و ای کسـی که خوشـنودی او از خشمش افزون تر می باشد.

(۱۰) و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته و ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده و ای آنکه فاسـد ایشـان را با توبهْ اصـلاح کرده و ای آنکه از کردار انـدک ایشان، خرسـند شـده و ای آنکه کمِ ایشان را پاداش فراوان داده و ای آنکه روا شدن خواسـته ها را برای ایشان ضـمانت کرده و ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک وعده داده است.

(۱۱) من گناهکارتر از آنکه نافرمانی تو کرده و تو او را آمرزیـده ای، نبوده ام. و نکوهیده تر از عذر آورنده به پیشـگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم. و ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که تو به او نیکی نموده ای، نمی باشم.

(۱۲) در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است. و از آنچه بر او گرد آمده، ترسان. و از آنچه در آن افتاده، سخت شرمنده است.

(۱۳) می داند که بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست و درگذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست و چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد، و محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که بر تو گردنکشی نکند و پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش خواهد.

(۱۴) و من از گردنکشـی بر تو سـخت بیزارم و از اصرار (بر گناه) به تو پناه می برم. و برای آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم، و برای هر آنچه از انجامش ناتوانم، از تو یاری می طلبم.

ص: ۱۳۲۷

(۱۵) أللّهـمّ صـلّ عَلَى مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لِي مَا يَجِبُ عَلَيّ لَكَ، وَ عـافِنِي مِمّـا أستَوجِبُهُ مِنكَ، وَ أجِرنِي مِمّـا يَخَافُهُ أَهلُ الإِسَاءَهِ،فَإِنّكَ ملي ءٌ بِالعَفوِ،مَرجُوّ لِلمَغفِرَهِ،مَعرُوفٌ بِالتّجَاوُزِ، لَيسَ لِحَاجَتِي مَطلَبٌ سِوَاكَ، وَ لَا لِذَنبِي غَافِرٌ غَيرُكَ،حَاشَاكَ(۱۶) وَ لَا أَخَافُ عَلَى نَفسِي إِلّا إِيّاكَ،إِنّكَ أَهلُ التّقوَى وَ أَهلُ المَغفِرَهِ،صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ اقضِ حَاجَتِي، وَ أَنجِح طَلِبَتِي، وَ اغفِر ذَنبِي، وَ آمِن خَوفَ نَفسِي،إِنّكَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ، وَ ذَلِكَ عَلَيكَ يَسِيرٌ،آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ.

ص: ۱۳۲۸

(۱۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه از تو بر من واجب است، به من ببخش. و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن و از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده، که تو بر بخشایش نمودن توانایی، و برای آمرزش، امیدواری به توست و به گذشت مشهوری. برای حاجتم جز از تو درخواستی نیست و برای گناهم غیر از تو آمرزنده ای ندارم. تو از عیوب منزّه و دوری.

(۱۶) و من بر خود جز از تو نمی ترسم. زیرا تو سزاواری که از تو پروا کنند و سزاواری که بیامرزی، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و حاجتم را روا کن و در خواستم را برآور، و گناهم را بیامرز و ترسم را ایمنی ده. زیرا تو به هر چیز توانایی و آنچه خواستم بر تو آسان است. بپذیر، پروردگار جهانیان.

ص: ۱۳۲۹

(١٣) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی طَلَبِ الحَوَائِجِ إِلَی اللّهِ تَعَالَی

(١) أللّهُمّ يَا مُنتَهَی مَطلَبِ الحَاجَاتِ(٢) وَ يَا مَن عِنـدَهُ نَيلُ الطّلِبَاتِ(٣) وَ يَا مَن لَا يَبِيعُ نِعَمَهُ بِالأَثمَانِ(۴) وَ يَا مَن لَا يُكَدّرُ عَطَايَاهُ بِالِامتِنَانِ(۵) وَ يَا مَن يُستَغنَی بِهِ وَ لَا يُستَغنَی عَنهُ(۶) وَ يَا مَن يُرغَبُ إِلَيهِ وَ لَا يُرغَبُ عَنهُ(٧) وَ يَا مَن لَا تفُنِی خَزَائِنَهُ المَسَائِلُ(٨) وَ يَا مَن لَا تُبَدّلُ حِكمَتَهُ الوَسَائِلُ(٩) وَ يَا مَن لَا تَنقَطِعُ عَنهُ حَوَائِجُ المُحتَاجِينَ(١٠) وَ يَا مَن لَا يُعَنّيهِ دُعَاءُ الـدّاعِينَ.(١١)تَمَدّحتَ بِالغَنَاءِ عَن خَلقِكَ وَ أَنتَ أَهلُ الغِنَی عَنهُم (١٢) وَ نَسَبتَهُم إِلَی الفَقرِ وَ هُم أَهلُ الفَقرِ إِلَيكَ.(١٣)فَمَن حَاوَلَ سَدّ خَلّتِهِ مِن عِندِكَ، وَ رَامَ صَرفَ الفَقرِ عَن نَفسِهِ بِكَ فَقَد طَلَبَ حَاجَتَهُ فِی مَظَانّهَا، وَ أَتَی طَلِبَتَهُ مِن وَجهِهَا.(١۴) وَ مَن تَوَجّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَی أَحَدٍ مِن خَلقِكَ أَو جَعَلَهُ سَبَبَ نُجحِهَا دُونَكَ فَقَد تَعَرّضَ لِلحِرمَانِ، وَ استَحَقّ مِن عِندِكَ فَوتَ الإِحسَانِ.(١۵) أللّهُمّ وَ لِی إِلَيكَ حَاجَةٌ قَد قَصّرَ عَنهَا جُهدِی، وَ تَقَطّعَت دُونَهَا حِيَلِی، وَ سَوّلَت لِی نَفسِی رَفعَهَا إِلَی مَن يَرفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيكَ، وَ لَا يستَغنِی فِی طَلِبَاتِهِ عَنكَ، وَ هِیَ زَلّةٌ مِن زَلَلِ الخَاطِئِينَ، وَ عَثرَةٌ مِن عَثَرَاتِ المُذنِبِينَ.

(۱۳)از دعاهای امام علیه السلام است در طلب حاجت ها از خداوند بلند مرتبه.

(۱) خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها.

(۲) و ای آنکه رسیدن به خواسته ها نزد اوست.

(۳) و ای که نعمت هایش را به بها نمی فروشد.

(۴) و ای آنکه با منّت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد.

(۵) و ای که به او بی نیاز می گردند و از او بی نیاز نمی شوند.

(۶) و ای که به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند.

(۷) و ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد.

(۸) و ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند.

(۹) و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد.

(۱۰) و ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند.

(۱۱) خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی.

(۱۲) و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.

(۱۳) پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، و برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده و از راهش به مراد خود رسیده.

(۱۴) و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده و نیافتن احسان تو را سزاوار گشته.

(۱۵) خداوندا به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم و چاره جویی های زیرکانه ام در برابر آن گسسته و نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده و در خواسته هایش از تو بی نیاز نیست، برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران و افتادنی از افتادن های گناهکاران است.

(۱۶) ثُمّ انتَبهتُ بِتَـذكِيرِکَ لِی مِن غفلَتی، وَ نَهَضتُ بِتوفِيقِکَ مِن زلّتی، وَ رَجعتُ وَ نَکَصتُ بِتَسدِيـدِکَ عَن عثرَتی.(۱۷) وَ قُلتُ سُبحَانَ رَبّیَ كَيفَ يَسأَلُ مُحتَاجٌ مُحتَاجاً وَ أَنّی يَرغَبُ مُعـدِمٌ إِلَی مُعـدِم(۱۸)فَقَصَـدتُکَ، يَا إِلَهِی،بِالرّغبَهِ، وَ أَوفَدتُ عَلَيکَ رجَائی بِالثّقَهِ بِکَ.(۱۹) وَ عَلِمتُ أَنّ كَثِيرَ مَا أَسأَلُکَ يَسِـيرٌ فِی وُجدِکَ، وَ أَنّ خَطِيرَ مَا أَستَوهِبُکَ حَقِيرٌ فِی وُسعِکَ، وَ أَنّ كَرَمَکَ لَا يَضِـيقُ عَن سُؤَالِ أَحَـدٍ، وَ أَنّ يَـدَکَ بِالعَطَايَا أَعلَی مِن كُلّ يَـدٍ.(۲۰) أَللّهُـمّ فَصَـلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِـهِ، وَ احمِلنِی بِكَرَمِـکَ عَلَی التّفَضّلِ، وَ لَا تحمِلنِی بِعَدلِکَ عَلَی الِاستِحقَاقِ،فَمَا أَنَا بِأَوّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيکَ فَأَعطَيتَهُ وَ هُوَ يَستَحِقّ المَنعَ، وَ لَا بِأَوّلِ سَائِلٍ سَأَلَکَ فَأَفضَـلتَ عَلَيهِ وَ هُوَ يَستَوجِبُ الحِرمَانَ.(۲۱) أَللّهُمّ صَـلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ كُن لِـدُعَائِی مُجِيباً، وَ مِن نِـدَائِی قَرِيباً، وَ لِتَضَـرّعِی رَاحِماً، وَ لِصَوتِی سَامِعاً.(۲۲) وَ لَا تَقطَع رجَائِی عَنکَ، وَ لَا تَبُتّ سَـبَبِی مِنکَ، وَ لَا تُوَجّهنِی فِی حَاجَتِی هَـذِهِ وَ غَيرِهَا إِلَی سِوَاکَ (۲۳) وَ تَوَلّنِی بِنُجحِ طَلِبَتِی وَ قَضَاءِ حَاجَتِی وَ نَيلِ سُؤلِی قَبلَ زَوَالِی عَن مَوقِفِی هَذَا بِتَيسِـيرِکَ لِیَ العَسِـيرَ وَ حُسنِ تَقدِيرِکَ لِی فِی جَمِيعِ الأُمُورِ(۲۴) وَ صَلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ،صَـلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انقِطَاعَ لِأَبَـدِهَا وَ لَا مُنتَهَی لِأَمَـدِهَا، وَ اجعَل ذَلِکَ عَوناً لِی وَ سَـبَباً لِنَجَاحِ طَلِبَتِی،إِنّکَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ.(۲۵) وَ مِن حَاجَتِی يَا رَبّ كَذَا وَ كَذَا[وَ تَذكُرُ حَاجَتَکَ ثُمّ تَسجُدُ وَ تَقُولُ فِی سُجُودِکَ]فَضلُکَ آنَسَنِی، وَ إِحسَانُکَ دلّنِی،فَأَسأَلُکَ بِکَ وَ بِمُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَوَاتُکَ عَلَيهِم، أَن لَا تَرُدّنِی خَائِباً.

ص: ۱۳۳۲

(۱۶) با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم و با توفیق تو از لغزیدنم برخاستم و با راهنمایی تو برگشته و از لغزشم دست برداشتم.

(۱۷) و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟ و کجا تهی دست به تهی دست روآورد؟

(۱۸) پس ای خدای من از روی میل آهنگ تو کرده و با اعتماد به تو امیدم را به سوی تو فرستادم.

(۱۹) و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است و هر چه از تو خواهش های بزرگ نمایم در برابر وسعتِ رحمت تو کوچک است و بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد و دستِ عطای تو از هر دستی بالاتر است.

(۲۰) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن. پس من اوّلین رو آورنده نیستم که به تو رو آورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است. و نه نخستین سؤال کننده که از تو درخواست کرده و به او تفضّل نمودی، با اینکه سزاوار بی بهرگی است.

(۲۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در خواستم را اجابت کن و به آوازم نزدیک شو و به زاریم ترحم فرما و صدایم را شنوا باش.

(۲۲) و از خود ناامیدم نکن و رشته ارتباط مرا از خود قطع نگردان و در این حاجت و دیگر حاجتها، مرا به غیر خود وانگذار.

(۲۳) و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم، و یافتن خواسته ام، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما.

(۲۴) و بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده. همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار هستی.

(۲۵) ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است (و حاجت خود را نام می بری. پس سجده می کنی و در سجده ات می گویی:) فضل تو مرا آرام نمود و احسان تو مرا راهنمایی کرد، پس از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ محمّد و خاندانش -که درودهای تو بر ایشان باد- مرا ناامید بر نگردانی.

ص: ۱۳۳۳

(۱۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا اعتدُیَ عَلَيهِ أَو رَأَی مِنَ الظّالِمِينَ مَا لَا يُحِبّ

(۱) يَا مَن لَا يَخفَی عَلَيهِ أَنبَاءُ المُتَظَلّمِينَ(۲) وَ يَا مَن لَا يَحتَاجُ فِی قَصَصِهِم إِلَی شَهَادَاتِ الشّاهِدِينَ.(۳) وَ يَا مَن قَرُبَت نُصرَتُهُ مِنَ المَظلُومِينَ(۴) وَ يَا مَن بَعُدَ عَونُهُ عَنِ الظّالِمِينَ(۵) قَد عَلِمتَ، يَا إِلَهِی، مَا نَالَنِی مِن فُلَانِ بنِ فُلَانٍ مِمّا حَظَرتَ وَ انتَهَكَهُ مِنّیِ مِمّا حَجَزتَ عَلَيهِ،بَطَراً فِی نِعمَتِکَ عِندَهُ، وَ اغتِرَاراً بِنَكِيرِکَ عَلَيهِ.(۶) أَللّهُمّ فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ خُذ ظَالِمِی وَ عدُوّیَ عَن ظُلمِی بِقُوّتِکَ، وَ افلُل حَدّهُ عَنّیِ بِقُدرَتِکَ، وَ اجعَل لَهُ شُغلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجزاً عَمّا يُنَاوِيهِ (۷) أَللّهُمّ وَ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُسَوّغ لَهُ ظُلمِی، وَ أَحسِن عَلَيهِ عَونِی، وَ اعصِمنِی مِن مِثلِ أَفعَالِهِ، وَ لَا تَجعَلنِی فِی مِثلِ حَالِهِ(۸) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعدِنِی عَلَيهِ عَدوَی حَاضِرَةً،تَكُونُ مِن غَيظِی بِهِ شِفَاءً، وَ مِن حَنَقِی عَلَيهِ وَفَاءً.(۹) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَوّضنِی مِن ظُلمِهِ لِی عَفوَکَ، وَ أَبدِلنِی بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِی رَحمَتَکَ،فَكُلّ مَكرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِکَ، وَ كُلّ مَرزِئَةٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوجِدَتِکَ.

ص: ۱۳۳۴

(۱۴) و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به او ستم می شد یا از ستمگران آنچه دوست نمی داشت می دید

(۱) ای کسی که خبرهای دادخواهان بر او پنهان نیست.

(۲) و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است.

(۳) و ای کسی که یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.

(۴) و ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

(۵) ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای و این از سرکشی او در نعمت توست و بی باکی او از کیفر تو می باشد.

(۶) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود برّندگی اش را از من بردار. و او را به آنچه در خورش است مشغول دار. و او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز.

(۷) خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستم کردن او را بر من آسان نگردان و مرا در مخالفت با او به خوبی یاری فرما و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد و کینه ام را بر او کامل نماید.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش و به جای بد رفتاری اش، رحمتت را به من عطا کن. (زیرا) هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک و هر گرفتاری ای با غضب تو هموار شدنی است.

(۱۰) أللّهـمّ فَكَمـا كَرّهـتَ إلِيَ ّأن أَظلَـمَ فقَنِي مِـن أن أَظلِـمَ.(۱۱) أللّهـمّ لـا أَشـكو إلَى أَحـدٍ سِـوَاكَ، وَ لـا أَسـتَعِينُ بِحـاكِمٍ غَيرِكَ،حَاشَـاكَ،فَصَـلِّ عَلَى مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ صِـل دعُـائِي بِالإِجـابَهِ، وَ اقرِن شـكَايَتِي بِـالتّغيِيرِ.(۱۲) أللّهُـمّ لـا تفتِنِيّ بِـالقُنُوطِ مِن إنصَافِكَ، وَ لَا تَفتِنهُ بِالأَمنِ مِن إنكَارِكَ،فَيُصِرّ عَلَى ظُلمِي، وَ يحُاضِرنَي بحِقَيّ، وَ عَرّفهُ عَمّا قَلِيلٍ مَا أَوعَدتَ الظّالِمِينَ، وَ عرَفّنِي مَا وَعَدتَ مِن إجَابَهِ المُضطَرّينَ.(۱۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ وفَقّنِي لِقَبُولِ مَا قَضَـيتَ لِي وَ عَلَيّ وَ رضّـنّي بِمَا أَخَذتَ لِي وَ منِيّ، وَ اهدنِي لِلتّي هيِ َأَقوَمُ، وَ استعَملِنِي بِمَا هُوَ أَسـلَمُ.(۱۴) أللّهُمّ وَ إن كَانَتِ الخِيَرَهُ لِي عِنـدَكَ فِي تَأخِيرِ الأَخـذِ لِي وَ تَركِ الِانتِقَـامِ مِمّن ظَلَمَنِي إِلَى يَومِ الفَصـلِ وَ مَجمَعِ الخَصمِ فَصَـلّ عَلَى مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيّدنِي مِنـكَ بِنِيّهٍ صَـادِقَهٍ وَ صَـبرٍ دَائِمٍ(۱۵) وَ أَعِـذنِي مِن سُوءِ الرّغبَهِ وَ هَلَعِ أَهلِ الحِرصِ، وَ صَوّر فِي قلَبِي مِثَالَ مَا ادّخَرتَ لِي مِن ثَوَابِكَ، وَ أَعـدَدتَ لخِصَـمِي مِن جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ، وَ اجعَل ذَلِكَ سَـبَباً لقِنَاَعتَيِ بِمَا قَضَيتَ، وَ ثقِتَيِ بِمَا تَخَيّرتَ(۱۶)آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ،إِنّكَ ذُو الفَضلِ العَظِيمِ، وَ أَنتَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ.

ص: ۱۳۳۶

(۱۰) خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

(۱۱) خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی کنم و از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم، پاک و منزّهی پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و درخواست مرا به روا شدن متّصل گردان و داد خواهیم را با دگرگونی پیوند ده.

(۱۲) خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت و او را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کرده بر حقّم دست یابد. و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما. و اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من بشناسان.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدّر نمودی، پذیرا باشم و مرا به آنچه برای من و از من گرفتی، خوشنود گردان. و مرا به راست ترین راه، راهنمایی کن و به آنچه سالم تر است، بگمارم.

(۱۴) خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقّم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیّت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

(۱۵) و از خواهش بد و آز حریصان پناهم ده، و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدّر نمودی و اعتمادم به آنچه انتخاب کرده ای قرار ده.

(۱۶) بپذیر، پروردگار جهانیان. همانا تویی صاحب فضل بزرگ و تو بر هر چیز توانایی.

ص: ۱۳۳۷

(١۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا مَرِضَ أَو نَزَلَ بِهِ كَربٌ أَو بَلِيّهٌ

(١) أللّهُمّ لَکَ الحَمدُ عَلَى مَا لَم أَزَل أَتَصَرّفُ فِيهِ مِن سَلَامَهِ بدَنِي، وَ لَکَ الحَمدُ عَلَى مَا أَحدَثتَ بِي مِن عِلّهٍ فِي جسَدِي(٢)فَمَا أدرِي، يَا إِلَهِي، أَيّ الحَالَينِ أَحَقّ بِالشّكرِ لَکَ، وَ أَيّ الوَقتَينِ أَولَى بِالحَمدِ لَکَ(٣) أَ وَقتُ الصّحّهِ التّي هنَأّتنَي فِيهَا طَيّبَاتِ رِزقِکَ، وَ نشّطتَنِي بِهَا لِابتِغَاءِ مَرضَاتِکَ وَ فَضلِکَ، وَ قوَيّتنَي مَعَهَا عَلَى مَا وفَقّتنَيِ لَهُ مِن طَاعَتِکَ(۴)أَم وَقتُ العِلّهِ التّي محَصّتنَي بِهَا، وَ النّعَمِ التّي أَتحَفتَنَي بِهَا،تَخفِيفاً لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيّ ظهَرِي مِنَ الخَطِيئَاتِ، وَ تَطهِيراً لِمَا انغَمَستُ فِيهِ مِنَ السّيّئَاتِ، وَ تَنبِيهاً لِتَنَاوُلِ التّوبَهِ، وَ تَذكِيراً لِمَحوِ الحَوبَهِ بِقَدِيم النّعمَهِ(۵) وَ فِي خِلَالِ ذَلِکَ مَا كَتَبَ لِيَ الكَاتِبَانِ مِن زكَيِ الأَعمَالِ، مَا لَا قَلبٌ فَكّرَ فِيهِ، وَ لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَ لَا جَارِحَهٌ تَكَلّفَتهُ،بَل إِفضَالًا مِنکَ عَلَيّ، وَ إِحسَاناً مِن صَنِيعِکَ إِلَيّ(۶) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَبّب إِلَيّ مَا رَضِيتَ لِي، وَ يَسّر لِي مَا أَحلَلتَ بيِ، وَ طهَرّنيِ مِن دَنَسِ مَا أَسلَفتُ، وَ امحُ عنَيّ شَرّ مَا قَدّمتُ، وَ أَوجِدنيِ حَلَاوَهَ العَافِيَهِ، وَ أَذِقنيِ بَردَ السّلَامَهِ، وَ اجعَل مَخرَجِي عَن عِلّتِي إِلَى عَفوِکَ، وَ مُتَحَوّلِي عَن صَرعَتِي إِلَى تَجَاوُزِکَ، وَ خَلَاصِي مِن كَربِي إِلَى رَوحِکَ، وَ سَلَامَتِي مِن هَذِهِ الشّدّهِ إِلَى فَرَجِکَ (٧)إِنّکَ المُتَفَضّلُ بِالإِحسَانِ،المُتَطَوّلُ بِالِامتِنَانِ،الوَهّابُ الكَرِيمُ،ذُو الجَلَالِ وَ الإِكرَامِ.

(۱۵)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که بیمار شد یا دچار اندوه یا گرفتاری گردید

(۱) خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. و تو را سپاس بر بیماری ای که در جسمم پدید آوردی.

(۲) ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟

(۳) آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی و مرا به وسیله آن برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی و با آن بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی؟

(۴) یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید، و از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد و برای فراگرفتن توبه آگاهی و برای از بین بردن گناه به وسیله نعمت پیشین یادآوری باشد؟

(۵) و در بین آن بیماریْ نویسندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که نه دلی در آن اندیشیده و نه زبانی به آن گویا گشته و نه اندامی آن را با مشقّت انجام داده. بلکه فضل و احسان توست که بر من است.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه برایم پسندیده ای را محبوب من گردان و آنچه بر من وارد نموده ای، برایم آسان کن و مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما. و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای و مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما و گوارایی سلامتی را به من بچشان و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشتت، و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود، و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت، و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.

(۷) همانا تویی که بدون سبب به نیکی رفتار می کنی و بدون استحقاق نعمت بزرگ می بخشی و تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام نمی شود و تویی دارای بزرگواری و احترام.

(۱۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا استَقَالَ مِن ذُنُوبِهِ، أَو تَضَرّعَ فِی طَلَبِ العَفوِ عَن عُيُوبِهِ

(۱) أَللّهُمّ يَا مَن بِرَحمَتِهِ يَستَغيثُ المُذنِبُونَ(۲) وَ يَا مَن إِلَی ذِكرِ إِحسَانِهِ يَفزَعُ المُضطَرّونَ(۳) وَ يَا مَن لِخِيفَتِهِ يَنتَحِبُ الخَاطِئُونَ(۴) يَا أُنسَ كُلّ مُستَوحِشٍ غَرِيبٍ، وَ يَا فَرَجَ كُلّ مَكرُوبٍ كَئِيبٍ، وَ يَا غَوثَ كُلّ مَخذُولٍ فَرِيدٍ، وَ يَا عَضُدَ كُلّ مُحتَاجٍ طَرِيدٍ(۵) أَنتَ أَلّذِی وَسِعتَ كُلّ شَیءٍ رَحمَةً وَ عِلماً(۶) وَ أَنتَ أَلّذِی جَعَلتَ لِكُلّ مَخلُوقٍ فِی نِعَمِكَ سَهماً(۷) وَ أَنتَ أَلّذِی عَفوُهُ أَعلَی مِن عِقَابِهِ(۸) وَ أَنتَ أَلّذِی تَسعَی رَحمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ.(۹) وَ أَنتَ أَلّذِی عَطَاؤُهُ أَكثَرُ مِن مَنعِهِ.(۱۰) وَ أَنتَ أَلّذِی اتّسَعَ الخَلَائِقُ كُلّهُم فِی وُسعِهِ.(۱۱) وَ أَنتَ أَلّذِی لَا يَرغَبُ فِی جَزَاءِ مَن أَعطَاهُ.(۱۲) وَ أَنتَ أَلّذِی لَا يُفرِطُ فِی عِقَابِ مَن عَصَاهُ.(۱۳) وَ أَنَا، يَا إِلَهِی،عَبدُكَ أَلّذِی أَمَرتَهُ بِالدّعَاءِ فَقَالَ لَبّيكَ وَ سَعدَيكَ،هَا أَنَا ذَا، يَا رَبّ،مَطرُوحٌ بَينَ يَدَيكَ.(۱۴) أَنَا أَلّذِی أَوقَرَتِ الخَطَايَا ظَهرَهُ، وَ أَنَا أَلّذِی أَفنَتِ الذّنُوبُ عُمُرَهُ، وَ أَنَا أَلّذِی بِجَهلِهِ عَصَاكَ، وَ لَم تَكُن أَهلًا مِنهُ لِذَاكَ.

ص: ۱۳۴۰

(۱۶)و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که از گناهان عفو و گذشت طلبید یا در درخواست بخشایش از ناپسندی ها زاری نمود.

(۱) خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند.

(۲) و ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه می برند.

(۳) و ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند.

(۴) ای آرامِ دل هر وحشت زده دور از وطن، و ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین، و ای فریادرس هر خوار شده تنها، و ای یاور هر نیازمند رانده شده.

(۵) تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای.

(۶) و تو آنی که برای هر آفریده ای در نعمت هایت بهره ای مقرر داشته ای.

(۷) و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

(۸) و تو آنی که رحمتش بر غضبش پیشی می گیرد.

(۹) و تویی آنکه عطا و بخشش او بیش از محروم نمودنش است.

(۱۰) و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند.

(۱۱) و تویی آنکه به هر که نعمت داد، پاداش نمی خواهد.

(۱۲) و تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کند.

(۱۳) و من -ای خدای من- بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم. ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام.

(۱۴) من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده و تو شایسته نافرمانی او نبودی.

(۱۵)هَل أنتَ، يَا إلِهَي،رَاحِمٌ مَن دَعَاكَ فَأَبلغَ فِي الدّعَاءِ أَم أَنتَ غَافِرٌ لِمَن بَكَاكَ فَأَسرعَ فِي البُكَاءِ أَم أَنتَ مُتَجَاوِزٌ عَمّن عَفّرَ لَكَ وَجهَهُ تَذَلّلًا أَم أَنتَ مُغنٍ مَن شَكَا إلَيكَ،فَقرَهُ تَوَكّلًا(۱۶)إِلَهِي لَا تُخَيّب مَن لَا يَجِدُ مُعطِياً غَيرَکَ، وَ لَا تَخذُل مَن لَا يَستَغنِي عَنکَ بِأَحدٍ دُونَکَ.(۱۷)إِلَهِي فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُعرِض عنّيَ وَ قَد أَقبَلتُ عَلَيکَ، وَ لَا تحرِمنِي وَ قَد رَغِبتُ إِلَيکَ، وَ لَا تجبهَنِي بِالرّدّ وَ قَد انتَصَبتُ بَينَ يَدَيکَ.(۱۸) أَنتَ أَلّذِي وَصَفتَ نَفسَکَ بِالرّحمَهِ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارحمَنِي، وَ أَنتَ أَلّذِي سَمّيتَ نَفسَکَ بِالعَفوِ فَاعفُ عنّيّ(۱۹) قَد تَرَى يَا إِلَهِي،فَيضَ دمعِي مِن خِيفَتِکَ، وَ وَجِيبَ قلبِي مِن خَشيَتِکَ، وَ انتِقَاضَ جوَارِحِي مِن هَيبَتِکَ(۲۰) کُلّ ذَلِکَ حَيَاءٌ مِنکَ لِسُوءِ عمَلِي، وَ لِذَاکَ خَمَدَ صوتِي عَنِ الجَأرِ إِلَيکَ، وَ کَلّ لِسَانِي عَن مُنَاجَاتِکَ.(۲۱) يَا إِلَهِي فَلَکَ الحَمدُ فَکَم مِن عَائِبَهٍ سَتَرتَهَا عَلَيّ فَلَم تفضَحنِي، وَ کَم مِن ذَنبٍ غَطّيتَهُ عَلَيّ فَلَم تشهَرنِي، وَ کَم مِن شَائِبَهٍ أَلمَمتُ بِهَا فَلَم تَهتِک عنّيَ سِترَهَا، وَ لَم تقَلّدنِي مَکرُوهَ شَنَارِهَا، وَ لَم تُبدِ سَوءَاتِهَا لِمَن يَلتَمِسُ معَايِبِي مِن جيرَتِي، وَ حَسَدَهِ نِعمَتِکَ عِندِي(۲۲) ثُمّ لَم ينهَنِي ذَلِکَ عَن أَن جَرَيتُ إِلَى سُوءِ مَا عَهِدتَ منِيّ(۲۳)فَمَن أَجهَلُ منِيّ، يَا إِلَهِي،بِرُشدِهِ وَ مَن أَغفَلُ منِيّ عَن حَظّهِ وَ مَن أَبعَدُ منِيّ مِنِ استِصلَاحِ نَفسِهِ حِينَ أُنفِقُ مَا أَجرَيتَ عَلَيّ مِن رِزقِکَ فِيمَا نَهَيتَنِي عَنهُ مِن مَعصِيَتِکَ وَ مَن أَبعَدُ غَوراً فِي البَاطِلِ، وَ أَشَدّ إِقدَاماً عَلَى السّوءِ منِيّ حِينَ أَقِفُ بَينَ دَعوَتِکَ وَ دَعوَهِ الشّيطَانِ فَأَتّبِعُ دَعوَتَهُ عَلَى غَيرِ عَمًى منِيّ فِي مَعرِفَهٍ بِهِ وَ لَا نِسيَانٍ مِن حفِظِي لَهُ؟

(۱۵) ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟ یا گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟ یا از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، در می گذری؟ یا هر کس را که از تهی دستی اش با توکّل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟

(۱۶) خدای من کسی را که جز تو بخشنده ای نمی یابد ناامید نکن، و کسی را که از غیر تو بی نیاز نمی گردد، خوار نگردان.

(۱۷) خدای من بر محمّد و خاندانش درود فرست و از من که به تو رو آورده ام روی نگردان. و مرا که از تو درخواست کرده ام محروم نساز. و در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن.

(۱۸) تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن. و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر.

(۱۹) ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود و نگرانی دلم را از بیم خود و ناتوانی اندامم را از هیبت خود می بینی.

(۲۰) همه اینها از روی شرمی است که از بد کرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته و زبانم از مناجات با تو بند آمده.

(۲۱) ای خدای من، تو را سپاس. چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی. و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم ننمودی. و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی. و بدی های مرا پیش همسایگانم -که در جستجوی عیب های من می باشند و حسودانِ نعمتِ تو بر منند- آشکار نکردی.

(۲۲) آن همه (عنایت) مرا از شتافتن به سوی بدی -که تو از من می دانی- بازنداشت!

(۲۳) پس ای خدای من چه کسی به رستگاری خود نادان تر از من؟ و چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من؟ و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟ و چه کسی از من در نادرستی فرو رونده تر و بر اعمال زشت بی باک تر، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور و در شناخت بدی های او فراموشکار نیستم؟

ص: ۱۳۴۳

(۲۴) وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنّ مُنتَهَى دَعوَتِکَ إِلَى الجَنّهِ، وَ مُنتَهَى دَعوَتِهِ إِلَى النّارِ.(۲۵)سُبحَانَکَ مَا أَعجَبَ مَا أَشهَدُ بِهِ عَلَى نَفسِي، وَ أُعَدّدُهُ مِن مَکتُومِ أَمرِي.(۲۶) وَ أَعجَبُ مِن ذَلِکَ أَنَاتُکَ عَنّي، وَ إِبطَاؤُکَ عَن مُعَاجَلَتِي، وَ لَيسَ ذَلِکَ مِن کَرَمِي عَلَيکَ،بَل تَأَنّياً مِنکَ لِي، وَ تَفَضّلًا مِنکَ عَلَيّ لِأَن أَرتَدِعَ عَن مَعصِيَتِکَ المُسخِطَهِ، وَ أُقلِعَ عَن سَيّئَاتِيَ المُخلِقَهِ، وَ لِأَنّ عَفوَکَ عَنّي أَحَبّ إِلَيکَ مِن عُقُوبَتِي(۲۷)بَل أَنَا، يَا إِلَهِي،أَکثَرُ ذُنُوباً، وَ أَقبَحُ آثَاراً، وَ أَشنَعُ أَفعَالًا، وَ أَشَدّ فِي البَاطِلِ تَهَوّراً، وَ أَضعَفُ

عِندَ طَاعَتِکَ تَيَقّظاً، وَ أَقَلّ لِوَعِيدِکَ انتِبَاهاً وَ ارتِقَاباً مِن أَن أُحصِيَ لَکَ عُيُوبِي، أَو أَقدِرَ عَلَى ذِکرِ ذُنُوبِي.(۲۸) وَ إِنّمَا أُوَبّخُ بِهَذَا نَفسِي طَمَعاً فِي رَأفَتِکَ الّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمرِ المُذنِبِينَ، وَ رَجَاءً لِرَحمَتِکَ الّتِي بِهَا فَکَاکُ رِقَابِ الخَاطِئِينَ.(۲۹) أَللّهُمّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَد أَرَقّتهَا الذّنُوبُ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعتِقهَا بِعَفوِکَ، وَ هَذَا ظَهرِي قَد أَثقَلَتهُ الخَطَايَا،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَفّف عَنهُ بِمَنّکَ(۳۰) يَا إِلَهِي لَو بَکَيتُ إِلَيکَ حَتّى تَسقُطَ أَشفَارُ عَينَيّ، وَ انتَحَبتُ حَتّى يَنقَطِعَ صَوتِي، وَ قُمتُ لَکَ حَتّى تَتَنَشّرَ قَدَمَايَ، وَ رَکَعتُ لَکَ حَتّى يَنخَلِعَ صُلبِي، وَ سَجَدتُ لَکَ حَتّى تَتَفَقّأَ حَدَقَتَايَ، وَ أَکَلتُ تُرَابَ الأَرضِ طُولَ عُمُرِي، وَ شَرِبتُ مَاءَ الرّمَادِ آخِرَ دَهرِي، وَ ذَکَرتُکَ فِي خِلَالِ ذَلِکَ حَتّى يَکِلّ لِسَانِي، ثُمّ لَم أَرفَع طَرفِي إِلَى آفَاقِ السّمَاءِ استِحيَاءً مِنکَ مَا استَوجَبتُ بِذَلِکَ مَحوَ سَيّئَهٍ وَاحِدَهٍ مِن سَيّئَاتِي.

(۲۴) و من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت او به سوی آتش است.

(۲۵) پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

(۲۶) و شگفت تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضّل تو بر من است. برای اینکه از نافرمانی -برانگیزنده خشم تو- دست بردارم و از بدی های -خوار کننده ام- جدا شوم. و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است.

(۲۷) بلکه من -ای خدای من- گناهانم بیشتر و نشانه هایم زشت تر و کردار هایم بدتر و در انجام باطل گستاخ تر و بیداری ام هنگام طاعتت سست تر و نسبت به تهدیدهایت کم هشیار تر و نامراقب تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

(۲۸) و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم -که اصلاح کار گناهکاران به آنست- و امیدواری به رحمت تو -که رهایی گردن های خطاکاران است- می باشد.

(۲۹) خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به بخشش آن را سبک گردان.

(۳۰) ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، و چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، و آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند و برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کَنده شود و برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، و همه عمرم خاک زمین خورم، و در مدّت زندگی ام آب خاکستر آلود بنوشم، و در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه های آسمان بر ندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

(۳۱) وَ إِن كُنتَ تَغفِرُ لِی حِینَ أَستَوجِبُ مَغفِرَتَکَ، وَ تَعفُو عَنّیَ حِینَ أَستَحِقّ عَفوَکَ فَإِنّ ذَلِکَ غَیرُ وَاجِبٍ لِی بِاستِحقَاقٍ، وَ لَا أَنَا أَهلٌ لَهُ بِاستِیجَابٍ،إِذ کَانَ جزَائِی مِنکَ فِی أَوّلِ مَا عَصَیتُکَ النّارَ، فَإِن تعُذّبنِی فَأَنتَ غَیرُ ظَالِمٍ لِی.(۳۲)إِلهَی فَإِذ قَد تغَمَدّتنَیِ بِستِرکَ فَلَم تفَضحَنیِ، وَ تأَنَیّتنَیِ بِکَرَمِکَ فَلَم تعُاَجِلنیِ، وَ حَلُمتَ عنَیّ بِتَفَضّلِکَ فَلَم تُغَیّر نِعمَتَکَ عَلَیّ، وَ لَم تُکَدّر مَعرُوفَکَ عِندیِ،فَارحَم طُولَ تضَرَعّیِ وَ شِدّهَ مسَکنَتَیِ، وَ سُوءَ موَقفِیِ.(۳۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ قِنِی مِنَ المعَاَصیِ، وَ استعَملِنیِ بِالطّاعَهِ، وَ ارزقُنیِ حُسنَ الإِناَبَهِ، وَ طهَرّنیِ بِالتّوبَهِ، وَ أیَدّنیِ بِالعِصمَهِ، وَ استصَلحِنیِ بِالعَافِیَهِ، وَ أذَقِنیِ حَلَاوَهَ المَغفِرَهِ، وَ اجعلَنیِ طَلِیقَ عَفوِکَ، وَ عَتِیقَ رَحمَتِکَ، وَ اکتُب لِی أَمَاناً مِن سُخطِکَ، وَ بشَرّنیِ بِذَلِکَ فِی العَاجِلِ دُونَ الآجِلِ،بُشرَی أَعرِفُهَا، وَ عرَفّنیِ فِیهِ عَلَامَهً أَتَبَیّنُهَا.(۳۴) إِنّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیکَ فِی وُسعِکَ، وَ لَا یَتَکَأّدُکَ فِی قُدرَتِکَ، وَ لَا یَتَصَعّدُکَ فِی أَنَاتِکَ، وَ لَا یَئُودُکَ فِی جَزِیلِ هِبَاتِکَ الّتِی دَلّت عَلَیهَا آیَاتُکَ،إِنّکَ تفَعلَُ مَا تَشَاءُ، وَ تَحکُمُ مَا تُرِیدُ،إِنّکَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ.

(۳۱) و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، و ببخشایی آنگاه که مستحقّ بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود. پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

(۳۲) خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی، و با بخششت با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی و به فضل خود از من درگذشتی و نعمتت را بر من تغییر ندادی و نیکی ات را به من تیره نساختی، پس بر بسیاری زاریم و شدّت نیازم و بدی جایگاهم رحم کن.

(۳۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از گناهان حفظ کن و به طاعت خود بگمار و نیکی بازگشت از گناه را روزی ام فرما و با توبه پاکم گردان و با نگهداری از گناه تأییدم کن و صلاحم را با تندرستی بخواه و شیرینی آمرزش را به من بچشان و مرا رهاشده گذشتت و آزاد گردیده رحمتت قرار ده و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم.

(۳۴) بدرستی که این در برابر گستره توانایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت سخت نمی باشد و در برابر بردباری ات دشوار نیست و در برابر بخشش های بسیارت که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی باشد. که تو آنچه می خواهی انجام می دهی و آنچه اراده نمایی حکم می کنی. بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی.

ص: ۱۳۴۷

(۱۷) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ إِذَا ذُکِرَ الشّیطَانُ فَاستَعَاذَ مِنهُ وَ مِن عَدَاوَتِهِ وَ کَیدِهِ

(۱) أَللّهُمّ إِنّا نَعُوذُ بِکَ مِن نَزَغَاتِ الشّیطَانِ الرّجِیمِ وَ کَیدِهِ وَ مَکَایِدِهِ، وَ مِنَ الثّقَهِ بِأَمَانِیّهِ وَ مَوَاعِیدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَایِدِهِ.(۲) وَ أَن یُطمِعَ نَفسَهُ فِی إِضلَالِنَا عَن طَاعَتِکَ، وَ امتِهَانِنَا بِمَعصِیَتِکَ، أَو أَن یَحسُنَ عِندَنَا مَا حَسّنَ لَنَا، أَو أَن یَثقُلَ عَلَینَا مَا کَرّهَ إِلَینَا.(۳) أَللّهُمّ اخسَأهُ عَنّا بِعِبَادَتِکَ، وَ اکبِتهُ بِدُءوبِنَا فِی مَحَبّتِکَ، وَ اجعَل بَینَنَا وَ بَینَهُ سِتراً لَا یَهتِکُهُ، وَ رَدماً مُصمِتاً لَا یَفتُقُهُ.(۴) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اشغَلهُ عَنّا بِبَعضِ أَعدَائِکَ، وَ اعصِمنَا مِنهُ بِحُسنِ رِعَایَتِکَ، وَ اکفِنَا خَترَهُ، وَ وَلّنَا ظَهرَهُ، وَ اقطَع عَنّا إِثرَهُ.(۵) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَمتِعنَا مِنَ الهُدَی بِمِثلِ ضَلَالَتِهِ، وَ زَوّدنَا مِنَ التّقوَی ضِدّ غَوَایَتِهِ، وَ اسلُک بِنَا مِنَ التّقَی خِلَافَ سَبِیلِهِ مِنَ الرّدَی.(۶) أَللّهُمّ لَا تَجعَل لَهُ فِی قُلُوبِنَا مَدخَلًا وَ لَا تُوطِنَنّ لَهُ فِیمَا لَدَینَا مَنزِلًا.(۷) أَللّهُمّ وَ مَا سَوّلَ لَنَا مِن بَاطِلٍ فَعَرّفنَاهُ، وَ إِذَا عَرّفتَنَاهُ فَقِنَاهُ، وَ بَصّرنَا مَا نُکَایِدُهُ بِهِ، وَ أَلهِمنَا مَا نُعِدّهُ لَهُ، وَ أَیقِظنَا عَن سِنَهِ الغَفلَهِ بِالرّکُونِ إِلَیهِ، وَ أَحسِن بِتَوفِیقِکَ عَونَنَا عَلَیهِ.

(۱۷)و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که از شیطان یاد شد و از او و از دشمنی و مکرش به خدا پناه برد

(۱) خداوندا ما از وسوسه های شیطان -رانده شده- و حیله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم.

(۲) و از اینکه در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند. یا آنچه برای ما می آراید، برای ما زیبا جلوه دهد. یا چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید.

(۳) خداوندا او را از ما -به سبب عبادت و بندگی ات- دور کن. و با کوشش مستمر ما -در دوستی ات- او را خوار نما. و میان ما و او پرده ای افکن که نتواند آن را چاک زند. و سد استواری که نتواند آن را بشکافد.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما و ما را با نیکیِ نگهداری ات از او نگهدار. و حیله او را از ما دور کن و او را از ما فراری ده. و اثرش را از ما قطع کن.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به اندازه گمراهی او، از رستگاری ات بهره مند گردان. و بر ضدّ گمراهی او، ما را از پرهیزکاری توشه ده. و برخلاف راه هلاکت بارش، ما را به راه پرهیزکاری ببَر.

(۶) خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده. و او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

(۷) خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار. و ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. و ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان. و به توفیق خود ما را بر ضدّ او، نیکو یاری نما.

ص: ۱۳۴۹

(۸) أللّهُمّ وَ أَشرب قُلُوبَنَا إنكَارَ عَمَلِهِ، وَ الطُف لَنَا فِی نَقضِ حِيَلِهِ.(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَوّل سُلطَانَهُ عَنّا، وَ اقطَع رَجَاءَهُ مِنّا، وَ ادرَأهُ عَنِ الوُلُوعِ بِنَا.(۱۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل آبَاءَنَا وَ أُمّهَاتِنَا وَ أَولَادَنَا وَ أَهَالِيَنَا وَ ذَوِی أَرحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانَنَا مِنَ المُؤمِنِينَ وَ المُؤمِنَاتِ مِنهُ فِی حِرزٍ حَارِزٍ، وَ حِصنٍ حَافِظٍ، وَ كَهفٍ مَانِعٍ، وَ أَلبِسهُم مِنهُ جُنَناً وَاقِيَةً، وَ أَعطِهِم عَلَيهِ أَسلِحَةً مَاضِيَةً.(۱۱) أللّهُمّ وَ اعمُم بِذَلِكَ مَن شَهِدَ لَكَ بِالرّبُوبِيّةِ، وَ أَخلَصَ لَكَ بِالوَحدَانِيّةِ، وَ عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ العُبُودِيّةِ، وَ استَظهَرَ بِكَ عَلَيهِ فِی مَعرِفَةِ العُلُومِ الرّبّانِيّةِ. (۱۲) أللّهُمّ احلُل مَا عَقَدَ، وَ افتُق مَا رَتَقَ، وَ افسَخ مَا دَبّرَ، وَ ثَبّطهُ إِذَا عَزَمَ، وَ انقُض مَا أَبرَمَ.(۱۳) أللّهُمّ وَ اهزِم جُندَهُ، وَ أَبطِل كَيدَهُ وَ اهدِم كَهفَهُ، وَ أَرغِم أَنفَهُ(۱۴) أللّهُمّ اجعَلنَا فِی نَظمِ أَعدَائِهِ، وَ اعزِلنَا عَن عِدَادِ أَولِيَائِهِ، لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا استَهوَانَا، وَ لَا نَستَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا،نَأمُرُ بِمُنَاوَأَتِهِ، مَن أَطَاعَ أَمرَنَا، وَ نَعِظُ عَن مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتّبَعَ زَجرَنَا.(۱۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ خَاتَمِ النّبِيّينَ وَ سَيّدِ المُرسَلِينَ وَ عَلَى أَهلِ بَيتِهِ الطّيّبِينَ الطّاهِرِينَ، وَ أَعِذنَا وَ أَهَالِيَنَا وَ إِخوَانَنَا وَ جَمِيعَ المُؤمِنِينَ وَ المُؤمِنَاتِ مِمّا استَعَذنَا مِنهُ، وَ أَجِرنَا مِمّا استَجَرنَا بِكَ مِن خَوفِهِ(۱۶) وَ اسمَع لَنَا مَا دَعَونَا بِهِ، وَ أَعطِنَا مَا أَغفَلنَاهُ، وَ احفَظ لَنَا مَا نَسِينَاهُ، وَ صَيّرنَا بِذَلِكَ فِی دَرَجَاتِ الصّالِحِينَ وَ مَرَاتِبِ المُؤمِنِينَ،آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ.

(۸) خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز و راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و تسلّط او را از ما بردار و امیدش را از ما قطع کن و او را از حریص بودن به ما باز دار.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیّت او بپوشان و سلاح های برنده بر ضدّ او به آنان عطا فرما.

(۱۱) خداوندا و همه این خواسته ها را در حقّ هر که به پروردگاری ات گواهی داد، و به یگانگی ات اخلاص ورزید، و به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، و در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند را، اجابت فرما.

(۱۲) خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا. و آنچه اندیشید، باطل کن. و هر تصمیمی گرفت، از اقدامش بازدار. و آنچه استوار نمود، درهم شکن.

(۱۳) خداوندا و لشکرش را شکست ده. و فریبش را باطل فرما. و پناهگاهش را ویران ساز. و بینی اش را به خاک بمال.

(۱۴) خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم و هرگاه که ما را فراخواند، پاسخش ندهیم. هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم و هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او باز داریم.

(۱۵) خداوندا بر محمّد -آخِرِ پیامبران و سرور فرستادگان- و بر خانواده پاک و پاکیزه او درود فرست و ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده.

(۱۶) و آنچه خواسته ایم بشنو و آنچه از ذکرش غافل شدیم به ما عطا فرما و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران و جایگاه های اهل ایمان قرار ده. پروردگار جهانیان اجابت فرما.

ص: ۱۳۵۱

(١٨) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنهُ مَا يَحذَرُ، أَو عُجّلَ لَهُ مَطلَبُهُ

(١) أللّهُمّ لَکَ الحَمدُ عَلَی حُسنِ قَضَائِکَ، وَ بِمَا صَرَفتَ عنَیّ مِن بَلَائِکَ، فَلَا تَجعَل حظَیّ مِن رَحمَتِکَ مَا عَجّلتَ لِی مِن عَافِیَتِکَ فَأَکُونَ قَد شَقِیتُ بِمَا أَحبَبتُ وَ سَعِدَ غیَریِ بِمَا کَرِهتُ.(٢) وَ إِن یَکُن مَا ظَلِلتُ فِیهِ أَو بِتّ فِیهِ مِن هَذِهِ العَافِیَهِ بَینَ یدَیَ بَلَاءٍ لَا یَنقَطِعُ وَ وِزرٍ لَا یَرتَفِعُ فَقَدّم لِی مَا أَخّرتَ، وَ أَخّر عنَیّ مَا قَدّمتَ.(٣)فَغَیرُ کَثِیرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الفَنَاءُ، وَ غَیرُ قَلِیلٍ مَا عَاقِبَتُهُ البَقَاءُ، وَ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ.

ص: ١٣٥٢

(۱۸)و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که آنچه از آن می هراسید، از او دور می شد یا خواسته اش زود روا می گشت

(۱) خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی و بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس. پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه دوست ندارم، خوشبخت شود.

(۲) و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد و گناهی که برداشته نمی شود باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

(۳) زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست. و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

ص: ۱۳۵۳

(۱۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ، عَلَيهِ السّلَامُعِندَ الِاستِسقَاءِ بَعدَ الجَدبِ

(۱) أللّهُمّ اسقِنَا الغَيثَ، وَ انشُر عَلَينَا رَحمَتَكَ بِغَيثِكَ المُغدِقِ مِنَ السّحَابِ المُنسَاقِ لِنَبَاتِ أَرضِكَ المُونِقِ فِى جَمِيعِ الآفَاقِ.(۲) وَ امنُن عَلَى عِبَادِكَ بِإِينَاعِ الثّمَرَهِ، وَ أحىِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزّهَرَهِ، وَ أَشهِد مَلَائِكَتَكَ الكِرَامَ السّفَرَهَ بِسَقىٍ مِنكَ نَافِعٍ،دَائِمٍ غُزرُهُ،وَاسِعٍ دِرَرُهُ،وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ.(۳)تحُيِى بِهِ مَا قَد مَاتَ، وَ تَرُدّ بِهِ مَا قَد فَاتَ وَ تُخرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ، وَ تُوَسّعُ بِهِ فِى الأَقوَاتِ،سَحَاباً مُتَرَاكِماً هَنِيئاً مَرِيئاً طَبَقاً مُجَلجَلًا، غَيرَ مُلِثّ وَدقُهُ، وَ لَا خُلّبٍ بَرقُهُ.(۴) أللّهُمّ اسقِنَا غَيثاً مُغِيثاً مَرِيعاً مُمرِعاً عَرِيضاً وَاسِعاً غَزِيراً،تَرُدّ بِهِ النّهِيضَ، وَ تَجبُرُ بِهِ المَهِيضَ(۵) أللّهُمّ اسقِنَا سَقياً تُسِيلُ مِنهُ الظّرَابَ، وَ تَملَأُ مِنهُ الجِبَابَ، وَ تُفَجّرُ بِهِ الأَنهَارَ، وَ تُنبِتُ بِهِ الأَشجَارَ، وَ تُرخِصُ بِهِ الأَسعَارَ فِى جَمِيعِ الأَمصَارِ، وَ تَنعَشُ بِهِ البَهَائِمَ وَ الخَلقَ، وَ تُكمِلُ لَنَا بِهِ طَيّبَاتِ الرّزقِ، وتُنبِتُ لَنَا بِهِ الزّرعَ وَ تُدِرّ بِهِ الضّرعَ وَ تَزِيدُنَا بِهِ قُوّهً إِلَى قُوّتِنَا.

(۱۹)و از دعای امام علیه السلام بود هنگام درخواست باران پس از خشک سالی

(۱) خداوندا ما را از باران سیراب نما و رحمتت را با بارانِ فراوان از ابری که برای رویاندن گیاهِ چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران.

(۲) و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود -که فراوانی اش همیشگی، جاری شدنش بسیار، سخت، تند و شتابان باشد- آماده ساز.

(۳) که به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی. و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی. و به وسیله آن آنچه که آمدنی است، بیرون آوری. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، گوارا، خوش، فراگیر، غرّنده. نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و بی باران.

(۴) خداوندا ما را از بارانی ثمربخش، خرّمی بخش، سرسبز کننده، پهناور، دامنه دار و پُر آب، سیراب گردان تا با آن گیاه روینده را بازگردانی. و به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی.

(۵) خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی و چاه ها را از آن پر کنی و رودخانه ها را با آن روان سازی و درخت ها را به وسیله آن برویانی و با آن قیمت ها را -در همه شهرهای بزرگ- ارزان کنی و چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری و روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی و کشت ها را به وسیله اش برایمان برویانی و پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی و به وسیله آن نیرویی بر نیروی ما بیفزایی، سیراب نما.

(۶) أللّهُمّ لَـا تَجعَل ظِلّهُ عَلَينَا سَـمُوماً، وَ لَا تَجعَل بَردَهُ عَلَينَا حُسُوماً، وَ لَا تَجعَل صَوبَهُ عَلَينَا رُجُوماً، وَ لَا تَجعَل مَاءَهُ عَلَينَا أَجَاجاً.(۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ ارزُقنَا مِن بَرَكَاتِ السّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ،إِنّكَ عَلَى كُلّ شَیءٍ قَدِيرٌ.

ص: ۱۳۵۶

(۶) خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده و سردی اش را بر ما شوم و باریدنش را بر ما تیر بلا قرار نده و آبش را بر ما شور و تلخ نگردان.

(۷) خداونـدا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از برکات آسـمان ها و زمین روزی عطا فرما. بدرستی که تو بر هر چیز توانایی.

ص: ۱۳۵۷

(۲۰) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی مَكَارِمِ الأَخلَاقِ وَ مَرضِیّ الأَفعَالِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَلّغ بِإِيمَانِی أَكمَلَ الإِيمَانِ، وَ اجعَل يقِينِی أَفضَلَ اليَقِينِ، وَ انتَهِ بِنِيّتِی إِلَی أَحسَنِ النّيّاتِ، وَ بِعَمَلِی إِلَی أَحسَنِ الأَعمَالِ.(۲) أللّهُمّ وَفّر بِلُطفِكَ نِيّتِی، وَ صَحّح بِمَا عِندَكَ يقِينِی، وَ استَصلِح بِقُدرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنّی.(۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنِی مَا يشْغَلُنِی الِاهتِمَامُ بِهِ، وَ استَعمِلنِی بِمَا تَسأَلُنِی غَداً عَنهُ، وَ استَفرِغ أَيّامِی فِيمَا خَلَقتَنِی لَهُ، وَ أَغنِنِی وَ أَوسِع عَلَيّ فِی رِزقِكَ، وَ لَا تَفتِنّی بِالنّظَرِ، وَ أَعِزّنِی وَ لَا تَبتَلِيَنّی بِالكِبرِ، وَ عَبّدنِی لَكَ وَ لَا تُفسِد عِبَادَتِی بِالعُجبِ، وَ أَجرِ لِلنّاسِ عَلَی يدَيّ الخَيرَ وَ لَا تَمحَقهُ بِالمَنّ، وَ هَب لِی مَعَالِيَ الأَخلَاقِ، وَ اعصِمنِی مِنَ الفَخرِ.(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَرفَعنِی فِی النّاسِ دَرَجَةً إِلّا حَطَطتَنِی

عِندَ نَفسِی مِثلَهَا، وَ لَا تُحدِث لِی عِزّاً ظَاهِراً إِلّا أَحدَثتَ لِی ذِلّةً بَاطِنَةً

عِندَ (۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ مَتّعنِی بِهُدًی صَالِحٍ لَا أَستَبدِلُ بِهِ، وَ طَرِيقَةِ حَقّ لَا أَزِيغُ عَنهَا، وَ نِيّةِ رُشدٍ لَا أَشُكّ فِيهَا، وَ عَمّرنِی مَا كَانَ عُمُرِی بِذلَةً فِی طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمُرِی مَرتَعاً لِلشّيطَانِ فَاقبِضنِی إِلَيكَ قَبلَ أَن يَسبِقَ مَقتُكَ إِلَيّ أَو يَستَحكِمَ غَضَبُكَ عَلَيّ.

ص: ۱۳۵۸

(۲۰) و از دعای امام علیه السلام بود در اخلاق نیک و کردارهای پسندیده

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان و یقینم را برترین یقین قرار ده و نیّت مرا به نیک ترین نیّت ها و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.

(۲) خداوندا به لطف خود نیّت مرا کامل گردان و یقینم را به آنچه نزد توست درست گردان و امور تباهم را به توانایی خود، اصلاح نما.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد کفایت کن. و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار. و سراسر روزهایم را در آنچه مرا برای آن آفریدی صرف نما. و مرا بی نیاز گردان و روزی ات را بر من بگستر و مرا به چشم به راه بودن گرفتار نکن. و مرا گرامی دار و به خود بزرگ بینی گرفتارم نساز. و مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با خودپسندی تباه نگردان. و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز ولی آن را با منّت گذاردن باطل نفرما. و به من بزرگواری های اخلاقی عطا کن و مرا از فخرفروشی حفظ فرما.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم و به نیّت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمند ساز و تا زمانی که زندگی ام در طاعت تو صرف شود مرا طول عمر ده. پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد -پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد یا خشمت بر من استوار گردد- مرا به سوی خود بازگردان.

ص: ۱۳۵۹

(۶) أللّهُمّ لَا تَدَع خَصلَةً تُعَابُ منِیّ إلّا أَصلَحتَهَا، وَ لَا عَائِبَةً أوَنّبُ بِهَا إلّا حَسّنتَهَا، وَ لَا أکرُومَةً فِیّ نَاقِصَةً إلّا أَتمَمتَهَا.(۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ أبدِلنِی مِن بِغضَهِ أَهلِ الشّنَآنِ المَحَبّهَ، وَ مِن حَسَدِ أَهلِ البَغیِ المَوَدّهَ، وَ مِن ظِنّهِ أَهلِ الصّلَاحِ الثّقَهَ، وَ مِن عَدَاوَهِ الأَدنَینَ الوَلَایَهَ، وَ مِن عُقُوقِ ذوَیِ الأَرحَامِ المَبَرّهَ، وَ مِن خِذلَانِ الأَقرَبِینَ النّصرَهَ، وَ مِن حُبّ المُدَارِینَ تَصحِیحَ المِقَهِ، وَ مِن رَدّ المُلَابِسِینَ کَرَمَ العِشرَهِ، وَ مِن مَرَارَهِ خَوفِ الظّالِمِینَ حَلَاوَهَ الأَمَنَهِ.(۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل لِی یَداً عَلَی مَن ظَلَمَنِی، وَ لِسَاناً عَلَی مَن خَاصَمَنِی، وَ ظَفَراً بِمَن عَانَدَنِی، وَ هَب لِی مَکراً عَلَی مَن کَایَدَنِی، وَ قُدرَهً عَلَی مَنِ اضطَهَدَنِی، وَ تَکذِیباً لِمَن قَصَبَنِی، وَ سَلَامَهً مِمّن تَوَعّدَنِی، وَ وَفّقنِی لِطَاعَهِ مَن سَدّدَنِی، وَ مُتَابَعَهِ مَن أَرشَدَنِی.(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ سَدّدنِی لِأَن أُعَارِضَ مَن غَشّنِی بِالنّصحِ، وَ أَجزِیَ مَن هَجَرَنِی بِالبِرّ، وَ أُثِیبَ مَن حَرَمَنِی بِالبَذلِ، وَ أُکَافِیَ مَن قَطَعَنِی بِالصّلَهِ، وَ أُخَالِفَ مَنِ اغتَابَنِی إِلَی حُسنِ الذّکرِ، وَ أَن أَشکُرَ الحَسَنَهَ، وَ أُغضِیَ عَنِ السّیّئَهِ.(۱۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَلّنِی بِحِلیَهِ الصّالِحِینَ، وَ أَلبِسنِی زِینَهَ المُتّقِینَ، فِی بَسطِ العَدلِ، وَ کَظمِ الغَیظِ، وَ إِطفَاءِ النّائِرَهِ، وَ ضَمّ أَهلِ الفُرقَهِ، وَ إِصلَاحِ ذَاتِ البَینِ، وَ إِفشَاءِ العَارِفَهِ، وَ سَترِ العَائِبَهِ، وَ لِینِ العَرِیکَهِ، وَ خَفضِ الجَنَاحِ، وَ حُسنِ السّیرَهِ، وَ سُکُونِ الرّیحِ، وَ طِیبِ المُخَالَقَهِ، وَ السّبقِ إِلَی الفَضِیلَهِ، وَ إِیثَارِ التّفَضّلِ، وَ تَرکِ التّعیِیرِ، وَ الإِفضَالِ عَلَی غَیرِ المُستَحِقّ، وَ القَولِ بِالحَقّ وَ إِن عَزّ، وَ استِقلَالِ الخَیرِ وَ إِن کَثُرَ مِن قَولِی وَ فِعلِی، وَ استِکثَارِ الشّرّ وَ إِن قَلّ مِن قَولِی وَ فِعلِی، وَ أَکمِل ذَلِکَ لِی بِدَوَامِ الطّاعَهِ، وَ لُزُومِ الجَمَاعَهِ، وَ رَفضِ أَهلِ البِدَعِ، وَ مُستَعمِلِ الرّأیِ المُختَرَعِ.

(۶) خداونـدا مرا در خصـلتی عیبنـاک وانگـذار، مگر آنکـه اصـلاحش نمـایی و نـه عیـبی که بـدان سـرزنش شـوم، مگر آنکه نیکویش گردانی و نه خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد، مگر آنکه کاملش فرمایی.

(۷) خداونـدا بر محمّـد و خانـدان محمّـد درود فرست و دربـاره من کینه تـوزی دشـمنان را به محبّت، و حسـد متجـاوزان را به دوستی و بدگمانی نیکان را به اعتماد، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری، و دست از یاری برداشـتن کسـان را به یـاری نمودن، و دوسـتی (ظـاهری) مـدارا کننـدگان را به دوسـتی واقعی، و اهـانت معاشـران را به خوش رفتاری، و تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیّت مبدّل فرما.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم بر آنکه به من سـتم کرد، دستی و بر کسـی که با من جدال کرد، زبانی و بر آنکه بـا من ناسازگـاری نمود، پیروزی ای قرار ده. و مرا بر آنکه به من نیرنگ زنـد چاره جویی ای، و توانایی ای بر آنکه به من سـتم نمود، و تکذیبی بر آنکه مرا دشـنام داد، و سـلامتی از آنکه مرا تهدید نمود، ببخش. و مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.

(۹) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مرا توفیق ده تـا بـا آنکه بـا من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم. و آنکه از من دوری کرده را به نیکی جزا دهم. و به آنکه محرومم نموده، بـا بخشـش پـاداش دهم. و کسـی را که از من جدا شده به پیوسـتن مکافات دهم. و با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم. و نیکی (دیگران) را سـپاس گزارم و از بدی (آنها) چشم پوشی کنم.

(۱۰) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـت و مرا بـه زینـت شایسـتگان بیـارا و زیـور پرهیزکـاران را به من بپوشـان. در گستردن عدل و فروبردن خشم و فرونشاندن (آتش) کینه و پیوند دادن پراکندگان و اصـلاح بین مردم و آشکار کردن نیکی و پوشانـدن عیب و نرم خویی و فروتنی و خوش رفتـاری و وقـار و خوش خویی و پیشـی گرفتن به فضـیلت و برگزیـدن احسان و ترک سـرزنش و احسان نکردن به کسـی که شایسته احسان نیست و سخنِ حقّ گفتن، اگر چه سخت باشد و کم شمردن نیکی گفتار و کردارم، اگر چه بسـیار باشـد و بسـیار شـمردن بـدی گفتار و کردارم، اگر چه کم باشد و این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و همراهی با جماعت و فرو گذاردن اهل بدعت و هر که به رأی ساختگی خود عمل می کند، کامل گردان.

ص: ۱۳۶۱

(۱۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل أَوسَعَ رِزقِکَ عَلَیّ إِذَا کَبِرتُ، وَ أَقوَی قُوّتِکَ فِیّ إِذَا نَصِبتُ، وَ لَا تَبتَلِیَنّی بِالکَسَلِ عَن عِبَادَتِکَ، وَ لَا العَمَی عَن سَبِیلِکَ، وَ لَا بِالتّعَرّضِ لِخِلَافِ مَحَبّتِکَ، وَ لَا مُجَامَعَهِ مَن تَفَرّقَ عَنکَ، وَ لَا مُفَارَقَهِ مَنِ اجتَمَعَ إِلَیکَ.(۱۲) أللّهُمّ اجعلَنی أَصُولُ بِکَ عِندَ الضّرُورَهِ، وَ أَسأَلُکَ عِندَ الحَاجَهِ، وَ أَتَضَرّعُ إِلَیکَ عِندَ المَسکَنَهِ، وَ لَا تَفتِنّی بِالِاستِعَانَهِ بِغَیرِکَ إِذَا اضطُرِرتُ، وَ لَا بِالخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَیرِکَ إِذَا افتَقَرتُ، وَ لَا بِالتّضَرّعِ إِلَی مَن دُونَکَ إِذَا رَهِبتُ،فَأَستَحِقّ بِذَلِکَ خِذلَانَکَ وَ مَنعَکَ وَ إِعرَاضَکَ، یَا أَرحَمَ الرّاحِمِینَ.(۱۳) أللّهُمّ اجعَل مَا یُلقِی الشّیطَانُ فِی رُوعِی مِنَ التّمَنّی وَ التّظَنّی وَ الحَسَدِ ذِکراً لِعَظَمَتِکَ، وَ تَفَکّراً فِی قُدرَتِکَ، وَ تَدبِیراً عَلَی عَدُوّکَ، وَ مَا أَجرَی عَلَی لِسَانِی مِن لَفظَهِ فُحشٍ أَو هُجرٍ أَو شَتمِ عِرضٍ أَو شَهَادَهِ بَاطِلٍ أَوِ اغتِیَابِ مُؤمِنٍ غَائِبٍ أَو سَبّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشبَهَ ذَلِکَ نُطقاً بِالحَمدِ لَکَ، وَ إِغرَاقاً فِی الثّنَاءِ عَلَیکَ، وَ ذَهَاباً فِی تَمجِیدِکَ، وَ شُکراً لِنِعمَتِکَ، وَ اعتِرَافاً بِإِحسَانِکَ، وَ إِحصَاءً لِمِنَنِکَ.(۱۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا أُظلَمَنّ وَ أَنتَ مُطِیقٌ لِلدّفعِ عَنّی، وَ لَا أَظلِمَنّ وَ أَنتَ القَادِرُ عَلَی القَبضِ مِنّی، وَ لَا أَضِلّنّ وَ قَد أَمکَنَتکَ هِدَایَتِی، وَ لَا أَفتَقِرَنّ وَ مِن عِندِکَ وُسعِی، وَ لَا أَطغَیَنّ وَ مِن عِندِکَ وُجدِی.(۱۵) أللّهُمّ إِلَی مَغفِرَتِکَ وَفَدتُ، وَ إِلَی عَفوِکَ قَصَدتُ، وَ إِلَی تَجَاوُزِکَ اشتَقتُ، وَ بِفَضلِکَ وَثِقتُ، وَ لَیسَ عِندِی مَا یُوجِبُ لِی مَغفِرَتَکَ، وَ لَا فِی عَمَلِی مَا أَستَحِقّ بِهِ عَفوَکَ، وَ مَا لِی بَعدَ أَن حَکَمتُ عَلَی نَفسِی إِلّا فَضلُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَفَضّل عَلَیّ.

(۱۱) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و فراخ ترین روزی ات را بر من، زمانی که پیر شدم و قوی ترین توانایی ات را در مـن، هنگـامی که درمانـده شـدم قرار ده. و مرا به سـستی در عبـادتت و به کـوری از راهت و پرداختن به کـاری خلاف دوستی ات و گرد آمدن با کسی که از تو دوری نموده و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز.

(۱۲) خداونـدا مرا چنانم کن که به وقت ضـرورت، به (یاری) تو حمله آورم و هنگام نیازمنـدی از تو درخواست کنم و هنگام تهی دسـتی، به درگـاه تـو زاری کنم و مرا به یـاری خواسـتن از دیگران به وقت درمانـدگی ام و به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم و به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سـبب آن، سـزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم. ای بخشاینده ترین بخشایندگان.

(۱۳) خداوندا به جای آنچه شـیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات و اندیشه در قدرتت و تدبیر علیه دشـمنت، و به جای آنچه او بر زبانم جاری ساخته از سـخن زشت یا دشـنام یا آبروریزی یا گواهی نادرست یا غیبت مؤمن غـائب یا ناسـزا به شـخص حاضـر و ماننـد اینها، سـپاس برای خودت و ثنای فراوانت و اقـدام به بزرگ دانسـتنت و شـکر نعمتت و اعتراف به نیکی ات و شمردن بخشش هایت را قرار ده.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی. و بر کسـی سـتم نکنم، در حـالی که تو قـادری بـازم داری. و گمراه نگردم، در حالی که می توانی هـدایتم کنی. و فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد و سرکشی نکنم، در حالی که توانایی ام از نزد توست.

(۱۵) خداونـدا به سوی آمرزشت روی آورده ام و به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام و به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام و به احسان تو اعتماد کرده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که سزاوار عفو تو شوم وجود نـدارد و پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو نـدارم. پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و به من تفضّل نما.

ص: ۱۳۶۳

(۱۶) أللّهُمّ وَ أنَطقِني بِالهُدَی، وَ ألَهِمنِي التّقوَی، وَ وفَقّنيِ لِلتّيِ هيِ أزكَی، وَ استعَملِنيِ بِماَ هُوَ أرضَی.(۱۷) أللّهُمّ اسلُک بيِ الطّرِيقَةَ المُثلَی، وَ اجعلَنيِ عَلَی مِلّتِکَ أَمُوتُ وَ أَحيَا.(۱۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ متَعّنيِ بِالِاقتِصَادِ، وَ اجعلَنيِ مِن أَهلِ السّدَادِ، وَ مِن أَدِلّهِ الرّشَادِ، وَ مِن صَالِحِ العِبَادِ، وَ ارزُقنيِ فَوزَ المَعَادِ، وَ سَلَامَهَ المِرصَادِ.(۱۹) أللّهُمّ خُذ لِنَفسِکَ مِن نفَسيِ مَا يُخَلّصُهَا، وَ أَبقِ لِنَفسيِ مِن نفَسيِ مَا يُصلِحُهَا، فَإِنّ نفَسيِ هَالِکَهٌ أَو تَعصِمَهَا.(۲۰) أللّهُمّ أَنتَ عدُتّيِ إِن حَزِنتُ، وَ أَنتَ مُنتَجعَيِ إِن حُرِمتُ، وَ بِکَ استغِاَثتَيِ إِن کَرِثتُ، وَ عِندَکَ مِمّا فَاتَ خَلَفٌ، وَ لِمَا فَسَدَ صَلَاحٌ، وَ فِيمَا أَنکَرتَ تَغيِيرٌ،فَامنُن عَلَيّ قَبلَ البَلَاءِ بِالعَافِيَهِ، وَ قَبلَ الطّلَبِ بِالجِدَهِ، وَ قَبلَ الضّلَالِ بِالرّشَادِ، وَ اکفنِيِ مَئُونَهَ مَعَرّهِ العِبَادِ، وَ هَب لِي أَمنَ يَومِ المَعَادِ، وَ امنحَنيِ (۲۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ادرَأ عنَيّ بِلُطفِکَ، وَ اغذنُيِ بِنِعمَتِکَ، وَ أَصلِحنيِ بِکَرَمِکَ، وَ داَونِيِ بِصُنعِکَ، وَ أَظِلّنيِ فِي ذَرَاکَ، وَ جَلّلنيِ رِضَاکَ، وَ وفَقّنيِ إِذَا اشتَکَلَت عَلَيّ الأُمُورُ لِأَهدَاهَا، وَ إِذَا تَشَابَهَتِ الأَعمَالُ لِأَزکَاهَا، وَ إِذَا تَنَاقَضَتِ المِلَلُ لِأَرضَاهَا.(۲۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ توَجّنيِ بِالکِفَايَهِ، وَ سمُنيِ حُسنَ الوِلَايَهِ، وَ هَب لِي صِدقَ الهِدَايَهِ، وَ لَا تفَتنِيّ بِالسّعَهِ، وَ امنحَنيِ حُسنَ الدّعَهِ، وَ لَا تَجعَل عيَشيِ کَدّاً کَدّاً، وَ لَا تَرُدّ دعُاَئيِ عَلَيّ رَدّاً،فَإِنيّ لَا أَجعَلُ لَکَ ضِدّاً، وَ لَا أَدعُو مَعَکَ نِدّاً.

(۱۶) خداوندا و مرا به هدایت گویا کن و پرهیزکاری در دلم افکن و به پاکیزه ترین روش توفیق ده و به پسندیده ترین رفتار وادار.

(۱۷) خداوندا مرا به بهترین راه ببر و چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.

(۱۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به میانه روی، بهره مند گردان و مرا از درستکاران و راهنمایان به راه راست و از بندگان شایسته قرار ده و رستگاریِ قیامت و رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

(۱۹) خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر. و از من برایم، آنچه را که اصلاحم نماید، باقی گذار. زیرا نفسم هلاك شونده است، مگر آنکه تو حفظش نمایی.

(۲۰) خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی. و اگر ناامید گردم، امید من به توست. و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم. و عوض هر آنچه از دست رفته و اصلاح آنچه تباه شده، و تغییر آنچه زشت دانسته ای، نزد توست. پس پیش از گرفتاری، با تندرستی و پیش از درخواست، با توانگری و پیش از گمراهی، با ارشاد، بر من منّت گذار و سنگینی گناهِ عیب جوییِ بندگان را از من بردار. و مرا آسایشِ روز بازگشت ببخش. و خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.

(۲۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به لطفت، (هر شرّی را) از من دور کن. و به نعمتت، مرا پرورش ده و به کرم خویش، مرا اصلاح فرما و به احسان خود، مرا درمان کن و در سایه خود، قرارم ده و خوشنودی ات را بر من بپوشان و آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها و هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها و زمانِ تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده.

(۲۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و تاج بی نیازی بر سرم گذار. و نیك سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده. و مرا هدایت راستین ببخش. و به توانگری آزمایشم مکن. و آسودگی خاطر به من عطا فرما. و زندگی ام را پر دردسر قرار نده. و دعایم را به خودم باز نگردان. زیرا من برای تو ضدّی قرار نمی دهم و با تو همانندی را نمی خوانم.

ص: ۱۳۶۵

(۲۳) أللّهُمّ صَلِّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ امنعَنی مِنَ السّرَفِ، وَ حَصّن رزقِی مِنَ التّلَفِ، وَ وَفّر ملَکَتِی بِالبَرَکَهِ فِیهِ، وَ أَصِب بی سَبِیلَ الهِدَایَهِ لِلبِرّ فِیمَا أُنفِقُ مِنهُ.(۲۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اکفِنِی مَئُونَهَ الِاکتِسَابِ، وَ ارزُقنِی مِن غَیرِ احتِسَابٍ، فَلَا أَشتَغِلَ عَن عِبَادَتِکَ بِالطّلَبِ، وَ لَا أَحتَمِلَ إِصرَ تَبِعَاتِ المَکسَبِ.(۲۵) أللّهُمّ فَأَطلِبنِی بِقُدرَتِکَ مَا أَطلُبُ، وَ أَجِرنِی بِعِزّتِکَ مِمّا أَرهَبُ.(۲۶) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ صُن وجهِی بِالیَسَارِ، وَ لَا تَبتَذِل جَاهِی بِالإِقتَارِ فَأَستَرزِقَ أَهلَ رِزقِکَ، وَ أَستَعطِیَ شِرَارَ خَلقِکَ،فَأَفتَتِنَ بِحَمدِ مَن أعطَانِی، وأُبتَلَی بِذَمّ مَن منَعَنِی، وَ أَنتَ مِن دُونِهِم ولِیّ الإِعطَاءِ وَ المَنعِ.(۲۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقنِی صِحّهً فِی عِبَادَهٍ، وَ فَرَاغاً فِی زَهَادَهٍ، وَ عِلماً فِی استِعمَالٍ، وَ وَرَعاً فِی إِجمَالٍ.(۲۸) أللّهُمّ اختِم بِعَفوِکَ أَجَلِی، وَ حَقّق فِی رَجَاءِ رَحمَتِکَ أَمَلِی، وَ سَهّل إِلَی بُلُوغِ رِضَاکَ سُبُلِی، وَ حَسّن فِی جَمِیعِ أَحوَالِی عمَلِی.(۲۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ نبّهنِی لِذِکرِکَ فِی أَوقَاتِ الغَفلَهِ، وَ استَعمِلنِی بِطَاعَتِکَ فِی أَیّامِ المُهلَهِ، وَ انهَج لِی إِلَی مَحَبّتِکَ سَبِیلًا سَهلَهً،أَکمِل لِی بِهَا خَیرَ الدّنیَا وَ الآخِرَهِ.(۳۰) أللّهُمّ وَ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،کَأَفضَلِ مَا صَلّیتَ عَلَی أَحَدٍ مِن خَلقِکَ قَبلَهُ، وَ أَنتَ مُصَلّ عَلَی أَحَدٍ بَعدَهُ، وَ آتِنَا فِی الدّنیَا حَسَنَهً وَ فِی الآخِرَهِ حَسَنَهً، وَ قِنِی بِرَحمَتِکَ عَذَابَ النّارِ.

(۲۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از اسراف کاری بازدار و روزی ام را از تلف شدن نگهدار. و دارایی ام را با برکت، افزون ساز. و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان.

(۲۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار. و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سرگرمِ روزی جستن نشوم و زیر بار پیامدهای بدِ کسب نروم.

(۲۵) خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور. و به عزّت خود، از آنچه می ترسم، ایمنی ام ده.

(۲۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم. در حالی که تو عهده دار بخشیدن و باز داشتنی، نه آنها.

(۲۷) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا تندرستی در عبادت و فراغت در زهد و علم با عمل و پرهیز کاریِ از روی میانه روی، روزی فرما.

(۲۸) خداوندا زندگیِ مرا با آمرزش خود پایان ده. و آرزویی را که در امید به رحمتت دارم تحقّق بخش. و راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما. و عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.

(۲۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و راهی آسان به سوی محبّتت، برایم هموار گردان. و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.

(۳۰) خداوندا و بر محمّد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی و پس از او بر کسی خواهی فرستاد، و در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن. و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما.

ص: ۱۳۶۷

(۲۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمرٌ وَ أَهَمّتهُ الخَطَايَا

(١) أللّهُمّ يَا كَافِيَ الفَردِ الضّعِيفِ، وَ وَاقِيَ الأَمرِ المَخُوفِ،أفرَدَتنِي الخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ معَي، وَ ضَعُفتُ عَن غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيّدَ لِي، وَ أَشرَفتُ عَلَى خَوفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكّنَ لِروَعتَي(٢) وَ مَن يؤُمنِنُي مِنكَ وَ أَنتَ أَخَفتَنِي، وَ مَن يسُاَعدِنُي وَ أَنتَ أَفرَدتَنَي، وَ مَن يقُوَيّنِي وَ أَنتَ أَضعفَتَنَي(٣) لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِي، إِلّا رَبّ عَلَى مَربُوبٍ، وَ لَا يُؤمِنُ إِلّا غَالِبٌ عَلَى مَغلُوبٍ، وَ لَا يُعِينُ إِلّا طَالِبٌ عَلَى مَطلُوبٍ.(۴) وَ بِيَدِكَ، يَا إِلَهِي،جَمِيعُ ذَلِكَ السّبَبِ، وَ إِلَيكَ المَفَرّ وَ المَهرَبُ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجِر هرَبَيِ، وَ أَنجِح مطَلبَيِ.(۵) أللّهُمّ إِنّكَ إِن صَرَفتَ عنَيّ وَجهَكَ الكَرِيمَ أَو منَعَتنَيِ فَضلَكَ الجَسِيمَ أَو حَظَرتَ عَلَيّ رِزقَكَ أَو قَطَعتَ عنَيّ سَبَبَكَ لَم أَجِدِ السّبِيلَ إِلَى شَيءٍ مِن أَمَلِي غَيرَكَ، وَ لَم أَقدِر عَلَى مَا عِندَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ،فإَنِيّ عَبدُكَ وَ فِي قَبضَتِكَ،نَاصِيتَيِ بِيدَكَِ. (۶) لَا أَمرَ لِي مَعَ أَمرِكَ،مَاضٍ فِيّ حُكمُكَ،عَدلٌ فِيّ قَضَاؤُكَ، وَ لَا قُوّةَ لِي عَلَى الخُرُوجِ مِن سُلطَانِكَ، وَ لَا أَستَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدرَتِكَ، وَ لَا أَستَمِيلُ هَوَاكَ، وَ لَا أَبلُغُ رِضَاكَ، وَ لَا أَنَالُ مَا عِندَكَ إِلّا بِطَاعَتِكَ وَ بِفَضلِ رَحمَتِكَ.

ص: ۱۳۶۸

(۲۱)و از دعای امام علیه السلام بود هنگامی که چیزی او را اندوهگین می نمود و گناهان او را پریشان می کرد

(۱) خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان. و نگهدارنده از هر چیز ترسناک. خطاها مرا تنها گردانده و همراهی ندارم. و در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم. و به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم.

(۲) و چه کسی مرا از تو امان بخشد، در حالی که تو مرا ترسانده ای؟ و چه کسی مرا یاری دهد، در حالی که تو مرا تنها گذاشته ای؟ و چه کسی مرا نیرومند سازد، در حالی که تو ناتوانم نموده ای؟

(۳) ای خدای من، پرورده را جز پروردگار، پناه نمی دهد. و شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد. و طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.

(۴) و ای خدای من، همه این سبب ها به دست توست و مفر و گریز به سوی توست. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و گریزم را پناه ده و مطلبم را برآور.

(۵) خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی یا فضل بزرگت را از من بازداری یا روزی ات را بر من دریغ نمایی یا رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم و به آنچه نزد توست، با کمک غیر تو دسترسی ندارم. چون من بنده تو و در مشت توام و موی پیشانی (و اختیار) م به دست توست.

(۶) با فرمان تو، مرا فرمانی نیست. حکم تو درباره من جاری است و آنچه برای من تقدیر نمودی، عادلانه است. و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست. و نمی توانم از قدرت تو بگریزم. و نمی توانم محبّت تو را جلب نمایم. و توانایی (جلب) رضایتت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونیِ رحمتت.

ص: ۱۳۶۹

(۷)إلِهَی أَصبَحتُ وَ أَمسَیتُ عَبداً دَاخِراً لَکَ، لَا أَملِکُ لِنفَسِی نَفعاً وَ لَا ضَرّاً إِلّا بِکَ،أَشهَدُ بِذَلِکَ عَلَی نفَسیِ، وَ أَعتَرِفُ بِضَعفِ قوُتّیِ وَ قِلّهِ حیِلتَیِ،فَأَنجِز لِی مَا وعَدَتنَیِ، وَ تَمّم لِی مَا آتیَتنَیِ،فَإنِیّ عَبدُکَ المِسکِینُ المُستَکِینُ الضّعِیفُ الضّرِیرُ الحَقِیرُ المَهِینُ الفَقِیرُ الخاَئفُِ المُستَجِیرُ.(۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تجَعلَنیِ ناَسِیاً لِذِکرِکَ فِیمَا أَولَیتنَیِ، وَ لَا غَافِلًا لِإِحسَانِکَ فِیمَا أَبلَیتنَیِ، وَ لَا آیِساً مِن إِجَابَتِکَ لِی وَ إِن أَبطَأَت عنَیّ، فِی سَرّاءَ کُنتُ أَو ضَرّاءَ، أَو شِدّهٍ أَو رَخَاءٍ، أَو عَافِیهٍ أَو بَلَاءٍ، أَو بُؤسٍ أَو نَعمَاءَ، أَو جِدَهٍ أَو لَأوَاءَ، أَو فَقرٍ أَو غِنًی.(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل ثنَاَئیِ عَلَیکَ، وَ مَدحیِ إِیّاکَ، وَ حمَدیِ لَکَ فِی کُلّ حَالَاتیِ حَتّی لَا أَفرَحَ بِمَا آتیَتنَیِ مِنَ الدّنیَا، وَ لَا أَحزَنَ عَلَی مَا منَعَتنَیِ فِیهَا، وَ أَشعِر قلَبیِ تَقوَاکَ، وَ استَعمِل بدَنَیِ فِیمَا تَقبَلُهُ منِیّ، وَ اشغَل بِطَاعَتِکَ نفَسیِ عَن کُلّ مَا یَرِدُ عَلَیّ حَتّی لَا أُحِبّ شَیئاً مِن سُخطِکَ، وَ لَا أَسخَطَ شَیئاً مِن رِضَاکَ.(۱۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ فَرّغ قلَبیِ لِمَحَبّتِکَ، وَ اشغَلهُ بِذِکرِکَ، وَ انعَشهُ بِخَوفِکَ وَ بِالوَجَلِ مِنکَ، وَ قَوّهِ بِالرّغبَهِ إِلَیکَ، وَ أَمِلهُ إِلَی طَاعَتِکَ، وَ أَجرِ بِهِ فِی أَحَبّ السّبُلِ إِلَیکَ، وَ ذَلّلهُ بِالرّغبَهِ فِیمَا عِندَکَ أَیّامَ حیَاَتیِ کُلّهَا.(۱۱) وَ اجعَل تَقوَاکَ مِنَ الدّنیَا زاَدیِ، وَ إِلَی رَحمَتِکَ رحِلتَیِ، وَ فِی مَرضَاتِکَ مدَخلَیِ، وَ اجعَل فِی جَنّتِکَ مثَواَی، وَ هَب لِی قُوّهً أَحتَمِلُ بِهَا جَمِیعَ مَرضَاتِکَ، وَ اجعَل فرِاَریِ إِلَیکَ، وَ رغَبتَیِ فِیمَا عِندَکَ، وَ أَلبِس قلَبیِ الوَحشَهَ مِن شِرَارِ خَلقِکَ، وَ هَب لِیَ الأُنسَ بِکَ وَ بِأَولِیَائِکَ وَ أَهلِ طَاعَتِکَ.

(۷) خدای من، صبح و شام را به سر کردم، در حالی که بنده خوار توام. جز به یاری تو سود و زیانی را مالک نیستم. بر خود، به این مطلب گواهی می دهم. و به ضعف قوّتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم. پس آنچه به من وعده دادی، انجام ده و آنچه به من عطا کردی، تمام گردان. که من بنده بینوا، زار، ضعیف، بد حال و خوار، ناچیز، پست، فقیر، ترسان و پناه گیرنده توام.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، و غافل از احسانت در آنچه به من بخشیدی، و ناامید از اجابتت -گرچه دیر شود- قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تنگی یا فراخی، یا تندرستی یا گرفتاری، یا فقر یا نعمت، یا توانگری یا تنگدستی، یا تهی دستی یا ثروت.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ستایش مرا ویژه خودت و مدح مرا بر خودت و سپاسم را در همه حالات، برای خودت قرار ده. تا به آنچه از دنیا به من داده ای، خوشحال نشوم و به آنچه مرا از آن باز داشته ای، غمگین نگردم و قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان. و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر. و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار. تا چیزی که تو را به خشم می آورد، دوست نداشته باشم و از چیزی که خوشنودی توست، خشمگین نشوم.

(۱۰) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به یادت مشغول دار و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن و به رغبت به سوی خود، توانایی ده و به طاعتت متوجّه ساز و در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما و آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان.

(۱۱) و پرهیزکاری را توشه من از دنیا، و کوچ مرا به سوی رحمتت، و ورود مرا در خوشنودی ات قرار ده. و سرای مرا در بهشتت مقرّر گردان. و به من نیرویی عنایت کن تا بتوانم همه خوشنودی ات را حمل کنم. و گریزم را به سوی خود، و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده. و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان. و انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش.

ص: ۱۳۷۱

(۱۲) وَ لَا تَجعَل لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيّ مِنّةً، وَ لَا لَهُ عِندِي يَداً، وَ لَا بِي إِلَيهِم حَاجَةً،بَلِ اجعَل سُكُونَ قَلبِي وَ أُنسَ نَفسِي وَ استِغنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلقِكَ.(۱۳) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلنِي لَهُم قَرِيناً، وَ اجعَلنِي لَهُم نَصِيراً، وَ امنُن عَلَيّ بِشَوقٍ إِلَيكَ، وَ بِالعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبّ وَ تَرضَى،إِنّكَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ، وَ ذَلِكَ عَلَيكَ يَسِيرٌ.

ص: ۱۳۷۲

(۱۲) و برای بدکار و کافر، بر من منّت و برای او نزد من نعمت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نده. بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا همنشین آنان قرار ده و مرا یاور آنها قرار ده و شوق به خودت و عمل - برای خودت- به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار. که تو بر هر چیزی توانایی و (برآوردن) آن (حوائج) بر تو آسان است.

ص: ۱۳۷۳

(۲۲) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ عِندَ الشّدّهِ وَ الجَهدِ وَ تَعَسّرِ الأُمُورِ

(۱) أللّهُمّ إِنّکَ كلَفّتَنِي مِن نفَسِي مَا أَنتَ أَملَکُ بِهِ مِنِيّ، وَ قُدرَتُکَ عَلَيهِ وَ عَلَيّ أَغلَبُ مِن قُدرَتيِ،فأَعَطِنِي مِن نَفسِي مَا يُرضِيکَ عنَيّ، وَ خُذ لِنَفسِکَ رِضَاهَا مِن نفَسيِ فِي عَافِيَهٍ.(۲) أللّهُمّ لَا طَاقَهَ لِي بِالجَهدِ، وَ لَا صَبرَ لِي عَلَي البَلَاءِ، وَ لَا قُوّهَ لِي عَلَي الفَقرِ، فَلَا تَحظُر عَلَيّ رِزقِي، وَ لَا تكَلِنيِ إِلَي خَلقِکَ،بَل تَفَرّد بِحاَجتَيِ، وَ تَوَلّ كفِاَيتَيِ.(۳) وَ انظُر إِلَيّ وَ انظُر لِي فِي جَمِيعِ أمُوُريِ،فَإِنّکَ إِن وكَلَتنَيِ إِلَي نفَسيِ عَجَزتُ عَنهَا وَ لَم أُقِم مَا فِيهِ مَصلَحَتُهَا، وَ إِن وكَلَتنَيِ إِلَي خَلقِکَ تجَهَمّوُنيِ، وَ إِن ألَجأَتنَيِ إِلَي قَرَابتَيِ حرَمَوُنيِ، وَ إِن أَعطَوا أعطَوا قَلِيلًا نَكِداً، وَ مَنّوا عَلَيّ طَوِيلًا، وَ ذَمّوا كَثِيراً.(۴)فَبِفَضلِکَ، أللّهُمّ،فأَغَننِيِ، وَ بِعَظَمَتِکَ فَانعشَنيِ، وَ بِسَعَتِکَ،فَابسُط يدَيِ، وَ بِمَا عِندَکَ فاَكفنِيِ.(۵) أللّهُمّ صَلّ عَلَي مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ خلَصّنيِ مِنَ الحَسَدِ، وَ احصرُنيِ عَنِ الذّنُوبِ، وَ ورَعّنيِ عَنِ المَحَارِمِ، وَ لَا تجُرَئّنيِ عَلَي المعَاَصيِ، وَ اجعَل هوَاَيَ عِندَکَ، وَ رضِاَيَ فِيمَا يَرِدُ عَلَيّ مِنکَ، وَ بَارِک لِي فِيمَا رزَقَتنَيِ وَ فِيمَا خوَلّتنَيِ وَ فِيمَا أَنعَمتَ بِهِ عَلَيّ، وَ اجعلَنيِ فِي كُلّ حاَلاَتيِ مَحفُوظاً مَكلُوءاً مَستُوراً مَمنُوعاً مُعَاذاً مُجَاراً.

ص: ۱۳۷۴

(۲۲)و از دعای امام علیه السلام بود هنگام سختی و مشقّت و دشوار شدن کارها

(۱) خداوندا مرا -درباره خودم- به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری و قدرت تو بر آن و بر من، از توانایی من چیره تر است. پس آنچه تو را از من راضی می گرداند، به من عطا فرما. و رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما.

(۲) خداوندا طاقت رنج کشیدن، و شکیبایی بر بلا، و تحمّل فقر ندارم. پس روزی ام را از من بازمدار و مرا به خلقت وانگذار. بلکه در خواستم را به تنهایی روا کن و مرا کفایت کن.

(۳) و (به دید رحمت) به من بنگر و در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما. که اگر مرا به خود واگذاری، از انجام آن عاجزم و آنچه را مصلحت من در آن است، انجام ندهم و اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و بر من منّت بسیار نهند و نکوهش فراوان کنند.

(۴) پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان و به عظمت خویش به پایم دار و به توانگری ات گشاده دستم گردان و به آنچه نزد توست، کفایتم فرما.

(۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از حسد، رهایی ده. و از گناهان بازم دار. و مرا از حرام ها پرهیز ده. و بر نافرمانی ها جرأتم مده و خواهش مرا، نزد خود و خوشنودی ام را، در آنچه از تو به من می رسد قرار ده. و برایم در آنچه روزی ام نمودی، و به من ارزانی داشته ای، و به من نعمت داده ای، برکت ده. و مرا در همه حالت هایم، محفوظ، نگاه داشته، (گناهانم را) پنهان شده، (در برابر دشمنانم) حمایت شده، پناه داده شده، (از عذاب الهی) امان داده شده قرار ده.

(۶) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقض عنَىّ كُلّ مَا أَلزَمتَنِيهِ وَ فَرَضتَهُ عَلَىّ لَكَ فِى وَجهٍ مِن وُجُوهِ طَاعَتِكَ أَو لِخَلقٍ مِن خَلقِكَ وَ إِن ضَعُفَ عَن ذَلِكَ بدَنَى، وَ وَهَنَت عَنهُ قوّتِي، وَ لَم تَنَلهُ مقدرُتَي، وَ لَم يَسَعهُ مَالِي وَ لَا ذَاتُ يدَى،ذَكَرتُهُ أَو نَسِيتُهُ.(۷) هُوَ، يَا رَبّ،مِمّا قَد أَحصَيتَهُ عَلَىّ وَ أَغفَلتُهُ أَنَا مِن نفَسىِ،فَأَدّهِ عنَىّ مِن جَزِيلِ عَطِيّتِكَ وَ كَثِيرِ مَا عِندَكَ،فَإِنّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، حَتّى لَا يَبقَى عَلَىّ شَيءٌ مِنهُ تُرِيدُ أَن تقُاَصنّيِ بِهِ مِن حسَنَاَتيِ، أَو تُضَاعِفَ بِهِ مِن سيَئّاَتيِ يَومَ أَلقَاكَ يَا رَبّ.(۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنيِ الرّغبَةَ فِي العَمَلِ لَكَ لآِخرتَيِ حَتّى أَعرِفَ صِدقَ ذَلِكَ مِن قلَبيِ، وَ حَتّى يَكُونَ الغَالِبُ عَلَيّ الزّهدَ فِي دُنيَايَ، وَ حَتّى أَعمَلَ الحَسَنَاتِ شَوقاً، وَ آمَنَ مِنَ السّيّئَاتِ فَرَقاً وَ خَوفاً، وَ هَب لِي نُوراً أَمشِي بِهِ فِي النّاسِ، وَ أَهتَدِي بِهِ فِي الظّلُمَاتِ، وَ أَستَضِيءُ بِهِ مِنَ الشّكّ وَ الشّبُهَاتِ(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنيِ خَوفَ غَمّ الوَعِيدِ، وَ شَوقَ ثَوَابِ المَوعُودِ حَتّى أَجِدَ لَذّةَ مَا أَدعُوكَ لَهُ، وَ كَأبَةَ مَا أَستَجِيرُ بِكَ مِنهُ(۱۰) أللّهُمّ قَد تَعلَمُ مَا يُصلِحنُيِ مِن أَمرِ دُنيَايَ وَ آخرِتَيِ فَكُن بِحوَاَئجِيِ حَفِيّاً.(۱۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ ارزقُنيِ الحَقّ

عِندَ تقَصيِريِ فِي الشّكرِ لَكَ بِمَا أَنعَمتَ عَلَيّ فِي اليُسرِ وَ العُسرِ وَ الصّحّةِ وَ السّقَمِ، حَتّى أَتَعَرّفَ مِن نفَسيِ رَوحَ الرّضَا وَ طُمَأنيِنَةَ النّفسِ منِيّ بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحدُثُ فِي حَالِ الخَوفِ وَ الأَمنِ وَ الرّضَا وَ السّخطِ وَ الضّرّ وَ النّفعِ.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان و نیرویم از آن سست و توانایی ام به آن نرسد و ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم.

(۷) آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. زیرا تو توانگرِ بخشنده ای. تا چیزی از آن بر من نمانَد که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی، یا بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم. ای پروردگار من.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و برای آخرتمْ رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم. و تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود. و تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک بپردازم و از نواهی از روی ترس و بیم ایمن بمانم. و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم و در تاریکی ها با آن راه یابم و به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده ها(ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذّت آنچه را که تو را برای آن می خوانم و اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می آورم، دریابم.

(۱۰) خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. پس به درخواست هایم عنایت فرما.

(۱۱) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی و خوشنودی و خشم و زیان و سود رخ می دهد، و (شکر آن) برای تو واجب است، دریابم.

ص: ۱۳۷۷

(۱۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنی سَلَامَهَ الصّدرِ مِنَ الحَسَدِ حَتّی لَا أَحسُدَ أَحَداً مِن خَلقِکَ عَلَی شَیءٍ مِن فَضلِکَ، وَ حَتّی لَا أَرَی نِعمَهً مِن نِعَمِکَ عَلَی أَحَدٍ مِن خَلقِکَ فِی دِینٍ أَو دُنیَا أَو عَافِیَهٍ أَو تَقوَی أَو سَعَهٍ أَو رَخَاءٍ إِلّا رَجَوتُ لِنفَسی أَفضَلَ ذَلِکَ بِکَ وَ مِنکَ وَحدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ.(۱۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزقُنِی التّحَفّظَ مِنَ الخَطَایَا، وَ الِاحتِرَاسَ مِنَ الزّلَلِ فِی الدّنیَا وَ الآخِرَهِ فِی حَالِ الرّضَا وَ الغَضَبِ، حَتّی أَکُونَ بِمَا یَرِدُ عَلَیّ مِنهُمَا بِمَنزِلَهٍ سَوَاءٍ،عَامِلًا بِطَاعَتِکَ،مُؤثِراً لِرِضَاکَ عَلَی مَا سِوَاهُمَا فِی الأَولِیَاءِ وَ الأَعدَاءِ، حَتّی یَأمَنَ عَدُوّی مِن ظُلمِی وَ جَورِی، وَ یَیأَسَ وَلِیّی مِن مَیلِی وَ انحِطَاطِ هَوَایَ (۱۴) وَ اجعلَنیِ مِمّن یَدعُوکَ مُخلِصاً فِی الرّخَاءِ دُعَاءَ المُخلِصِینَ المُضطَرّینَ لَکَ فِی الدّعَاءِ،إِنّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.

(۱۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا به هیچ یک از آفریدگانت، بر آنچه از فضلت به آنان داده ای، حسد نبرم و تا اینکه نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا یا عافیت یا پرهیزکاری یا گشایش یا رفاه داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو -که یگانه و بی شریکی- آرزو کنم.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدّم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد و دوستم از میل نفسم و هواداری نادرستم، ناامید شود.

(۱۴) و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو. به درستی که تو ستوده بزرگواری.

ص: ۱۳۷۹

(۲۳) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السَّلَامُ إِذَا سَأَلَ اللّهَ العَافِیَه وَ شُکرَهَا

(۱) أَللّهُمّ صَلِّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلبِسنِي عَافِیَتَک، وَ جَلّلنِي عَافِیَتَکَ، وَ حَصّنّي بِعَافِیَتِکَ، وَ أَکرِمنِي بِعَافِیَتِکَ، وَ أَغنِنِي بِعَافِیَتِکَ، وَ تَصَدّق عَلَيّ بِعَافِیَتِک، وَ هَب لِي عَافِیَتَک وَ أَفرِشنِي عَافِیَتَکَ، وَ أَصلِح لِي عَافِیَتَکَ، وَ لَا تُفَرّق بَینِي وَ بَینَ عَافِیَتِک فِي الدّنیَا وَ الآخِرَه.(۲) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَافِنِي عَافِیَهً کَافِیَهً شَافِیَهً عَالِیَهً نَامِیَهً،عَافِیَهً تُوَلّدُ فِي بَدَنِي العَافِیَه،عَافِیَهَ الدّنیَا وَ الآخِرَه.(۳) وَ امنُن عَلَيّ بِالصّحّهِ وَ الأَمنِ وَ السّلَامَهِ فِي دِینِي وَ بَدَنِي، وَ البَصِیرَهِ فِي قَلبِي، وَ النّفَاذِ فِي أُمُورِي، وَ الخَشیَهِ لَک، وَ الخَوفِ مِنک، وَ القُوّهِ عَلَی مَا أَمَرتَنِي بِهِ مِن طَاعَتِک، وَ الِاجتِنَابِ لِمَا نَهَیتَنِي عَنهُ مِن مَعصِیَتِک.(۴) أَللّهُمّ وَ امنُن عَلَيّ بِالحَجّ وَ العُمرَهِ، وَ زِیَارَهِ قَبرِ رَسُولِک،صَلَوَاتُکَ عَلَیهِ وَ رَحمَتُکَ وَ بَرَکَاتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَی آلِهِ، وَ آلِ رَسُولِکَ عَلَیهِمُ السّلَامُ أَبَداً مَا أَبقَیتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَ فِي کُلّ عَامٍ، وَ اجعَل ذَلِکَ مَقبُولًا مَشکُوراً،مَذکُوراً لَدَیکَ،مَذخُوراً عِندَکَ.(۵) وَ أَنطِق بِحَمدِکَ وَ شُکرِکَ وَ ذِکرِکَ وَ حُسنِ الثّنَاءِ عَلَیکَ لِسَانِي، وَ اشرَح لِمَرَاشِدِ دِینِکَ قَلبِي.

(۲۳) و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که تندرستی و سپاس گزاری بر آن را، از خداوند درخواست می فرمود

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و لباس عافیت را بر من بپوشان و مرا با عافیت فراگیر و به عافیت حفظم کن و به عافیت گرامی ام دار و مرا به عافیت بی نیاز فرما و عافیت را به من صدقه ده و عافیت را به من ببخش و عافیت را برایم بگستران و عافیت را بر من سامان ده و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من عافیت ده. عافیتی کافی، بهبودی بخش، عالی و روزافزون. عافیتی که در جسمم عافیت زایَد، عافیت دنیا و آخرت.

(۳) و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم و بینایی در دلم و پیشرفت در کارهایم و بیم و هراس از خودت و توانایی بر انجام طاعتت -که مرا به آن فرمان داده ای- و دوری جستن از نافرمانی ات -که مرا از آن باز داشته ای- بر من منّت گذار.

(۴) خداوندا و بر من منّت گذار به حجّ و عمره و زیارت قبر پیامبرت -که درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد- و خاندان پیامبرت -که درود بر ایشان باد- همیشه تا هنگامی که زنده ام، در این سال و در همه سال. و آن را پذیرفته شده، پاداش داده شده، در نظر داشته نزد خود و ذخیره شده نزد خویش، قرار ده.

(۵) و زبانم را به حمد خود و شکرت و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما. و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

ص: ۱۳۸۱

(۶) وَ أعَذنِي وَ ذرُيّتي مِنَ الشّيطَانِ الرّجيمِ، وَ مِن شَرّ السّامّهِ وَ الهَامّهِ والعَامّهِ وَ اللّامّهِ، وَ مِن شَرّ كُلّ شَيطَانٍ مَرِيدٍ، وَ مِن شَرّ كُلّ سُلطَانٍ عَنِيدٍ، وَ مِن شَرّ كُلّ مُترَفٍ حَفِيدٍ، وَ مِن شَرّ كُلّ ضَعِيفٍ وَ شَدِيدٍ، وَ مِن شَرّ كُلّ شَرِيفٍ وَ وَضِيعٍ، وَ مِن شَرّ كُلّ صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ، وَ مِن شَرّ كُلّ قَرِيبٍ وَ بَعِيدٍ، وَ مِن شَرّ كُلّ مَن نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهلِ بَيتِهِ حَرباً مِنَ الجِنّ وَ الإِنسِ، وَ مِن شَرّ كُلّ دَابّهٍ أَنتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا،إِنّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُستَقِيمٍ.(۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ مَن أرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصرِفهُ عَنّي، وَ ادحَر عَنّي مَكرَهُ، وَ ادرَأ عَنّي شَرّهُ، وَ رُدّ كَيدَهُ فِي نَحرِهِ.(۸) وَ اجعَل بَينَ يَدَيهِ سُدّاً حَتّى تعُميِ عَنّي بَصَرَهُ، وَ تُصِمّ عَن ذِكرِي سَمعَهُ، وَ تُقفِلَ دُونَ إِخطَارِي قَلبَهُ، وَ تُخرِسَ عَنّي لِسَانَهُ، وَ تَقمَعَ رَأسَهُ، وَ تُذِلّ عِزّهُ، وَ تَكسِرَ جَبَرُوتَهُ، وَ تُذِلّ رَقَبَتَهُ، وَ تَفسَخَ كِبرَهُ، وَ تؤُمنِنَيِ مِن جَمِيعِ ضَرّهِ وَ شَرّهِ وَ غَمزِهِ وَ هَمزِهِ وَ لَمزِهِ وَ حَسَدِهِ وَ عَدَاوَتِهِ وَ حَبَائِلِهِ وَ مَصَايِدِهِ وَ رَجِلِهِ وَ خَيلِهِ،إِنّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ.

ص: ۱۳۸۲

(۶) و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده و از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده و سایر جانوران و چشم زخم و از شرّ هر شیطانِ سرکش و از شرّ هر پادشاهِ ستمگر و از شرّ هر مُرفّه نازپرورده و از شرّ هر ناتوان و توانا و از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه و از شرّ هر کوچک و بزرگ و از شرّ هر نزدیک و دور و از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند و از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده. به درستی که تو بر راه راستی.

(۷) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بِران و شرش را از من بازدار و فریبش را گریبانگیر خودش ساز.

(۸) و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور و گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی و دلش را هنگام یاد من، قفل زنی و زبانش را درباره من لال کنی و سرش را بکوبی و عزّتش را به ذلّت تبدیل نمایی و بزرگی اش را بشکنی و گردنش را به خواری فرو آوری و سر افرازی اش را بر هم زنی و مرا از همه زیان و بدی و طعنه و بدگویی و عیب جویی و حسد و دشمنی و بندها و دام های او و نیروهای پیاده و سواره اش ایمن سازی. به درستی که تو پیروز توانایی.

ص: ۱۳۸۳

(۲۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ لِأَبَوَيهِ عَلَيهِمَا السّلَامُ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ، وَ أَهلِ بَيتِهِ الطّاهِرِينَ، وَ اخصُصهُم بِأَفضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ رَحمَتِکَ وَ بَرَكَاتِکَ وَ سَلَامِکَ.(۲) وَ اخصُص أللّهُمّ وَالِدَيّ بِالكَرَامَهِ لَدَيکَ، وَ الصّلَاهِ مِنکَ، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.(۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلهِمنِي عِلمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَيّ إِلهَاماً، وَ اجمَع لِي عِلمَ ذَلِکَ كُلّهِ تَمَاماً، ثُمّ استَعمِلنِي بِمَا تُلهِمُنِي مِنهُ، وَ وَفّقنِي لِلنّفُوذِ فِيمَا تُبَصّرُنِي مِن عِلمِهِ حَتّى لَا يَفُوتَنِي استِعمَالُ شَي‏ءٍ عَلّمتَنِيهِ، وَ لَا تَثقُلَ أَرکَانِي عَنِ الحَفُوفِ فِيمَا أَلهَمتَنِيهِ(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ كَمَا شَرّفتَنَا بِهِ، وَ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا أَوجَبتَ لَنَا الحَقّ عَلَى الخَلقِ بِسَبَبِهِ.(۵) أللّهُمّ اجعَلنِي أَهَابُهُمَا هَيبَهَ السّلطَانِ العَسُوفِ، وَ أَبَرّهُمَا بِرّ الأُمّ الرّءُوفِ، وَ اجعَل طَاعَتِي لِوَالِدَيّ وَ بِرّي بِهِمَا أَقَرّ لِعَينِي مِن رَقدَهِ الوَسنَانِ، وَ أَثلَجَ لِصَدرِي مِن شَربَهِ الظّمآنِ حَتّى أُوثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَ أُقَدّمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَ أَستَكثِرَ بِرّهُمَا بِي وَ إِن قَلّ، وَ أَستَقِلّ بِرّي بِهِمَا وَ إِن كَثُرَ.

ص: ۱۳۸۴

(۲۴)و از دعای امام علیه السلام بود، برای پدر و مادرش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

(۲) و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده. ای بخشاینده ترین بخشایندگان.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آموختن آنچه را که در حقّ آنان بر من واجب است، به من الهام کن و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما. آنگاه مرا به آنچه به من الهام می کنی، وادار. و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود و اعضایم از انجامِ آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین نشود.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی. و بر محمّد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقّی بر خلق واجب نمودی.

(۵) خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. و با آن دو همانند نیکیِ مادری مهربان، نیکی کنم. و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر و برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم و خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدّم اندازم و نیکی ایشان را درباره خود -اگرچه اندک باشد- بسیار شمارم و نیکی خود را درباره ایشان -اگرچه بسیار باشد- اندک بدانم.

ص: ۱۳۸۵

(۶) أللّهُمّ خَفّض لَهُمَا صوتی، وَ أَطِب لَهُمَا كلَامی، وَ أَلِن لَهُمَا عرِيكتی، وَ اعطِف عَلَيهِمَا قلبی، وَ صيّرنی بِهِمَا رَفِيقاً، وَ عَلَيهِمَا شَفِيقاً.(۷) أللّهُمّ اشكُر لَهُمَا تربِيتی، وَ أَثِبهُمَا عَلَی تكرِمتی، وَ احفَظ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ منِّی فِی صغرِی.(۸) أللّهُمّ وَ مَا مَسّهُمَا منِّی مِن أَذًی، أَو خَلَصَ إِلَيهِمَا عنّی مِن مَكرُوهٍ، أَو ضَاعَ قبلِی لَهُمَا مِن حَقّ فَاجعَلهُ حِطّةً لِذُنُوبِهِمَا، وَ عُلُوّاً فِی دَرَجَاتِهِمَا، وَ زِيَادَةً فِی حَسَنَاتِهِمَا، يَا مُبَدّلَ السّيّئَاتِ بِأَضعَافِهَا مِنَ الحَسَنَاتِ.(۹) أللّهُمّ وَ مَا تَعَدّيَا عَلَیّ فِيهِ مِن قَولٍ، أَو أَسرَفَا عَلَیّ فِيهِ مِن فِعلٍ، أَو ضَيّعَاهُ لِی مِن حَقّ، أَو قَصّرَا بِی عَنهُ مِن وَاجِبٍ فَقَد وَهَبتُهُ لَهُمَا، وَ جُدتُ بِهِ عَلَيهِمَا وَ رَغِبتُ إِلَيكَ فِی وَضعِ تَبِعَتِهِ عَنهُمَا،فَإِنّی لَا أَتّهِمُهُمَا عَلَی نفسِی، وَ لَا أَستَبطِئُهُمَا فِی برّی، وَ لَا أَكرَهُ مَا تَوَلّيَاهُ مِن أَمرِی يَا رَبّ.(۱۰)فَهُمَا أَوجَبُ حَقّاً عَلَیّ، وَ أَقدَمُ إِحسَاناً إِلَیّ، وَ أَعظَمُ مِنّةً لَدَیّ مِن أَن أُقَاصّهُمَا بِعَدلٍ، أَو أُجَازِيَهُمَا عَلَی مِثلٍ،أَينَ إِذاً يَا إِلَهِی طُولُ شُغلِهِمَا بِتَربِيَتِی وَ أَينَ شِدّةُ تَعَبِهِمَا فِی حِرَاسَتِی وَ أَينَ إِقتَارُهُمَا عَلَی أَنفُسِهِمَا لِلتّوسِعَهِ عَلَیّ(۱۱)هَيهَاتَ مَا يَستَوفِيَانِ منّی حَقّهُمَا، وَ لَا أُدرِكُ مَا يَجِبُ عَلَیّ لَهُمَا، وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَهَ خِدمَتِهِمَا،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنّی يَا خَيرَ مَنِ استُعِينَ بِهِ، وَ وَفّقنِی يَا أَهدَی مَن رُغِبَ إِلَيهِ، وَ لَا تَجعَلنِی فِی أَهلِ العُقُوقِ لِلآبَاءِ وَ الأُمّهَاتِ يَومَ تُجزَی كُلّ نَفسٍ بِمَا كَسَبَت وَ هُم لَا يُظلَمُونَ.

ص: ۱۳۸۶

(۶) خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز. و سخنم را با آنها خوشایند فرما و خویم را برایشان نرم نما و دلم را بر آن دو مهربان گردان و مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.

(۷) خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن و آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار.

(۸) خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده یا ناخوشایندی که از من به ایشان رخ داده یا حقّی از آنها نزد من ضایع شده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان و بلندی درجات ایشان و افزایش نیکی هایشان قرار ده. ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر از نیکی ها.

(۹) خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدّی نموده اند یا بر من در کردار، زیاده روی کرده اند یا حقّی را از من ضایع ساخته اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم و به آنان ارزانی داشتم و از تو می خواهم، گرفتاری را از آنها برداری. زیرا آنان را نسبت به خودم، متّهم نمی دانم. آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم و از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من.

(۱۰) پس حقّ ایشان بر من واجب تر، و احسانشان به من دیرینه تر، و نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم یا بر آنان مثل خودشان، کیفر دهم. ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟ و سختی هایی که در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟ و تنگی هایی که برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

(۱۱) هیهات! آنها تمامی حقّشان را از من نمی گیرند و آنچه برای ایشان بر من واجب است را در نمی یابم و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده، ای بهترین کسی که به او یاری خواسته شده. و مرا توفیق ده، ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده. و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.

ص: ۱۳۸۷

(۱۲) أللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرّيّتِهِ، وَ اخصُص أبَوَيَّ بِأَفضَلِ مَا خَصَصتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِکَ المُؤمِنِينَ وَ أمّهَاتِهِم، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.(۱۳) أللّهُمّ لَا تُنسِنِي ذِكرَهُمَا فِي أَدبَارِ صلَوَاتِي، وَ فِي إِنًى مِن آنَاءِ لَيلِي، وَ فِي كُلّ سَاعَةٍ مِن سَاعَاتِ نهَارِي.(۱۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اغفِر لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغفِر لَهُمَا بِبِرّهِمَا بِي مَغفِرَةً حَتماً، وَ ارضَ عَنهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزماً، وَ بَلّغهُمَا بِالكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السّلَامَةِ.(۱۵) أللّهُمّ وَ إِن سَبَقَت مَغفِرَتُکَ لَهُمَا فَشَفّعهُمَا فِيّ، وَ إِن سَبَقَت مَغفِرَتُکَ لِي فَشَفّعنِي فِيهِمَا حَتّى نَجتَمِعَ بِرَأفَتِکَ فِي دَارِ كَرَامَتِکَ وَ مَحَلّ مَغفِرَتِکَ وَ رَحمَتِکَ،إِنّکَ ذُو الفَضلِ العَظِيمِ، وَ المَنّ القَدِيمِ، وَ أَنتَ أَرحَمُ الرّاحِمِينَ.

ص: ۱۳۸۸

(۱۲) خداونـدا بر محمّـد و خانـدان او و نسل او درود فرست، و پـدر و مادر مرا به برترین چیزی که پـدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده. ای مهربان ترین مهربانان.

(۱۳) خداوندا یاد آنان را بعدِ نمازهایم و در هیچ وقتی از اوقات شبم و در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز. و ایشان را به خاطر نیکیشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن. و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود شو. و ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان.

(۱۵) خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آییم. به درستی که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرینه ای و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

ص: ۱۳۸۹

(۲۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ لِوُلدِهِ عَلَيهِمُ السّلَامُ

(۱) أللّهُمّ وَ مُنّ عَلَيّ بِبَقَاءِ وُلدِي وَ بِإِصلَاحِهِم لِي وَبِإِمتَاعِي بِهِم.(۲)إِلهِي امدُد لِي فِي أَعمَارِهِم، وَ زِد لِي فِي آجَالِهِم، وَ رَبّ لِي صَغِيرَهُم، وَ قَوّ لِي ضَعِيفَهُم، وَ أَصِحّ لِي أَبدَانَهُم وَ أَديَانَهُم وَ أَخلَاقَهُم، وَ عَافِهِم فِي أَنفُسِهِم وَ فِي جَوَارِحِهِم وَ فِي كُلّ مَا عُنِيتُ بِهِ مِن أَمرِهِم، وَ أَدرِر لِي وَ عَلَي يَدَيِ أَرزَاقَهُم.(۳) وَ اجعَلهُم أَبرَاراً أَتقِيَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَ لِأَولِيَائِكَ مُحِبّينَ مُنَاصِحِينَ، وَ لِجَمِيعِ أَعدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبغِضِينَ،آمِينَ.(۴) أللّهُمّ اشدُد بِهِم عَضُدِي، وَ أَقِم بِهِم أَوَدِي، وَ كَثّر بِهِم عدَدَي، وَ زَيّن بِهِم مَحضَرَي، وَ أَحيِ بِهِم ذِكرِي، وَ اكفِنِي بِهِم فِي غَيبَتِي، وَ أَعِنّي بِهِم عَلَي حَاجَتِي، وَ اجعَلهُم لِي مُحِبّينَ، وَ عَلَيّ حَدِبِينَ مُقبِلِينَ مُستَقِيمِينَ لِي،مُطِيعِينَ، غَيرَ عَاصِينَ وَ لَا عَاقّينَ وَ لَا مُخَالِفِينَ وَ لَا خَاطِئِينَ.(۵) وَ أَعِنّي عَلَي تَربِيَتِهِم وَ تَأدِيبِهِم، وَ بِرّهِم، وَ هَب لِي مِن لَدُنكَ مَعَهُم أَولَاداً ذُكُوراً، وَ اجعَل ذَلِكَ خَيراً لِي، وَ اجعَلهُم لِي عَوناً عَلَي مَا سَأَلتُكَ.

ص: ۱۳۹۰

(۲۵)و از دعای امام علیه السلام بود، برای فرزندانش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا و بر من به بقای فرزندانم و به اصلاح نمودن ایشان برای من و به بهره مندی من از آنان، منّت گذار.

(۲) خداونـدا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدّت عمرشان برایم بیفزا و خردسالشان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را برایم نیرومنـد نما و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار و آنان را در جان و اعضا و کارهایشان -که برای من مهم است- تندرستی ده و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما.

(۳) و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود، و دوستدار و پند دهنده دوستانت، و ستیزه جو و کینه توزِ همه دشمنانت قرار ده. (این دعا را) اجابت فرما.

(۴) خداونـدا بازوی مرا به وسـیله آنان محکم گردان و کجی مرا به وسـیله ایشان راست فرما و تعـداد مرا به وسـیله آنها بیفزا و مجلس مرا به وسـیله ایشـان آراسـته نما و یاد مرا به وسـیله آنها زنـده گردان و در غایب بودنم، ایشان را جانشـین من فرما و در برآمـدن حـاجتم به وسـیله آنـان یـاری ام ده و آنان را دوسـتدار من و بر من مهربان، و به من متوجّه ساز و به راه من مسـتقیم و فرمانبر من قرار ده و نسبت به من سرکش و عاق و مخالف و خطاکار قرار نده.

(۵) و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. و از نزد خود افزون بر ایشان، پسـران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده.

ص: ۱۳۹۱

(۶) وَ أعِذنِي وَ ذرِّيّتي مِنَ الشّيطَانِ الرّجِيم،فَإنّكَ خَلَقتَنَا وَ أَمَرتَنَا وَ نَهَيتَنَا وَ رَغّبتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرتَنَا وَ رَهّبتَنَا عِقَابَهُ، وَ جَعَلتَ لَنَا عَدُوّاً يَكِيدُنَا،سَلّطتَهُ مِنّا عَلَى مَا لَم تُسَلّطنَا عَلَيهِ مِنهُ،أَسكَنتَهُ صُدُورَنَا، وَ أَجرَيتَهُ مجَارِيَ دِمَائِنَا، لَا يَغفُلُ إِن غَفَلنَا، وَ لَا يَنسَى إِن نَسِينَا،يُؤمِنُنَا عِقَابَكَ، وَ يُخَوّفُنَا بِغَيرِكَ.(۷) إِن هَمَمنَا بِفَاحِشَةٍ شَجّعَنَا عَلَيهَا، وَ إِن هَمَمنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبّطَنَا عَنهُ،يَتَعَرّضُ لَنَا بِالشّهَوَاتِ، وَ يَنصِبُ لَنَا بِالشّبُهَاتِ، إِن وَعَدَنَا كَذَبَنَا، وَ إِن مَنّانَا أَخلَفَنَا، وَ إِلّا تَصرِف عَنّا كَيدَهُ يُضِلّنَا، وَ إِلّا تَقِنَا خَبَالَهُ يَستَزِلّنَا.(۸) أَللّهُمّ فَاقهَر سُلطَانَهُ عَنّا بِسُلطَانِكَ حَتّى تَحبِسَهُ عَنّا بِكَثرَةِ الدّعَاءِ لَكَ فَنُصبِحَ مِن كَيدِهِ فِي المَعصُومِينَ بِكَ.(۹) أَللّهُمّ أَعطِنِي كُلّ سُؤلِي، وَ اقضِ لِي حَوَائِجِي، وَ لَا تَمنَعنِي الإِجَابَةَ وَ قَد ضَمِنتَهَا لِي، وَ لَا تَحجُب دُعَائِي عَنكَ وَ قَد أَمَرتَنِي بِهِ، وَ امنُن عَلَيّ بِكُلّ مَا يُصلِحُنِي فِي دُنيَايَ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرتُ مِنهُ وَ مَا نَسِيتُ، أَو أَظهَرتُ أَو أَخفَيتُ أَو أَعلَنتُ أَو أَسرَرتُ.(۱۰) وَ اجعَلنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ المُصلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيّاكَ،المُنجِحِينَ بِالطّلَبِ إِلَيكَ غَيرِ المَمنُوعِينَ بِالتّوَكّلِ عَلَيكَ.(۱۱)المُعَوّدِينَ بِالتّعَوّذِ بِكَ،الرّابِحِينَ فِي التّجَارَةِ عَلَيكَ،المُجَارِينَ بِعِزّكَ،المُوَسّعِ عَلَيهِمُ الرّزقُ الحَلَالُ مِن فَضلِكَ،الوَاسِعِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ،المُعَزّينَ مِنَ الذّلّ بِكَ، وَ المُجَارِينَ مِنَ الظّلمِ بِعَدلِكَ، وَ المُعَافَينَ مِنَ البَلَاءِ بِرَحمَتِكَ، وَ المُغنَينَ مِنَ الفَقرِ بِغِنَاكَ، وَ المَعصُومِينَ مِنَ الذّنُوبِ وَ الزّلَلِ وَ الخَطَاءِ بِتَقوَاكَ، وَ المُوَفّقِينَ لِلخَيرِ وَ الرّشدِ وَ الصّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَ المُحَالِ بَينَهُم وَ بَينَ الذّنُوبِ بِقُدرَتِكَ،التّارِكِينَ لِكُلّ مَعصِيَتِكَ،السّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ.

(۶) و مرا و فرزنـدانم را از شـیطانِ رانـده شده، پناه ده. همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نموده ای و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمـان و از کیفر نافرمـانی خود، بیمـان داده ای. و برای مـا دشـمنی قرار دادی که به مـا نیرنگ می زنـد. او را بر ما تسلّط دادی، و مـا را بر او تسلّطی نیست. او را در سـینه های ما جا دادی و در رگ های خونمان روان نمودی. اگر از او غافل شویم، او غافل نمی شود. و اگر فراموشش کنیم، او فراموش نمی کند. ما را از کیفر تو ایمنی می دهد و از غیر تو می ترساند.

(۷) اگر قصـد کار زشتی کنیم، ما را بر آن دلیر گردانَـد. و چنانچه قصـد کار شایسـته ای کردیم، ما را از آن بازدارد. خواهش های نفسانی را برای ما عرضه می دارد. و شـبهه ها برای ما برپا کنـد. اگر ما را وعـده دهـد، به ما دروغ گوید. و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند. و اگر فریب او را از ما باز نداری، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشـمان اندازد.

(۸) خداوندا با سـلطه خود، تسلّط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری. پس به وسـیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) درآییم.

(۹) خداونـدا همه خواسـته هـایم را به من عطـا کن و حاجت هایم را برآور و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمـانت کرده ای و دعایم را از خود بازنـدار، که خود مرا به آن امر فرموده ای و هر چه در دنیایم و آخرتم به صـلاحم است، چه آن را به یـاد آوردم یـا آنچه فراموش کردم، و اظهار کردم یا پنهان نمودم، و آشـکار ساختم یا در پنهان خواسـته ام، بر من ارزانی دار.

(۱۰) و مرا در همه آن (امور) به خاطر در خواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. که با توکّل بر تو، (از لطفت) بازداشته نشدند.

(۱۱) (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته انـد، در تجارت با تو سود کرده اند، (همان ها که) به عزّت تو پناه آورده اند، و به جـود و کرم تو از فضـل گسـترده ات روزی حلال برای آنـان سـرشار شـده، به یـاری تو از ذلّت به عزّت رسـیده انـد، از سـتم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند و به رحمت تو از بلا رهیده اند و به توانگری تو از فقر به بی نیازی رسـیده اند و با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا، نگه داشته شده اند و با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفّق گشته اند و به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده. (آنان که) همه نافرمانی هایت را ترک کرده در همسایگی تو جای گرفته اند.

ص: ۱۳۹۳

(۱۲) أللّهُمّ أَعطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوفِيقِكَ وَ رَحمَتِكَ، وَ أَعِذنَا مِن عَذَابِ السّعِيرِ، وَ أَعطِ جَمِيعَ المُسلِمِينَ وَ المُسلِمَاتِ وَ المُؤمِنِينَ وَ المُؤمِنَاتِ مِثلَ أَلّذِی سَأَلتُکَ لِنفَسِی وَ لِوِلُدِی فِی عَاجِلِ الدّنيَا وَ آجِلِ الآخِرَهِ،إِنّکَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَفُوّ غَفُورٌ رَءُوفٌ رَحِيمٌ.(۱۳) وَ آتِنَا فِی الدّنيَا حَسَنَهً، وَ فِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنَا عَذَابَ النّارِ.

(۱۲) خداونـدا به توفیق و رحمتت همه آن (درخواست هـا) را به مـا عطا فرما و ما را از شـکنجه آتش پناه ده و به همه مردان و زنـان مسـلمان و مردان و زنـان بـا ایمـان،ماننـدِ آنچه برای خود و فرزنـدانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش. همانا تو نزدیک، اجابت کننده، شنوا، دانا، بخشاینده، آمرزنده، دلسوز و مهربان هستی.

(۱۳) و ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

ص: ۱۳۹۵

(۲۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ لِجِيرَانِهِ وَ أَولِيَائِهِ إِذَا ذَكَرَهُم

(۱) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَوَلّنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِيَ العَارِفِينَ بِحَقّنَا، وَ المُنَابِذِينَ لِأَعدَائِنَا بِأَفضَلِ وَلَايَتِكَ.(۲) وَ وَفّقهُم لِإِقَامَةِ سُنّتِكَ، وَ الأَخذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِرفَاقِ ضَعِيفِهِم، وَ سَدّ خَلّتِهِم، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِهِم، وَ هِدَايَةِ مُستَرشِدِهِم، وَ مُنَاصَحَةِ مُستَشِيرِهِم، وَ تَعَهّدِ قَادِمِهِم، وَ كِتمَانِ أَسرَارِهِم، وَ سَترِ عَورَاتِهِم، وَ نُصرَةِ مَظلُومِهِم، وَ حُسنِ مُوَاسَاتِهِم بِالمَاعُونِ، وَ العَودِ عَلَيهِم بِالجِدَةِ وَ الإِفضَالِ، وَ إِعطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُم قَبلَ السّؤَالِ(۳) وَ اجعَلنِي أَللّهُمّ أَجزِي بِالإِحسَانِ مُسِيئَهُم، وَ أُعرِضُ بِالتّجَاوُزِ عَن ظَالِمِهِم، وَ أَستَعمِلُ حُسنَ الظّنّ فِي كَافّتِهِم، وَ أَتَوَلّى بِالبِرّ عَامّتَهُم، وَ أَغُضّ بَصَرِي عَنهُم عِفّةً، وَ أُلِينُ جَانِبِي لَهُم تَوَاضُعاً، وَ أَرِقّ عَلَى أَهلِ البَلَاءِ مِنهُم رَحمَةً، وَ أُسِرّ لَهُم بِالغَيبِ مَوَدّةً، وَ أُحِبّ بَقَاءَ النّعمَةِ عِندَهُم نُصحاً، وَ أُوجِبُ لَهُم مَا أُوجِبُ لِحَامّتِي، وَ أَرعَى لَهُم مَا أَرعَى لِخَاصّتِي.(۴) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقنِي مِثلَ ذَلِكَ مِنهُم، وَ اجعَل لِي أَوفَى الحُظُوظِ فِيمَا عِندَهُم، وَ زِدهُم بَصِيرَةً فِي حَقّيّ، وَ مَعرِفَةً بِفَضلِي حَتّى يَسعَدُوا بِي وَ أَسعَدَ بِهِم،آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ.

ص: ۱۳۹۶

(۲۶)و از دعای امام علیه السلام بود، درباره همسایگانش و دوستان او، هنگامی که آنان را یاد می کرد

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما.

(۲) و آنان را برای به پا داشتن سنّت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان و پر کردن کم و کاست آنان و به عیادت بیمارشان و راهنماییِ راه جویشان و پند دادن مشورت کننده شان و دیدار با از سفر بازگشته شان و کتمان اسرارشان و پوشاندن عیب هایشان و یاریِ ستم دیده شان و همیاری نیکو در مایحتاج زندگی یشان و رسیدگی با ثروت و بخشش فراوان به آنان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

(۳) و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم و از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم و درباره همه آنان، به خوش گمانی رفتار کنم و با نیکی، همه آنان را یاری نمایم و با پاکدامنی، دیده از ایشان فرو بندم و فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم و با مهربانی بر بلا دیدگان آنها، دلسوزی نمایم و در نبودشان دوستی را، آشکار سازم و خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم و آنچه را برای خویشانم لازم می دانم، برای آنها لازم بدانم و آنچه را برای خاصان خود رعایت می کنم، برای آنان رعایت نمایم.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت گردم. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

(۲۷) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ لِأَهلِ الثّغُورِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصّن ثُغُورَ المُسلِمِینَ بِعِزّتِکَ، وَ أَیّد حُمَاتَهَا بِقُوّتِکَ، وَ أَسبِغ عَطَایَاهُم مِن جِدَتِکَ.(۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ کَثّر عِدّتَهُم، وَ اشحَذ أَسلِحَتَهُم، وَ احرُس حَوزَتَهُم، وَ امنَع حَومَتَهُم، وَ أَلّف جَمعَهُم، وَ دَبّر أَمرَهُم، وَ وَاتِر بَینَ مِیَرِهِم، وَ تَوَحّد بِکِفَایَةِ مُؤَنِهِم، وَ اعضُدهُم بِالنّصرِ، وَ أَعِنهُم بِالصّبرِ، وَ الطُف لَهُم فِی المَکرِ.(۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَرّفهُم مَا یَجهَلُونَ، وَ عَلّمهُم مَا لَا یَعلَمُونَ، وَ بَصّرهُم مَا لَا یُبصِرُونَ.(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنسِهِم

عِندَ لِقَائِهِمُ العَدُوّ ذِکرَ دُنیَاهُمُ الخَدّاعَةِ الغَرُورِ، وَ امحُ عَن قُلُوبِهِم خَطَرَاتِ المَالِ الفَتُونِ، وَ اجعَلِ الجَنّةَ نُصبَ أَعیُنِهِم، وَ لَوّح مِنهَا لِأَبصَارِهِم مَا أَعدَدتَ فِیهَا مِن مَسَاکِنِ الخُلدِ وَ مَنَازِلِ الکَرَامَةِ وَ الحُورِ الحِسَانِ وَ الأَنهَارِ المُطّرِدَةِ بِأَنوَاعِ الأَشرِبَةِ وَ الأَشجَارِ المُتَدَلّیَةِ بِصُنُوفِ الثّمَرِ حَتّی لَا یَهُمّ أَحَدٌ مِنهُم بِالإِدبَارِ، وَ لَا یُحَدّثَ نَفسَهُ عَن قِرنِهِ بِفِرَارٍ.

ص: ۱۳۹۸

(۲۷)و از دعای امام علیه السلام بود، برای مرزداران

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به عزّت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما و به قدرت خویش، نگهبانان آن را یاری ده و از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و بر تعدادشان بیفزا و سلاح (جنگی) شان را تیز کن و قلمروِ آنان را نگهدار و حومه آنان را نفوذناپذیر کن و جمعشان را الفت ده و امرشان را تدبیر فرما و آذوقه یشان را پیاپی برسان و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما و با پیروزی نیرومندشان کن و با شکیبایی یاریشان ده و چاره اندیشی را به آنها بیاموز.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان و آنچه نمی دانند، به ایشان بیاموز و به آنچه بینایی ندارند، بینا ساز.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده و آنچه را در آن آماده ساخته ای از خانه های همیشگی و سراهای کرامت و حوریان زیباروی و جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده و درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.

ص: ۱۳۹۹

(۵) أللّهُمّ افلُل بِـذَلِکَ عَـدُوّهُم، وَ اقلِم عَنهُم أظفَارَهُم، وَ فَرّق بَینَهُم وَ بَینَ أسلِحَتِهِم، وَ اخلَع وَثَائِقَ أفئِدَتِهِم، وَ بَاعِد بَینَهُم وَ بَینَ أَزوِدَتِهِم، وَ حَیّرهُم فِی سُبُلِهِم، وَ ضَلّلهُم عَن وَجهِهِم، وَ اقطَع عَنهُمُ المَدَدَ، وَ انقُص مِنهُمُ العَدَدَ، وَ املَأ أَفئِدَتَهُمُ الرّعبَ، وَ اقبِض أَیدِیَهُم عَنِ البَسطِ، وَ اخزِم أَلسِنَتَهُم عَنِ النّطقِ، وَ شَرّد بِهِم مَن خَلفَهُم وَ نَکّل بِهِم مَن وَرَاءَهُم، وَ اقطَع بِخِزیِهِم أَطمَاعَ مَن بَعدَهُم.

(۶) أللّهُمّ عَقّم أَرحَامَ نِسَائِهِم، وَ یَبّس أَصلَابَ رِجَالِهِم، وَ اقطَع نَسلَ دَوَابّهِم وَ أَنعَامِهِم، لَا تَأذَن لِسَمَائِهِم فِی قَطرٍ، وَ لَا لِأَرضِهِم فِی نَبَاتٍ.(۷) أللّهُمّ وَ قَوّ بِذَلِکَ مِحَالَ أَهلِ الإِسلَامِ، وَ حَصّن بِهِ دِیَارَهُم، وَ ثَمّر بِهِ أَموَالَهُم، وَ فَرّغهُم عَن مُحَارَبَتِهِم لِعِبَادَتِکَ، وَ عَن مُنَابَذَتِهِم لِلخَلوَهِ بِکَ حَتّی لَا یُعبَدَ فِی بِقَاعِ الأَرضِ غَیرُکَ، وَ لَا تُعَفّرَ لِأَحَدٍ مِنهُم جَبهَهٌ دُونَکَ.(۸) أللّهُمّ اغزُ بِکُلّ نَاحِیَهٍ مِنَ المُسلِمِینَ عَلَی مَن بِإِزَائِهِم مِنَ المُشرِکِینَ، وَ أَمدِدهُم بِمَلَائِکَهٍ مِن عِندِکَ مُردِفِینَ حَتّی یَکشِفُوهُم إِلَی مُنقَطَعِ التّرَابِ قَتلًا فِی أَرضِکَ وَ أَسراً، أَو یُقِرّوا بِأَنّکَ أَنتَ اللّهُ ألّذِی لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ وَحدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ.(۹) أللّهُمّ وَ اعمُم بِذَلِکَ أَعدَاءَکَ فِی أَقطَارِ البِلَادِ مِنَ الهِندِ وَ الرّومِ وَ التّرکِ وَ الخَزَرِ وَ الحَبَشِ وَ النّوبَهِ وَ الزّنجِ وَ السّقَالِبَهِ وَ الدّیَالِمَهِ وَ سَائِرِ أُمَمِ الشّرکِ،الّذِینَ تَخفَی أَسمَاؤُهُم وَ صِفَاتُهُم، وَ قَد أَحصَیتَهُم بِمَعرِفَتِکَ، وَ أَشرَفتَ عَلَیهِم بِقُدرَتِکَ.

(۵) خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز و رگ های دلشان را بکن و میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز و در راه هایشان سرگردانشان ساز و از هدفشان گمراهشان نما و کمک رسانی را از ایشان قطع کن و از تعدادشان بکاه و دل هایشان را از ترس پر ساز و دست هایشان را از گشودن بازدار و زبان هایشان را از گفتن ببند و با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان و با خواری آنان طمع آیندگانشان را قطع نما.

(۶) خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک نما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن و آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در روییدن، اذن نده.

(۷) خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوّت بخش و شهرهایشان را استوار ساز و ثروت هایشان را بیفزا و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن برای عبادت خویش و کارزار با آنان برای خلوت با خودت آسوده ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود و پیشانی هر یک از آنان جز در برابر تو به خاک گذاشته نشود.

(۸) خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی درپی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

(۹) خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و ترکستان و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سقالبه و دیالمه و دیگر امّت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به دانایی، خود آنها را می شناسی و به توانایی ات بر آنان اشراف داری.

ص: ۱۴۰۱

(١٠) أللّهُمّ اشغَلِ المُشرِكينَ بِالمُشرِكينَ عَن تَناوُلِ أَطرافِ المُسلِمينَ، وَ خُذهُم بِالنّقصِ عَن تَنَقّصِهِم، وَ ثبّطهُم بِالفُرقَهِ عَنِ الاِحتِشادِ عَلَيهِم.(١١) أللّهُمّ أَخلِ قُلوبَهُم مِنَ الأَمَنَه، وَ أَبدانَهُم مِنَ القُوّه، وَ أَذهِل قُلوبَهُم عَنِ الاِحتِيالِ، وَ أَوهِن أَركانَهُم عَن مُنازَلَهِ الرِّجالِ، وَ جَبّنهُم عَن مُقارَعَهِ الأَبطالِ، وَ ابعَث عَلَيهِم جُنداً مِن مَلائِكَتِكَ بِبَأسٍ مِن بَأسِكَ كَفِعلِكَ يَومَ بَدرٍ،تَقطَعُ بِهِ دابِرَهُم وَ تَحصُدُ بِهِ شَوكَتَهُم، وَ تُفَرّقُ بِهِ عَدَدَهُم.(١٢) أللّهُمّ وَ امزُج مِياهَهُم بِالوَباءِ، وَ أَطعِمَتَهُم بِالأَدواءِ، وَ ارمِ بِلادَهُم بِالخُسوفِ، وَ أَلِحّ عَلَيها بِالقُذُوفِ، وَ افرَعها بِالمُحولِ، وَ اجعَل مِيَرَهُم فِی أَحَصّ أَرضِكَ وَ أَبعَدِها عَنهُم، وَ امنَع حُصُونَها مِنهُم،أَصِبهُم بِالجُوعِ المُقيمِ وَ السّقمِ الأَليمِ.(١٣) أللّهُمّ وَ أَيّما غازٍ غَزاهُم مِن أَهلِ مِلّتِكَ، أَو مُجاهِدٍ جاهَدَهُم مِن أَتباعِ سُنّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الأَعلَی وَ حِزبُكَ الأَقوَی وَ حَظّكَ الأَوفَی فَلَقّهِ اليُسرَ، وَ هَيّئ لَهُ الأَمرَ، وَ تَوَلّهُ بِالنّجحِ، وَ تَخَيّر لَهُ الأَصحابَ، وَ استَقوِ لَهُ الظّهرَ، وَ أَسبِغ عَلَيهِ فِی النّفَقَه، وَ مَتّعهُ بِالنّشاطِ، وَ أَطفِ عَنهُ حَرارَهَ الشّوقِ، وَ أَجِرهُ مِن غَمّ الوَحشَه، وَ أَنسِهِ ذِكرَ الأَهلِ وَ الوَلَدِ.(١٤) وَ أثُر لَهُ حُسنَ النّيّه، وَ تَوَلّهُ بِالعافِيَه، وَ أَصحِبهُ السّلامَه، وَ أَعفِهِ مِنَ الجُبنِ، وَ أَلهِمهُ الجُرأَه، وَ ارزُقهُ الشّدّه، وَ أَيّدهُ بِالنّصرَه، وَ عَلّمهُ السّيَرَ وَ السّنَنَ، وَ سَدّدهُ فِی الحُكمِ، وَ اعزِل عَنهُ الرّياءَ، وَ خَلّصهُ مِنَ السّمعَه، وَ اجعَل فِكرَهُ وَ ذِكرَهُ وَ ظَعنَهُ وَ إِقامَتَهُ،فِيكَ وَ لَكَ.

(۱۰) خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار و با کاستن عددشان، از کاستن (مسلمانان) جلوگیر باش. و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضدّ مسلمانان بازشان دار.

(۱۱) خداوندا، دل هایشان را از آرامش و تن هایشان را از قوّت تهی دار و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز و اندامشان را از جنگیدن با مردان سست گردان و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر. تا بدین سبب، ایشان را ریشه کن سازی و سختی و صلابتشان را براندازی و تعدادشان را از هم بپاشی.

(۱۲) خداوندا و آب هایشان را به وبا و خوردنی هایشان را به امراضْ درآمیز و شهرهایشان را در زمین فروبر و پیوسته آن را سنگباران فرما و آن را به قحطی و خشکسالی دچار ساز و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده و پناهگاه های آن را از آنها بازدار، آنان را دچار گرسنگی دائم و بیماری دردناک گردان.

(۱۳) خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی از پیروان سنّت تو که با ایشان جهاد نماید تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر و بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن و کارش را اصلاح نما و پیروزی را برای او به عهده گیر و برای او یارانی برگزین و پشت او را قوی ساز و درآمدش را وسعت ده و از نشاط بهره مند فرما و گرمی آرزو را از او فرونشان و او را از اندوه تنهایی حفظ کن و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

(۱۴) و او را به نیّت خوش، راهنمایی فرما و تندرستی اش را به عهده گیر و رهایی از آفت ها را، همراهش فرما و از ترس، سالمش دار و دلیری در دلش انداز و نیرومندی را، روزی اش کن و با یاری خود توانایش گردان و راه ها و روش ها(ی جهاد) و سنّت ها(ی اسلامی) را، به او بیاموز و در داوری نمودن، پایدارش فرما و خودنمایی را از او دور کن و او را از شهرت طلبی نجات ده و فکر و ذکر و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده.

ص: ۱۴۰۳

(١۵) فَإِذَا صَافّ عَدُوّکَ وَ عَدُوّهُ فَقَلّلهُم فِی عَینِهِ، وَ صَغّر شَأنَهُم فِی قَلبِهِ، وَ أَدِل لَهُ مِنهُم، وَ لَا تُدِلهُم مِنهُ، فَإِن خَتَمتَ لَهُ بِالسّعَادَهِ، وَ قَضَیتَ لَهُ بِالشّهَادَهِ فَبَعدَ أَن یَجتَاحَ عَدُوّکَ بِالقَتلِ، وَ بَعدَ أَن یَجهَدَ بِهِمُ الأَسرُ، وَ بَعدَ أَن تَأمَنَ أَطرَافُ المُسلِمِینَ، وَ بَعدَ أَن یُوَلّیَ عَدُوّکَ مُدبِرِینَ.(١۶) أَللّهُمّ وَ أَیّمَا مُسلِمٍ خَلَفَ غَازِیاً أَو مُرَابِطاً فِی دَارِهِ، أَو تَعَهّدَ خَالِفِیهِ فِی غَیبَتِهِ، أَو أَعَانَهُ بِطَائِفَهٍ مِن مَالِهِ، أَو أَمَدّهُ بِعِتَادٍ، أَو شَحَذَهُ عَلَی جِهَادٍ، أَو أَتبَعَهُ فِی وَجهِهِ دَعوَهً، أَو رَعَی لَهُ مِن وَرَائِهِ حُرمَهً،فَآجِر لَهُ مِثلَ أَجرِهِ وَزناً بِوَزنٍ وَ مِثلًا بِمِثلٍ، وَ عَوّضهُ مِن فِعلِهِ عِوَضاً حَاضِراً یَتَعَجّلُ بِهِ نَفعَ مَا قَدّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَی بِهِ، إِلَی أَن یَنتَهِیَ بِهِ الوَقتُ إِلَی مَا أَجرَیتَ لَهُ مِن فَضلِکَ، وَ أَعدَدتَ لَهُ مِن کَرَامَتِکَ.(١٧) أَللّهُمّ وَ أَیّمَا مُسلِمٍ أَهَمّهُ أَمرُ الإِسلَامِ، وَ أَحزَنَهُ تَحَزّبُ أَهلِ الشّرکِ عَلَیهِم فَنَوَی غَزواً، أَو هَمّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعفٌ، أَو أَبطَأَت بِهِ فَاقَهٌ، أَو أَخّرَهُ عَنهُ حَادِثٌ، أَو عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَاکتُب اسمَهُ فِی العَابِدِینَ، وَ أَوجِب لَهُ ثَوَابَ المُجَاهِدِینَ، وَ اجعَلهُ فِی نِظَامِ الشّهَدَاءِ وَ الصّالِحِینَ.(١٨) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ آلِ مُحَمّدٍ،صَلَاهً عَالِیَهً عَلَی الصّلَوَاتِ،مُشرِفَهً فَوقَ التّحِیّاتِ،صَلَاهً لَا یَنتَهِی أَمَدُهَا، وَ لَا یَنقَطِعُ عَدَدُهَا کَأَتَمّ مَا مَضَی مِن صَلَوَاتِکَ عَلَی أَحَدٍ مِن أَولِیَائِکَ،إِنّکَ المَنّانُ الحَمِیدُ المُبدِئُ المُعِیدُ الفَعّالُ لِمَا تُرِیدُ.

(۱۵) پس هر گاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان و او را بر آنان پیروز فرما و آنها را بر او چیره نساز. پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده و با اسیری، ایشان را به سختی افکنده و مرزهای مسلمانان ایمن شده و دشمنت رو گردانده، فرار نموده است.

(۱۶) خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری کرد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، یا او را بر جهاد تشویق کرد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛ پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای و از بزرگی ات برایش آماده کرده ای، برسد.

(۱۷) خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت و اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، امّا ناتوانی او را بازداشت، یا فقر او را به درنگ واداشت، یا حادثه ای او را (از جهاد) عقب انداخت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

(۱۸) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمّد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشرف بر همه تحیّت ها. درودی که مدّتش پایان نپذیرد و شماره اش قطع نگردد. مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیایت فرستاده شده. به درستی که تو بسیار نعمت دهنده، ستوده، آغازگر، باز گرداننده، انجام دهنده هر چه بخواهی می باشی.

ص: ۱۴۰۵

(۲۸) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ مُتَفَزّعاً إِلَی اللّهِ عَزّ وَ جَلّ

(۱) أَللّهُمّ إِنیّ أَخلَصتُ بِانقِطَاعیِ إِلَیکَ(۲) وَ أَقبَلتُ بکِلُیّ عَلَیکَ(۳) وَ صَرَفتُ وجَهیِ عَمّن یَحتَاجُ إِلَی رِفدِکَ(۴) وَ قَلَبتُ مسَأَلَتیِ عَمّن لَم یَستَغنِ عَن فَضلِکَ(۵) وَ رَأَیتُ أَنّ طَلَبَ المُحتَاجِ إِلَی المُحتَاجِ سَفَهٌ مِن رَأیِهِ وَ ضَلّهٌ مِن عَقلِهِ.(۶)فَکَم قَد رَأَیتُ یَا إلِهَیِ مِن أُنَاسٍ طَلَبُوا العِزّ بِغَیرِکَ فَذَلّوا، وَ رَامُوا الثّروَهَ مِن سِوَاکَ فَافتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الِارتِفَاعَ فَاتّضَعُوا،(۷)فَصَحّ بِمُعَایَنَهِ أَمثَالِهِم حَازِمٌ وَفّقَهُ اعتِبَارُهُ، وَ أَرشَدَهُ إِلَی طَرِیقِ صَوَابِهِ اختِیَارُهُ.(۸)فَأَنتَ یَا موَلاَیَ دُونَ کُلّ مَسئُولٍ مَوضِعُ مسَأَلَتیِ، وَ دُونَ کُلّ مَطلُوبٍ إِلَیهِ ولَیِ حاَجتَیِ(۹) أَنتَ المَخصُوصُ قَبلَ کُلّ مَدعُوّ بِدَعوتَیِ، لَا یَشرَکُکَ أَحَدٌ فِی رجَاَئیِ، وَ لَا یَتّفِقُ أَحَدٌ مَعَکَ فِی دعُاَئیِ، وَ لَا یَنظِمُهُ وَ إِیّاکَ ندِاَئیِ(۱۰) لَکَ یَا إلِهَیِ وَحدَانِیّهُ العَدَدِ، وَ مَلَکَهُ القُدرَهِ الصّمَدِ، وَ فَضِیلَهُ الحَولِ وَ القُوّهِ، وَ دَرَجَهُ العُلُوّ وَ الرّفعَهِ.(۱۱) وَ مَن سِوَاکَ مَرحُومٌ فِی عُمُرِهِ،مَغلُوبٌ عَلَی أَمرِهِ،مَقهُورٌ عَلَی شَأنِهِ،مُختَلِفُ الحَالَاتِ،مُتَنَقّلٌ فِی الصّفَاتِ(۱۲)فَتَعَالَیتَ عَنِ الأَشبَاهِ وَ الأَضدَادِ، وَ تَکَبّرتَ عَنِ الأَمثَالِ وَ الأَندَادِ،فَسُبحَانَکَ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ.

ص: ۱۴۰۶

(۲۸)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگام پناه بردن به خداوند توانا و بزرگ

(۱) خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل بریده و به تو پیوسته ام.

(۲) و با همه وجودم به تو رو آوردم.

(۳) و از آنکه نیازمند عطای توست، روگرداندم.

(۴) و درخواستم را از آنکه از فضلت بی نیاز نبود، باز گرداندم.

(۵) و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه و گمراهی خِرد است.

(۶) ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند و از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند.

(۷) پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.

(۸) پس -ای سرور من- جایگاه درخواستم تویی، نه هر که از او درخواست شود. و صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود.

(۹) تویی مخصوص به خواندن من، پیش از آنکه کسی را بخوانم! هیچ کس در امید من، با تو شریک نیست و در دعایم، کسی با تو برابر نیست و ندایم کسی را با تو جمع نمی کند.

(۱۰) خداوندا یگانگیِ شمار و تسلّط قدرتِ همیشگی و فضیلت توان و نیرو و درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.

(۱۱) و غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت، در کار خود مغلوب، در امورش زیردست، در حالاتش گوناگون، در صفاتش دگرگون می باشد.

(۱۲) پس تو از داشتن مانندها و همتاها برتر و از داشتن همسان و همگون بزرگ تر بودی. پس تو منزّهی. معبودی جز تو نیست.

(۲۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا قُتّرَ عَلَيهِ الرّزقُ

(۱) أللّهُمّ إِنّکَ ابتَلَيتَنَا فِی أَرزَاقِنَا بِسُوءِ الظّنّ، وَ فِی آجَالِنَا بِطُولِ الأَمَلِ حَتّی التَمَسنَا أَرزَاقَکَ مِن

عِندِ المَرزُوقِينَ، وَ طَمِعنَا بِآمَالِنَا فِی أَعمَارِ المُعَمّرِينَ.(۲)فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لَنَا يَقِيناً صَادِقاً تَكفِينَا بِهِ مِن مَئُونَهِ الطّلَبِ، وَ أَلهِمنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُعفِينَا بِهَا مِن شِدّهِ النّصَبِ(۳) وَ اجعَل مَا صَرّحتَ بِهِ مِن عِدَتِکَ فِی وَحيِکَ، وَ أَتبَعتَهُ مِن قَسَمِکَ فِی كِتَابِکَ،قَاطِعاً لِاهتِمَامِنَا بِالرّزقِ ألّذِی تَكَفّلتَ بِهِ، وَ حَسماً لِلِاشتِغَالِ بِمَا ضَمِنتَ الكِفَايَهَ لَهُ(۴)فَقُلتَ وَ قَولُکَ الحَقّ الأَصدَقُ، وَ أَقسَمتَ وَ قَسَمُکَ الأَبَرّ الأَوفَی وَ فِی السّمَاءِ رِزقُكُم وَ مَا تُوعَدُونَ.(۵) ثُمّ قُلتَ فَوَ رَبّ السّمَاءِ وَ الأَرضِ إِنّهُ لَحَقّ مِثلَ مَا أَنّكُم تَنطِقُونَ.

ص: ۱۴۰۸

(۲۹)و از دعای امام علیه السلام بود، چنان که روزی بر او تنگ گرفته می شد

(۱) خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمانْ به بدگمانی، و در مدّت زندگی هایمانْ به آرزوی دراز، آزمودی. تا جایی که روزی های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم.

(۲) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری.

(۳) و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده.

(۴) پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است. و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقّق ترین و وفاشده ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.»

(۵) سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حقّ و درست است، مانند آنچه شما سخن می گویید.»

ص: ۱۴۰۹

(۳۰) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ فِی المَعُونَهِ عَلَی قَضَاءِ الدَّينِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لِیَ العَافِيَهَ مِن دَينٍ تُخلِقُ بِهِ وجهِی، وَ يَحَارُ فِيهِ ذهنِي، وَ يَتَشَعّبُ لَهُ فكرِي، وَ يَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شغُلِی (۲) وَ أَعُوذُ بِكَ، يَا رَبّ، مِن هَمّ الدّينِ وَ فِكرِهِ، وَ شُغلِ الدّينِ وَ سَهَرِهِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أعَذنِی مِنهُ، وَ أَستَجِيرُ بِكَ، يَا رَبّ، مِن ذِلّتِهِ فِی الحَيَاهِ، وَ مِن تَبِعَتِهِ بَعدَ الوَفَاهِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أجِرنِی مِنهُ بِوُسعٍ فَاضِلٍ أَو كَفَافٍ وَاصِلٍ.(۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احجُبنِی عَنِ السّرَفِ وَ الِازدِيَادِ، وَ قَوّمنِی بِالبَذلِ وَ الِاقتِصَادِ، وَ علَمّنِی حُسنَ التّقدِيرِ، وَ اقبِضنِی بِلُطفِكَ عَنِ التّبذِيرِ، وَ أَجرِ مِن أَسبَابِ الحَلَالِ أرزَاقِی، وَ وَجّه فِی أَبوَابِ البِرّ إِنفَاقِی، وَ ازوِ عَنّیَ مِنَ المَالِ مَا يُحدِثُ لِی مَخِيلَهً أَو تَأَدّياً إِلَی بغیٍ أَو مَا أَتَعَقّبُ مِنهُ طُغيَاناً.(۴) أللّهُمّ حَبّب إِلَیّ صُحبَهَ الفُقَرَاءِ، وَ أَعِنّی عَلَی صُحبَتِهِم بِحُسنِ الصّبرِ(۵) وَ مَا زَوَيتَ عنَیّ مِن مَتَاعِ الدّنيَا الفَانِيَهِ فَاذخَرهُ لِی فِی خَزَائِنِكَ البَاقِيَهِ(۶) وَ اجعَل مَا خوَلّتنَیِ مِن حُطَامِهَا، وَ عَجّلتَ لِی مِن مَتَاعِهَا بُلغَهً إِلَی جِوَارِكَ وَ وُصلَهً إِلَی قُربِكَ وَ ذَرِيعَهً إِلَی جَنّتِكَ،إِنّكَ ذُو الفَضلِ العَظِيمِ، وَ أَنتَ الجَوَادُ الكَرِيمُ.

ص: ۱۴۱۰

(۳۰) و از دعای امام علیه السلام بود، درباره درخواست کمک نمودن بر پرداخت وام

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری و ذهنم در آن سرگردان شود و فکرم برای آن پریشان گردد و کارم در چاره آن طول کشد.

(۲) و به تو پناه می برم -ای پروردگارم- از اندوه و اندیشه وام و از کار قرض و بی خوابی اش، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از آن پناه ده. و پناه از تو می جویم -ای پروردگار من- از خواری آن در زندگی و از پیامد آن پس از مرگ، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا با ثروتِ فراوان و روزیِ کافی، از آن نجات ده.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار. و به بخشش و میانه روی، استوار گردان و روش نیکو را به من بیاموز و مرا -به لطف خود- از ولخرجی باز دار و روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان و انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر قرار ده و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز.

(۴) خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان و مرا بر همنشینی ایشان، با شکیبایی نیکوْ یاری ده.

(۵) و آنچه از کالای دنیایِ فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما.

(۶) و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت و وسیله دست یابی به بهشتت قرار ده. به درستی که تو صاحب بخشش بزرگ می باشی و تویی بسیار بخشنده بزرگوار.

(۳۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی ذِكرِ التّوبَهِ وَ طَلَبِهَا

(۱) أللّهُمّ يَا مَن لَا يَصِفُهُ نَعتُ الوَاصِفِينَ(۲) وَ يَا مَن لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرّاجِينَ(۳) وَ يَا مَن لَا يَضِيعُ لَدَيهِ أَجرُ المُحسِنِينَ (۴) وَ يَا مَن هُوَ مُنتَهَی خَوفِ العَابِدِينَ.(۵) وَ يَا مَن هُوَ غَايَهُ خَشيَهِ المُتّقِينَ(۶) هَذَا مَقَامُ مَن تَدَاوَلَتهُ أَيدِی الذّنُوبِ، وَ قَادَتهُ أَزِمّهُ الخَطَايَا، وَ استَحوَذَ عَلَيهِ الشّيطَانُ،فَقَصّرَ عَمّا أَمَرتَ بِهِ تَفرِيطاً، وَ تَعَاطَی مَا نَهَيتَ عَنهُ تَغرِيراً.(۷)كَالجَاهِلِ بِقُدرَتِکَ عَلَيهِ، أَو كَالمُنكِرِ فَضلَ إِحسَانِکَ إِلَيهِ حَتّی إِذَا انفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الهُدَی، وَ تَقَشّعَت عَنهُ سَحَائِبُ العَمَی،أَحصَی مَا ظَلَمَ بِهِ نَفسَهُ، وَ فَكّرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبّهُ،فَرَأَی كَبِيرَ عِصيَانِهِ كَبِيراً وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا.(۸)فَأَقبَلَ نَحوَکَ مُؤَمّلًا لَکَ مُستَحيِياً مِنکَ، وَ وَجّهَ رَغبَتَهُ إِلَيکَ ثِقَهً بِکَ،فَأَمّکَ بِطَمَعِهِ يَقِيناً، وَ قَصَدَکَ بِخَوفِهِ إِخلَاصاً، قَد خَلَا طَمَعُهُ مِن كُلّ مَطمُوعٍ فِيهِ غَيرِکَ، وَ أَفرَخَ رَوعُهُ مِن كُلّ مَحذُورٍ مِنهُ سِوَاکَ.

ص: ۱۴۱۲

(۳۱)و از دعای امام علیه السلام بود، در یاد کردن توبه و درخواست نمودن آن

(۱) خداوندا ای کسی که توصیف وصف کنندگان، او را نمی ستاید.

(۲) و ای کسی که امید امیدواران، از او نمی گذرد.

(۳) و ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود.

(۴) و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است.

(۵) و ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

(۶) این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده و مهارهای خطاها او را از پیِ خود کشیده و شیطان بر او چیره گشته. پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده.

(۷) مانند نادان به قدرت تو بر خودش، یا انکار کننده بسیاری فضل تو به خودش. امّا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد و در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید. پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.

(۸) پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده و با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است. پس از روی یقین با حرص، تو را قصد کرد و از سَرِ اخلاصْ با ترس، آهنگ تو نمود. در حالی که طمعش از هر که -جز تو- در او طمع کنند، خالی است و ترسش از هر که -جز تو- از او بترسند، برطرف شد.

ص: ۱۴۱۳

(۹)فَمَثَلَ بَینَ یَدَیکَ مُتَضَرِّعاً، وَ غَمّضَ بَصَرَهُ إِلَی الأرضِ مُتَخَشّعاً، وَ طَأطَأَ رَأسَهُ لِعِزّتِکَ مُتَذَلّلًا، وَ أَبَثّکَ مِن سِرّهِ مَا أَنتَ أَعلَمُ بِهِ مِنهُ خُضُوعاً، وَ عَدّدَ مِن ذُنُوبِهِ مَا أَنتَ أَحصَی لَهَا خُشُوعاً، وَ استَغَاثَ بِکَ مِن عَظِیمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلمِکَ وَ قَبِیحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُکمِکَ مِن ذُنُوبٍ أَدبَرَت لَذّاتُهَا فَذَهَبَت، وَ أَقَامَت تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَت.(۱۰) لَا یُنکِرُ یَا إِلَهِی عَدلَکَ إِن عَاقَبتَهُ، وَ لَا یَستَعظِمُ عَفوَکَ إِن عَفَوتَ عَنهُ وَ رَحِمتَهُ،لِأَنّکَ الرّبّ الکَرِیمُ ألّذِی لَا یَتَعَاظَمُهُ غُفرَانُ الذّنبِ العَظِیمِ(۱۱) أللّهُمّ فَهَا أَنَا ذَا قَد جِئتُکَ مُطِیعاً لِأَمرِکَ فِیمَا أَمَرتَ بِهِ مِنَ الدّعَاءِ،مُتَنَجّزاً وَعدَکَ فِیمَا وَعَدتَ بِهِ مِنَ الإِجَابَهِ،إِذ تَقُولُ ادعُونِی أَستَجِب لَکُم.(۱۲) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ القَنِی بِمَغفِرَتِکَ کَمَا لَقِیتُکَ بِإِقرَارِی، وَ ارفَعنِی عَن مَصَارِعِ الذّنُوبِ کَمَا وَضَعتُ لَکَ نَفسِی، وَ استُرنِی بِستِرکَ کَمَا تَأَنّیتَنِی عَنِ الِانتِقَامِ مِنّی.(۱۳) أللّهُمّ وَ ثَبّت فِی طَاعَتِکَ نِیّتِی، وَ أَحکِم فِی عِبَادَتِکَ بَصِیرَتِی، وَ وَفّقنِی مِنَ الأَعمَالِ لِمَا تَغسِلُ بِهِ دَنَسَ الخَطَایَا عَنّی، وَ تَوَفّنِی عَلَی مِلّتِکَ وَ مِلّهِ نَبِیّکَ مُحَمّدٍ عَلَیهِ السّلَامُ إِذَا تَوَفّیتَنِی.(۱۴) أللّهُمّ إِنّی أَتُوبُ إِلَیکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِن کَبَائِرِ ذُنُوبِی وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَیّئَاتِی وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَالِفِ زَلّاتِی وَ حَوَادِثِهَا،تَوبَهَ مَن لَا یُحَدّثُ نَفسَهُ بِمَعصِیَهٍ، وَ لَا یُضمِرُ أَن یَعُودَ فِی خَطِیئَهٍ

ص: ۱۴۱۴

(۹) پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده و دیده اش را با سرافکندگی به زمین دوخته و با خواریْ برای عزّتت سرش را به زیر افکنده و با خضوع، از رازهایش -آنچه را که خود به آن داناتری- برایت آشکار کرده و با خشوع، -از گناهانش- آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرده و در (گناهان) بزرگی که می دانی گرفتار شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذّت هایش سپری شد و گذشت و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد.

(۱۰) ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد. زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست.

(۱۱) خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام و وفا به وعده ای را که پیرامون اجابت داده ای، خواستارم. زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»

(۱۲) خداوندا پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و با آمرزش خود به من روآور. همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم. و مرا از افتادنْگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فرو افکنده ام. و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی.

(۱۳) خداوندا و نیّت مرا در فرمان برداریت، ثابت بدار و بینش مرا در بندگی ات، استوار گردان و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمّد - که درود بر او باد- بمیران.

(۱۴) خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم و از بدی های پنهان و آشکارم و از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاهت توبه می کنم. توبه کسی که نافرمانی از ذهنش نمی گذرد و قصد بازگشت به خطا را ندارد.

ص: ۱۴۱۵

(۱۵) وَ قَد قُلتَ يَا إِلَهِي فِي مُحكَمِ كِتَابِكَ إِنّكَ تَقبَلُ التّوبَهَ عَن عِبَادِكَ، وَ تَعفُو عَنِ السّيّئَاتِ، وَ تُحِبّ التّوّابِينَ،فَاقبَل تَوبَتِي كَمَا وَعَدتَ، وَ اعفُ عَن سَيّئَاتِي كَمَا ضَمِنتَ، وَ أَوجِب لِي مَحَبّتَكَ كَمَا شَرَطتَ(۱۶) وَ لَكَ يَا رَبّ شَرطِي أَلّا أَعُودَ فِي مَكرُوهِكَ، وَ ضَمَانِي أَن لَا أَرجِعَ فِي مَذمُومِكَ، وَ عَهدِي أَن أَهجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ.(۱۷) أللّهُمّ إِنّكَ أَعلَمُ بِمَا عَمِلتُ فَاغفِر لِي مَا عَلِمتَ، وَ اصرِفنِي بِقُدرَتِكَ إِلَى مَا أَحبَبتَ.(۱۸) أللّهُمّ وَ عَلَيّ تَبِعَاتٌ قَد حَفِظتُهُنّ، وَ تَبِعَاتٌ قَد نَسِيتُهُنّ، وَ كُلّهُنّ بِعَينِكَ التّي لَا تَنَامُ، وَ عِلمِكَ أَلّذِي لَا يَنسَى،فَعَوّض مِنهَا أَهلَهَا، وَ احطُط عَنّي وِزرَهَا، وَ خَفّف عَنّي ثِقلَهَا، وَ اعصِمنِي مِن أَن أُقَارِفَ مِثلَهَا.(۱۹) أللّهُمّ وَ إِنّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتّوبَهِ إِلّا بِعِصمَتِكَ، وَ لَا استِمسَاكَ بِي عَنِ الخَطَايَا إِلّا عَن قُوّتِكَ،فَقَوّنِي بِقُوّهٍ كَافِيَهٍ، وَ تَوَلّنِي بِعِصمَهٍ مَانِعَهٍ.(۲۰) أللّهُمّ أَيّمَا عَبدٍ تَابَ إِلَيكَ وَ هُوَ فِي عِلمِ الغَيبِ عِندَكَ فَاسِخٌ لِتَوبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ،فَإِنّي أَعُوذُ بِكَ أَن أَكُونَ كَذَلِكَ،فَاجعَل تَوبَتِي هَذِهِ تَوبَهً لَا أَحتَاجُ بَعدَهَا إِلَى تَوبَهٍ،تَوبَهً مُوجِبَهً لِمَحوِ مَا سَلَفَ، وَ السّلَامَهِ فِيمَا بَقِيَ.(۲۱) أللّهُمّ إِنّي أَعتَذِرُ إِلَيكَ مِن جَهلِي، وَ أَستَوهِبُكَ سُوءَ فِعلِي،فَاضمُمنِي إِلَى كَنَفِ رَحمَتِكَ تَطَوّلًا، وَ استُرنِي بِستِرِ عَافِيَتِكَ تَفَضّلًا.(۲۲) أللّهُمّ وَ إِنّي أَتُوبُ إِلَيكَ مِن كُلّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ، أَو زَالَ عَن مَحَبّتِكَ مِن خَطَرَاتِ قَلبِي، وَ لَحَظَاتِ عَينِي، وَ حِكَايَاتِ لِسَانِي،تَوبَهً تَسلَمُ بِهَا كُلّ جَارِحَهٍ عَلَى حِيَالِهَا مِن تَبِعَاتِكَ، وَ تَأمَنُ مِمّا يَخَافُ المُعتَدُونَ مِن أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ.

ص: ۱۴۱۶

(۱۵) و ای خـدای من، در کتـاب اسـتوارت فرموده ای همانا توبه بنـدگانت را می پـذیری، و از بـدی ها درمی گـذری، و توبه کننـدگان را دوست می داری. پس همـانگونه که وعـده دادی، توبه ام را بپـذیر و آنچنان که ضـمانت کرده ای، از بـدی هایم درگذر و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان.

(۱۶) و ای پروردگـار مـن، بـا تـو قرار می گـذارم، در کـاری کـه ناپسـند تـوست، برنگردم و ضـمانت می دهم، در کـاری که نکوهیده توست، باز نگردم و عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم.

(۱۷) خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز و به قدرت خود، به آنچه دوست داری، بازگردان.

(۱۸) خداونـدا و مرا (از حقوق مردم) گرفتـاری هـایی است که به یـاد دارم و گرفتـاری هایی است که فراموش کرده ام و همه آنهـا پیش چشم تو که نمی خوابـد و در علم تو که فراموش نمی کنـد، قرار دارد. پس صاحبـانش را عوض ده و سـنگین باری اش را از من بیفکن و سنگینی اش را از من سبک فرما و مرا از نزدیک شدن به مانند آن، نگهدار.

(۱۹) خداونـدا مرا جز به نگهـداری تو، وفای به توبه نیست. و جز به قـدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست. پس با قوّتِ کافی، مرا قوی ساز و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

(۲۰) خداونـدا، هر بنـده ای که به درگـاهت توبه نمود ولی در علم پنهـانت، توبه شـکن و بـازگشت کننـده به گناه و خطایش باشـد، پس همانـا من به تو پنـاه می برم که اینچنین بـاشم. پس این توبه ام را توبه ای گردان که پس از آن، به توبه ای نیازمند نشوم. توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است.

(۲۱) خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم و از زشتی کردارم، از تو بخشش می طلبم. پس به لطف خویش، مرا در پناه رحمت خود گیر و با فضل خویش، مرا به پرده عافیت بپوشان.

(۲۲) خداونـدا و همانـا من از هر چه مخـالف خواسـته تو یـا دور از دوستی توست؛ از انـدیشه هـای دلم و نگـاه های چشـمم و بیانـات زبـانم، به درگـاهت تـوبه می کنم. تـوبه ای که بـا آن هر عضوی به سـهم خود از کیفرهـایت سـالم مانَـد و از قهرهـای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد.

ص: ۱۴۱۷

(۲۳) أللّهُمّ فَارحَم وحَدتَي بَينَ يَدَيکَ، وَ وَجيبَ قلبي مِن خَشيَتِکَ، وَ اضطِرَابَ أرکَانِي مِن هَيبَتِکَ،فَقَد أقَامَتنِي يَا رَبّ ذنُوبِي مَقَامَ الخزي بِفنَائِکَ، فَإن سَکَتّ لَم يَنطِق عنَيّ أَحَدٌ، وَ إن شَفَعتُ فَلَستُ بِأَهلِ الشّفَاعَه.(۲۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ شَفّع فِي خطَايَایَ کَرَمَکَ، وَ عُد عَلَی سيَئّاتي بِعَفوِکَ، وَ لَا تجزِني جزَائِي مِن عُقُوبَتِکَ، وَ ابسُط عَلَيّ طَولَکَ، وَ جلّلني بِسترِکَ، وَ افعَل بي فِعلَ عَزيزٍ تَضَرّعَ إلَيهِ عَبدٌ ذَليلٌ فَرَحِمَهُ، أَو غَنيٍ تعَرّضَ لَهُ عَبدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ.(۲۵) أللّهُمّ لَا خَفِيرَ لِي مِنکَ فَليَخفُرنِي عِزّکَ، وَ لَا شَفِيعَ لِي إلَيکَ فَليَشفَع لِي فَضلُکَ، وَ قَد أوجَلَتنِي خطَايَایَ فَليُؤمِنّي عَفوُکَ.(۲۶)فَمَا کُلّ مَا نَطَقتُ بِهِ عَن جَهلٍ مِنِيّ بِسُوءِ أثَرِي، وَ لَا نِسيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِن ذَمِيم فِعلِي،لَکِن لِتَسمَعَ سَمَاؤُکَ وَ مَن فِيهَا وَ أَرضُکَ وَ مَن عَلَيهَا مَا أَظهَرتُ لَکَ مِنَ النّدَم، وَ لَجَأتُ إلَيکَ فِيهِ مِنَ التّوبَهِ.(۲۷)فَلَعَلّ بَعضَهُم بِرَحمَتِکَ يرَحمَنِي لِسُوءِ مَوقِفِي، أَو تُدرِکُهُ الرّقّهُ عَلَيّ لِسُوءِ حَالِي فَيَنَالَنِي مِنهُ بِدَعوَهٍ هيَ أَسمَعُ لَدَيکَ مِن دعُائِي، أَو شَفَاعَهٍ أَوکَدُ عِندَکَ مِن شفَاعَتِي تَکُونُ بِهَا نجَاتِي مِن غَضَبِکَ وَ فَوزَتِي بِرِضَاکَ. (۲۸) أللّهُمّ إن يَکُنِ النّدَمُ تَوبَهً إلَيکَ فَأَنَا أَندَمُ النّادِمِينَ، وَ إن يَکُنِ التّرکُ لِمَعصِيَتِکَ إنَابَهً فَأَنَا أَوّلُ المُنِيبِينَ، وَ إن يَکُنِ الِاستِغفَارُ حِطّهً لِلذّنُوبِ فَإِنِيّ لَکَ مِنَ المُستَغفِرِينَ.

(۲۳) خداونـدا، پس به تنهایی ام در برابر تو و تپیـدن دلم از ترست و لرزش انـدامم از شکوهت، رحم فرما. پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسواییْ مانـدگار نموده. پس اگر خاموش شوم، کسـی از جانب من سـخن نگویـد. و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.

(۲۴) خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست و کرمت را شـفیع خطاهایم گردان و به گذشت خود بدی هایم را ببخشای و مرا به جزایم که عقـوبت توست، مجـازات نکن و بخشـش خود را بر من بگسـتر و مرا به پرده خویش بپوشـان و بـا من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. یا همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده.

(۲۵) خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّتت مرا پناه دهد. و شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند. و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند.

(۲۶) پس هر چـه گفتـم، از جهـل بـه بـدی کردارم و از فراموشـیِ کردار نکوهیـده گذشـته ام نیسـت. بلکـه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم و توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را بشنود،

(۲۷) شایـد برخی از آنها به رحمتتْ بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شـنیدنی تر است، یا شـفاعتی کند که از شـفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت و یافتن خوشنودی ات به وسیله آن حاصل شود.

(۲۸) خداونـدا اگر پشـیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشـیمان ترین پشـیمانانم و اگر ترک معصـیت تو، بازگشت است، پس من نخسـتین بـازگشت کننـده ام. و اگر درخـواست آمرزشْ سـبب ریختن گناهـان است، پس من به درگـاه تو از آمرزش خواهانم.

ص: ۱۴۱۹

(۲۹) أللّهُمّ فَكَمَا أَمَرتَ بِالتّوبَهِ، وَ ضَـمِنتَ القَبُولَ، وَ حَثَثتَ عَلَى الـدّعَاءِ، وَ وَعَدتَ الإِجَابَهَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقبَل تَوبَتِي، وَ لَا تَرجِعنِي مَرجِعَ الخَيبَهِ مِن رَحمَتِكَ،إِنّكَ أَنتَ التّوّابُ عَلَى المُذنِبِينَ، وَ الرّحِيمُ لِلخَاطِئِينَ المُنِيبِينَ.(۳۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا هَدَيتَنَا بِهِ، وَ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا استَنقَذتَنَا بِهِ، وَ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاهً تَشفَعُ لَنَا يَومَ القِيَامَهِ وَ يَومَ الفَاقَهِ إِلَيكَ،إِنّكَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ، وَ هُوَ عَلَيكَ يَسِيرٌ.

ص: ۱۴۲۰

(۲۹) خداونـدا، پس چنانکه به توبه فرمان دادی و پـذیرفتن را ضـمانت کردی و بر دعا ترغیب نمودی و اجابت را نویـد دادی، پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و توبه ام را قبول کن و مرا به ناامیدی از رحمتت باز نگردان. که تو توبه گنهکاران را می پذیری و بر خطاکارانِ توبه پیشه، مهربانی.

(۳۰) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرست، همچنـانکه مـا را به سـبب او هـدایت کردی و بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـت، آنچنـان کـه مـا را بـه وسـیله او نجـات دادی و بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـت، درودی کـه روز رسـتاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند. زیرا تو بر هر چیز توانایی و آن بر تو آسان است.

ص: ۱۴۲۱

(۳۲) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ بَعدَ الفَرَاغِ مِن صَلَاهِ اللّيلِ لِنَفسِهِ فِی الِاعتِرَافِ بِالذّنبِ

(۱) أللّهُمّ يَا ذَا المُلكِ المُتَأَبّدِ بِالخُلُودِ(۲) وَ السّلطَانِ المُمتَنِعِ بِغَيرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعوَانٍ.(۳) وَ العِزّ البَاقِي عَلَى مَرّ الدّهُورِ وَ خوَالِي الأَعوَامِ وَ موَاضِي الأَزمَانِ وَ الأَيّام(۴) عَزّ سُلطَانُک عِزّاً لَا حَدّ لَهُ بِأَوّلِيّهٍ، وَ لَا مُنتَهَى لَهُ بِآخِرِيّهٍ(۵) وَ استَعلَى مُلكُکَ عُلُوّاً سَقَطَتِ الأَشيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ(۶) وَ لَا يَبلُغُ أَدنَى مَا استَأثَرتَ بِهِ مِن ذَلِکَ أَقصَى نَعتِ النّاعِتِينَ. (۷)ضَلّت فِيکَ الصّفَاتُ، وَ تَفَسّخَت دُونَکَ النّعُوتُ، وَ حَارَت فِی كِبرِيَائِکَ لَطَائِفُ الأَوهَام(۸)كَذَلِکَ أَنتَ اللّهُ الأَوّلُ فِی أَوّلِيّتِک، وَ عَلَى ذَلِکَ أَنتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ(۹) وَ أَنَا العَبدُ الضّعِيفُ عَمَلًا،الجَسِيمُ أَمَلًا،خَرَجَت مِن يدَيِ أَسبَابُ الوُصُلَاتِ إِلّا مَا وَصَلَهُ رَحمَتُکَ، وَ تَقَطّعَت عنَیّ عِصَمُ الآمَالِ إِلّا مَا أَنَا مُعتَصِمٌ بِهِ مِن عَفوِکَ(۱۰)قَلّ عِندِي مَا أَعتَدّ بِهِ مِن طَاعَتِکَ، وكَثُرَ عَلَيّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِن مَعصِيَتِک وَ لَن يَضِيقَ عَلَيکَ عَفوٌ عَن عَبدِکَ وَ إِن أَسَاءَ،فَاعفُ عنَیّ.(۱۱) أللّهُمّ وَ قَد أَشرَفَ عَلَى خَفَايَا الأَعمَالِ عِلمُکَ، وَ انكَشَفَ كُلّ مَستُورٍ دُونَ خُبرِکَ، وَ لَا تَنطَوِی عَنکَ دَقَائِقُ الأُمُورِ، وَ لَا تَعزُبُ عَنکَ غَيّبَاتُ السّرَائِرِ

ص: ۱۴۲۲

(۳۲)و از دعای امام علیه السلام بود، برای خود در اقرار به گناه، پس از تمام کردن نماز شب

(۱) خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

(۲) و ای فرمانروای استوارِ بدون لشکریان و یاران.

(۳) و ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است.

(۴) فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش و پایانی برای آخرش نیست.

(۵) و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

(۶) و آخرین وصفِ ستایندگان، به پایین ترین مرتبه ای که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.

(۷) اوصاف در تو گمراه شده و تعریف ها پیش از رسیدن به تو، از هم گسسته و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته.

(۸) چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیتِ خود اوّل و در این (صفت) دائم و جاویدی.

(۹) و من بنده ای هستم که عملش ضعیف و آرزویش بزرگ است. اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمتت وصل شده و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام.

(۱۰) طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است و معصیتت که بر دوش کشم، بر من زیاد است. و گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست. پس از من درگذر.

(۱۱) خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. و هر پوشیده ای نزد آگاهی تو، آشکار است. و کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی ماند و رازهای نهان، از تو غایب نیست.

ص: ۱۴۲۳

(۱۲) وَ قَدِ استَحوَذَ عَلَىّ عَدُوّکَ أَلّذِی استَنظَرَکَ لِغِوَایَتِی فَأَنظَرتَهُ، وَ استَمهَلَکَ إِلَی یَوم الدّینِ لِإِضلَالِی فَأَمهَلتَهُ.(۱۳)فأَوقَعَنِی وَ قَد هَرَبتُ إِلَیکَ مِن صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَهٍ، وَ کَبَائِرِ أَعمَالٍ مُردِیَهٍ حَتّی إِذَا قَارَفتُ مَعصِیَتَکَ، وَ استَوجَبتُ بِسُوءِ سَعیِی سَخطَتَکَ،فَتَلَ عَنّیَ عِذَارَ غَدرِهِ، وَ تَلَقّانِی بِکَلِمَهِ کُفرِهِ، وَ تَوَلّی البَرَاءَهَ مِنّیِ، وَ أَدبَرَ مُوَلّیاً عَنّیَ،فَأَصحَرَنِی لِغَضَبِکَ فَرِیداً، وَ أَخرَجَنِی إِلَی فِنَاءِ نَقِمَتِکَ طَرِیداً.(۱۴) لَا شَفِیعٌ یَشفَعُ لِی إِلَیکَ، وَ لَا خَفِیرٌ یؤُمِنُنِی عَلَیکَ، وَ لَا حِصنٌ یحَجبُنُیِ عَنکَ، وَ لَا مَلَاذٌ أَلجَأُ إِلَیهِ مِنکَ.(۱۵)فَهَذَا مَقَامُ العَائِذِ بِکَ، وَ مَحَلّ المُعتَرِفِ لَکَ، فَلَا یَضِیقَنّ عنَیّ فَضلُکَ، وَ لَا یَقصُرَنّ دوُنیِ عَفوُکَ، وَ لَا أَکُن أَخیَبَ عِبَادِکَ التّائِبِینَ، وَ لَا أَقنَطَ وُفُودِکَ الآمِلِینَ، وَ اغفِر لِی،إِنّکَ خَیرُ الغَافِرِینَ.(۱۶) أللّهُمّ إِنّکَ أَمَرتَنِی فَتَرَکتُ، وَ نَهَیتَنِی فَرَکِبتُ، وَ سَوّلَ لِیَ الخَطَاءَ خَاطِرُ السّوءِ فَفَرّطتُ. (۱۷) وَ لَا أَستَشهِدُ عَلَی صِیَامِی نَهَاراً، وَ لَا أَستَجِیرُ بِتَهَجّدِی لَیلًا، وَ لَا تُثنیِ عَلَیّ بِإِحیَائِهَا سُنّهٌ حَاشَا فُرُوضِکَ التّیِ مَن ضَیّعَهَا هَلَکَ.(۱۸) وَ لَستُ أَتَوَسّلُ إِلَیکَ بِفَضلِ نَافِلَهٍ مَعَ کَثِیرِ مَا أَغفَلتُ مِن وَظَائِفِ فُرُوضِکَ، وَ تَعَدّیتُ عَن مَقَامَاتِ حُدُودِکَ إِلَی حُرُمَاتٍ انتَهَکتُهَا، وَ کَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجتَرَحتُهَا،کَانَت عَافِیَتُکَ لِی مِن فَضَائِحِهَا سِتراً.(۱۹) وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ استَحیَا لِنَفسِهِ مِنکَ، وَ سَخِطَ عَلَیهَا، وَ رضَیِ َ عَنکَ،فَتَلَقّاکَ بِنَفسٍ خَاشِعَهٍ، وَ رَقَبَهٍ خَاضِعَهٍ، وَ ظَهرٍ مُثقَلٍ مِنَ الخَطَایَا وَاقِفاً بَینَ الرّغبَهِ إِلَیکَ وَ الرّهبَهِ مِنکَ.

(۱۲) و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، و برای گمراه کردنم از تو -تا روز جزا- مهلت طلبید، پس مهلتش دادی، بر من چیره شده است.

(۱۳) پس در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار و از کردارهای بزرگِ نابود کننده به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد. و همین که به نافرمانی ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حیله اش را از من برگرداند و با گفتار کفرش با من روبرو شد و از من بیزاری جست و پشت کنان از من فرار کرد. پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد.

(۱۴) نه شفاعت کننده ای است که برایم نزد تو شفاعت کند و نه پناه دهنده ای که برایم از تو امان گیرد و نه جای استواری که مرا از تو بازدارد و نه پناهگاهی که از تو بدان پناه برم.

(۱۵) پس این جایگاهِ پناهنده شده به تو، و محل اعتراف کننده برای توست. پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کند و مبادا من بی بهره ترین بندگانِ توبه کننده ات و از ناامیدترین گروه های آرزومندت باشم. و مرا بیامرز. به درستی که تو بهترین آمرزندگانی.

(۱۶) خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم و مرا نهی نمودی، پس مرتکب شدم و اندیشه بدْ خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم.

(۱۷) نه می توانم روزه داریِ روزی را شاهد گیرم و نه شب زنده داری شبی را پناهِ خود خواهم و نه (عمل) مستحبّی به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید، مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد.

(۱۸) و من هیچ گاه با فضیلتِ (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

(۱۹) و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین و از تو خوشنود است. پس با وجودی فروتن و گردنی فرو افتاده و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهیِ) میل به تو و ترس از تو ایستاده است.

ص: ۱۴۲۵

(۲۰) وَ أَنتَ أَولَى مَن رَجَاهُ، وَ أَحَقّ مَن خَشِيَهُ وَ اتّقَاهُ،فأَعطِنِي يَا رَبّ مَا رَجَوتُ، وَ آمِنّيِ مَا حَذِرتُ، وَ عُد عَلَيّ بِعَائِدَةِ رَحمَتِكَ،إِنّكَ أَكرَمُ المَسئُولِينَ.(۲۱) أللّهُمّ وَ إِذ سَتَرتَنِي بِعَفوِكَ، وَ تغَمَدّتنَيِ بِفَضلِكَ فِي دَارِ الفَنَاءِ بِحَضرَةِ الأَكفَاءِ،فأَجِرنيِ مِن فَضِيحَاتِ دَارِ البَقَاءِ

عِندَ مَوَاقِفِ الأَشهَادِ مِنَ المَلَائِكَهِ المُقَرّبِينَ، وَ الرّسُلِ المُكَرّمِينَ، وَ الشّهَدَاءِ وَ الصّالِحِينَ، مِن جَارٍ كُنتُ أُكَاتِمُهُ سَيّئَاتِي، وَ مِن ذيِ رَحِمٍ كُنتُ أَحتَشِمُ مِنهُ فِي سَرِيرَاتِي.(۲۲) لَم أَثِق بِهِم رَبّ فِي السّترِ عَلَيّ، وَ وَثِقتُ بِكَ رَبّ فِي المَغفِرَهِ لِي، وَ أَنتَ أَولَى مَن وُثِقَ بِهِ، وَ أَعطَى مَن رُغِبَ إِلَيهِ، وَ أَرأَفُ مَنِ استُرحِمَ،فاَرحمَنيِ.(۲۳) أللّهُمّ وَ أَنتَ حدَرَتنَيِ مَاءً مَهِيناً مِن صُلبٍ مُتَضَايِقِ العِظَامِ،حَرِجِ المَسَالِكِ إِلَى رَحِمٍ ضَيّقَهٍ سَتَرتَهَا بِالحُجُبِ،تُصَرّفُنِي حَالًا عَن حَالٍ حَتّى انتَهَيتَ بيِ إِلَى تَمَامِ الصّورَهِ، وَ أَثبَتّ فِيّ الجَوَارِحَ كَمَا نَعَتّ فِي كِتَابِكَ نُطفَهً ثُمّ عَلَقَهً ثُمّ مُضغَهً ثُمّ عَظماً ثُمّ كَسَوتَ العِظَامَ لَحماً، ثُمّ أَنشَأتنَيِ خَلقاً آخَرَ كَمَا شِئتَ. (۲۴) حَتّى إِذَا احتَجتُ إِلَى رِزقِكَ، وَ لَم أَستَغنِ عَن غِيَاثِ فَضلِكَ،جَعَلتَ لِي قُوتاً مِن فَضلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجرَيتَهُ لِأَمَتِكَ التّيِ أَسكَنتنَيِ جَوفَهَا، وَ أَودَعتنَيِ قَرَارَ رَحِمِهَا.(۲۵) وَ لَو تَكِلُنِي يَا رَبّ فِي تِلكَ الحَالَاتِ إِلَى حَولِي، أَو تَضطَرّنِي إِلَى قوُتّيِ لَكَانَ الحَولُ عنَيّ مُعتَزِلًا، وَ لَكَانَتِ القُوّهُ منِيّ بَعِيدَهً.

ص: ۱۴۲۶

(۲۰) و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است و شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود. پس ای پروردگار من، آنچه را امید دارم، به من عطا کن، و از آنچه ترسیده ام، مرا ایمنی ده و سود رحمت خود را به من ارزانی دار. که تو بخشنده ترین کسی هستی که از آنها درخواست می شود.

(۲۱) خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار و شهیدان و صالحان، از همسایه ای که بدی هایم را از او نهان می داشتم و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز.

(۲۲) پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم و پروردگار من، در آمرزش -برای خود- به تو اعتماد نمودم و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد و بخشنده ترین کسی می باشی که از او درخواست شد و مهربان ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته شد. پس به من رحم کن.

(۲۳) خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی. مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی و در من اندام ها را پابرجا کردی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.

(۲۴) تا هنگامی که به روزی تو محتاج شدم و از فریادرسی فضلت بی نیاز نبودم. از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.

(۲۵) و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وا می گذاردی یا مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا توان از من کناره می گرفت و نیرو از من دور می شد.

ص: ۱۴۲۷

(۲۶)فغَذَوتَني بِفَضلِكَ غِذَاءَ البَرّ اللّطِيفِ،تَفعَلُ ذَلِكَ بي تَطَوّلًا عَلَيّ إِلَى غَايَتِي هَذِهِ، لَا أَعدَمُ بِرّكَ، وَ لَا يُبطِئُ بي حُسنُ صَنِيعِكَ، وَ لَا تَتَأَكّدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَأَتَفَرّغَ لِمَا هُوَ أَحظَى لِي عِندَكَ.(۲۷) قَد مَلَكَ الشّيطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ الظّنّ وَ ضَعفِ اليَقِينِ،فَأَنَا أَشكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي، وَ طَاعَةَ نَفسِي لَهُ، وَ أَستَعصِمُكَ مِن مَلَكَتِهِ، وَ أَتَضَرّعُ إِلَيكَ فِي صَرفِ كَيدِهِ عَنّي.(۲۸) وَ أَسأَلُكَ فِي أَن تُسَهّلَ إِلَى رِزقِي سَبِيلًا،فَلَكَ الحَمدُ عَلَى ابتِدَائِكَ بِالنّعَمِ الجِسَامِ، وَ إِلهَامِكَ الشّكرَ عَلَى الإِحسَانِ وَ الإِنعَامِ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ سَهّل عَلَيّ رِزقِي، وَ أَن تُقَنّعَنِي بِتَقدِيرِكَ لِي، وَ أَن تُرضِيَنِي بِحِصّتِي فِيمَا قَسَمتَ لِي، وَ أَن تَجعَلَ مَا ذَهَبَ مِن جِسمِي وَ عُمُرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ،إِنّكَ خَيرُ الرّازِقِينَ.(۲۹) أللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِن نَارٍ تَغَلّظتَ بِهَا عَلَى مَن عَصَاكَ، وَ تَوَعّدتَ بِهَا مَن صَدَفَ عَن رِضَاكَ، وَ مِن نَارٍ نُورُهَا ظُلمَةٌ، وَ هَيّنُهَا أَلِيمٌ، وَ بَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَ مِن نَارٍ يَأكُلُ بَعضَهَا بَعضٌ، وَ يَصُولُ بَعضُهَا عَلَى بَعضٍ.(۳۰) وَ مِن نَارٍ تَذَرُ العِظَامَ رَمِيماً، وَ تَسقِي أَهلَهَا حَمِيماً، وَ مِن نَارٍ لَا تُبقِي عَلَى مَن تَضَرّعَ إِلَيهَا، وَ لَا تَرحَمُ مَنِ استَعطَفَهَا، وَ لَا تَقدِرُ عَلَى التّخفِيفِ عَمّن خَشَعَ لَهَا وَ استَسلَمَ إِلَيهَا تَلقَى سُكّانَهَا بِأَحَرّ مَا لَدَيهَا مِن أَلِيمِ النّكَالِ وَ شَدِيدِ الوَبَالِ (۳۱) وَ أَعُوذُ بِكَ مِن عَقَارِبِهَا الفَاغِرَهِ أَفوَاهُهَا، وَ حَيّاتِهَا الصّالِقَهِ بِأَنيَابِهَا، وَ شَرَابِهَا أَلّذِي يُقَطّعُ أَمعَاءَ وَ أَفئِدَهَ سُكّانِهَا، وَ يَنزِعُ قُلُوبَهُم، وَ أَستَهدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنهَا، وَ أَخّرَ عَنهَا.

(۲۶) پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربانْ خوراک دادی و آن را از روی احسانت تا کنون درباره من به جا می آوری. نیکی ات از دستم نمی رود و خوبی احسانت درباره ام عقب نمی افتد و با این همه اعتمادم به تو محکم نمی شود، تا برای آنچه که برای من نزد تو خوشایندتر است آسوده خاطر شوم.

(۲۷) شیطانْ افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت، پس از بد همسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی.

(۲۸) و از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی. پس سپاس تو را که نعمت های بزرگ را آغاز نمودی و شکرگزاری بر نیکی کردن و نعمت دادنت را به من الهام کردی. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و روزی ام را بر من آسان فرما و مرا به آنچه برایم مقدّر فرموده ای، قانع سازی و به بهره ام در آنچه برایم قسمت کرده ای، راضی نمایی و آنچه از جسم و عمرم سپری شده، در راه طاعتت قرار دهی. که تو بهترین روزی دهندگانی.

(۲۹) خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی و با آن هر که را از خوشنودی تو روی گردانْد، تهدید نمودی و از آتشی که نورش تاریکی، و آسایشش دردناک و دورش نزدیک است و از آتشی که پاره هایش یکدیگر را می خورد و برخی بر برخی دیگر حمله می برد.

(۳۰) و از آتشی که استخوان ها را می پوساند و اهلش را آب جوشان می نوشاند، و از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی کند، و قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست و با ساکنان خود با سوزان ترین کیفرِ دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.

(۳۱) و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند و از آشامیدنی اش که روده و دلِ ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کَنَد، به تو پناه می برم و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد و عقب گرداند.

ص: ۱۴۲۹

(۳۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أجرني مِنهَا بِفَضلِ رَحمَتِكَ، وَ أقِلنِي عَثَرَاتِي بِحُسنِ إقَالَتِكَ، وَ لَا تَخذُلنِي يَا خَيرَ المُجِيرِينَ(۳۳) أللّهُمّ إِنّكَ تقي الكَرِيهَةَ، وَ تعُطي الحَسَنَةَ، وَ تَفعَلُ مَا تُرِيدُ، وَ أَنتَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ(۳۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، إِذَا ذُكِرَ الأَبرَارُ، وَ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، مَا اختَلَفَ اللّيلُ وَ النّهَارُ،صَلَاةً لَا يَنقَطِعُ مَدَدُهَا، وَ لَا يُحصَى عَدَدُهَا،صَلَاةً تَشحَنُ الهَوَاءَ، وَ تَملَأُ الأَرضَ وَ السّمَاءَ.(۳۵)صَلّى اللّهُ عَلَيهِ حَتّى يَرضَى، وَ صَلّى اللّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ بَعدَ الرّضَا،صَلَاةً لَا حَدّ لَهَا وَ لَا مُنتَهَى، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.

ص: ۱۴۳۰

(۳۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به بسیاری رحمتت از آن ایمن ساز و به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم درگذر و مرا خوار نساز. ای بهترین پناه دهندگان.

(۳۳) خداوندا همانا تو از نا خوشایندی ها نگهداری می کنی و نیکی عطا می کنی و آنچه بخواهی انجام دهی و تو بر هر چیز قادری.

(۳۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند و بر محمّد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. درودی که پشتوانه اش قطع نشود و تعدادش به شمار درنیاید. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

(۳۵) درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست! ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۱۴۳۱

(۳۳) وَ كَانَ، مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ فِی الِاستِخَارَهِ

(۱) أللّهُمّ إنِی أَستَخِیرُکَ بِعِلمِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقضِ لِی بِالخِیَرَهِ(۲) وَ أَلهِمنَا مَعرِفَهَ الِاختِیَارِ، وَ اجعَل ذَلِکَ ذَرِیعَهً إِلَی الرّضَا بِمَا قَضَیتَ لَنَا وَ التّسلِیمِ لِمَا حَکَمتَ فَأَزِح عَنّا رَیبَ الِارتِیَابِ، وَ أَیّدنَا بِیَقِینِ المُخلِصِینَ.(۳) وَ لَا تَسُمنَا عَجزَ المَعرِفَهِ عَمّا تَخَیّرتَ فَنَغمِطَ قَدرَکَ، وَ نَکرَهَ مَوضِعَ رِضَاکَ، وَ نَجنَحَ إِلَی التّیِ هیِ َ أَبعَدُ مِن حُسنِ العَاقِبَهِ، وَ أَقرَبُ إِلَی ضِدّ العَافِیَهِ (۴)حَبّب إِلَینَا مَا نَکرَهُ مِن قَضَائِکَ، وَ سَهّل عَلَینَا مَا نَستَصعِبُ مِن حُکمِکَ(۵) وَ أَلهِمنَا الِانقِیَادَ لِمَا أَورَدتَ عَلَینَا مِن مَشِیّتِکَ حَتّی لَا نُحِبّ تَأخِیرَ مَا عَجّلتَ، وَ لَا تَعجِیلَ مَا أَخّرتَ، وَ لَا نَکرَهَ مَا أَحبَبتَ، وَ لَا نَتَخَیّرَ مَا کَرِهتَ.(۶) وَ اختِم لَنَا بِالّتیِ هیِ َ أَحمَدُ عَاقِبَهً، وَ أَکرَمُ مَصِیراً،إِنّکَ تُفِیدُ الکَرِیمَهَ، وَ تُعطِی الجَسِیمَهَ، وَ تَفعَلُ مَا تُرِیدُ، وَ أَنتَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ.

ص: ۱۴۳۲

(۳۳)و از دعای امام علیه السلام بود، در استخاره (درخواست خیر و نیکی)

(۱) خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم به خیر حکم فرما.

(۲) و معرفت (کـار) خیر را به مـا الهـام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقـدّر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی، قرار ده. پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان و ما را به یقینِ اهل اخلاص، توانا فرما.

(۳) و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدْر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر و به ضدّ عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.

(۴) آنچه از مقدّراتت که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما و آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان.

(۵) و گردن نِهی بر خواسته ات را -که بر مـا وارد سـاختی- به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انـداختی و تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم. و آنچه را دوست داشتی، ناپسند نشماریم و آنچه را ناپسند داشته ای، اختیار نکنیم.

(۶) و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر و سرانجامش گرامی تر است، ختم کن. به درستی که تو عطای گرانمایه می دهی و (نعمت) بزرگ می بخشی و آنچه بخواهی انجام می دهی و تو بر هر چیز توانایی.

ص: ۱۴۳۳

(۳۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا ابتلِيَ أَو رَأَى مُبتَلًى بِفَضِيحَهٍ بِذَنبٍ

(۱) أللّهُمّ لَکَ الحَمدُ عَلَى سِترِکَ بَعدَ عِلمِکَ، وَ مُعَافَاتِکَ بَعدَ خُبرِکَ،فَكُلّنَا قَدِ اقتَرَفَ العَائِبَهَ فَلَم تَشهَرهُ، وَ ارتَكَبَ الفَاحِشَهَ فَلَم تَفضَحهُ، وَ تَسَتّرَ بِالمسَاوِئِ فَلَم تَدلُل عَلَيهِ.(۲)كَم نَهىٍ لَکَ قَد أَتَينَاهُ، وَ أَمرٍ قَد وَقَفتَنَا عَلَيهِ فَتَعَدّينَاهُ، وَ سَيّئَهٍ اكتَسَبنَاهَا، وَ خَطِيئَهٍ ارتَكَبنَاهَا،كُنتَ المُطّلِعَ عَلَيهَا دُونَ النّاظِرِينَ، وَ القَادِرَ عَلَى إِعلَانِهَا فَوقَ القَادِرِينَ،كَانَت عَافِيَتُکَ لَنَا حِجَاباً دُونَ أَبصَارِهِم، وَ رَدماً دُونَ أَسمَاعِهِم(۳)فَاجعَل مَا سَتَرتَ مِنَ العَورَهِ، وَ أَخفَيتَ مِنَ الدّخِيلَهِ،وَاعِظاً لَنَا، وَ زَاجِراً عَن سُوءِ الخُلُقِ، وَ اقتِرَافِ الخَطِيئَهِ، وَ سَعياً إِلَى التّوبَهِ المَاحِيَهِ، وَ الطّرِيقِ المَحمُودَهِ(۴) وَ قَرّبِ الوَقتَ فِيهِ، وَ لَا تَسُمنَا الغَفلَهَ عَنکَ،إِنّا إِلَيکَ رَاغِبُونَ، وَ مِنَ الذّنُوبِ تَائِبُونَ. (۵) وَ صَلّ عَلَى خِيَرَتِکَ أللّهُمّ مِن خَلقِکَ مُحَمّدٍ وَ عِترَتِهِ الصّفوَهِ مِن بَرِيّتِکَ الطّاهِرِينَ، وَ اجعَلنَا لَهُم سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرتَ.

ص: ۱۴۳۴

(۳۴)و از دعای امام علیه السلام بود، موقعی که گرفتار آزمایش می شد یا گرفتارشده به رسوایی گناهی را می دید

(۱) خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت و بر عافیت بخشی ات پس از آگاهی ات. چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا ننمودی و عیب های پنهان داشت، پس آن را نمایان نکردی.

(۲) چه بسیار نهی نمودنی که آن را انجام دادیم و امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدّی نمودیم و بدی ای که آن را کسب کردیم و خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطّلع بودی نه (دیگر) بینندگان. و بیشتر از همه قدرتمندان بر آشکار کردنش قادر بودی. امّا عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان و مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد.

(۳) پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پند دهنده و بازدارنده از بدخویی و خطاکاری و کوشش به توبه محو کننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

(۴) و زمان آن را نزدیک گردان و ما را گرفتار غفلت از خودت نکن. زیرا ما به سوی تو راغب هستیم و از گناهان، توبه کننده ایم.

(۵) خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمّد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده.

ص: ۱۴۳۵

(۳۵) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی الرّضَا إِذَا نَظَرَ إِلَی أَصحَابِ الدّنيَا

(۱)الحَمدُ لِلّهِ رِضًی بِحُكمِ اللّهِ،شَهِدتُ أَنّ اللّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالعَدلِ، وَ أَخَذَ عَلَی جَمِيعِ خَلقِهِ بِالفَضلِ(۲) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَفتِنّی بِمَا أَعطَيتَهُم، وَ لَا تَفتِنهُم بِمَا مَنَعتَنِی فَأَحسُدَ خَلقَكَ، وَ أَغمَطَ حُكمَكَ.(۳) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ طَيّب بِقَضَائِكَ نَفسِی، وَ وَسّع بِمَوَاقِعِ حُكمِكَ صَدرِی، وَ هَب لِیَ الثّقَةَ لِأُقِرّ مَعَهَا بِأَنّ قَضَاءَكَ لَم يَجرِ إِلّا بِالخِيَرَةِ، وَ اجعَل شُكرِی لَكَ عَلَی مَا زَوَيتَ عَنّی أَوفَرَ مِن شُكرِی إِيّاكَ عَلَی مَا خَوّلتَنِی(۴) وَ اعصِمنِی مِن أَن أَظُنّ بِذِی عَدَمٍ خَسَاسَةً، أَو أَظُنّ بِصَاحِبِ ثَروَةٍ فَضلًا، فَإِنّ الشّرِيفَ مَن شَرّفَتهُ طَاعَتُكَ، وَ العَزِيزَ مَن أَعَزّتهُ عِبَادَتُكَ(۵)فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ مَتّعنَا بِثَروَةٍ لَا تَنفَدُ، وَ أَيّدنَا بِعِزّ لَا يُفقَدُ، وَ اسرَحنَا فِی مُلكِ الأَبَدِ،إِنّكَ الوَاحِدُ الأَحَدُ الصّمَدُ، أَلّذِی لَم تَلِد وَ لَم تُولَد وَ لَم يَكُن لَكَ كُفُواً أَحَدٌ.

ص: ۱۴۳۶

(۳۵)و از دعای امام علیه السلام بود، در خوشنودی، هنگامی که به اهل دنیا نگاه می کرد

(۱) سپاس خدای را که راضی به حکم اویم. گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم.

(۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به قضای خود، خوشنود گردان و سینه ام را به احکام خود، فراخ ساز و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم. و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

(۴) و مرا از اینکه به فقیری گمانِ پستی برم و به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما. زیرا شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گردانْد و عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد.

(۵) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش. و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما. و ما را در سلطنت ابدی، رها کن. به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی که فرزند نیاوردی و زاییده نشدی و هیچ کس مانند تو نبوده است.

ص: ۱۴۳۷

(۳۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى السّحَابِ وَ البَرقِ وَ سَمِعَ صَوتَ الرّعدِ

(۱) أللّهُمّ إِنّ هٰذَينِ آيَتَانِ مِن آيَاتِكَ، وَ هٰذَينِ عَونَانِ مِن أَعوَانِكَ،يَبتَدِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحمَةٍ نَافِعَةٍ أَو نَقِمَةٍ ضَارّةٍ، فَلَا تُمطِرنَا بِهِمَا مَطَرَ السّوءِ، وَ لَا تُلبِسنَا بِهِمَا لِبَاسَ البَلَاءِ.(۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنزِل عَلَينَا نَفعَ هَذِهِ السّحَائِبِ وَ بَرَكَتَهَا، وَ اصرِف عَنّا أَذَاهَا وَ مَضَرّتَهَا، وَ لَا تُصِبنَا فِيهَا بِآفَةٍ، وَ لَا تُرسِل عَلَى مَعَايِشِنَا عَاهَةً.(۳) أللّهُمّ وَ إِن كُنتَ بَعَثتَهَا نَقِمَةً وَ أَرسَلتَهَا سَخطَةً فَإِنّا نَستَجِيرُكَ مِن غَضَبِكَ، وَ نَبتَهِلُ إِلَيكَ فِي سُؤَالِ عَفوِكَ،فَمِل بِالغَضَبِ إِلَى المُشرِكِينَ، وَ أَدِر رَحَى نَقِمَتِكَ عَلَى المُلحِدِينَ.(۴) أللّهُمّ أَذهِب مَحلَ بِلَادِنَا بِسُقيَاكَ، وَ أَخرِج وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزقِكَ، وَ لَا تَشغَلنَا عَنكَ بِغَيرِكَ، وَ لَا تَقطَع عَن كَافّتِنَا مَادّةَ بِرّكَ، فَإِنّ الغَنِيّ مَن أَغنَيتَ، وَ إِنّ السّالِمَ مَن وَقَيتَ(۵) مَا

عِندَ أَحَدٍ دُونَكَ دِفَاعٌ، وَ لَا بِأَحَدٍ عَن سَطوَتِكَ امتِنَاعٌ،تَحكُمُ بِمَا شِئتَ عَلَى مَن شِئتَ، وَ تَقضِي بِمَا أَرَدتَ فِيمَن أَرَدتَ

ص: ۱۴۳۸

(۳۶)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به ابر و آذرخش نگاه کرد و بانگ غرش ابر را شنید

(۱) خداونـدا همانـا این دو، دو نشانه از نشانه های تو و دو خـدمت گزار از خـدمت گزاران تو هسـتند، که به رسانـدن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند. پس به سبب آن دو، باران زیانبار بر ما نباران. و به سبب آن دو جامه بلا بر ما نپوشان.

(۲) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور و آزار و زیانشان را از ما برگردان و در آنها آفتی به ما نرسان و زیانی بر معیشت ما نفرست.

(۳) خداونـدا و اگر آن را برای کیفر بر انگیخته ای و از روی خشم فرسـتاده ای، پس مـا از خشـمت، از تو امـان می خواهیم. و برای درخواست بخششت، به سوی تو زاری می کنیم. پس خشم را به سوی مشرکان بگردان و آسیاب کیفرت را برای ملحدان به گردش درآور.

(۴) خداونـدا خشـك سـالیِ شـهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز و عقـده دل هایمان را، با روزی ات بگشا و ما را از خودت به دیگری مشغول نکن و اصـل احسـانت را از جمع ما قطع نساز. زیرا توانگر کسـی است که تو توانگر ساختی و سالم کسی است که تو نگهداری نمودی.

(۵) هیــچ کس در نزد تـو (قـدرت) دفـاع نـدارد و هیـچ کس از غلبـه ات امتنـاع نتوانـد کرد. بـه هر چـه خواسـتی، بر هر کس خواستی، حکم می کنی و به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می رانی.

ص: ۱۴۳۹

(۶)فَلَکَ الحَمـدُ عَلَی مَا وَقَیتَنَا مِنَ البَلَاءِ، وَ لَکَ الشّـکرُ عَلَی مَا خَوّلتَنَا مِنَ النّعمَاءِ،حَمـداً یُخَلّفُ حَمـدَ الحَامِدِینَ وَرَاءَهُ،حَمداً یَملَأَ أَرضَهُ وَ سَـمَاءَهُ (۷)إِنّکَ المَنّانُ بِجَسِـیمِ المِنَنِ،الوَهّابُ لِعَظِیمِ النّعَمِ،القَابِلُ یَسِـیرَ الحَمـدِ،الشّاکِرُ قَلِیلَ الشّـکرِ،المُحسِنُ المُجمِلُ ذُو الطّولِ، لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،إِلَیکَ المَصِیرُ.

(۶) پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی و شکر تو راست، بر آنچه از نعمت هایت که به ما بخشیدی. سپاسی که سپاس سپاسگزاران را پشت سر گذارَد و سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد.

(۷) همانا تو بهره دهنده بهره های بزرگ، بخشنده نعمت های عظیم، قبول کننده سپاس اندک، پاداش دهنده شکر کم، نیکوکارِ عطا کننده هستی. دارای بخششی. خدایی جز تو نیست. بازگشت (همه) به سوی توست.

ص: ۱۴۴۱

(۳۷) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا اعتَرَفَ بِالتّقصِيرِ عَن تَأدِيَهِ الشّكرِ

(۱) أللّهُمّ إِنّ أَحَداً لَا يَبلُغُ مِن شُكرِكَ غَايَةً إِلّا حَصَلَ عَلَيهِ مِن إِحسَانِكَ مَا يُلزِمُهُ شُكراً.(۲) وَ لَا يَبلُغُ مَبلَغاً مِن طَاعَتِكَ وَ إِنِ اجتَهَدَ إِلّا كَانَ مُقَصّراً دُونَ استِحقَاقِكَ بِفَضلِكَ(۳)فَأَشكَرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَن شُكرِكَ، وَ أَعبَدُهُم مُقَصّرٌ عَن طَاعَتِكَ(۴) لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَن تَغفِرَ لَهُ بِاستِحقَاقِهِ، وَ لَا أَن تَرضَى عَنهُ بِاستِيجَابِهِ(۵)فَمَن غَفَرتَ لَهُ فَبِطَولِكَ، وَ مَن رَضِيتَ عَنهُ فَبِفَضلِكَ(۶)تَشكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرتَهُ، وَ تُثِيبُ عَلَى قَلِيلِ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتّى كَأَنّ شُكرَ عِبَادِكَ ألّذِى أَوجَبتَ عَلَيهِ ثَوَابَهُم وَ أَعظَمتَ عَنهُ جَزَاءَهُم أَمرٌ مَلَكُوا استِطَاعَةَ الِامتِنَاعِ مِنهُ دُونَكَ فَكَافَيتَهُم، أَو لَم يَكُن سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجَازَيتَهُم(۷)بَل مَلَكتَ يَا إِلَهِي أَمرَهُم قَبلَ أَن يَملِكُوا عِبَادَتَكَ، وَ أَعدَدتَ ثَوَابَهُم قَبلَ أَن يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ، وَ ذَلِكَ أَنّ سُنّتَكَ الإِفضَالُ، وَ عَادَتَكَ الإِحسَانُ، وَ سَبِيلَكَ العَفوُ (۸)فَكُلّ البَرِيّهِ مُعتَرِفَهٌ بِأَنّكَ غَيرُ ظَالِمٍ لِمَن عَاقَبتَ، وَ شَاهِدَهٌ بِأَنّكَ مُتَفَضّلٌ عَلَى مَن عَافَيتَ، وَ كُلّ مُقِرّ عَلَى نَفسِهِ بِالتّقصِيرِ عَمّا استَوجَبتَ

(۳۷)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که به کوتاهی نمودن از انجام شکرگزاری اقرار می نمود

(۱) خداوندا همانا کسی به نهایت شکر گزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری) لازم آید.

(۲) و در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر آنچه شایسته فضل توست، مقصر است.

(۳) پس شکرگزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز و عابدترین آنان از اطاعتت، مقصر است.

(۴) هیچ کس در حدّی نیست که به سبب استحقاقش آمرزشت را ایجاب کند و شایستگی اش رضایت تو را لازم سازد.

(۵) پس هر کس را آمرزیدی، از احسان توست و از هر که راضی شوی، از فضل توست.

(۶) اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی و بر اندک طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت -که پاداش آنها را لازم گردانیدی و جزای آنان را بزرگ نمودی- کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای یا سبب آن در تصرّف تو نبوده، پس ایشان را پاداش داده ای.

(۷) بلکه ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند و پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند. زیرا سنّت تو بخشش و عادت تو احسان و راه تو بخشایش است.

(۸) پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی. و گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای. و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند.

ص: ۱۴۴۳

(۹)فَلو لـا أَنّ الشّيطَانَ يَختَـدِعُهُم عَن طَاعَتِـک مَا عَصَاکَ عَاصٍ، وَ لَو لَا أَنّهُ صَوّرَ لَهُمُ البَاطِلَ فِی مِثَالِ الحَقّ مَا ضَلّ عَن طَرِيقِکَ ضَالّ(۱۰)فَسُبحَانَکَ مَا أَبيَنَ کَرَمَکَ فِی مُعَامَلَهِ مَن أَطَاعَکَ أَو عَصَاکَ تَشکُرُ لِلمُطِيعِ مَا أَنتَ تَوَلّيتَهُ لَهُ، وَ تُملِي لِلعَاصِي فِيمَا تَملِکُ مُعَاجَلَتَهُ فِيهِ.(۱۱)أَعطَيتَ کُلّا مِنهُمَا مَا لَم يَجِب لَهُ، وَ تَفَضّلتَ عَلَی کُلّ مِنهُمَا بِمَا يَقصُرُ عَمَلُهُ عَنهُ.(۱۲) وَ لَو کَافَأتَ المُطِيعَ عَلَی مَا أَنتَ تَوَلّيتَهُ لَأَوشَکَ أَن يَفقِدَ ثَوَابَکَ، وَ أَن تَزُولَ عَنهُ نِعمَتُکَ، وَ لَکِنّکَ بِکَرَمِکَ جَازَيتَهُ عَلَی المُدّهِ القَصِيرَهِ الفَانِيَهِ بِالمُدّهِ الطّوِيلَهِ الخَالِدَهِ، وَ عَلَی الغَايَهِ القَرِيبَهِ الزّائِلَهِ بِالغَايَهِ المَدِيدَهِ البَاقِيَهِ.(۱۳) ثُمّ لَم تَسُمهُ القِصَاصَ فِيمَا أَکَلَ مِن رِزقِکَ أَلّذِی يَقوَی بِهِ عَلَی طَاعَتِکَ، وَ لَم تَحمِلهُ عَلَی المُنَاقَشَاتِ فِی الآلَاتِ الّتِی تَسَبّبَ بِاستِعمَالِهَا إِلَی مَغفِرَتِکَ، وَ لَو فَعَلتَ ذَلِکَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا کَدَحَ لَهُ وَ جُملَهِ مَا سَعَی فِيهِ جَزَاءً لِلصّغرَی مِن أَيَادِيکَ وَ مِنَنِکَ، وَ لَبَقِيَ رَهِيناً بَينَ يَدَيکَ بِسَائِرِ نِعَمِکَ،فَمَتَی کَانَ يَستَحِقّ شَيئاً مِن ثَوَابِکَ لَا مَتَی(۱۴) هَذَا يَا إِلَهِی حَالُ مَن أَطَاعَکَ، وَ سَبِيلُ مَن تَعَبّدَ لَکَ،فَأَمّا العَاصِی أَمرَکَ وَ المُوَاقِعُ نَهيَکَ فَلَم تُعَاجِلهُ بِنَقِمَتِکَ لِکَی يَستَبدِلَ بِحَالِهِ فِی مَعصِيَتِکَ حَالَ الإِنَابَهِ إِلَی طَاعَتِکَ، وَ لَقَد کَانَ يَستَحِقّ فِی أَوّلِ مَا هَمّ بِعِصيَانِکَ کُلّ مَا أَعدَدتَ لِجَمِيعِ خَلقِکَ مِن عُقُوبَتِکَ.(۱۵)فَجَمِيعُ مَا أَخّرتَ عَنهُ مِنَ العَذَابِ وَ أَبطَأتَ بِهِ عَلَيهِ مِن سَطَوَاتِ النّقِمَهِ وَ العِقَابِ تَرکٌ مِن حَقّکَ، وَ رِضًی بِدُونِ وَاجِبِکَ

(۹) پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد. و اگر او باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهیْ از راه تو گمراه نمی شد.

(۱۰) پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو برایش فراهم نموده ای، تشکّر می کنی و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی.

(۱۱) هر یک از آن دو را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود و به هر یک از آنان چیزی تفضّل نموده ای که عملش کمتر از آن است.

(۱۲) و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد و نعمت تو از دستش می رفت. ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدّتِ زودگذر، پاداش دراز مدّتِ همیشگی دادی و در برابر عمل نزدیک مدّتِ زوال پذیر، پاداش درازمدّت پایدار عطا نموده ای.

(۱۳) سپس از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. و نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حساب کشی سخت نکردی. و اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود. و در حضور تو برای باقی نعمت هایت در گرو می ماند. پس کی (چنین بنده ای) مستحقّ ثوابی از سوی تو می شد؟ نه! هیچ گاه!

(۱۴) ای خدای من، این وضعیت کسی است که از تو اطاعت نموده و راه کسی است که در بندگی تو کوشیده. و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند و حال آنکه او در آغاز که همّت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

(۱۵) پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است.

ص: ۱۴۴۵

(۱۶)فَمَن أَکرَمُ يَا إِلهِی مِنکَ، وَ مَن أَشقَی مِمّن هَلَکَ عَلَیکَ لَا مَن فَتَبَارَکتَ أَن تُوصَفَ إِلّا بِالإِحسَانِ، وَ کَرُمتَ أَن يُخَافَ مِنکَ إِلّا العَدلُ، لَا يُخشَی جَورُکَ عَلَی مَن عَصَاکَ، وَ لَا يُخَافُ إِغفَالُکَ ثَوَابَ مَن أَرضَاکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لِی أَمَلِی، وَ زِدنِی مِن هُدَاکَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَی التّوفِيقِ فِی عَمَلِی،إِنّکَ مَنّانٌ کَرِيمٌ.

ص: ۱۴۴۶

(۱۶) پس ای خدای من، کریم تر از تو کیست؟ و شقی تر از کسی که بر اثر نافرمانی ات به هلاکت افتاده، کیست؟ نه! هیچ کس؟ پس والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی و کریم تر از آنی که جز از عدالتت ترسند. بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و آرزویم را به من ببخش و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم. که تو بسیار نعمت دهنده کریم هستی.

ص: ۱۴۴۷

(۳۸) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السَّلَامُ فِى الِاعتِذَارِ مِن تَبِعَاتِ العِبَادِ وَ مِنَ التَّقصِيرِ فِى حُقُوقِهِم وَ فِى فَكَاكِ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ

(۱) أَللَّهُمَّ إِنِّي أَعتَذِرُ إِلَيكَ مِن مَظلُومٍ ظُلِمَ بِحَضرَتِي فَلَم أَنصُرهُ، وَ مِن مَعرُوفٍ أُسدِيَ إِلَيَّ فَلَم أَشكُرهُ، وَ مِن مُسِيءٍ اعتَذَرَ إِلَيَّ فَلَم أَعذِرهُ، وَ مِن ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَم أُوثِرهُ، وَ مِن حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤمِنٍ فَلَم أُوَفِّرهُ، وَ مِن عَيبِ مُؤمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَم أَستُرهُ، وَ مِن كُلِّ إِثمٍ عَرَضَ لِي فَلَم أَهجُرهُ.(۲)أَعتَذِرُ إِلَيكَ يَا إِلَهِي مِنهُنَّ وَ مِن نَظَائِرِهِنَّ اعتِذَارَ نَدَامَةٍ يَكُونُ وَاعِظاً لِمَا بَينَ يَدَيَّ مِن أَشبَاهِهِنَّ.(۳)فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَل نَدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعتُ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ، وَ عَزمِي عَلَى تَركِ مَا يَعرِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ،تَوبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ، يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ.

ص: ۱۴۴۸

(۳۸)و از دعـای امـام علیه السـلام بـود، در توبه کردن از داد خواهی هـای بنـدگان و از کوتـاهی کردن در حقوق ایشـان و در رهایی اش از آتش

(۱) خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم. و از نیکی ای که به من شـد، پس شـکر آن را به جا نیاوردم. و از بـد کرداری که از من عـذرخواهی کرد، پس عـذر او را نپذیرفتم. و از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم. و از حقِّ حقدار مؤمنی که بر من لازم گردانده بودی، پس آن را به تمامی ادا نکردم و از عیب مؤمنی که برای من آشـکار شـد، پس آن را نپوشاندم. و از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.

(۲) ای خـدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذر خواهیِ از روی پشـیمانی، که از مانند آنها مرا در آینده ام، پند دهنده باشد.

(۳) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پشـیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گردانَد. ای دوستدار توبه کنندگان.

(۳۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی طَلَبِ العَفوِ وَ الرّحمَهِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اکسِر شَهوَتِی عَن کُلّ مَحرَمٍ، وَ ازوِ حِرصِی عَن کُلّ مَأثَمٍ، وَ امنَعنِی عَن أَذَی کُلّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَهٍ، وَ مُسلِمٍ وَ مُسلِمَهٍ.(۲) أللّهُمّ وَ أَيّمَا عَبدٍ نَالَ منِیّ مَا حَظَرتَ عَلَيهِ، وَ انتَهَکَ منِیّ مَا حَجَزتَ عَلَيهِ،فَمَضَی بظُلَامَتِی مَيّتاً، أَو حَصَلَت لِی قِبَلَهُ حَيّاً فَاغفِر لَهُ مَا أَلَمّ بِهِ منِیّ، وَ اعفُ لَهُ عَمّا أَدبَرَ بِهِ عنَیّ، وَ لَا تَقِفهُ عَلَی مَا ارتَکَبَ فِیّ، وَ لَا تَکشِفهُ عَمّا اکتَسَبَ بیِ، وَ اجعَل مَا سَمَحتُ بِهِ مِنَ العَفوِ عَنهُم، وَ تَبَرّعتُ بِهِ مِنَ الصّدَقَهِ عَلَيهِم أَزکَی صَدَقَاتِ المُتَصَدّقِينَ، وَ أَعلَی صِلَاتِ المُتَقَرّبِينَ(۳) وَ عَوّضنیِ مِن عَفوِیَ عَنهُم عَفوَکَ، وَ مِن دُعَائِی لَهُم رَحمَتَکَ حَتّی يَسعَدَ کُلّ وَاحِدٍ مِنّا بِفَضلِکَ، وَ يَنجُوَ کُلّ مِنّا بِمَنّکَ.(۴) أللّهُمّ وَ أَيّمَا عَبدٍ مِن عَبِيدِکَ أَدرَکَهُ منِیّ دَرَکٌ، أَو مَسّهُ مِن نَاحِيَتِی أَذًی، أَو لَحِقَهُ بیِ أَو بِسَبَبِی ظُلمٌ فَفُتّهُ بِحَقّهِ، أَو سَبَقتُهُ بِمَظلِمَتِهِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَرضِهِ عنَیّ مِن وُجدِکَ، وَ أَوفِهِ حَقّهُ مِن عِندِکَ

(۳۹)و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست بخشایش و مهربانی

(۱) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن و حرص مرا از هر گناهی دور کن، و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار.

(۲) خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی و آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی و او با همان وزر و وبال از دنیا رفته یا وزر و وبال من او را در دنیا در حال حیات گرفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز. و آنچه را از من برد، بر او ببخشای. و او را به خاطر آنچه درباره من انجام داد، سرزنش نکن. و از آنچه بر من کرده، رسوایش نساز و گذشت از ایشان را که من کردم، و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان و بالاترین بخشش های تقرّب جویان قرار ده.

(۳) و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادتمند شود و هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات یابد.

(۴) خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که نارواییی از من به او رسیده یا از ناحیه من به او آزاری رسیده، یا به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، پس حقّش را تباه کرده ام یا داد خواهی اش را از بین برده ام، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.

ص: ۱۴۵۱

(۵) ثُمّ قِنِي مَا يُوجِبُ لَهُ حُكمُكَ، وَ خلَصّنِي مِمّا يحكَمُ بِهِ عَدلُكَ، فَإِنّ قوُتّي لَا تَستَقِلّ بِنَقِمَتِكَ، وَ إِنّ طاَقَتِي لَا تَنهَضُ بِسُخطِكَ،فَإِنّكَ إِن تكُاَفِنِي بِالحَقّ تهُلكِنيِ، وَ إِلّا تغَمّدنيِ بِرَحمَتِكَ توُبقِنيِ. (۶) أللّهُمّ إِنيّ أَستَوهِبُكَ يَا إِلهَيِ مَا لَا يُنقِصُكَ بَذلُهُ، وَ أَستَحمِلُكَ، مَا لَا يَبهَظُكَ حَملُهُ.(۷)أَستَوهِبُكَ يَا إِلهَيِ نفَسيِ َالتّيِ لَم تَخلُقهَا لِتَمتَنِعَ بِهَا مِن سُوءٍ، أَو لِتَطَرّقَ بِهَا إِلَى نَفعٍ، وَ لَكِن أَنشَأتَهَا إِثبَاتاً لِقُدرَتِكَ عَلَى مِثلِهَا، وَ احتِجَاجاً بِهَا عَلَى شَكلِهَا.(۸) وَ أَستَحمِلُكَ مِن ذُنُوبِي مَا قَد بَهَظَنيِ حَملُهُ، وَ أَستَعِينُ بِكَ عَلَى مَا قَد فَدَحَنيِ ثِقلُهُ.(۹)فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَب لِنَفسيِ عَلَى ظُلمِهَا نفَسيِ، وَ وَكّل رَحمَتَكَ بِاحتِمَالِ إِصرِيِ،فَكَم قَد لَحِقَت رَحمَتُكَ بِالمُسيِئيِنَ، وَ كَم قَد شَمِلَ عَفوُكَ الظّالِمِينَ.(۱۰)فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعلَنيِ أُسوَةَ مَن قَد أَنهَضتَهُ بِتَجَاوُزِكَ عَن مَصَارِعِ الخَاطِئِينَ، وَ خَلّصتَهُ بِتَوفِيقِكَ مِن وَرَطَاتِ المُجرِمِينَ،فَأَصبَحَ طَلِيقَ عَفوِكَ مِن إِسَارِ سُخطِكَ، وَ عَتِيقَ صُنعِكَ مِن وَثَاقِ عَدلِكَ.(۱۱)إِنّكَ إِن تَفعَل ذَلِكَ يَا إِلهَيِ تَفعَلهُ بِمَن لَا يَجحَدُ استِحقَاقَ عُقُوبَتِكَ، وَ لَا يبُرَّئُ نَفسَهُ مِن استِيجَابِ نَقِمَتِكَ(۱۲)تفَعَل ذَلِكَ يَا إِلهَيِ بِمَن خَوفُهُ مِنكَ أَكثَرُ مِن طَمَعِهِ فِيكَ، وَ بِمَن يَأسُهُ مِنَ النّجَاةِ أَوكَدُ مِن رَجَائِهِ لِلخَلَاصِ، لَا أَن يَكُونَ يَأسُهُ قُنُوطاً، أَو أَن يَكُونَ طَمَعُهُ اغتِرَاراً،بَل لِقِلّةِ حَسَنَاتِهِ بَينَ سَيّئَاتِهِ، وَ ضَعفِ حُجَجِهِ فِي جَمِيعِ تَبِعَاتِهِ

(۵) سپس مرا از آنچه حکم تـو را واجب می گردانـد، نگهـدار و از آنچه عـدل تو را حکم می کنـد، خلاص گردان. پس به درستی که نیروی من تـاب انتقـام تو را نـدارد. و همانـا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کنـد. زیرا اگر تو مرا به حقّ مکافات دهی، هلاکم. و اگر مرا به رحمتت نپوشانی، تباهم.

(۶) خداونـدا، ای خدای من، همانا من از تو بخششـی می خواهم که بخشـیدن آن از تو چیزی نمی کاهد و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست.

(۷) ای خدای من از تو بخشـش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سـبب آن از زیان حمایت شوی یا به وسـیله آن به سودی راه جویی. بلکه آن را آفریـدی، تـا قـدرتت بر (آفریـدن) مثل آن ثابت شود و بـدین سـبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی.

(۸) و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد، و از تو یاری می جویم بر آنچه سـنگینی اش پشت مرا شکسته.

(۹) پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. و رحمتت را به تحمّل بار سنگینم بگمار. پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید و چه بسیار عفوت که ستمگران را فرا گرفت.

(۱۰) پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مرا اسوه کسـی گردان که با گـذشت خود، او را از افتادنْ گاه های خطاکاران بلنـد کردی، و به توفیق خود، از منجلاب های مجرمان، رهاندی. پس به واسـطه عفوت از قید و بند خشـمت، رها گردیده و به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

(۱۱) ای خـدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را دربـاره کسـی انجـام می دهی، که شایسـتگی عقوبت تو را انکـار نمی کند، و نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرّا نمی داند.

(۱۲) ای خـدای من، بـا کسـی چنین رفتـار می کنی که ترسـش از تـو، بیش از طمعش از تـوست، و کسـی که ناامیـدی اش از نجات، محکم تر از امیـدش به رهایی است. نه اینکه ناامیـدی اش، قطع امیـد باشد. یا طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.

ص: ۱۴۵۳

(۱۳)فَأَمّا أَنتَ یَا إِلَهِی فَأَهلٌ أَن لَا یَغتَرّ بِکَ الصّدّیقُونَ، وَ لَا یَیأَسَ مِنکَ المُجرِمُونَ،لِأَنّکَ الرّبّ العَظِیمُ أَلّذِی لَا یَمنَعُ أَحَداً فَضلَهُ، وَ لَا یستقصی مِن أَحَدٍ حَقّهُ.(۱۴) تَعَالَی ذِکرُکَ عَنِ المَذکُورِینَ، وَ تَقَدّسَت أَسمَاؤُکَ عَنِ المَنسُوبِینَ، وَ فَشَت نِعمَتُکَ فِی جَمِیعِ المَخلُوقِینَ،فَلَکَ الحَمدُ عَلَی ذَلِکَ یَا رَبّ العَالَمِینَ.

ص: ۱۴۵۴

(۱۳) و امّا تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند و مجرمان از تو مأیوس نگردند. زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که فضل خود را از کسی باز نمی دارد و حقّ خود را از کسی طلب نمی کنی.

(۱۴) یاد تو از یاد شدگان برتر است و نام هایت از نسب داران مقدّس تر است و نعمتت در همه آفریدگان پراکنده است. پس تو را بر همه اینها سپاس. ای پروردگار جهانیان.

ص: ۱۴۵۵

(۴۰) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا نعُیَ إِلَيهِ مَيّتٌ، أَو ذَكَرَ المَوتَ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكفِنَا طُولَ الأَمَلِ، وَ قَصّرهُ عَنّا بِصِدقِ العَمَلِ حَتّى لَا نُؤَمّلَ استِتمَامَ سَاعَهٍ بَعدَ سَاعَهٍ، وَ لَا استِيفَاءَ يَوم بَعدَ يَوم، وَ لَا اتّصَالَ نَفَسٍ بِنَفَسٍ، وَ لَا لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ(۲) وَ سَلّمنَا مِن غُرُورِهِ، وَ آمِنّا مِن شُرُورِهِ، وَ انصِبِ المَوتَ بَينَ أَيدِينَا نَصباً، وَ لَا تَجعَل ذِكرَنَا لَهُ غِبّاً(۳) وَ اجعَل لَنَا مِن صَالِحِ الأَعمَالِ عَمَلًا نَستَبطِئُ مَعَهُ المَصِيرَ إِلَيکَ، وَ نَحرِصُ لَهُ عَلَى وَشکِ اللّحَاقِ بِکَ حَتّى يَكُونَ المَوتُ مَأنَسَنَا أَلّذِی نَأنَسُ بِهِ، وَ مَألَفَنَا أَلّذِی نَشتَاقُ إِلَيهِ، وَ حَامّتَنَا التّی نُحِبّ الدّنُوّ مِنهَا(۴) فَإِذَا أَورَدتَهُ عَلَينَا وَ أَنزَلتَهُ بِنَا فَأَسعِدنَا بِهِ زَائِراً، وَ آنِسنَا بِهِ قَادِماً، وَ لَا تُشقِنَا بِضِيَافَتِهِ، وَ لَا تُخزِنَا بِزِيَارَتِهِ، وَ اجعَلهُ بَاباً مِن أَبوَابِ مَغفِرَتِکَ، وَ مِفتَاحاً مِن مَفَاتِيحِ رَحمَتِکَ(۵)أَمِتنَا مُهتَدِينَ غَيرَ ضَالّينَ،طَائِعِينَ غَيرَ مُستَكرِهِينَ،تَائِبِينَ غَيرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصِرّينَ، يَا ضَامِنَ جَزَاءِ المُحسِنِينَ، وَ مُستَصلِحَ عَمَلِ المُفسِدِينَ.

(۴۰)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که خبر مرگ کسی به او می رسید یا مرگ را یاد می کرد

(۱) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن، تا بدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی و یافتن روزی را پس از روزی و پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.

(۲) و ما را از فریبش سلامتی ده و از شرورش ایمن ساز و مرگ را پیش روی ما مجسم بدار و گهگاه یاد کردنش را برای ما قرار نده.

(۳) و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم و به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل انسی باشد که به آن انس گیریم و محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم و (همانند) خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.

(۴) پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان. و ما را به آن تازه وارد انس ده. و در پذیرایی از او ما را به شقاوت میفکن. و از دیدارش ما را خوار نساز و آن را دری از درهای آمرزشت و کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

(۵) ما را ره یافتگانِ ناگمراه، و فرمان بردارانِ بی اجبار، توبه کنندگان غیر گنهکار و اصرار کننده، بمیران. ای ضامن پاداش نیکوکاران و خواهان اصلاح عمل تبهکاران.

ص: ۱۴۵۷

(۴۱) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی طَلَبِ السّترِ وَ الوِقَایَهِ

(۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أفرِشنِی مِهَادَ کَرَامَتِکَ، وَ أورِدنِی مَشَارِعَ رَحمَتِکَ، وَ أحلِلنِی بُحبُوحَهَ جَنّتِکَ، وَ لَا تَسِمُنِی بِالرّدّ عَنکَ، وَ لَا تحرِمنِی بِالخَیبَهِ مِنکَ.(۲) وَ لَا تقُاصّنِی بِمَا اجتَرَحتُ وَ لَا تُنَاقِشنِی بِمَا اکتَسَبتُ، وَ لَا تُبرِز مَکتُومِی، وَ لَا تَکشِف مَستُورِی، وَ لَا تَحمِل عَلَی مِیزَانِ الإِنصَافِ عمَلَیِ، وَ لَا تُعلِن عَلَی عُیُونِ المَلَإِ خبَرَیِ(۳)أَخفِ عَنهُم مَا یَکونُ نَشرُهُ عَلَیّ عَاراً، وَ اطوِ عَنهُم مَا یلُحقِنُیِ عِندَکَ شَنَاراً(۴)شَرّف درَجَتَیِ بِرِضوَانِکَ، وَ أَکمِل کرَاَمتَیِ بِغُفرَانِکَ، وَ انظِمنِی فِی أَصحَابِ الیَمِینِ، وَ وجَهّنیِ فِی مَسَالِکِ الآمِنِینَ، وَ اجعلَنیِ فِی فَوجِ الفَائِزِینَ، وَ اعمُر بیِ مَجَالِسَ الصّالِحِینَ،آمِینَ رَبّ العَالَمِینَ.

(۴۱)و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست پرده پوشی و نگهداری (از گناه و کیفر)

۱) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و بسترهای کرامتت را برای من بگستر و مرا در آبشـخورهای رحمتت درآور و مرا در میان بهشتت جای ده و با دست رد زدن بر سینه ام، مرا خوار نساز و به ناامیدی از خود، مرا محروم نکن.

(۲) و مرا به خـاطر آنچه انجـام دادم، تقـاص نکن و به آنچه کسب کردم، بر من سـخت مگیر و رازم را آشـکار مکن و (عیب) پوشیده ام را نمایان نساز و عملم را در ترازوی انصاف نگذار و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان علنی نکن.

(۳) آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن و آنچه نزد تو مرا به زشتی می رساند، از آنان بپوشان.

(۴) درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده و به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان و مرا در جماعت یاران دست راست درآور و مرا به سوی راه های ایمن شدگان بفرست و در گروه رسـتگاران قرار ده و مجالس شایسـتگان را به وسیله من آباد ساز. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

ص: ۱۴۵۹

(۴۲) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ عِندَ خَتمِ القُرآنِ

(۱) أللّهُمّ إِنّکَ أعَنَتنَی عَلَی خَتمِ کِتَابِکَ ألّذِی أَنزَلتَهُ نُوراً، وَ جَعَلتَهُ مُهَیمِناً عَلَی کُلّ کِتَابٍ أَنزَلتَهُ، وَ فَضّلتَهُ عَلَی کُلّ حَدِیثٍ قَصَصتَهُ. (۲) وَ فُرقَاناً فَرَقتَ بِهِ بَینَ حَلَالِکَ وَ حَرَامِکَ، وَ قُرآناً أَعرَبتَ بِهِ عَن شَرَائِعِ أَحکَامِکَ وَ کِتَاباً فَصّلتَهُ لِعِبَادِکَ تَفصِیلًا، وَ وَحیاً أَنزَلتَهُ عَلَی نَبِیّکَ مُحَمّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ تَنزِیلًا.(۳) وَ جَعَلتَهُ نُوراً نَهتَدِی مِن ظُلَمِ الضّلَالَهِ وَ الجَهَالَهِ بِاتّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَن أَنصَتَ بِفَهَمِ التّصدِیقِ إِلَی استِمَاعِهِ، وَ مِیزَانَ قِسطٍ لَا یَحِیفُ عَنِ الحَقّ لِسَانُهُ، وَ نُورَ هُدًی لَا یَطفَأُ عَنِ الشّاهِدِینَ بُرهَانُهُ، وَ عَلَمَ نَجَاهٍ لَا یَضِلّ مَن أَمّ قَصدَ سُنّتِهِ، وَ لاتَنَالُ أَیدِی الهَلَکَاتِ مَن تَعَلّقَ بِعُروَهِ عِصمَتِهِ.(۴) أللّهُمّ فَإِذ أَفَدتَنَا المَعُونَهَ عَلَی تِلَاوَتِهِ، وَ سَهّلتَ جوَاسِیَ أَلسِنَتِنَا بِحُسنِ عِبَارَتِهِ،فَاجعَلنَا مِمّن یَرعَاهُ حَقّ رِعَایَتِهِ، وَ یَدِینُ لَکَ بِاعتِقَادِ التّسلِیمِ لِمُحکَمِ آیَاتِهِ، وَ یَفزَعُ إِلَی الإِقرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَیّنَاتِهِ.

ص: ۱۴۶۰

(۴۲)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگام به پایان رساندنِ (خواندن همه) قرآن

(۱) خداونـدا به درستی که تو مرا بر ختم کتـابت یـاری فرمودی، همـان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی.

(۲) و (آن را) جـدا کننـده ای (قرار دادی) کـه بـه وسـیله آن بیـن حلاـل و حرامـت جـدا کردی. و قرآنی کـه بـا آن راه هـای احکامت را روشن ساختی و کتابی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی و وحیی که بر پیامبرت محمّد -که درودهای تو بر او و خاندانش باد- به تدریج نازل فرمودی.

(۳) و آن را نوری قرار دادی که مـا بـا پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم و شـفا برای کسـی که با فهم و تصـدیق به آن گوش فرا داد و اسـتماعش نمود، و ترازوی عـدلی که زبـانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، و نور هـدایتی که برهانش از (دیـد) شاهـدان، خاموش نمی شود و نشانه نجاتی که هر کس قصـد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد.

(۴) خداونـدا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی و زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند و با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند و خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند.

ص: ۱۴۶۱

(۵) أللّهُمّ إنّکَ أنزَلتَهُ عَلَی نَبِیّکَ مُحَمّدٍ صَلّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ مُجمَلًا، وَ أَلهَمتَهُ عِلمَ عَجَائِبِهِ مُکَمّلًا، وَ وَرّثتَنَا عِلمَهُ مُفَسّراً، وَ فَضّلتَنَا عَلَی مَن جَهِلَ عِلمَهُ، وَ قَوّیتَنَا عَلَیهِ لِتَرفَعَنَا فَوقَ مَن لَم یُطِق حَملَهُ.(۶) أللّهُمّ فَکَمَا جَعَلتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَهً، وَ عَرّفتَنَا بِرَحمَتِکَ شَرَفَهُ وَ فَضلَهُ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ الخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الخُزّانِ لَهُ، وَ اجعَلنَا مِمّن یَعتَرِفُ بِأَنّهُ مِن عِندِکَ حَتّی لَا یُعَارِضَنَا الشّکّ فِی تَصدِیقِهِ، وَ لَا یَختَلِجَنَا الزّیغُ عَن قَصدِ طَرِیقِهِ.(۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلنَا مِمّن یَعتَصِمُ بِحَبلِهِ، وَ یَأوِی مِنَ المُتَشَابِهَاتِ إِلَی حِرزِ مَعقِلِهِ، وَ یَسکُنُ فِی ظِلّ جَنَاحِهِ، وَ یَهتَدِی بِضَوءِ صَبَاحِهِ، وَ یَقتَدِی بِتَبَلّجِ أَسفَارِهِ، وَ یَستَصبِحُ بِمِصبَاحِهِ، وَ لَا یَلتَمِسُ الهُدَی فِی غَیرِهِ.(۸) أللّهُمّ وَ کَمَا نَصَبتَ بِهِ مُحَمّداً عَلَماً لِلدّلَالَهِ عَلَیکَ، وَ أَنهَجتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرّضَا إِلَیکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلِ القُرآنَ وَسِیلَهً لَنَا إِلَی أَشرَفِ مَنَازِلِ الکَرَامَهِ، وَ سُلّماً نَعرُجُ فِیهِ إِلَی مَحَلّ السّلَامَهِ، وَ سَبَباً نُجزَی بِهِ النّجَاهَ فِی عَرصَهِ القِیَامَهِ، وَ ذَرِیعَهً نَقدَمُ بِهَا عَلَی نَعِیمِ دَارِ المُقَامَهِ.(۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ احطُط بِالقُرآنِ عَنّا ثِقلَ الأَوزَارِ، وَ هَب لَنَا حُسنَ شَمَائِلِ الأَبرَارِ، وَ اقفُ بِنَا آثَارَ الّذِینَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللّیلِ وَ أَطرَافَ النّهَارِ حَتّی تُطَهّرَنَا مِن کُلّ دَنَسٍ بِتَطهِیرِهِ، وَ تَقفُوَ بِنَا آثَارَ الّذِینَ استَضَاءُوا بِنُورِهِ، وَ لَم یُلهِهِمُ الأَمَلُ عَنِ العَمَلِ فَیَقطَعَهُم بِخُدَعِ غُرُورِهِ.

(۵) خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمّد -که درود خدا بر او و خاندانش باد-، بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی و علم آن را تفسیر شده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی و ما را بر (دریافت) آن قوّت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمّل آن را نداشت، رفعت بخشی.

(۶) خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، و به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمّد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکّی جلودار تصدیق ما نشود و انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد.

(۷) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند و از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می برند و در سایه بال آن ساکن می شوند و با نور صبحگاهش راه می یابند و به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند و از نور چراغ آن، روشنی می افروزند و در غیر آن هدایت را نمی جویند.

(۸) خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی و به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، و دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت و وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمتِ سرای اقامت، قرار ده.

(۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند و آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد.

ص: ۱۴۶۳

(۱۰) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلِ القُرآنَ لَنَا فِى ظُلَمِ اللیَالِي مُونِساً، وَ مِن نَزَغَاتِ الشّيطَانِ وَ خَطَرَاتِ الوَسَاوِسِ حارِساً، وَ لِأَقدَامِنَا عَن نَقلِهَا إِلَى المعَاصِي حابِساً، وَ لِأَلسِنَتِنَا عَنِ الخَوضِ فِى البَاطِلِ مِن غَيرِ مَا آفَهٍ مُخرِساً، وَ لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقتِرَافِ الآثَامِ زَاجِراً، وَ لِمَا طَوَتِ الغَفلَهُ عَنّا مِن تَصَفّحِ الِاعتِبَارِ نَاشِراً، حَتّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمثَالِهِ التّي ضَعُفَتِ الجِبَالُ الروَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احتِمَالِهِ.(۱۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَدِم بِالقُرآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا، وَ احجُب بِهِ خَطَرَاتِ الوَسَاوِسِ عَن صِحّهِ ضَمَائِرِنَا، وَ اغسِل بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوزَارِنَا، وَ اجمَع بِهِ مُنتَشَرَ أُمُورِنَا، وَ أَروِ بِهِ فِى مَوقِفِ العَرضِ عَلَيكَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا، وَ اكسُنَا بِهِ حُلَلَ الأَمَانِ يَومَ الفَزَعِ الأَكبَرِ فِى نُشُورِنَا.(۱۲) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجبُر بِالقُرآنِ خَلّتَنَا مِن عَدَمِ الإِملَاقِ، وَ سُق إِلَينَا بِهِ رَغَدَ العَيشِ وَ خِصبَ سَعَهِ الأَرزَاقِ، وَ جَنّبنَا بِهِ الضّرَائِبَ المَذمُومَهَ وَ مدَانِيَ الأَخلَاقِ، وَ اعصِمنَا بِهِ مِن هُوّهِ الكُفرِ وَ دوَاعِي النّفَاقِ حَتّى يَكُونَ لَنَا فِى القِيَامَهِ إِلَى رِضوَانِكَ وَ جِنَانِكَ قَائِداً، وَ لَنَا فِى الدّنيَا عَن سُخطِكَ وَ تعَدّىِ حُدُودِكَ ذَائِداً، وَ لِمَا عِندَكَ بِتَحلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِداً.(۱۳) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَوّن بِالقُرآنِ

عِندَ المَوتِ عَلَى أَنفُسِنَا كَربَ السّيَاقِ، وَ جَهدَ الأَنِينِ، وَ تَرَادُفَ الحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النّفُوسُ التّرَاقِيَ، وَ قِيلَ مَن رَاقٍ وَ تَجَلّى مَلَكُ المَوتِ لِقَبضِهَا مِن حُجُبِ الغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَن قَوسِ المَنَايَا بِأَسهُمِ وَحشَهِ الفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِن ذُعَافِ المَوتِ كَأساً مَسمُومَهَ المَذَاقِ، وَ دَنَا مِنّا إِلَى الآخِرَهِ رَحِيلٌ وَ انطِلَاقٌ، وَ صَارَتِ الأَعمَالُ قَلَائِدَ فِى الأَعنَاقِ، وَ كَانَتِ القُبُورُ هِيَ المَأوَى إِلَى مِيقَاتِ يَومِ التّلَاقِ

(۱۰) خداونـدا بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شـیطان و از انـدیشه هـای بـد، و نگهـدار گـام های ما از حرکت به سوی گناهان، و بنـد آورنـده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشـد، و مانع برای انـدام های ما از انجام گناهان، و ناشـر پنـدهایی که غفلت از دیـد ما می پوشاند، قرار ده. تا درک شـگفتی هـای آن و مَثـل های باز دارنـده اش را که کوه های اسـتوار با محکمیشان از تحمّل آن ناتواننـد، به دل های ما برسانی.

(۱۱) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و با قرآن ظاهرِ نیک ما را بادوام گردان و با آن خاطره های وسوسه انگیز را از درون سـالم ما بازدار و به وسـیله آن چرکی دل هایمان و وابسـتگی های گناهانمان را بشوی و با آن کارهای پراکنـده ما را گرد آور و بـا آن تشـنگی شدیـد مـا را در جاهـای گرم در جایگـاهی کـه در پیشـگاه تـوست، سـیراب فرمـا و بـا آن مـا را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.

(۱۲) خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و به وسـیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشـتن نیازمندی جبران کن و به وسـیله آن، آسایش زنـدگی و توسـعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بـده و با آن ما را از خوی های نکوهیـده و اخلاق پست، دور کن. و با آن ما را از (سـقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت، و در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت، و شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال دانسـتن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد.

(۱۳) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و به وسـیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سـختی ناله و خرناسـه های پی درپی زمان جان کنـدن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسـد و می گویند: کجاست طبیب؟ و فرشـته مرگ برای گرفتن آن از پرده هـای پنهانی ها آشـکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جـدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جـان ها)، جامی از شوکران مرگ -که چشـیدن آن زهرآلود است- آمیخته سازد و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد. و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

ص: ۱۴۶۵

(۱۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَارِک لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ البِلَی، وَ طُولِ المُقَامَهِ بَینَ أَطبَاقِ الثّرَی، وَ اجعَلِ القُبُورَ بَعدَ فِرَاقِ الدّنیَا خَیرَ مَنَازِلِنَا، وَ افسَح لَنَا بِرَحمَتِکَ فِی ضِیقِ مَلَاحِدِنَا، وَ لَا تَفضَحنَا فِی حَاضِرِی القِیَامَهِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا.(۱۵) وَ ارحَم بِالقُرآنِ فِی مَوقِفِ العَرضِ عَلَیکَ ذُلّ مَقَامِنَا، وَ ثَبّت بِهِ

عِندَ اضطِرَابِ جِسرِ جَهَنّمَ یَومَ المَجَازِ عَلَیهَا زَلَلَ أَقدَامِنَا، وَ نَوّر بِهِ قَبلَ البَعثِ سُدَفَ قُبُورِنَا، وَ نَجّنَا بِهِ مِن کُلّ کَربٍ یَومَ القِیَامَهِ وَ شَدَائِدِ أَهوَالِ یَوم الطّامّهِ(۱۶) وَ بَیّض وُجُوهَنَا یَومَ تَسوَدّ وُجُوهُ الظّلَمَهِ فِی یَوم الحَسرَهِ وَ النّدَامَهِ، وَ اجعَل لَنَا فِی صُدُورِ المُؤمِنِینَ وُدّاً، وَ لَا تَجعَلِ الحَیَاهَ عَلَینَا نَکَداً.(۱۷) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلّغَ رِسَالَتَکَ، وَ صَدَعَ بِأَمرِکَ، وَ نَصَحَ لِعِبَادِکَ. (۱۸) أللّهُمّ اجعَل نَبِیّنَا صَلَوَاتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَی آلِهِ یَومَ القِیَامَهِ أَقرَبَ النّبِیّینَ مِنکَ مَجلِساً، وَ أَمکَنَهُم مِنکَ شَفَاعَهً، وَ أَجَلّهُم عِندَکَ قَدراً، وَ أَوجَهَهُم عِندَکَ جَاهاً.(۱۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ شَرّف بُنیَانَهُ، وَ عَظّم بُرهَانَهُ، وَ ثَقّل مِیزَانَهُ، وَ تَقَبّل شَفَاعَتَهُ، وَ قَرّب وَسِیلَتَهُ، وَ بَیّض وَجهَهُ، وَ أَتِمّ نُورَهُ، وَ ارفَع دَرَجَتَهُ(۲۰) وَ أَحیِنَا عَلَی سُنّتِهِ، وَ تَوَفّنَا عَلَی مِلّتِهِ، وَ خُذ بِنَا مِنهَاجَهُ، وَ اسلُک بِنَا سَبِیلَهُ، وَ اجعَلنَا مِن أَهلِ طَاعَتِهِ، وَ احشُرنَا فِی زُمرَتِهِ، وَ أَورِدنَا حَوضَهُ، وَ اسقِنَا بِکَأسِهِ

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان و قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده. و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان و ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن.

(۱۵) و بـه (برکت) قرآن، در جـای ایسـتادن که به پیشـگاهت عرضه می شـویم، بر خـواری مـا رحم کن و هنگـام لرزیـدن پل دوزخ، در آن روز کـه بر آن عبـور می کنیـم، لغزش گـام هـای مـا را بـه وسـیله آن پابرجـا گردان و پیش از برانگیخته شـدن، تاریکی قبرهایمان را با آن روشن ساز و ما را در روز رسـتاخیز از هر انـدوهی و از ترس های سـخت روز قیامت، به وسـیله آن نجات ده.

(۱۶) و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده و زندگی را بر ما دشوار نگردان.

(۱۷) خداوندا بر محمّد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد و فرمانت را با صدای رسا بیان کرد و بندگانت را نصیحت کرد.

(۱۸) خداونـدا پیـامبر مـا را -که درودهای تو بر او و بر خانـدانش باد- روز رسـتاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بلند مرتبه ترین شفاعت کنندگان ایشان و بزرگوار ترین آنها نزد خود، و آبرومند ترین آنان نزد خود قرار ده.

(۱۹) خداونـدا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بنیاد او را شـرافت ده و برهان او را عظمت بخش و میزانش را سـنگین گردان و شفاعت او را بپذیر و دستاویزش را نزدیک نما و روسفیدش فرما و نورش را کامل ساز و درجه اش را رفیع گردان.

(۲۰) و مـا را بر سـنّت او زنـده بـدار و بر آئین او بمیرانمان و ما را در راه روشن او سِیر ده و ما را به راه او ببر و از فرمانبران او قرارمان ده و ما را در گروه او محشور کن و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز.

ص: ۱۴۶۷

(۲۱) وَ صَلِّ أَللّٰهُمّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفضَلَ مَا يَأمُلُ مِن خَيرِكَ وَ فَضلِكَ وَ كَرَامَتِكَ،إِنّكَ ذُو رَحمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَ فَضلٍ كَرِيمٍ.(۲۲) أَللّٰهُمّ اجزِهِ بِمَا بَلّغَ مِن رِسَالَاتِكَ، وَ أَدّى مِن آيَاتِكَ، وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ،أَفضَلَ مَا جَزَيتَ أَحَداً مِن مَلَائِكَتِكَ المُقَرّبِينَ، وَ أَنبِيَائِكَ المُرسَلِينَ المُصطَفَينَ، وَ السّلَامُ عَلَيهِ وَ عَلَى آلِهِ الطّيّبِينَ الطّاهِرِينَ وَ رَحمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ص: ۱۴۶۸

(۲۱) خداونـدا بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـت. درودی کـه بـا آن او را بـه برتریـن خیر و فضـل و کرامـتی که آرزو دارد، برسانی. که تو دارای رحمت گسترده و بخشش کریمان هستی.

(۲۲) خداونـدا او را به سـبب اینکه پیـام هـای تو را ابلاـغ نمود و آیه هایت را رسانـد و بنـدگانت را نصیحت کرد و در راه تو مجاهـدت کرد، پاداش ده. بهترین پاداشـی که به یکی از فرشـتگان نزدیک خود و پیامبران فرسـتاده شده برگزیده ات دادی. و درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

ص: ۱۴۶۹

(۴۳) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الهِلَالِ

(۱)أَيّهَا الخَلقُ المُطِيعُ،الدّائِبُ السّرِيعُ،المُتَرَدّدُ فِی مَنَازِلِ التّقدِيرِ،المُتَصَرّفُ فِی فَلَكِ التّدبِيرِ.(۲)آمَنتُ بِمَن نَوّرَ بِکَ الظّلَمَ، وَ أَوضَحَ بِکَ البُهَمَ، وَ جَعَلَکَ آيَةً مِن آيَاتِ مُلكِهِ، وَ عَلَامَةً مِن عَلَامَاتِ سُلطَانِهِ، وَ امتَهَنَکَ بِالزّيَادَةِ وَ النّقصَانِ، وَ الطّلُوعِ وَ الأُفُولِ، وَ الإِنَارَةِ وَ الكُسُوفِ، فِی كُلّ ذَلِکَ أَنتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَ إِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ(۳)سُبحَانَهُ مَا أَعجَبَ مَا دَبّرَ فِی أَمرِکَ وَ أَلطَفَ مَا صَنَعَ فِی شَأنِکَ جَعَلَکَ مِفتَاحَ شَهرٍ حَادِثٍ لِأَمرٍ حَادِثٍ(۴)فَأَسأَلُ اللّهَ رَبّی وَ رَبّکَ، وَ خَالِقِی وَ خَالِقَکَ، وَ مُقَدّرِی وَ مُقَدّرَکَ، وَ مُصَوّرِی وَ مُصَوّرَکَ أَن يُصَلّیَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَن يَجعَلَکَ هِلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَمحَقُهَا الأَيّامُ، وَ طَهَارَةٍ لَا تُدَنّسُهَا الآثَامُ(۵)هِلَالَ أَمنٍ مِنَ الآفَاتِ، وَ سَلَامَةٍ مِنَ السّيّئَاتِ،هِلَالَ سَعدٍ لَا نَحسَ فِيهِ، وَ يُمنٍ لَا نَكَدَ مَعَهُ، وَ يُسرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسرٌ، وَ خَيرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرّ،هِلَالَ أَمنٍ وَ إِيمَانٍ وَ نِعمَةٍ وَ إِحسَانٍ وَ سَلَامَةٍ وَ إِسلَامٍ.

(۴۳)و از دعای امام - که بر او درود باد- بود، هنگامی که به سوی ماه نو نگاه کرد

(۱) ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده، که در منزل های قرار داده شده، آمد و شد می کنی و در فلک تدبیر تصرّف می کنی.

(۲) ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت و با تو مبهمات را واضح نمود و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد و تو را با فزونی و کاستی، و طلوع و غروب، و نور فشانی و گرفتگی، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش، شتابنده ای.

(۳) پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! و چقدر لطیف است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد! تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

(۴) پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو، و آفریننده من و آفریننده تو، و تقدیر کننده من و تقدیر کننده تو، و صورتگر من و صورتگر تو است، درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستد و تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد و طهارتی که گناهان آن را آلوده نکند.

(۵) ماه ایمنی از آفت ها و سلامتی از بدی ها، ماه سعادتمندی بی تیره بختی، و برکتی بی گرفتاری با آن، و آسانی نیامیخته با دشواری، و خیر ناآلوده با شرّ، ماه ایمنی و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام.

ص: ۱۴۷۱

(۶) أللّهُمّ صَلّ عَلی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ اجعَلنَا مِن أَرضَـی مَن طَلَعَ عَلَیهِ، وَ أَزکَی مَن نَظَرَ إِلَیهِ، وَ أَسـعَدَ مَن تَعَبّدَ لَکَ فِیهِ، وَ وَفّقنَا فِیهِ لِلتّوبَهِ، وَ اعصِـمنَا فِیهِ مِنَ الحَوبَهِ، وَ احفَظنَا فِیهِ مِن مُبَاشَـرَهِ مَعصِـیَتِکَ(۷) وَ أَوزِعنَـا فِیهِ شُـکرَ نِعمَتِکَ، وَ أَلبِسـنَا فِیهِ جُنَنَ العَافِیَهِ، وَ أَتمِم عَلَینَا بِاستِکمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ المِنّهَ،إِنّکَ المَنّانُ الحَمِیدُ، وَ صَلّی اللّهُ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ الطّیّبِینَ الطّاهِرِینَ.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او طلوع کرده و پاک ترین کسانی که به سوی آن نگریسته(اند) و نیکبخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بندگی نموده(اند)، قرار ده و ما را در آن برای توبه توفیق ده و ما را در آن از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار.

(۷) و در آن (ماه) شکر نعمتت را به ما الهام کن و در آن پوشش های عافیت را به ما بپوشان و با کامل کردن طاعتت در آن، نعمت را بر ما تمام گردان. به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای. و خدا بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد.

ص: ۱۴۷۳

(۴۴) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهرُ رَمَضَانَ

(۱)الحَمدُ لِلّهِ ألّذِى هَدَانَا لِحَمدِهِ، وَ جَعَلَنَا مِن أَهلِهِ لِنَكُونَ لِإِحسَانِهِ مِنَ الشّاكِرِينَ، وَ لِيَجزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ المُحسِنِينَ(۲) وَ الحَمدُ لِلّهِ ألّذِى حَبَانَا بِدِينِهِ، وَ اختَصّنَا بِمِلّتِهِ، وَ سَبّلَنَا فِى سُبُلِ إِحسَانِهِ لِنَسلُكَهَا بِمَنّهِ إِلَى رِضوَانِهِ،حَمداً يَتَقَبّلُهُ مِنّا، وَ يَرضَى بِهِ عَنّا(۳) وَ الحَمدُ لِلّهِ ألّذِى جَعَلَ مِن تِلكَ السّبُلِ شَهرَهُ شَهرَ رَمَضَانَ،شَهرَ الصّيَامِ، وَ شَهرَ الإِسلَامِ، وَ شَهرَ الطّهُورِ، وَ شَهرَ التّمحِيصِ، وَ شَهرَ القِيَامِ ألّذِى أُنزِلَ فِيهِ القُرآنُ،هُدًى لِلنّاسِ، وَ بَيّنَاتٍ مِنَ الهُدَى وَ الفُرقَانِ(۴)فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الحُرُمَاتِ المَوفُورَهِ، وَ الفَضَائِلِ المَشهُورَهِ،فَحَرّمَ فِيهِ مَا أَحَلّ فِى غَيرِهِ إِعظَاماً، وَ حَجَرَ فِيهِ المَطَاعِمَ وَ المَشَارِبَ إِكرَاماً، وَ جَعَلَ لَهُ وَقتاً بَيّناً لَا يُجِيزُ جَلّ وَ عَزّ أَن يُقَدّمَ قَبلَهُ، وَ لَا يَقبَلُ أَن يُؤَخّرَ عَنهُ.(۵) ثُمّ فَضّلَ لَيلَهً وَاحِدَهً مِن لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلفِ شَهرٍ، وَ سَمّاهَا لَيلَهَ القَدرِ،تَنَزّلُ المَلَائِكَهُ وَ الرّوحُ فِيهَا بِإِذنِ رَبّهِم مِن كُلّ أَمرٍ سَلَامٌ،دَائِمُ البَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الفَجرِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِن عِبَادِهِ بِمَا أَحكَمَ مِن قَضَائِهِ.

ص: ۱۴۷۴

(۴۴)و از دعای امام علیه السلام بود، هنگامی که ماه رمضان رسید

(۱) سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود، و از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکرگزاران باشیم و ما را بر آن، پاداش نیکوکاران دهد.

(۲) و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد، و ما را به آئین خویش اختصاص داد، و در راه های احسانش، ما را راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش رویم. سپاسی که آن را از ما بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود.

(۳) و سپاس سزاوار خداییست که ماه خود، ماه رمضان، ماه روزه و ماه اسلام و ماه پاکی و ماه پاکسازی و ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فرو فرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حقّ از باطل) است.

(۴) پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان و فضایل مشهور آشکار ساخت. پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد.

(۵) آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید. که در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، با آنچه از تقدیرش که محکم نموده، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.

ص: ۱۴۷۵

(۶) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلهِمنَا مَعرِفَهَ فَضلِهِ وَ إِجلَالَ حُرمَتِهِ، وَ التّحَفّظَ مِمّا حَظَرتَ فِيهِ، وَ أَعِنّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفّ الجَوَارِحِ عَن مَعَاصِيكَ، وَ استِعمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرضِيكَ حَتّى لَا نُصغِيَ بِأَسمَاعِنَا إِلَى لَغوٍ، وَ لَا نُسرِعَ بِأَبصَارِنَا إِلَى لَهوٍ(۷) وَ حَتّى لَا نَبسُطَ أَيدِيَنَا إِلَى مَحظُورٍ، وَ لَا نَخطُوَ بِأَقدَامِنَا إِلَى مَحجُورٍ، وَ حَتّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلّا مَا أَحلَلتَ، وَ لَا تَنطِقَ أَلسِنَتُنَا إِلّا بِمَا مَثّلتَ، وَ لَا نَتَكَلّفَ إِلّا مَا يُدنِي مِن ثَوَابِكَ، وَ لَا نَتَعَاطَى إِلّا ألّذِي يَقِي مِن عِقَابِكَ، ثُمّ خَلّص ذَلِكَ كُلّهُ مِن رِئَاءِ المُرَاءِينَ، وَ سُمعَهِ المُسمِعِينَ، لَا نُشرِكُ فِيهِ أَحَداً دُونَكَ، وَ لَا نَبتَغِي فِيهِ مُرَاداً سِوَاكَ.(۸) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ قِفنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصّلَوَاتِ الخَمسِ بِحُدُودِهَا الّتِي حَدّدتَ، وَ فُرُوضِهَا الّتِي فَرَضتَ، وَ وَظَائِفِهَا الّتِي وَظّفتَ، وَ أَوقَاتِهَا الّتِي وَقّتّ(۹) وَ أَنزِلنَا فِيهَا مَنزِلَهَ المُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا،الحَافِظِينَ لِأَركَانِهَا،المُؤَدّينَ لَهَا فِي أَوقَاتِهَا عَلَى مَا سَنّهُ عَبدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيهِ وَ آلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ جَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَتَمّ الطّهُورِ وَ أَسبَغِهِ، وَ أَبيَنِ الخُشُوعِ وَ أَبلَغِهِ.(۱۰) وَ وَفّقنَا فِيهِ لِأَن نَصِلَ أَرحَامَنَا بِالبِرّ وَ الصّلَهِ، وَ أَن نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالإِفضَالِ وَ العَطِيّهِ، وَ أَن نُخَلّصَ أَموَالَنَا مِنَ التّبِعَاتِ، وَ أَن نُطَهّرَهَا بِإِخرَاجِ الزّكَوَاتِ، وَ أَن نُرَاجِعَ مَن هَاجَرَنَا، وَ أَن نُنصِفَ مَن ظَلَمَنَا، وَ أَن نُسَالِمَ مَن عَادَانَا حَاشَى مَن عُودِيَ فِيكَ وَ لَكَ،فَإِنّهُ العَدُوّ ألّذِي لَا نُوَالِيهِ، وَ الحِزبُ ألّذِي لَا نُصَافِيهِ.

(۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و شناختِ فضیلتش، و بزرگداشتِ احترامش، و خویشتن داری از آنچه را که در آن حرام نموده ای، به ما الهام کن. و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم، و با چشم ها یمان به سوی هیچ لهوی نشتابیم.

(۷) و تا دست هایمان را به سوی هیچ ممنوعی دراز نکنیم، و با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم، و تا شکم هایمان جز آنچه تو حلال نموده ای در خود جای ندهد، و زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید. و خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم، و جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم. سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران و شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان. که احدی را در آن با تو شریک نسازیم و جز تو در آن مرادی را نطلبیم.

(۸) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی و وظایف آن که معین نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما.

(۹) و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که مراتبش را درک کرده اند، ارکانش را محافظت نموده اند، و آن را در اوقات خود -به (همان) سنّتی که بنده و رسول تو]که درودهایت بر او و خاندانش باد[در رکوع و سجود آن و همه فضیلت هایش قرار داد- با پاکی تمام و فراگیر، و روشن ترین و نهایی ترین خشوع به جا آورده اند.

(۱۰) و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم و به کسی که از ما دوری نموده، بازگردیم و با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم و با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم.

ص: ۱۴۷۷

(۱۱) وَ أَن نَتَقَرّبَ إِلَیـکَ فِیهِ مِنَ الأعمَالِ الزّاکِیهِ بِمَا تُطَهّرُنَا بِهِ مِنَ الـذّنُوبِ، وَ تَعصِمُنَا فِیهِ مِمّا نَستَأنِفُ مِنَ العُیُوبِ، حَتّی لَا یُورِدَ عَلَیکَ أَحَدٌ مِن مَلَائِکَتِکَ إِلّا دُونَ مَا نُورِدُ مِن أَبوَابِ الطّاعَهِ لَکَ، وَ أَنوَاعِ القُربَهِ إِلَیکَ.(۱۲) أَللّهُمّ إِنِیّ أَسأَلُکَ بِحَقّ هَذَا الشّهرِ، وَ بِحَقّ مَن تَعَبّدَ لَکَ فِیهِ مِنِ ابتِدَائِهِ إِلَی وَقتِ فَنَائِهِ مِن مَلَکٍ قَرّبتَهُ، أَو نبیّ أَرسَلتَهُ، أَو عَبدٍ صَالِحٍ اختَصَصتَهُ، أَن تُصَلّیَ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَهّلنَا فِیهِ لِمَا وَعَدتَ أَولِیَاءَکَ مِن کَرَامَتِکَ، وَ أَوجِب لَنَا فِیهِ مَا أَوجَبتَ لِأَهلِ المُبَالَغَهِ فِی طَاعَتِکَ، وَ اجعَلنَا فِی نَظمِ مَنِ استَحَقّ الرّفِیعَ الأَعلَی بِرَحمَتِکَ.(۱۳) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ جَنّبنَا الإِلحَادَ فِی تَوحِیدِکَ، وَ التّقصِیرَ فِی تَمجِیدِکَ، وَ الشّکّ فِی دِینِکَ، وَ العَمَی عَن سَبِیلِکَ، وَ الإِغفَالَ لِحُرمَتِکَ، وَ الِانخِدَاعَ لِعَدُوّکَ الشّیطَانِ الرّجِیمِ(۱۴) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِذَا کَانَ لَکَ فِی کُلّ لَیلَهٍ مِن لَیَالِی شَهرِنَا هَذَا رِقَابٌ یُعتِقُهَا عَفوُکَ، أَو یَهَبُهَا صَفحُکَ فَاجعَل رِقَابَنَا مِن تِلکَ الرّقَابِ، وَ اجعَلنَا لِشَهرِنَا مِن خَیرِ أَهلٍ وَ أَصحَابٍ.(۱۵) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ امحَق ذُنُوبَنَا مَعَ امّحَاقِ هِلَالِهِ، وَ اسلَخ عَنّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انسِلَاخِ أَیّامِهِ حَتّی ینقَضِیَ عَنّا وَ قَد صَفّیتَنَا فِیهِ مِنَ الخَطِیئَاتِ، وَ أَخلَصتَنَا فِیهِ مِنَ السّیّئَاتِ.(۱۶) أَللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِن مِلنَا فِیهِ فَعَدّلنَا، وَ إِن زُغنَا فِیهِ فَقَوّمنَا، وَ إِنِ اشتَمَلَ عَلَینَا عَدُوّکَ الشّیطَانُ فَاستَنقِذنَا مِنهُ.

(۱۱) و در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جوییم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم.

(۱۲) خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرّب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی یا بنده صالحی که او را برگزیدی، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما و برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحقّ بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.

(۱۳) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کجروی در یگانگی ات و کوتاهی در بزرگ داشتنت و شکّ در دینت و کوری از راهت و سهل انگاری حرمتت و فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان.

(۱۴) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، یا گذشتت ایشان را می بخشد، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده. و ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده.

(۱۵) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن و با گذشتن روزهایش سختی ها یمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای و در این (ماه) از بدی ها خالصمان نموده ای.

(۱۶) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار. و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده.

ص: ۱۴۷۹

(۱۷) أللّهُمّ اشحَنهُ بِعِبَادَتِنَا إِيّاکَ، وَ زَيّن أَوقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَکَ، وَ أَعِنّا فِی نَهَارِهِ عَلَی صِيَامِهِ، وَ فِی لَيلِهِ عَلَی الصّلَاهِ وَ التّضَرّعِ إِلَيکَ، وَ الخُشُوعِ لَکَ، وَ الذّلّهِ بَينَ يَدَيکَ حَتّی لَا يَشهَدَ نَهَارُهُ عَلَينَا بِغَفلَهٍ، وَ لَا لَيلُهُ بِتَفرِيطٍ. (۱۸) أللّهُمّ وَ اجعَلنَا فِی سَائِرِ الشّهُورِ وَ الأَيّامِ کَذَلِکَ مَا عَمّرتَنَا، وَ اجعَلنَا مِن عِبَادِکَ الصّالِحِينَ الّذِينَ يَرِثُونَ الفِردَوسَ هُم فِيهَا خَالِدُونَ، وَ الّذِينَ يُؤتُونَ مَا آتَوا وَ قُلُوبُهُم وَجِلَهٌ،أَنّهُم إِلَی رَبّهِم رَاجِعُونَ، وَ مِنَ الّذِينَ يُسَارِعُونَ فِی الخَيرَاتِ وَ هُم لَهَا سَابِقُونَ.(۱۹) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، فِی کُلّ وَقتٍ وَ کُلّ أَوَانٍ وَ عَلَی کُلّ حَالٍ عَدَدَ مَا صَلّيتَ عَلَی مَن صَلّيتَ عَلَيهِ، وَ أَضعَافَ ذَلِکَ کُلّهِ بِالأَضعَافِ الّتِی لَا يُحصِيهَا غَيرُکَ،إِنّکَ فَعّالٌ لِمَا تُرِيدُ.

(۱۷) خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو و خواری در پیشگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

(۱۸) خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند، و در آن جاودانند و آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است و از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند.

(۱۹) خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای، و چندین برابر همه آن به چندین برابر که جز تو شمار آنها را نداند. به درستی که تو هر آنچه را که بخواهی، به جا می آوری.

ص: ۱۴۸۱

(۴۵) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی وَدَاعِ شَهرِ رَمَضَانَ

(۱) أللّهُمّ یَا مَن لَا یَرغَبُ فِی الجَزَاءِ(۲) وَ یَا مَن لَا یَندَمُ عَلَی العَطَاءِ(۳) وَ یَا مَن لَا یُکَافِئُ عَبدَهُ عَلَی السّوَاءِ.(۴)مِنّتُکَ ابتِدَاءٌ، وَ عَفوُکَ تَفَضّلٌ، وَ عُقُوبَتُکَ عَدلٌ، وَ قَضَاؤُکَ خِیَرَةٌ(۵) إِن أَعطَیتَ لَم تَشُب عَطَاءَکَ بِمَنّ، وَ إِن مَنَعتَ لَم یَکُن مَنعُکَ تَعَدّیاً.(۶)تَشکُرُ مَن شَکَرَکَ وَ أَنتَ أَلهَمتَهُ شُکرَکَ.(۷) وَ تُکَافِئُ مَن حَمِدَکَ وَ أَنتَ عَلّمتَهُ حَمدَکَ.(۸)تَستُرُ عَلَی مَن لَو شِئتَ فَضَحتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَی مَن لَو شِئتَ مَنَعتَهُ، وَ کِلَاهُمَا أَهلٌ مِنکَ لِلفَضِیحَهِ وَ المَنعِ غَیرَ أَنّکَ بَنَیتَ أَفعَالَکَ عَلَی التّفَضّلِ، وَ أَجرَیتَ قُدرَتَکَ عَلَی التّجَاوُزِ. (۹) وَ تَلَقّیتَ مَن عَصَاکَ بِالحِلمِ، وَ أَمهَلتَ مَن قَصَدَ لِنَفسِهِ بِالظّلمِ،تَستَنظِرُهُم بِأَنَاتِکَ إِلَی الإِنَابَهِ، وَ تَترُکُ مُعَاجَلَتَهُم إِلَی التّوبَهِ لِکَیلَا یَهلِکَ عَلَیکَ هَالِکُهُم، وَ لَا یَشقَی بِنِعمَتِکَ شَقِیّهُم إِلّا عَن طُولِ الإِعذَارِ إِلَیهِ، وَ بَعدَ تَرَادُفِ الحُجّهِ عَلَیهِ،کَرَماً مِن عَفوِکَ یَا کَرِیمُ، وَ عَائِدَهً مِن عَطفِکَ یَا حَلِیمُ.

(۴۵)و از دعای امام علیه السلام بود، در خداحافظی و بدرود ماه رمضان

(۱) خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

(۲) و ای کسی که بر عطا (و بخشش) پشیمان نمی شود.

(۳) و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد.

(۴) بخشش تو ابتدا(یی و بدون مقدّمه) و بخشایشت از روی تفضّل است، و کیفرت از روی عدل، و فرمانت خیر است.

(۵) اگر عطا کنی، عطایت را با منّت نیامیخته ای و اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.

(۶) هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکرگزاری را تو به او الهام کرده ای.

(۷) و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی و حال آنکه سپاس گزاری را تو به او آموخته ای.

(۸) می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیّتند. مگر آنکه تو کارهایت را بر تفضّل قرار داده ای و قدرتت را بر گذشت، جاری ساخته ای.

(۹) و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. با حوصله اتْ منتظر بازگشت ایشان می مانی و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود و بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!. و سودی از مهربانی توست، ای بردبار!.

(۱۰) أَنتَ أَلّذِی فَتَحتَ لِعِبَادِکَ بَاباً إِلَی عَفوِکَ، وَ سَمّیتَهُ التّوبَهَ، وَ جَعَلتَ عَلَی ذَلِکَ البَابِ دَلِیلًا مِن وَحیِکَ لِئَلّا یَضِلّوا عَنهُ،فَقُلتَ تَبَارَکَ اسمُکَ تُوبُوا إِلَی اللّهِ تَوبَهً نَصُوحاً عَسَی رَبّکُم أَن یُکَفّرَ عَنکُم سَیّئَاتِکُم وَ یُدخِلَکُم جَنَاتٍ تَجرِی مِن تَحتِهَا الأَنهَارُ.(۱۱) یَومَ لَا یُخزِی اللّهُ النّبِیّ وَ الّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ،نُورُهُم یَسعَی بَینَ أَیدِیهِم وَ بِأَیمَانِهِم،یَقُولُونَ رَبّنَا أَتمِم لَنَا نُورَنَا، وَ اغفِر لَنَا،إِنّکَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ.فَمَا عُذرُ مَن أَغفَلَ دُخُولَ ذَلِکَ المَنزِلِ بَعدَ فَتحِ البَابِ وَ إِقَامَهِ الدّلِیلِ(۱۲) وَ أَنتَ أَلّذِی زِدتَ فِی السّومِ عَلَی نَفسِکَ لِعِبَادِکَ،تُرِیدُ رِبحَهُم فِی مُتَاجَرَتِهِم لَکَ، وَ فَوزَهُم بِالوِفَادَهِ عَلَیکَ، وَ الزّیَادَهِ مِنکَ،فَقُلتَ تَبَارَکَ اسمُکَ وَ تَعَالَیتَ مَن جَاءَ بِالحَسَنَهِ فَلَهُ عَشرُ أَمثَالِهَا، وَ مَن جَاءَ بِالسّیّئَهِ فَلَا یُجزَی إِلّا مِثلَهَا.(۱۳) وَ قُلتَ مَثَلُ الّذِینَ یُنفِقُونَ أَموَالَهُم فِی سَبِیلِ اللّهِ کَمَثَلِ حَبّهٍ أَنبَتَت سَبعَ سَنَابِلَ فِی کُلّ سُنبُلَهٍ مِائَهُ حَبّهٍ، وَ اللّهُ یُضَاعِفُ لِمَن یَشَاءُ، وَ قُلتَ مَن ذَا أَلّذِی یُقرِضُ اللّهَ قَرضاً حَسَناً فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضعَافاً کَثِیرَهً. وَ مَا أَنزَلتَ مِن نَظَائِرِهِنّ فِی القُرآنِ مِن تَضَاعِیفِ الحَسَنَاتِ.(۱۴) وَ أَنتَ أَلّذِی دَلَلتَهُم بِقَولِکَ مِن غَیبِکَ وَ تَرغِیبِکَ أَلّذِی فِیهِ حَظّهُم عَلَی مَا لَو سَتَرتَهُ عَنهُم لَم تُدرِکهُ أَبصَارُهُم، وَ لَم تَعِهِ أَسمَاعُهُم، وَ لَم تَلحَقهُ أَوهَامُهُم،فَقُلتَ اذکُرُونِی أَذکُرکُم، وَ اشکُرُوا لِی وَ لَا تَکفُرُونِ، وَ قُلتَ لَئِن شَکَرتُم لَأَزِیدَنّکُم، وَ لَئِن کَفَرتُم إِنّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ.

(۱۰) تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای و آن را توبه نامیده ای، و بر آن درْ از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای تا از آن گمراه نشوند. پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است.

(۱۱) روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. نورشان پیش رو و از سمت راستشان حرکت می کند، گویند: «پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.» پس -بعد از گشودن درْ و به پا داشتن راهنما- عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!

(۱۲) و تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای. می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند و در آمدن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو، رستگار شوند. پس تو که نامت مبارک و بلندمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به جا آورَد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.»

(۱۳) و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟.» و مانند های آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فرو فرستادی.

(۱۴) و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود و با ترغیب نمودنت که بهره آنان را دربر دارد، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی دیدگانشان آن را در نمی یافت، و گوش هایشان آن را فرا نمی گرفت و اندیشه هایشان به آن نمی رسید. پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.»

ص: ۱۴۸۵

(۱۵) وَ قُلتَ ادعوُنِي أَستَجِب لَكَم، إِنّ الّذِينَ يَستَكبِرُونَ عَن عِبَادَتِي سَيَدخُلُونَ جَهَنّم دَاخِرِينَ،فَسَمّيتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَ تَركَهُ استِكبَاراً، وَ تَوَعّدتَ عَلَى تَركِهِ دُخُولَ جَهَنّمَ دَاخِرِينَ.(۱۶)فَذَكَرُوكَ بِمَنّكَ، وَ شَكَرُوكَ بِفَضلِكَ، وَ دَعَوكَ بِأَمرِكَ، وَ تَصَدّقُوا لَكَ طَلَباً لِمَزِيدِكَ، وَ فِيهَا كَانَت نَجَاتُهُم مِن غَضَبِكَ، وَ فَوزُهُم بِرِضَاكَ.(۱۷) وَ لَو دَلّ مَخلُوقٌ مَخلُوقاً مِن نَفسِهِ عَلَى مِثلِ الّذِي دَلَلتَ عَلَيهِ عِبَادَكَ مِنكَ كَانَ مَوصُوفاً بِالإِحسَانِ، وَ مَنعُوتاً بِالِامتِنَانِ، وَ مَحمُوداً بِكُلّ لِسَانٍ،فَلَكَ الحَمدُ مَا وُجِدَ فِي حَمدِكَ مَذهَبٌ، وَ مَا بَقِيَ لِلحَمدِ لَفظٌ تُحمَدُ بِهِ، وَ مَعنًى يَنصَرِفُ إِلَيهِ.(۱۸) يَا مَن تَحَمّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالإِحسَانِ وَ الفَضلِ، وَ غَمَرَهُم بِالمَنّ وَ الطّولِ، مَا أَفشَى فِينَا نِعمَتَكَ، وَ أَسبَغَ عَلَينَا مِنّتَكَ، وَ أَخَصّنَا بِبِرّكَ(۱۹)هَدَيتَنَا لِدِينِكَ الّذِي اصطَفَيتَ، وَ مِلّتِكَ الّتِي ارتَضَيتَ، وَ سَبِيلِكَ الّذِي سَهّلتَ، وَ بَصّرتَنَا الزّلفَةَ لَدَيكَ، وَ الوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ(۲۰) أللّهُمّ وَ أَنتَ جَعَلتَ مِن صَفَايَا تِلكَ الوَظَائِفِ، وَ خَصَائِصِ تِلكَ الفُرُوضِ شَهرَ رَمَضَانَ الّذِي اختَصَصتَهُ مِن سَائِرِ الشّهُورِ، وَ تَخَيّرتَهُ مِن جَمِيعِ الأَزمِنَهِ وَ الدّهُورِ، وَ آثَرتَهُ عَلَى كُلّ أَوقَاتِ السّنَهِ بِمَا أَنزَلتَ فِيهِ مِنَ القُرآنِ وَ النّورِ، وَ ضَاعَفتَ فِيهِ مِنَ الإِيمَانِ، وَ فَرَضتَ فِيهِ مِنَ الصّيَامِ، وَ رَغّبتَ فِيهِ مِنَ القِيَامِ، وَ أَجلَلتَ فِيهِ مِن لَيلَهِ القَدرِ الّتِي هِيَ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ.

(۱۵) و فرمودی: «مرا بخوانیـد تـا شـما را اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزنـد، به زودی با خواری داخل جهنّم خواهنـد شد.» پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را اسـتکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل شدن در جهنّم با خواری را هشدار دادی.

(۱۶) پس با نعمتِ خودت، تو را یاد کردند و با تفضّلت، تو را شکر گزاردند و به فرمانت، تو را خواندند و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صـدقه دادنـد و در (همه) اینها نجات ایشان از خشـمت و دست یافتنشان به خوشـنودی ات نهفته بود.

(۱۷) و اگر آفریـده ای از جانب خودش آفریـده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شـد و به بخشـندگی تعریف می گشت و به هر زبانی (مورد) سـتایش قرار می گرفت. پس سـتایش برای توست، تا آنجا که راهی در سـتایش تو یافت شود و برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.

(۱۸) ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را پوشانده ای. چه آشکار است در (جمع) ما نعمت تو! و چه سرشار است بر ما بخشش تو! و چه مخصوص گشته است نیکی ات به ما!.

(۱۹) ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسـندیدی و به راهت که آن را آسان نمودی، هدایت کردی و ما را به (راه) نزدیکی نزد خودت و رسیدن به کرامتت، بینا نمودی.

(۲۰) خداونـدا و تـو از کارهـای برگزیــده و واجبـات مخصـوصه، مـاه رمضـان را قرار دادی. همـان کـه آن را از بقیـه مـاه ها مخصوص داشتی و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی. و آن را بر همه زمان های سال برگزیـدی. به سـبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی و ایمان را در آن چندین برابر نمودی و روزه را در آن واجب کردی و در آن به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی.

ص: ۱۴۸۷

(۲۱) ثُمّ آثَرتَنَا بِهِ عَلَی سَائِرِ الأمَمِ، وَ اصطَفَیتَنَا بِفَضلِهِ دُونَ أَهلِ المِلَلِ،فَصُمنَا بِأَمرِکَ نَهَارَهُ، وَ قُمنَا بِعَونِکَ لَیلَهُ،مُتَعَرّضِینَ بِصِیَامِهِ وَ قِیَامِهِ لِمَا عَرّضتَنَا لَهُ مِن رَحمَتِکَ، وَ تَسَبّبنَا إِلَیهِ مِن مَثُوبَتِکَ، وَ أَنتَ المَلِی ءُ بِمَا رُغِبَ فِیهِ إِلَیکَ،الجَوَادُ بِمَا سُئِلتَ مِن فَضلِکَ،القَرِیبُ إِلَی مَن حَاوَلَ قُربَکَ.(۲۲) وَ قَد أَقَامَ فِینَا هَذَا الشّهرُ مُقَامَ حَمدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحبَةَ مَبرُورٍ، وَ أَربَحَنَا أَفضَلَ أَربَاحِ العَالَمِینَ، ثُمّ قَد فَارَقَنَا

عِندَ تَمَامِ وَقتِهِ، وَ انقِطَاعِ مُدّتِهِ، وَ وَفَاءِ عَدَدِهِ.(۲۳)فَنَحنُ مُوَدّعُوهُ وِدَاعَ مَن عَزّ فِرَاقُهُ عَلَینَا، وَ غَمّنَا وَ أَوحَشَنَا انصِرَافُهُ عَنّا، وَ لَزِمَنَا لَهُ الذّمَامُ المَحفُوظُ، وَ الحُرمَةُ المَرعِیّةُ، وَ الحَقّ المَقضِیّ،فَنَحنُ قَائِلُونَ السّلَامُ عَلَیکَ یَا شَهرَ اللّهِ الأَکبَرَ، وَ یَا عِیدَ أَولِیَائِهِ.(۲۴) السّلَامُ عَلَیکَ یَا أَکرَمَ مَصحُوبٍ مِنَ الأَوقَاتِ، وَ یَا خَیرَ شَهرٍ فِی الأَیّامِ وَ السّاعَاتِ.(۲۵) السّلَامُ عَلَیکَ مِن شَهرٍ قَرُبَت فِیهِ الآمَالُ، وَ نُشِرَت فِیهِ الأَعمَالُ.(۲۶) السّلَامُ عَلَیکَ مِن قَرِینٍ جَلّ قَدرُهُ مَوجُوداً، وَ أَفجَعَ فَقدُهُ مَفقُوداً، وَ مَرجُوّ آلَمَ فِرَاقُهُ.(۲۷) السّلَامُ عَلَیکَ مِن أَلِیفٍ آنَسَ مُقبِلًا فَسَرّ، وَ أَوحَشَ مُنقَضِیاً فَمَضّ(۲۸) السّلَامُ عَلَیکَ مِن مُجَاوِرٍ رَقّت فِیهِ القُلُوبُ، وَ قَلّت فِیهِ الذّنُوبُ.(۲۹) السّلَامُ عَلَیکَ مِن نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَی الشّیطَانِ، وَ صَاحِبٍ سَهّلَ سُبُلَ الإِحسَانِ(۳۰) السّلَامُ عَلَیکَ مَا أَکثَرَ عُتَقَاءَ اللّهِ فِیکَ، وَ مَا أَسعَدَ مَن رَعَی حُرمَتَکَ بِکَ(۳۱) السّلَامُ عَلَیکَ مَا کَانَ أَمحَاکَ لِلذّنُوبِ، وَ أَستَرَکَ لِأَنوَاعِ العُیُوبِ

(۲۱) سپس ما را بر بقیه امّت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را -نه اهل آئین های دیگر را- برگزیدی. پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمتت -بدان خاطر- به ما عرضه داشتی. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم و تو دارنده هر آن چیزی هستی که از درگاهت خواسته شود. بخشنده هر آن چیزی هستی که از فضلت درخواست گردد. و نزدیک به هر آن کسی هستی که برای قرب به تو کوشد.

(۲۲) و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یارِ نیکو همراه شد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود. سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدّتش و پایان یافتن عدد (روزهای) ش، از ما جدا شد.

(۲۳) پس آن را وداع می گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است و رفتنش از (میان) ما، اندوهگین و بیمناکمان می سازد و بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم و حرمت رعایت کنیم و حقّ ادا نماییم. پس می گوییم: درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا، و ای عید دوستان او.

(۲۴) درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی و ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها.

(۲۵) درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد و اعمال در آن گسترده گشت.

(۲۶) درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود و چون از دست رفت، فقدانش غم انگیز بود و مایه امیدی که فراقش رنج آور بود.

(۲۷) درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت. و چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند.

(۲۸) درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن گردید و گناهان در آن کم شد.

(۲۹) درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد و همراهی که راه های احسان را آسان نمود.

(۳۰) درود بر تو. چه بسیار است آزاد شدگان (از عذاب) خدا در تو! و چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند!.

(۳۱) درود بر تو. چه محو کننده بودی، گناهان را! و چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!.

(۳۲) السّـلَامُ عَلَيـكَ مَا كَانَ أَطوَلَكَ عَلَى المُجرِمِينَ، وَ أَهيَبَكَ فِى صُـدُورِ المُؤمِنِينَ(۳۳) السّـلَامُ عَلَيكَ مِن شَهرٍ لَا تُنَافِسُهُ الأَيّامُ.
(۳۴) السّـلَامُ عَلَيكَ مِن شَـهرٍ هُوَ مِن كُلّ أَمرٍ سَلَامٌ(۳۵) السّـلَامُ عَلَيـكَ غَيرَ كَرِيهِ المُصَاحَبَهِ، وَ لَا ذَمِيمِ المُلَابَسَهِ(۳۶) السّلَامُ عَلَيكَ كَمَا وَفَدتَ عَلَينَا بِالبَرَكَاتِ، وَ غَسَـلتَ عَنّا دَنَسَ الخَطِيئَاتِ(۳۷) السّـلَامُ عَلَيكَ غَيرَ مُوَدّعٍ بَرَماً وَ لَا مَترُوكٍ صِيَامُهُ سَأَماً.(۳۸) السّلَامُ عَلَيكَ مِن مَطلُوبٍ قَبلَ وَقتِهِ، وَ مَحزُونٍ عَلَيهِ قَبلَ فَوتِهِ.(۳۹) السّلَامُ عَلَيكَ كَم مِن سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنّا، وَ كَم مِن خَيرٍ أُفِيضَ بِكَ عَلَينَا(۴۰) السّـلَامُ عَلَيكَ وَ عَلَى لَيلَهِ القَدرِ الّتِي هِيَ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ(۴۱) السّلَامُ عَلَيكَ مَا كَانَ أَحرَصَنَا بِالأَمسِ عَلَيكَ، وَ أَشَدّ شَوقَنَا غَداً إِلَيكَ.(۴۲) السّـلَامُ عَلَيـكَ وَ عَلَى فَضـلِكَ أَلّـذِى حُرِمنَاهُ، وَ عَلَى مَاضٍ مِن بَرَكَاتِكَ سُـلِبنَاهُ.(۴۳) أَللّهُمّ إِنّا أَهلُ هَـذَا الشّهرِ أَلّذِى شَرّفتَنَا بِهِ، وَ وَفّقتَنَا بِمَنّكَ لَهُ حِينَ جَهِلَ الأَشقِيَاءُ وَقتَهُ، وَ حُرِمُوا لِشَقَائِهِم فَضلَهُ.(۴۴) أَنتَ وَلِيّ مَا آثَرتَنَا بِهِ مِن مَعرِفَتِهِ، وَ هَـدَيتَنَا لَهُ مِن سُـنّتِهِ، وَ قَـد تَوَلّينَا بِتَوفِيقِكَ صِـيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقصِـيرٍ، وَ أَدّينَا فِيهِ قَلِيلًا مِن كَثِيرٍ.(۴۵) أَللّهُمّ فَلَكَ الحَمـدُ إِقرَاراً بِالإِسَاءَهِ، وَ اعتِرَافاً بِالإِضَاعَهِ، وَ لَكَ مِن قُلُوبِنَا عَقـدُ النّدَمِ، وَ مِن أَلسِـنَتِنَا صِدقُ الِاعتِذَارِ،فَأْجُرنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التّفرِيطِ أَجراً نَستَدرِكُ بِهِ الفَضلَ المَرغُوبَ فِيهِ، وَ نَعتَاضُ بِهِ مِن أَنوَاعِ الذّخرِ المَحرُوصِ عَلَيهِ.

ص: ۱۴۹۰

(۳۲) درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران! و چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!.

(۳۳) درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند.

(۳۴) درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

(۳۵) درود بر تو که همراهی اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست.

(۳۶) درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی.

(۳۷) درود بر تو نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

(۳۸) درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده و پیش از از دست رفتنش، بر آن اندوه خورند.

(۳۹) درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد! و چه بسیار نیکی ای که به وسیله تو، بر ما فزونی یافت!.

(۴۰) درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه.

(۴۱) درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

(۴۲) درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.

(۴۳) خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی و ما را برای آن به وسیله نعمتت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماهْ محروم گشتند.

(۴۴) تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی و ما را به روش آن، راهنمایی نمودی و ما را –با (همه) کوتاهیْ (کردن هایمان) – توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم. و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

(۴۵) خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بد کرداری، اقرار کننده و به سهل انگاری، اعتراف کننده ایم و پشیمانی قطعی دل هایمان و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست. پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم و با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم.

ص: ۱۴۹۱

(۴۶) وَ أَوجِب لَنَا عُذرَكَ عَلَى مَا قَصّرنَا فِيهِ مِن حَقّكَ، وَ ابلُغ بِأَعمَارِنَا مَا بَينَ أَيدِينَا مِن شَهرِ رَمَضَانَ المُقبِلِ، فَإِذَا بَلّغتَنَاهُ فَأَعِنّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنتَ أَهلُهُ مِنَ العِبَادَهِ، وَ أَدّنَا إِلَى القِيَامِ بِمَا يَستَحِقّهُ مِنَ الطّاعَهِ، وَ أَجرِ لَنَا مِن صَالِحِ العَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكاً لِحَقّكَ فِي الشّهرَينِ مِن شُهُورِ الدّهرِ. (۴۷) أَللّهُمّ وَ مَا أَلمَمنَا بِهِ فِي شَهرِنَا هَذَا مِن لَمَمٍ أَو إِثمٍ، أَو وَاقَعنَا فِيهِ مِن ذَنبٍ، وَ اكتَسَبنَا فِيهِ مِن خَطِيئَهٍ عَلَى تَعَمّدٍ مِنّا، أَو عَلَى نِسيَانٍ ظَلَمنَا فِيهِ أَنفُسَنَا، أَوِ انتَهَكنَا بِهِ حُرمَهً مِن غَيرِنَا،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ استُرنَا بِستركَ، وَ اعفُ عَنّا بِعَفوِكَ، وَ لَا تَنصِبنَا فِيهِ لِأَعيُنِ الشّامِتِينَ، وَ لَا تَبسُط عَلَينَا فِيهِ أَلسُنَ الطّاعِنِينَ، وَ استَعمِلنَا بِمَا يَكُونُ حِطّهً وَ كَفّارَهً لِمَا أَنكَرتَ مِنّا فِيهِ بِرَأفَتِكَ التّي لَا تَنفَدُ، وَ فَضلِكَ أَلّذِي لَا يَنقُصُ.(۴۸) أَللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجبُر مُصِيبَتَنَا بِشَهرِنَا، وَ بَارِك لَنَا فِي يَومِ عِيدِنَا وَ فِطرِنَا، وَ اجعَلهُ مِن خَيرِ يَومٍ مَرّ عَلَينَا أَجلَبِهِ لِعَفوٍ، وَ أَمحَاهُ لِذَنبٍ، وَ اغفِر لَنَا مَا خَفِيَ مِن ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ.(۴۹) أَللّهُمّ اسلَخنَا بِانسِلَاخِ هَذَا الشّهرِ مِن خَطَايَانَا، وَ أَخرِجنَا بِخُرُوجِهِ مِن سَيّئَاتِنَا، وَ اجعَلنَا مِن أَسعَدِ أَهلِهِ بِهِ، وَ أَجزَلِهِم قِسماً فِيهِ، وَ أَوفَرِهِم حَظّاً مِنهُ.(۵۰) أَللّهُمّ وَ مَن رَعَى هَذَا الشّهرَ حَقّ رِعَايَتِهِ، وَ حَفِظَ حُرمَتَهُ حَقّ حِفظِهَا، وَ قَامَ بِحُدُودِهِ حَقّ قِيَامِهَا، وَ اتّقَى ذُنُوبَهُ حَقّ تُقَاتِهَا، أَو تَقَرّبَ إِلَيكَ بِقُربَهٍ أَوجَبَت رِضَاكَ لَهُ، وَ عَطَفَت رَحمَتَكَ عَلَيهِ،فَهَب لَنَا مِثلَهُ مِن وُجدِكَ، وَ أَعطِنَا أَضعَافَهُ مِن فَضلِكَ، فَإِنّ فَضلَكَ لَا يَغِيضُ، وَ إِنّ خَزَائِنَكَ لَا تَنقُصُ بَل تَفِيضُ، وَ إِنّ مَعَادِنَ إِحسَانِكَ لَا تَفنَى، وَ إِنّ عَطَاءَكَ لَلعَطَاءُ المُهَنّا.

(۴۶) و (قبول) عـذر مـا را که در آن (مـاه) بر حقّت کوتـاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان و عمر ما -که در پیش روی ماست- را، به ماه رمضان آینـده برسان. پس چون ما را به آن رسانـدی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسـته آنی، یاری فرما. و ما را بر قیـام به طـاعتی که سـزاوار آن مـاه است، موفّق بـدار. و از اعمال شایسـته، آنچه را که سـبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

(۴۷) خداونـدا و گنـاه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شـدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشـی ای که در آن به خود سـتم کردیم یا با آن حرمت دیگری را پرده دری نمودیم؛ پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مـا را به پرده خود بپوشـان و به عفو خود از ما درگـذر و ما را در آن، پیش چشـمان شـماتت کننـدگان قرار نـده و زبان طعنه زننـدگان را در آن (ماه) بر ما نگشا و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضـلت که کم نمی گردد، مـا را در این (مـاه) به کاری که سـبب فروریختن و کفّاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسـندی، بگمار.

(۴۸) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست. مصیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن. و برای ما روز عید و فطرمان را مبـارک گردان. و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشـته است قرار ده که جلب کننـده ترین روز، برای عفو و محو کننـده ترین آن، برای گناه باشد. و گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.

(۴۹) خداوندا با گذشـتن این ماه، ما را از خطاها درآور. و با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر. و به وسیله آن، ما را از سعادتمندترین اهل آن و از پر نصیب ترین آنان در آن ماه و از بهره مند ترین ایشان از آن قرار ده.

(۵۰) خداونـدا و هر کس رعـایت کرده این مـاه را، به طوری که حقّ رعایتش است، و حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشـته، و حـدودش را آن طـوری که حقّش بـوده به پـا داشـته و از گناهـان خـویش به طـوری که حقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده، یـا به وسـیله عمـل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسـته، که خوشـنودی تو را برای او لازم گردانـده و رحمتت را به او برگردانـده؛ پس از (توانگری) نزد خودت،ماننـد آن را به ما ببخش و از فضـلت، چنـدین برابر آن را به ما عطا فرما. به درستی که فضـل تو کاستی پـذیر نیست و همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابـد و به درسـتی که معادن احسانت فنا نمی شود و به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.

ص: ۱۴۹۳

(۵۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكتُب لَنَا مِثلَ أجُورِ مَن صَامَهُ، أَو تَعَبّدَ لَکَ فِيهِ إِلَى يَوم القِيَامَهِ.(۵۲) أللّهُمّ إِنّا نَتُوبُ إِلَيکَ فِي يَوم فِطرِنَا ألّذِي جَعَلتَهُ لِلمُؤمِنِينَ عِيداً وَ سُرُوراً، وَ لِأَهلِ مِلّتِکَ مَجمَعاً وَ مُحتَشَداً مِن کُلّ ذَنبٍ أَذنَبنَاهُ، أَو سُوءٍ أَسلَفنَاهُ، أَو خَاطِرِ شَرّ أَضمَرنَاهُ،تَوبَهَ مَن لَا ينطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنبٍ، وَ لَا يَعُودُ بَعدَهَا فِي خَطِيئَهٍ،تَوبَهً نَصُوحاً خَلَصَت مِنَ الشّکّ وَ الِارتِيَابِ،فَتَقَبّلهَا مِنّا، وَ ارضَ عَنّا، وَ ثَبّتنَا عَلَيهَا.(۵۳) أللّهُمّ ارزُقنَا خَوفَ عِقَابِ الوَعِيدِ، وَ شَوقَ ثَوَابِ المَوعُودِ حَتّى نَجِدَ لَذّهَ مَا نَدعُوکَ بِهِ، وَ کَأبَهَ مَا نَستَجِيرُکَ مِنهُ.(۵۴) وَ اجعَلنَا عِندَکَ مِنَ التّوّابِينَ الّذِينَ أَوجَبتَ لَهُم مَحَبّتَکَ، وَ قَبِلتَ مِنهُم مُرَاجَعَهَ طَاعَتِکَ، يَا أَعدَلَ العَادِلِينَ.(۵۵) أللّهُمّ تَجَاوَز عَن آبَائِنَا وَ أُمّهَاتِنَا وَ أَهلِ دِينِنَا جَمِيعاً مَن سَلَفَ مِنهُم وَ مَن غَبَرَ إِلَى يَوم القِيَامَهِ. (۵۶) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ نَبِيّنَا وَ آلِهِ کَمَا صَلّيتَ عَلَى مَلَائِکَتِکَ المُقَرّبِينَ، وَ صَلّ عَلَيهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلّيتَ عَلَى أَنبِيَائِکَ المُرسَلِينَ، وَ صَلّ عَلَيهِ وَ آلِهِ کَمَا صَلّيتَ عَلَى عِبَادِکَ الصّالِحِينَ، وَ أَفضَلَ مِن ذَلِکَ يَا رَبّ العَالَمِينَ،صَلَاهً تَبلُغُنَا بَرَکَتُهَا، وَ يَنَالُنَا نَفعُهَا، وَ يُستَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا،إِنّکَ أَکرَمُ مَن رُغِبَ إِلَيهِ، وَ أَکفَى مَن تُوُکّلَ عَلَيهِ، وَ أَعطَى مَن سُئِلَ مِن فَضلِهِ، وَ أَنتَ عَلَى کُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ.

(۵۱) خداونـدا بر محمّـد و خاندانش درود فرست و برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.

(۵۲) خداونـدا مـا در روزِ فطرمـان که آن را برای اهـل ایمـانْ عیـد و شـادی و برای اهـل دینتْ محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، از هر گناهی که آن را مرتکب شده ایم یا بدی ای که در گذشـته انجام داده ایم یا اندیشه بدی که در دل داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسـی که بازگشـتن به گناه را در دل ندارد و پس از توبه به خطایی باز نمی گردد. توبه خالصـی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را از ما بپذیر و از ما خوشنود باش و ما را بر آن ثابت گردان.

(۵۳) خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده و شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می خواهیم و اندوه آنچه از آن به تو پناه می بریم، دریابیم.

(۵۴) و مـا را در نزد خود از توبه کننـدگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنهـا واجب نموده ای، و بـازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای. ای عادل ترین دادگران.

(۵۵) خداونـدا از پدران و مادران و همه هم کیشان ما، هر که از ایشان درگذشـته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رسـتاخیز درگذر.

(۵۶) خداونـدا بر محمّد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشـتگان مقرّبت درود فرسـتادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنـانکه بر پیامبران فرسـتاده شـده ات درود فرسـتادی. و بر او و خانـدانش درود فرست، همچنانکه بر بنـدگان شایسته ات درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد و دعای ما به سـبب آن مستجاب گردد. به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده و بی نیاز کننده تر کسی هستی که بر او اعتماد شده و بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده و تو بر هر چیزی توانایی.

ص: ۱۴۹۵

(۴۶) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی یَومِ الفِطرِ إِذَا انصَرَفَ مِن صَلَاتِهِ قَامَ قَائِماً ثُمّ استَقبَلَ القِبلَهَ، وَ فِی یَومِ الجُمُعَهِ، فَقَالَ

(۱) یَا مَن یَرحَمُ مَن لَا یَرحَمُهُ العِبَادُ(۲) وَ یَا مَن یَقبَلُ مَن لَا تَقبَلُهُ البِلَادُ(۳) وَ یَا مَن لَا یَحتَقِرُ أَهلَ الحَاجَهِ إِلَیهِ(۴) وَ یَا مَن لَا یُخَیّبُ المُلِحّینَ عَلَیهِ. (۵) وَ یَا مَن لَا یَجبَهُ بِالرّدّ أَهلَ الدّالّهِ عَلَیهِ(۶) وَ یَا مَن یَجتَبِی صَغِیرَ مَا یُتحَفُ بِهِ، وَ یَشکُرُ یَسِیرَ مَا یُعمَلُ لَهُ.(۷) وَ یَا مَن یَشکُرُ عَلَی القَلِیلِ وَ یُجَازِی بِالجَلِیلِ(۸) وَ یَا مَن یَدنُو إِلَی مَن دَنَا مِنهُ.(۹) وَ یَا مَن یَدعُو إِلَی نَفسِهِ مَن أَدبَرَ عَنهُ.(۱۰) وَ یَا مَن لَا یُغَیّرُ النّعمَهَ، وَ لَا یُبَادِرُ بِالنّقِمَهِ.(۱۱) وَ یَا مَن یُثمِرُ الحَسَنَهَ حَتّی یُنمِیَهَا، وَ یَتَجَاوَزُ عَنِ السّیّئَهِ حَتّی یُعَفّیَهَا.(۱۲)انصَرَفَتِ الآمَالُ دُونَ مَدَی کَرَمِکَ بِالحَاجَاتِ، وَ امتَلَأَت بِفَیضِ جُودِکَ أَوعِیَهُ الطّلِبَاتِ، وَ تَفَسّخَت دُونَ بُلُوغِ نَعتِکَ الصّفَاتُ،فَلَکَ العُلُوّ الأَعلَی فَوقَ کُلّ عَالٍ، وَ الجَلَالُ الأَمجَدُ فَوقَ کُلّ جَلَالٍ.(۱۳) کُلّ جَلِیلٍ عِندَکَ صَغِیرٌ، وَ کُلّ شَرِیفٍ فِی جَنبِ شَرَفِکَ حَقِیرٌ،خَابَ الوَافِدُونَ عَلَی غَیرِکَ، وَ خَسِرَ المُتَعَرّضُونَ إِلّا لَکَ، وَ ضَاعَ المُلِمّونَ إِلّا بِکَ، وَ أَجدَبَ المُنتَجِعُونَ إِلّا مَنِ انتَجَعَ فَضلَکَ

(۴۶)و از دعـای امـام علیه السـلام بود، در روز فطر و در روز جمعه، هنگـامی که سـلام گفت و از نمـازش فارغ شـده، ایسـتاد. سپس رو به قبله کرد و گفت:

(۱) ای کسی که رحم می کند، به آنکه بندگان به او رحم نمی کنند.

(۲) و ای کسی که می پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی پذیرند.

(۳) و ای کسی که حاجتمندانش را خوار و پست نمی شمارد.

(۴) و ای کسی که اصرار کنندگان خود را ناامید نمی کند.

(۵) و ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبّت او اعتماد دارند، نمی زند.

(۶) و ای کسی که تحفه خردی را که به او داده می شود، برمی گزیند و اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد.

(۷) و ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد.

(۸) و ای کسی که به هر که به او نزدیک شود، نزدیک می شود.

(۹) و ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گردانَد.

(۱۰) و ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد و به کیفر سخت، شتاب نمی کند.

(۱۱) و ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید و از بدی در می گذرد، تا آن را محو کند.

(۱۲) آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شـده است و ظرف خواسـته ها با زیادی جودت، پر گشـته است و توصـیف ها پیش از رسـیدن به وصف تو، از هم گسـیخته انـد. پس بلنـدترین بلنـدی بر فوق هر بلنـدی، و بزرگ ترین بزرگی بر فوق هر بزرگی برای توست.

(۱۳) هر بزرگی نزد تـو کوچـک، و هر بزرگـواری در کنـار بزرگواری ات حقیر است. آنـان که بر جز تو وارد شدنـد، نـاامید گشـتند و آنان که به غیر تو پرداختند، زیان دیدند و آنان که بر درگاه جز تو رفتند، ضایع شدند و جویندگان که غیر از فضـل تو جویا شدند، دچار خشکسالی گردیدند.

ص: ۱۴۹۷

(۱۴)بَابُکَ مَفتُوحٌ لِلرّاغِبِینَ، وَ جُودُکَ مُبَاحٌ لِلسّائِلِینَ، وَ إِغَاثَتُکَ قَرِیبَهٌ مِنَ المُستَغِیثِینَ.(۱۵) لَا یَخِیبُ مِنکَ الآمِلُونَ، وَ لَا یَیأَسُ مِن عَطَائِکَ المُتَعَرّضُونَ، وَ لایَشقَی بِنَقِمَتِکَ المُستَغفِرُونَ.(۱۶)رِزقُکَ مَبسُوطٌ لِمَن عَصَاکَ، وَ حِلمُکَ مُعتَرِضٌ لِمَن نَاوَاکَ،عَادَتُکَ الإِحسَانُ إِلَی المُسِیئِینَ، وَ سُنّتُکَ الإِبقَاءُ عَلَی المُعتَدِینَ حَتّی لَقَد غَرّتهُم أَنَاتُکَ عَنِ الرّجُوعِ، وَ صَدّهُم إِمهَالُکَ عَنِ النّزُوعِ.(۱۷) وَ إِنّمَا تَأَنّیتَ بِهِم لِیَفِیئُوا إِلَی أَمرِکَ، وَ أَمهَلتَهُم ثِقَهً بِدَوَامِ مُلکِکَ،فَمَن کَانَ مِن أَهلِ السّعَادَهِ خَتَمتَ لَهُ بِهَا، وَ مَن کَانَ مِن أَهلِ الشّقَاوَهِ خَذَلتَهُ لَهَا.(۱۸)کُلّهُم صَائِرُونَ، إِلَی حُکمِکَ، وَ أُمُورُهُم آئِلَهٌ إِلَی أَمرِکَ، لَم یَهِن عَلَی طُولِ مُدّتِهِم سُلطَانُکَ، وَ لَم یَدحَض لِترکِ مُعَاجَلَتِهِم بُرهَانُکَ. (۱۹)حُجّتُکَ قَائِمَهٌ لَا تُدحَضُ، وَ سُلطَانُکَ ثَابِتٌ لَا یَزُولُ،فَالوَیلُ الدّائِمُ لِمَن جَنَحَ عَنکَ، وَ الخَیبَهُ الخَاذِلَهُ لِمَن خَابَ مِنکَ، وَ الشّقَاءُ الأَشقَی لِمَنِ اغتَرّ بِکَ.(۲۰) مَا أَکثَرَ تَصَرّفَهُ فِی عَذَابِکَ، وَ مَا أَطوَلَ تَرَدّدَهُ فِی عِقَابِکَ، وَ مَا أَبعَدَ غَایَتَهُ مِنَ الفَرَجِ، وَ مَا أَقنَطَهُ مِن سُهُولَهِ المَخرَجِ عَدلًا مِن قَضَائِکَ لَا تَجُورُ فِیهِ، وَ إِنصَافاً مِن حُکمِکَ لَا تَحِیفُ عَلَیهِ. (۲۱)فَقَد ظَاهَرتَ الحُجَجَ، وَ أَبلَیتَ الأَعذَارَ، وَ قَد تَقَدّمتَ بِالوَعِیدِ، وَ تَلَطّفتَ فِی التّرغِیبِ، وَ ضَرَبتَ الأَمثَالَ، وَ أَطَلتَ الإِمهَالَ، وَ أَخّرتَ وَ أَنتَ مُستَطِیعٌ لِلمُعَاجَلَهِ، وَ تَأَنّیتَ وَ أَنتَ مَلِی ءٌ بِالمُبَادَرَهِ

(۱۴) درِ تو برای آنان که خواهانند، باز است و بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است و فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است.

(۱۵) آرزومندان از (درگاه) تو بی بهره نمی شوند و آنان که به تو پرداختند، از عطایت مأیوس نمی گردند و آمرزش خواهان به کیفرت تیره بخت نمی شوند.

(۱۶) روزیِ تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است. عادت تو احسان به بدکاران، و روش تو مهربانی با تجاوز کنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد و فرصت دادن تو، آنها را از دست برداشتن بازداشت.

(۱۷) همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند و از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری. پس هر که از سعادتمندان باشد، برایش به سعادت پایان دهی و هر که از شقاوتمندان باشد، او را از آن جهت خوار می کنی.

(۱۸) همه ایشان به حکم تو می رسند و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید. درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است.

(۱۹) حجّت تو پابرجاست که باطل نمی شود و سلطنت تو ثابت و بی زوال است. پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته و یأس ذلّت بار برای کسیست که از تو ناامید شده و بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته.

(۲۰) چه زیاد است از حالی به حالی گشتن او، در عذاب تو! و چه طولانی است پی درپی بازگشتنش، در کیفرت! و چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود! و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی. و از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

(۲۱) پس به تحقیق حجّت ها را، پی درپی آشکار کرده ای و عذرها را، بیان نموده ای و هشدارها را، پیشتر داده ای و با لطف خود، ترغیب نموده ای و مَثَل ها زده ای و مهلتِ طولانی داده ای و با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای و با آنکه به پیش دستی کردن قادری، درنگ نموده ای.

(۲۲) لَم تَکن أَنَاتُـکَ عَجزاً، وَ لَـا إِمهَالُـکَ وَهنـاً، وَ لَـا إِمسَاکُکَ غَفلَهً، وَ لَا انتِظَارُکَ مُـدَارَاهً،بَل لِتَکُونَ حُجّتُکَ أَبلَغَ، وَ کَرَمُکَ أَکمَـلَ، وَ إِحسَانُـکَ أَوفَی، وَ نِعمَتُـکَ أَتَمّ، کُـلّ ذَلِـکَ کَـانَ وَ لَـم تَزَل، وَ هُوَ کَائِنٌ وَ لَا تَزَالُ.(۲۳)حُجّتُکَ أَجَلّ مِن أَن تُوصَـفَ بِکُلّهَا، وَ مَجدُکَ أَرفَعُ مِن أَن یُحَدّ بِکُنهِهِ، وَ نِعمَتُکَ أَکثَرُ مِن أَن تُحصَی بِأَسرِهَا، وَ إِحسَانُکَ أَکثَرُ مِن أَن تُشکَرَ عَلَی أَقَلّهِ(۲۴) وَ قَد قَصّـرَ بِیَ السّـکُوتُ عَن تَحمِیدِکَ، وَ فَهّهَنِیَ الإِمسَاکُ عَن تَمجِیدِکَ، وَ قُصَارَایَ الإِقرَارُ بِالحُسُورِ، لَا رَغبَهً یَا إِلَهِی بَل عَجزاً.
(۲۵)فَهَـا أَنَـا ذَا أَؤُمّـکَ بِالوِفَادَهِ، وَ أَسأَلُکَ حُسنَ الرّفَادَهِ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّـدٍ وَ آلِهِ، وَ اسـمَع نَجوَایَ، وَ استَجِب دُعَائِی، وَ لَا تَختِم یَومِی بِخَیبَتِی، وَ لَا تَجبَهنِی بِالرّدّ فِی مَسأَلَتِی، وَ أَکرِم مِن عِنـدِکَ مُنصَـرَفِی، وَ إِلَیکَ مُنقَلَبِی،إِنّکَ غَیرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِیـدُ، وَ لَا عَاجِزٍ عَمّا تُسأَلُ، وَ أَنتَ عَلَی کُلّ شَیءٍ قَدِیرٌ، وَ لَا حَولَ وَ لَا قُوّهَ إِلّا بِاللّهِ العَلِیّ العَظِیمِ.

(۲۲) درنـگ نمـودن تـو از روی نـاتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سـستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تأخیر انـداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر، و کرم تو کامل تر، و احسان تو فراوان تر، و نعمت تو تمام تر باشد و همه آن ها از ازل بوده است، و آنها تا ابد پایدار خواهد بود.

(۲۳) حجّت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود، و بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به حدّی درآیـد، و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید، و احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد.

(۲۴) و سکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته، و خودداریْ (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده، و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی -ای خدای من- بلکه از روی ناتوانی است.

(۲۵) پس اینک منم که آهنگ آمـدن به درگاه تو را نمودم و پـذیرایی نیکو از تو می خواهم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و نجوایم را بشنو و دعـایم را مستجاب کن و روزم را به ناامیـدی به پایـان نرسان و در خواهشم، دست رد بر پیشانی ام نزن و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار. به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست و از آنچه از تـو درخـواست شـود، نـاتوان نیستی و تو بر هر چیزی توانـایی و هیـچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یـاری خـداوند بلندمرتبه بزرگ.

ص: ۱۵۰۱

(۴۷) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِى يَومِ عَرَفَهَ

(۱)الحَمدُ لِلّهِ رَبّ العَالَمِينَ(۲) أللّهُمّ لَکَ الحَمدُ بَدِيعَ السّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ،ذَا الجَلَالِ وَ الإِكرَامِ،رَبّ الأَربَابِ، وَ إِلَهَ كُلّ مَألُوهٍ، وَ خَالِقَ كُلّ مَخلُوقٍ، وَ وَارِثَ كُلّ شَىءٍ، لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ، وَ لَا يَعزُبُ عَنهُ عِلمُ شَىءٍ، وَ هُوَ بِكُلّ شَىءٍ مُحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلّ شَىءٍ رَقِيبٌ.(۳) أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الأَحَدُ المُتَوَحّدُ الفَردُ المُتَفَرّدُ(۴) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الكَرِيمُ المُتَكَرّمُ،العَظِيمُ المُتَعَظّمُ،الكَبِيرُ المُتَكَبّرُ(۵) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،العَلِىّ المُتَعَالِ،الشّدِيدُ المِحَالِ(۶) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الرّحمَنُ الرّحِيمُ،العَلِيمُ الحَكِيمُ.(۷) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،السّمِيعُ البَصِيرُ،القَدِيمُ الخَبِيرُ(۸) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الكَرِيمُ الأَكرَمُ،الدّائِمُ الأَدوَمُ،(۹) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الأَوّلُ قَبلَ كُلّ أَحَدٍ، وَ الآخِرُ بَعدَ كُلّ عَدَدٍ(۱۰) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الدّانِي فِى عُلُوّهِ، وَ العَالِي فِى دُنُوّهِ(۱۱) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،ذُو البَهَاءِ وَ المَجدِ، وَ الكِبرِيَاءِ وَ الحَمدِ(۱۲) وَ أَنتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ، أَلّذِى أَنشَأتَ الأَشيَاءَ مِن غَيرِ سِنخٍ، وَ صَوّرتَ مَا صَوّرتَ مِن غَيرِ مِثَالٍ، وَ ابتَدَعتَ المُبتَدَعَاتِ بِلَا احتِذَاءٍ.

ص: ۱۵۰۲

(۴۷)و از دعای امام علیه السلام بود، در روز عرفه

(۱) سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

(۲) خداوندا سپاس برای توست. پدیدآورنده آسمان ها و زمین. دارای بزرگواری و کرم. دارنده دارندگان و خدای خدایان و آفریدگار آفریدگان و وارث هر چیز. چیزی مانند او نیست و چیزی از علم او پنهان نیست و او به هر چیزی احاطه دارد و او بر هر چیز نگهبان است.

(۳) تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. یکتای یگانه تنهای بی نظیر.

(۴) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت، عظیم در نهایت عظمت، بزرگ در نهایت بزرگی.

(۵) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندیِ مرتبه، سخت کیفر می کند.

(۶) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بخشنده مهربان، دانای حکیم.

(۷) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا، قدیم آگاه.

(۸) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریم بزرگوار، ابدی پایدار.

(۹) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. نخستین پیش از هر کس و آخرین بعد از هر شمار.

(۱۰) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. با وجود بلندی خودْ نزدیک، و با وجود نزدیکی خودْ بلندی.

(۱۱) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.

(۱۲) و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که اشیا را بدون هیچ اصلی آفریدی و صورت ها را بدون نمونه نگاشتی و نو پیداها را بدون پیروی (از الگویی) پدید آوردی.

(۱۳) أَنتَ أَلّذِی قَدّرتَ كُلّ شَیءٍ تَقدِیراً، وَ یَسّرتَ كُلّ شَیءٍ تَیسِیراً، وَ دَبّرتَ مَا دُونَكَ تَدبِیراً(۱۴) أَنتَ أَلّذِی لَم یُعِنكَ عَلَی خَلقِكَ شَرِیكٌ، وَ لَم یُوَازِركَ فِی أَمرِكَ وَزِیرٌ، وَ لَم یَكُن لَكَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِیرٌ.(۱۵) أَنتَ أَلّذِی أَرَدتَ فَكَانَ حَتماً مَا أَرَدتَ، وَ قَضَیتَ فَكَانَ عَدلًا مَا قَضَیتَ، وَ حَكَمتَ فَكَانَ نِصفاً مَا حَكَمتَ.(۱۶) أَنتَ أَلّذِی لَا یَحوِیكَ مَكَانٌ، وَ لَم یَقُم لِسُلطَانِكَ سُلطَانٌ، وَ لَم یُعیِكَ بُرهَانٌ وَ لَا بَیَانٌ.(۱۷) أَنتَ أَلّذِی أَحصَیتَ كُلّ شَیءٍ عَدَداً، وَ جَعَلتَ لِكُلّ شَیءٍ أَمَداً، وَ قَدّرتَ كُلّ شَیءٍ تَقدِیراً.(۱۸) أَنتَ أَلّذِی قَصُرَتِ الأَوهَامُ عَن ذَاتِیّتِكَ، وَ عَجَزَتِ الأَفهَامُ عَن كَیفِیّتِكَ، وَ لَم تُدرِكِ الأَبصَارُ مَوضِعَ أَینِیّتِكَ.(۱۹) أَنتَ أَلّذِی لَا تُحَدّ فَتَكُونَ مَحدُوداً، وَ لَم تُمَثّل فَتَكُونَ مَوجُوداً، وَ لَم تَلِد فَتَكُونَ مَولُوداً.(۲۰) أَنتَ أَلّذِی لَا ضِدّ مَعَكَ فَیُعَانِدَكَ، وَ لَا عِدلَ لَكَ فَیُكَاثِرَكَ، وَ لَا نِدّ لَكَ فَیُعَارِضَكَ.(۲۱) أَنتَ أَلّذِی ابتَدَأَ، وَ اختَرَعَ، وَ استَحدَثَ، وَ ابتَدَعَ، وَ أَحسَنَ صُنعَ مَا صَنَعَ.(۲۲)سُبحَانَكَ مَا أَجَلّ شَأنَكَ، وَ أَسنَی فِی الأَمَاكِنِ مَكَانَكَ، وَ أَصدَعَ بِالحَقّ فُرقَانَكَ(۲۳)سُبحَانَكَ مِن لَطِیفٍ مَا أَلطَفَكَ، وَ رَءُوفٍ مَا أَرأَفَكَ، وَ حَكِیمٍ مَا أَعرَفَكَ(۲۴)سُبحَانَكَ مِن مَلِیكٍ مَا أَمنَعَكَ، وَ جَوَادٍ مَا أَوسَعَكَ، وَ رَفِیعٍ مَا أَرفَعَكَ ذُو البَهَاءِ وَ المَجدِ وَ الكِبرِیَاءِ وَ الحَمدِ.(۲۵)سُبحَانَكَ بَسَطتَ بِالخَیرَاتِ یَدَكَ، وَ عُرِفَتِ الهِدَایَةُ مِن عِندِكَ،فَمَنِ التَمَسَكَ لِدِینٍ أَو دُنیَا وَجَدَكَ(۲۶)سُبحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَن جَرَی فِی عِلمِكَ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرشِكَ، وَ انقَادَ لِلتّسلِیمِ لَكَ كُلّ خَلقِكَ

(۱۳) تویی آنکه هر چیزی را اندازه معلوم زدی و هر چیز را برای هدفش، آماده ساختی و ما سِوای خود را اداره نمودی.

(۱۴) تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد و در کارت، وزیری تو را کمک نکرده و برای تو بیننده و مانندی نبوده است.

(۱۵) تویی آنکه اراده کردی و اراده ات حتمی شد و قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود.

(۱۶) تویی آنکه مکانی تو را فرا نمی گیرد و در برابر سلطنت تو، سلطنتی پابرجایی ندارد و دلیل روشن و سخن آشکاری، تو را عاجز نکرده است.

(۱۷) تویی آنکه هر چیز را یک یک شمرده ای و برای هر چیز پایانی قرار داده ای و هر چیز را به اندازه معلوم ایجاد نموده ای.

(۱۸) تویی آنکه اندیشه ها از حقیقت ذات تو قاصرند و فهم ها از کیفیّت تو عاجزند و دیده ها جا و مکان تو را در نیافتند.

(۱۹) تویی آنکه حدّی نداری، تا محدود باشی و به چیزی مانند نشده ای، تا آفریده شده باشی و فرزندی نیاورده ای، تا زائیده شده باشی.

(۲۰) تویی آنکه ضدّی نداری تا با تو دشمنی کند. و همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند و مانندی نداری تا با تو معارضه کند.

(۲۱) تویی آنکه بدون نمونه آفرید و اختراع نمود و پدید آورد و تازه آفرید و آفرینش آنچه را که آفرید، نیک گرداند.

(۲۲) پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو! و چه بلند است در مکان ها، مکان تو! و چه آشکار کننده حقّ است کتاب فرق گذار (قرآن) تو!

(۲۳) پاک و منزّهی! ای لطیفی که چه بسیار لطیفی! و رئوفی که چه بسیار رئوفی! و حکیمی که چه بسیار آگاهی!

(۲۴) پاک و منزّهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری! و بخشنده که بسیار توانگری! و بلندمرتبه که بسیار بلند مرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایش.

(۲۵) پاک و منزّهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای و هدایت از جانب تو شناخته شد. پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد.

(۲۶) پاک و منزّهی! هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت و آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد. و همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده اند.

(۲۷)سُبحَانَکَ لَا تُحَسّ وَ لَا تُجَسّ وَ لَا تُمَسّ وَ لَا تُکَادُ وَ لَا تُمَاطُ وَ لَا تُنَازَعُ وَ لَا تُجَارَی وَ لَا تُمَارَی وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَاکَرُ(۲۸)سُبحَانَکَ سَبِیلُکَ جَدَدٌ. وَ أَمرُکَ رَشَدٌ، وَ أَنتَ حیّ صَمَدٌ.(۲۹)سُبحَانَکَ قَولُکَ حُکمٌ، وَ قَضَاؤُکَ حَتمٌ، وَ إِرَادَتُکَ عَزمٌ.(۳۰)سُبحَانَکَ لَا رَادّ لِمَشِیّتِکَ، وَ لَا مُبَدّلَ لِکَلِمَاتِکَ.(۳۱)سُبحَانَکَ بَاهِرَ الآیَاتِ،فَاطِرَ السّمَاوَاتِ،بَارِئَ النّسَمَاتِ(۳۲) لَکَ الحَمدُ حَمداً یَدُومُ بِدَوَامِکَ(۳۳) وَ لَکَ الحَمدُ حَمداً خَالِداً بِنِعمَتِکَ.(۳۴) وَ لَکَ الحَمدُ حَمداً یُوَازِی صُنعَکَ(۳۵) وَ لَکَ الحَمدُ حَمداً یَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ.(۳۶) وَ لَکَ الحَمدُ حَمداً مَعَ حَمدِ کُلّ حَامِدٍ، وَ شُکراً یَقصُرُ عَنهُ شُکرُ کُلّ شَاکِرٍ(۳۷)حَمداً لَا یَنبَغِی إِلّا لَکَ، وَ لَا یُتَقَرّبُ بِهِ إِلّا إِلَیکَ(۳۸)حَمداً یُستَدَامُ بِهِ الأَوّلُ، وَ یُستَدعَی بِهِ دَوَامُ الآخِرِ.(۳۹)حَمداً یَتَضَاعَفُ عَلَی کُرُورِ الأَزمِنَهِ، وَ یَتَزَایَدُ أَضعَافاً مُتَرَادِفَهً.(۴۰)حَمداً یَعجِزُ عَن إِحصَائِهِ الحَفَظَهُ، وَ یَزِیدُ عَلَی مَا أَحصَتهُ فِی کِتَابِکَ الکَتَبَهُ(۴۱)حَمداً یُوازِنُ عَرشَکَ المَجِیدَ وَ یُعَادِلُ کُرسِیّکَ الرّفِیعَ.(۴۲)حَمداً یَکمُلُ لَدَیکَ ثَوَابُهُ، وَ یَستَغرِقُ کُلّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ(۴۳)حَمداً ظَاهِرُهُ وَفقٌ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفقٌ لِصِدقِ النّیّهِ(۴۴)حَمداً لَم یَحمَدکَ خَلقٌ مِثلَهُ، وَ لَا یَعرِفُ أَحَدٌ سِوَاکَ فَضلَهُ(۴۵)حَمداً یُعَانُ مَنِ اجتَهَدَ فِی تَعدِیدِهِ، وَ یُؤَیّدُ مَن أَغرَقَ نَزعاً فِی تَوفِیَتِهِ.(۴۶)حَمداً یَجمَعُ مَا خَلَقتَ مِنَ الحَمدِ، وَ یَنتَظِمُ مَا أَنتَ خَالِقُهُ مِن بَعدُ.

(۲۷) پاک و منزّهی! نه حس می شوی و نه قابل جستجو هستی و نه لمس می گردی و نه نیرنگ می خوری و نه با مقاومت برکنار می روی و نه قابل نزاع هستی و نه با کسی کشمکش داری و نه بگو مگو می کنی و نه فریب می خوری و نه با تو حیله گری شود.

(۲۸) پاک و منزّهی! راه تو هموار، و فرمانت هدایتگر است و تویی زنده بی نیاز.

(۲۹) پاک و منزّهی! گفتارت حکمت، و فرمانت واجب، و اراده ات حتمی است.

(۳۰) پاک و منزّهی! برای مشیّت تو باز گرداننده ای، و برای کلماتت تغییر دهنده ای نیست.

(۳۱) پاک و منزّهی! ای که نشانه هایت آشکار است. آفریننده آسمان، پدیدآورنده جان ها.

(۳۲) سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است.

(۳۳) و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید مانَد.

(۳۴) و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند.

(۳۵) و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید.

(۳۶) و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد، و ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن بازمانَد.

(۳۷) سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد و به وسیله آن جز به سوی تو، تقرّب نتوان جست.

(۳۸) سپاسی که دوام اوّلین و بقای آخِرین، به وسیله آن درخواست گردد.

(۳۹) سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود و پیوسته، چندین برابر افزایش یابد.

(۴۰) سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد.

(۴۱) سپاسی که با عرش بزرگ تو هم سنگ باشد، و با کرسی بلند پایه ات برابری نماید.

(۴۲) سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد، و جزایش همه جزاها را فراگیرد.

(۴۳) سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیّت صادقانه موافق باشد.

(۴۴) سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد و احدی جز تو، فضیلت آن را نداند.

(۴۵) سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد و هر که زیاده روی نمود در کامل به جا آوردن آن، تأیید شود.

(۴۶) سپاسی که آنچه از سپاس ها آفریدی را گرد آورد، و هر سپاسی که پس از آن بیافرینی را دربر گیرد.

ص: ۱۵۰۷

(۴۷)حمداً لَا حَمدَ أَقرَبُ إلَی قَولِکَ مِنهُ، وَ لَا أَحمَدَ مِمّن یَحمَدُکَ بِهِ.(۴۸)حمداً یُوجِبُ بِکَرَمِکَ المَزِیدَ بِوُفُورِهِ، وَ تَصِلُهُ بِمَزِیدٍ بَعدَ مَزِیدٍ طَولًا مِنکَ (۴۹)حمداً یَجِبُ لِکَرَمِ وَجهِکَ، وَ یُقَابِلُ عِزّ جَلَالِکَ.(۵۰)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ،المُنتَجَبِ المُصطَفَی المُکَرّمِ المُقَرّبِ،أَفضَلَ صَلَوَاتِکَ، وَ بَارِک عَلَیهِ أَتَمّ بَرَکَاتِکَ، وَ تَرَحّم عَلَیهِ أَمتَعَ رَحَمَاتِکَ.(۵۱)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاةً زَاکِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ أَزکَی مِنهَا، وَ صَلّ عَلَیهِ صَلَاةً نَامِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ أَنمَی مِنهَا، وَ صَلّ عَلَیهِ صَلَاةً رَاضِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ فَوقَهَا.(۵۲)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاةً تُرضِیهِ وَ تَزِیدُ عَلَی رِضَاهُ، وَ صَلّ عَلَیهِ صَلَاةً تُرضِیکَ وتَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ لَهُ وَ صَلّ عَلَیهِ صَلَاةً لَا تَرضَی لَهُ إِلّا بِهَا، وَ لَا تَرَی غَیرَهُ لَهَا أَهلًا.(۵۳)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضوَانَکَ، وَ یَتّصِلُ اتّصَالُهَا بِبَقَائِکَ، وَ لَا یَنفَدُ کَمَا لَا تَنفَدُ کَلِمَاتُکَ.(۵۴)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاةً تَنتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ وَ أَنبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ أَهلِ طَاعَتِکَ، وَ تَشتَمِلُ عَلَی صَلَوَاتِ عِبَادِکَ مِن جِنّکَ وَ إِنسِکَ وَ أَهلِ إِجَابَتِکَ، وَ تَجتَمِعُ عَلَی صَلَاةِ کُلّ مَن ذَرَأتَ وَ بَرَأتَ مِن أَصنَافِ خَلقِکَ.(۵۵)رَبّ صَلّ عَلَیهِ وَ آلِهِ،صَلَاةً تُحِیطُ بِکُلّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُستَأنَفَةٍ، وَ صَلّ عَلَیهِ وَ عَلَی آلِهِ،صَلَاةً مَرضِیّةً لَکَ وَ لِمَن دُونَکَ، وَ تُنشِئُ مَعَ ذَلِکَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلکَ الصّلَوَاتِ عِندَهَا، وَ تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الأَیّامِ زِیَادَةً فِی تَضَاعِیفَ لَا یَعُدّهَا غَیرُکَ.

(۴۷) سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد و هیچ سپاس گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس گزارَد، نباشد.

(۴۸) سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گردانَد و تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی درپی پیوند دهی.

(۴۹) سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو، و با عزّتِ جلال تو برابر باشد.

(۵۰) پروردگار من، بر محمّد و خاندان محمّد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرّب داشته شده اند، برترین درودهایت را بفرست و کامل ترین برکت هایت را بر او روان ساز و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست.

(۵۱) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درود پیراسته ای که درودی پیراسته تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود خوشنود کننده ای که درودی بالاتر از آن نباشد.

(۵۲) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی و جز او را سزاوار آن نبینی.

(۵۳) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد و اتّصالش به بقای تو پیوند خورد و تمام نشود، همچنانکه کلمات تو تمام نمی شود.

(۵۴) پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگانت از جن و اِنست و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود و درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.

(۵۵) پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد. و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد و با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند.

ص: ۱۵۰۹

(۵۶)رَبّ صَلّ عَلَی أَطَایِبِ أَهلِ بَیتِهِ الّذِینَ اختَرتَهُم لِأَمرِکَ، وَ جَعَلتَهُم خَزَنَهَ عِلمِکَ، وَ حَفَظَهَ دِینِکَ، وَ خُلَفَاءَکَ فِی أَرضِکَ، وَ حُجَجَکَ عَلَی عِبَادِکَ، وَ طَهّرتَهُم مِنَ الرّجسِ وَ الدّنَسِ تَطهِیراً بِإِرَادَتِکَ، وَ جَعَلتَهُمُ الوَسِیلَهَ إِلَیکَ، وَ المَسلَکَ إِلَی جَنّتِکَ (۵۷)رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ،صَلَاهً تُجزِلُ لَهُم بِهَا مِن نِحَلِکَ وَ کَرَامَتِکَ، وَ تُکمِلُ لَهُمُ الأَشیَاءَ مِن عَطَایَاکَ وَ نَوَافِلِکَ، وَ تُوَفّرُ عَلَیهِمُ الحَظّ مِن عَوَائِدِکَ وَ فَوَائِدِکَ.(۵۸)رَبّ صَلّ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم صَلَاهً لَا أَمَدَ فِی أَوّلِهَا، وَ لَا غَایَهَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَایَهَ لِآخِرِهَا. (۵۹)رَبّ صَلّ عَلَیهِم زِنَهَ عَرشِکَ وَ مَا دُونَهُ، وَ ملِ ءَ سَمَاوَاتِکَ وَ مَا فَوقَهُنّ، وَ عَدَدَ أَرَضِیکَ وَ مَا تَحتَهُنّ وَ مَا بَینَهُنّ،صَلَاهً تُقَرّبُهُم مِنکَ زُلفَی، وَ تَکُونُ لَکَ وَ لَهُم رِضًی، وَ مُتّصِلَهً بِنَظَائِرِهِنّ أَبَداً.(۶۰) أَللّهُمّ إِنّکَ أَیّدتَ دِینَکَ فِی کُلّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمتَهُ عَلَماً لِعِبَادِکَ، وَ مَنَاراً فِی بِلَادِکَ بَعدَ أَن وَصَلتَ حَبلَهُ بِحَبلِکَ، وَ جَعَلتَهُ الذّرِیعَهَ إِلَی رِضوَانِکَ، وَ افتَرَضتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذّرتَ مَعصِیَتَهُ، وَ أَمَرتَ بِامتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الِانتِهَاءِ

عِندَ نَهیِهِ، وَ أَلّا یَتَقَدّمَهُ مُتَقَدّمٌ، وَ لَا یَتَأَخّرَ عَنهُ مُتَأَخّرٌ فَهُوَ عِصمَهُ اللّائِذِینَ، وَ کَهفُ المُؤمِنِینَ وَ عُروَهُ المُتَمَسّکِینَ، وَ بَهَاءُ العَالَمِینَ. (۶۱) أَللّهُمّ فَأَوزِع لِوَلِیّکَ شُکرَ مَا أَنعَمتَ بِهِ عَلَیهِ، وَ أَوزِعنَا مِثلَهُ فِیهِ، وَ آتِهِ مِن لَدُنکَ سُلطَاناً نَصِیراً، وَ افتَح لَهُ فَتحاً یَسِیراً، وَ أَعِنهُ بِرُکنِکَ الأَعَزّ، وَ اشدُد أَزرَهُ، وَ قَوّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَینِکَ، وَ احمِهِ بِحِفظِکَ وَ انصُرهُ بِمَلَائِکَتِکَ، وَ امدُدهُ بِجُندِکَ الأَغلَبِ.

(۵۶) پروردگـار من، بر پـاکیزه تران خـانواده اش درود فرست، آنـان که برای فرمـان خـود برگزیـدی و آنـان را گنجینه داران علمت و نگهبانان دینت و جانشینان خود در زمینت و حجّت های خویش بر بندگانت قرار دادی. و به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی و آنها را وسیله ای به سوی خود و راهی به سوی بهشتت قرار دادی.

(۵۷) پروردگـار من، بر محمّـد و خانـدانش درود فرست، درودی که بـا آن بخشـش و کرامتت را برای ایشـان بسـیار سـازی و چیزهایی از عطاها و بخشش هایت را برای آنها کامل گردانی و بهره یِ آنان را از نعمت ها و سودهایت فراوان گردانی.

(۵۸) پروردگـار مـن، بر او و بر آنهـا درود فرسـت، درودی کـه مرزی در اوّلش و زمـانی برای پایـانش و نهـایتی برای آخرش نباشد.

(۵۹) پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است و به گنجایش آسـمان هایت و آنچه در بالای آنهاسـت و به تعداد زمین هایت و آنچه زیر آنها و میان آنهاست، درود فرست. درودی که ایشان را هر چه بیشتر به تو نزدیک گرداند و برای تو و برای ایشان پسندیده باشد و تا ابد به مانندهای آن (درودها) متّصل باشد.

(۶۰) خداونـدا، همانـا تـو دین خود را در هر زمـانی به امـامی تأییـد کرده ای، که او را نشـانه ای برای بنـدگانت و علامتی در شهرهایت به پا داشتی، پس از آنکه ریسـمان او را به ریسـمان خود پیوستی و او را سبب رسیدن به خوشنودی ات قرار دادی و فرمـانبری او را واجب گردانـدی و از نافرمـانی اش برحـذر داشتی و فرمان دادی که به امرهای او امتثال کننـد و از نهی های او بازایسـتند و هیچ پیشـی گیرنده ای از او پیشـی نگیرد و هیچ بازمانده ای از او بازنماند. پس او نگهدارنده پناهندگان و پناهگاه مؤمنان و دستاویز چنگ زنندگان و ارجمندیِ جهانیان است.

(۶۱) خداونـدا، پس به ولیّ خود، شـکرِ آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شـکر) را در نعمت، به ما الهام نما و او را از جانب خود، سـلطنتی پیروزمند عطا فرما و برای او پیروزی به آسانی بگشای و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یـاری فرمـا و پشـتش را محکم سـاز و بازویش را قوّت ده و تحت نظر خود، از او نگهـداری کن و با حفظ خویش، او را پشتیبانی کن و با فرشتگانت یاری اش نما و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.

ص: ۱۵۱۱

(۶۲) وَ أَقِم بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ،صَلَوَاتُكَ أللّهُمّ عَلَيهِ وَ آلِهِ، وَ أحىِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظّالِمُونَ مِن مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجلُ بِهِ صَدَاءَ الجَورِ عَن طَرِيقَتِكَ، وَ أَبِن بِهِ الضّرّاءَ مِن سَبِيلِكَ، وَ أَزِل بِهِ النّاكِبِينَ عَن صِرَاطِكَ، وَ امحَق بِهِ بُغَاةَ قَصدِكَ عِوَجاً (۶۳) وَ أَلِن جَانِبَهُ لِأَولِيَائِكَ، وَ ابسُط يَدَهُ عَلَى أَعدَائِكَ، وَ هَب لَنَا رَأفَتَهُ، وَ رَحمَتَهُ وَ تَعَطّفَهُ وَ تَحَنّنَهُ، وَ اجعَلنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِى رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نُصرَتِهِ وَ المُدَافَعَهِ عَنهُ مُكنِفِينَ، وَ إِلَيكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ أللّهُمّ عَلَيهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرّبِينَ.(۶۴) أللّهُمّ وَ صَلّ عَلَى أَولِيَائِهِمُ المُعتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ،المُتّبِعِينَ مَنهَجَهُمُ،المُقتَفِينَ آثَارَهُمُ،المُستَمسِكِينَ بِعُروَتِهِمُ،المُتَمَسّكِينَ بِوِلَايَتِهِمُ،المُؤتَمّينَ بِإِمَامَتِهِمُ،المُسَلّمِينَ لِأَمرِهِمُ،المُجتَهِدِينَ فِى طَاعَتِهِمُ،المُنتَظِرِينَ أَيّامَهُمُ،المَادّينَ إِلَيهِم أَعيُنَهُمُ،الصّلَوَاتِ المُبَارَكَاتِ الزّاكِيَاتِ النّامِيَاتِ الغَادِيَاتِ الرّائِحَاتِ.(۶۵) وَ سَلّم عَلَيهِم وَ عَلَى أَروَاحِهِم، وَ اجمَع عَلَى التّقوَى أَمرَهُم، وَ أَصلِح لَهُم شُئُونَهُم، وَ تُب عَلَيهِم،إِنّكَ أَنتَ التّوّابُ الرّحِيمُ، وَ خَيرُ الغَافِرِينَ، وَ اجعَلنَا مَعَهُم فِى دَارِ السّلَامِ بِرَحمَتِكَ، يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ.(۶۶) أللّهُمّ هَذَا يَومُ عَرَفَهَ يَومٌ شَرّفتَهُ وَ كَرّمتَهُ وَ عَظّمتَهُ،نَشَرتَ فِيهِ رَحمَتَكَ، وَ مَنَنتَ فِيهِ بِعَفوِكَ، وَ أَجزَلتَ فِيهِ عَطِيّتَكَ، وَ تَفَضّلتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ.(۶۷) أللّهُمّ وَ أَنَا عَبدُكَ أَلّذِى أَنعَمتَ عَلَيهِ قَبلَ خَلقِكَ لَهُ وَ بَعدَ خَلقِكَ إِيّاهُ،فَجَعَلتَهُ مِمّن هَدَيتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَفّقتَهُ لِحَقّكَ، وَ عَصَمتَهُ بِحَبلِكَ، وَ أَدخَلتَهُ فِى حِزبِكَ، وَ أَرشَدتَهُ لِمُوَالَاهِ أَولِيَائِكَ، وَ مُعَادَاهِ أَعدَائِكَ.

ص: ۱۵۱۲

(۶۲) و کتاب خود و احکامت و قوانینت و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد- به وسیله او به پا دار و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان و با او زنگار ستم را از راهت بزدای و به سبب او سختی را از راهت دور کن و به وسیله او منحرفان را از راهت بیرون کن و به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان.

(۶۳) و خوی او را برای دوستانت نرم فرما و دستش را بر دشمنانت بگستر و محبّت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار و ما را برای او شنوندگان، فرمانبران، و کوشا در خوشنودی او، و در مدد نمودنش و دفاع از او یاری کنندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت -که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش بفرست- قرار ده.

(۶۴) خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقامشان، پیروان راه روشنشان، رهروان نشانه هایشان، چنگ زنندگان به دستاویزشان، تمسّک جویان به ولایتشان و اقتدا کنندگان به امامتشان، تسلیم شدگان فرمانشان، کوشش کنندگان در طاعتشان، منتظران روزهای (دولت) آنان، و چشم دوختگان به ایشانند، درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

(۶۵) و بر آنان و بر جان هایشان سلام فرست و کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده و احوالشان را برای آنها اصلاح نما و توبه آنان را بپذیر. همانا تو بسیار توبه پذیرِ مهربانی و بهترین آمرزندگانی. و ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

(۶۶) خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای و رحمتت را در آن گسترده ای و بخشایشت را در آن ارزانی داشته ای و عطایت را در آن فراوان نموده ای و به وسیله آن بر بندگانت تفضّل کرده ای.

(۶۷) خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینشت و پس از آفرینشت، او را نعمت داده ای. پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه نمودی و برای ادای حقّ خود، به او توفیق دادی و او را به ریسمان خویش، نگه داشتی و او را در حزب خود وارد کردی و او را به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی نمودی.

(۶۸) ثُمّ أَمَرتَهُ فَلَم یَأتَمِر، وَ زَجَرتَهُ فَلَم یَنزَجِر، وَ نَهَیتَهُ عَن مَعصِیَتِکَ،فَخَالَفَ أَمرَکَ إِلَی نَهیِکَ، لَا مُعَانَدَةً لَکَ، وَ لَا استِکبَاراً عَلَیکَ،بَل دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَی مَا زَیّلتَهُ وَ إِلَی مَا حَذّرتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَی ذَلِکَ عَدُوّکَ وَ عَدُوّهُ،فَأَقدَمَ عَلَیهِ عَارِفاً بِوَعِیدِکَ،رَاجِیاً لِعَفوِکَ،وَاثِقاً بِتَجَاوُزِکَ، وَ کَانَ أَحَقّ عِبَادِکَ مَعَ مَا مَنَنتَ عَلَیهِ أَلّا یَفعَلَ. (۶۹) وَ هَا أَنَا ذَا بَینَ یَدَیکَ صَاغِراً ذَلِیلًا خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً،مُعتَرِفاً بِعَظِیمٍ مِنَ الذّنُوبِ تَحَمّلتُهُ، وَ جَلِیلٍ مِنَ الخَطَایَا اجتَرَمتُهُ،مُستَجِیراً بِصَفحِکَ،لَائِذاً بِرَحمَتِکَ،مُوقِناً أَنّهُ لَا یُجِیرُنِی مِنکَ مُجِیرٌ، وَ لَا یَمنَعُنِی مِنکَ مَانِعٌ.(۷۰)فَعُد عَلَیّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَی مَنِ اقتَرَفَ مِن تَغَمّدِکَ، وَ جُد عَلَیّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَی مَن أَلقَی بِیَدِهِ إِلَیکَ مِن عَفوِکَ، وَ امنُن عَلَیّ بِمَا لَا یَتَعَاظَمُکَ أَن تَمُنّ بِهِ عَلَی مَن أَمّلَکَ مِن غُفرَانِکَ،(۷۱) وَ اجعَل لِی فِی هَذَا الیَومِ نَصِیباً أَنَالُ بِهِ حَظّاً مِن رِضوَانِکَ، وَ لَا تَرُدّنِی صِفراً مِمّا یَنقَلِبُ بِهِ المُتَعَبّدُونَ لَکَ مِن عِبَادِکَ(۷۲) وَ إِنّی وَ إِن لَم أُقَدّم مَا قَدّمُوهُ مِنَ الصّالِحَاتِ فَقَد قَدّمتُ تَوحِیدَکَ وَ نَفیَ الأَضدَادِ وَ الأَندَادِ وَ الأَشبَاهِ عَنکَ، وَ أَتَیتُکَ مِنَ الأَبوَابِ الّتِی أَمَرتَ أَن تُؤتَی مِنهَا، وَ تَقَرّبتُ إِلَیکَ بِمَا لَا یَقرُبُ أَحَدٌ مِنکَ إِلّا بِالتّقَرّبِ بِهِ.(۷۳) ثُمّ أَتبَعتُ ذَلِکَ بِالإِنَابَةِ إِلَیکَ، وَ التّذَلّلِ وَ الِاستِکَانَةِ لَکَ، وَ حُسنِ الظّنّ بِکَ، وَ الثّقَةِ بِمَا عِندَکَ، وَ شَفَعتُهُ بِرَجَائِکَ أَلّذِی قَلّ مَا یَخِیبُ عَلَیهِ رَاجِیکَ.

ص: ۱۵۱۴

(۶۸) سپس او را فرمان دادی، پس فرمان نبرد و او را باز داشتی، پس باز نایستاد و او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو و نه از روی گردنکشی کردن بر تو. بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن باز داشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش و دشمن تو و دشمنِ او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد. پس با علم به تهدیدت و امیدواری به بخشایشت و اعتماد به گذشتت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد. و حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.

(۶۹) و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگیِ خطاهایی که مرتکب آن شده ام، پناهنده به بخشایشت، پناه خواه به رحمتت و باور دارنده به اینکه هیچ امان دهنده ای مرا از تو امان نمی دهد و هیچ بازدارنده ای مرا از (بلای) تو باز نمی دارد.

(۷۰) پسْ بر من از پوششت، همان چیزی را که به کسی که گناه کرده می دهی، عطا کن. و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفوت تسلیم تو گردیده است می بخشی. و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

(۷۱) و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم و مرا تهی دست از آنچه بندگانِ پرستشگرت با (دستی پر از) آن بازمی گردند، بازنگردان.

(۷۲) و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و مانندهایی از تو را، پیش فرستاده ام. و از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام. و به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام.

(۷۳) سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو و خوش گمانی به تو و اعتماد به آنچه نزد توست را، در پی آن روانه ساخته ام. و آن را جفت امید به تو کردم. همان (امیدی) که با وجود آن، امیدوار به تو کمتر ناامید می شود.

(۷۴) وَ سَأَلْتُکَ مَسأَلَهَ الحَقِیرِ الذّلِیلِ البَائِسِ الفَقِیرِ الخَائِفِ المُستَجِیرِ، وَ مَعَ ذَلِکَ خِیفَهً وَ تَضرّعاً وَ تَعوّذاً وَ تَلوّذاً، لَا مُستَطِیلًا بِتَکبرِ المُتَکَبرِینَ، وَ لَا مُتَعَالِیاً بِدَالّهِ المُطِیعِینَ، وَ لَا مُستَطِیلًا بِشَفَاعَهِ الشّافِعِینَ.(۷۵) وَ أَنَا بَعدُ أَقَلّ الأَقَلّینَ، وَ أَذَلّ الأَذَلّینَ، وَ مِثلُ الذّرّهِ أَو دُونَهَا،فَیَا مَن لَم یُعَاجِلِ المُسِیئِینَ، وَ لَا یَندَهُ المُترَفِینَ، وَ یَا مَن یَمُنّ بِإِقَالَهِ العَاثِرِینَ، وَ یَتَفَضّلُ بِإِنظَارِ الخَاطِئِینَ.(۷۶) أَنَا المُسِی ءُ المُعتَرِفُ الخَاطِئُ العَاثِرُ.(۷۷) أَنَا أَلّذِی أَقدَمَ عَلَیکَ مُجتَرِئاً.(۷۸) أَنَا أَلّذِی عَصَاکَ مُتَعَمّداً.(۷۹) أَنَا أَلّذِی استَخفَی مِن عِبَادِکَ وَ بَارَزَکَ. (۸۰) أَنَا أَلّذِی هَابَ عِبَادَکَ وَ أَمِنَکَ.(۸۱) أَنَا أَلّذِی لَم یَرهَب سَطوَتَکَ، وَ لَم یَخَف بَأسَکَ.(۸۲) أَنَا الجَانِی عَلَی نَفسِهِ(۸۳) أَنَا المُرتَهَنُ بِبَلِیّتِهِ.(۸۴) أَنَا القَلِیلُ الحَیَاءِ.(۸۵) أَنَا الطّوِیلُ العَنَاءِ.(۸۶)بِحَقّ مَنِ انتَجَبتَ مِن خَلقِکَ، وَ بِمَنِ اصطَفَیتَهُ لِنَفسِکَ،بِحَقّ مَنِ اختَرتَ مِن بَرِیّتِکَ، وَ مَنِ اجتَبَیتَ لِشَأنِکَ،بِحَقّ مَن وَصَلتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِکَ، وَ مَن جَعَلتَ مَعصِیَتَهُ کَمَعصِیَتِکَ،بِحَقّ مَن قَرَنتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِکَ، وَ مَن نُطتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِکَ،تَغَمّدنِی فِی یومِی هَذَا بِمَا تَتَغَمّدُ بِهِ مَن جَارَ إِلَیکَ مُتَنَصّلًا، وَ عَاذَ بِاستِغفَارِکَ تَائِباً.(۸۷) وَ تَوَلّنِی بِمَا تَتَوَلّی بِهِ أَهلَ طَاعَتِکَ وَ الزّلفَی لَدَیکَ وَ المَکَانَهِ مِنکَ.(۸۸) وَ تَوَحّدنِی بِمَا تَتَوَحّدُ بِهِ مَن وَفَی بِعَهدِکَ، وَ أَتعَبَ نَفسَهُ فِی ذَاتِکَ، وَ أَجهَدَهَا فِی مَرضَاتِکَ.

(۷۴) و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نیازمند، ترسان، پناهنده. و با آن احوال، در خواستم به همراه ترس و زاری و پناه خواهی و پناه جویی است، نه از روی برتری جستنْ به تکبّر متکبّران و نه از روی بلندی خواهیْ به گستاخی و اعتمادِ فرمانبران و نه از روی گردنکشی نمودن به شفاعتِ شفاعت کنندگان.

(۷۵) و من بعد از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و مانند ذرّه ای یا کمتر از آنم. پس ای آنکه بر (کیفر) گنهکاران شتاب نمی کنی و ناز پروردگان را نمی رانی و ای آنکه با احسان خود لغزش کاران را می بخشایی و با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می دهی.

(۷۶) منم بدکارِ اعتراف کننده خطاکار لغزش کار.

(۷۷) منم آنکه گستاخانه بر تو جرأت نمودم.

(۷۸) منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.

(۷۹) منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و نزد تو آشکار نمودم.

(۸۰) منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم.

(۸۱) منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده و از عذابت نهراسیده ام.

(۸۲) منم جنایتکار بر خود.

(۸۳) منم در گروی گرفتاری خویش.

(۸۴) منم کم شرم.

(۸۵) منم که گرفتاری ام دراز است.

(۸۶) به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای و آنکه برای خودت پسندیده ای، به حقّ کسی که او را از مردمت اختیار کرده ای و کسی که او را برای کار خود انتخاب نموده ای، به حقّ کسی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیوند زده ای و کسی که نافرمانی از او را مانند نافرمانی از خود قرار داده ای، به حقّ کسی که دوستی اش را با دوستی خود قرین کرده ای و کسی که دشمنی اش را به دشمنی خویش مرتبط نموده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده، و با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده.

(۸۷) و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت و نزدیکانت و منزلت دارندگانت را سرپرستی می کنی.

(۸۸) و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده و برای تو خود را به

سختی انداخته و در خوشنودی ات کوشیده.

ص: ۱۵۱۷

(۸۹) وَ لَا تؤَاخـذِني بتِفريطي فِي جَنبِک، وَ تعَـدّيّ طوَري فِی حُدُودِک، وَ مُجَاوَزه أَحکَامِک.(۹۰) وَ لَا تَستَدرِجنی بِإِملَائِک لِی استِدرَاجَ مَن منَعَنِی خَیرَ مَا عِنـدَهُ وَ لَم یَشـرَککَ فِی حُلُولِ نِعمَتِهِ بی.(۹۱) وَ نبَهّنِی مِن رَقدَهِ الغَافِلِینَ، وَ سِنَهِ المُسرِفِینَ، وَ نَعسَهِ المَخذُولِینَ(۹۲) وَ خُذ بقَلبِی إِلَی مَا استَعمَلتَ بِهِ القَانِتِینَ، وَ استَعبَدتَ بِهِ المُتَعَبّدِینَ، وَ استَنقَذتَ بِهِ المُتَهَاوِنِینَ.(۹۳) وَ أَعِذنِی مِمّا یبُاعِدنُی عَنک، وَ یَحُولُ بیَنِی وَ بَینَ حظَیّ مِنک، وَ یصَدُنّی عَمّا أُحَاوِلُ لَدَیک(۹۴) وَ سَهّل لِی مَسلَکَ الخَیرَاتِ إِلَیک، وَ المُسَابقَهَ إِلَیهَا مِن حَیثُ أَمَرتَ، وَ المُشَاحّهَ فِیهَا عَلَی مَا أَرَدتَ.(۹۵) وَ لَا تَمحقَنی فِیمَن تَمحَقُ مِنَ المُستَخِفّینَ بِمَا أَوعَدتَ(۹۶) وَ لَا تهُلِکنِی مَعَ مَن تُهلِکُ مِنَ المُتَعَرّضِینَ لِمَقتِک(۹۷) وَ لَا تتُبَرّنی فِیمَن تُتَبرُ مِنَ المُنحَرِفِینَ عَن سُبُلِک (۹۸) وَ نجَنّی مِن غَمَرَاتِ الفِتنَهِ، وَ خلَصّنی مِن لَهَوَاتِ البَلوَی، وَ أَجِرنِی مِن أَخذِ الإِملَاءِ.(۹۹) وَ حُل بیَنِی وَ بَینَ عَدُوّ یضُلِنّی، وَ هَوًی یوُبقِنُی، وَ مَنقَصَهٍ ترَهقَنُی(۱۰۰) وَ لَا تُعرِض عنَیّ إِعرَاضَ مَن لَا ترَضَی عَنهُ بَعدَ غَضَبِک(۱۰۱) وَ لَا تؤُیِسنی مِنَ الأَمَلِ فِیک فَیَغلِبَ عَلَیّ القُنُوطُ مِن رَحمَتِک(۱۰۲) وَ لَا تمَنحَنی بِمَا لَا طَاقَهَ لِی بِهِ فتَبَهظَنَی مِمّا تُحَمّلُنِیهِ مِن فَضلِ مَحَبّتِک.(۱۰۳) وَ لَا ترُسِلنِی مِن یَدِک إِرسَالَ مَن لَا خَیرَ فِیهِ، وَ لَا حَاجَهَ بِک إِلَیهِ، وَ لَا إِنَابَهَ لَهُ(۱۰۴) وَ لَا ترَمِ بی رمَیَ مَن سَقَطَ مِن عَینِ رِعَایَتِک، وَ مَنِ اشتَمَلَ عَلَیهِ الخزیُ مِن عِندِک،بَل خُذ بیِدَیِ مِن سَقطَهِ المُترَدَیّنَ، وَ وَهلَهِ المُتَعَسّفِینَ، وَ زَلّهِ المَغرُورِینَ، وَ وَرطَهِ الهَالِکِینَ.

(۸۹) و مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت و تعدّی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.

(۹۰) و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است.

(۹۱) و مرا از خواب غافلان و از خواب آلودگی اسراف کاران و از چرت خوار شدگان، بیدار فرما.

(۹۲) و دلم را به سوی آنچه نیایشگران را به آن گماشته ای و پرستش کنندگان را با آن به بندگی گرفته ای و سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجّه ساز.

(۹۳) و از چیزی که مرا از تو دور می کند و میان من و بهره ام از تو، مانع می شود، و از آنچه نزد تو می خواهم، بازم می دارد، مرا نگهدار.

(۹۴) و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای و رقابت در آنها را آنگونه که تو خواسته ای، برای من آسان گردان.

(۹۵) و مرا در شمار نابود شوندگانی که تهدید تو را سبک می شمارند، نابود نکن.

(۹۶) و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان.

(۹۷) و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن.

(۹۸) و از گرداب های فتنه نجاتم ده و از کام های بلا رهایی ام بخش و از مؤاخذه مهلت دادن پناهم ده.

(۹۹) و میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، و خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز.

(۱۰۰)

و از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی شوی.

(۱۰۱) و از امید به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود.

(۱۰۲) و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی.

(۱۰۳) و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست و تو را با او کاری نیست و بازگشتی برای او وجود ندارد.

(۱۰۴) و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده و کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده. بلکه از سقوط پرت شدگان و وحشت گمراهان و لغزش فریفتگان و گرداب هلاک شدگان دستم را بگیر (نجاتم ده).

(۱۰۵) وَ عافِنِي مِمّا ابتَلَيتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ، وَ بلَغّنِي مَبَالِغَ مَن عُنِيتَ بِهِ، وَ أَنعمتَ عَلَيهِ، وَ رَضِيتَ عَنهُ،فَأَعَشتَهُ حَمِيداً، وَ تَوَفَّيتَهُ سَعِيداً(۱۰۶) وَ طوَقّنِي طَوقَ الإِقلَاعِ عَمّا يُحبِطُ الحَسَنَاتِ، وَ يَذهَبُ بِالبَرَكَاتِ(۱۰۷) وَ أَشعِر قَلبِيَ الِازدِجَارَ عَن قَبَائِحِ السّيّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الحَوبَاتِ.(۱۰۸) وَ لَا تشَغلَنِي بِمَا لَا أُدرِكُهُ إِلّا بِكَ عَمّا لَا يُرضِيكَ عَنيّ غَيرُهُ(۱۰۹) وَ انزِع مِن قَلبِي حُبّ دُنيَا دَنِيّةٍ تَنهَى عَمّا عِندَكَ، وَ تَصُدّ عَنِ ابتِغَاءِ الوَسِيلَهِ إِلَيكَ، وَ تُذهِلُ عَنِ التّقَرّبِ مِنكَ.(۱۱۰) وَ زَيّن لِيَ التّفَرّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللّيلِ وَ النّهَارِ(۱۱۱) وَ هَب لِي عِصمَةً تدُنيِنِي مِن خَشيَتِكَ، وَ تقَطعَنُي عَن رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَ تفَكُنّيِ مِن أَسرِ العَظَائِمِ.(۱۱۲) وَ هَب لِيَ التّطهِيرَ مِن دَنَسِ العِصيَانِ، وَ أَذهِب عَنيّ دَرَنَ الخَطَايَا، وَ سرَبلِنيِ بِسِربَالِ عَافِيَتِكَ، وَ ردَنّيِ رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ، وَ جلَلّنيِ سَوَابِغَ نَعمَائِكَ، وَ ظَاهِر لدَيَ‌ّ فَضلَكَ وَ طَولَكَ (۱۱۳) وَ أَيّدنيِ بِتَوفِيقِكَ وَ تَسدِيدِكَ، وَ أَعِنيّ عَلَى صَالِحِ النّيّةِ، وَ مَرضِيّ القَولِ، وَ مُستَحسَنِ العَمَلِ، وَ لَا تكَلِنيِ إِلَى حوَليِ وَ قوُتّيِ دُونَ حَولِكَ وَ قُوّتِكَ.(۱۱۴) وَ لَا تخُزنِيِ يَومَ تبَعثَنُيِ لِلِقَائِكَ، وَ لَا تفَضحَنيِ بَينَ يدَيَ أَولِيَائِكَ، وَ لَا تُنسنِيِ ذِكرَكَ، وَ لَا تُذهِب عنَيّ شُكرَكَ،بَل أَلزِمنِيهِ فِي أَحوَالِ السّهوِ

عِندَ غَفَلَاتِ الجَاهِلِينَ لِآلَائِكَ، وَ أَوزِعنِي أَن أُثنيِ‌َ بِمَا أَولَيتَنِيهِ، وَ أَعتَرِفَ بِمَا أَسدَيتَهُ إِلَيّ‌َ.(۱۱۵) وَ اجعَل رغَبتَيِ إِلَيكَ فَوقَ رَغبَهِ الرّاغِبِينَ، وَ حمَديِ إِيّاكَ فَوقَ حَمدِ الحَامِدِينَ

(۱۰۵) و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و به او نعمت داده ای و از او خوشنود گشته ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته و نیک بخت میرانده ای.

(۱۰۶) و طوقِ دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده و برکت ها را از بین می برد، به گردنم انداز.

(۱۰۷) و دلم را به خودداری از بدی های زشت و نافرمانی های رسوا کننده بپوشان.

(۱۰۸) و مرا به چیزی که آن را در نمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند، باز مانم.

(۱۰۹) و دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد و از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می کند و از نزدیکی جستن به تو، غافل می نماید را از دلم بَر کن.

(۱۱۰) و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارا.

(۱۱۱) و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند و از انجام دادن حرامت بازم دارد و از بند گناهان بزرگ رهایم سازد.

(۱۱۲) و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش و آلودگیِ خطاها را از من ببَر و لباس عافیت خود را به من بپوشان و ردای تندرستی ات را بر تنم کن و مرا به نعمت های گسترده خود فراپوش و فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.

(۱۱۳) و مرا به توفیق و راهنمایی ات، نیرو ده و بر (داشتن) نیّت صالح و گفتار پسندیده و کردار نیکو یاری ام فرما و مرا به توانایی و نیروی خودم بدون توانایی و نیروی خودت وامگذار.

(۱۱۴) و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز و در برابر دوستانت رسوایم نگردان و یاد خود را از خاطرم نبر و شکرگزاریت را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجّهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم و به آنچه به من عنایت نموده ای، اعتراف نمایم.

(۱۱۵) و رغبت مرا به سوی خود، بالاتر از رغبتِ همه راغبان و سپاس گزاری ام را در حقّ خودت، بالاتر از سپاسِ همه سپاس گزاران قرار ده.

ص: ۱۵۲۱

(۱۱۶) وَ لَا تخذلُنِي عِندَ فاَقتِي إِلَيکَ، وَ لَا تهُلکِنيِ بِمَا.أَسدَيتُهُ إِلَيکَ، وَ لَا تجبهَنيِ بِمَا جَبَهتَ بِهِ المُعَانِدِينَ لکَ،فإَنِيّ لکَ مُسَلّمٌ،أَعلَمُ أَنّ الحُجّهَ لکَ، وَ أَنّکَ أَولَي بِالفَضلِ، وَ أَعوَدُ بِالإِحسَانِ، وَ أَهلُ التّقوَي، وَ أَهلُ المَغفِرَهِ، وَ أَنّکَ بِأَن تَعفُوَ أَولَي مِنکَ بِأَن تُعَاقِبَ، وَ أَنّکَ بِأَن تَستُرَ أَقرَبُ مِنکَ إِلَي أَن تَشهَرَ.(۱۱۷)فَأَحيِنيِ حَيَاهً طَيّبَهً تَنتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبلُغُ مَا أُحِبّ مِن حَيثُ لَا آتيِ مَا تَكرَهُ، وَ لَا أَرتَكِبُ مَا نَهَيتَ عَنهُ، وَ أَمِتنيِ مِيتَهَ مَن يَسعَي نُورُهُ بَينَ يَدَيهِ وَ عَن يَمِينِهِ.(۱۱۸) وَ ذلَلّنيِ بَينَ يَدَيکَ، وَ أَعزِنّيِ

عِندَ خَلقِکَ، وَ ضَعنيِ إِذَا خَلَوتُ بِکَ، وَ ارفعَنيِ بَينَ عِبَادِکَ، وَ أَغننِيِ عَمّن هُوَ غنَيِ‌ٌ عنَيّ، وَ زِدنيِ إِلَيکَ فَاقَهً وَ فَقراً.(۱۱۹) وَ أَعِذنيِ مِن شَمَاتَهِ الأَعدَاءِ، وَ مِن حُلُولِ البَلَاءِ، وَ مِنَ الذّلّ وَ العَنَاءِ،تغَمَدّنيِ فِيمَا اطّلَعتَ عَلَيهِ منِيّ بِمَا يَتَغَمّدُ بِهِ القَادِرُ عَلَي البَطشِ لَو لَا حِلمُهُ، وَ الآخِذُ عَلَي الجَرِيرَهِ لَو لَا أَنَاتُهُ(۱۲۰) وَ إِذَا أَرَدتَ بِقَومٍ فِتنَهً أَو سُوءاً فَنَجّنيِ مِنهَا لِوَاذاً بِکَ، وَ إِذ لَم تقُمِنيِ مَقَامَ فَضِيحَهٍ فِي دُنيَاکَ فَلَا تقُمِنيِ مِثلَهُ فِي آخِرَتِکَ (۱۲۱) وَ اشفَع لِي أَوَائِلَ مِنَنِکَ بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِکَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمدُد لِي مَدّاً يَقسُو مَعَهُ قلَبيِ، وَ لَا تقَرعَنيِ قَارِعَهً يَذهَبُ لَهَا بهَاَئيِ، وَ لَا تَسُمنيِ خَسِيسَهً يَصغُرُ لَهَا قَدرِي وَ لَا نَقِيصَهً يُجهَلُ مِن أَجلِهَا مکَاَنيِ.(۱۲۲) وَ لَا ترَعُنيِ رَوعَهً أُبلِسُ بِهَا، وَ لَا خِيفَهً أُوجِسُ دُونَهَا،اجعَل هَيبَتيِ فِي وَعِيدِکَ، وَ حَذَرِي مِن إِعذَارِکَ وَ إِنذَارِکَ، وَ رَهبَتيِ

عِندَ تِلَاوَهِ آيَاتِکَ.

(۱۱۶) و هنگام نیازمندی ام به سویت خوارم نساز و به وسیله آنچه به سوی تو آورده ام، مرا هلاک نکن. و همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن. همانا من فرمانبردار تو هستم. می دانم دلیل روشن از آنِ توست و به بخششْ سزاوارتر و به احسانْ بخشنده تر هستی و شایسته ای که از تو بترسند و سزاواری که بیامرزی و به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی. و به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه آشکار سازی.

(۱۱۷) پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد و به آنچه دوست دارم پایان یابد. در صورتی که آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم و آنچه را نهی نموده ای، مرتکب نشوم و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است.

(۱۱۸) و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان و مرا در میان بندگانت سربلند فرما و از کسی که از من بی نیاز است، بی نیازم گردان و بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا.

(۱۱۹) و مرا از سرزنش دشمنان و از فرود آمدن بلا و از خواری و سختی پناه ده. مرا در آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد) و (مانند) کیفر کننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می داد).

(۱۲۰) و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فرو فرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده و حال آنکه مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرتت (در مقام رسوایی) مرا به پا ندار.

(۱۲۱) و برای من اولین نعمت هایت را، با آخِرین آن و سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز و مرا عمر طولانی که با آن سنگدل شوم، نده. و بر من مصیبت بزرگی که با آن، آبرویم از بین برود، وارد نکن و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.

(۱۲۲) و مرا چنان وحشت نده که ناامید گردم. و چنان بیم نده که همیشه هراسان باشم. (بلکه) هراس مرا در تهدیدهایت، و بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنهایت، و هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

ص: ۱۵۲۳

(۱۲۳) وَ اعمُر لَيلِی بإِيقَاظِی فِيهِ لِعِبَادَتِکَ، وَ تفَرّدِی بِالتّهَجّدِ لَکَ، وَ تجَرّدِی بسُکُونِی إِلَيکَ، وَ إِنزَالِ حوَائِجِی بِکَ، وَ منَازَلَتِی إِيّاکَ فِی فَکَاکِ رقَبَتِی مِن نَارِکَ، وَ إِجَارَتِی مِمّا فِيهِ أَهلُهَا مِن عَذَابِکَ.(۱۲۴) وَ لَا تَذَرنِی فِی طُغيَانِی عَامِهاً، وَ لَا فِی غَمرَتِی سَاهِياً حَتّی حِينٍ، وَ لَا تَجعلَنِی عِظَةً لِمَنِ اتّعَظَ، وَ لَا نَکَالًا لِمَنِ اعتَبَرَ، وَ لَا فِتنَةً لِمَن نَظَرَ، وَ لَا تَمکُر بِی فِيمَن تَمکُرُ بِهِ، وَ لَا تَستَبدِل بِی غَيرِی، وَ لَا تُغَيّر لِی اسماً، وَ لَا تُبَدّل لِی جِسماً، وَ لَا تَتّخِذنِی هُزُواً لِخَلقِکَ، وَ لَا سُخرِيّاً لَکَ، وَ لَا تَبَعاً إِلّا لِمَرضَاتِکَ، وَ لَا مُمتَهَناً إِلّا بِالِانتِقَامِ لَکَ.(۱۲۵) وَ أَوجِدنِی بَردَ عَفوِکَ، وَ حَلَاوَةَ رَحمَتِکَ وَ رَوحِکَ وَ رَيحَانِکَ، وَ جَنّةِ نَعِيمِکَ، وَ أَذِقنِی طَعمَ الفَرَاغِ لِمَا تُحِبّ بِسَعَةٍ مِن سَعَتِکَ، وَ الِاجتِهَادِ فِيمَا يُزلِفُ لَدَيکَ وَ عِندَکَ، وَ أَتحِفنِی بِتُحفَةٍ مِن تُحَفَاتِکَ.(۱۲۶) وَ اجعَل تِجَارَتِی رَابِحَةً، وَ کَرّتِی غَيرَ خَاسِرَةٍ، وَ أَخِفنِی مَقَامَکَ، وَ شَوّقنِی لِقَاءَکَ، وَ تُب عَلَيّ تَوبَةً نَصُوحاً لَا تُبقِ مَعَهَا ذُنُوباً صَغِيرَةً وَ لَا کَبِيرَةً، وَ لَا تَذَر مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً.(۱۲۷) وَ انزِعِ الغِلّ مِن صَدرِی لِلمُؤمِنِينَ، وَ اعطِف بِقَلبِی عَلَی الخَاشِعِينَ، وَ کُن لِی کَمَا تَکُونُ لِلصّالِحِينَ، وَ حَلّنِی حِليَةَ المُتّقِينَ، وَ اجعَل لِی لِسَانَ صِدقٍ فِی الغَابِرِينَ، وَ ذِکراً نَامِياً فِی الآخِرِينَ، وَ وَافِ بِی عَرصَةَ الأَوّلِينَ. (۱۲۸) وَ تَمّم سُبُوغَ نِعمَتِکَ، عَلَيّ، وَ ظَاهِر کَرَامَاتِهَا لَدَيّ امْلَأْ مِن فَوَائِدِکَ يَدَيّ، وَ سُق کَرَائِمَ مَوَاهِبِکَ إِلَيّ وَ جَاوِر بِیَ الأَطيَبِينَ مِن أَولِيَائِکَ فِی الجِنَانِ الّتِی زَيّنتَهَا لِأَصفِيَائِکَ، وَ جَلّلنِی شَرَائِفَ نِحَلِکَ فِی المَقَامَاتِ المُعَدّةِ لِأَحِبّائِکَ.

(۱۲۳) و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، و کوشش کردنم برای خو گرفتن با تو و درخواست نمودن حاجت هایم از تو و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد ساختنم از آتشت و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش]دوزخیان[، در آن به سر می برد، آباد گردان.

(۱۲۴) و مرا در سرکشی ام سرگردان و در گرداب غفلتم، تا مدّت زمانی بی خبر رها نکن. و مرا پندِ پندگیران و درس عبرت پذیران و موجب گمراهیِ بینندگان، قرار نده. و در میان کسانی که با آنها مکر می کنی، با من مکر نکن. و دیگری را جایگزین من نکن و نامم را تغییر نده و تنم را دگرگون نکن و مرا سبب خنده آفریدگانت و مسخره خود و جز پیرو خوشنودی ات قرار نده و جز برای انتقام گرفتن برای تو، خدمت گزارم نگردان.

(۱۲۵) و مرا از لذّت بخشایشت و شیرینی رحمتت و آسودگی و آسایش و بهشت پر نعمتت، کامیاب گردان و به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری و (طعم) کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان. و تحفه ای از تحفه هایت را به من ارمغان ده.

(۱۲۶) و تجارت (اخروی) مرا سودمند و باز گشتنم (به قیامت) را بی زیان قرار ده. و مرا از مقامت بترسان و به دیدارت مشتاق گردان و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاشته و با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری.

(۱۲۷) و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن، و دلم را بر فروتنان مهربان گردان، و با من چنان باش که با شایستگان هستی، و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای، و برای من یاد نیکو در بازماندگان و آوازه بلند در آیندگان قرار ده، و مرا به جایگاه (رستاخیز) پیشینیان برسان.

(۱۲۸) و فراخی نعمتت را بر من تمام کن، و کرامت های آن را نزد من پیوسته گردان، و دستم را از سودهای خود پر نما، و بخشش های گرامی ات را به سوی من روان فرما، و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگانت آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانتْ همسایه گردان، و در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان.

ص: ۱۵۲۵

(۱۲۹) وَ اجعَل لِی عِنـدَکَ مَقِیلًا آوِی إِلَیهِ مُطمَئِنّاً، وَ مَثَابَةً أَتَبَوَّؤُهَا، وَ أَقَرّ عَیناً، وَ لَا تقَایِسنِی بِعَظِیمَاتِ الجَرَائِرِ، وَ لَا تهلِکنِی یَومَ تُبلَی السّرَائِرُ، وَ أَزِل عنَیّ کُلّ شَکّ وَ شُبهَةٍ، وَ اجعَل لِی فِی الحَقّ طَرِیقاً مِن کُلّ رَحمَةٍ، وَ أَجزِل لِی قِسَمَ المَوَاهِبِ مِن نَوَالِکَ، وَ وَفّر عَلَیّ حُظُوظَ الإِحسَانِ مِن إِفضَالِکَ.(۱۳۰) وَ اجعَل قلَبیِ وَاثِقاً بِمَا عِندَکَ، وَ همَیّ مُستَفرَغاً لِمَا هُوَ لَکَ، وَ استعَملِنیِ بِمَا تَستَعمِلُ بِهِ خَالِصَتَکَ، وَ أَشرِب قلَبیِ

عِندَ ذُهُولِ العُقُولِ طَاعَتَکَ، وَ اجمَع لِیَ الغِنَی وَ العَفَافَ وَ الدّعَةَ وَ المُعَافَاةَ وَ الصّحّةَ وَ السّعَةَ وَ الطّمَأنِینَةَ وَ العَافِیَةَ.(۱۳۱) وَ لَا تُحبِط حسَنَاَتیِ بِمَا یَشُوبُهَا مِن مَعصِیَتِکَ، وَ لَا خلَوَاَتیِ بِمَا یَعرِضُ لِی مِن نَزَغَاتِ فِتنَتِکَ، وَ صُن وجَهیِ عَنِ الطّلَبِ إِلَی أَحَدٍ مِنَ العَالَمِینَ، وَ ذُبّنیِ عَنِ التِمَاسِ مَا

عِندَ الفَاسِقِینَ.(۱۳۲) وَ لَا تجَعلَنیِ لِلظّالِمِینَ ظَهِیراً، وَ لَا لَهُم عَلَی مَحوِ کِتَابِکَ یَداً وَ نَصِیراً، وَ حطُنیِ مِن حَیثُ لَا أَعلَمُ حِیَاطَةً تقَیِنیِ بِهَا، وَ افتَح لِی أَبوَابَ تَوبَتِکَ وَ رَحمَتِکَ وَ رَأفَتِکَ وَ رِزقِکَ الوَاسِعِ،إنِیّ إِلَیکَ مِنَ الرّاغِبِینَ، وَ أَتمِم لِی إِنعَامَکَ،إِنّکَ خَیرُ المُنعِمِینَ(۱۳۳) وَ اجعَل باَقیِ عمُرُیِ فِی الحَجّ وَ العُمرَةِ ابتِغَاءَ وَجهِکَ، یَا رَبّ العَالَمِینَ، وَ صَلّی اللّهُ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ الطّیّبِینَ الطّاهِرِینَ، وَ السّلَامُ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم أَبَدَ الآبِدِینَ.

ص: ۱۵۲۶

(۱۲۹) و برایم نزد خود استراحت گاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، و بازگشتگاهی که در آن اقامت گزینم و چشم را روشن سازمْ قرار ده، و مرا با گناهان بزرگ مَسَـنج، و در روزی که پنهان ها آشکار می شود هلاکم نکن، و هر شکّ و شبهه ای را از من دور ساز، و برای من در راستای حقّ، از هر رحمتی راهی قرار ده، و سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان کن و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان.

(۱۳۰) و دلم را به آنچه نزد توست، مطمئن، و قصدم را برای آنچه برای توست، یکسره قرار ده. و مرا به آنچه دوستانت را به آن می گماری، وادار کن و دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن و بی نیازی و پاکدامنی و آسایش و سلامتی و تندرستی و فراخی و آرامش و عافیت را، برایم فراهم ساز.

(۱۳۱) و کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، و تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن و مرا از طلبیدنِ آنچه نزد فاسقان است، باز دار.

(۱۳۲) و مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده و مرا از جایی که نمی دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری نمایی. و درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای، همانا من از رو آورندگان به سوی توام. و نعمت دادنت را برایم کامل کن، به درستی که تو بهترین نعمت دهندگانی.

(۱۳۳) و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حجّ و عمره قرار ده. ای پروردگار جهانیان. و خداوند بر محمّد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد و بر او و بر ایشان سلامی همیشگی باد.

ص: ۱۵۲۷

(۴۸) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ يَومَ الأَضحَى وَ يَومَ الجُمُعَهِ

(۱) أَللّهُمّ هَذَا يَومٌ مُبَارَكٌ مَيمُونٌ، وَ المُسلِمُونَ فِيهِ مُجتَمِعُونَ فِي أَقطَارِ أَرضِكَ،يَشهَدُ السّائِلُ مِنهُم وَ الطّالِبُ وَ الرّاغِبُ وَ الرّاهِبُ وَ أَنتَ النّاظِرُ فِي حَوَائِجِهِم،فَأَسأَلُكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ هَوَانِ مَا سَأَلتُكَ عَلَيكَ أَن تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ.(۲) وَ أَسأَلُكَ أللّهُمّ رَبّنَا بِأَنّ لَكَ المُلكَ، وَ لَكَ الحَمدَ، لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ،الحَلِيمُ الكَرِيمُ الحَنّانُ المَنّانُ ذُو الجَلَالِ وَ الإِكرَام،بَدِيعُ السّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ،مَهمَا قَسَمتَ بَينَ عِبَادِكَ المُؤمِنِينَ مِن خَيرٍ أَو عَافِيَهٍ أَو بَرَكَهٍ أَو هُدًى أَو عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَو خَيرٍ تَمُنّ بِهِ عَلَيهِم تَهدِيهِم بِهِ إِلَيكَ، أَو تَرفَعُ لَهُم عِندَكَ دَرَجَهً، أَو تُعطِيهِم بِهِ خَيراً مِن خَيرِ الدّنيَا وَ الآخِرَهِ أَن تُوَفّرَ حَظّيَ وَ نَصِيبِي مِنهُ.(۳) وَ أَسأَلُكَ أللّهُمّ بِأَنّ لَكَ المُلكَ وَ الحَمدَ، لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ، أَن تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ عَبدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صِفوَتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، وَ عَلَى آلِ مُحَمّدٍ الأَبرَارِ الطّاهِرِينَ الأَخيَارِ صَلَاهً لَا يَقوَى عَلَى إِحصَائِهَا إِلّا أَنتَ، وَ أَن تُشرِكَنَا فِي صَالِحِ مَن دَعَاكَ فِي هَذَا اليَومِ مِن عِبَادِكَ المُؤمِنِينَ، يَا رَبّ العَالَمِينَ، وَ أَن تَغفِرَ لَنَا وَ لَهُم،إِنّكَ عَلَى كُلّ شَيءٍ قَدِيرٌ.

ص: ۱۵۲۸

(۴۸)و از دعای امام علیه السلام بود، روز عید قربان و روز جمعه

(۱) خداوندا این روزیست مبارك و خجسته و در آن مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند، درخواست کننده و جویا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیاز هایشان هستی. پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

(۲) خداوندا، ای پروردگار ما، از آنجا که پادشاهی برای توست و سپاس ویژه توست، معبودی جز تو نیست، بردبارِ بزرگوار مهربانِ بسیار نعمت دهنده دارای بزرگواری و احترام، پدیدآورنده آسمان ها و زمین، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت یا برکت یا هدایت یا عمل به طاعتت یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی یا درجه ای را که از ایشان نزد خود بالا می بری، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

(۳) و خداوندا، از آنجایی که پادشاهی و سپاس مختص به توست، معبودی جز تو نیست، از تو درخواست می کنم که بر محمّد بنده و فرستاده و دوست و برگزیده و انتخاب شده خود از آفریدگانت و بر خاندان محمّد که نیکو کارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد و ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریك گردانی، ای پروردگار جهانیان، و ما و ایشان را بیامرزی. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.

ص: ۱۵۲۹

(۴) أللّهُمّ إِلَیکَ تَعَمّدتُ بحاجَتی، وَ بِکَ أَنزَلتُ الیَومَ فقرِی وَ فاقَتی وَ مسکَنَتی، وَ إِنیّ بِمَغفِرَتِکَ وَ رَحمَتِکَ أَوثَقُ منِیّ بعِمَلی، وَ لَمَغفِرَتُکَ وَ رَحمَتُکَ أَوسَعُ مِن ذنُوُبی،فَصَلّ عَلی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ تَوَلّ قَضاءَ کُلّ حاجَةٍ هیِ َ لِی بِقُدرَتِکَ عَلَیهَا، وَ تَیسِیرِ ذَلِکَ عَلَیکَ، وَ بِفِقرِی إِلَیکَ، وَ غِناکَ عنَیّ،فَإِنیّ لَم أُصِب خَیراً قَطّ إِلّا مِنکَ، وَ لَم یَصرِف عنَیّ سُوءاً قَطّ أَحَدٌ غَیرُکَ، وَ لَا أَرجُو لِأَمرِ آخرتَی وَ دنُیاَی َ سِوَاکَ.(۵) أللّهُمّ مَن تَهَیّأَ وَ تَعَبّأَ وَ أَعَدّ وَ استَعَدّ لِوِفَادَةٍ إِلَی مَخلُوقٍ رَجَاءَ رِفدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَیلِهِ وَ جَائِزَتِهِ،فَإِلَیکَ یَا موَلاَی َ کَانَتِ الیَومَ تهَیِئتَیِ وَ تعَبیِئتَیِ وَ إِعدَادیِ وَ استعِداَدیِ رَجَاءَ عَفوِکَ وَ رِفدِکَ وَ طَلَبَ نَیلِکَ وَ جَائِزَتِکَ.(۶) أللّهُمّ فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ لَا تُخَیّبِ الیَومَ ذَلِکَ مِن رجَاَئیِ، یَا مَن لَا یُحفِیهِ سَائِلٌ وَ لَا یَنقُصُهُ نَائِلٌ،فَإِنیّ لَم آتِکَ ثِقَةً منِیّ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدّمتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةِ مَخلُوقٍ رَجَوتُهُ إِلّا شَفَاعَةَ مُحَمّدٍ وَ أَهلِ بَیتِهِ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم سَلَامُکَ.(۷)أَتَیتُکَ مُقِرّاً بِالجُرمِ وَ الإِسَاءَةِ إِلَی نفَسیِ،أَتَیتُکَ أَرجُو عَظِیمَ عَفوِکَ ألّذَیِ عَفَوتَ بِهِ عَنِ الخَاطِئِینَ، ثُمّ لَم یَمنَعکَ طُولُ عُکُوفِهِم عَلَی عَظِیمِ الجُرمِ أَن عُدتَ عَلَیهِم بِالرّحمَةِ وَ المَغفِرَةِ.(۸)فَیَا مَن رَحمَتُهُ وَاسِعَةٌ، وَ عَفوُهُ عَظِیمٌ، یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ، یَا کَرِیمُ یَا کَرِیمُ،صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ عُد عَلَیّ بِرَحمَتِکَ وَ تَعَطّف عَلَیّ بِفَضلِکَ وَ تَوَسّع عَلَیّ بِمَغفِرَتِکَ.

ص: ۱۵۳۰

(۴) خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم و در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم، و حال آنکه اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است و آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برآوردن هر درخواستی را برای من به عهده گیر، به قدرتی که بر آن داری و آسان بودن آن بر تو، و به نیازمندی من به تو و به بی نیازی تو از من. پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده ام و هیچ کس جز تو بدی ای را از من بر نگردانده است. و برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم.

(۵) خداوندا، هر کسی خود را مهیّا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود. پس ای سرور من، امروز مهیّا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم.

(۶) خداوندا، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و امروز این امید مرا ناامید نکن. ای کسی که درخواست کننده ای او را به رنج نمی اندازد و هیچ بخششی، (گنج های) او را نمی کاهد. زیرا من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعتِ آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمّد و خانواده او -که درود تو بر او و بر ایشان باد-.

(۷) به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم. به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی، سپس اصرار بسیارِ آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، باز نداشت.

(۸) پس ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است. ای بزرگ، ای بزرگ. ای بزرگوار، ای بزرگوار. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و به رحمتْ بر من نیکی کن و به فضلتْ بر من مهربان باش و به آمرزشتْ به من گشایش ده.

ص: ۱۵۳۱

(۹) أللّهُمّ إنّ هَذَا المَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ أَمَنَائِكَ فِي الدّرَجَهِ الرّفِيعَهِ التّي اختَصَصتَهُم بِهَا قَدِ ابتَزّوهَا، وَ أَنتَ المُقَدّرُ لِذَلِكَ، لَا يُغَالَبُ أَمرُكَ، وَ لَا يُجَاوَزُ المَحتُومُ مِن تَدبِيرِكَ كَيفَ شِئتَ وَ أَنّى شِئتَ، وَ لِمَا أَنتَ أَعلَمُ بِهِ غَيرُ مُتّهَمٍ عَلَى خَلقِكَ وَ لَا لِإِرَادَتِكَ حَتّى عَادَ صِفوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَغلُوبِينَ مَقهُورِينَ مُبتَزّينَ،يَرَونَ حُكمَكَ مُبَدّلًا، وَ كِتَابَكَ مَنبُوذاً، وَ فَرَائِضَكَ مُحَرّفَهً عَن جِهَاتِ أَشرَاعِكَ، وَ سُنَنَ نَبِيّكَ مَترُوكَهً.(۱۰) أللّهُمّ العَن أَعدَاءَهُم مِنَ الأَوّلِينَ وَ الآخِرِينَ، وَ مَن رَضِيَ بِفِعَالِهِم وَ أَشيَاعَهُم وَ أَتبَاعَهُم.(۱۱) أللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ،إِنّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيّاتِكَ عَلَى أَصفِيَائِكَ اِبرَاهِيمَ وَ آلِ اِبرَاهِيمَ، وَ عَجّلِ الفَرَجَ وَ الرّوحَ وَ النّصرَهَ وَ التّمكِينَ وَ التّأيِيدَ لَهُم.(۱۲) أللّهُمّ وَ اجعلَنِي مِن أَهلِ التّوحِيدِ وَ الإِيمَانِ بِكَ، وَ التّصدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَ الأَئِمّهِ الّذِينَ حَتَمتَ طَاعَتَهُم مِمّن يجرِي ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيهِ،آمِينَ رَبّ العَالَمِينَ.(۱۳) أللّهُمّ لَيسَ يَرُدّ غَضَبَكَ إِلّا حِلمُكَ، وَ لَا يَرُدّ سَخَطَكَ إِلّا عَفوُكَ، وَ لايُجِيرُ مِن عِقَابِكَ إِلّا رَحمَتُكَ، وَ لَا ينجِينِي مِنكَ إِلّا التّضَرّعُ إِلَيكَ وَ بَينَ يَدَيكَ،فَصَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ هَب لَنَا يَا إِلَهِي مِن لَدُنكَ فَرَجاً بِالقُدرَهِ التّي بِهَا تحيِي أَموَاتَ العِبَادِ، وَ بِهَا تَنشُرُ مَيتَ البِلَادِ.(۱۴) وَ لَا تهلِكنِي يَا إِلَهِي غَمّاً حَتّى تَستَجِيبَ لِي، وَ تعرّفَنِي الإِجَابَهَ فِي دعَائِي، وَ أَذِقنِي طَعمَ العَافِيَهِ إِلَى مُنتَهَى أَجَلِي، وَ لَا تُشمِت بِي عدوّي، وَ لَا تُمَكّنهُ مِن عنُقِي، وَ لَا تُسَلّطهُ عَلَيّ

(۹) خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگانت و جایگاهِ امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند و تویی که چنین تقدیر کرده ای. زیرا فرمان تو مغلوب نمی شود و از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت. برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت و اراده ات متّهم نیستی. تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شده حقوقشان به غارت رفت. می بینند که احکامت تغییر یافته و کتاب تو دور افتاده و واجباتت از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده و روش های پیامبرت ترک شده است.

(۱۰) خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.

(۱۱) خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست. به درستی که تو ستوده بزرگواری. مانند درودها و برکت ها و تحیّت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی. و در فرج و آسایش و نصرت و تسلّط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما.

(۱۲) خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود و از باور داران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده. از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد. اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

(۱۳) خداوندا، غضب تو را جز بردباری ات دور نمی سازد، و خشم تو را جز بخشایشت فرو نمی نشاند و از کیفرت جز رحمتت پناه نمی دهد و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی دهد. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را -ای خدای من- از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی و با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده.

(۱۴) و ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان و دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من توانا نساز و او را بر من مسلّط نگردان.

ص: ۱۵۳۳

(۱۵)إِلهِی إِن رفَعتَنِی فَمَن ذَا أَلّذِی یضَعُنِی، وَ إِن وضَعتَنِی فَمَن ذَا أَلّذِی یرَفعُنِی، وَ إِن أَکرمَتنِی فَمَن ذَا أَلّذِی یهِینُنِی، وَ إِن أَهَنتَنِی فَمَن ذَا أَلّذِی یکرِمُنِی، وَ إِن عذَبّتنِی فَمَن ذَا أَلّذِی یرَحمَنُی، وَ إِن أَهَلکتَنِی فَمَن ذَا أَلّذِی یَعرِضُ لَکَ فِی عَبدِکَ، أَو یَسأَلُکَ عَن أَمرِه، وَ قَد عَلِمتُ أَنّهُ لَیسَ فِی حُکمِکَ ظُلمٌ، وَ لَا فِی نَقِمَتِکَ عَجَلَهٌ، وَ إِنّمَا یَعجَلُ مَن یَخَافُ الفَوتَ، وَ إِنّمَا یَحتَاجُ إِلَی الظّلم الضّعِیفُ، وَ قَد تَعَالَیتَ یَا إِلهِی عَن ذَلِکَ عُلُوّاً کَبِیراً.(۱۶) أَللّهُمّ صَلِّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ لَا تجعلنی لِلبَلَاءِ غَرَضاً، وَ لَا لِنَقِمَتِکَ نَصَباً، وَ مهّلنی، وَ نفّسنی، وَ أَقِلنِی عثرَتِی، وَ لَا تبتَلِیَنّی بِبَلَاءٍ عَلَی أَثَرِ بَلَاءٍ،فَقَد تَرَی ضَعفِی وَ قِلّهَ حِیلَتِی وَ تضَرّعِی إِلَیکَ.(۱۷)أَعُوذُ بِکَ أَللّهُمّ الیَومَ مِن غَضَبِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِذنِی.(۱۸) وَ أَستَجِیرُ بِکَ الیَومَ مِن سَخَطِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجِرنِی(۱۹) وَ أَسأَلُکَ أَمناً مِن عَذَابِکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ آمِنّی.(۲۰) وَ أَستَهدِیکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهدِنِی(۲۱) وَ أَستَنصِرُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ انصُرنِی.(۲۲) وَ أَستَرحِمُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارحَمنِی(۲۳) وَ أَستَکفِیکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اکفِنِی(۲۴) وَ أَستَرزِقُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقنِی(۲۵) وَ أَستَعِینُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنّی.(۲۶) وَ أَستَغفِرُکَ لِمَا سَلَفَ مِن ذُنُوبِی،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اغفِر لِی.

ص: ۱۵۳۴

(۱۵) خدای من، اگر تو مرا بلندمرتبه گردانی، پس کیست آنکه مرا پست نماید؟ و اگر مرا پست کنی، پس کیست آنکه بلند مرتبه ام گرداند؟ و اگر مرا گرامی داری، پس کیست آنکه خوارم کند؟ و اگر مرا خوار کنی، پس کیست آنکه گرامی ام دارد؟ و اگر مرا عذاب کنی، پس کیست آنکه به من رحم کند؟ و اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟ و دانسته ام که در فرمان تو ستم، و در انتقام تو شتاب، نیست. و همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد و همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است. و تو -ای خدای من- از این (امور) برتر و والاتری.

(۱۶) خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا هدف بلا و نشانه انتقام خود نگردان و به من مهلت ده و اندوهم را برطرف کن و از لغزشم درگذر و مرا گرفتار بلاهای پی درپی نساز. زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به درگاه خود می بینی.

(۱۷) خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و پناهم ده.

(۱۸) و امروز از خشمت به تو پناه آورده ام، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست، و مرا پناه ده.

(۱۹) و ایمنی از عذابت را از تو می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا ایمن ساز.

(۲۰) و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

(۲۱) و از تو یاری می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.

(۲۲) و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

(۲۳) و از تو کفایت می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کفایت کن.

(۲۴) و از تو روزی می طلبم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا روزی ده.

(۲۵) و از تو کمک می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا کمک کن.

(۲۶) و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا بیامرز.

ص: ۱۵۳۵

(۲۷) وَ أَستَعصِمُکَ،فَصَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعصِمنِي،فَإِنِّ لَن أَعُودَ لشِیَ ءٍ کَرِهتَهُ منِیّ إِن شِئتَ ذَلِکَ.(۲۸) یَا رَبّ یَا رَبّ، یَا حَنّانُ یَا مَنّانُ، یَا ذَا الجَلَالِ وَ الإِکرَامِ،صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ استَجِب لِی جَمِیعَ مَا سَأَلتُکَ وَ طَلَبتُ إِلَیکَ وَ رَغِبتُ فِیهِ إِلَیکَ، وَ أَردهُ وَ قَدّرهُ وَ اقضِهِ وَ أَمضِهِ، وَ خِر لِی فِیمَا تقَضیِ مِنهُ، وَ بَارِک لِی فِی ذَلِکَ، وَ تَفَضّل عَلَیّ بِهِ، وَ أَسعِدنِی بِمَا تعُطِینِی مِنهُ، وَ زِدنِی مِن فَضلِکَ وَ سَعَهِ مَا عِندَکَ،فَإِنّکَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ، وَ صِل ذَلِکَ بِخَیرِ الآخِرَهِ وَ نَعِیمِهَا، یَا أَرحَمَ الرّاحِمِینَ. ثُمّ تَدعُو بِمَا بَدَا لَکَ، وَ تصُلَیّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِهِ أَلفَ مَرّهٍ هَکَذَا کَانَ یَفعَلُ عَلَیهِ السّلَامُ.

ص: ۱۵۳۶

(۲۷) و از تـو می خـواهم کـه مرا (از گنـاه) بـازداری، پس بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و مرا (از گنـاه) بـاز دار. پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به چیزی که آن را از من نپسندیده ای، بر نمی گردم.

(۲۸) ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای بسـیار مهربان، ای بسـیار نعمت دهنـده، ای دارای بزرگواری و کرم، بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و همه آنچه را که از تو خواسـته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مسـتجاب فرما و آن را بخواه و مقـدّر کن و فرمان ده و اجرا کن. و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده و آن را برای من مبارک کن و بـا آن بر من تفضّـل نمـا و مرا به آنچه از آن عطا می کنی، نیک بخت گردان و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. پس همانا تو توانگر بخشـنده ای. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسـته گردان. ای مهربان ترین مهربانان.]سپس دعا کن. آنچه را برایت آشـکار شـد و بر محمّـد و خانـدانش هزار بـار درود فرست که امام -که درود بر او باد- اینچنین انجام می داد.[

ص: ۱۵۳۷

(۴۹) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِى دِفَاعِ كَيدِ الأَعدَاءِ، وَ رَدّ بَأسِهِم

(۱)إِلَهِى هدَيَتنَي فَلَهَوتُ، وَ وَعَظتَ فَقَسَوتُ، وَ أَبلَيتَ الجَمِيلَ فَعَصَيتُ، ثُمّ عَرَفتُ مَا أَصدَرتَ إِذ عَرّفتَنِيهِ،فَاستَغفَرتُ فَأَقَلتَ،فَعُدتُ فَسَتَرتَ،فَلَكَ إِلهَِي الحَمدُ.(۲)تَقَحّمتُ أَودِيَهَ الهَلَاكِ، وَ حَلَلتُ شِعَابَ تَلَفٍ،تَعَرّضتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ.(۳) وَ وسَِيلَتِي إِلَيكَ التّوحِيدُ، وَ ذرَِيعَتِي أَنّي لَم أُشرِك بِكَ شَيئاً، وَ لَم أَتّخِذ مَعَكَ إِلَهاً، وَ قَد فَرَرتُ إِلَيكَ بِنَفسِي، وَ إِلَيكَ مَفَرّ المسُِيءِ، وَ مَفزَعُ المُضَيّعِ لِحَظّ نَفسِهِ المُلتَجِئِ.(۴)فَكَم مِن عَدُوّ انتَضَى عَلَيّ سَيفَ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِي ظُبَةَ مُديَتِهِ، وَ أَرهَفَ لِي شَبَا حَدّهِ، وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَ سَدّدَ نَحوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَم تَنَم عَنّي عَينُ حِرَاسَتِهِ، وَ أَضمَرَ أَن يَسُومَنِي المَكرُوهَ، وَ يجُرَعّنَيِ زُعَاقَ مَرَارَتِهِ.(۵)فَنَظَرتَ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعفِي عَنِ احتِمَالِ الفَوَادِحِ، وَ عجَزِي عَنِ الِانتِصَارِ مِمّن قَصَدَنَي بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وحَدتَي فِي كَثِيرِ عَدَدِ مَن نَاوَانِي، وَ أَرصَدَ لِي بِالبَلَاءِ فِيمَا لَم أُعمِل فِيهِ فِكرِي.

(۴۹)و از دعای امام علیه السلام بود، در دور نمودن مکر دشمنان و بازگرداندن سختی آنان

(۱) خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم و پند دادی، پس سنگدل گشتم و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم. سپس چون آگاهم کردی، آنچه را صادر نموده بودی شناختم. پس آمرزش خواستم و تو درگذشتی. پس (باز به نافرمانی) برگشتم و تو پوشاندی. پس خدای من، تو را سپاس.

(۲) در وادی های هلاکت رفتم و به درّه های نابودی وارد شدم، در آنها خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم.

(۳) و وسیله من به سویت یگانه دانستن توست و دستاویزم آن است که چیزی را با تو شریک نکرده ام و با تو به خدایی اعتقاد نداشته ام و با جانم به سوی تو گریخته ام و گریزگاه بدکار و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست.

(۴) پس چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را بر روی من کشید، و لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت و تیرهای هدف گیری خود را، به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانی اش از من نخفت و در دل قصدِ آسیب رساندن به من داشت و آب بسیار تلخِ زهرآگین را جرعه جرعه به من نوشاند.

(۵) ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمّل مصیبت های سخت و عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده و تنهایی ام را در برابر (سپاهیانِ) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

ص: ۱۵۳۹

(۶)فَابتدَأتَنِی بِنَصرِکَ، وَ شَدَدتَ أزرِی بِقُوّتِکَ، ثُمّ فَلَلتَ لِی حَدّهُ، وَ صَیّرتَهُ مِن بَعدِ جَمعٍ عَدِیدٍ وَحدَهُ، وَ أَعلَیتَ کَعبِی عَلَیهِ، وَ جَعَلتَ مَا سَدّدَهُ مَردُوداً عَلَیهِ،فَرَدَدتَهُ لَم یَشفِ غَیظَهُ، وَ لَم یَسکُن غَلِیلُهُ، قَد عَضّ عَلَی شَوَاهُ وَ أَدبَرَ مُوَلّیاً قَد أَخلَفَت سَرَایَاهُ.(۷) وَ کَم مِن بَاغٍ بغَانِی بِمَکَایِدِهِ، وَ نَصَبَ لِی شَرَکَ مَصَایِدِهِ، وَ وَکّلَ بِی تَفَقّدَ رِعَایَتِهِ، وَ أَضبَأَ إِلَیّ إِضبَاءَ السّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انتِظَاراً لِانتِهَازِ الفُرصَهِ لِفَرِیسَتِهِ، وَ هُوَ یُظهِرُ لِی بَشَاشَهَ المَلَقِ، وَ یَنظُرُنِی عَلَی شِدّهِ الحَنَقِ.(۸) فَلَمّا رَأَیتَ یَا إِلَهِی تَبَارکتَ وَ تَعَالَیتَ دَغَلَ سَرِیرَتِهِ، وَ قُبحَ مَا انطَوَی عَلَیهِ،أَرکَستَهُ لِأُمّ رَأسِهِ فِی زُبیَتِهِ، وَ رَدَدتَهُ فِی مَهوَی حُفرَتِهِ،فَانقَمَعَ بَعدَ استِطَالَتِهِ ذَلِیلًا فِی رِبَقِ حِبَالَتِهِ الّتِی کَانَ یُقَدّرُ أَن یرَانِی فِیهَا، وَ قَد کَادَ أَن یَحُلّ بِی لَو لَا رَحمَتُکَ مَا حَلّ بِسَاحَتِهِ.(۹) وَ کَم مِن حَاسِدٍ قَد شَرِقَ بِی بِغُصّتِهِ، وَ شَجِیَ مِنّی بِغَیظِهِ، وَ سَلَقَنِی بِحَدّ لِسَانِهِ، وَ وحَرَنِی بِقَرفِ عُیُوبِهِ، وَ جَعَلَ عِرضِی غَرَضاً لِمَرَامِیهِ، وَ قَلّدَنِی خِلَالًا لَم تَزَل فِیهِ، وَ وحَرَنِی بِکَیدِهِ، وَ قَصَدَنِی بِمَکِیدَتِهِ.(۱۰)فَنَادَیتُکَ یَا إِلَهِی مُستَغِیثاً بِکَ،وَاثِقاً بِسُرعَهِ إِجَابَتِکَ،عَالِماً أَنّهُ لَا یُضطَهَدُ مَن أَوَی إِلَی ظِلّ کَنَفِکَ، وَ لَا یَفزَعُ مَن لَجَأَ إِلَی مَعقِلِ انتِصَارِکَ،فَحَصّنتَنِی مِن بَأسِهِ بِقُدرَتِکَ.(۱۱) وَ کَم مِن سَحَائِبِ مَکرُوهٍ جَلّیتَهَا عَنّی، وَ سَحَائِبِ نِعَمٍ أَمطَرتَهَا عَلَیّ، وَ جَدَاوِلِ رَحمَهٍ نَشَرتَهَا، وَ عَافِیَهٍ أَلبَستَهَا، وَ أَعیُنِ أَحدَاثٍ طَمَستَهَا، وَ غَوَاشِی کُرُبَاتٍ کَشَفتَهَا.

(۶) پس به یاری کردنم آغاز نمودی و به توانایی ات پشتم را نیرومند ساختی. سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی و پس از آنکه در گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی و مرا بر او پیروز نمودی و آنچه آن را نشانه گرفته بود، بر خودش برگرداندی و در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی. سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلّف کردند.

(۷) و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و دام های خود را برایم گسترد و مراقبت و جستجویش را بر من گماشت و همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست. در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد، و با خشم سخت به من می نگریست.

(۸) پس همین که -ای خدای مبارک و والای من- تباهی باطن او و زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش باز گرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، درآمد. و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد.

(۹) و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد و سختی خشمش از من، گلویش را گرفت و با زبان تیزش مرا آزرد و با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشم بر من پر ساخت. و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد و ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به من نسبت داد. و با مکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد.

(۱۰) ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواسته و به اجابت سریع تو اطمینان داشتم، و می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه بَرَد، شکست نمی خورد. و هر که به پناهگاه یاری تو پناهنده شود، هراسی ندارد. پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او باز داشتی.

(۱۱) و چه بسیار ابرهای مصیبت باری که از من برطرف نمودی و ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی و جوی های رحمتی که روان نمودی و (جامه های) تندرستی ای که (بر من) پوشاندی و چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی و پرده های اندوه که برداشتی.

(۱۲) وَ کَم مِن ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقتَ، وَ عَدَمٍ جَبَرتَ، وَ صَرعَةٍ أَنعَشتَ، وَ مَسکَنَةٍ حَوَّلتَ. (۱۳) کُلُّ ذَلِکَ إِنعَاماً وَ تَطَوُّلًا مِنکَ، وَ فِی جَمِیعِهِ انهِمَاکاً مِنِّی عَلَی مَعَاصِیکَ، لَم تَمنَعکَ إِسَاءَتِی عَن إِتمَامِ إِحسَانِکَ، وَ لَا حَجَزَنِی ذَلِکَ عَنِ ارتِکَابِ مَسَاخِطِکَ، لَا تُسأَلُ عَمّا تَفعَلُ.(۱۴) وَ لَقَد سُئِلتَ فَأَعطَیتَ، وَ لَم تُسأَل فَابتَدَأتَ، وَ استُمِیحَ فَضلُکَ فَمَا أَکدَیتَ،أَبَیتَ یَا مَولَایَ إِلَّا إِحسَاناً وَ امتِنَاناً وَ تَطَوُّلًا وَ إِنعَاماً، وَ أَبَیتُ إِلَّا تَقَحّماً لِحُرُمَاتِکَ، وَ تَعَدّیاً لِحُدُودِکَ، وَ غَفلَةً عَن وَعِیدِکَ،فَلَکَ الحَمدُ إِلَهِی مِن مُقتَدِرٍ لَا یُغلَبُ، وَ ذِی أَنَاةٍ لَا یَعجَلُ.(۱۵) هَذَا مَقَامُ مَنِ اعتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتَّقصِیرِ، وَ شَهِدَ عَلَی نَفسِهِ بِالتَّضیِیعِ.(۱۶) أَللَّهُمَّ فَإِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیکَ بِالمُحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ، وَ العَلَوِیَّهِ البَیضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیکَ بِهِمَا أَن تُعِیذَنِی مِن شَرِّ کَذَا وَ کَذَا، فَإِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیکَ فِی وُجدِکَ، وَ لَا یَتَکَأَّدُکَ فِی قُدرَتِکَ وَ أَنتَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ(۱۷)فَهَب لِی یَا إِلَهِی مِن رَحمَتِکَ وَ دَوَامِ تَوفِیقِکَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلَّماً أَعرُجُ بِهِ إِلَی رِضوَانِکَ، وَ آمَنُ بِهِ مِن عِقَابِکَ، یَا أَرحَمَ الرَّاحِمِینَ.

(۱۲) و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی، و کمبودهایی که جبران نمودی، و به زمین خوردن هایی که بلند کردی، و نیازمندی هایی را که تغییر دادی.

(۱۳) همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم و بد کرداری من تو را از تمام نمودن احسانت باز نداشت. و آن مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم می آورَد، جلوگیری ننمود. تو از آنچه انجام می دهی، بازخواست نخواهی شد.

(۱۴) و چون از تو درخواست شد، پس عطا کردی و درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی و فضل تو خواسته شد، پس کم نگذاشتی. و تو ای مولای من، جز احسان و بخشش و لطف و انعام کاری نکرده ای و من هم جز وارد شدن در حرام های تو و تعدّی از حدود تو و غفلت از تهدیدهای تو کاری نداشته ام. پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد و مهلت دهنده ای که شتاب نمی کند.

(۱۵) این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است.

(۱۶) خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسیله آنان به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی باشد و تو بر هر چیز توانایی.

(۱۷) پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم و به وسیله آن از کیفرت ایمن گردم. ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۱۵۴۳

(۵۰) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی الرّهبَهِ

(۱) أللّهُمّ إِنّکَ خلَقَتنَی سَوِیّاً، وَ ربّیتنَی صَغِیراً، وَ رزَقَتنَی مَکفِیّاً (۲) أللّهُمّ إنِیّ وَجَدتُ فِیمَا أَنزَلتَ مِن کِتَابِکَ، وَ بَشّرتَ بِهِ عِبَادَکَ أَن قُلتَ یَا عِبَادیِ الّذِینَ أَسرَفُوا عَلَی أَنفُسِهِم لَا تَقنَطُوا مِن رَحمَهِ اللّهِ، إِنّ اللّهَ یَغفِرُ الذّنُوبَ جَمِیعاً، وَ قَد تَقَدّمَ منِیّ مَا قَد عَلِمتَ وَ مَا أَنتَ أَعلَمُ بِهِ منِیّ،فَیَا سَوأَتَا مِمّا أَحصَاهُ عَلَیّ کِتَابُکَ(۳)فَلَو لَا المَوَاقِفُ التّیِ أُؤَمّلُ مِن عَفوِکَ ألّذِی شَمِلَ کُلّ شَیءٍ لَأَلقَیتُ بیِدَیِ، وَ لَو أَنّ أَحَداً استَطَاعَ الهَرَبَ مِن رَبّهِ لَکُنتُ أَنَا أَحَقّ بِالهَرَبِ مِنکَ، وَ أَنتَ لَا تَخفَی عَلَیکَ خَافِیَهٌ فِی الأَرضِ وَ لَا فِی السّمَاءِ إِلّا أَتَیتَ بِهَا، وَ کَفَی بِکَ جَازِیاً، وَ کَفَی بِکَ حَسِیباً.(۴) أللّهُمّ إِنّکَ طَالبِیِ إِن أَنَا هَرَبتُ، وَ مُدرکِیِ إِن أَنَا فَرَرتُ،فَهَا أَنَا ذَا بَینَ یَدَیکَ خَاضِعٌ ذَلِیلٌ رَاغِمٌ، إِن تُعَذّبنیِ فَإِنیّ لِذَلِکَ أَهلٌ، وَ هُوَ یَا رَبّ مِنکَ عَدلٌ، وَ إِن تَعفُ عنَیّ فَقَدِیماً شَمَلَنیِ عَفوُکَ، وَ أَلبَستَنیِ عَافِیَتَکَ.(۵)فَأَسأَلُکَ أللّهُمّ بِالمَخزُونِ مِن أَسمَائِکَ، وَ بِمَا وَارَتهُ الحُجُبُ مِن بَهَائِکَ، إِلّا رَحِمتَ هَذِهِ النّفسَ الجَزُوعَهَ، وَ هَذِهِ الرّمّهَ الهَلُوعَهَ،التّیِ لَا تَستَطِیعُ حَرّ شَمسِکَ،فَکَیفَ تَستَطِیعُ حَرّ نَارِکَ، وَ التّیِ لَا تَستَطِیعُ صَوتَ رَعدِکَ،فَکَیفَ تَستَطِیعُ صَوتَ غَضَبِکَ

(۵۰)و از دعای امام علیه السلام بود، در ترس (از خداوند)

(۱) خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی، و در کوچکی پرورش دادی، و به قدر کفایت، به من روزی دادی.

(۲) خداوندا، همانا من در کتابت که فرو فرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو می دانی و از من به آنها داناتری. پس وای بر رسوایی من، از آنچه نامه تو برایم برشمرده است.

(۳) پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرا می گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم و اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم. و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست، مگر آن را حاضر نموده ای و همین بس که تو جزا دهنده و همین بس که تو حسابگری.

(۴) خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم. و دستگیر کننده منی، اگر فرار کنم. پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون. اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن -ای پروردگار من- از جانب تو عدل است. و اگر از من درگذری، پس از دیر زمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته و عافیت خویش را بر من پوشانده ای.

(۵) پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بیقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟ و توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشمت را توانایی دارد؟

ص: ۱۵۴۵

(۶)فَارحمَني ـ أللّهُمّ فإِنِيّ امرُؤٌ حَقِيرٌ، وَ خطَرَي يَسِـيرٌ، وَ لَيس عذَابي مِمّا يَزِيدُ فِي مُلكِكَ مِثقَالَ ذَرّةٍ، وَ لَو أَنّ عذَابي مِمّا يَزِيدُ فِي مُلكِكَ لَسَأَلتُكَ الصّبرَ عَلَيهِ، وَ أَحبَبتُ أَن يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ، وَ لَكِن سُلطَانُكَ أللّهُمّ أَعظَمُ، وَ مُلكُكَ أَدوَمُ مِن أَن تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ المُطِيعِينَ، أَو تَنقُصَ مِنهُ معصِيَةُ المُذنِبِينَ.(۷)فَارحمَني يَا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ، وَ تَجَاوَز عَنّي يَا ذَا الجَلَالِ وَ الإِكرَامِ، وَ تُب عَلَيّ،إِنّكَ أَنتَ التّوّابُ الرّحِيمُ.

ص: ۱۵۴۶

(۶) پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است و عذاب من، چیزی نیست که ذرّه ای بر پادشاهی تو بیفزاید. و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم و دوست داشتم که آن (فزونی) بر (ملک) تو باشد. ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر و پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید، یا نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد.

(۷) پس بر من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان. و از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم. و توبه ام را بپذیر، به درستی که تویی توبه پذیرِ بسیار مهربان.

ص: ۱۵۴۷

(۵۱) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِى التّضَرّعِ وَ الِاستِكَانَه

(۱)إِلَهِي أَحمَدُكَ وَ أَنتَ لِلحَمدِ أَهلٌ عَلَى حُسنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ، وَ سُبُوغِ نَعمَائِكَ عَلَيّ، وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ عِندِي، وَ عَلَى مَا فَضّلتَنِي بِهِ مِن رَحمَتِكَ، وَ أَسبَغتَ عَلَيّ مِن نِعمَتِكَ،فَقَدِ اصطَنَعتَ عِندِي مَا يَعجِزُ عَنهُ شُكرِي.(۲) وَ لَو لَا إِحسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نَعمَائِكَ عَلَيّ مَا بَلَغتُ إِحرَازَ حَظّي، وَ لَا إِصلَاحَ نَفسِي، وَ لَكِنّكَ ابتَدَأتَنِي بِالإِحسَانِ، وَ رزَقتَنِي فِي أُمُورِي كُلّهَا الكِفَايَهَ، وَ صَرَفتَ عَنّي جَهدَ البَلَاءِ، وَ مَنَعتَ مِنّي مَحذُورَ القَضَاءِ.(۳)إِلَهِي فَكَم مِن بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَد صَرَفتَ عَنّي، وَ كَم مِن نِعمَهٍ سَابِغَهٍ أَقرَرتَ بِهَا عَينِي، وَ كَم مِن صَنِيعَهٍ كَرِيمَهٍ لَكَ عِندِي(۴) أَنتَ ألّذِى أَجَبتَ

عِندَ الِاضطِرَارِ دعَوتَي، وَ أَقَلتَ

عِندَ العِثَارِ زلّتَي، وَ أَخَذتَ لِي مِنَ الأَعدَاءِ بظُلَامَتِي.(۵)إِلَهِي مَا وَجَدتُكَ بَخِيلًا حِينَ سَأَلتُكَ، وَ لَا مُنقَبِضاً حِينَ أَرَدتُكَ،بَل وَجَدتُكَ لِدُعَائِي سَامِعاً، وَ لِمَطَالِبِي مُعطِياً، وَ وَجَدتُ نُعمَاكَ عَلَيّ سَابِغَهً فِي كُلّ شَأنٍ مِن شَأنِي وَ كُلّ زَمَانٍ مِن زمَانِي،فَأَنتَ عِندِي مَحمُودٌ، وَ صَنِيعُكَ لَدَيَّ مَبرُورٌ.

ص: ۱۵۴۸

(۵۱)و از دعای امام علیه السلام بود، در زاری نمودن و فروتنی کردن

(۱) خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی ات به من، و فراخی نعمت هایت بر من، و بسیاری عطاها و بخشش هایت درباره من، و بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی، و بر نعمتت که بر من روا داشتی. پس تو آنچنان به من نیکی کردی که شکر من از ادای آن عاجز است.

(۲) و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم و اصلاح خویش را نمی یافتم. ولی تو احسانت را در حقّ من آغاز نمودی و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی و سختی گرفتاری را از من دور کردی و مقدّراتی که موجب ترس است را از من باز داشتی.

(۳) خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی! و چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی! و چه بسیار نیکیِ بزرگ، که برای تو نزد من است!

(۴) تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی و هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم درگذشتی و داد مرا از دشمنانم گرفتی.

(۵) خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم و هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم. بلکه تو را برای نیایشم، شنونده و برای خواسته هایم، بخشنده یافتم. و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم. پس تو نزد من ستوده ای و نیکی ات پیش من پسندیده است.

(۶)تَحمَدُکَ نفسي وَ لسانِي وَ عقلِي،حَمداً يَبلُغُ الوَفَاءَ وَ حَقِيقَهَ الشّکرِ،حَمداً يَکونُ مَبلَغَ رِضَاکَ عنَيّ،فَنَجّني مِن سُخطِکَ. (۷) يَا کهَفي حِينَ تعُيِينِي المَذَاهِبُ وَ يَا مقُيِلِي عثَرتَيِ،فَلو لَا سَترُکَ عورتَيِ لَکُنتُ مِنَ المَفضُوحِينَ، وَ يَا مؤُيَدّيِ بِالنّصرِ،فَلو لَا نَصرُکَ إِيّايَ لَکُنتُ مِنَ المَغلُوبِينَ، وَ يَا مَن وَضَعَت لَهُ المُلُوکُ نِيرَ المَذَلّهِ عَلَى أَعنَاقِهَا،فَهُم مِن سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، وَ يَا أَهلَ التّقوَى، وَ يَا مَن لَهُ الأَسمَاءُ الحُسنَى،أَسأَلُکَ أَن تَعفُوَ عنَيّ، وَ تَغفِرَ لِي فَلَستُ بَرِيئاً فَأَعتَذِرَ، وَ لَا بِذِي قُوّهٍ فَأَنتَصِرَ، وَ لَا مَفَرّ لِي فَأَفِرّ.(۸) وَ أَستَقِيلُکَ عثَرَاتيِ، وَ أَتَنَصّلُ إِلَيکَ مِن ذنُوُبيِ‌ الّتيِ قَد أَوبَقَتنيِ، وَ أَحَاطَت بيِ فَأَهلَکَتنيِ،مِنهَا فَرَرتُ إِلَيکَ رَبّ تَائِباً فَتُب عَلَيّ،مُتَعَوّذاً فَأَعِذنيِ،مُستَجِيراً فَلَا تَخذُلنيِ،سَائِلًا فَلَا تَحرِمنيِ مُعتَصِماً فَلَا تُسلِمنيِ،دَاعِياً فَلَا ترَدُنّيِ خَائِباً.(۹)دَعَوتُکَ يَا رَبّ مِسکِيناً،مُستَکِيناً،مُشفِقاً،خَائِفاً،وَجِلًا،فَقِيراً،مُضطَرّاً إِلَيکَ.(۱۰)أَشکُو إِلَيکَ يَا إِلهَيِ ضَعفَ نفَسيِ عَنِ المُسَارَعَهِ فِيمَا وَعَدتَهُ أَولِيَاءَکَ، وَ المُجَانَبَهِ عَمّا حَذّرتَهُ أَعدَاءَکَ، وَ کَثرَهَ همُوُميِ، وَ وَسوَسَهَ نفَسيِ.(۱۱)إلِهَيِ لَم تَفضَحنيِ بِسَرِيرتَيِ، وَ لَم تُهلِکنيِ بِجَرِيرتَيِ،أَدعُوکَ فَتُجِيبنُيِ وَ إِن کُنتُ بَطِيئاً حِينَ تَدعُونيِ، وَ أَسأَلُکَ کُلّمَا شِئتُ مِن حَوَائِجِي، وَ حَيثُ مَا کُنتُ وَضَعتُ عِندَکَ سرِيّ، فَلَا أَدعُو سِوَاکَ، وَ لَا أَرجُو غَيرَکَ

(۶) تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. پس مرا از خشم سختت نجات ده.

(۷) ای پناه من، وقتی که راه ها مرا ناتوان می کند و راه نمی نماید، و ای درگذرنده از لغزشم که اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسوا شدگان بودم، و ای نیرو دهنده با یاری نمودن، که اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم، و ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او ترسانند، و ای سزاوار پرهیزکاری، و ای کسی که نیکوترین نام ها برای اوست؛ از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم و مرا گریزگاهی نیست تا بگریزم.

(۸) و از تو می خواهم که از لغزش هایم درگذری و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته و مرا فراگرفته تا هلاکم کند، پوزش می طلبم. پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر. پناهنده ام، پس پناهم ده. زنهار خواهنده ام، پس خوارم نکن. درخواست کننده ام، پس بی بهره ام نگردان. چنگ زننده ام، پس رهایم نکن. خواهانم، پس مرا ناامید برنگردان.

(۹) تو را خواندم – ای پروردگار من – در حالی که بینوا، فروتن، حذر کننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم.

(۱۰) ای خدای من، از ناتوانی جسمم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، و دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، و از بسیاری اندوه هایم و از وسوسه های دلم، به تو شکایت می کنم.

(۱۱) خدای من، به (ناپاکی) درونم مرا رسوا نکردی و به گناهم مرا هلاک ننمودی. تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی و اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم. و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم و هر کجا که باشم راز خود را نزد تو می گذارم. پس جز تو را نمی خوانم و به جز تو امیدوار نیستم.

ص: ۱۵۵۱

(١٢)لَبّیکَ لَبّیکَ،تَسمَعُ مَن شَکَا إِلَیکَ، وَ تَلقَی مَن تَوَکّلَ عَلَیکَ، وَ تُخَلّصُ مَنِ اعتَصَمَ بِکَ، وَ تُفَرّجُ عَمّن لَاذَ بِکَ.(١٣)إِلَهِی فَلَا تحَرمِنِی خَیرَ الآخِرَهِ وَ الأُولَی لِقِلّهِ شکُرِی، وَ اغفِر لِی مَا تَعلَمُ مِن ذنُوُبیِ.(١۴) إِن تُعَذّب فَأَنَا الظّالِمُ المُفَرّطُ المُضَیّعُ الآثِمُ المُقَصّرُ المُضَجّعُ المُغفِلُ حَظّ نفَسیِ، وَ إِن تَغفِر فَأَنتَ أَرحَمُ الرّاحِمِینَ.

ص: ١۵۵٢

(۱۲) در فرمانبری ات پابرجایم. کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می آوری و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می رهانی و غم و اندوه را از کسی که به تو پناه آورده، برطرف می کنی.

(۱۳) خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان و گناهانی را که از من می دانی، بیامرز.

(۱۴) اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده، واگذارنده بهره خویشم و اگر بیامرزی، پس تو بخشاینده ترین بخشایندگانی.

ص: ۱۵۵۳

(۵۲) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السَّلَامُ فِی الإِلحَاحِ عَلَی اللّهِ تَعَالَی

(۱) یَا اللّهُ أَلّذِی لَا یَخفَی عَلَیهِ شَیءٌ فِی الأَرضِ وَ لَا فِی السّمَاءِ، وَ کَیفَ یَخفَی عَلَیکَ یَا إِلَهِی مَا أَنتَ خَلَقتَهُ، وَ کَیفَ لَا تُحصِی مَا أَنتَ صَنَعتَهُ، أَو کَیفَ یَغِیبُ عَنکَ مَا أَنتَ تُدَبّرُهُ، أَو کَیفَ یَستَطِیعُ أَن یَهرُبَ مِنکَ مَن لَا حَیَاةَ لَهُ إِلّا بِرِزقِکَ، أَو کَیفَ یَنجُو مِنکَ مَن لَا مَذهَبَ لَهُ فِی غیرِ مُلکِکَ.(۲)سُبحَانَکَ أَخشَی خَلقِکَ لَکَ أَعلَمُهُم بِکَ، وَ أَخضَعُهُم لَکَ أَعمَلُهُم بِطَاعَتِکَ، وَ أَهوَنُهُم عَلَیکَ مَن أَنتَ تَرزُقُهُ وَ هُوَ یَعبُدُ غَیرَکَ(۳)سُبحَانَکَ لَا یَنقُصُ سُلطَانَکَ مَن أَشرَکَ بِکَ، وَ کَذّبَ رُسُلَکَ، وَ لَیسَ یَستَطِیعُ مَن کَرِهَ قَضَاءَکَ أَن یَرُدّ أَمرَکَ، وَ لَا یَمتَنِعُ مِنکَ مَن کَذّبَ بِقُدرَتِکَ، وَ لَا یَفُوتُکَ مَن عَبَدَ غَیرَکَ، وَ لَا یُعَمّرُ فِی الدّنیَا مَن کَرِهَ لِقَاءَکَ.(۴)سُبحَانَکَ مَا أَعظَمَ شَأنَکَ، وَ أَقهَرَ سُلطَانَکَ، وَ أَشَدّ قُوّتَکَ، وَ أَنفَذَ أَمرَکَ(۵)سُبحَانَکَ قَضَیتَ عَلَی جَمِیعِ خَلقِکَ المَوتَ مَن وَحّدَکَ وَ مَن کَفَرَ بِکَ، وَ کُلّ ذَائِقُ المَوتِ، وَ کُلّ صَائِرٌ إِلَیکَ،فَتَبَارَکتَ وَ تَعَالَیتَ لَا إِلَهَ إِلّا أَنتَ وَحدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ.

(۵۲)و از دعای امام علیه السلام بود، در اصرار به خداوند بلند مرتبه

(۱) ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. و چگونه آنچه را که خود آن را آفریده ای - ای خدای من - بر تو پنهان باشد؟ و چگونه آنچه را که خود ساخته ای، شمار آن را ندانی؟ یا چگونه از تو پنهان شود، آنچه که خود آن را تدبیر می نمایی؟ یا چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی اتْ زندگی برایش نیست؟ یا چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟

(۲) پاکْ و منزّهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست. و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.

(۳) پاکْ و منزّهی! کسی که به تو شرکْ آورَد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد. و کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند. و کسی که قدرت تو را تکذیب نمود، نمی تواند خود را از تو بازدارد. و کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد. و کسی که (مرگْ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد.

(۴) پاکْ و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو! و چه غالب است پادشاهی ات! و چه شدید است قدرت تو! و چه نافذ است فرمانت!

(۵) پاکْ و منزّهی! مرگْ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده ای. و همه چشنده مرگْ هستند. و همه به سوی تو برگشت کننده اند. پس تو مباركْ و برتری. جز تو معبودی نیست. یگانه ای هستی که برای تو شریکی نمی باشد.

(۶)آمَنتُ بِکَ، وَ صَدّقتُ رُسُلکَ، وَ قَبِلتُ کِتَابَکَ، وَ کَفرتُ بِکَلّ مَعبُودٍ غَیرکَ، وَ بَرِئتُ مِمّن عَبَدَ سِوَاکَ. (۷) أللّهُمّ إنِیّ أَصبحُ وَ أمُسیِ مُستَقِلّا لعِمَلیِ،مُعتَرِفاً بِذِنبیِ،مُقِرّاً بخِطَایَایَ، أَنَا بإِسِرَافیِ عَلَی نفَسیِ ذَلِیلٌ،عمَلَیِ أَهلَکَنیِ، وَ هوَاَیَ أَردَانیِ، وَ شهَوَاَتیِ حرَمَتنیِ.(۸)فَأَسأَلُکَ یَا موَلاَیَ سُؤَالَ مَن نَفسُهُ لَاهِیَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ، وَ بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُکُونِ عُرُوقِهِ، وَ قَلبُهُ مَفتُونٌ بِکَثرَهِ النّعَم عَلَیهِ، وَ فِکرُهُ قَلِیلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَیهِ.(۹)سُؤَالَ مَن قَد غَلَبَ عَلَیهِ الأَمَلُ، وَ فَتَنَهُ الهَوَی، وَ استَمکَنَت مِنهُ الدّنیَا، وَ أَظَلّهُ الأَجَلُ،سُؤَالَ مَن استَکثَرَ ذُنُوبَهُ، وَ اعتَرَفَ بِخَطِیئَتِهِ،سُؤَالَ مَن لَا رَبّ لَهُ غَیرُکَ، وَ لَا ولَیِّ لَهُ دُونَکَ، وَ لَا مُنقِذَ لَهُ مِنکَ، وَ لَا مَلجَأَ لَهُ مِنکَ، إِلّا إِلَیکَ.(۱۰)إِلهَیِ أَسأَلُکَ بِحَقّکَ الوَاجِبِ عَلَی جَمِیعِ خَلقِکَ، وَ باِسمِکَ العَظِیمِ ألّذِی أَمَرتَ رَسُولَکَ أَن یُسَبّحَکَ بِهِ، وَ بِجَلَالِ وَجهِکَ الکَرِیمِ، ألّذِی لَا یَبلَی وَ لَا یَتَغَیّرُ، وَ لَا یَحُولُ وَ لَا یَفنَی، أَن تصُلَیَّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ أَن تغُنیِنَیِ عَن کُلّ شَیءٍ بِعِبَادَتِکَ، وَ أَن تسُلَیّ نفَسیِ عَنِ الدّنیَا بِمَخَافَتِکَ، وَ أَن تثُنیِنَیِ بِالکَثِیرِ مِن کَرَامَتِکَ برَحمَتِکَ.(۱۱)فَإِلَیکَ أَفِرّ، ومِنکَ أَخَافُ، وَ بِکَ أَستَغِیثُ، وَ إِیّاکَ أَرجُو، وَ لَکَ أَدعُو، وَ إِلَیکَ أَلجَأُ، وَ بِکَ أَثِقُ، وَ إِیّاکَ أَستَعِینُ، وَ بِکَ أُومِنُ، وَ عَلَیکَ أَتَوَکّلُ، وَ عَلَی جُودِکَ وَ کَرَمِکَ أَتّکِلُ.

(۶) به تو ایمان آوردم و پیامبرانت را تصدیق نمودم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم و از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستم.

(۷) خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم و به گناهم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می کنم. من به خاطر زیاده روی بر خود، خوار گشته ام. عملم مرا به هلاکت افکنده و هوای نفسم مرا تباه ساخته و خواهش های نفسانی ام مرا محروم گردانده.

(۸) پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش سرگرم شده و تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده و دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده و اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک است.

(۹) درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته، و خواهش نفس او را گمراه نموده و دنیا بر او تسلّط یافته و مرگ بر او سایه افکنده است. درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته، و به خطایش اعتراف نموده است. درخواست کسی که پروردگاری برای او جز تو و سرپرستی برایش غیر تو نیست، و نجات دهنده ای برای او از تو نمی باشد، و پناهگاهی برای او از تو، جز به سوی تو نیست.

(۱۰) خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، و به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، و به آن بزرگی ذات بزرگوارت که کهنه و دگرگون نمی شود، و تغییر حال نمی دهد، و نابود نمی گردد، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا به وسیله بندگی ات از هر چیزی بی نیاز گردانی و مرا با ترس از خود، در دوری از دنیا، تسلّی بخشی. و با رحمت خویش مرا به بسیارِ بخشش خود بازگردانی.

(۱۱) پس فقط به سوی تو می گریزم و تنها از تو می ترسم و تنها از تو فریادرسی می خواهم و فقط به تو امیدوارم و تو را می خوانم و تنها به سوی تو پناه می برم و به تو اعتماد می کنم و فقط از تو یاری می جویم و تنها به تو ایمان دارم و فقط بر تو توکّل می کنم و تنها بر بخشش و بزرگواری تو دل می بندم.

ص: ۱۵۵۷

(۵۳) وَ كَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَيهِ السّلَامُ فِی التّذَلّلِ لِلّهِ عَزّ وَ جَلّ

(۱)رَبّ أَفحَمَتنِی ذُنُوبِی، وَ انقَطَعَت مقَاَلتَیِ، فَلَا حُجّةَ لِی،فَأَنَا الأَسِیرُ بِبَلِیّتِی،المُرتَهَنُ بعِمَلَیِ،المُتَرَدّدُ فِی خَطِیئتَیِ،المُتَحَیّرُ عَن قَصدِی،المُنقَطَعُ بیِ.(۲) قَد أَوقَفتُ نفَسیِ مَوقِفَ الأَذِلّاءِ المُذنِبِینَ،مَوقِفَ الأَشقِیَاءِ المُتَجَرّیِنَ عَلَیکَ،المُستَخِفّینَ بِوَعدِکَ(۳)سُبحَانَکَ أَیّ جُرأَةٍ اجتَرَأتُ عَلَیکَ، وَ أَیّ تَغرِیرٍ غَرّرتُ بِنفَسیِ(۴)موَلاَیَ ارحَم کبَوتَیِ لِحُرّ وجَهیِ وَ زَلّةَ قدَمَیِ، وَ عُد بِحِلمِکَ عَلَی جهَلیِ وَ بِإِحسَانِکَ عَلَی إِسَاءَتیِ،فَأَنَا المُقِرّ بذِنَبیِ،المُعتَرِفُ بِخَطِیئتَیِ، وَ هَذِهِ یدَیِ وَ نَاصِیتَیِ،أَستَکِینُ بِالقَوَدِ مِن نفَسیِ،ارحَم شَیبتَیِ، وَ نَفَادَ أیَاّمیِ، وَ اقتِرَابَ أجَلَیِ وَ ضَعفیِ وَ مَسکَنتَیِ وَ قِلّةَ حِیلتَیِ.(۵)موَلاَیَ وَ ارحَمنیِ إِذَا انقَطَعَ مِنَ الدّنیَا أثَرَیِ، وَ امّحَی مِنَ المَخلُوقِینَ ذِکرِی، وَ کُنتُ مِنَ المَنسِیّینَ کَمَن قَد نسُیَِ(۶)موَلاَیَ وَ ارحَمنیِ

عِندَ تَغَیّرِ صوُرتَیِ وَ حاَلیِ إِذَا بلَیَِ جسِمیِ، وَ تَفَرّقَت أَعضَائیِ، وَ تَقَطّعَت أَوصَالیِ، یَا غفَلتَیِ عَمّا یُرَادُ بیِ.(۷)موَلاَیَ وَ ارحَمنیِ فِی حشَریِ وَ نشَریِ، وَ اجعَل فِی ذَلِکَ الیَومِ مَعَ أَولِیَائِکَ موَقفِیِ، وَ فِی أَحِبّائِکَ مصَدرَیِ، وَ فِی جِوَارِکَ مسَکنَیِ، یَا رَبّ العَالَمِینَ.

ص: ۱۵۵۸

(۵۳)و از دعای امام علیه السلام بود، در فروتنی برای خداوند ارجمند و بزرگوار

(۱) ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده و گفتارم قطع گردیده. پس برای من هیچ حجّتی نیست. از این رو من اسیر بلای خود، گروگان عمل خویش، مردد در خطای خود، متحیّر از مقصد خویش و در راه مانده ام.

(۲) خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار، جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند و سبک شمارندگان وعده تو، واداشته ام.

(۳) پاکْ و منزّهی! به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟ و به کدام هلاکْ، خود را به هلاکت افکندم؟

(۴) مولای من! بر به رو افتادنم با تمام رخسارم، و بر لغزش گام هایم رحم کن. و با بردباری ات بر نادانی ام، و با احسانت بر بدکرداری ام تلافی کن. زیرا من به گناه خود، اقرار داشته و به خطای خویش، اعتراف می کنم. و این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم، بر پیری ام و به آخر رسیدن روزهایم و نزدیکْ شدن مرگم و ناتوانی ام و نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن.

(۵) مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، و یادم از میان آفریدگان محو گردد، و مانند کسی که فراموش شده، از فراموش شدگان گردم، به من رحم کن.

(۶) مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسدم پوسیده گردد، و اعضایم گسسته شود، و مفاصلم پاره پاره شود، بر من رحم کن. ای وای از بی خبری من از آنچه درباره ام خواسته می شود!.

(۷) مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن، و جایگاهم را در آن روز با دوستانت، و بازگشتم را در میان یارانت، و خانه ام را در جوار خود قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

ص: ۱۵۵۹

(۵۴) وَ کَانَ مِن دُعَائِهِ عَلَیهِ السّلَامُ فِی استِکشَافِ الهُمُومِ

(۱) یَا فَارِجَ الهَمّ، وَ کَاشِفَ الغَمّ، یَا رَحمَانَ الدّنیَا وَ الآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا،صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ افرُج هَمّی، وَ اکشِف غَمّی.(۲) یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ یَا مَن لَم یَلِد وَ لَم یُولَد وَ لَم یَکُن لَهُ کُفُواً أَحَدٌ،اعصِمنِی وَ طَهّرنِی، وَ اذهَب بِبَلِیّتِی. وَ اقرَأ آیَهَ الکرُسیِ وَ المُعَوّذَتَینِ وَ قُل هُوَ اللّهُ أَحَدٌ، وَ قُل(۳) أللّهُمّ إِنّی أَسأَلُکَ سُؤَالَ مَنِ اشتَدّت فَاقَتُهُ، وَ ضَعُفَت قُوّتُهُ، وَ کَثُرَت ذُنُوبُهُ،سُؤَالَ مَن لَا یَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغِیثاً، وَ لَا لِضَعفِهِ مُقَوّیاً، وَ لَا لِذَنبِهِ غَافِراً غَیرَکَ، یَا ذَا الجَلَالِ وَ الإِکرَامِ أَسأَلُکَ عَمَلًا تُحِبّ بِهِ مَن عَمِلَ بِهِ، وَ یَقِیناً تَنفَعُ بِهِ مَنِ استَیقَنَ بِهِ حَقّ الیَقِینَ فِی نَفَاذِ أَمرِکَ.(۴) أللّهُمّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ، وَ اقبِض عَلَی الصّدقِ نَفسیِ، وَ اقطَع مِنَ الدّنیَا حَاجَتِی، وَ اجعَل فِیمَا عِندَکَ رَغبَتِی شَوقاً إِلَی لِقَائِکَ، وَ هَب لِی صِدقَ التّوَکّلِ عَلَیکَ.(۵)أَسأَلُکَ مِن خَیرِ کِتَابٍ قَد خَلَا، وَ أَعُوذُ بِکَ مِن شَرّ کِتَابٍ قَد خَلَا،أَسأَلُکَ خَوفَ العَابِدِینَ لَکَ، وَ عِبَادَهَ الخَاشِعِینَ لَکَ، وَ یَقِینَ المُتَوَکّلِینَ عَلَیکَ، وَ تَوَکّلَ المُؤمِنِینَ عَلَیکَ.

(۵۴)و از دعای امام علیه السلام بود، در درخواست برطرف نمودن اندوه ها

(۱) ای برطرف کننده اندوه و ازبین برنده غم. ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و اندوه مرا برطرف کن و غمم را بزدا.

(۲) ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای که نزائیده و زائیده نشده ای و برای او همتایی نبوده است، مرا حفظ کن و پاک گردان و گرفتاری مرا از میان ببر. «و آیهالکرسی و سوره های ناس و فلق و قل هو اللّه احد را بخوان و بگو: »

(۳) خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف، و گناهانش بسیار است. درخواست کسی که فریادرسی برای نیازش، و نیرو دهنده ای برای ضعفش، و بخشاینده ای برای گناهانش جز تو نمی یابد. ای صاحب عظمت و کرامت! از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری. و یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو یقین پیدا کند، سود می دهی.

(۴) خداوندا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر راستی بمیران و نیازم را از دنیا قطع کن و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده. و توکّل راستین به خود را، به من ارزانی دار.

(۵) از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم و از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم. ترس عبادت کنندگان و پرستش فروتنان برای تو و یقین توکّل کنندگان بر تو و توکّل مؤمنان بر تو را، از تو درخواست می نمایم.

ص: ۱۵۶۱

(۶) أللّهُمّ اجعَل رغبَتي فِی مسألَتي مِثلَ رَغبَهِ أولِيائِک فِی مَسَائِلِهِم، وَ رهَبتِي مِثلَ رَهبَهِ أولِيائِک، وَ استعمِلنِي فِی مَرضَاتِک عَمَلًا لَا أتركُ مَعَهُ شَيئاً مِن دِينِک مَخافَهَ أحَدٍ مِن خَلقِک.(٧) أللّهُمّ هَذِهِ حَاجتي فَأعظِم فِيهَا رغبَتي، وَ أظهِر فِيهَا عذُرِي، وَ لقّنّي فِيهَا حجّتِي، وَ عَافِ فِيهَا جسَدِي.(٨) أللّهُمّ مَن أصبَحَ لَهُ ثِقَهٌ أو رَجَاءٌ غَيرُک،فَقَد أصبَحتُ وَ أنتَ ثِقَتي وَ رجَائِي فِی الأُمُورِ كُلّهَا،فَاقضِ لِي بِخَيرِهَا عَاقِبَهً، وَ نجّنِي مِن مَضَلّاتِ الفِتَنِ بِرَحمَتِک يَا أرحَمَ الرّاحِمِينَ.(٩) وَ صَلّى اللّهُ عَلَى سَيّدِنَا مُحَمّدٍ رَسُولِ اللّهِ المُصطَفَى وَ عَلَى آلِهِ الطّاهِرِينَ.

ص: ۱۵۶۲

(۶) خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان، و ترسم را مانند ترس اولیائت قرار ده. و مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.

(۷) خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان و عذرم را در آن آشکار فرما و حجّتم را در آن به من بفهمان و تنم را در آن عافیت بخش.

(۸) خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. پس آنچه سرانجامش بهترین است را برایم مقدّر فرما و مرا از فتنه های گمراه کننده نجات ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

(۹) و درود خدا بر سرور ما، محمّد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹